



**DİYANET İŞLERİ BAŞKANLIĞI YAYINLARI /**

انتشارات ریاست سازمان امور دینی ترکیه : 2296

**KAYNAK ESERLER /**

کتاب های منبع 280

**GENEL KOORDİNATÖR /** برنامه ریزی و هماهنگی

PROF. DR. HURİYE MARTI / پروفیسور دکتر حوریه مارتی

**YAYIN YÖNETMENİ /** مدیر مسؤل

CAFER TAYYAR DOYMAZ / .....

**YAYIN KOORDİNATÖRÜ /** هماهنگ کننده انتشارات

YUNUS YÜKSEL / یونس یوکسل

**KUR'AN-I KERİM METİN İNCELEME /** بررسی متن قرآن کریم

MUSHAFLARI İNCELEME VE KIRAAT KURULU / کمیته بررسی مصحف و قرائت

**TERCÜME /** ترجمه

احمد بن عبدالرحیم شاه ولی الله دهلوی

**REDAKTE /** به کوشش

مسعود انصاری

ISBN: 978-625-435-401-4

2020-06-Y-0003-2296

SERTİFİKA NUMARASI /

شماره گواهینامه: 12930

YAYIN KURULU KARARI / تصمیم هیئت انتشارات

09.09.2022/137

**1. BASKI /** چاپ اول

ANKARA 2022

**GRAFİK TASARIM /** گرافیک و طراحی

MEHMET ALİ KIRCA / محمد علی کرچا

UĞUR ALTUNTOP / اوغور آلتونتوپ

**BASKI /** چاپ

**TDV/İ**

YAYIN MATBAACILIK TIC. İŞLETMESİ

+90 312 354 91 31

© DİYANET İŞLERİ BAŞKANLIĞI / ریاست سازمان امور دینی ترکیه

**İLETİŞİM /** ارتباط با ما

DİNİ YAYINLAR GENEL MÜDÜRLÜĞÜ / دایره کل انتشارات دینی

ریاست بخش انتشارات در زبان و لهجه های خارجی

YABANCI DİL VE LEHÇELERDE YAYINLAR DAİRE BAŞKANLIĞI

شماره / TEL: (+90 312) 295 72 81 • فاکس / FAKS: (+90 312) 284 72 88

پست الکترونیک / E-MAIL: YABANCIDILLER@DIYANET.GOV.TR

KUR'AN-I KERİM VE FARŞÇA MEALİ

# القرآن الكريم

ترجمه قرآن کریم به فارسی روان



ریاست سازمان امور دینی ترکیه

## ۱. سوره حمد

سوره فاتحه در مکه نازل شده و هفت آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان.
۲. ستایش خدای راست، پروردگار عالمها<sup>۲</sup>.
۳. بخشاینده مهربان.
۴. خداوند روز جزا.
۵. تو را می پرستیم و از تو مدد می طلبیم.
۶. بنما ما را راه راست.
۷. راه آنان که اکرام کرده‌ای بر ایشان، بجز آنان که خشم گرفته شد بر آنها و بجز گمراهان.<sup>۳</sup>

## ۲. سوره بقره

سوره بقره در مدینه نازل شده و آن دوصدو هشتادوشش آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان.
۲. الم.
۳. این کتاب هیچ شبهه<sup>۴</sup> نیست در آن، رهنماست پرهیزگاران را.
۴. آنان که ایمان می آرند به نادیده و برپا می‌دارند نماز را و از آنچه ایشان را روزی داده‌ایم، خرج می‌کنند.
۵. و آنان که ایمان می آرند به آنچه فرود آورده شده به سوی تو و آنچه فرود آورده شده پیش از تو و به آخرت، ایشان یقین دارند.
۶. ایشانند بر هدایت از جانب پروردگار خویش و ایشانند رستگان.
۷. هر آینه آنان که کافر شدند، برابر است بر ایشان، که ترسانی ایشان را یا نترسانی ایشان را، ایمان نیارند.
۸. مهربان خدا بر دل‌های ایشان و بر شنوایی ایشان، و بر چشم‌های ایشان پرده‌ای است و ایشان راست، عذاب بزرگ.
۹. و از مردمان کسی هست که می‌گوید: ایمان آوردیم به خدا و به روز بازپسین و نیستند اینان مؤمنان.

۱ توضیح: ستایش خداوندی را سزاست که پروردگار جهانیان است.

۲ مترجم گوید: یعنی عالم انس و عالم جن و عالم ملائکه و علی‌هذا القیاس (فتح الرحمن).

۳ مترجم گوید: مراد از آنان که اکرام کرده شد بر آنها چهار فرقه‌اند: نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین و مراد از آنان که خشم گرفته شد بر آنها یهوداند و از گمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای ما را (فتح الرحمن).

۴ در اصل متن، شبه آمده است و این تغییر در تمام این ترجمه اعمال شده است.

۹. فریب می‌دهند خدا را و مؤمنان را و به حقیقت نمی‌فریبند مگر خود را و آگاه نمی‌شوند.
۱۰. در دل‌های ایشان بیماری است؛ پس افزون داد به ایشان خدا بیماری و ایشان راست، عذاب درد دهنده؛ به سبب آن‌که دروغ می‌گفتند.
۱۱. و چون گفته شود ایشان را تباہکاری مکنید در زمین، گویند: جز این نیست که ما اصلاح‌کاریم.
۱۲. آگاه شو، به تحقیق ایشانند تباہکاران و لیکن آگاه نمی‌شوند.
۱۳. و چون گفته شود ایشان را که ایمان آرید، چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند: آیا ایمان آریم چنانچه<sup>۱</sup> ایمان آوردند، بی‌خردان؟ آگاه شو به تحقیق ایشانند بی‌خردان، و لیکن نمی‌دانند.
۱۴. و وقتی که ملاقات می‌کنند با اهل ایمان، گویند: ایمان آورده‌ایم و چون تنها شوند با شیاطین خود،<sup>۲</sup> گویند: هر آینه ما با شما ایم، جز این نیست که ما تمسخر می‌کنیم.
۱۵. خدا تمسخر می‌کند به ایشان و مهلت می‌دهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده.
۱۶. ایشان آن کسانند که خریدند گمراهی را عوض هدایت، پس سود نیافت تجارت ایشان و راهیاب نشدند.
۱۷. داستان ایشان مانند داستان کسی است که افروخت آتش را، پس چون روشن کرد آتش، حوالی او را دور ساخت خدا نور، این گروه را و بگذاشت ایشان را در تاریکی‌ها، هیچ نبینند.
۱۸. کرانند، گنگانند، کورانند، پس ایشان باز نمی‌گردند.<sup>۳</sup>
۱۹. یا داستان ایشان، مانند باران بزرگ است آمده از آسمان، که باشد در وی تاریکی‌ها و رعد و برق. درمی‌آرند انگشتان خود را در گوش‌های خود، به سبب آوازه‌های پرهول به ترس مرگ، و خدا احاطه‌کننده است کافران را.
۲۰. نزدیک است که برق بر باید چشم‌های ایشان را، هرگاه روشنی دهد برق ایشان را، راه روند در آن روشنی، و چون تاریکی دهد بر ایشان، بایستند و اگر خواستی خدا، هر آینه بردی شنوایی ایشان را و دیده‌های ایشان را. هر آینه خدا بر همه چیز تواناست.<sup>۴</sup>
۲۱. ای مردمان! بپرستید پروردگار خویش را، آن که آفرید شما را و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند، تا در پناه شوید.<sup>۵</sup>
۲۲. آنکه ساخت برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی و فرود آورد از آسمان آب، پس بیرون آورد به سبب آن از انواع میوه‌ها روزی برای شما، پس مقرر مکنید هم‌تایان برای خدا دانسته.

۱ چنانکه (مصحح).

۲ یعنی رئیس‌ان خود.

۳ مترجم گوید: که حاصل مثل، آن است که اعمال منافقان همه نابود شود، چنانکه روشنی آن جماعت دور شد.

۴ مترجم گوید: که حاصل مثل، آن است که منافقان در ظلمات نفسانی افتاده‌اند و چون مواظب بلیغ شوند فی‌الجمله ایشان را تنبیهی می‌شود و آن فائده نکند مانند مسافران که در شب تاریک و ابر حیران باشند و دربرق دو سه قدم بروند و بایستند؛ والله اعلم.

۵ تا پرهیزگار شوید.

۲۳. و اگر هستید در شبهه از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود (یعنی از قرآن)، پس بیارید یک سوره مانند آن و بخوانید مددکاران خود را بجز خدا، اگر هستید راستگو.
۲۴. پس اگر نکرديد و البته نتوانيد کردن، پس حذر کنید از آن آتش که آتش‌انگیز آن مردمان و سنگ‌ها باشند. آماده کرده است برای کافران.
۲۵. و بشارت ده آن کسان را که ایمان آورده‌اند و کردند کارهای شایسته، به آن که ایشان راست بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها. هرگاه داده شوند از آنجا روزی از قسم میوه، گویند: این همان است که داده شده بودیم پیش از این و آورده شود به ایشان آن روزی، مانند یکدیگر،<sup>۱</sup> و ایشان راست در آنجا زنان پاک کرده شده و ایشان در آنجا جاویدند.
۲۶. هرآینه خدا شرم ندارد از آن که بزند داستان پشه و بالاتر از آن؛ اما آنان که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که این داستان، راست است از پروردگار ایشان. و اما آنان که کافرند، می‌گویند: چه چیز خواسته است خدا به این داستان! خدا گمراه می‌کند به سبب آن بسیاری را و هدایت می‌کند به سبب وی بسیاری را و گمراه نمی‌کند به وی، مگر بدکاران را.
۲۷. آن فاسقان<sup>۲</sup> که می‌شکنند پیمان خدا را بعد بستن آن، و می‌بُرند آنچه خدا فرموده است پیوستن آن و تباهی می‌کنند به زمین، ایشانند زیانکاران.
۲۸. چگونه کافر شوید به خدا و حال آن که بودید بی‌جان، پس زنده گردانید شما را، بعد از آن بمیراند شما را، باز زنده گرداند شما را، باز به سوی وی گردانیده شوید.
۲۹. وی آن است که بیافرید برای شما هرچه در زمین است، یکجا. باز متوجه شد به سوی آسمان؛ پس راست کرد آن هفت آسمان را و او به همه چیز داناست.
۳۰. و یاد کن، چون گفت پروردگار تو به فرشتگان که: من آفریننده‌ام در زمین جانشینی را، گفتند: آیا می‌آفرینی در زمین کسی را که تباهی کند در وی و خون‌ریزی کند، و ما تسبیح می‌کنیم به حمد تو و به پاکی اقرار می‌کنیم برای تو! فرمود: هر آینه من می‌دانم آنچه شما نمی‌دانید.
۳۱. و بیاموخت خدا آدم را نام‌های مخلوقات، تمام آن. بازپیش آورد آن چیزها را بر فرشتگان؛ پس گفت: خبر دهید مرا به نام‌های این چیزها اگر راستگو هستید!
۳۲. گفتند: به پاکی یاد می‌کنیم تو را، هیچ دانش نیست ما را مگر آنچه تو آموختی به ما، هرآینه تویی دانای با حکمت.
۳۳. فرمود: ای آدم! خبر ده فرشتگان را به نام‌های اینها، پس چون خبر داد ایشان را به نام‌های آنها، فرمود: آیا نگفته بودم شما را که هرآینه من می‌دانم پنهان آسمان‌ها و زمین را و می‌دانم آنچه آشکارا می‌کنید و آنچه پوشیده‌می‌داشتید؟
۳۴. و چون گفتیم به فرشتگان: سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگر ابلیس، قبول نکرد و سرکشی نمود و گشت از کافران.
۳۵. و گفتیم: ای آدم! بمان تو و زوجه تو در بهشت و بخورید از بهشت، خوردن بسیار، هر جا که خواهید و نزدیک مشوید به این درخت که خواهید شد از گناهکاران.

۱ یعنی هیزم‌های آن.

۲ یعنی غبار فقدان مرغوب، هیچ ساعت به خاطر ایشان ننشیند؛ والله اعلم.

۳ کافران چون ذکر پشه و عنکبوت در قرآن شنیدند، طعن کردند و گفتند که: خدای تعالی به ذکر این چیزهای خسیس چه اراده کرده است؟! این آیت نازل شد؛ والله اعلم.

۳۶. پس بلغزانید هر دو را شیطان از آنجا، پس برآورد ایشان را از آن نعمت‌ها که بودند در آن، و فرمودیم: فرو روید، بعض شما دشمن باشد بعضی را و شما را هست در زمین آرامگاه و بهره‌مندی تا مدتی.
۳۷. پس فرا گرفت آدم از پروردگار خود، سخنی چند؛ پس بازگشت خدا به مهربانی بر وی، هرآینه اوست بازگردنده مهربان.<sup>۱</sup>
۳۸. فرمودیم: فرو روید از آنجا همه شما؛ پس اگر بیاید به شما از من هدایتی، پس هر که پیروی کرد هدایت مرا، هیچ ترس نیست بر آن جماعت و نه ایشان اندوه خوردند.
۳۹. و کسانی که نگرویدند و دروغ داشتند آیت‌های ما را، ایشانند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند.
۴۰. ای<sup>۲</sup> فرزندان یعقوب! یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتم بر شما و وفا کنید پیمان مرا تا وفا کنم پیمان شما را و از من بترسید.
۴۱. و ایمان آرید به آنچه فرود آورده‌ام، باور کننده آنچه با شماست. و مباشید نخستین منکر او و مستانید عوض آیت‌های من بهایی اندک را و از من حذر کنید.
۴۲. و خلط مکنید راست را با ناراست و پنهان مکنید راست را دانسته.
۴۳. و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و نماز گزایید با نمازگزارندگان.
۴۴. آیا می‌فرمایید مردمان را به نیکوکاری و فراموش می‌کنید خویشان را و شما می‌خوانید کتاب (یعنی تورات). آیا نمی‌فهمید؟
۴۵. و مدد طلبید<sup>۳</sup> به شکیبایی و نماز و هرآینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی‌کنندگان.
۴۶. آنان که می‌دانند که ایشان ملاقات خواهند کرد با پروردگار خویش و آن که ایشان به سوی وی باز خواهند گشت.
۴۷. ای فرزندان یعقوب! یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشته‌ام بر شما و آن که فضل دادم شما را بر همه عالم‌ها.
۴۸. و حذر کنید از آن روز که کفایت نکند هیچ کس از کسی چیزی را، و پذیرفته نشود از هیچ کس شفاعت و گرفته نشود از هیچ کس عوض و نه ایشان یاری داده شوند.
۴۹. یاد کنید نعمت من، آن وقت که رهانیدیم شما را از کسان فرعون؛ می‌رسانیدند به شما سخت‌ترین عذاب را، ذبح می‌کردند پسران شما را و زنده می‌گذاشتند دختران شما را و در این کار، آزمایشی بزرگ بود از پروردگار شما.<sup>۴</sup>
۵۰. و آن وقت که شکافتیم برای شما دریا را، پس خلاص کردیم شما را و غرق ساختیم کسان فرعون را و شما می‌دیدید.

۱ و آن کلمات این است: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: خدای تعالی بنی‌اسرائیل را نعمت‌های خود یادآوری و معجزه‌هایی که در این قوم ظاهر شده بود، ذکر فرمود. آنگاه شبهات و هفوات ایشان را رد کرد به دلایل و این قصه ممتد است تا قوله تعالی وَ إِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ.

۳ یعنی در جمیع حاجات و مصائب؛ والله اعلم.

۴ مترجم گوید: سبب کشتن پسران آن بود که کاهنان، فرعون را خبر داده بودند که در بنی‌اسرائیل پسری پیداشود که باعث برافتادن پادشاهی او گردد.

۵۱. و آن وقت که میعاد مقرر کردیم با موسی چهل شب، پس گرفتید گوساله<sup>۲</sup> را پس از رفتن موسی، و شما ستمکار بودید.
۵۲. پس درگذرانیدیم از شما بعد از این تا بُود که سپاسداری کنید.
۵۳. و آن وقت که دادیم موسی را کتاب و حجت، تا بُود که راه یابید.
۵۴. و آن وقت که گفت موسی قوم خود را: ای قوم من! هرآینه شما ستم کردید بر خویشتان به فراگرفتن گوساله، پس باز آید به سوی آفریدگار خود، بکشید خویشتان را، این بهتر است شما را نزد یک آفریدگار شما. پس خدا بازگشت به مهربانی بر شما، هرآینه اوست بازگرنده مهربان.
۵۵. و آن وقت که گفتید ای موسی! هرگز باور نداریم تو را تا آن که ببینیم خدا را آشکارا، پس گرفت شما را صاعقه و شما می دیدید.
۵۶. باز زنده گردانیدیم شما را پس از مردن شما تا شما شکرگزاری کنید<sup>۴</sup>.
۵۷. و سایه بان ساختیم بر شما ابر را و فرود آوردیم بر شما «من» و «سلوی» را. گفتیم: بخورید از پاکیزه های آنچه دادیم شما را، و ایشان ستم نکردند بر ما و لیکن بر خویش ستم می کردند.
۵۸. و آن وقت که گفتیم: درآید در این دیه<sup>۵</sup>، پس بخورید از آنجا بافرونی هر جا که خواهید، خوردنی گوارنده. و درآید به دروازه، سجده کنان و بگوئید: سؤال ما امرزش است؛ تا بیامرزم شما را گناهان شما و زیاده خواهیم داد، نکوکاران را.
۵۹. پس بدل کردند کسانی که ستمکار بودند سخنی بجز آنچه فرموده شد ایشان را؛<sup>۶</sup> پس فرود آوردیم بر آن ستمکاران، عذابی از آسمان به سبب بدکاربودن ایشان.
۶۰. و آن وقت که آب خواست موسی برای قوم خود، پس گفتیم: بزنی به عصای خود سنگ را! پس روان شد از سنگ، دوازده چشمه، بدانست هر قوم آنچه خود را.<sup>۷</sup> گفتیم: بخورید و بنوشید از روزی خدا و فساد مکنید در زمین، تباهی کنان.
۶۱. و آن وقت که گفتید ای موسی! هرگز شکیبایی نکنیم بر یک طعام، پس بطلب برای ما از پروردگار خود تا بیرون آرد برای ما از آن جنس که می رویندش زمین از تره وی و بادرنگ وی و گندم وی و عدس وی و پیاز وی. گفت موسی: آیا بدل می کنید آنچه وی فروتر است به آنچه وی بهتر است؟! فرو روید به شهری؛ پس هرآینه باشد شما

۱ مترجم گوید: که خدا موسی، علیه السلام، را وعده داد که چهل شب در طور معتکف شود تا تورات عطا فرمایم. درین مدت بنی اسرائیل به اغوای سامری، گوساله پرستی اختیار کردند. خدای تعالی بعد عود موسی حکم فرموده که بعضی ایشان بعضی را بکشند و این توبه ایشان است.

۲ یعنی معبود ساختید.

۳ مترجم گوید: موسی، علیه السلام، هفتاد کس را از بنی اسرائیل با خود بُرد تا با وی کلام الهی استماع نمایند؛ ایشان بعد از شنیدن، خواهان رؤیت شدند و در طلب آن پا از حد ادب بیرون نهادند. خدای تعالی آن همه را به صاعقه بسوخت و باز به دعای موسی زنده ساخت. اشارت به این قصه است این آیت.

۴ بنی اسرائیل مأمور شدند به جهاد عمالقه و ایشان در آن باب تغافل کردند؛ پس معاقب شدند به افتادن در بیابان چهل سال و آنجا چون آب و طعام و خیمه ها مفقود شد، خدای تعالی به دعای موسی، علیه السلام، من و سلوی نازل ساخت و از سنگی دوازده چشمه روان کرد و ابر را سایبان گردانید. قدر این نعمتها نشناختند و کفران نعمت کردند. اشارت بدین قصه است این آیت.

۵ یعنی دیه که در زمان حضرت موسی فتح شده بود.

۶ یعنی به جای حطه. حنطه گفتند.

۷ یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله یک چشمه معین شد؛ والله اعلم.



- را آنچه خواستید و زده شد<sup>۱</sup> بر ایشان خواری و بی‌نوایی و بازگشتند به خشمی از خدا. این به سبب آن است که باور نمی‌داشتند آیت‌های خدا را و می‌کشتند پیغامبران را به ناحق. این به سبب گناه کردن ایشان است و آن که از حد<sup>۲</sup> درمی‌گذشتند.
۶۲. هرآینه آنان که مسلمان شدند و آنان که یهود شدند و ترسایان و بی‌دینان، هر که از ایشان ایمان آرد به خدا و به روز بازپسین و کرد کار شایسته، پس ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان، و نه ترس بود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.<sup>۳</sup>
۶۳. و آن وقت که گرفتیم پیمان شما را و برداشتیم بالای شما طور را، گفتیم: بگریید، آنچه داده‌ایم شما را به استواری<sup>۴</sup> و یاد دارید آنچه در آن است تا بود که در پناه شوید.
۶۴. باز روگردانیدید، بعد از این؛ پس اگر نبودی بخشایش خدا بر شما و مهربانی او، هرآینه می‌شدید از زیانکاران.
۶۵. و هرآینه دانسته‌اید آن کسان را که از حد در گذشتند از شما در شنبه،<sup>۵</sup> پس گفتیم ایشان را: بوزینه شوید، خوار شده.
۶۶. پس ساختیم این قصه را عبرتی برای آن قوم که پیش آن دیه بودند<sup>۶</sup> و آن قوم که پس از ایشان آیند، و پندی پرهیزگاران را.
۶۷. و آن وقت که گفت موسی به قوم خود: هرآینه خدا می‌فرماید شما را به کشتن گاوی، گفتند: آیا ما را مسخره می‌گیری؟! گفت: پناه می‌گیرم به خدا از آنکه باشم از نادانان.
۶۸. گفتند: سؤال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چیست آن گاو! گفت: هرآینه خدا می‌فرماید که هرآینه آن گاوی است نه پیرو نه نازا، میانه است در میان این و آن، پس بکنید آنچه فرموده شدید.
۶۹. گفتند: سؤال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چیست رنگ آن گاو؟ گفت: هرآینه خدا می‌فرماید که وی گاوی است زرد، نیک زرد است رنگ آن، خوش می‌کند بینندگان را.
۷۰. گفتند: سؤال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چه کاره است آن گاو؟ هرآینه گاوان مشبه شدند بر ما، و هرآینه اگر خواسته است خدا، راه یافتگانیم.
۷۱. گفت: هرآینه خدا می‌فرماید که وی گاوی است نه محنت‌کشنده که شوراند زمین را، و نه آب می‌دهد زراعت را، سلامت است؛ هیچ خال نیست در وی. گفتند: الحال آوردی سخن درست؛<sup>۷</sup> پس ذبح کردند و نزدیک نبودند از آن که کنند.

۱ یعنی فرود آورده شد.

۲ حاصل معنی آیت آن که آدمی دراصل از هر فرقه که باشد، چون ایمان آورد از اهل نجات بود؛ خصوصیت فرقه معتبر نیست.

۳ یعنی احکام تورات.

۴ یعنی شکار کردند و شکار کردن در روز شنبه در دین بنی‌اسرائیل حرام بود.

۵ یعنی در آن زمان حاضر بودند.

۶ مترجم گوید: شخصی را از بنی‌اسرائیل کشته یافتند و کشته آن معلوم نبود. خدای تعالی حکم فرمود که گاوی را ذبح کنند و بعضی وی را بر آن مقتول بزنند تا زنده شود و از قاتلان خود خبر دهد. القصه گاو را به مبلغ خطیر خرید کردند و بزدند، مقتول زنده شد و پسران عم خود را نام برد که ایشان کشتند، پس قاتلان را به قصاص رسانیدند، از آن باز قاتل را از میراث محروم ساختند؛ والله اعلم.

۷ توضیح: وی گاوی است که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند و از هر عیبی پاک و نباشد در وی رنگ دیگری.

۷۲. و آن وقت که کشتید شخصی را پس نزاع کردید در وی. و خدا بیرون آورنده است چیزی را که پنهان می کردید.
۷۳. پس فرمودیم: بزنید این شخص را بعضی وی از گاو این طور زنده می کند خدا مردگان را و می نماید شما را نشانه های خود تا بود که دریابید.
۷۴. باز سخت شد دل های شما بعد از این؛ پس آنها مانند سنگند، بلکه زیاده تر در سختی، و هرآینه از سنگ ها آن است که روان می شود از وی جوی ها و هرآینه از سنگ ها آن است که می شکافد، پس بیرون می آید از وی آب و هرآینه از سنگ ها آن است که فرومی افتد از ترس خدا و نیست خدا بی خیر از آنچه می کنید.
۷۵. ای مؤمنان! آیا امید می دارید که یهود، منقاد شوند شما را؟! و هرآینه گروهی از ایشان می شنیدند کلام خدا را (یعنی تورات را) پس بدل می کردندش دانسته، بعد از آن که فهمیده بودند او را.
۷۶. و چون ملاقات کنند با مؤمنان، گویند: ایمان آوردیم، و چون تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی<sup>۱</sup> گویند: آیا خبر می دهید ایشان را به آنچه گشاده است خدا بر شما، تا مناظره کنند با شما به آن دلیل نزد پروردگار شما، آیا در نمی یابید؟
۷۷. [این جهولان] آیا نمی دانند که خدا می داند آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکارا می نمایند؟
۷۸. و بعضی از ایشان ناخواندگانند، نمی دانند کتاب را؛ لیکن می دانند آرزوهای باطل را و نیستند مگر گمان کننده.
۷۹. پس وای آن کسان را که می نویسند نوشته به دستهای خود، باز می گویند: این از نزدیک خداست تا بستانند عوض وی بهایی اندک را، پس وای ایشان را به سبب نوشتن دست های ایشان و وای ایشان را به سبب پیشه گرفتن ایشان!
۸۰. و گفتند: نرسد به ما آتش دوزخ مگر چند روز شمرده شده. بگو: آیا گرفتید از پیش خدا پیمانی تا هرگز خلاف نکند پیمان خود را؟! آیا می گویند بر خدا آنچه نمی دانید؟!<sup>۲</sup>
۸۱. آری! هر که کرد کار بد و به گرد آمده او را گناه او، پس ایشانند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند.
۸۲. و کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته، ایشانند باشندگان بهشت؛ ایشان در آنجا جاویدند.
۸۳. و آنگاه که گرفتیم پیمان بنی اسرائیل را، که نپرستید مگر خدا را، و به والدین نکویی کنید و به اهل قرابت و یتیمان و بینوایان. و بگویند به مردمان، سخن نیک و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را، پس برگشتید روگردان شده؛ مگر اندکی از شما.
۸۴. و آنگاه که گرفتیم پیمان شما را که مرزید خون یکدیگر را و بیرون مکنید قوم خویش را از خانه های خویش، پس قبول کردید حاضر آمده.
۸۵. باز شما آن گروهید که می کشید قوم خویش را و بیرون می کنید گروهی را از قوم خود از خانه های ایشان، یکی مددکار دیگری می شوید بر ستم کردن در حق ایشان به گناه و تعدی، و اگر اسیر شده به شما می آیند، فدا می دهید عوض ایشان و حال

۱ یعنی با رئیسان خویش.

۲ یعنی نعمت پیغمبر آخر الزمان.

۳ مترجم گوید: یکی از عقائد باطله یهود آن بود که می گفتند یهود نباشند در دوزخ مگر روزی چند و این خطا است؛ زیرا که دخول جنت، موقوف بر ایمان به خدا و روز قیامت و پیغامبر آخر زمان است، جنس یهود و غیر آن اعتبار ندارد و اشارت به همین معنی است درین آیت: والله اعلم.

آن که حرام است بر شما بیرون کردن ایشان. آیا ایمان می‌آرید به پاره‌[ای] از کتاب و کافر می‌شوید به پاره‌[ای]؟! پس چیست جز[ای] آن که چنین کند از شما، مگر خواری در زندگانی دنیا و روز قیامت گردانیده شوند به سوی سخت‌ترین عذاب، و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید.<sup>۱</sup>

۸۶ ایشان آن کسانی که خریدند زندگانی دنیا را عوض آخرت، پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب، و نه ایشان یاری داده شوند.

۸۷ و هرآینه دادیم موسی را کتاب و از پی درآوردیم بعد از وی پیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم را نشانه‌هایی روشن و قوت دادیم او را به روح‌القدس (یعنی جبرئیل) آیا هرگاه آورد پیغامبری نزد شما آنچه دوست ندارد نفس‌های شما، سرکشی کردید؟! پس گروهی را دروغگو داشتید و گروهی را کشتید.

۸۸ و گفتند: دل‌های ما در پرده است، بلکه نفرین کرده است ایشان را خدا به سبب کفر ایشان، پس اندکی ایمان آرند.

۸۹ و آنگاه که آمد به ایشان کتاب از نزدیک<sup>۲</sup> خدا، باور کننده آنچه با ایشان است و پیش از این طلب فتح می‌کردند بر مشرکان، پس هرگاه آمد به ایشان آنچه می‌دانستند، منکر شدند وی را؛ پس لعنت خداست بر آن کافران.<sup>۳</sup>

۹۰ بد چیز است آنچه فروختند عوض وی خویشتن را که کافر شوند به آنچه فرود آورده است خدا، به سبب حسد بر آن که فرود آورد خدا به رحمت خود بر هر که خواهد از بندگان خود؛ پس باز گشتند به خشمی بالای خشمی و کافران را است عذاب خوار کننده.

۹۱ و چون گفته شود ایشان را ایمان آرید به آنچه فرود آورده است خدا، گویند: ایمان می‌آریم به آنچه فرود آورده شد بر ما و ایشان کافر می‌شوند به آنچه بجز وی است، حال آن که او راست است، باور کننده آنچه با ایشان است. بگو: پس چرا می‌کشتید پیغمبران خدا را پیش از این، اگر مؤمن بودید؟

۹۲ و هرآینه آمد به شما موسی به نشانه‌هایی روشن؛ پس گرفتید گوساله را پس از آن، و شما ستمکار بودید.

۹۳ و آنگاه که گرفتیم پیمان شما و برداشتیم بالای شما طور را، گفتیم: بگیریید آنچه دادیم شما را به قوت و بشنوید. گفتند: شنیدیم و نافرمانی کردیم و در خور کرده شد در دل‌های ایشان دوستی گوساله را به سبب کافر بودن ایشان. بگو: بد چیز است آنچه می‌فرماید شما را ایمان شما، اگر هستیید از اهل ایمان.

۱ یعنی: منع کرده شدند از کشتن و جلا وطن کردن و در ظلم، مددکاری نمودن و فرموده شدند به فدای اسیران و ایشان ازین همه احکام به فدای اسیران عمل کردند و بس؛ زیرا که موافق نفس ایشان افتاد و این طاعت نفس است، طاعت خدا نیست.

۲ مترجم گوید: و دیگر از قبائح یهود آن بود که می‌گفتند: «قلوبنا غلف» یعنی: در دین خود آن قدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی‌یابد و این خطا است که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد و جهل بود نه تقوی؛ زیرا که آثار تقوی هیچ‌گاه از ایشان ظاهر نمی‌شد و اشارت به همین معنی است درین آیات.

۳ یعنی قرآن.

۴ تعریض است به آن قصه که: یهود خبیر با غطفان جنگ می‌کردند و هزیمت می‌یافتند؛ آخر دعا کردند که بهطفیل محمد، نبی امی، که خروج او در آخر زمان موعود است؛ ما را نصرت ده؛ بعد از آن فتح یافتند.

۵ یعنی به زبان حال.

۶ دیگر از تحریفات یهود آن بود که می‌گفتند که داخل نخواهد شد در بهشت هیچ کس مگر یهود و این خطاست؛ زیرا که علامت بهشتیان مشتاق شدن به ملاقات خداست و ایشان از مرگ هراسان بودند. و

۹۴. بگو: اگر هست شما را سرای بازپسین نزد خدا به تخصیص، بجز از مردمان دیگر، پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگو.
۹۵. و هرگز آرزو نکنند او را هیچ‌گاه به سبب آنچه پیش فرستاده است دست‌های ایشان، و خدا داناست به ستمکاران.
۹۶. و هرآینه بیابی ایشان را حریص‌ترین مردم بر زندگانی و حریص‌تر از آنان که مُشرک‌اند. دوست می‌دارد یکی از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال و نیست رهننده وی از عذاب، آن که عمر داده شود و خدا بیناست به آنچه می‌کنند.
۹۷. بگو: هر که باشد دشمن جبرئیل را [چه زیان می‌کند]؛ پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن به حکم خدا، باور دارنده آنچه پیش [از] وی است و رهنما و مژده دهنده اهل ایمان را.
۹۸. هر که باشد دشمن، خدا را و فرشتگان وی را و پیغامبران وی را و جبرئیل و میکائیل را، پس هرآینه خدا دشمن است آن کافران را.
۹۹. هرآینه فرود آوردیم ما به سوی تو نشانه‌هایی روشن و کافر نمی‌شوند به آنها مگر بدکاران.
۱۰۰. آیا هرگاه بستند پیمانی را، برانداخت آن را گروهی از ایشان؟ بلکه اکثر ایشان باور نمی‌دارند.
۱۰۱. و هرگاه که آمد به ایشان پیغامبری از نزد خدا، باور دارنده آنچه با ایشان است، افکند گروهی از آن قوم که داده شده‌اند کتاب، آن کتاب خدا را پس پشت خویش، گویا نمی‌دانند.
۱۰۲. و پیروی کردند آنچه می‌خوانند شیطانان در سلطنت سلیمان، و کافر نشد سلیمان ولیکن شیطانان کافر شدند. می‌آموختند مردمان را جادو و پیروی کردند به آنچه فرود آورده شد بر دو فرشته در بابل، هاروت و ماروت و نمی‌آموزند هیچ کس را تا آن که گویند: جز این نیست که ما بلاییم، پس کافر مشو. پس یاد می‌گیرند از ایشان افسونی که جدایی می‌افکنند به سبب وی در میان مرد و زن او، و نیستند ایشان زیان رساننده به سحر، هیچ کس را مگر به اراده خدا، و ایشان می‌کردند آنچه زیان می‌رساند ایشان را و سود ندهد ایشان را. و هرآینه دانسته‌اند هر که بستاند جادو، نیست او را در آخرت هیچ بهره و هرآینه بد چیز است آنچه فروختند عوض آن خویشان را، کاش می‌دانستند
۱۰۳. و اگر ایشان ایمان می‌آوردند و تقوی می‌کردند، هرآینه ثواب از نزدیک خدا بهتر بودی، کاش می‌دانستند
۱۰۴. ای مؤمنان! مگویید: «راعنا» و بگویید: «انظرننا» و نیک بشنوید و کافران راست عذاب درد دهنده.<sup>۳</sup>

اشارت به همین معنی است در این آیت.

- ۱ دیگر از هفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن می‌داشتند که عذاب بر امم سابقه فرود آورده؛ این خطا است که جبرئیل مأمور است از بارگاه حق عزوجل وی را چه اختیار!
- ۲ دیگر از هفوات یهود آن بود که سحر می‌کردند و سلیمان، علیه‌السلام، را ساحر می‌دانستند. این افترا بود بر سلیمان، علیه‌السلام، و اشارت به همین معنی است درین آیت.
- ۳ دیگر از هفوات یهود آن بود که در مجلس پیغامبر، آمده لفظ «راعنا» می‌گفتند و این لفظ را دو معنی است: یکی آنکه رعایت کن ما را و شفقت کن بر ما، دیگر رعونت دارنده یعنی ابله و قصد ایشان سب بود. حق سبحانه، مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد برای سد باب فساد و اشارت به همین معنی است درین آیت.

۱۰۵. دوست نمی‌دارند آنان که کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان، که فرود آورده شود بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما و خدا مخصوص می‌کند بخشایش خود هر که را خواهد و خدا، خداوند فضل بزرگ است.
۱۰۶. هر چه نسخ می‌کنیم از آیینی یا فراموش می‌گردانیم آن را، می‌آریم بهتر از وی یا مانند وی. آیا ندانسته‌ای که خدا بر همه چیز تواناست؟<sup>۱</sup>
۱۰۷. آیا ندانسته‌ای که خدا راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و نیست شما را بجز وی هیچ دوست و نه یاری دهنده؟
۱۰۸. آیا می‌خواهید که سؤال کنید پیغامبر خود را چنانکه سؤال کرده شد موسی پیش از این؟ و هر که بستاند کفر را عوض ایمان، پس هرآینه گم کرد راه میانه را.
۱۰۹. دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که کافر گردانند شما را بعد از ایمان شما به سبب حسد از نزد نفوس خود، پس از آن که واضح شد بر ایشان حق؛ پس درگذرانید و روبگردانید تا آن که آرد خدا فرمان خود را،<sup>۲</sup> هرآینه خدا بر همه چیز تواناست.
۱۱۰. و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و آنچه پیش می‌فرستید برای خویشتن از نیکوکاری، خواهید یافت آن را نزد خدا؛ هرآینه خدا به آنچه می‌کنید بینا است.
۱۱۱. و گفتند: هرگز به بهشت درنیاید مگر آن که یهود باشد یا ترسا باشد. این آرزوهای باطله ایشان است. بگو: آرید دلیل خود را، اگر هستید راستگو.
۱۱۲. بلی! هر که متقاد کرد روی خود را برای خدا و وی نیکوکار باشد، پس او راست‌مزد او نزد پروردگار خویش و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.
۱۱۳. و گفتند<sup>۳</sup> یهود: نیستند ترسایان بر هیچ چیز و گفتند ترسایان: نیستند یهود بر هیچ چیز، و ایشان همه می‌خوانند کتاب را. همچنین گفتند آنان که نمی‌دانند<sup>۴</sup> مانند قول ایشان. پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می‌کنند در آن.
۱۱۴. و کیست ستمکارتر از آن که منع کرد مسجدهای خدا را از آن که یاد کرده شود نام خدا در آن، و کوشش کرد در ویرانی آنها. این گروه نمی‌سزد ایشان را که درآیند به مسجدها مگر هراسان؛ ایشان راست در دنیا، خواری و ایشان راست در آخرت، عذاب بزرگ.<sup>۵</sup>
۱۱۵. و خدا راست، مشرق و مغرب؛ هر سو که روآرید، همان سو است روی خدا، هرآینه خدا فراخ نعمت دانا است.<sup>۶</sup>
۱۱۶. گفتند: بگرفت خدا فرزند را، پاکی او راست، بلکه او راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، هر کسی برای وی فرمانبردارند.<sup>۷</sup>
۱۱۷. آفریننده آسمان‌ها و زمین است و چون می‌کند کاری، پس جز این نیست که می‌گوید آن را: بشو، پس می‌شود.

۱ مترجم گوید: درین آیت تعریض است به جواب یهود که انکار نسخ می‌کردند؛ والله اعلم.

۲ یعنی امر کند به جهاد ایشان؛ والله اعلم.

۳ دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که هر فرقه از یهود و نصاری دیگر را انکار می‌کرد و اشارت به هم

۴ یعنی مشرکان گفتند. بن معنی است درین آیت.

۵ درین آیت، تعریض است به کفار مکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان؛ والله اعلم.

۶ دیگر از هفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت‌المقدس منسوخ شد، استهزا می‌کردند. اشارت به همین

معنی است درین آیت.

۷ دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که یهود، عزیز را و نصاری، عیسی را پسر خدا می‌گفتند. در ردّ ایشان خدای تعالی این آیت نازل کرد.

۱۱۸. و گفتند: آنان که هیچ نمی‌دانند (یعنی مشرکان) چرا با ما سخن نمی‌گویند خدا؟ یا نمی‌آید به ما نشانه‌ای؟ همچنین گفتند کسانی که پیش از ایشان بودند، مانند قول ایشان به یکدیگر مشابهت دارند دل‌های ایشان، هرآینه بیان کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که یقین می‌کنند.

۱۱۹. هرآینه ما فرستادیم تو را به راستی، مژده دهنده و بیم کننده، و پرسیده نخواهد شد تو را از اهل دوزخ.

۱۲۰. و هرگز خشنود نشوند از تو یهودان و نه ترسایان، تا آن که پیروی کنی کیش ایشان را. بگو: هرآینه هدایت خدا، همان است هدایت. و اگر پیروی کردی آرزوهای باطله ایشان را پس از آنچه آمده است به تو از دانش، نباشد تو را برای خلاص از عذاب خدا هیچ دوستی و نه یاری دهنده‌ای.

۱۲۱. آنان که دادیم ایشان را کتاب (یعنی تورات)، آنان که می‌خوانند آن را حق خواندن آن، ایشان باور می‌دارند هدایت خدا را. و هر که منکر وی باشد، پس ایشانند زانکاران.<sup>۱</sup>

۱۲۲. ای بنی‌اسرائیل! یاد کنید آن نعمت مرا که انعام کرده‌ام بر شما و آن که فضل دادم شما را بر همه عالم‌ها.

۱۲۳. و حذر کنید از آن روز که کفایت نکند کسی از کسی چیزی را و پذیرفته نشود از کسی بدل و سود ندهد او را شفاعت و نه ایشان یاری داده شوند.<sup>۲</sup>

۱۲۴. و یاد کن، چون بیامود ابراهیم را پروردگار او به سخنی چند، پس ابراهیم به انجام رسانید آنها را گفت خدا: هرآینه من می‌گردانم تو را پیشوای مردمان. گفت ابراهیم: و از اولاد من نیز پیشوایان پیدا کن. فرمود: نرسد وحی من به ظالمان.

۱۲۵. و آنگاه که ساختیم کعبه را مرجع مردمان و محل امن، و بگیرید نمازگاه از جای قدم ابراهیم. و وحی فرستادیم به سوی ابراهیم و اسماعیل که پاک سازید خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع سجده کنندگان.

۱۲۶. و آنگاه که گفت ابراهیم: ای پروردگار من! بساز این مکان را شهر با امن و روزی ده ساکنان آن را از میوه‌ها و روزی ده آن را که ایمان آورد از ایشان به خدا و روز بازپسین. فرمود خدا: و کسی که کافر شود، بهره‌مند گردانمش اندکی؛ پس به بیچارگی برانم او را به سوی عذاب آتش و آن بدجایی است.

۱۲۷. و آنگاه که بلند می‌کردند ابراهیم و اسماعیل بنیادهای خانه را گفتند: ای پروردگار ما! قبول کن از ما، هرآینه تویی [ی] دانا.

۱۲۸. ای پروردگار ما! و بکن ما را فرمانبردار خودت و از اولاد ما بکن گروهی منقاد خودت و بنما ما را طریق عبادت‌های ما و به مهربانی باز آ بر ما، هرآینه تویی باز آینده مهربان.

۱۲۹. ای پروردگار ما! بفرست در میان ایشان پیغامبری از ایشان، بخواند بر ایشان آیت‌های تو و بیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاک کند ایشان را؛ هرآینه تویی توانا [ی] دانا.

۱۳۰. و کیست که روبگرداند از کیش ابراهیم مگر آن که در احمقی افگند نفس خود را و هرآینه برگزیدیم او را در این سرای و هرآینه او در سرای دیگر از شایستگان است.

۱ یعنی آنانکه تورات را می‌فهمند، تصدیق شریعت محمدیه می‌کنند و آنانکه تصدیق نمی‌کنند، تورات را نمی‌فهمند.

۲ مترجم گوید: ازین جا تا «سبِقُولِ السَّفَهَاءِ» خدای تعالی اثبات می‌فرماید نبوت پیغمبر ما را، صلی‌الله‌علیه‌وسلم، از قصه دعای حضرت ابراهیم که در تورات مذکور است و ترجیح می‌دهد ملت حنیفیه را که حضرت پیغمبر برای آن معوث‌اند و رد می‌کند قول یهود را که حضرت یعقوب ما را به یهودیت وصیت کرده است و از تفریق در انبیا نهی می‌فرماید؛ یعنی معتقد بعضی باشد و منکر بعضی.

۱۳۱. آنگاه که گفت او را پروردگار او که: منقاد شو، گفت: منقاد شدم مر پروردگار عالم‌ها را.
۱۳۲. و وصیت کرد به این کلمه ابراهیم، پسران خود را و یعقوب نیز فرزندانش را: ای فرزندان من! هرآینه خدا برگزیده است برای شما این دین را، پس از این جهان نمیرید، مگر مسلمان شده.
۱۳۳. آیا حاضر بودید آنگاه که پیش آمد یعقوب را موت، آنگاه که گفت فرزندان خود را: چه چیز را عبادت خواهید کرد بعد از من؟ گفتند: عبادت کنیم معبود تو را و معبود پدران تو را که ابراهیم و اسماعیل و اسحاقند، عبادت کنیم آن معبود یگانه را و ما او را منقادیم.
۱۳۴. این گروهی است که درگذشت، وی راست آنچه کردند و شما راست آنچه کردید و شما پرسیده نخواهید شد از آنچه آن گروه می‌کردند.
۱۳۵. و گفتند: شوید یهود یا ترسا تا راه بیابید، بگو: بلکه به ملت ابراهیم هستیم که حنیف بود و نبود از اهل شرک.
۱۳۶. بگویید: ایمان آوردیم به خدا و به آنچه فرود آورده شده به سوی ما و آنچه فرود آورده شده به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و ذریت یعقوب و به آنچه داده شد موسی و عیسی را و آنچه داده شدند پیغامبران از پروردگار خویش، تفریق نمی‌کنیم در میان هیچ‌کس از ایشان و ما برای حق، عزوجل، منقادیم.
۱۳۷. پس اگر باور دارند اهل کتاب آنچه باور داشتید شما، پس راه یافتند و اگر برگشتند، پس جز این نیست که ایشان در مخالفتند. پس زود باشد که کفایت کند خدا به انتقام تو ایشان را و اوست شنوای [ی] دانا.
۱۳۸. قبول کردیم رنگ خدا را و کیست بهتر از خدا به اعتبار رنگ و ما او را پرستندگانیم.
۱۳۹. بگو: آیا مکابره می‌کنید با ما در باب خدا و او پروردگار ما و شماست؟ و ما راست، کردارهای ما و شما راست، کردارهای شما و ما او را به اخلاص پرستندگانیم.
۱۴۰. آیا می‌گویید که: هرآینه ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نبیرگان او یهود بودند یا ترسا بودند؟ بگو: شما داناترید یا خدا! و کیست ستمکارتر از آن که بپوشد آن گواهی را که نزد اوست از جانب خدا، و نیست خدا بی‌خبر از آنچه که می‌کنید.
۱۴۱. این گروهی است که درگذشت، وی راست آنچه کردند و شما راست آنچه شما کردید و پرسیده نخواهید شد از آنچه ایشان می‌کردند.
۱۴۲. خواهند گفت بی‌خردان از مردم: چه چیز برگردانید ایشان را از آن قبله که ایشان بودند بر آن (یعنی از بیت‌المقدس). بگو خدا راست، مشرق و مغرب؛ راه می‌نماید هر که را خواهد به سوی راه راست.
۱۴۳. و همچنین ساختیم شما را گروهی مختار تا گواه باشید بر مردمان و تا باشد رسول گواه بر شما، و مقرر نکردیم آن قبله را که بودی بر آن (یعنی بیت‌المقدس را) مگر برای آن که بدانیم کسی را که پیروی پیغمبر کند، جدا از آن کس که بازگردد بر هر دو پاشنه، و هرآینه هست این خصالت، دشوار مگر بر آنان که ایشان را راه نموده است خدا، و خدا ضایع نمی‌سازد گرویدن شما را، هرآینه خدا به مردمان بخشاینده مهربان است.

۱۴۴. به تحقیق می‌بینیم گشتن روی تو در جانب آسمان، پس البته متوجه گردانیم تو را به آن قبله که خشنود می‌شوی به آن؛ پس متوجه گردان روی خود را به طرف مسجد حرام و هر جا که باشی پس متوجه گردانید روی‌های خویش را به طرف آن، و هر آینه اهل کتاب می‌دانند که این راست از پروردگار ایشان و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنند.

۱۴۵. و هر آینه اگر بیاری پیش اهل کتاب هر نشانه‌ای، هرگز پیروی نکنند قبله تو را و نیستی تو پیروی‌کننده، قبله ایشان را؛ و نیستند بعضی ایشان، پیروی کننده قبله بعض دیگر را و اگر تو پیروی کنی خواهش‌های نفسانی ایشان را بعد آنچه آمده است به تو از دانش، هر آینه تو باشی آنگاه از ستمکاران.

۱۴۶. کسانی که دادهایم ایشان را کتاب، می‌شناسند آوی را چنانکه می‌شناسند فرزندان خویش را و هر آینه گروهی از ایشان، می‌پوشند حق را دانسته.

۱۴۷. این درست است از پروردگار تو، پس مباش از شک آرنندگان.

۱۴۸. و هر کسی را جانی هست که وی متوجه آن است، پس شتاب کنی به سوی نیکی‌ها، هر جا که باشی بیار د شما را خدا جمع ساخته، هر آینه خدا بر همه چیز تواناست.

۱۴۹. و هر جا که روی پس متوجه کن روی خود را جانب مسجد حرام و هر آینه وی راست است از پروردگار تو و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید.

۱۵۰. و هر جا که روی پس متوجه کن روی خود را جانب مسجد حرام و هر جا که باشید، پس متوجه کنید روه‌های خویش را جانب وی، تا نباشد مردمان را الزام بر شما، مگر آنان که ستم کردند از این جماعت، پس مترسید از ایشان و بترسید از من و تا تمام کنم نعمت خود را بر شما و تا بود که راه یابید.

۱۵۱. چنانکه فرستادیم پیغامبری در میان شما از قوم شما، می‌خواند بر شما آیت‌های ما و پاک می‌سازد شما را و می‌آموزد شما را کتاب و حکمت و می‌آموزد شما را آنچه نمی‌دانستید.

۱۵۲. پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و سپاس گوید مرا و ناسپاسی من مکنید.

۱۵۳. ای مسلمانان! مدد جوید در تحصیل ثواب آخرت به صبر و نماز و هر آینه خدا با صابران است.

۱۵۴. و مگوید کسی را که کشته شود در راه خدا که ایشان مردگانند، بلکه ایشان زنده‌اند ولیکن شما آگاه نمی‌شوید.

۱۵۵. و هر آینه بیازماییم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و نقصان مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها و بشارت ده صابران را.

۱۵۶. آنان که چون برسد بدیشان سختی، گویند: هر آینه ما از آن خداییم و هر آینه ما به سوی وی بازخواهیم گردید.

۱۵۷. این گروه، بر ایشان است درووها از پروردگار ایشان و بخشایش، و ایشانند راه‌یافتگان.

۱ یعنی آنچه در سابق، علم الهی مقرر شد، آن است که قبله امت محمد مصطفی، صلی‌الله علیه و سلم، کعبه باشد و توجه به بیت‌المقدس یک چند مدت بنا بر حکمت، امتحان است.

۲ بعضی از عالمان، از ضمیر «یَعْرِفُونَهُ» پیغمبر را مراد گرفته‌اند؛ والله اعلم (مصحح).

۳ یعنی حقیقت استقبال کعبه را.

۴ مترجم گوید: در تورات مذکور است که امتی از بنی‌اسرائیل پیدا خواهد شد که تعظیم کعبه کند پس توجه آنحضرت، صلی‌الله علیه و سلم، به کعبه حجت باهره است بر صدق نبوت آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، نزدیک اجبار یهود، اگرچه سفهای یهود طعن کنند که قبله انبیا را گذاشت؛ والله اعلم. (فتحالرحمن.)



۱۵۸. هر آینه صفا و مروه از نشانه‌های خدا است؛ پس هر که حجّ خانه کند یا عمره بجا آورد، پس بزه نیست بروی در آن که طواف کند در میان این هر دو<sup>۱</sup> و هر که نیکی بجا آرد، پس خدا قبول کننده داناست.
۱۵۹. هر آینه آنان که می‌پوشند آنچه فرود آورده‌ایم از سخنان روشن و هدایت، بعد از آن که بیان کردیم آن را برای مردمان در کتاب، آن گروه لعنت می‌کند ایشان را خدا و لعنت می‌کند ایشان را لعنت‌کنندگان.
۱۶۰. مگر کسانی که توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند و بیان کردند؛ پس این گروه، به مهربانی بازمی‌گردم بر ایشان و منم بازگردنده مهربان.
۱۶۱. هر آینه آنان که کافر شدند و کافر مردند، آن گروه، بر ایشان است لعنت خدا و فرشتگان و مردمان، همه یکجا.
۱۶۲. همیشه باشند در آن لعنت، سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند.
۱۶۳. و معبود شما، خدای یگانه است، نیست هیچ معبود بجز وی، بخشاینده مهربان است.
۱۶۴. هر آینه در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز و آن کشتی که می‌رود در دریا به آنچه سود می‌دهد مردم را (یعنی به تجّارت) و در آن که فرود آورد خدا از آسمان آب، پس زنده ساخت به سبب آن زمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت در زمین، هر نوع جنبنده، و در گردانیدن بادها و در ابر رام کرده شده میان آسمان و زمین، هر آینه نشانه‌هاست آن گروه را که درمی‌یابند.
۱۶۵. و از مردمان کسی هست که می‌گیرد بجز خدا هم‌تایان را، دوست می‌دارند ایشان را مانند دوستی خدا، و کسانی که ایمان آوردند، قوی‌ترند در دوستی خدا و عجب کند بیننده اگر ببیند کسانی را که ستم کردند در آن حالت که معاينه کنند عذاب را به سبب آن که توانایی خدا راست تمام آن و به سبب آن که خدا سخت عقوبت است.
۱۶۶. در آن حالت که بیزار شوند پیشوایان کفر از تابعان و ببینند عذاب را و بریده شود به نسبت ایشان همه اسباب (یعنی وسیله‌ها).
۱۶۷. و گویند پیروی کنندگان: کاش ما را بازگشتی باشد تا بیزاری کنیم از آن پیشوایان، چنانکه بیزار شدند ایشان از ما. همچنین بنماید خدا در نظر ایشان کردارهای ایشان را پشیمانی‌ها بر ایشان و نیستند ایشان بیرون آیندگان از دوزخ.
۱۶۸. ای مردمان! بخورید حلال و پاکیزه را از آنچه در زمین است و پیروی مکنید گام‌های شیطان را، هر آینه او شما را دشمن آشکار است.<sup>۲</sup>
۱۶۹. جز این نیست که می‌فرماید شما را به بدکاری و بی‌حیایی و به آن که افترا کنید بر خدا آنچه نمی‌شناسید.
۱۷۰. و چون گفته شود ایشان را: پیروی کنید آن را که فرود آورده است خدا، گویند: بلکه پیروی می‌کنیم چیزی را که یافته‌ایم بر وی پدران خویش را. آیا تقلید می‌کنند، اگر چه پدران ایشان نمی‌فهمیدند چیزی را و راه نمی‌یافتند؟

۱ بعض اهل اسلام، صفا و مروه را از شعائر طوافیت گمان کرده از آن دست بازداشتند پس نازل شد این آیه.

۲ مترجم گوید: اهل جاهلیت چیزها را نزد خویش حرام ساخته بودند به حائر و سوانب، خدای تعالی در ردّ ایشان نازل کرد (فتح‌الرحمن).

۱۷۱. و داستان پند دادن کافران، مانند حال کسی است که بانگ می‌زند آن چیز را که نمی‌شنود مگر فی‌الجمله خواندن و آواز بلند کردن. کافران کرائند، گنگانند، کورانند، پس ایشان هیچ نمی‌فهمند.

۱۷۲. ای مسلمانان! بخورید از پاکیزه‌ها آنچه روزی دادیم شما را و سپاس گوید خدا را، اگر او را می‌پرستید.

۱۷۳. جز این نیست که حرام کرده است بر شما مردار را و خون را و گوشت خوک را و آنچه آواز بلند کرده شود در ذبح آن به غیر خدا. پس هر که بی‌چاره شود نه تعدی کننده و نه از حد در گذرنده، پس گناه نیست بر وی.<sup>۱</sup> هرآینه خدا آمرزنده مهربان است.<sup>۲</sup>

۱۷۴. هرآینه کسانی که می‌پوشند آنچه فرود آورده است خدا از کتاب و می‌ستانند عوض آن بهایی اندک، آن جماعت نمی‌خورند در شکم‌های خود، مگر آتش را و سخن نگویند با ایشان خدا روز قیامت و نه پاک کند ایشان را و ایشان راست عذاب درد دهند.

۱۷۵. ایشانند آنان که خرید کردند گمراهی را عوض هدایت و عذاب را عوض آمرزش، پس چه شکیبایند ایشان بر دوزخ!

۱۷۶. این همه به سبب آن است که خدا فرود آورد کتاب را به راستی، و هرآینه آنان که اختلاف کردند در کتاب، هرآینه در مخالفت، دورند از صواب.

۱۷۷. نیست نکوکاری آن که متوجه کنید روهای خود را به طرف مشرق و مغرب<sup>۳</sup> ولیکن صاحب نکوکاری آن است<sup>۴</sup> که باور دارد خدا را و روز قیامت را و فرشتگان را و کتاب را و پیغامبران را و بدهد مال را با وجود دوست داشتن آن مال، خداوندان خویشی را و یتیمان را و فقیران را و مسافران را و سؤال کنندگان را و خرج کند در باب برده‌ها<sup>۵</sup> و برپا دارد نماز را و بدهد زکات را، و وفا کنندگان بر عهد خویش چون عهد کنند و صبر کنندگان در تنگ‌دستی و سختی و به وقت کارزار، ایشانند راستگو و ایشانند پرهیزگاران.

۱۷۸. ای مسلمانان! لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان،<sup>۶</sup> آزاد در مقابل آزاد است<sup>۷</sup> و بنده در مقابل بنده و زن در مقابل زن، پس کسی که در گذشته شد او را چیزی از خون برادرش،<sup>۸</sup> پس حکم آن پیروی کردن است به نیکویی<sup>۹</sup> و رسانیدن خون‌بهاست

۱ یعنی در خوردن آن چیزها.

۲ مترجم گویند: که اگر گویی که درین آیت حصر کرده شد تحریم را در اشیای مذکوره، حال آنکه در حدیث، سباعو حمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است، پس وجه تطبیق چه باشد؟ گویم: حصر اضافی است به نسبت به حائر و سواتب که حرام می‌دانستند. پس در بهیمة الانعام هیچ چیز حرام نیست غیر اشیای مذکوره و در خبائث و سباع و مانند آن سخن نداشتند؛ والله اعلم.

۳ یعنی توجه جهت مشرق و مغرب چنانکه یهود و نصاری زعم می‌کنند، نیکوکاری نیست، بلکه منسوخ شده است.

۴ یعنی صاحب آن نیکوکاری که ملت‌ها در آن اختلاف ندارند (فتح).

۵ یعنی در آزادی یا خلاصی بندگان مکاتب.

۶ یعنی اعتبار مماثلت در کشتگان.

۷ یعنی مثل اوست در حکم.

۸ یعنی چیزی از خون مسلمان مقتول.

۹ یعنی وی دم به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی.

- به وی به خوش‌خوبی.<sup>۱</sup> این حکم سبک کردن است از سوی پروردگار شما و مهربانی است، پس هر که از حد گذرد بعد از این، وی راست عذاب درد دهنده.
۱۷۹. و شما را به سبب قصاص، زندگانی است ای خداوندان خرد، تا باشد که پرهیزگاری کنید.<sup>۲</sup>
۱۸۰. لازم کرده شد بر شما وقتی که پیش آید کسی را از شما موت، اگر مال بگذارد، وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان به نیکویی؛ لازم شد این کار بر متقیان.
۱۸۱. پس هر که بدل کند وصیت را بعد از آن که شنیدش، پس جز این نیست که گناه تبدیل بر آن کسان است که بدل می‌کنند آن وصیت را، هرآینه خدا شنوای داناست.
۱۸۲. پس هر که دریابد از وصیت‌کننده، ظلمی یا گناهی، پس صلاح آرد در میان ایشان، هیچ گناه نیست بر وی، هرآینه خدا آمرزنده مهربان است.<sup>۳</sup>
۱۸۳. ای کسانی که ایمان آوردند، لازم کرده شد بر شما روزه داشتن، چنانکه لازم کرده شد بر کسانی که پیش از شما بودند؛ تا باشد که پرهیزگاری کنید.
۱۸۴. [روزه داشتن] چند روز شمرده شده پس هر که باشد از شما بیمار یا مسافر، پس لازم است شمار آن از روزهای دیگر و لازم است بر آنان که می‌توانند روزه داشتن [و] روزه نمی‌دارند] فدیهای<sup>۴</sup> که عبارت از خوراک یک درویش است. پس هر که بجا آرد نیکی این بهتر است او را و آن که روزه دارید بهتر است شما را اگر می‌دانید.<sup>۵</sup>
۱۸۵. ماه رمضان آن است که فرود آورده شد در وی قرآن؛ راهنمایی برای مردمان و سخنان روشن از هدایت و از جدا کردن حق و باطل. پس هر که دریابد از شما آن ماه را، پس البته روزه‌دار آن را و هر که بیمار باشد یا مسافر، پس بر وی لازم است شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر. می‌خواهد خدا به شما آسانی و نمی‌خواهد به شما دشواری و می‌خواهد که تمام کنید شمار را و به بزرگی یاد کنید خدا را به شکر آن که راه نمود شما را و تا باشد که شما شاکر شوید.

۱ یعنی قاتل به خوش‌خوبی ادا نماید نه به صعوبت.

۲ اهل جاهلیت، شریف را در مقابله وضع نمی‌کشتند و در مقابله شریف چند کس از وضع می‌کشتند. خدای تعالی نازل فرمود که حکم الهی به اعتبار مماثلت است در اجناس کشتگان؛ به این معنی که احرار را حکم جداست که هر حرّ مثل حرّ دیگرست در آن حکم. و عبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگرست در آن حکم و زنان را حکم جداست که هر زن مثل زن دیگرست در آن حکم و امتیاز زنان است حکم در باب دیات نه در باب قود یعنی قصاص. پس هر فردی ازین اجناس، مساوی است با فرد دیگر؛ هرچند بعضی شریف باشد و بعضی وضع و بعضی جمیل و بعضی دمیم، بعضی مالدار و بعضی فقیر و سنت، زیاده کرده است دو جنس دیگر. مسلمان در مقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر؛ پس اگر بعض ورثه عفو کنند یا از کشتن گذشته خون‌بها قبول نمایند، ولی دوم را باید که به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی و قاتل را باید که به خوشخوئی ادا کند نه به بدخویی.

۳ حکم وصیت، منسوخ است به آیت موارد.

۴ مضمون این آیت تخییر است در صوم و فدیة این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می‌آید. مترجم گوید: شاید که معنای آیت چنین باشد که واجب است بر آنان که می‌توانند داد فدیة را، دادن فدیة که عبارت از طعام یک درویش است. مراد صدقه الفطر است و سنت آن را مقدر کرد به یک صاع خرما یا صاع از طعام؛ پس آیت، محکم باشد نه منسوخ و شاید که معنای آیت چنین باشد: واجب است بر آنان که می‌توانند قضا کردن یعنی وقضا نکردند تا آنکه رمضان دیگر درآمد؛ والله اعلم.

۵ فدیة دادن که عبارت از طعام یک مسکین است و آن مقدر است به یک مد و این حکم، منقول است از قاسم وسعیدبن جبیر و همین است مذهب شافعی و درین صورت نیز محکم است غیر منسوخ.

۱۸۶. و چون استفسار کنند تو را بندگان من از حال من، پس هرآینه من نزدیکم، قبول می‌کنم دعای دعاکننده، وقتی که دعا کند مرا. پس باید که فرمانبرداری کنند برای من و باید که بگروند به من تا باشد که راه یابند.

۱۸۷. حلال کرده شد برای شما در شب روزه، مخالفت کردن با زنان خود؛ ایشان به منزله پوششند شما را و شما به جای پوششید ایشان را، دانست خدا که شما خیانت می‌کردید در حق خویشان، پس به مهربانی بازگشت بر شما و درگذشت از شما. پس الحال مخالفت کنید با زنان و طلب کنید آنچه مقدر کرده است خدا برای شما (یعنی اولاد) و بخورید و بنوشید تا آن که روشن شود برای شما رشته سفید از رشته سیاه؛ مراد از رشته سفید فجر است، پس از آن تمام کنید روزه را تا شب و مساس مکنید زنان را در حالی که معتکف باشید در مسجدها. اینها منهیات خدا است، پس نزدیک نشوید به آنها. همچنین بیان می‌کند خدا آیت‌های خود را برای مردمان تا پرهیزگاری کنند.

۱۸۸. و مخورید اموال خویش را بناحق و مرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی به رشوت) تا بخورید پاره‌ای از اموال مردم به ستم، دانسته.

۱۸۹. می‌پرسند تو را از ماه‌هایی (یعنی از شهر حج)، بگو اینها میعادند برای مردمان و برای حج<sup>۱</sup> و نیست نیکوکاری آن که درآیید خانه‌ها را، [درحالت احرام] از پس پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری آن است که پرهیزگاری کند، و درآیید در خانه‌ها از راه دروازه‌ها و حذر کنید از خدا تا باشد که شما رستگار شوید.

۱۹۰. و جنگ کنید در راه خدا با آنان که جنگ می‌کنند با شما و از حد مگذرید، هرآینه خدا دوست نمی‌دارد از حد گذرندگان را.

۱۹۱. و بکشید مشرکان را، هر جا که بیابید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما را (یعنی از مکه) و غلبه شرک سخت‌تر است از قتل<sup>۲</sup> و کارزار مکنید با ایشان نزدیک مسجد حرام تا آن که کارزار کنند با شما در آنجا، پس اگر بجنگند با شما پس بکشید ایشان را؛ همچنین است سزای کافران.

۱۹۲. پس اگر بازماندند، پس هرآینه خدا آمرزنده مهربان است.

۱۹۳. و بجنگید با ایشان تا آن که نابود شود شرک و شود دین محض، برای خدا. پس اگر بازماندند،<sup>۳</sup> پس نیست دست درازی مگر بر ستمکاران.

۱۹۴. ماه حرام، عوض ماه حرام است و بزرگی‌ها با یکدیگر عوض می‌شود؛ پس هر که تعدی کند بر شما، پس دست‌درازی کنید بر وی، مانند دست‌درازی وی بر شما و حذر کنید از خدا و بدانید که خدا با پرهیزگاران است.<sup>۴</sup>

۱ مترجم گوید: ظاهر، نزدیک این بنده آنست که سؤال کردند از اشهر حج که شوال و ذیقعد و نه روز از ذی‌الحجه باشد که آیا حج موقت است به آنها یا نه و یکی از تحریفات جاهلیت آن بود که در حالت احرام از بالای دیوار جسته و یا از سوراخ دیوار گذشته به خانه می‌آمدند و از راه دروازه نمی‌آمدند، پس نازل شد این آیت.

۲ یعنی تا مردمان، احرام حج بستند در آنها (فتح‌الرحمن).

۳ یعنی در مقابله او قتل جائز است.

۴ یعنی از شرک.

۵ حاصل این آیات آن است که در مسجد حرام و در شهر حرام ابتدا به قتال نباید کرد و چون کافران ابتدا کنند درمقابله ایشان باید جنگ کردن که این معنی با حرمت مسجد و شهر نزاع ندارد، چنانکه ابتدا از کشتن مسلمان درست نیست و اگر خون ناحق ریخته باشد، به قصاص می‌توان کشت و فقها به آن سبب تصریح نکرده‌اند که اقامت حربیان به مکه بعد فتح مکه بودن نیست؛ والله اعلم.

۱۹۵. و خرج کنید در راه خدا و می‌فکنید خویشتن را به سوی هلاکت و نیکوکاری کنید، هر آینه خدا دوست می‌دارد نیکوکاران را.
۱۹۶. و تمام کنید حج و عمره را برای خدا؛ پس اگر باز داشته شوید، لازم است آنچه سهل باشد از قربانی و تراشید سرهای خود را تا آن که برسد قربانی به جایش؛<sup>۱</sup> پس هر که باشد از شما بیمار یا او را رنجی باشد در سر او،<sup>۲</sup> پس لازم است عوض آن از روزه یا صدقه یا قربانی؛ پس چون ایمن شد، پس هر که بهره‌ور شد به سبب ادای عمره<sup>۳</sup> تا وقت حج، پس لازم است آنچه سهل باشد از قربانی؛ پس هر که نیابد، پس لازم است روزه داشتن سه روزه در وقت حج و هفت روز وقتی که بازگردید از سفر، این یک دهه تمام است؛ این حکم، آن راست که نباشد قبيله وی، باشند مسجد حرام و حذر کنید از خدا و بدانید که خدا سخت عقوبت است.<sup>۴</sup>
۱۹۷. حج، موقت است به ماه دانسته شده؛<sup>۵</sup> پس هر که لازم کرد بر خود در این ماه‌ها حج را (یعنی احرام بست)، پس مخالفت زنان جایز نیست و نه بدکاری و نه باهم مناقشه کردن در حج. و هر چه می‌کنید از نیکی، می‌داند آن را خدا، و توشه همراه بگیرید؛ هر آینه بهترین فواید توشه، پرهیزگاری است (یعنی از سؤال و دزدی) و از من بترسید ای خداوندان خرد.
۱۹۸. نیست شما را گناهی در آن که طلب کنید در موسم حج، روزی از پروردگار خویش. پس آنگاه که بازگردید از عرفات، پس یاد کنید خدا را نزد مشعر حرام و یاد کنید خدا را به شکر آن که راه نموده است شما را، و هر آینه بودید پیش از این، از گمراهان.
۱۹۹. پس بازگردید از آنجا که بازمی‌گردند عامه مردمان<sup>۶</sup> و آمرزش طلب کنید از خدا، هر آینه خدا آمرزنده مهربان است.
۲۰۰. پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را، پس یاد کنید خدا را (یعنی در منی) مانند یاد کردن شما پدران خویش را، بلکه زیاده‌تر یاد کردن. پس از مردمان کسی هست که می‌گوید: ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا و نیست او را در آخرت، هیچ نصیب. و از مردمان کسی هست که می‌گوید: ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا نعمت و در آخرت نعمت و محفوظ دار ما را از عذاب دوزخ.
۲۰۲. این گروه، ایشان راست بهره‌ای از ثواب آنچه به عمل آوردند (یعنی از ثواب آخرت) و خدا زودکننده حساب است.
۲۰۳. و یاد کنید خدا را چند روز شمرده شده (یعنی ایام منی)؛ پس کسی که به شتاب کوچ کند در دو روز (یعنی از منی) پس گناه نیست بر وی و آن که دیر ماند، پس گناه نیست بر وی؛ مر آن را که پرهیزگاری کند و بترسید از خدا و بدانید که شما به سوی وی برانگیخته خواهید شد.<sup>۷</sup>

۱ یعنی در حج، رمی جمره العقبه کنند به منی و در عمره از سعی بین الصفا و المروه فارغ شوند به مکه؛ والله اعلم.

۲ یعنی شپش بسیار داشته باشد و به این سبب حلق کند پیش از محل؛ والله اعلم.

۳ یعنی به امور ممنوعه احرام بهره‌ور شد.

۴ درین آیت، چند حکم، مذکور شده است و جواب اتمام حج و عمره بعد از شروع و حکم احصار و کفارت ارتکاب امور ممنوعه احرام به عذر مرض و ماهیت تمتع و وجوب قربانی بر تمتع؛ والله اعلم.

۵ یعنی شوال و ذیقعد و عشره ذالحجه.

۶ مترجم گوید: یعنی از عرفات نه از مزدلفه؛ چنانکه قریش تحریف کرده بودند؛ والله اعلم.

۷ مترجم گوید: بعد ازین خدای تعالی تصویر می‌فرماید حال کافران و مؤمنان را؛ والله اعلم.

۲۰۴. و از مردمان کسی هست که به شگفت می‌آرد تو را سخن او در باب زندگانی دنیا و گواه می‌آرد خدا را بر آنچه در دل وی است؛ حال آن که او سخت‌ترین ستیزندگان است.
۲۰۵. و چون ریاست پیدا کند، بشتابد در زمین تا تباهی کند در آنجا و نابود سازد زراعت و مواشی را و خدا دوست ندارد تباہکاری را.
۲۰۶. و چون گفته شود او را: حذر کن از خدا، حمل کندش تکبر بر گناه، پس کفایت کننده وی دوزخ است و هرآینه آن بدجایی است.
۲۰۷. و از مردمان کسی هست که می‌فروشد خویش را برای طلب رضامندی خدا و خدا مهربان است بر بندگان.
۲۰۸. ای کسانی که ایمان آوردید! در آید به اسلام، همه یکجا. و پیروی مکنید گام‌های شیطان را، هرآینه او شما را دشمن آشکارا هست.
۲۰۹. پس اگر لغزیدید، بعد از آن که آمد به شما سخنان روشن، پس بدانید که خدا غالب داناست.
۲۱۰. انتظار نمی‌کنند اهل عصیان مگر آن را که بیاید به ایشان خدا (یعنی بیاید عذاب او) در سایبان‌هایی از ابر و ببینند فرشتگان و به انجام رسانیده شود کار. و به سوی خدا بازگردانیده می‌شوند کارها.
۲۱۱. پرس از بنی‌اسرائیل: چقدر دادیم ایشان را از نشانه‌های روشن؟ و هر که بدل کند نعمت خدا را پس از آن که بیاید به وی (یعنی کفر پیش گیرد تا نعمت مفقود گردد)، پس هرآینه خدا سخت عقوبت است.
۲۱۲. آراسته کرده شده است کافران را زندگانی این جهان و سخریه می‌کنند با اهل ایمان، و کسانی که تقوی دارند، بالاتر از ایشان باشند روز قیامت و خدا روزی می‌دهد هر که را می‌خواهد بی‌شمار (یعنی بسیار).
۲۱۳. بودند مردمان، یک گروه؛<sup>۱</sup> پس فرستاد خدای تعالی پیغامبران را بشارت دهند و بیم کننده و فرود آورد به ایشان کتاب به راستی؛ تا حکم کند آن کتاب میان مردمان در آنچه که اختلاف کردند در آن<sup>۲</sup> و اختلاف نکردند در آن مگر کسانی که داده شده به ایشان کتاب (یعنی امت [مورد] دعوت) بعد از آن که آمد به ایشان نشانه‌ها از جهت حسد در میان خویش؛ پس راه نمود خدا مؤمنان را به آن حق که اختلاف کردند در آن به اراده خود، و خدا راه می‌نماید کسی را که خواهد به سوی راه راست.<sup>۳</sup>
۲۱۴. آیا پنداشتید ای مردمان، که درآید به بهشت حال آن که هنوز پیش نیامده است شما را حالت آنان که گذشته‌اند پیش از شما؟ رسید به ایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند، تا آن که می‌گفت پیغامبر و کسانی که ایمان آوردند با وی: کی باشد یاری دادن خدا؟ آگاه شوید که هرآینه یاری دادن خدا نزدیک است.
۲۱۵. سؤال می‌کنند تو را که کدام نوع خرج کردن، خرج کنند، بگو: آنچه خرج کردید از مال، پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان و مسافران را و آنچه کنید از نیکی، پس هرآینه خدا به آن داناست.

۱ یعنی پیش از آمدن هر پیغامبر متفق بودند با یک دیگر در دین او اختلاف نداشتند.

۲ یعنی در اصول مختلف می‌شوند.

۳ حاصل آن است که سنه الله جاری شده است به آنکه بعد بعثت هر پیغامبر، در امت دعوت اختلاف واقع می‌شود، از آن تنگدل نباید شد؛ والله اعلم.

۲۱۶. لازم کرده شد بر شما جنگ و آن دشوار است شما را و شاید که شما ناخوش دارید چیزی را، حال آن که آن بهتر باشد شما را و شاید که دوست دارید چیزی را، حال آن که آن بد باشد شما را و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.
۲۱۷. سؤال می‌کنند تو را از ماه حرام، از جنگ کردن در آن<sup>۱</sup> بگو: جنگ کردن در وی سخت کاری است و بازداشتن از راه خدا و ناگرویدن به خدا و بازداشتن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد از وی سخت‌تر است نزد خدا و فتنه‌انگیختن<sup>۲</sup> سخت‌تر است از کشتن<sup>۳</sup> و همیشه باشند که جنگ می‌کنند با شما تا اینکه بازگردانند شما را از دین شما (یعنی از اسلام) اگر توانند و هر که برگردد از شما از دین خود پس کافر بمرید، آن گروه نابود شد کارهای ایشان در دنیا و آخرت و ایشانند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند.
۲۱۸. هر آیینۀ آنان که ایمان آوردند و آنان که هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خداوند، آن گروه امیدوارند بخشایش خدا را و خدا آمرزنده مهربان است.
۲۱۹. سؤال می‌کنند تو را از شراب و قمار، بگو: در این هر دو گناه سخت است و نفع‌هاست مردمان را (یعنی در دنیا) و گناه این هر دو سخت‌تر است از نفع آنها<sup>۴</sup> و سؤال می‌کنند تو را چه چیز خرج می‌کنند، بگو: خرج کنید زیاده را.<sup>۵</sup> همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیت‌ها، تا باشد که تأمل کنید.
۲۲۰. در مصلحت دنیا و آخرت. و سؤال می‌کنند تو را از یتیمان، بگو: به صلاح آوردن کار ایشان بهتر است<sup>۶</sup> و اگر مشارکت کنید با ایشان، پس ایشان برادران شمایند و خدا می‌داند تباهاکار را از صلاحکار و اگر خدا خواستی، سخت گرفتی شما را، هر آیینۀ خدا غالب استوارکار است.
۲۲۱. و به زنی مگیرید زنان شرک آورنده را تا آن که ایمان آرند و هر آیینۀ کنیزک مسلمان بهتر است از زن شرک آورنده، اگر چه شگفت آورده باشد شما را. و به زنی مدهید به مشرکان تا آن که ایمان آرند (یعنی زنان مؤمنه را) و هر آیینۀ بنده مسلمان بهتر است از مشرک، اگر چه به شگفت آورده باشد شما را.<sup>۷</sup> گروه مشرکان می‌خوانند به سوی دوزخ و خدا می‌خواند به سوی بهشت و به سوی آمرزش به قدرت خود و بیان می‌کند آیت‌های خود را برای مردمان، تا باشد که پندپذیر شوند.
۲۲۲. و سؤال می‌کنند تو را از حیض، بگو که: وی نجاست است، پس یکسو شوید از زنان در حال حیض و نزدیکی مکنید با ایشان تا آن که پاک شوند. پس چون نیک پاک شوند،<sup>۸</sup> پس نزدیکی کنید با ایشان از آن راه که مباح کرده است شما را خدا (یعنی

---

۱ یعنی رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه و محرم که در شریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه‌ها حرام بود. پس سؤال کردند که در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یا نه؟ الله اعلم.

۲ یعنی ترویج شرک.

۳ حاصل جواب آن است که قتال کفار جائز است و تحریم قتال مسلمانین مغلظه می‌شود؛ والله اعلم.

۴ یعنی حرام‌اند و به منافع، التفات نباید کرد؛ والله اعلم.

۵ یعنی از حاجت ضروری.

۶ یعنی به غیر شرک.

۷ یعنی هر بنده از بندگان خدا که مؤمن باشد و هر کنیز از کنیزهای خدا که مؤمنه باشد بهتر است از مشرک و مشرکه؛ والله اعلم.

۸ یعنی غسل به جا آرند.

- از جانب قُبُل)، هر آینه خدا دوست می‌دارد توبه کنندگان را و دوست می‌دارد پاک شوندگان را.
۲۲۳. زنان شما کشتزار شمایند، پس بیاید به کشتزار خویش [به] هر روش که خواهید<sup>۱</sup> و پیش فرستید (یعنی اعمال صالحه را) برای خویشتن و برسید از خدا و بدانید که شما با وی ملاقات خواهید کرد و بشارت ده مسلمانان را.
۲۲۴. و مکنید نام خدا را دستمایه برای سوگندان خویش، برای اجتناب از آن که نکوکاری کنید و پرهیزگاری نمایید و صلاح آرید در میان مردمان. و خدا شنوای داناست.<sup>۲</sup>
۲۲۵. مؤاخذه نمی‌کند شما را خدا به بیهوده‌گویی در سوگندهای شما<sup>۳</sup> ولیکن مؤاخذه می‌کند به آنچه که قصد کرده است دل‌های شما و خدا آمرزنده بردبار است.
۲۲۶. مرآن کسان را که ایلا می‌کنند از زنان خویش،<sup>۴</sup> انتظار کردن چهار ماه است؛ پس اگر بازگشتند (یعنی از این سوگند) پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است.
۲۲۷. و اگر قصد کردند جدایی را، پس هر آینه خدا شنوای داناست.
۲۲۸. و آن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه حیض یا سه طهر کنند خویشتن را و جایز نیست ایشان را پوشیدن آنچه خدا آفریده است در رحم‌های ایشان (یعنی ولد و حیض) اگر ایمان می‌آرند به خدا و روز بازپسین و شوهران ایشان سزاوارترند به باز آوردن ایشان در حباله خود در این مدت اگر خواهند نیکوکاری؛ و زنان را هست مانند آنچه بر زنان است بوجه پسندیده<sup>۵</sup> و مردان را هست بر ایشان بلندی (یعنی فرمانروایی) و خدا غالب استوار کار است.
۲۲۹. طلاق رجعی دوبار است، پس از آن یا نگاه داشتن است به خوش خوبی یا رهاکردن به نکویی، و حلال نیست شما را که بگیرید چیزی را از آنچه داده‌اید زنان را،<sup>۶</sup> مگر آنگاه که بترسند مرد و زن که برپا نتوانند داشت احکام خدا را، پس اگر بترسید ای مسلمانان، از آن که برپا ندارند این هر دو، احکام خدا را،<sup>۷</sup> پس گناه نیست بر ایشان در آنچه عوض خود داد زن. این حدّهای مقرر کرده خداست؛ پس بیرون مروید از آنها و هر که بیرون رود از حدود خدا پس آن گروه، ایشانند ستمکاران.
۲۳۰. پس اگر طلاق داد (یعنی سوم بار) پس هرگز حلال نمی‌شود این زن آن مرد را تا آن که درآید به نکاح شوهری دیگر (یعنی او دخول کند). پس اگر طلاق دادش این شوهر دیگر، پس گناه نیست بر آن هر دو، در آن که بازگردند به نکاح باهم، اگر بدانند که برپا می‌توانند داشت احکام خدا را و این حدود خداست، بیان می‌کند آن حدود را برای قومی که می‌دانند.

- 
- ۱ یعنی به هرگونه که بخواهید می‌توانید جماع کردن (نزدیکی با همسران خود) یعنی غلطانده و از پس پشت و غیر آن، به شرط آنکه در قُبُل باشد.
- ۲ یعنی سوگند برای موقوف کردن کار نیک جائز نیست.
- ۳ یعنی: «لا والله» و «بلی والله» به غیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین؛ والله اعلم.
- ۴ یعنی قسم می‌خورند که جماع نکنند.
- ۵ یعنی زنان را بر مردان حق است، چنانچه مردان را بر زنان حق است.
- ۶ یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد.
- ۷ یعنی در معاشرت.



۲۳۱. و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند به میعاد خود،<sup>۱</sup> پس نگاه دارید ایشان را به نکویی، یا رها کنید ایشان را به نیکویی و نگاه مدارید ایشان را برای ضرر رسانیدن تا ستم کنید، و هر که این کند، پس هر آینه ستم کرد بر خود و مگیرید آیت‌های خدا را تمسخر، و یاد کنید نعمت خدا را بر خویش و آنچه فرود آورد بر شما از کتاب و علم که پند می‌دهد شما را به آن و بترسید از خدا و بدانید که خدا به هر چیز داناست.

۲۳۲. و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند به میعاد خود،<sup>۲</sup> پس منع نکنید ایشان را از آن که نکاح کنند با شوهران خویش،<sup>۳</sup> وقتی که با یکدیگر راضی شدند در میان خویش به روش پسندیده. این حکم پند داده می‌شود به آن هر کسی را که مؤمن باشد از شما به خدا و روز قیامت و این کار، خوشتر است و پاکیزه‌تر و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

۲۳۳. و مادران باید که شیر دهند فرزندان خویش را دو سال تمام؛ این حکم آن راست که خواهد تمام کردن مدت شیر، و بر پدر نفقه و پوشاک این زنان شیره است به وجه پسندیده؛ واجب کرده نمی‌شود بر هیچ کس الا قدر توانایی او، رنج نباید داد مادر را به سبب فرزند وی و نه پدر را به سبب فرزند وی و لازم است بر وصی مانند این. پس اگر خواهند مادر و پدر از شیر باز کردن (یعنی پیش از دو سال) بعد رضامندی میان یکدیگر و مشورت کردن با یکدیگر، پس هیچ گناه نیست بر ایشان، و اگر خواهید که دایه گیرید برای فرزندان خویش، پس هیچ گناه نیست بر شما چون تمام تسلیم نمودید و آنچه دانش مقرر کردید به خوش خویی، و بترسید از خدا و بدانید که خدا به آنچه می‌کنید بیناست.

۲۳۴. و کسانی که بمیرند از شما و بگذارند زنان را، باید که انتظار کنند این زنان، خویشتن را چهار ماه و ده روز؛ پس چون رسیدند به میعاد<sup>۴</sup> خویش، پس گناه نیست بر شما در آنچه کردند در حق خویشتن به وجه پسندیده (یعنی نکاح به طور شرعی)، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

۲۳۵. و نیست گناه بر شما در سخنی که کنایت کردید به آن از خواستگاری زنان (یعنی در میان عدت) یا پنهان داشتید در دل‌های خود. دانست خدا که شما یاد خواهید کرد این زنان را (یعنی به تصریح بعد عدت) ولیکن وعده ندهید به ایشان نکاح را مگر آن که گویند سخنی پسندیده را (یعنی به کنایت)، و قصد نکنید عقد نکاح را تا آن که رسد میعاد مقرر به نهایت خود و بدانید که خدا می‌داند آنچه در دل‌های شماست؛ پس بترسید از او، بدانید که خدا آمرزنده بردبار است.

۲۳۶. هیچ گناه نیست بر شما اگر طلاق دادید زنان را در آن وقت که هنوز دست نرسانیده‌اید به ایشان یا مُعین نکرده‌اید برای ایشان مقداری<sup>۵</sup> و بهره دهید اینچنین مطلقات را،<sup>۶</sup> لازم است بر توانگر، مقدار حال او بهره و بر تنگدست، مقدار حال او بهره دادن به خوش‌خویی؛ لازم شده بر نیکوکاران.

۲۳۷. و اگر طلاق داده‌اید زنان را پیش از آن که دست رسانید به ایشان و مُعین کرده باشید برای ایشان مقداری، پس لازم است نیمه آنچه مُعین کردید، مگر آن که بخشند زنان

۱ یعنی نزدیک رسیدن به انقضای عدت.

۲ یعنی عدت منقضی شد.

۳ یعنی با شوهران سابق خود یا شوهران دیگر که به ایشان رغبت پیدا کردند.

۴ یعنی به انقضای عدت.

۵ یعنی مهر را.

۶ یعنی پوشاک بدهید.

- یا در گذارد کسی که به دست اوست عقد نکاح (یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد) و آن که در گذارید، نزدیکتر است به پرهیزگاری و فراموش نکنید احسان کردن در میان خویش، هر آیینی خدا به آنچه می‌کنید، بیناست.
۳۳۸. تقید کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه (یعنی خصوصاً بر نماز عصر) و بایستید برای خدا فرمانبردار شده.
۳۳۹. پس اگر ترسیدید (یعنی از عَدُوّ و مانند آن) پس روان بر پاهای خود نماز گزارید یا سواره. پس چون ایمن شوید، پس یاد کنید خدا را چنانکه آموخته است شما را آنچه نمی‌دانستید.
۳۴۰. و آنان که قبض روح ایشان کرده شود از شما و بگذارند زنان را، لازم کرده شد بر ایشان وصیت کردن برای زنان خویش به آن که بهره دهند ایشان تا یک سال غیر برآوردن (یعنی بی‌غیر بر آوردن). پس اگر بیرون روند، پس گناه نیست بر شما در آنچه کردند در حق خویشتن از کار پسندیده (یعنی نکاح به طور شرعی) و خدا غالب و استوار کار است.<sup>۱</sup>
۳۴۱. و طلاق داده شدگان را لازم است بهره‌مند ساختن به خوش‌خویی (یعنی نفقه و سکنی). لازم کرده شد بر پرهیزگاران.
۳۴۲. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما احکام خود را تا باشد که شما بفهمید.
۳۴۳. آیا ندیدی ای بیننده! به سوی کسانی که بیرون آمدند از خانه‌های خویش و ایشان هزاران بودند به بیم مرگ، پس گفت ایشان را خدا: بمیرید. باز زنده گردانید ایشان را. هر آیینی خدا صاحب بخشایش است بر مردمان ولیکن اکثر ایشان سپاس نمی‌کنند.
۳۴۴. و جنگ کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوای داناست.
۳۴۵. کیست آن که وام دهد خدا را، وام دادن نیک؛ پس دوچند سازد خدا آن مال را برای او به مراتب بسیار و خدا تنگ می‌سازد و گشاده می‌کند روزی را و به سوی او بازگردانیده شوید.
۲۴۶. آیا ندیدی به سوی جماعتی از بنی‌اسرائیل بعد از موسی، چون گفتند مرپیغامبر خویش را که: برپا کن برای ما پادشاهی تا جنگ کنیم در راه خدا، گفت پیغامبر: آیا نزدیک هستید اگر واجب کرده شود بر شما جنگ، این‌که جنگ نکنید؟ گفتند: و چه شده است ما را که جنگ نکنیم در راه خدا و به تحقیق بیرون کرده شدیم از خانه‌های خویش و جدا کرده شدیم از فرزندان خویش. پس آنگاه که واجب کرده شد بر ایشان جنگ، روگردانیدند مگر اندکی از ایشان، و خدا داناست به ستمکاران.
۲۴۷. و گفت مر ایشان را پیغامبر ایشان: هر آیینی خدا، پادشاه مقرر کرده است برای شما طالوت را. گفتند: چگونه باشد او را پادشاهی بر ما و ما سزوارتریم به پادشاهی از وی! و داده نشده است وی را فراخی از مال. گفت: هر آیینی خدا برگزیده است او را بر شما و داده است او را فراخی در دانش و افزونی در بدن، و خدا می‌بخشد پادشاهی خود را به هر که خواهد و خدا جواد داناست.
۲۴۸. و گفت ایشان را پیغامبر ایشان: هر آیینی نشان پادشاهی او آن است که بیاید به شما صندوقی که در آن، آرام دل است از پروردگار شما و بقیه از تبرکاتی که گذاشتندش آل موسی و آل‌هارون، برمی‌دارند او را فرشتگان، هر آیینی در این صورت نشانه‌[ای] است شما را اگر باور دارنده‌اید.

۱. مترجم گوید: این آیت، نزدیک جمهور منسوخ است به آیت (أربعة أشهر و عسرا)؛ والله اعلم.

۲۴۹. پس چون جدا شد (یعنی از وطن) طالوت با لشکرها، گفت: هرآینه خدا آزمایش کننده است شما را به جویی، پس هر که بنوشد از آن جوی، پس نیست از آن من و هر که نجشد آن را، پس او از آن من است؛ الا آن که بردارد یک کف آب به دست خود، پس آشامیدند از آن جوی، مگر اندکی از ایشان، پس آنگاه که گذشتند از جوی طالوت و مؤمنان همراه، گفتند نوشندگان: نیست توانایی ما را امروز به مقابله جالوت و لشکرهای او. گفتند آنان که می‌دانستند که ایشان ملاقات خواهند کرد با خدا: بسا گروه اندک که غالب شد بر گروه بسیار به اراده خدا و خدا با شکیبایان است.
۲۵۰. و آنگاه به میدان آمدند برای جنگ جالوت و لشکرهای وی، این صالحان گفتند: ای پروردگار ما! بریز بر ما شکیبایی و محکم کن قدم‌های ما را و غلبه ده ما را بر گروه ناگرویدگان.
۲۵۱. پس شکست دادند آن کفار را به توفیق خدا و کشت داود جالوت را و داد خدای تعالی داود را پادشاهی و علم و بیاموخت او را از آنچه می‌خواست. و اگر نبودی دور کردن خدا مردمان را گروهی را به دست گروهی، هرآینه تبه شدی زمین ولیکن خدا صاحب بخشایش است بر عالم‌ها.
۲۵۲. اینها آیات خداست، می‌خوانیم آن را بر تو [ای محمد]، به راستی و هرآینه تو از پیغامبرانی.
۲۵۳. این پیغامبران، فضل دادیم بعضی را از ایشان بر بعضی از ایشان کسی هست که با او سخن گفت خدا و بلند کرد بعضی را در مرتبه‌ها. و دادیم عیسی پسر مریم را معجزه‌ها و قوت دادیم او را به روح القدس و اگر خواستی خدا، با یکدیگر نمی‌جنگیدند کسانی که بعد از پیغامبران بودند، پس از آن که آمد به ایشان حجت‌ها، ولیکن اختلاف کردند. پس از ایشان کسی هست که ایمان آورد و از ایشان کسی هست که کافر شده و اگر خواستی خدا با یکدیگر نمی‌جنگیدند ولیکن خدا می‌کند آنچه می‌خواهد.
۲۵۴. ای مسلمانان! خرج کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آن که بیاید روزی که خرید و فروخت نیست در آن روز و نه دوستی و نه سفارش، و کافران، ایشانند ظالمان.
۲۵۵. خدا، هیچ معبود نیست بجز وی، زنده تدبیر کننده عالم، نمی‌گیرد او را پینکی و نه خواب، او راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است، کیست آن که شفاعت کند نزد او الا به حکم او، می‌داند آنچه پیش دست‌های ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و در بر نمی‌گیرند مردمان از معلومات حق، چیزی را مگر به آنچه وی خواسته است، فراگرفته است پادشاهی او آسمان‌ها و زمین را و گران نمی‌شود بر وی نگهبانی این هر دو، او بلند مرتبه بزرگ قدر است.
۲۵۶. نیست جبر کردن برای دین.<sup>۱</sup> هرآینه ظاهر شده است راهیابی از گمراهی، پس هر که منکر بت شود و ایمان آرد به خدا پس هرآینه چنگ زده است به دستاویزی محکم که نیست گسستن آن را، و خدا شنوای داناست.
۲۵۷. خدا کارساز مؤمنان است، بیرون می‌آرد ایشان را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و آنان که کافرند، کارسازان ایشان بتانند، بیرون می‌آرند ایشان را از روشنی به سوی تاریکی‌ها؛ این جماعت باشندگان دوزخند، ایشان در آنجا جاویدند.
۲۵۸. آیا ندیدی به سوی کسی که مکابره کرد با ابراهیم در باب پروردگار او در مقابله آن که داد او را خدا پادشاهی (یعنی نمود) و چون گفت ابراهیم: پروردگار من آن است که

۱ یعنی حجت اسلام ظاهر شد. پس گویا جبر کردن نیست، اگرچه فی‌الجمله به صبر باشد؛ والله اعلم.

زنده می‌کند و می‌میراند، گفت آن کافر: من زنده می‌کنم و می‌میرانم.<sup>۱</sup> گفت ابراهیم: پس هر آینه خدا می‌آرد آفتاب را از مشرق، پس تو بیار آن را از طرف مغرب؛ پس مغلوب شد کافر و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را.

۲۵۹. یا ندیدی این شخص را که گذشت بر دَهِی و وی افتاده بود بر سقف‌های خود،<sup>۲</sup> گفت: چگونه زنده کند این را خدا بعدِ مردنِ این؟! پس مرده کرد او را خدای تعالی صد سال، بعد از آن برانگیختش، گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: درنگ کردم یک روز یا پاره‌ای از روز. گفت: بلکه درنگ کردی صدسال، پس ببین به سوی طعام خود و آشامیدی خود که متغیر نشده و ببین به سوی درازگوش خود و می‌خواهیم که گردانیم تو را نشانه‌ای برای مردمان. و ببین به سوی استخوان‌ها، چگونه جنبش می‌دهیم آن را، بعد از آن می‌پوشانیم بر آن گوشت را؛ پس چون واضح شدش این حال، گفت: به یقین می‌دانم خدا بر همه چیز تواناست.

۲۶۰. و آنگاه که گفت ابراهیم: ای پروردگار من! بنما مرا چگونه زنده می‌کنی مردگان را؟ گفت خدا: آیا باور نداشته‌ای؟ گفت: آری باور داشته‌ام، لیکن می‌خواهم که آرام گیرد دل من.<sup>۳</sup> گفت خدا: پس بگیر چهارتن از پرندگان، پس به هم آور همه را نزدیک خود. بعد از آن بگذار بر هر کوهی پاره‌ای از ایشان، بعد از آن ندا کن ایشان را، البته بیایند پیش تو شتابان، و بدان که خدا غالب استوارکار است.

۲۶۱. صفت آنان که خرج می‌کنند اموال خود را در راه خدا، مانند صفت یک دانه است که برویاند هفت خوشه را، در هر خوشه صد دانه است و خدا دو چند می‌دهد هر که را خواهد و خدا، جواد داناست.

۲۶۲. آنان که خرج می‌کنند اموال خود را در راه خدا، باز از پی آن انفاق، نمی‌آرند منت نهادن را و نه ایذا رسانیدن را، ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.

۲۶۳. سخن ملائیم گفتن و درگذشتن<sup>۴</sup> بهتر است از آن خیرات که از پی آن آزرده کردن باشد و خدا بی‌نیاز بردبار است.

۲۶۴. ای مؤمنان! تباه مکنید خیرات خود را به منت نهادن و آزرده کردن، همچون کسی که خرج می‌کند مال خود را برای نمودن مردمان و ایمان ندارد به خدا و روز قیامت؛ پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بر وی باشد اندک خاکی، پس رسید به آن بارانی عظیم، پس گذاشت آن را سخت و صاف مانده. توانایی ندارند اهل ریا بر چیزی از آنچه عمل کردند و خدا راه نمی‌نماید گروه کافران را.<sup>۵</sup>

۲۶۵. و صفت آنان که خرج می‌کنند مال‌های خویش را از جهت طلب رضامندی خدا و به سبب اعتقاد ناشی از دل‌های خویش، مانند صفت باغی است به مکان بلند که رسید

۱ یعنی به ستم، مستحق کشتن را می‌گذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست، می‌کشم؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: آن شخص عزیز بود.

۳ یعنی عین‌الیقین می‌خواهم؛ والله اعلم.

۴ از بی‌ادبی سائل.

۵ مترجم گوید: حاصل این مثل، آن است که عمل منان و مرانی در دنیا می‌نماید که عمل است و در آخرت ناپودمی شود و هیچ فائده نمی‌دهد؛ چنانکه بر سنگی خاک افتاده باشد و به ظاهر چنان می‌نماید که قابل زراعتاست و چون باران بارد محو شود؛ والله اعلم.

- به وی بارانی عظیم، پس آورد میوه‌های خود را دو چندان و اگر نمی‌رسید او را باران عظیم، پس شب‌نم کفایت می‌کرد، و خدا به آنچه می‌کنید بیناست.<sup>۱</sup>
۲۶۶. آیا دوست می‌دارد یکی از شما که باشد او را باغی از درختان خرما و انگور، می‌رود زیر آن جوی‌ها، مر او را هست در آن باغ، هر جنس از میوه‌ها و رسیده باشد او را کلان‌سالی و باشد او را اولاد ناتوان، پس در این حالت رسید آن باغ را گردبادی که در آن آتش است، پس پاک بسوخت؛ همچنین واضح می‌سازد خدا برای شما آیت‌ها، تا باشد که تأمل کنید.<sup>۲</sup>
۲۶۷. ای مؤمنان! خرج کنید از پاکیزه‌ها آنچه شما پیدا کردید و از پاکیزه‌ها آنچه بیرون آوردیم برای شما از زمین و قصد مکنید ردی را از آن، خرج می‌کنید آن را و نیستید گیرنده آن، مگر وقتی که چشم‌پوشی کنید در گرفتن آن و بدانید که خدا بی‌نیاز ستوده است.
۲۶۸. شیطان وعده می‌دهد به شما تنگدستی را و می‌فرماید به بی‌حیایی، و خدا وعده می‌کند به شما آموزش را از جانب خود و نعمت دادن را، و خدا جواد داناست.
۲۶۹. می‌دهد دانش، هر که را خواهد و هر که داده شد او را دانش، پس هر آینه داده شد نیکویی بسیار و پندپذیر نمی‌شوند مگر خداوندان خرد.
۲۷۰. و آنچه خرج کردید از خیرات و یا لازم کردید بر خود از نذری، پس هر آینه خدا می‌داند آن را، و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده.
۲۷۱. اگر آشکارا کنید خیرات را پس نیکو چیز است آن، و اگر پنهان کنید آن را و بدهید آن را به فقیران، پس این بهتر است شما را و دور سازد از شما بعضی گناهان شما را، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.
۲۷۲. لازم نیست بر تو [ای محمد] هدایت ایشان،<sup>۳</sup> لیکن خدا هدایت می‌کند هر که را می‌خواهد و آنچه خرج کردید از مال، پس نفع برای ذات شماست و لایق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا، و آنچه خرج کردید از مال، به تمام رسانیده شود به سوی شما (یعنی ثواب او) و شما ستم کرده نخواهید شد.
۲۷۳. خیرات برای آن فقیران است که بند کرده شدند در راه خدا، نمی‌توانند سفر کردن در زمین، توانگر می‌پندارد ایشان را نادان، به سبب طمع نکردن. تو می‌شناسی ایشان را به قیافه ایشان، سؤال نمی‌کنند از مردمان به الحاح. و آنچه خرج کنید از مال، پس هر آینه خدا به آن داناست.
۲۷۴. کسانی که خرج می‌کنند اموال خویش شب و روز، پنهان و آشکارا، پس ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.
۲۷۵. کسانی که می‌خورند سود را بر نخیزند (یعنی از گور) مگر چنانکه برمی‌خیزد کسی که دیوانه ساخت او را شیطان به سبب آسیب رسانیدن؛ که این به سبب آن است که سودخوران گفتند: جز این نیست که سوداگری مانند سود است و حال آن که

۱ مترجم گوید: حاصل این مثل، آن است که عمل اهل اخلاص فائده‌ها می‌دهد؛ از سابقین باشد یا از اصحابیمین.

۲ حاصل این مثل، آن است که عمل منان و مرائی در وقت شدت احتیاج، نابود شود؛ چنانکه بوستان این شخصدر وقت شدت احتیاج بسوخت.

۳ یعنی: ایصال مطلوب الی الله.

۴ یعنی: به سبب اشغال به جهاد، کسب کردن نمی‌توانند؛ والله اعلم.

حلال کرده است خدا سوداگری و حرام ساخته سود را. پس کسی که آمد به وی پند از جانب پروردگار او، پس بازماند از این کار، پس او راست آنچه گذشت و کار او مفوض است به خدا<sup>۱</sup> و هر که بازگشت به سودجواری،<sup>۲</sup> پس آن گروه باشندگان دوزخند، ایشان در آنجا جاویدند.

۲۷۶. ناپود می‌سازد خدا برکت سود را و افزون می‌سازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد هر ناسپاس گنهکار را.

۲۷۷. هر آینه کسانی که ایمان آورده‌اند و کردند کارهای شایسته و برپا داشتند نماز را و دادند زکات را، مرایشان راست، مزد ایشان نزد پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.

۲۷۸. ای کسانی که ایمان آوردید! حذر کنید از خدا و ترک کنید آنچه مانده است از سود، اگر هستید از اهل ایمان.

۲۷۹. پس اگر نکردید، پس خبردار باشید به جنگی از طرف خدا و رسول او و اگر توبه کردید، پس شما راست اصل مال‌های شما، نه شما ستم کنید و نه بر شما ستم کرده شود.

۲۸۰. و اگر باشد مفلسی، پس لازم است مهلت دادن تا توانگری، و آن که خیرات کنید بهتر است شما را، اگر هستید داننده.

۲۸۱. و حذر کنید از آن روز که بازگردانیده شوید در آن به سوی خدا، پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند.

۲۸۲. ای مؤمنان! اگر معامله کنید با یکدیگر به وام دادن تا میعاد مقرر، پس بنویسید آن را و باید که بنویسد میان شما نویسنده‌ای به انصاف و سرباز نزنند نویسنده، از آن که نویسد چنانکه آموخته است او را خدا، پس باید که وی بنویسد و انشا کند آن که وام به ذمه وی است و باید که بترسد از خدا، پروردگار خود، و نقصان نکند از آن وام چیزی را. پس اگر باشد کسی که وام به ذمه وی است، بی‌خرد یا ناتوان یا نمی‌تواند انشا کردن، پس باید که انشا کند کارگزار او با انصاف و گواه گیرید دو شاهد را از مردان خویش؛<sup>۳</sup> پس اگر نباشند دو مرد، پس یک مرد و دو زن کفایت است از کسانی که رضامند باشید از گواهان،<sup>۴</sup> تا اگر فراموش کند یک زن، یاد دهاند یکی دیگر را. و باید که سرباز نزنند گواهان، آنگاه که طلبیده شوند و مانده مشوید از آن که بنویسید حق را، اندک باشد یا بسیار، تا میعاد وی. این با انصاف‌تر است نزدیک خدا و درست‌تر برای گواهی و قریب‌تر از آن که در شک نشوید مگر وقتی که باشد آن معامله، سوداگری دست به دست که دست گردان می‌کنید آن را میان خویش، پس نیست بر شما گناه در آن که بنویسید آن را و گواه گیرید هرگاه که خرید و فروخت کنید و باید که رنج داده نشود نویسنده و نه گواه، و اگر بکنید این کار، پس هر آینه این گناه است شما را، و بترسید از خدا و می‌آموزد شما را و خدا به هر چیز داناست.

۲۸۳. و اگر مسافر باشید و نیابید نویسنده را، پس لازم است گرو به دست آورده شده. پس اگر امین داند گروهی از شما گروهی را، پس باید که ادا کند آن کس که امین دانسته شد، امانت خود را و باید که بترسد از خدا، پروردگار خود. و پنهان مکنید گواهی

۱ یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدش لازم نیست؛ والله اعلم.

۲ یعنی بعد از تحریم.

۳ یعنی از مسلمانان.

۴ یعنی از مسلمانان امین متقی.

را و هر که پنهان کند آن را پس هر آینه گناهکار است دل او و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

۲۸۴. خدا راست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است و اگر آشکار کنید آنچه در دل‌های شماست،<sup>۱</sup> یا پنهان دارید آن را، البته حساب آن بگیرد از شما خدا، پس بیاورد کسی را که خواهد و عذاب کند کسی را که خواهد و خدا بر همه چیز تواناست.

۲۸۵. باور داشت پیغامبر آنچه فرود آورده شد به سوی او از پروردگار او و مؤمنان نیز همه ایمان آوردند به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های او و پیغامبران او.<sup>۲</sup> گفتند: فرق نمی‌کنیم میان هیچ کسی از پیغامبران او و گفتند: شنودیم و فرمانبرداری کردیم، می‌خواهیم آموزش تو ای پروردگار ما، و به سوی تو است بازگشت.

۲۸۶. خدا واجب نمی‌کند بر هیچ کس الا مقدار طاقت او؛ مر او راست آنچه عمل کرد و بر وی باشد آنچه گناه کرد. گفتند: ای پروردگار ما! به عقوبت مگیر ما را، اگر فراموش کنیم یا خطا کنیم. ای پروردگار ما! و منه بر سر ما بار گران؛ چنانکه نهادی آن را بر کسانی که پیش از ما بودند. ای پروردگار ما! و منه بر سر ما آنچه برداشت آن نیست ما را و درگذرد از ما و بیاورد ما را و ببخشای بر ما؛ تویی خداوند ما، پس غلبه ده ما را بر گروه کافران.

### ۳. سوره آل عمران

در مدینه نازل شده و آن دو صد آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الم.
۲. خدا، نیست هیچ معبود مگر او، زنده تدبیر عالم‌کننده است.
۳. فرود آورد بر تو کتاب را به راستی، باور دارنده آنچه پیش دست وی است و فرود آورد تورات و انجیل را.
۴. پیش از این، برای راه نمودن به مردمان و فرود آورد معجزه را، هر آینه کسانی که کافر شدند به آیات خدا، ایشان راست عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام است.
۵. هر آینه خدا پوشیده نمی‌شود بر وی چیزی در زمین و نه در آسمان.
۶. او آن است که صورت می‌بندد شما را در رحم چنانچه خواهد؛ نیست هیچ معبود بجز او، غالب استوارکار است.
۷. او آن است که فرود آورد بر تو کتاب؛ بعضی از آن آیت‌های واضح است، آن جمله اصل کتاب است و بعضی دیگر، محتمل معانی با هم مشتبه. پس اما کسانی که در دل‌های ایشان کجی است، پیروی می‌کنند آن را که مانند یکدیگر شد از آن کتاب، برای طلب فتنه و برای طلب مراد، آن را و نمی‌دانند مراد آن، مگر خدا؛ و ثابت قدمان

۱ یعنی از قسم نفاق و اخلاق و حسد و نصیحت و مثل آن، نه از قسم حدیث نفس؛ والله اعلم.  
 ۲ یعنی بعض را معتقد و بعض را منکر نمی‌باشیم.

- در علم می‌گویند: ایمان آوردیم به این متشابه، این همه از نزد پروردگار ماست و پندپذیر نمی‌شوند مگر خداوندان خرد.
- ۸ می‌گویند: ای پروردگار ما! کج مکن دل‌های ما را بعد از آن که راه نمودی ما را و عطا کن برای ما از نزد خود نعمت، هرآینه تویی عطا کننده.
- ۹ ای پروردگار ما! هرآینه تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ شک نیست در آن، هرآینه خدا خلاف نمی‌کند وعده را.
- ۱۰ هرآینه آنان که کافر شدند، دفع نکند از ایشان، اموال ایشان و نه اولاد ایشان از عذاب، خدای تعالی چیزی را و ایشانند آتش انگیز دوزخ.
- ۱۱ حال ایشان، مانند حال کسان فرعون است و آنان که پیش از ایشان بودند، دروغ داشتند آیات ما را، پس گرفت ایشان را خدا به سبب گناهان ایشان و خدا سخت عقوبت است.
- ۱۲ بگو کافران را که: مغلوب خواهید شد و برانگیخته خواهید شد به سوی دوزخ و بد جایگاه است آن.
- ۱۳ به تحقیق هست شما را نشانه‌ای در آن دو قوم که به هم آمدند؛ یک گروه جنگ می‌کرد در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند؛ می‌دیدند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش، دیدن به چشم. و خدا قوت می‌دهد به نصرت خود هر که را خواهد، هرآینه در این واقعه پندی هست خداوندان چشم‌ها را.
- ۱۴ آراسته کرده شده است برای مردمان، دوستی آرزوهای نفس از زنان و فرزندان و خزانه‌های جمع ساخته از زروسیم و اسبان نشانمند ساخته و چهارپایان و زراعت؛ این است بهره زندگانی دنیا. و خدا، نزدیک اوست بازگشت نیک.
- ۱۵ بگو (ای محمد): آیا خبر دهم شما را به آنچه بهترین است از این، مرتقیان را؟ باشد نزدیک پروردگار ایشان بوستان‌ها؛ می‌رود از زیر آن جوی‌ها؛ جاوید باشندگان در آن و باشند زنان پاکیزه و باشد خشنودی از خدا و خدا بیناست به بندگان.
- ۱۶ آنان که می‌گویند: ای پروردگار ما! هرآینه ما ایمان آوردیم، پس بیمار ما را گناهان ما و نگاه دار ما را از عذاب آتش.
- ۱۷ شکیب کنندگان و راست گویندگان و فرمانبرندگان و خرج کنندگان و آمرزش خواهندگان در اوقات سحر.
- ۱۸ گواهی داد خدا؛<sup>۱</sup> آن که نیست هیچ معبود، مگر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان دانش در آن حال، که خدا تدبیر کننده عالم است به عدل، نیست هیچ معبود مگر او، غالب استوار کار است.
- ۱۹ هرآینه دین معتبر نزدیک خدا اسلام است و اختلاف نکردند (یعنی در قبول اسلام) اهل کتاب، مگر بعد از آن که آمد به ایشان دانش،<sup>۲</sup> از روی حسد در میان خویش. و هر که کافر باشد به آیت‌های خدا، پس هرآینه خدا زود کننده حساب است.
- ۲۰ پس اگر مکابره کند با تو [یا محمد] پس بگو: منقاد ساختم روی خود را برای خدا و هر که پیروی من کرد نیز منقاد ساخت. و بگو به اهل کتاب و به ناخوانندگان: آیا

۱ یعنی روز بدر؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: از این‌جا خدای تعالی شروع می‌فرماید: در مناظره اهل کتابین و رد شبهات ایشان و تعداد تحریفات ایشان و این قصه ممتد است تا قوله و اذغدوت من اهلک.

۳ یعنی آشکار ساخت.

۴ یعنی حقیقت حال دانستند.



- اسلام آوردید؟ پس اگر اسلام آوردند، به تحقیق راه یافتند و اگر روی گردانیدند، پس جز این نیست که لازم بر تو پیغام رسانیدن است و خدا بیناست به بندگان.
۲۱. هر آینه کسانی که کافر شدند به آیت‌های خدا و می‌کشند پیغامبران را به ناحق و می‌کشند آنان را که به عدل می‌فرمایند از مردمان، پس خبر ده ایشان را به عذاب درد دهنده.
۲۲. این گروه، آنند که ناپود شد عمل‌های ایشان در دنیا و آخرت و نیست ایشان را یاری دهنده.
۲۳. آیا ندیدی به سوی آنان که داده شدند یک پاره از علم کتاب، خوانده می‌شوند به سوی کتاب خدا تا حکم کند میان ایشان، پس روی می‌گرداند گروهی از ایشان اعراض کنان؟
۲۴. این به سبب آن است که ایشان گفتند: هرگز نرسد به ما آتش دوزخ، مگر روزی چند شمرده شده. و فریفت ایشان را در دین ایشان، آنچه افترا می‌کردند.
۲۵. پس چگونه بود حال، وقتی که جمع کنیم ایشان را در روزی که هیچ شک نیست در آن و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه عمل کرد و ایشان ستم کرده نشوند.
۲۶. بگو: بار خدایا! ای خداوند پادشاهی! می‌دهی پادشاهی، هر که را خواهی و باز می‌گیری پادشاهی از هر که خواهی و ارجمند می‌سازی هر که را خواهی و خوار می‌سازی هر که را خواهی. به دست توست نیکی، هر آینه تو بر همه چیز توانایی.<sup>۱</sup>
۲۷. در می‌آری شب را در روز و در می‌آری روز را در شب، و بیرون می‌آری زنده را از مرده و بیرون می‌آری مرده را از زنده و روزی می‌دهی هر که را می‌خواهی بی‌شمار.
۲۸. باید که دوست نگیرند مسلمانان، کافران را بجز اهل ایمان و هر که این کند، پس نیست در چیزی از آن خدا،<sup>۲</sup> مگر آن که دفع شرّ ایشان کنبد به نوعی از حذر کردن و می‌ترساند شما را خدا از خود و به سوی خدا بازگشت است.
۲۹. بگو: اگر پنهان کنید آنچه در سینه‌های شماست یا آشکارا کنیدش، می‌داند آن را خدا و می‌داند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست.
۳۰. آن روزی که حاضر یابد هر کس آنچه عمل کرده است از نیکی و آنچه کرده است از بدی، دوست دارد که کاش بودی در میان وی و در میان آن بدی مسافتی دور، و می‌ترساند شما را خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان.
۳۱. ای [محمد] بگو: اگر دوست می‌دارید خدا را، پس پیروی من کنید تا دوست دارد شما را خدا و بیامرزد شما را گناهان شما، و خدا آمرزنده مهربان است.
۳۲. بگو: فرمان برید خدا را و پیغامبر را، پس اگر رو گردانند، پس هر آینه خدا دوست ندارد کافران را.<sup>۳</sup>
۳۳. هر آینه خدا برگزید آدم را و نوح را و کسان ابراهیم را و کسان عمران را بر عالم‌ها.
۳۴. در حالتی که این جماعت نسلی بودند، بعضی آن پیدا شده از بعضی، و خدا شنوای داناست.

۱ مترجم گوید: در امر این دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران.

۲ یعنی در عهد خدا نیست.

۳ مترجم گوید: که نصاری با حضرت پیغامبر، صلی‌الله علیه و سلم، در باب عیسی، علیه‌السلام، گفتگو کردند. حق سبحانه این آیات نازل ساخت؛ بعد از نزول این آیت‌ها، نصاری را به مباحله دعوت کردند، همه عاجز شده جزیه قبول نمودند.

۳۵. آنگاه که گفت زن عمران: ای پروردگار من! هرآینه من نیاز تو کردم آنچه در شکم من است، آزاد کرده.<sup>۱</sup> پس قبول کن از من هرآینه تویی شنوای دانا.
۳۶. پس چون بیزاد دختر را، گفت: ای پروردگار من! هرآینه زادم این دختر را و خدا داناست به آنچه وی بیزاد. [گفت آن زن] و نیست فرزند مانند دختر<sup>۲</sup> و هرآینه نام کردم آن را مریم، و هرآینه من در پناه تو می‌کنم او را و نسل او را از شیطان ملعون.
۳۸. پس قبول کرد مریم را پروردگار او به قبول نیک و بالیده ساخت او را بالیدن نیک و خیرگیر ساخت بر وی زکریا را. هرگاه داخل شدی زکریا بر مریم در مسجدی، یافتی نزد او روزی را،<sup>۳</sup> گفت: ای مریم! از کجاست تو را این روزی؟ گفت: آن از نزدیک خداست، هرآینه خدا می‌دهد روزی هر که را می‌خواهد بی‌شمار.
۳۸. آن وقت طلب کرد زکریا از پروردگار خود، گفت: ای پروردگار من! عطا کن مرا از نزد خود، نسل پاک، هرآینه تو شنوا دعایی.
۳۹. پس ندا کردند او را فرشتگان و او ایستاده بود، نماز می‌گزارد در عبادتگاه: که خدا بشارت می‌دهد تو را به یحیی، باشد باور دارنده فیض خدا<sup>۴</sup> و سردار و بی‌رغبت به زنان و پیغامبری از نیکوکاران.
۴۰. گفت: ای پروردگار من! چگونه پیدا می‌شود برای من فرزندی و رسیده است مرا کلا نسالی و زن من نازا هست؟ گفت: همچنین، خدا می‌کند آنچه می‌خواهد.
۴۱. گفت: ای پروردگار من! مُعِیْن کن برای من نشانی.<sup>۵</sup> فرمود که: نشان تو آن است که سخن نتوانی گفت بامردمان سه روز، مگر به اشارت و یاد کن پروردگار خود را بسیار و تسبیح بگو به شام و صبح.
۴۲. و آنگاه که گفتند فرشتگان: ای مریم! هرآینه خدا برگزید تو را و پاک ساخت تو را و برگزید تو را بر زنان عالم‌ها.
۴۳. ای مریم! فرمانبرداری کن پروردگار خود را و سجده کن و نماز کن با نماز کنندگان.
۴۴. [ای محمد]، این از خبرهای غیب است، وحی کردیم آن را به سوی تو و تو نبودی نزدیک آن قوم چون می‌انداختند قلم‌های خویش را<sup>۶</sup> تا کدام کس از ایشان خبرگیر مریم شود و نبودی نزدیک ایشان آنگاه که با هم گفتگو می‌کردند.
۴۵. آنگاه که گفتند فرشتگان: ای مریم! هرآینه خدا بشارت می‌دهد تو را به فیضی از جانب خود که نام او مسیح است، عیسی پسر مریم است، با آبرو در دنیا و آخرت، و از نزدیک کردگان حضرت عزّت.
۴۶. و سخن گوید به مردمان در گهواره و وقت مُعَمَّری و باشد از شایستگان.
۴۷. گفت: ای پروردگار من! چگونه شود مرا فرزند و دست نرسانیده است به من هیچ آدمی. فرمود: همچنین، خدا پیدا می‌کند هرچه می‌خواهد، چون سرانجام می‌کند کاری، پس جز این نیست که می‌گوید او را که: بشو! پس می‌شود.
۴۸. و بشارت داد که آموزد او را خدا، کتاب و دانش و تورات و انجیل.

۱ یعنی از خدمت والدین معاف داشته.

۲ یعنی دختر خدمت بیت‌المقدس را نمی‌شاید.

۳ یعنی میوه زمستان در تابستان و میوه تابستان در زمستان.

۴ یعنی عیسی را باور دارد.

۵ یعنی نشان حمل آن فرزند.

۶ یعنی قرعه می‌انداختند.

۴۹. و گرداند او را پیغامبری به سوی بنی‌اسرائیل به این دعوی که آورده‌ام پیش شما نشانه‌ای از پروردگار شما تا آن که من می‌سازم برای شما از گِل، مانند شکل پرنده؛ پس دم می‌زنم در آن، پس باشد پرنده به حکم خدا، و به می‌کنم کور مادرزاد را و برص‌دار را و زنده می‌سازم مردگان را به حکم خدا و خبر می‌دهم شما را به آنچه می‌خورید و آنچه ذخیره می‌نهیید در خانه‌های خود، هرآینه در این کار نشانه است شما را اگر باور دارندگانید.
۵۰. و آمده‌ام باور دارنده آنچه پیش دست‌های من است از تورات و آمده‌ام تا حلال گردانم برای شما بعضی آنچه حرام شده بود بر شما و آوردم نزدیک شما نشانه از پروردگار شما، پس بترسید از خدا و فرمان من برید.
۵۱. هرآینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس پرستش کنید او را، این است راه راست.<sup>۱</sup>
۵۲. پس آنگاه که دریافت عیسی از قوم خود کفر را، گفت: کیستند یاری دهندگان من به سوی خدا؟ گفتند حواریان: ماییم یاری دهندگان، خدا را؛ ایمان آوردیم به خدا و گواه باش که ما فرمانبرداریم.
۵۳. ای پروردگار ما! ایمان آوردیم به آنچه فرود آوردی و پیروی کردیم پیغمبر را، پس بنویس ما را با شاهدان.<sup>۲</sup>
۵۴. و بد سگالیدند کافران و بدسگالید خدا<sup>۳</sup> و خدا قوی‌تر است از همه بدسگالان.
۵۵. آنگاه که گفت خدا: ای عیسی! هرآینه من برگیرنده توام<sup>۴</sup> و بردارنده توام به سوی خود و پاک کننده توام از صحبت کسانی که کافر شدند و گرداننده تابعان توام بالای کافران،<sup>۵</sup> تا روز قیامت. باز به سوی من است بازگشت شما، پس داوری می‌کنم میان شما در آنچه اختلاف می‌کردید اندر آن.
۵۶. اما کافران، پس عذاب کنم ایشان را به عذاب سخت در دنیا و آخرت و نیست ایشان را یاری دهنده.
۵۷. و اما کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته، پس تمام دهد خدا ایشان را مزد ایشان، و خدا دوست نمی‌دارد ظالمان را.
۵۸. این را می‌خوانیم یا محمد[ بر تو که آیات و کتاب محکم است.
۵۹. هرآینه حال عیسی نزد خدا مانند حال آدم است؛ آفرید او را از خاک، باز گفت او را: بشو! پس شد.<sup>۶</sup>
۶۰. این سخن راست است از پروردگار تو، پس مباش از شک آزندگان.
۶۱. پس هر که مکابره کند با تو در باب عیسی بعد از آنچه آمد به تو از دانش، پس بگو: بیایید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را و ذات‌های خود را و ذات‌های شما را، پس همه به زاری دعا کنیم، پس لعنت خدا گوئیم بر دروغگویان.

۱ القصه، این بشارت در حق عیسی، علیه‌السلام، متحقق شد و یهود را به دین خود دعوت نمود.

۲ یعنی در زمره شهداء که اکمل امت‌اند؛ والله اعلم.

۳ یعنی به آن کافران.

۴ یعنی ازین جهان.

۵ یعنی غالب بر ایشان.

۶ یعنی انسان شد.

۶۲. هرآینه این است خبر راست و نیست هیچ معبود بجز خدا و هرآینه خدا غالب استوارکار است.
۶۳. پس اگر روگردانیدند، پس خدا داناست به تباہکاران.
۶۴. بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی مسلم میان ما و شما که نپرستیم بجز خدا و شریک نسازیم با وی چیزی را و پروردگار نگیرد بعضی از ما بعض دیگر را بجز خدا. پس اگر روی گردانیدند، پس بگویید که: گواه باشید ما مسلمانی.
۶۵. ای اهل کتاب! چرا مکابره می‌کنید در باب ابراهیم<sup>۱</sup> و فرود آورده نشده است تورات و انجیل الا بعد ابراهیم، آیا نمی‌فهمید؟
۶۶. آگاه شوید شما ای قوم، مکابره کردید در آنچه شما را به وی دانش است، پس چرا مکابره می‌کنید در آنچه شما را به وی دانش نیست و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.<sup>۲</sup>
۶۷. نبود ابراهیم یهود و نه ترسا ولیکن بود حنیف مسلمان، و نبود از شرک آرندگان.<sup>۳</sup>
۶۸. هرآینه نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، آن کسان بودند که پیروی او کردند. (یعنی در زمان او) و این پیغامبر و مؤمنان، و خدا کارساز مؤمنان است.
۶۹. آرزو کردند طایفه‌ای از اهل کتاب که گمراه سازند شما را و گمراه نمی‌سازند مگر خویشان را و آگاه نیستند.
۷۰. ای اهل کتاب! چرا کافر می‌شوید به آیت‌های خدا، دانسته؟
۷۱. ای اهل کتاب! چرا خلط می‌کنید حق را به باطل و چرا می‌پوشید حق را، دانسته؟
۷۲. و گفتند گروهی از اهل کتاب: ایمان آرید به آنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان، اول روز و انکار کنید آخر آن روز، تا شاید که مسلمانان برگردند.<sup>۴</sup>
۷۳. و منقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین شما کند، بگو یا [محمد]: هرآینه هدایت، همان است که هدایت خداست. گفتند: باور مکنید آن که داده شود هیچ کس مانند آنچه داده شده‌اید شما، یا گروهی الزام دهند شما را نزدیک خدای شما. بگو: نعمت به دست خداست، می‌دهد آن را به هر که خواهد و خدا فراخ نعمت داناست.
۷۴. مخصوص می‌کند به بخشایش خود، هر که را خواهد و خدا صاحب فضل عظیم است.
۷۵. و از اهل کتاب کسی هست که اگر امین داری او را به خزانه، باز دهد او را به تو؛ و از ایشان کسی هست که اگر امین داری او را به یک دینار، باز ندهد آن را به تو، مگر تا وقتی که باشی بر سر او ایستاده، و این خیانت، به سبب آن است که گفتند: نیست بر ما در باب ناخواندگان هیچ راه<sup>۵</sup> و دروغ می‌گویند بر خدا، دانسته.
۷۶. آری! هر که وفا کند به عهد خود و پرهیزگاری کند، پس هرآینه خدا دوست می‌دارد پرهیزگاران را.
۷۷. کسانی که می‌ستانند عوض پیمانی که با خدا بستند، و عوض سوگندان خویش بهایی اندک را، آن گروه، هیچ نصیب نیست ایشان را در آخرت و سخن نکوید با ایشان

۱ یعنی بعض گفتند یهودی بود و بعض گفتند نصرانی بود.

۲ یعنی در مسائل منصوصه در تورات اختلاف کردید تا چه رسد به غیر منصوصه.

۳ مترجم گوید: حنیف آن را می‌گفتند که استقبال کعبه کند و حج گزارد و ختنه نماید و از جنابت غسل کند؛ حاصل آنکه نام کسی بود که به شریعت ابراهیمی متدین باشد.

۴ یعنی با یکدیگر.

۵ یعنی در شک افتند.

۶ یعنی ما را بر مال عرب که هم دین ما نیستند، مؤاخذه نخواهد شد.

- خدا و نگاه نکنند به سوی ایشان، روز قیامت و پاک نسازد ایشان را و ایشان راست، عذاب درد دهنده.
- ۷۸ و هر آینه از اهل کتاب، گروهی هستند که می‌پیچند زبان خویش را به نوشته تا گمان کنید که آن از کتاب است و نیست آن از کتاب،<sup>۱</sup> و می‌گویند که این از نزدیک خداست و نیست آن از نزدیک خدا و دروغ گویند بر خدا، دانسته.
- ۷۹ سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند او را خدا کتاب و علم و نبوت، باز گوید به مردمان: بندگان شوید مرا بدون خدا، ولیکن مثل این شخص می‌گوید که: باشید ربانی<sup>۲</sup> به سبب آموختن کتاب و خواندن آن.
- ۸۰ و سزاوار نیست که فرماید شما را که پروردگار گیرید فرشتگان و پیغامبران را. آیا به کفر فرماید شما را؟ بعد از آن که مسلمان شده باشید.
- ۸۱ و آنگاه که گرفت خدا تعالی پیمان پیغامبران<sup>۳</sup> که آنچه دادم شما را از کتاب و علم، باز بیاید به شما پیغامبری باور کننده آنچه با شماست، البته ایمان آرید به او و البته یاری دهید او را، فرمود خدا: آیا اقرار کردید و گرفتید بر این کار، عهد مرا؟<sup>۴</sup> گفتند: اقرار کردیم؛ فرمود: پس گواه باشید<sup>۵</sup> و من با شما از گواهانم.
- ۸۲ پس هر که برگردد بعد از این، پس آن گروه، ایشانند بدکاران.
- ۸۳ آیا این کافران ورای دین خدا می‌طلبند؟ و خدا را منقاد شده‌اند، آنان که در آسمان‌ها و زمینند، به خوشی یا ناخوشی و به سوی او گردانیده شوند.
- ۸۴ بگو: ایمان آوردیم به خدا و به آنچه فرود آورده شده است بر ما و به آنچه فرود آورده شده بود بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نبیرگان وی و آنچه داده شد موسی و عیسی و پیغامبران را از پروردگار ایشان، فرق نمی‌کنیم میان هیچ یک از ایشان و ما خدا را منقادیم.
- ۸۵ و هر که طلب کند ورای اسلام، دین دیگر را، پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از او، و او در آخرت از زیانکاران است.
- ۸۶ چگونه راه نماید خدا گروهی را که کافر شدند بعد اسلام خود، بعد از آن که شناختند که پیغمبر درست است و بعد از آن که آمد به ایشان حجت و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را.
- ۸۷ این گروه، سزای ایشان آن است که باشد بر ایشان، نفرین خدا و فرشتگان و مردمان، همه ایشان.
- ۸۸ چاویدان در آن لعنت، سبک کرده نشود از ایشان، عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند.
- ۸۹ الا آنان که توبه کردند بعد از این و نکوکاری نمودند، پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است.
- ۹۰ هر آینه کسانی که کافر شدند بعد اسلام خویش، باز زیادتی کردند در کفر، هرگز قبول کرده نشود توبه ایشان و آن گروه، ایشانند گمراهان.

۱ یعنی به تکلف از خود چیزی نوشته در کتاب غلط ساخته می‌خوانند.

۲ یعنی مرشد خلق شوید.

۳ یعنی از بنی آدم پیمان گرفت برای پیغامبران.

۴ یعنی قبول کردید.

۵ یعنی بر یکدیگر.

۹۱. هر آینه آنان که کافر شدند و کافر مردند، هرگز قبول کرده نخواهد شد از هیچ یک ایشان، مقدار پُری زمین از زر و اگر عوض خود دهد آن را، آن گروه، ایشان راست، عذاب درد دهنده و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده.
۹۲. هرگز نیابید نکوکاری را، تا آن که خرج کنید از آنچه که دوست می‌دارید و هر چیز که خرج کنید، خدا به آن داناست.
۹۳. همه طعام، حلال بود بر بنی‌اسرائیل، مگر آنچه حرام کرده بود یعقوب بر خویشتن پیش از آن که تورات نازل کرده شود؛ بگو: بیارید تورات را! پس بخوانید آن را اگر هستید راستگوی!
۹۴. پس هر که دروغ بندد بر خدا بعد از این، پس آن گروه، ایشانند ستمکاران.
۹۵. بگو: راست گفت خدا، پس پیروی کنید ملت ابراهیم را؛ حنیفی کیش شده و نبود از مشرکان.
۹۶. هر آینه اول خانه‌ای که مقرر کرده شد برای مردمان، آن است که در مکه است، برکت داده شده و هدایت است مر مردمان را.
۹۷. در آن خانه، نشانه‌های روشن است از آن جمله جای ایستادن ابراهیم<sup>۲</sup> و هر که درآید آنجا ایمن بود، و حق خداست بر مردمان، حج خانه کعبه، هر که توانایی دارد رفتن به سوی آن از جهت اسباب راه. و هر که کافر شود، پس هر آینه خدا بی‌نیاز است از عالم‌ها.
۹۸. بگو: ای اهل کتاب! چرا کافر می‌شوید به آیات خدا؟ و خدا حاضر است بر آنچه می‌کنید.
۹۹. بگو: ای اهل کتاب! چرا باز می‌دارید از راه خدا کسی را که ایمان آورد، می‌طلبید برای آن راه کجی<sup>۳</sup> و شما باخبرانید؟ و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید.
۱۰۰. ای مسلمانان! اگر فرمان برید گروهی را از اهل کتاب، کافر گرداند شما را بعد از اسلام شما.
۱۰۱. و چگونه کافر شوید و خوانده می‌شود بر شما آیات خدا و در میان شما هست پیغامبر خدا؟! و هر که چنگ استوار کرد به خدا، پس هر آینه راه نموده شد به سوی راه راست.
۱۰۲. ای مسلمانان! بترسید از خدا، حقّ ترسیدن از وی و نمیرید مگر مسلمان شده.
۱۰۳. و چنگ زنید به رَسَن خدا<sup>۴</sup> جمع آمده، و پراکنده مشوید و یاد کنید نعمت خدا را که بر شماست؛ چون بودید دشمن یکدیگر،<sup>۵</sup> پس الفت داد میان دل‌های شما، پس شدید به نعمت خدا برادر با یکدیگر و بودید بر کناره مغالکی از آتش، پس رهانید شما را از آن. همچنین بیان می‌کند برای شما نشانه‌های خود را تا باشد که راه یابید.<sup>۶</sup>

۱ مترجم گوید: یهود بر حضرت پیغامبر، صلی‌الله‌علیه و سلم، طعن می‌کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می‌کنید و آنچه در خاندان، نمی‌خورند مانند گوشت شتر و شیر، آن می‌خورید؛ حق تعالی جواب داد که همه چیز حلال بود پیش از نزول تورات، الا گوشت و شیر شتر و تحریم گوشت و شیر شتر، ملت ابراهیم نیست، خاصه بنی‌اسرائیل بود، به سبب تحریم جد ایشان؛ والله اعلم.

۲ یعنی نقشی که در سنگ ظاهر شده.

۳ یعنی شبهات می‌آرید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است.

۴ به دین خدا.

۵ یعنی اوس و خزرج و عرب معدیه و یمینیه و عرب و عجم با یکدیگر دشمنی داشتند.

۶ یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد و جمعی ... و علی هذا القیاس.

۱۰۴. و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند به سوی نیکی و بفرمایند به کار پسندیده و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه، ایشانند رستگاران.<sup>۱</sup>
۱۰۵. و مایشید مانند کسانی که پراکنده شدند و خلاف با یکدیگر کردند بعد از آن که آمد به ایشان حجت‌ها و آن گروه، ایشان راست عذاب بزرگ.<sup>۲</sup>
۱۰۶. آن روز که سفید شود یک پاره روی‌ها و سیاه گردد یک پاره روی‌ها؛ اما آنان که سیاه گشت روی ایشان، بدیشان گفته شود: آیا کافر شدید بعد از اسلام خویش؟ پس بچشید عذاب، به سبب کافر شدن خویش.
۱۰۷. و اما آنان که سفید شد روی‌های ایشان، پس در رحمت خدا باشند؛ ایشان در آنجا جاویدند.
۱۰۸. این آیات خداست، می‌خوانیم آن را بر تو به راستی، و نمی‌خواهد خدا ستم کردن بر مردمان.
۱۰۹. و خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است، و به سوی خدا بازگردانیده می‌شود همه کارها.
۱۱۰. هستید شما بهترین امتی که بیرون آورده شد<sup>۳</sup> برای مردمان؛ می‌فرمایید به کار پسندیده و منع می‌کنید از ناپسندیده و باور می‌دارید خدا را. و اگر ایمان می‌آوردند اهل کتاب، هر آینه بهتر بودی ایشان را؛ بعضی از ایشان مسلمانند و اکثر ایشان هم بدکارانند.
۱۱۱. هرگز زیان نرسانند به شما مگر اندک رنجی<sup>۴</sup> و اگر کارزار کنند با شما، پشت به سوی شما کنند،<sup>۵</sup> باز نصرت داده نشوند.
۱۱۲. زده شد بر ایشان خواری هر جا که یافته شوند، مگر به دستاویزی از خدا و دستاویزی از مردمان<sup>۶</sup> و بازگشتند به خشمی از خدا. و زده شد بر ایشان ناداری. این به سبب آن است که کافر می‌بودند به آیات خدا و می‌کشتند پیغامبران را به ناحق، این به سبب گناه کردن ایشان است و به سبب آن که از حد می‌گذشتند.
۱۱۳. نیستند همه برابر از اهل کتاب؛ گروهی هست ایستاده،<sup>۷</sup> می‌خوانند آیات خدا را در اوقات شب و ایشان سجده می‌کنند.<sup>۸</sup>
۱۱۴. باور می‌دارند خدا را و روز قیامت را و می‌فرمایند به کار پسندیده و منع می‌کنند از ناپسندیده و شتاب می‌کنند در نیکی‌ها و ایشان از شایسته کارانند.
۱۱۵. و آنچه کنند از نیکی، پس ناقد رشناسی کرده نشود به ایشان به نسبت آن عمل و خدا داناست به پرهیزگاران.
۱۱۶. هر آینه کسانی که کافر شدند، دفع نکند از ایشان مال و اولاد ایشان از عذاب، خدا چیزی را و ایشانند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند.

۱ یعنی واجب بالكفایه است که جمعی به امر معروف و نهی از منکر قیام نمایند.

۲ یعنی مانند یهود و نصاری مشوید که هفتاد و چند فرقه گشتند.

۳ یعنی مقرر کرده شد.

۴ یعنی به سبب زبان‌درازی.

۵ یعنی بگریزند.

۶ یعنی مگر به عهد و ذمه.

۷ یعنی راست‌کردار.

۸ یعنی آنان که از ایشان مسلمان شده مانند عبدالله بن سلام.

۱۱۷. صفت آنچه خرج می‌کنند در این زندگانی دنیا، مانند صفت بادی است که در آن سرما [آی] سخت است، برسید زراعت گروهی را که ستم کردند بر خویشان، پس نابود ساخت آن را و ستم نکرد بر ایشان خدا ولیکن بر خویشان ستم می‌کردند.<sup>۱</sup>
۱۱۸. ای مسلمانان! دوست پنهانی مگیرید از غیر خویش؛<sup>۲</sup> تقصیر نمی‌کنند به نسبت شما در فتنه‌انگیزی، دوست داشتند رنج شما را. هرآینه ظاهر شد دشمنی از دهان‌های ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه‌های ایشان، سخت‌تر است. هرآینه بیان کردیم برای شما نشانه‌هایی اگر دانا هستید.
۱۱۹. آگاه شوید شما ای قوم که دوست می‌دارید ایشان را و ایشان دوست نمی‌دارند شما را و ایمان می‌آرید به همه کتاب الهی، و ایشان چون ملاقات کنند با شما گویند: ایمان آوردیم و چون تنها بشوند بگزند بر شما انگشتان خود را از خشم. بگو: بمیرید به سبب خشم خویش! هرآینه خدا داناست به آنچه در سینه‌هاست.
۱۲۰. اگر برسد به شما نعمت، ناخوش کند ایشان را و اگر برسد به شما سختی‌ای خوشدل شوند به آن و اگر شکیب کنید و پرهیزگاری نمایید، هیچ زیان نرساند به شما مگر ایشان. هرآینه خدا به آنچه می‌کنند در برگرنده است.<sup>۳</sup>
۱۲۱. و یاد کن آنگاه که پگاه بیرون آمدی از میان اهل خانه خود، می‌نشانندی مسلمانان را در جای‌ها برای جنگ، و خدا شنوای داناست.<sup>۴</sup>
۱۲۲. آنگاه که خواستند دو فرقه از شما که بُزدلی کنند و خدا کارساز ایشان بود، و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان.<sup>۵</sup>
۱۲۳. و هرآینه خدا فتح داد شما را روز بدر و شما خوار بودید، پس بترسید از خدا تا بُود که شکر کنید.
۱۲۴. چون می‌گفتی به مسلمانان: آیا کفایت نخواهد کرد شما را که امداد کند پروردگار شما به سه هزار کس از فرشتگان فرود آورده شده؟
۱۲۵. بلی! اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و بیایند کافران به سوی شما به این جوش خود، امداد کند شما را پروردگار شما به پنج هزار کس از فرشتگان نشانمند کرده.
۱۲۶. و نساخت خدای تعالی این مدد را مگر برای مژده دادن شما و برای آن که آرام گیرد دل‌های شما به آن، و نیست فتح، مگر از نزدیک خدای غالب استوارکار.
۱۲۷. چنین کرد تا هلاک کند طایفه‌ای را از کافران یا مغلوب سازد ایشان را، پس بازگردند به مراد نارسیده.

۱ حاصل آن است که صدقات ایشان حبط می‌شود.

۲ یعنی از غیر مسلمانان.

۳ در غزوه احد، اهل نفاق میل کردند به آنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند، بعد از آنکه هزیمت واقع شد. منافقان این را محل طعن گرفتند و وقت جنگ، حضرت پیغامبر بر بالای کوهی جماعتی را مقید ساختند که از این جا نجنبند؛ چون آثار فتح ظاهر شدن در گرفت، آن جماعت در پی غنیمت افتادند و عصبان پیغمبر کردند؛ به شومی این عصبان، هزیمت بر مسلمانان افتاد و همه فرار کردند الا مشاءالله. خبر شهادت حضرت پیغامبر، شائع شد. منافقان قصد ارتداد کردند؛ پس در جواب طعن منافقان و عتاب خلاف امرکنندگان و تشنیع بی‌وفایان، حق سبحانه نازل کرد.

۴ و یاد کن زمانی را که بامدادان از میان خانواده خود بیرون رفتی و پایگاه‌های جنگ را برای مسلمانان مهیامی کردی (مصحح).

۵ یعنی بنی سلمه و بنی حارثه که خیال فرار به خاطر ایشان گذشته بود. باز خدای تعالی ایشان را از جبین محفوظ داشت.



۱۲۸. نیست تو را از این کار چیزی، یا به مهربانی بازگردد بر ایشان یا عذاب کند ایشان را؛ زیرا که ایشان ستمکارند.
۱۲۹. و خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است؛ می‌آمزد هر که را خواهد و عذاب می‌کند هر که را خواهد، و خدا آمرزنده مهربان است.
۱۳۰. ای مؤمنان! مخورید سود را دو چندان تو بر تو، و بترسید از خدا تا باشد که رستگار شوید.
۱۳۱. و پناه گیرید از آن آتش که آماده کرده شده است برای کافران.
۱۳۲. و فرمان برید خدا را و پیغامبر را تا باشد که بر شما مهربانی کرده شود.
۱۳۳. و شتاب کنید به سوی آموزش از پروردگار خویش و به سوی بهشتی که پهنای او مانند آسمان‌ها و زمین است، آماده کرده شده است برای پرهیزگاران.
۱۳۴. آنان که خرج می‌کنند در آسایش و سختی و فروخورندگان خشم و عفو کنندگان تقصیر از مردمان و خدا دوست می‌دارد نیکوکاران را.
۱۳۵. و آنان که چون کار زشت کنند، یا ستم کنند بر خود، یاد کنند خدا را، پس آموزش خواهند برای گناهان خود و کیست که بیمارزد گناهان را مگر خدا و پیوسته نباشند بر آنچه کردند و ایشان، دانسته.
۱۳۶. آن گروه پاداش ایشان آموزش است از پروردگار ایشان و بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا و نیک است اجر اطاعت کنندگان.
۱۳۷. هر آینه گذشته است پیش از شما واقعه‌هایی، پس سیر کنید در زمین و ببینید چگونه بود آخر کار دارندگان.
۱۳۸. این واضح کردن است، برای مردمان و راه نمودن و پند دادن برای پرهیزگاران.
۱۳۹. و سست مشوید و اندوهناک مباشید و شما باید غالب، اگر مسلمان هستید.
۱۴۰. اگر برسد شما را زخمی، پس رسیده است جماعت کافران را زخمی مانند آن، و این حادثه‌هایی [است]، می‌گردانیم آن را در میان مردمان برای فواید بسیار و تا متمیز سازد خدا مؤمنان را و شهید گرداند بعضی را از شما، و خدا دوست نمی‌دارد ستمکاران را.
۱۴۱. و تا کامل عیار کند مسلمانان را و نابود سازد کافران را.
۱۴۲. آیا گمان کردید که درآید به بهشت و هنوز متمیز نساخته است خدا مجاهدان را از شما و پیش از آن که جدا کند صابران را؟
۱۴۳. و هر آینه شما آرزو می‌کردید مرگ را پیش از آن که ملاقات آن کنید، پس معاینه کردید آن را و شما می‌نگریستید.
۱۴۴. و نیست محمد مگر پیغمبر، هر آینه گذشته‌اند پیش از وی پیغامبران؛ آیا اگر بمیرد یا کشته شود برگردید بر پاشنه‌های خود؟<sup>۱</sup> و هر که برگردد بر پاشنه‌های خود، پس هیچ زبان نرساند خدا را و خدا ثواب خواهد داد شکرگزاران را.
۱۴۵. و نیست هیچ شخصی را که بمیرد الا به اراده خدا. نوشته شده است مقید به قید وقت، و هر که خواهد جزای دنیا، بدهیمش از ثواب دنیا و هر که بخواهد جزای آخرت، بدهیمش از ثواب آخرت و نزدیک است که جزای نیک دهیم شکرگزاران را.

۱ یعنی دربه‌در.

۲ یعنی ذنوب ایشان را محو کند.

۳ یعنی شهادت را.

۴ یعنی مرتد شوید.

۱۴۶. و بسا پیغامبر که قتل کردند با کفار، همراه او خداپرستان بسیار، پس سستی نکردند به سبب مصیبتی که ایشان را رسید در راه خدا و ناتوانی نکردند و بیچارگی نمودند و خدا دوست می‌دارد صابران را.
۱۴۷. و نبود سخن این خداپرستان بجز آن که گفتند: ای پروردگار ما! بیامرز ما را گناهان ما و از حد گذشتن ما در کار خود و استوار بکن پاهای ما را و نصرت ده ما را بر قوم کافران.
۱۴۸. پس عطا کرد خدا ایشان را جزای نیک در دنیا و جزای نیک در آخرت، و خدا دوست می‌دارد نیکوکاران را.
۱۴۹. ای مؤمنان! اگر فرمانبرداری کافران کنید، بازگردانند شما را بر پاشنه‌های شما، پس بازگردید زیانکار شده.
۱۵۰. بلکه خدا یاری دهنده شما است و او بهترین یاری‌دهندگان است.
۱۵۱. خواهیم انداخت در دل‌های کافران بُردلی؛ به سبب آن که شریک مقرر ساختند با خدا چیزی را که هیچ حجت فرود نیاورده است خدا برای او. و جای ایشان دوزخ است و آن پد اقامتگاه ستمکاران است.
۱۵۲. و هرآیین راست کرد خدا در حق شما وعده خود را چون می‌کشید کافران را به حکم خدا، تا وقتی که بُردلی کردید و نزاع کردید در کار خویش و نافرمانی کردید بعد از آن که نمود به شما آنچه می‌خواستید؛ از شما کسی بود که می‌خواست دنیا را و از شما کسی بود که می‌خواست آخرت را، آنگاه بازگردانید شما را از ایشان تا امتحان کند شما را، و هرآیین درگذرانید از شما و خدا صاحب رحمت است بر مؤمنان.
۱۵۳. آنگاه که دور می‌رفتید در گریختن و متوجه نمی‌شدید بر هیچ کس و پیغامبر می‌خواند شما را در جماعتی که پس پشت شما بود؛ پس جزا داد شما را به اندوهی بالای اندوهی. این پند دادن برای آن است تا اندوهناک نشوید بر آنچه از دست شما رفت و نه بر آنچه رسید به شما و خدا باخبر است به آنچه می‌کنید.
۱۵۴. باز فرود آورد بر شما پس از اندوه، ایمنی که پینکی بود. می‌پوشیده گروهی را از شما و گروهی دیگر بودند که اندوهناک ساخته بود ایشان را فکر خویشتن، گمان می‌کردند به خدا، ناحق، گمان کفر را؛ می‌گفتند: آیا هست ما را از این کار از چیزی؟<sup>۱</sup> بگو: کار به تمام، خدا راست. پنهان می‌دارند در دل خویشتن آنچه آشکارا نمی‌کنند برای تو. می‌گویند: اگر بودی ما را از این کار چیزی، کشته نمی‌شدیم در اینجا. بگو: اگر می‌بودید در خانه‌های خویش، هرآیین بیرون می‌آمدند کسانی که مقدر شده است بر ایشان کشته شدن به سوی کشتن‌گاه خویش.<sup>۲</sup> و تا بیازماید خدا آنچه در سینه‌های شماست و تا کامل عیار سازد آنچه در دل شماست و خدا دانا است به آنچه در سینه‌هاست.
۱۵۵. هرآیین کسانی که روگردانیدند از شما روزی که به هم آمدند هر دو جماعت، بجز این نیست که لغزانید ایشان را شیطان به شومی بعضی آنچه کردند، و هرآیین عفو کرد خدا از ایشان، هرآیین خدا آمرزنده بردبار است.

۱ یعنی فرار کردید.

۲ یعنی درین کار ما را اختیار نیست و به تدبیر ما کار نمی‌کنند.

۳ و این کار برای آن کرده شد که در علم الهی مقدر بود.

۴ یعنی کافران و مسلمانان.

۱۵۶. ای مؤمنان! مباحثید مانند آنان که کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش، وقتی که سفر کنند در زمین یا باشند به جهاد بیرون آمده: <sup>۱</sup> اگر می‌بودند ایشان نزدیک ما، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند، تا گرداند خدا این سخن را دروغ در دل ایشان و خدا زنده می‌کند و می‌میراند و خدا به آنچه می‌کنید بینا است.
۱۵۷. و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید، هرآینه آمرزشی از خدا و بخشایشی بهتر است از آنچه جمع می‌کنند.
۱۵۸. و اگر مردید یا کشته شدید، البته به سوی خدا برانگیخته خواهید شد.
۱۵۹. پس به سبب مهربانی از خدا، نرم شدی برای ایشان و اگر می‌شدی درشت‌خو[ی] سخت دل، پراکنده می‌شدند از حوالی تو؛ پس درگذر از ایشان و آمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن با ایشان در این کار؛ پس آنگاه که قصد محکم کردی، پس اعتماد کن بر خدا، هرآینه خدا دوست می‌دارد توکل‌کنندگان را.
۱۶۰. اگر نصرت دهد شما را خدا، هیچ‌کس غالب نیست بر شما. و اگر به بی‌پروایی بگذارد شما را، پس کیست که نصرت دهد شما را بعد از وی و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان.
۱۶۱. و هرگز خیانت از نبی نمی‌آید و هر که خیانت کند، خواهد آورد آن چیز را که خیانت کرده است به روز قیامت؛ <sup>۲</sup> پس تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند.<sup>۳</sup>
۱۶۲. آیا کسی که در پی خشنودی خدا رفت، می‌باشد مانند کسی که بازگشت به خشم خدا و جای او دوزخ است؟ و بدجایی است.
۱۶۳. ایشان بر مراتب‌اند نزدیک خدا و خدا بیناست به آنچه می‌کنند.
۱۶۴. هرآینه نعمت فراوان داد خدا بر مؤمنان؛ آنگاه که فرستاد در میان ایشان پیغمبری از قوم ایشان، می‌خواند بر ایشان آیات خدا را و پاک سازد ایشان را و می‌آموزد ایشان را کتاب و علم و هرآینه بودند پیش از این در گمراهی آشکارا.
۱۶۵. آیا چون رسید به شما مصیبتی که به دست آورده بودید دو چند از آن را، گفتید: از کجا آمد این مصیبت؟ بگو که: آن از نزد نفوس شما است، هرآینه خدا بر همه چیز تواناست.
۱۶۶. و آنچه رسید به شما روزی که به هم آمدند دو گروه، پس به اراده خدا بود و تا متمیز سازد مؤمنان را.
۱۶۷. و متمیز سازد آنان را که منافق شدند و گفته شد ایشان را: بیایید بجنگید در راه خدا یا دفع کنید کافران را، <sup>۴</sup> گفتند: اگر می‌دانستیم جنگ کردن، <sup>۵</sup> هرآینه پیروی شما می‌کردیم؛ این گروه به سوی کفر، آن روز نزدیک‌تر بودند به نسبت ایشان به جانب ایمان؛ می‌گویند به دهان خویش آنچه نیست در دل ایشان و خدا داناتر است به آنچه می‌پوشند.

۱ یعنی چون بمیرند درین حالت.

۲ یعنی بر سر برداشته.

۳ مترجم گوید: چون حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، متصرف بودند در غنیمت، این آیت نازل شد تا کسی گمان خیانت نکند.

۴ یعنی از بلاد خویش.

۵ یعنی مصلحت می‌دانستیم.

۱۶۸. آنان که خود از جنگ، بازنشسته، گفتند در حق برادران خویش که: اگر فرمان ما می‌بردند، کشته نمی‌شدند، بگو: دفع کنید از خویشان مرگ را اگر هستید راستگو.
۱۶۹. و مرده گمان مکن کسانی را که کشته شدند در راه خدا، بلکه زنده‌اند؛ نزدیک پروردگار خویش، روزی داده می‌شوند.
۱۷۰. شادان به آنچه عطا کرده است خدا ایشان را از فضل خود و خوشوقت می‌شوند به سبب آنان که به ایشان نپیوسته‌اند از پس ایشان؛ به سبب آن که هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند.
۱۷۱. خوشوقت می‌شوند به نعمت خدا و فضل او و به آن که خدا ضایع نمی‌کند مزد مؤمنان را.<sup>۱</sup>
۱۷۲. کسانی که قبول کردند حکم خدا و رسول را بعد از آن که رسیده بود به ایشان زخم، برای آنان که از این جماعت نیکوکاری و تقوا کرده‌اند، مزد بزرگ است.
۱۷۳. آنان که گفتند به ایشان مردمان که: کافران لشکر جمع کرده‌اند برای شما، پس بترسید از آن لشکرها، پس زیاده کرد این [سخن] ایمان ایشان را و گفتند: بس است ما را خدا و نیک کارگزار است.
۱۷۴. پس بازگشتند این [مسلمانان] به نعمتی از خدا و فضل او، نرسید به ایشان هیچ سختی و پیروی خشنودی خدا کردند و خدا صاحب فضل بزرگ است.
۱۷۵. جز این نیست که این خبردهنده، شیطان است، می‌ترساند دوستان خود را؛<sup>۲</sup> پس شما مترسید از کافران و بترسید از من، اگر مؤمن هستید.
۱۷۶. و اندوهگین نکنند تو را یا [محمد] آنان که می‌شتابند در نصرت کفر؛ هرآینه ایشان هیچ زیان نرسانند خدا را.<sup>۳</sup> می‌خواهد خدا که ندهد ایشان را هیچ بهره در آخرت و ایشان راست، عذاب بزرگ.
۱۷۷. هرآینه آنان که خریدند<sup>۴</sup> کفر را عوض ایمان، هیچ زیان نرسانند خدا را و ایشان راست، عذاب درد دهنده.
۱۷۸. و گمان نکنند کافران که مهلت دادن ما ایشان را، بهتر است در حق ایشان؛ جز این نیست که مهلت می‌دهیم ایشان را تا زیاده شوند در گناهکاری و ایشان راست، عذاب خوار کننده.
۱۷۹. هرگز نگذارد خدا مسلمانان را بر آنچه حال شما هستید بر آن، تا آن که جدا کند ناپاک را از پاک، و هرگز مطلع نکند خدا شما را بر غیب ولیکن خدا برمی‌گزیند از پیغامبران خود، هر که را خواهد؛ پس ایمان آرید به خدا و پیغامبران او و اگر ایمان آرید و تقوی کنید، شما را باشد مزد بزرگ.
۱۸۰. و باید گمان نکنند آنان که بخل می‌کنند به آنچه عطا کرده است خدا ایشان را از فضل خود، این بخل را بهتر برای خویش؛ بلکه آن بد است برای ایشان؛ نزدیک است که

۱ مترجم گوید: در اُحد مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده‌گاه قتال میان ایشان سال آینده، سوق بدر باشد؛ چون موسم سوق بدر رسید، کفار شخصی را فرستادند، جمعیت ایشان بیان کرده، مسلمانان را در حیز توقف اندازد، با وجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آن حضرت برآمدند و به بدر رسیدند و در تجارت سودها یافتند و هیچ یک از کفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری می‌گویند. خدا در مدح ایشان می‌فرماید.

۲ یعنی ضعیف اسلام را.

۳ یعنی دین او را.

۴ یعنی اختیار کردند.

- بر شکل طوق، پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده‌اند به آن، روز قیامت<sup>۱</sup> و خدا راست پس گذاشته اهل آسمان‌ها و زمین و خدا به آنچه می‌کنید دانا است.
۱۸۱. هر آینه شنید خدا سخن آنان را که گفتند: خدا فقیر است و ما توانگریم.<sup>۲</sup> خواهیم نوشت آنچه گفتند و [بنویسیم] کشتن ایشان، پیغمبران را به ناحق و بگوییم: بچشید عذاب سوزنده.
۱۸۲. این عذاب، به سبب عملی است که پیش فرستاده است دست‌های شما و به سبب آن است که خدا ستم کننده نیست بر بندگان.
۱۸۳. آنان که گفتند که: هر آینه خدا حکم فرستاده است به سوی ما که ایمان نیاریم به هیچ پیغامبر تا آن که بیارد ما را قربانی که بخورد آن را آتش.<sup>۳</sup> بگو: آوردند نزد شما پیغامبران پیش از من، معجزه‌ها و آن را نیز که شما گفتید؛ پس چرا کشتید ایشان را، اگر هستید راستگو؟
۱۸۴. پس اگر به دروغ نسبت کردند تو را، به دروغ نسبت کرده شده بود پیغامبران پیش از تو؛ آوردند حجت‌ها را و صحیفه‌ها را و کتاب روشن را.
۱۸۵. هر نفسی چشیده موت است و جز این نیست که تمام داده خواهید شد مزد خویش را روز قیامت؛ پس هر که دور داشته شد از دوزخ و در آورده شد به بهشت، پس هر آینه به مراد رسید و نیست زندگانی دنیا مگر بهره فریبنده.
۱۸۶. البته آزمایش کرده خواهد شد شما را در اموال شما و جان‌های شما و خواهید شنید از آنان که کتاب داده شده‌اند پیش از شما و از مشرکان، سرزنش بسیار و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، هر آینه این خصلت از کارهای مقصود است.
۱۸۷. و یاد کن، چون گرفت خدا عهد اهل کتاب را که البته بیان کنید کتاب را برای مردمان و نبوشید آن را، پس ببانداختند آن عهد را پس پُشتِ خویش و گرفتند عوض آن بهایی اندک؛ پس بدچیزی است که می‌ستانند.
۱۸۸. مپندار کسانی را که شادمان می‌شوند به آنچه کردند و دوست می‌دارند که ستوده شوند به آنچه نکرده‌اند، مپندار ایشان را در خلاصی از عذاب و ایشان راست، عذاب درد دهنده.
۱۸۹. و خدا راست، پادشاهی آسمان‌ها و زمین و خدا بر همه چیز تواناست.
۱۹۰. هر آینه در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمدو شد شب و روز، نشانه‌هاست خداوندان خرد را.
۱۹۱. آنان که یاد می‌کنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهای خویش خفته و تأمل می‌کنند در آفرینش آسمان‌ها و زمین، [می‌گویند:] ای پروردگار ما! نیافریده‌ای این را باطل،<sup>۴</sup> پاکی است تو را، پس نگاه دار ما را از عذاب آتش.
۱۹۲. ای پروردگار ما! هر آینه تو هر که را در آری به دوزخ، به تحقیق رسوا کردی او را و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده.
۱۹۳. ای پروردگار ما! هر آینه شنیدیم ندا کننده را به [آواز بلند] می‌خواند به سوی ایمان، که ایمان آرید به پروردگار خویش، پس ایمان آوردیم. ای پروردگار ما! پس بیامرز گناهان ما را و دور کن از ما بدی‌های ما را و بمیران ما را با نیکوکاران.

۱ یعنی آن مال را به صورت مار کرده در گردن ایشان اندازند.

۲ یعنی چون یهود شنیدند، «اقرضوا الله» گفتند: ما غنی‌ایم و خدا فقیر است؛ والله اعلم.

۳ یعنی گوسفندی که از غیب آتش او را بردارد.

۴ یعنی به غیر تدبیر بلیغ؛ والله اعلم.

۱۹۴. ای پروردگار ما! و بده ما را آنچه وعده کرده‌ای به ما به زبان رسولان خود و رسوا مکن ما را روز قیامت، هرآینه تو خلاف وعده نمی‌کنی.
۱۹۵. پس قبول کرد دعای ایشان را پروردگار ایشان به اینکه من ضایع نمی‌سازم عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما از مرد یا زن، بعضی شما از جنس بعض است. پس آنان که هجرت کردند و بیرون کرده شدند از خانه‌های خویش و رنجانیده شدند در راه من و جنگ کردند و کشته شدند، البته دور کنم از ایشان، گناهان ایشان را و البته درآرم ایشان را در باغ‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، پاداشی از نزدیک خدا. و خدا، نزدیک اوست پاداش نیک.
۱۹۶. باید که نغریبید تو را آمدوشد کافران در شهرها.
۱۹۷. این بهره‌مندی اندک است، بعد از آن جای ایشان دوزخ باشد و وی بدجایی است.
۱۹۸. لیکن آنان که ترسیدند از پروردگار خود، ایشان راست بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا. تحفه‌ای از نزدیک خدا و آنچه نزدیک خداست، بهتر است نیکوکاران را.
۱۹۹. و هرآینه از اهل کتاب، کسانی که ایمان می‌آرند به خدا و به آنچه فرود آورده شد به سوی شما و به آنچه فرود آورده شد به سوی ایشان؛ فروتنی کنندگان برای خدا، نمی‌ستانند عوض آیت‌های خدا، بهای اندک؛ آن گروه، ایشان راست، مزد ایشان نزد پروردگار ایشان، هرآینه خدا زود حساب کننده است.
۲۰۰. ای مؤمنان! صبر کنید و محنت کشید و برای جهاد آماده باشید و بترسید از خدا، باشد که رستگار شوید.

#### ۴. سوره نساء

در مدینه نازل شده و آن یک صد و هفتاد و شش آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ای مردمان! بترسید از آن پروردگار خویش که بیافرید شما را از یک کس و آفرید از آن یک کس، زن او را و منتشر ساخت از این دو کس مردان بسیار و زنان بی‌شمار، و بترسید از آن خدا که از یکدیگر به نام او سؤال می‌کنید و بترسید از قطع قبیله‌داری، هرآینه خدا هست نگاهبان بر شما.
۲. و بدهید به یتیمان اموال ایشان، و بدل نکنید ناپاکیزه را به پاکیزه، و مخورید اموال ایشان به هم آورده با اموال خویش، هرآینه این گناهی بزرگ است.<sup>۱</sup>
۳. و اگر دانید که عدل نتوانید کرد در حق دختران یتیمه، پس نکاح کنید آنچه خوش آید شما را از سایر زنان، دو دو، سه سه و چهارچهار؛ پس اگر دانید که در این صورت نیز عدل نتوانید کرد، پس نکاح کنید یک زن را یا سریه بگیرید آن را که مالک او شد دست‌های شما، این نزدیک‌ترست به آن که جور نکنید.

۱ در جاهلیت اولیای دختران یتیمان مانند ابی‌انعام ایشان را به نکاح خود درمی‌آوردند و ایفای حقوق نکاح نمی‌کردند، خدای تعالی آیت فرستاد.

۴. و بدهید زنان را مهر ایشان به خوشدلی، و اگر زنان درگذرند به خوشدلی برای شما از بعض مهر، پس بخورید آن را سازگار و خوشگوار.
  ۵. و مدهید بی‌خردان را اموال خود، که کرده است خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شما و بخورانید ایشان را از آن اموال و ببوشانید ایشان را و بگویید به ایشان سخن نیکو.<sup>۱</sup>
  ۶. و امتحان کنید یتیمان را<sup>۲</sup> تا آنگاه که رسند به حدّ نکاح،<sup>۳</sup> پس اگر دریافتید از ایشان حسن تدبیر، پس برسانید به ایشان اموال ایشان را و مخورید آن اموال را<sup>۴</sup> به اسراف و شتابی از ترس آن که بزرگ شوند و هر که باشد توانگر، پس باید که پرهیزگاری کند<sup>۵</sup> و هر که فقیر باشد، پس باید که بخورد به وجه پسندیده؛ پس چون رسانید به ایشان اموال ایشان را، گواه گیرید بر ایشان، و بس است به حقیقت، خدا حساب کننده. [است]
  ۷. مردان را حصه هست از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشان، و زنان را نیز حصه هست از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشان، از آنچه کم باشد از مال یا بسیار، حصه مقرر کرده شده.<sup>۶</sup>
  ۸. و چون حاضر شوند نزد قسمت میراث، خویشان<sup>۷</sup> و یتیمان و گدایان، پس بدهید ایشان را چیزی از آن<sup>۸</sup> و بگویید به ایشان، سخن نیکو.
  ۹. و باید که بترسند از خدا آنان که اگر [نزدیک شوند از آن که] بگذارند بعد خود اولاد ناتوان را، خایف باشند بر ایشان [که ضایع شوند]، پس باید که از خدا بترسند و باید که بگویند سخن استوار.<sup>۹</sup>
  ۱۰. هر آینه آنان که می‌خورند اموال یتیمان به ظلم، جز این نیست که می‌خورند در شکم خویش آتش را و درآیند به دوزخ.
  ۱۱. حکم می‌کند شما را خدا در حق اولاد شما که مرد را هست مانند حصه دو زن. اگر [اولاد میت همه] دختران باشند زیاده از دو، پس ایشان راست دو سوم حصّه از آنچه میت گذاشته است<sup>۱۰</sup> و اگر [ذریّتش] یک دختر باشد، پس او راست نیم ترکه و هست پدر و مادر میت را هر یکی را از ایشان، ششم حصه از آنچه بگذاشته است، اگر باشد میت را فرزندی، پس اگر نباشد او را فرزندی و وارث او پدر و مادر او شوند، پس هست مادرش را سوم حصه،<sup>۱۱</sup> پس اگر باشد میت را برادران، هست مادرش را ششم
- 
- ۱ یعنی بر سفاک، حجر باید کرد و اموال ایشان که به حقیقت همه مسلمانان به آن منتفع‌اند، بی‌واسطه یا باواسطه به دست ایشان داده ضایع نباید ساخت؛ والله اعلم.
  - ۲ یعنی در ایام کودکی.
  - ۳ یعنی بالغ شوند.
  - ۴ یعنی در خردسالی ایشان.
  - ۵ یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشد از اموال یتیم چیزی نگیرد.
  - ۶ یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارند از هر مال که باشد، کم بود یا بسیار؛ درین ردّ است بر اهل جاهلیت که زنان را حصه نمی‌دادند.
  - ۷ یعنی خویشان غیر وارث.
  - ۸ یعنی به طریق استحباب.
  - ۹ یعنی آنان که اولاد داشته باشند به وجهی وصیت کنند که اولاد را ضرر نرسد و این در شرع به مقدار یک‌سوم مال یا کمتر از آن است؛ والله اعلم.
  - ۱۰ مترجم گوید: حکم دو دختر نیز ثلثان است؛ والله اعلم.
  - ۱۱ یعنی مابقی برای پدر است.

- حصه<sup>۱</sup> و این [تقسیم] بَعْدِ اَدای وصیتی است که مِیّت به آن فرموده یا بعد ادای دین<sup>۲</sup>. پدران شما و پسران شما، نمی‌دانید که کدام یک از ایشان نزدیک‌تر است در نفع رسانیدن، حصه معین کرده شد از جانب خدا، هرآینه هست خدا دانای استوارکار.
۱۲. و شما را هست نیمه آنچه بگذاشته‌اند زنان شما، اگر نباشد ایشان را فرزندی؛ پس اگر ایشان را فرزندی باشد، شما راست، چهارم حصه از آنچه بگذاشته‌اند، بعد ادای وصیتی که به آن فرموده باشند یا بعد ادای دین، و زنان راست، چهارم حصه از آنچه شما بگذاشته‌اید، اگر نباشد شما را فرزندی، پس اگر باشد شما را فرزندی، پس زنان راست، هشتم حصه از آنچه بگذاشته‌اید بعد ادای وصیتی که به آن فرموده باشید یا ادای دین، و اگر مرد مرده که از وی میراث می‌خواهند یا زن مرده کلاله باشد<sup>۳</sup> و او را برادری هست یا خواهری<sup>۴</sup>، پس هر یک از ایشان راست، ششم حصه، پس اگر اخیافیان زیاده از این باشند، پس ایشان باهم شریکند در سوم حصه بعد ادای وصیتی که به آن فرموده شد یا بعد ادای دین، به غیر آن که ضرر رساننده باشد،<sup>۵</sup> حکم کرده شده است از جانب خدا و خدا دانای بردبار است.
۱۳. این همه حدّها مقرر کرده خداست و هر که فرمانبرداری کند خدا و رسول او را، در آردش به بهشت‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا و این است مطلب یابی بزرگ.
۱۴. و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را و تجاوز کند از حدّهای مقرر کرده او، در آردش به آتش، جاوید آنجا و او راست، عذاب رسوا کننده.
۱۵. و از زنان شما، آنان که زنا می‌کنند، پس گواه طلبید بر ایشان چهار مرد از جنس خویش<sup>۶</sup> پس اگر گواهی دادند، محبوس کنید ایشان را در خانه‌ها تا آن که عمر ایشان را تمام کند مرگ، یا مقرر کند خدای تعالی برای ایشان راهی<sup>۷</sup>.
۱۶. و آن دو کس که زنا می‌کنند از شما، پس آزار دهید ایشان را؛ پس اگر توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند، پس اعراض کنید از تعذیب ایشان، هرآینه خدا هست بازگردنده مهربان<sup>۸</sup>.
۱۷. جز این نیست که وعده قبول توبه، لازم بر خداست برای آن کسان که می‌کنند معصیت به نادانی، بعد از آن توبه کنند در نزدیکی<sup>۹</sup>؛ پس آن گروه، به رحمت بازمی‌گردد خدا بر ایشان و هست خدا دانای استوار کار.

- 
- ۱ یعنی برادران و خواهران، حصه مادر را ناقص می‌سازند؛ اگرچه خود چیزی نیابند و یک برادر و یک خواهر ناقص سازد؛ والله اعلم.
- ۲ یعنی اگر وصیت باشد، نخست ادای وصیت کنند و اگر دین باشد، نخست ادای دین کنند.
- ۳ و معنای کلاله آن است که پدر و فرزند و برادر و خواهر تنی ندارد.
- ۴ یعنی اخیافی.
- ۵ یعنی وصیتی که زیاده از ثلث بود، اعتبار ندارد؛ والله اعلم.
- ۶ یعنی از مسلمانان.
- ۷ بعد این آیت، خدای تعالی راهی مقرر کرد و آن رجمِ ثیب و جلدِ بکر است، پس الحال حکم حبس نیست؛ والله اعلم.
- ۸ این آیت، مجمل است و در احادیث آمده است که بکر آزاد را صد تازیانه باید زد و ثیب آزاد را سنگسار باید کرد و غلام را پنجاه تازیانه باید زد؛ والله اعلم.
- ۹ یعنی پیش از حضور مرگ.



۱۸. و نیست وعده قبول توبه آن کسان را که می‌کنند معاصی تا آنگاه که پیش آید کسی را از ایشان مرگ، گفت: هر آینه من توبه کردم الحال، و نه آن کسان راست که کافر بپذیرند؛ این گروه آماده ساختیم برای ایشان عذاب درد دهنده.
۱۹. ای مؤمنان! حلال نیست شما را آن که میراث بگیرید زنان را و ایشان ناخوش باشند.<sup>۱</sup> و منع مکنید ایشان را<sup>۲</sup> تا به دست آرید بعضی آنچه داده‌اید ایشان را، لیکن وقتی که کنند کار بد آشکارا، [می‌توان ایذا داد] و زندگانی کنید با زنان به وجه پسندیده، زیرا که اگر ناپسند کنید ایشان را، پس شاید که ناپسند کنید چیزی را و پیدا کند خدای تعالی در آن چیز، خیر بسیار.
۲۰. و اگر خواهید بدل کردن زن به جای زنی و داده باشید یکی را از ایشان قنطار،<sup>۳</sup> پس باز بگیرید از آن مال چیزی را، آیا می‌گیرید آن را به ستم و تعدی آشکارا؟
۲۱. و چگونه بگیرید آن را؟ حال آن که رسیده است بعضی شما به بعضی،<sup>۴</sup> و گرفتند زنان از شما عهد محکم را.<sup>۵</sup>
۲۲. و نکاح مکنید کسی را که نکاح با او کرده باشند پدران شما از زنان، لیکن آنچه گذشت، عفو [است]. هر آینه این هست کار بد و مبعوض و این بد راهی است.
۲۳. حرام کرده شدند بر شما مادران شما و دختران شما و خواهران شما و خواهران پدران شما و خواهران مادران شما و دختران برادر و دختران خواهر و آن مادران شما که شیر داده‌اند شما را<sup>۶</sup> و خواهران شما از جهت شیرخوارگی و مادران زنان شما و دختران زنان شما که در کنار شما پرورش می‌یابند از بطن آن زنان شما که وطی کردید با ایشان؛ پس اگر وطی نکرده باشید با ایشان، پس هیچ گناه نیست بر شما و زنان پسران شما که از پشت شما باشند<sup>۷</sup> و [حرام کرده شد] آن که جمع کنید میان دو خواهر، لیکن آنچه گذشت، [عفو است]. هر آینه خدا هست آمرزنده مهربان.
۲۴. و حرام کرده شدند زنان شوهردار، مگر آنچه مالک او شده است دست‌های شما.<sup>۸</sup> لازم ساخته است خدا بر شما و حلال کرده شد شما را ما سوای این همه محرّمات، [حلال کرده شد] که طلب نکاح کنید به اموال خویش، عفت طلب‌کنان نه شهوت رانندگان،<sup>۹</sup> پس کسی که لذت گرفتید به او از زنان، بدهید ایشان را مهر ایشان، مقرر کرده شده<sup>۱۰</sup> و نیست بر شما گناه در آنچه با یکدیگر راضی شدید بعد مهر مقرر<sup>۱۱</sup>، هر آینه خدا هست دانای استوار کار.

- ۱ اهل جاهلیت، زنان را نیز از جمله میراث می‌دانستند، ولی میّت اگر می‌خواست به جبر در (نکاح خود) می‌آورد و اگر می‌خواست منع می‌کرد که با اجنبی نکاح کند، تا آنکه حق تعالی این آیت فرستاد.
- ۲ یعنی از نکاح به هر که خواهند.
- ۳ یعنی مال بسیار در مهر داده باشید.
- ۴ یعنی مباشرت کردید.
- ۵ یعنی ایجاب و قبول به حضور شهود در میان آمد.
- ۶ یعنی دایه‌ها.
- ۷ یعنی پسرخوانده نباشد.
- ۸ یعنی اگر زنی را از دارالحرب اسیر کرده‌اند، نکاح و تَسْرِي او صحیح بود هر چند آنجا زوجه داشته باشد؛ والله اعلم.
- ۹ یعنی نکاح صحیح آن است که مهر باشد و مؤید باشد به حسب ظاهر؛ زیرا که چون حاجت جماع همیشه است و احسان، بدون عقد مؤید حاصل نشود؛ والله اعلم.
- ۱۰ یعنی به جماع، تمام مهر لازم می‌شود؛ والله اعلم.
- ۱۱ یعنی بعد مقرر کردن اگر به تراضی، زیاده یا کم کنید باک نیست؛ والله اعلم.

۲۵. و هر که نتواند از شما از جهت توانگری که نکاح کند زنان آزاد مسلمان را، پس باید که نکاح کند از آنچه مالک او شده است، دست جنس‌های شما از کنیزکان شما که مسلمان باشند. و خدا داناتر است به ایمان شما، بعضی شما از جنس بعضی است.<sup>۱</sup> پس نکاح کنید کنیزکان را به دستور خداوند ایشان و بدهید ایشان را مهر ایشان به خوش‌خویی، در حالی که عقیقه باشند نه زناکننده، نه دوست پنهانی گیرنده.<sup>۲</sup> پس چون در حباله زوج آمدند، اگر زنا کنند پس بر ایشان است نیم مقدار آنچه بر زنان آزاد است از عقوبت.<sup>۳</sup> نکاح کنیزکان، کسی راست که بترسد. از گناه، از شما. و آن که صبر کنید بهتر است شما را و خدا آمرزنده مهربان است.
۲۶. می‌خواهد خدا که بیان کند برای شما و بنماید شما را راه‌های کسانی که پیش از شما بودند و به رحمت بازگردد بر شما و خدا دانای استوارکار است.
۲۷. و خدا می‌خواهد که به رحمت بازگردد بر شما و می‌خواهند آنان که پیروی شهوات کنند که کجروی کنید، کجروی عظیم.
۲۸. می‌خواهد خدا که سبک کند از شما، و انسان، ضعیف آفریده شده است.
۲۹. ای مؤمنان! مخورید اموال خود را در میان خویش به ناحق؛<sup>۴</sup> لیکن بخورید وقتی که آن دادوستد تجارت باشد، بعد رضامندی یکدیگر از شما و مکشید خویشتن را، هرآینه خدا هست به شما مهربان.
۳۰. و هر که چنین کند به تعدی و ستم، درآریمش به دوزخ و این بر خدا آسان است.
۳۱. اگر احتراز کنید از کبایر منہیات، نابود سازیم از شما صغایر شما را و درآریم شما را به محل گرامی.<sup>۵</sup>
۳۲. و تمناً مکنید مرتبه‌ای را که خدای تعالی به آن بزرگی داده بعضی را از شما بر بعضی. مردان را هست بهره از آنچه حاصل کرده‌اند و زنان را هست بهره از آنچه حاصل کرده‌اند و سؤال کنید به جناب خدا از بخشایش او، هرآینه خدا هست به همه چیز دانا.
۳۳. و مقرر کردیم وارثان برای هر چیزی از آنچه گذاشته‌اند پدر و مادر و خویشان و کسانی که ایشان را مربوط ساخته است عهد شما؛ پس بدهید ایشان را بهره ایشان، هرآینه خدا هست بر همه چیز حاضر.<sup>۶</sup>
۳۴. مردان [تدبیرکار کننده] مسلط شده‌اند بر زنان به سبب آن که فضل نهاده است خدا بعضی آدمیان را بر بعضی<sup>۷</sup> و به سبب آن که خرج کردند از اموال خویش. پس زنان

۱ یعنی کنیزکان نیز بنات آدم‌اند؛ والله اعلم.

۲ فارق در نکاح و اتخاذ اخدان، شرط شهود است و در احصان و سفاح مؤید بودن عقد به حسب ظاهر؛ والله اعلم.

۳ یعنی پنجاه تازیانه و اگر در حباله زوج نباشد نیز عقوبت او پنجاه تازیانه است؛ زیرا که ذکر این قید به جهت نفی احتمال زیاده است و این معنی، در حدیث مبین شده؛ والله اعلم.

۴ یعنی مال یکدیگر به ناحق نباید خورد.

۵ گناه کبیره آن است که بر آن حد، مشروع شده یا وعده دوزخ کرده آمده یا به کفر مُسمی شده در قرآن یا سنت صحیحیه و هر که از کبائر اجتناب کند، صغائر او را نماز و روزه و صدقه نابود می‌سازد؛ والله اعلم.

۶ یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن می‌تواند و ایشان را در میراث دخل نیست و میراث برای اقربا مقرر کرده شده است؛ والله اعلم.

۷ یعنی به سبب آن که مردان دراصل جبلت برتراند از زنان.

- نیکوکار، فرمانبردارند، نگاه دارنده‌اند<sup>۱</sup> در غیبت زوج به نگاه داشت خدا.<sup>۲</sup> و آن زنان که معلوم کنید سرکشی ایشان، پس پند دهید ایشان را و ترک کنید ایشان را در خوابگاه و بزیند ایشان را. پس اگر فرمانبرداری شما کردند، پس تجسس مکنید بر ایشان راهی را؛<sup>۳</sup> هرآینه خدا هست بلند مرتبه بزرگ قدر.
- ۳۵ و اگر معلوم کردید ای [حاکمان]، مخالفت میان زن و شوهر، پس معین کنید صلحکاری از خویشان مرد و صلحکاری از خویشان زن؛ اگر این صلحکاران بخواهند صلح را، البته موافقت کند خدا در میان ایشان، هرآینه هست خدا دانای آگاه.
- ۳۶ و بپرستید خدا را و شریک او مقرر مکنید چیزی را و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و به خویشان و یتیمان و گدایان و همسایه خویشاوند و همسایه اجنبی و به همنشین بر پهلو نشسته و به مسافر و به آنچه دست‌های شما مالک او شده.<sup>۴</sup> هرآینه خدا دوست ندارد کسی را که باشد متکبر خود ستاینده.
- ۳۷ [و دوست ندارد] آنان را که بخل می‌کنند و مردمان را به بخل می‌فرمایند و می‌پوشند آنچه خدا داده است ایشان را از فضل خود، و آماده ساخته‌ایم برای کافران، عذاب رسوا کنند.
- ۳۸ و آنان را که خرج می‌کنند اموال خود را برای نمودن مردمان و معتقد نیستند به خدا و روز قیامت و هر که شیطان یار او باشد، پس وی بدیاری است.
- ۳۹ و چه زیان بود بر ایشان اگر ایمان می‌آوردند به خدا و روز آخر و خرج می‌کردند از آنچه خدا داده است ایشان را، و هست خدا به ایشان دانا.
- ۴۰ هرآینه خدا ستم نمی‌کند وزن ذره‌ای و اگر آن عمل نیکی باشد دو چندان کندش، و بدهد از نزدیک خود، مزد بزرگ.
- ۴۱ پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم از هر قوم گواهی را و بیاریم تو را گواه بر این امت.
- ۴۲ آن روز آرزو کنند آنان که کافر شدند و نافرمانی پیغامبر کردند، کاش بر ایشان زمین هموار کرده شود<sup>۵</sup> و نپوشند از خدا هیچ سخنی.
- ۴۳ ای مؤمنان! به نماز نزدیک مشوید حال آن که شما مست باشید، تا آنکه بفهمید آنچه به زبان می‌گویید،<sup>۶</sup> و به نماز نزدیک مشوید در حال جنابت تا آنکه غسل کنید مگر اینکه مسافر باشید و اگر بیمار باشید یا مسافر یا بیاید کسی از شما از جای ضرور یا مباشرت زنان کنید و نیابید آب را، پس قصد کنید به زمین پاک؛ پس مسح کنید به روی خویش و دست‌های خویش، هرآینه هست خدا عفو کننده بخشاینده.
- ۴۴ آیا ندیدی<sup>۷</sup> کسانی که داده شده‌اند بهره‌ای از کتاب (یعنی یهود)، می‌ستانند گمراهی را و می‌خواهند که شما گم کنید راه را.

۱ یعنی مال و آبرو را.

۲ در این آیت بیان فرمود که مرد فرمان‌روا است به سبب فضل جبلی و به سبب انفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند و حفظ مال نماید؛ والله اعلم.

۳ یعنی مباشرت مکنید.

۴ یعنی به حيله ايذا دادن، تجسس مکنید؛ والله اعلم.

۵ یعنی غلامان و کنیزکان.

۶ یعنی از ایشان نامی و نشانی نماند.

۷ این حکم قبل از تحریم خمر بود، بعد از آن مستی بالکلیه حرام شد؛ والله اعلم.

۸ مترجم گوید که: خدای عزوجل در ردّ یهود و تعداد قبایح ایشان آیات فرستاد.

۴۵. و خدا داناتر است به دشمنان شما. و خدا دوست پس است و خدا یاری دهنده پس است.
۴۶. از یهود قومی هست که تغییر می کنند کلمه‌ها را از جای آنها و می‌گویند: «شنیدیم و عاصی شدیم و می‌گویند: «اسمع غیر مسمع» و «راعنا»، می‌پیچانند سخن را به زبان خویش و طعنه می‌زنند در دین و اگر ایشان گفتندی: شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و به جای «اسمع غیر مسمع»، «اسمع» گفتندی و به جای «راعنا»، «أنظرنا»، هرآینه بودی بهتر ایشان را و درست‌تر؛ ولیکن لعنت کرده است ایشان را خدا به سبب کفر ایشان، پس ایمان نمی‌آرند مگر اندکی.<sup>۲</sup>
۴۷. ای اهل کتاب! ایمان آرید به آنچه فرود آوردیم، باور کننده آنچه با شماست پیش از آن که محو کنیم صورت روی‌ها را، پس بگردانیمش بر شکل پشت آن روی‌ها یا لعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم اهل «شنبه» را و هست اراده خدا کرده شده.
۴۸. هرآینه خدا نمی‌آمزد که او را شریک مقرر کرده شود و می‌آمزد غیر آن هر که را خواهد و هر که شریک خدا مقرر کند، هرآینه افترا کرده است به گناه بزرگ.
۴۹. آیا ندیدی به سوی کسانی که ستایش می‌کنند خود را؟ بلکه خدا ستایش می‌کند هر که را خواهد و ستم کرده نخواهند شد مقدار رشته‌ای.
۵۰. ببین چگونه می‌بندند بر خدا دروغ را و این گناه آشکارا پس است.<sup>۳</sup>
۵۱. آیا ندیدی به سوی کسانی که بهره‌ای از کتاب داده شدند، معتقد می‌شوند بت را و معبود باطل را و می‌گویند در حق مشرکان که ایشان راه یابنده‌ترند از مسلمانان.<sup>۴</sup>
۵۲. ایشان، آن گروهند که لعنت کرد ایشان را خدا، و هر که لعنت کندش خدا، پس خواهی یافت مر او را یاری دهند.
۵۳. آیا ایشان را هست بهره‌ای از پادشاهی؟ پس آن هنگام ندهند به مردمان مقدار نقیری.<sup>۵</sup>
۵۴. آیا حسد می‌کنند بر مردمان، بر آنچه ایشان را الله تعالی داده است از فضل خود؟ پس هرآینه ما دادیم کسان ابراهیم را کتاب و دانش و دادیم ایشان را پادشاهی بزرگ.
۵۵. پس از کفار کسی هست که ایمان آورد به آن کتاب و از ایشان کسی هست که باز ایستاد از وی، و کفایت است دوزخ آتش افروخته.
۵۶. هرآینه کسانی که کافر شدند به آیات ما، درآیم ایشان را به آتش. هرگاه که پخته گردد پوست‌های ایشان به عوض پیدا کنیم برای ایشان پوست‌های دیگر بجز آن، تا بچشند عذاب را، هرآینه خدا هست غالب استوارکار.
۵۷. و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، زود درآیم ایشان را به بوستان‌هایی که می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، ایشان راست آنجا زنان پاک کرده شده و درآیم ایشان را به سایه نیک (یعنی راحت تمام).

۱ یعنی به زبان حال.

۲ مترجم گوید: پیچانیدن سخن آن است که سب را چنان در کلام خلط کنند که کسی نشناسد «و اسمع غیر مسمع» دو معنی دارد: یکی آن که بشنو در حالتی که معظم و محترمی و کسی با تو خلاف رضای تو نتواند گفت؛ دیگر آنکه بشنو در حالتی که محقری و کسی با تو سخن نمی‌گوید و «راعنا» نیز دو معنی دارد: یکی آنکه رعایت کن ما را دیگر احقری رعایت دارند. غرض ایشان سب بود. کلمه محتمل معینین می‌گفتند؛ والله اعلم.

۳ یعنی می‌گویند که بنی‌اسرائیل برگزیدگان خدایند، ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روز.

۴ درین آیت، تعریض است به آن که یهود، روز احزاب مددکار مشرکان شدند.

۵ نقیر غلاف نازکی است که بر پشت خسته خرما می‌باشد.

۵۸. هر آینه خدا می فرماید شما را که: ادا کنید امانت‌ها را به سوی اهل آن و می فرماید که: چون حاکم شوید میان مردمان، حکم به راستی کنید؛ هر آینه خدا، نیکو چیزی است که پند می دهد شما را به آن، هر آینه خدا هست شنوای بینا.<sup>۱</sup>
۵۹. ای مؤمنان! فرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را و فرمانروایان را از جنس خویش؛ پس اگر اختلاف کنید در چیزی، پس راجع کنید او را به سوی خدا و پیغامبر، اگر اعتقاد می دارید به خدا و روز آخر، این بهتر است و نیکوتر به اعتبار عاقبت.<sup>۲</sup>
۶۰. آیا ندیدی به سوی کسانی که گمان می کنند که ایمان آوردند به آنچه نازل کرده شده است به سوی تو و به آنچه نازل کرده شد پیش از تو؟ می خواهند که قضایای خویش رفع کنند به سوی سرکش و حال آن که فرموده شد ایشان را که نامعتقد وی شوند و می خواهد شیطان که گمراه سازد ایشان را، گمراهی دور.
۶۱. و چون گفته شود به ایشان: بیاید به سوی آنچه نازل کرده است خدا و به سوی پیغامبر، بینی آن منافقان بازمی ایستند از تو به اعراض.
۶۲. پس چه حال است آنگاه که برسد به ایشان مصیبتی به سبب آنچه پیش فرستاده است دست‌های ایشان؟ پس بیایند نزدیک تو قسم می خورند به خدا، که نخواسته بودیم مگر نیکوکاری و موافقت کردن.<sup>۳</sup>
۶۳. این گروه، آناند که می داند خدا آنچه در دل ایشان است؛ پس اعراض کن از ایشان<sup>۴</sup> و پند ده ایشان را و بگو به ایشان سخنی مؤثر در دل ایشان.
۶۴. و نفرستادیم هیچ پیغامبر را مگر برای آنکه فرمانبرداری کرده شود به حکم خدا. و اگر این جماعت، وقتی که ستم کردند بر خویشان، بیامدندی نزدیک تو، پس امرزش طلب کردندی از خدا و طلب امرزش کردی برای ایشان پیغمبر، هر آینه یافتندی خدا را به رحمت آینده مهربان.
۶۵. پس قَسَم به پروردگار تو که ایشان مسلمان نباشند تا آنکه حاکم کنند تو را در اختلافی که واقع شد میان ایشان، باز نیابند در دل خویش، تنگی از آنچه حکم فرمودی و قبول کنند به انقیاد.
۶۶. و اگر ما می نوشتیم<sup>۵</sup> بر ایشان که بکشید خویشان را یا بیرون شوید از خانه‌های خویش، نمی کردند این را مگر اندکی از ایشان. و اگر می کردند آنچه به آن پند داده می شوند، هر آینه بهتر بودی ایشان را و محکم تر در استواری دین.
۶۷. و آنگاه البته می دادیم ایشان را از نزد خویش، مزد بزرگ.
۶۸. و دلالت می کردیم ایشان را به راه راست.
۶۹. و هر که فرمان برد خدا و رسول را، پس این جماعت همراه آن کسانی که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیقند ایشان.

۱ درین آیت اشاره است به قصه عثمان حجبی که مفتاح کعبه از دست وی گرفتند و مردمان آن را از حضرت پیغامبر، صلی الله علیه و سلم، طلب کردند آن حضرت قبول نموده به عثمان رد فرمود.

۲ مردم ضعیف‌الایمان در خلاف هوای نفس به حکم شرع راضی نمی شدند و گاهی به کاهنان و رئیسان کفر رجوع می کردند؛ چون آن حضرت ایشان را بر این معنی تعزیر یا تهدید فرمود، سوگند خوردند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نیست خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

۳ یعنی مردمان خصوم.

۴ یعنی از قتل ایشان.

۵ یعنی واجب می کردیم.

۷۰. این بخشایش از خدا است و بس است خدا، دانا.<sup>۱</sup>
۷۱. ای مسلمانان! بگیرید سلاح خود را، پس بیرون روید گروه گروه شده یا بیرون روید همه جمع آمده.
۷۲. و هرآینه بعضی از شما آن است که درنگ می‌کند، پس اگر برسد به شما مصیبتی بگوید: انعام کرد خدا بر من چون نبودم حاضر با ایشان.
۷۳. و اگر برسد به شما نعمتی از خدا، بگوید: گویا هرگز نبود میان شما و میان وی دوستی. کاش بودمی با ایشان، پس یافتمی مطلب بزرگ را!
۷۴. پس باید که جنگ کنند در راه خدا آن مؤمنان که می‌فروشند زندگانی دنیا را به آخرت. و هر که جنگ کند در راه خدا، پس کشته شود یا غالب آید، بدھیمش مزد بزرگ را.
۷۵. و چیست شما را که جنگ نمی‌کنید در راه خدا، و برای بیچارگان از مردان و زنان و کودکان،<sup>۲</sup> آنان که می‌گویند: ای پروردگارا! بیرون آر ما را از این دیه که ستمکارند اهل آن و مقرر کن برای ما از نزدیک خود کارسازی و مقرر کن برای ما از نزدیک خود یاری دهند.
۷۶. مؤمنان کارزار می‌کنند در راه خدا و کافران می‌جنگند در راه معبود باطل، پس جنگ کنید با دوستان شیطان، هرآینه حيله شیطان، سست است.
۷۷. آیا ندیدی به سوی کسانی که گفته شد ایشان را: بازدارید دست‌های خود<sup>۳</sup> و برپا کنید نماز را و بدهید زکات را،<sup>۴</sup> پس چون نوشته شد بر ایشان جنگ، ناگاه گروهی از ایشان می‌ترسند از مردمان، مانند ترسیدن از خدا یا زیاده‌تر و گفتند: ای پروردگارا! چرا نوشتی بر ما کارزار، چرا زنده نگذاشتی ما را تا وقتی نزدیک. بگو: بهره‌مندی دنیا اندک است و آخرت، بهتر است کسی را که پرهیزگاری کند و ستم کرده نخواهد شد مقدار رشته ای.
۷۸. هر جا که باشید دریابد شما را مرگ و اگرچه باشید در محل‌های محکم. و اگر برسد به ایشان نعمتی، گویند: این از نزدیک خداست و اگر برسد به ایشان شدتی، گویند: یا [محمد] این از نزدیک تو است. بگو: همه از نزدیک خدا است. پس چه حال است این قوم را نزدیک نیستند که بفهمند سخنی را؟
۷۹. آنچه رسید به تو از نعمت، پس از خداست و آنچه رسید به تو از محنت، پس از نزدیک نفس تو است. و فرستادیم تو را برای مردمان، پیغامبری و بس است خدا حاضر.
۸۰. هر که فرمانبرداری کند پیغامبر را، پس هرآینه فرمانبرداری خدا کرد و هر که اعراض کرد، پس نفرستادیم تو را بر ایشان، نگهبان.<sup>۵</sup>

۱ مترجم گوید: مردم ضعیف‌الاسلام در اول اسلام که جهاد فرض نشده بود، دعوت اسلام قبول نمودند و چون جهاد فرض شد، از آن تقاعد کردند و از بعضی، کلمات منافقانه سر بر می‌زد و بعضی با مخالفین هم‌زبان شده خلاف رضای آن حضرت رأی می‌دادند. خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

۲ یعنی گرفتاران به دست کفار.

۳ یعنی جنگ نکنید.

۴ یعنی پس قبول کردند.

۵ یعنی این کلمه حق است که خیر از جانب خدا است و شر از جانب بنده؛ لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست و آن این است که جهاد با جمیع قبائل عرب، معقول نیست؛ پس اگر فتح باشد، پس نعمتی غیر مترقب است و اگر هزیمت باشد، موافق حال این تدبیر است و چون جهاد به امر الهی همه خیر است، عقل را در آنجا دخل دادن صحیح نباشد؛ والله اعلم.

- ۸۱ و می‌گویند: [در دل ما] فرمانبرداری است؛ پس چون بیرون روند از نزدیک تو گروهی از ایشان به وقت شب، رای زنند غیر آنچه تو می‌فرمایی و خدا می‌نویسد (یعنی در نامه اعمال) آنچه شب می‌گویند؛ پس اعراض کن از ایشان و توکل نما بر خدا و خدا کارسازنده بس است.
- ۸۲ آیا تأمل نمی‌کنند قرآن را؟ و اگر بودی از نزدیک غیر خدا، البته یافتندی در آن اختلاف بسیار.
- ۸۳ و وقتی که بیاید نزدیک ایشان خبری از ایمنی یا ترس، مشهور سازند آن را، و اگر راجع می‌گردانند آن را به سوی پیغامبر و به سوی فرمانروایان از اهل اسلام، هرآینه یافتندی مصلحت آن خبر را، آنان که از ایشان می‌توانند برآوردن مصلحت آن. و اگر نبودی بخشایش خدا بر شما و رحمت او، البته پیروی می‌کردید شما شیطان را، مگر اندکی.
- ۸۴ پس جنگ کن [یا محمد] در راه خدا. بر تو مؤاخذه نیست، مگر از جان تو و رغبت ده مسلمانان را،<sup>۱</sup> نزدیک است که موقوف سازد خدا جنگ کافران را و خدا سخت‌تر است به اعتبار جنگ و سخت‌تر است به اعتبار عقوبت.
- ۸۵ هر که شفاعت کند، شفاعتی نیک، باشد او را بهره‌ای از ثواب آن و هر که شفاعت کند، شفاعتی بد، باشد او را حصّه‌ای از عذاب آن، و هست خدا بر همه چیز توانا.<sup>۲</sup>
- ۸۶ و چون تعظیم کرده شوید به سلامی، پس تعظیم کنید به کلمه بهتر از آن یا به همان کلمه جواب دهید، هرآینه هست خدا بر همه چیز حساب‌کننده.
- ۸۷ خدا، نیست هیچ معبودی بجز وی، البته به هم آرد شما را به روز قیامت که هیچ شک نیست در آن، و کیست راستگوتر از خدا در سخن؟<sup>۳</sup>
- ۸۸ پس چیست ای مسلمانان شما را؟ در باب تملق کنندگان دو گروه شدید؟<sup>۴</sup> و خدا نگویند ساخت ایشان را به شومی آنچه کردند. آیا می‌خواهید که راه نمایند (یعنی از جمله راه‌یابان شمارید) کسی را که گمراه ساخت او را خدا؟ و هر که را خدا گمراه کند، نیایی برای او هیچ راهی.
- ۸۹ [این تملق کنندگان] آرزو کردند که شما نیز کافر شوید، چنانچه ایشان کافر شدند، پس برابر باشید؛ پس دوست مگیرید هیچ کس را از ایشان تا اینکه هجرت کنند در راه خدا،<sup>۵</sup> پس اگر اعراض کردند (یعنی از اسلام و هجرت) پس اسیر گیرید ایشان را و بکشید ایشان را هر جا که یابید ایشان را و دوست و یار مگیرید کسی را از ایشان.
- ۹۰ [اسیر گیرید و بکشید] مگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که میان شما و میان ایشان عهد است، یا بیایند نزد شما حال آنکه تنگ آمده است سینه‌های ایشان از آن که بچنگند با شما یا بچنگند با قوم خویش،<sup>۶</sup> و اگر خواستی خدا، هرآینه مسلط ساختی ایشان را بر شما، پس قتال می‌کردند با شما، پس اگر این فریق یکسو شوند
- 
- ۱ یعنی بر تو رغبت دادن است و بس. اگر همراهی نکنند، بر تو مؤاخذه نیست؛ والله اعلم.
- ۲ یعنی مثلاً سفارش گدای به توانگر تا او را چیزی بدهد، نیک است و سفارش برای سارق تا دست او نبرند، درست نیست.
- ۳ مترجم گوید: خدای تعالی بیان می‌فرماید که به تملق کفار، اعتماد نباید کرد.
- ۴ یعنی بعضی به تملق فریفته شدند و بعضی نشدند و می‌بایست که همه باتفاق فریفته نمی‌شدند؛ والله اعلم.
- ۵ یعنی مسلمان شوند و هجرت کنند.
- ۶ مترجم گوید: و کسی که ایمان آرد و هجرت نکند، حکم او به طریق اولی فهمیده شد؛ والله اعلم.

- از جانب شما و قتال نکنند با شما و بیفکنند به سوی شما پیغام صلح را، پس نکرده است خدای تعالی شما را بر ایشان راهی.<sup>۱</sup>
۹۱. خواهید یافت قومی را که می‌خواهند ایمن شوند از شما و ایمن شوند از قوم خود، هرگاه بازگردانیده می‌شوند به سوی فتنه‌انگیزی، نگویند ساز انداخته شوند در آن.<sup>۲</sup> پس اگر یکسو نشوند از جنگ شما و نیفکنند به سوی شما پیغام صلح را و باز ندارند دست‌های خویش را، پس اسیر گیرید ایشان را و بکشید ایشان را هر جا که یابید ایشان را. و این جماعت، داده‌ایم شما را بر ایشان، حجت ظاهر.
۹۲. و نزد<sup>۳</sup> مسلمانی را که بکشد مسلمانی را؛ لیکن قتل واقع می‌شود به خطا (یعنی به غیر قصد) و هر که بکشد مسلمانی را به خطا، پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان و خون‌بها رسانیده شده به کسان مقتول مگر آن که ابراً نمایند، پس اگر باشد مقتول از گروه دشمنان شما و او مسلمان است، پس لازم است آزاد کردن برده‌ای مسلمان.<sup>۴</sup> و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و ایشان عهد است،<sup>۵</sup> پس لازم است خون بها رسانیده شده به کسان او و آزاد کردن برده‌ای مسلمان. پس هر که نیابد برده را، پس لازم است روزه داشتن دو ماه پی‌درپی [مَشْرُوع در کَفَّارَه] به جهت قبول توبه است از جانب خدا و هست خدا، دانای استوارکار.<sup>۶</sup>
۹۳. و هر که بکشد مسلمانی را به قصد، پس جزای او دوزخ است، جاوید آنجا. و خشم گرفته است بر او خدا و لعنت کرد او را و آماده ساخت برای او عذاب بزرگ.
۹۴. ای مسلمانان! چون سفر کنید در راه خدا (یعنی برای جهاد)، پس نیک تفحص کنید، و مگویید کسی را که به سوی شما سلام انداخته است، نیستی مسلمان. می‌طلبید متاع زندگانی دنیا، پس نزد خدا غنیمت‌های بسیار است. همچنین بودید پیش از این، پس انعام کرد خدا بر شما، پس تفحص کنید، هر آینه خدا هست به آنچه می‌کنید آگاه.
۹۵. برابر نیستند نشینندگان غیر معذور از مسلمانان و جهادکنندگان در راه خدای تعالی به مال‌های خویش و جان‌های خویش؛ فضل داده است خدا مجاهدان را به مال‌ها و جان‌های خویش بر نشینندگان در مرتبه، و هر یکی را وعده نیک کرده است خدا و افزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان، مزد بزرگ.<sup>۷</sup>

- ۱ یعنی اگر اسلام آرند و هجرت کنند، ایشان را دوست باید گرفت و اگر اسلام نیاورد، می‌باید کشت؛ مگر آنکه پیمان داشته باشند و ثابتان را بر عهد و حلفای معاهدان را به هیچ وجه، نتوان ایذا داد؛ والله اعلم.
- ۲ صلح می‌کنند و باز نقض عهد می‌نمایند؛ والله اعلم.
- ۳ مترجم گوید: خدای تعالی احکام قتل خطا بیان می‌فرماید و آنکه کف از کسی که به کلمه اسلام متکلم شد، واجب است و فضل مجاهدان و وجوب هجرت از دار کفر به دار اسلام و کیفیت نماز سفر و نماز خوف بیانمی‌کند؛ والله اعلم.
- ۴ یعنی مقتول مسلمان اگر از ساکنان دارالحرب باشد، دیت لازم نیست؛ والله اعلم.
- ۵ یعنی و او مؤمن باشد.
- ۶ جمهور مفسرین، تصور (و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق) در مقتول کافر کردند به ملاحظه آنکه توارث در میان مؤمن و کافر منقطع است و سبیل دیت، سبیل میراث است و بنده ضعیف می‌گوید: تمهید مسأله به (وما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الا خطاً) و تقید به «او هو مؤمن» در نظیر ما نحن فیه ظاهر است در آنکه اینجا قیدایمان، معتبر است و لزوم دیت به جهت وفا به عهد است نه بر سبیل میراث و نظیرش وجوب مهر است در مسأله مؤمنه از قوم متعاهدین در سوره ممتحنه؛ والله اعلم.
- ۷ فائده قید غیر اولی الضرر آن است که در «اولی الضرر» این حکم مطرد نیست، بلکه جمعی باشند از «اولی الضرر» که ثبت صحیحه دارند ثواب عمل کامل یابند؛ والله اعلم.



۹۶. [افزون داده است] مرتبه‌ها از جانب خویش و آموزش، و بخشایش و هست خدا آمرزنده مهربان.
۹۷. هر آینه آنان که فرشتگان، قبض ارواح ایشان کردند در حالتی که ستمکار بودند بر خویشتن،<sup>۱</sup> فرشتگان به ایشان گفتند: در چه حال بودید شما؟ گفتند: بودیم بیچارگان در زمین. گفتند: آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت می‌کردید در آن؟ پس آن جماعت، جای ایشان دوزخ است و آن بدجایی است.
۹۸. مگر آنان که به حقیقت بیچاره‌اند از مردان و زنان و کودکان، هیچ چاره نمی‌توانند و هیچ راه نمی‌یابند.
۹۹. پس آن جماعت، نزدیک است که خدا عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده.
۱۰۰. و هر که ترک وطن بکند، در راه خدا بیابد در زمین، اقامتگاه بسیار و فراخی معیشت، و هر که بیرون رود از خانه خود هجرت کنان به سوی خدا و پیغامبر او، پس دریابد او را موت،<sup>۲</sup> پس به تحقیق ثابت شد مزد او بر خدا و هست خدا آمرزنده مهربان.
۱۰۱. و چون سفر کنید در زمین، پس نیست بر شما گناهی در آن که کوتاه سازید قدری از نماز اگر بترسید از آن که در بلا افکنند شما را کافران، هر آینه کافران هستند شما را دشمن آشکارا.<sup>۳</sup>
۱۰۲. و چون باشی در میان مؤمنان،<sup>۴</sup> پس برپا کردی برای ایشان نماز، پس باید بایستند گروهی از ایشان با تو و باید که بگیرند سلاح خویش، پس چون به سجده روند، پس آن گروه دیگر باید که پیش از ایشان باشند،<sup>۵</sup> و باید که بیاید آن گروه دیگر که هنوز نماز نکرده، پس نماز کنند با تو و باید که بگیرند حذر<sup>۶</sup> و سلاح خود را. آرزو کردند کافران، کاش غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش، پس حمله کنند بر شما یکباره و هیچ گناه نیست بر شما اگر باشد شما را رنجی از باران یا بیمار باشید، در آن که بنهید سلاح خویش را و البته بگیرید حذر خود را، هر آینه خدا آماده کرده است برای کافران، عذاب رسوا کننده.<sup>۷</sup>

۱ یعنی به ترک هجرت از دارالحرب به دارالسلام و به تکثیر سواد کفار؛ والله اعلم.

۲ یعنی در راه قبل وصول به مقصد.

۳ مترجم گوید: مشهور آن است که این آیت در صلوة مسافر نازل شده است و خوف، قید اتفاقی است و آنچه نزدیک این بنده رجحان یافته است، آن است که این آیت در صلوة خوف نازل شده است و سفر، قید اتفاقی است و مراد از قصر در کیفیت رکوع و سجود است که به ایما ادا می‌توان کرد، نه در کمیت رکعات؛ والله اعلم.

۴ یعنی وقت خوف.

۵ یعنی مقابل عدو.

۶ و حذر خود و زره و سپر را گویند.

۷ مترجم گوید: این را صورت‌ها است یکی آنکه امام دوبار نماز گزارد؛ یک بار به این جماعت و دیگر بار به آنجماعت دیگر. آنکه امام با یک جماعت، یک رکعت گذارد و در قیام، توقف کند تا آنکه رکعت دیگر خوانده مقابل عدو روند، آن جماعت دیگر آمده اقتدا به امام کنند و رکعت دیگر به آن جماعت خواند در قعدة چندان توقف کند که از رکعت دوم فارغ شوند، آنکه به ایشان سلام دهد. این هر دو با صورت‌های دیگر همه صحیح شده و همه محتمل آن است؛ والله اعلم.

۱۰۳. پس چون نماز تمام کردید، پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوئی خویش؛ پس چون آرمیدید برپا کنید نماز را،<sup>۱</sup> هر آینه هست نماز بر مؤمنان، فرضِ وقتِ معین کرده شده.
۱۰۴. و سستی مکنید در جستجوی کفار. اگر شما دردمند می‌شوید، پس ایشان نیز دردمند می‌شوند، چنانکه شما می‌شوید، و شما امید دارید از خدا آنچه ایشان را امید نیست و هست خدا، دانای استوارکار.
۱۰۵. هر آینه<sup>۲</sup> ما فرود آوردیم به سوی تو کتاب را به راستی، تا حکم کنی میان مردمان به آنچه شناسا ساخته است تو را خدا، و مباش خصومت کننده برای حمایت خیانت کنندگان.
۱۰۶. و آموزش خواه از خدا، هر آینه هست خدا آمرزنده مهربان.
۱۰۷. و خصومت مکن از جانب آنان که خیانت می‌کنند با جنس خویش، هر آینه خدا دوست ندارد آن را که باشد خیانت کننده گنهکار.
۱۰۸. پنهان می‌کنند از مردمان و پنهان نمی‌کنند از خدا و او با ایشان است آنگاه که به شب مشورت می‌کنند آنچه خدا نمی‌پسندد از تدبیر، و هست خدا به آنچه می‌کنند، در برگیرنده.
۱۰۹. آگاه باشید شما ای قوم که خصومت کردید از طرف خیانت کنندگان در زندگانی دنیا، پس که خصومت خواهد کرد با خدا از طرف ایشان روز قیامت؟ یا کیست که باشد بر ایشان کارسازنده؟
۱۱۰. و هر که بکند کار بد یا ستم کند بر خویش، باز آموزش طلبد از خدا، بیابد خدا را آمرزنده مهربان.
۱۱۱. و هر که بکند گناهی، پس جز این نیست که می‌کند آن را بر جان خویش و هست خدا، دانای استوارکار.
۱۱۲. و هر که بکند خطایی یا گناهی، باز تهمت کند به آن بی‌گناهی را، پس بر خود برداشت افترا و گناه ظاهر را.
۱۱۳. و اگر نبودی فضل خدا بر تو و بخشایش او، قصد کرده بودند گروهی از ایشان که گمراه کنند تو را و گمراه نمی‌کنند مگر خویشان را و هیچ زبانی نرسانند به تو، و فرود آورده است خدا بر تو کتاب و دانش، و آموخته است تو را آنچه نمی‌دانستی و هست فضل خدا بر تو، بزرگ.
۱۱۴. نیست خوبی در بسیاری از مشورت پنهانی ایشان، لیکن خوبی در مشورت کسی است که فرماید به صدقه یا به کار پسندیده یا به صلاحکاری میان مردمان، و هر که این کند به طلب خشنودی خدا، بدهیمش مزد بزرگ.
۱۱۵. و هر که مخالفت پیغامبر کند بعد از آن که معلوم شد او را هدایت، و پیروی کند سوای راه مسلمانان، متوجه بکنیمش به آنچه می‌گردد<sup>۳</sup> و درآیمش به دوزخ و آن بد جایی است.

۱ یعنی به طریق نماز امن؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: مردم ضعیف‌الاسلام اگر کسی را از ایشان مرتکب گناهی می‌شد، دور وی حيله‌ها یافته پیش آن حضرت به وجهی اظهار می‌کردند که برائت او به خاطر مبارک می‌رسید و با یکدیگر خلوت کرده رازها به خلاف رضای شریف در میان می‌آوردند، خدای تعالی آیات فرستاد.

۳ مترجم گوید: یعنی قوت دل بیفزاییم.

۱۱۶. هر آینه خدا نمی‌آمرزد آنکه شریک مقرر کرده شود به او و می‌آمرزد غیر شرک، هر که را خواهد. و هر که شریک خدا مقرر کند، پس گمراه شد، گمراهی دور.
۱۱۷. مشرکان نمی‌پرستند بجز خدا، مگر بتانی را که به نام دختران مسمی کرده‌اند و نمی‌پرستند مگر شیطان دور رفته از حد را.
۱۱۸. لعنت کرد او را خدا، و گفت شیطان: بگیرم از بندگان تو حصه‌ای که در علم ازلی معین شده.
۱۱۹. و البته گمراه کنم ایشان را و البته در آرزوی باطل افکنم ایشان را و البته بفرمایم ایشان را تا بشکافند گوش چهارپایان را و البته بفرمایم ایشان را تا تغییر دهند آفرینش خدا را<sup>۱</sup> و هر که دوست گیرد شیطان را بجز خدا، پس زیانکار شد، زیان ظاهر.
۱۲۰. وعده می‌دهد ایشان را و در آرزو می‌اندازد ایشان را و وعده نمی‌کند ایشان را شیطان، الا به فریب.
۱۲۱. آن جماعت، جای ایشان دوزخ است و نیابند از آن مخلصی.
۱۲۲. و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، در آرم ایشان را به بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه. وعده کرده است خدا به راستی و کیست راستگوتر از خدا در سخن؟
۱۲۳. نیست کار به وفق آرزوی شما و نه به وفق آرزوی اهل کتاب. هر که بکند کار بد، جزا داده خواهد شد به آن و نیابد برای خود بجز خدا، هیچ دوستی و نه یاری دهنده‌ای.
۱۲۴. و هر که بکند از کارهای شایسته، مرد باشد یا زن و او مسلمان است، پس آن جماعت در آیند به بهشت و ستم کرده نشوند مقدار نقیری.
۱۲۵. و کیست نیکوتر به اعتبار دین از کسی که منقاد ساخت روی خود را برای خدا و او نیکوکار است و پیروی کرد ملت ابراهیم را در حالتی که حنیف بود و خدا دوست گرفت ابراهیم را.
۱۲۶. و خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و هست خدا به همه چیز، در برگیرنده.
۱۲۷. و طلب فتوی می‌کنند از تو در باب زنان،<sup>۲</sup> بگو: خدا فتوی می‌دهد شما را در باب زنان و آنچه خوانده می‌شود بر شما در کتاب، [نازل شده است] در حق آن زنان یتیمه که نمی‌دهید ایشان را آنچه فرض کرده شده است برای ایشان و رغبت می‌کنید که نکاح کنید با ایشان،<sup>۳</sup> و [نازل شده است] در باب بیچارگان از کودکان و [حکم است] به آنکه تعهد حال یتیمان کنید به انصاف، و آنچه می‌کنید از نیکویی، هست خدا به آن دانا.<sup>۴</sup>
۱۲۸. اگر زنی معلوم کند از شوهرش سرکشی یا روگردانی، پس گناه نیست بر ایشان در آن که صلح آرند در میان خویش نوعی از صلح، و صلحکاری بهتر است. و حاضر

۱ مترجم گوید: از اینجا تغلیظ تحریم شرک می‌فرماید.

۲ مترجم گوید: یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن بر بدن تا سرخ یا کبود گردانند؛ والله اعلم.

۳ یعنی چه نوع به ایشان معامله باید کرد؛ والله اعلم.

۴ در نکاح زنان یتیمه رغبت می‌کردند به سبب براعت جمال و حداث سن در ادای نفقه و مهر کوتاهی می‌نمودند؛ والله اعلم.

۵ جواب این استفتاء، تفصیلی داشت؛ پس خدای تعالی بعضی مسائل را حواله فرمود بر آیات سابقه و آن مسأله‌تحریم ظلم بر «یتامی النساء» است و بعضی را اینجا جواب داد و آن مسأله نشوز و تحریم میل کلی به یک زن و اعراض از زن دیگر و اباحه طلاق در صورت ضرورت؛ والله اعلم.

- کرده شده‌اند نفوس نزدیک بخل<sup>۱</sup> و اگر نیکوکاری و پرهیزگاری کنید، پس هرآینه خدا هست به آنچه می‌کنید دانا.
۱۲۹. و نتوانید هرگز عدل کردن میان زنان، اگرچه نهایت رغبت کنید، پس باری کجی مکنید تمام کجی تا آن که بگذارید آن زنان را مانند معلقه<sup>۲</sup>. و اگر صلاح کنید و پرهیزگاری نمایید، پس هرآینه خدا هست آمرزنده مهربان.
۱۳۰. و اگر مرد و زن از یکدیگر جدا شوند، کفایت می‌کند خدای تعالی هر یکی را از توانگری خود، و هست خدا، جواد استوارکار.
۱۳۱. و خدای راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است. و هرآینه حکم فرمودیم آنان را که داده شدند کتاب پیش از شما و شما را نیز، که بترسید از خدا. و اگر کافر شوید، پس هرآینه خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و هست خدا، توانگر ستوده شده.
۱۳۲. و خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و خدا کارساز پس است.
۱۳۳. اگر خواهد دور کند شما را ای مردمان و به وجود آرد دیگران را، و هست خدا بر این کار توانا.
۱۳۴. هر که باشد طالب جزای دنیا (یعنی جزای عمل در دنیا طلب کند) پس نزد خدا است ثواب دنیا و آخرت و هست خدا، شنوای بینا.<sup>۳</sup>
۱۳۵. ای مسلمانان! متعهد انصاف باشید، اظهار حق کنندگان برای خدا، و اگر چه بر ضرر خویشتن یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد. اگر [ آن که حق بر وی ثابت می‌شود ] توانگر باشد یا فقیر، به هر حال خدا مهربانتر است بر ایشان. پس پیروی خواهش نفس مکنید، اعراض کنان از عدل و اگر پیچانید سخن را یا رو گردانید، پس هرآینه خدا هست به آنچه می‌کنید، آگاه.
۱۳۶. ای مسلمانان! ایمان آرید به خدا و پیغامبر او و آن کتاب که فروفرستاده است بر پیغامبر خود و آن کتاب که فروفرستاده است پیش از این و هر که کافر شود به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های او و پیغامبران او و روز آخر، پس هرآینه گمراه شد، گمراهی دور.<sup>۴</sup>
۱۳۷. آنان که ایمان آوردند، باز کافر شدند، باز ایمان آوردند، باز کافر شدند، باز زیادت کردند در کفر،<sup>۵</sup> هرگز نیامرزد خدای تعالی ایشان را و هرگز ننماید ایشان را راهی.
۱۳۸. خیر<sup>۶</sup> ده منافقان را به آن که ایشان را باشد عذاب درد دهنده.
۱۳۹. آن منافقان که کافران را دوست می‌گیرند بجز مؤمنان، آیا نزدیک ایشان ارجمندی می‌طلبند؟ پس هرآینه ارجمندی، خدا راست همه یکجا.
۱۴۰. و هرآینه فروفرستاده است خدا بر شما در قرآن که چون بشنوید به آیت‌های خدا انکار نموده می‌آید و تمسخر کرده می‌شود به آنها، پس منشنید با ایشان تا آن که

۱ یعنی از بخل غائب نمی‌شوند و آن را نمی‌گذارند؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: معلقه زنی است که نه بیوه باشد و نه به او شوهر، موافقت کند.

۳ یعنی پس چرا طالب هر دو نباشید؛ والله اعلم.

۴ مترجم گوید: مراد آن است که هر که در ملت اسلامیه داخل شد، او را به تفصیل، تصدیق این چیزها باید کرد.

۵ یعنی اصرار کردند؛ والله اعلم.

۶ مترجم گوید: از اینجا وعید منافقان بیان می‌فرماید.

- شروع کنند در سخنی بجز آن. هر آینه شما آنگاه که بنشینید، مانند آن کافران باشید، هر آینه خدا به هم آرنده است منافقان و کافران را، همه یکجا در دوزخ.
۱۴۱. آن منافقان که انتظار شما می‌کشند، پس اگر باشد شما را فتحی از جانب خدا، گویند: آیا نبودیم با شما؟<sup>۱</sup> و اگر باشد کافران را نصیبی، گویند (یعنی به کافران): آیا غالب نشدید بر شما؟<sup>۲</sup> و آیا باز نداشتیم شما را از ضرر مسلمانان؟<sup>۳</sup> پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز قیامت و هرگز گشاده نگرداند خدا کافران را بر مسلمانان، راهی.<sup>۴</sup>
۱۴۲. هر آینه منافقان فریب می‌کنند با خدا و خدا نیز فریب می‌کند به ایشان؛ و چون منافقان به سوی نماز برخیزند، کاهلی‌کنان برخیزند، می‌نمایند به مردمان و یاد نمی‌کنند خدا را مگر اندکی.
۱۴۳. متردند در میان این و آن، نه به سوی اینانند و نه به سوی آنان و هر که را گمراه کند خدا، پس نیایی او را هیچ راهی.
۱۴۴. ای مسلمانان! دوست مگیرید کافران را بجز مؤمنان. آیا می‌خواهید که ثابت کنید برای خدا بر خویشستن، الزام‌ظاهر؟
۱۴۵. هر آینه منافقان در طبقه زیرترین‌اند از آتش و نیایی ایشان را هیچ یاری دهنده.
۱۴۶. مگر آنان که توبه کردند و صلاح پیش گرفتند و چنگ زدند به خدا و خالص گردانیدند دین خود را برای خدا، پس آن جماعت همراه مؤمنانند و زود بدهد خدا مؤمنان را مزد بزرگ.
۱۴۷. چه کار کند خدا به عذاب شما، اگر سپاسداری کنید و ایمان آرید و هست خدا قدرشناس دانا.
۱۴۸. دوست نمی‌دارد خدا بلند گفتنِ سخن بد، مگر سخن گفتنِ مظلوم [که عفو است] و هست خدا شنوای دانا.
۱۴۹. اگر آشکارا کنید کار نیک را یا پنهان کنید آن را یا عفو کنید از ظلمی، پس هر آینه هست خدا عفو کننده توانا.
۱۵۰. هر آینه کسانی که کافر می‌شوند به خدا و پیغامبران او و کسانی که می‌خواهند که تفرقه کنند در میان خدا و پیغامبران او<sup>۵</sup> و کسانی که می‌گویند: ایمان می‌آریم به بعض پیغامبران و نامعتقد می‌شویم بعض را و می‌خواهند که راهی گیرند در میان این و آن.
۱۵۱. آن جماعت ایشانند کافران به تحقیق و آماده ساخته‌ایم برای کافران، عذاب رسواکننده.
۱۵۲. و کسانی که ایمان آوردند به خدا و پیغامبران او و تفرقه نکردند در میان هیچ یک از ایشان، آن جماعت خواهد داد خدا ایشان را مزد ایشان و هست خدا آمرزنده مهربان.
۱۵۳. در<sup>۶</sup> خواست می‌کنند از تو اهل کتاب، که فرود آری بر ایشان کتاب را از آسمان (یعنی یک دفعه)، پس سؤال کرده بودند از موسی سخت‌تر از این؛ گفتند: خدا را بنما به ما آشکارا، پس گرفت ایشان را صاعقه به سبب گناه ایشان. باز معبود گرفتند گوساله را،

۱ یعنی از زمره شما ایم؛ والله اعلم.

۲ یعنی خواه [و] میخواه شما را مصلحت دانستیم که با مسلمانان بجنگید و نگذاشتیم که به مصلحت دیگر عمل کنید؛ والله اعلم.

۳ یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان به شما نرسد؛ والله اعلم.

۴ یعنی نشود که اسلام را مستأصل گردانند؛ والله اعلم.

۵ یعنی به خدا ایمان آرند و به پیغامبران ایمان نیارند؛ والله اعلم.

۶ مترجم گوید: از اینجا خدای تعالی ردّ شبهه یهود می‌کند که قرآن چرا یک دفعه مثل الواح موسی نازل نشد و این سخن ممتد است تا «یا اهل الکتاب لا تغلوا».

- بعد از آنکه آمد به ایشان معجزه‌ها، پس درگذشتیم از این جریمه و دادیم موسی را غلبه ظاهر.
۱۵۴. و برداشتیم بالای ایشان طور را برای گرفتن عهد ایشان و گفتیم ایشان را: درآید به دروازه، سجده‌کنان و گفتیم ایشان را: تجاوز نکنید در روز شنبه و گرفتیم از ایشان عهد محکم.
۱۵۵. پس به سبب شکستن ایشان عهد خود را و به سبب کفر ایشان به آیات خدا و کشتن ایشان انبیا را به ناحق و گفتن ایشان که دل‌های ما در پرده است. نه، بلکه مهر نهاده است خدای تعالی بر دل‌های ایشان به سبب کفر ایشان، پس ایمان نیارند مگر اندکی.
۱۵۶. و به سبب کفر ایشان و گفتن ایشان بر مریم، بهتانی بزرگ.<sup>۱</sup>
۱۵۷. و به سبب گفتن ایشان: هرآینه ما کشتیم مسیح، عیسی پسر مریم را که فی‌الواقع پیغامبر خدا بود؛ و نکشته‌اند او را و بردار نکرده‌اند او را ولیکن مشتبه شد بر ایشان. و هرآینه کسانی که اختلاف کردند در باب عیسی در شکاند از حال او و نیست ایشان را به آن یقینی، لیکن پیروی ظن می‌کنند و به یقین نکشته‌اند او را.
۱۵۸. بلکه برداشت او را خدای تعالی به سوی خود و هست خدا غالب استوارکار.
۱۵۹. و نباشد هیچ کس از اهل کتاب الا البته ایمان آورد به عیسی پیش از مردن عیسی،<sup>۲</sup> و روز قیامت باشد عیسی گواه بر ایشان.
۱۶۰. پس به سبب ظلمی که به ظهور آمد از یهود، حرام ساختیم بر ایشان چیزهای پاکیزه که حلال بودند ایشان را و به سبب بازداشتن ایشان، مردمان بسیار از راه خدا.
۱۶۱. و گرفتن ایشان سود را و حال آن که منع کرده شده‌اند از آن و خوردن ایشان اموال مردمان را به ناحق و مهیا کردیم برای کافران از ایشان (یعنی مصران بر کفر) عذاب درد دهنده.<sup>۳</sup>
۱۶۲. لیکن ثابت قدمان در علم از اهل کتاب و مؤمنان که ایمان می‌آیند به آنچه فرورستاده شده است به سوی تو و آنچه فرورستاده شده است پیش از تو. و (مدح می‌کنیم) برپادارندگان نماز را، و همچنین دهندگان زکات را و ایمان آرندگان به خدا و روز آخر، این جماعت زود بدهیم ایشان را مزد بزرگ.
۱۶۳. هرآینه ما وحی فرستادیم به سوی تو چنانکه وحی فرستادیم به سوی نوح و پیغامبران پس از وی و چنانکه وحی فرستادیم به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نبرگان و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و چنانکه دادیم داود را زبور.
۱۶۴. و چنانکه فرستادیم پیغامبرانی که قصه ایشان گفته‌ایم بر تو پیش از این و پیغامبرانی که قصه ایشان نگفته‌ایم بر تو و گفت خدا با موسی سخن.
۱۶۵. فرستادیم پیغامبران، مژده دهندگان و بیم کنندگان تا نباشد مردمان را بر خدا الزام، بعد فرستادن پیغامبران<sup>۴</sup> و هست خدا غالب استوارکار.

۱ یعنی قذف به زنا.

۲ مترجم گوید: یعنی یهودی که حاضر شوند نزول عیسی را البته ایمان آرند؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: اگر گویی انکار عیسی بعد نزول تورات کرده بودند و تحریم لحوم ابل و تحریم ذی ظفر در تورات مذکور بود، پس چگونه جزای انکار عیسی باشد؟ گویم نزدیک این بنده، ظاهر آن است: مراد از تحریم طیبات، موقوف داشتن نعمت‌ها است که سابقاً ایشان را داده بودند از پادشاهی و نبوت و نصرت و غیر آن و این مشابه آنآیتی است (ضربت علیهم الذلّة والمسکنه) الآیه. و این آیت (و حرام علی قریه اهلکنها) و حینئذ، جمیع کلام باهم مربوط باشد؛ والله اعلم.

۴ یعنی تا نگویند که تقصیر ما نیست، هیچ پیغمبر نزدیک ما نیامد؛ والله اعلم.

۱۶۶. لیکن خدا اظهار می‌فرماید در حق آنچه فروفرستاده است به سوی تو که فروفرستاد آن را به علم خود و فرشتگان نیز گواهی می‌دهند و بس است خدا گواه.
۱۶۷. هرآینه کسانی که کافر شدند و بازداشتند (یعنی مردمان را) از راه خدا، به تحقیق گمراه شدند، گمراهی دور.
۱۶۸. هرآینه کسانی که کافر شدند و ستم کردند، هرگز نیامزد ایشان را خدا و ننماید ایشان را راهی.
۱۶۹. مگر راه دوزخ، جاویدان آنجا همیشه و هست این بر خدا آسان.
۱۷۰. ای مردمان! هرآینه آمد به شما پیغامبر به راستی از جانب پروردگار شما، پس ایمان آرید [تا ایمان آوردن] بهتر باشد برای شما. و اگر کافر شوید، پس هرآینه خدا راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است و هست خدا دانای استوارکار.
۱۷۱. ای اهل کتاب! از حد مگذرید در دین خود و مگویید بر خدا مگر سخن راست، جز این نیست که عیسی پسر مریم، پیغامبر خداست و فیض اوست، انداخت آن را به سوی مریم و روحی است از جانب خدا، پس ایمان آرید به خدا و پیغامبران او و مگویید: خدایان سه‌اند، بازمانید از (این قسم گفتار) تا این بازماندن، بهتر باشد شما را. جز این نیست که خدا معبود یگانه است، پاکی است خدا را از آن که باشد او را فرزندی. مر او راست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است و بس است خدا کارسازنده.
۱۷۲. ننگ ندارد عیسی از آن که باشد بنده خدا و نه فرشتگان مقرب، ننگ دارند و هر که ننگ کند از بندگی او و سرکشی کند، پس خواهد برانگیخت ایشان را نزدیک خویش همه یکجا.
۱۷۳. پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس تمام دهد ایشان را مزد ایشان و زیاده دهد ایشان را از فضل خود. و اما کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند، پس عذاب کند ایشان را عذاب درد دهنده، و نیابند برای خویش بجز خدا هیچ دوستی و هیچ یاری دهی.
۱۷۴. ای مردمان! به تحقیق آمد نزدیک شما دلیلی از پروردگار شما و نازل کردیم به سوی شما روشنی آشکارا.
۱۷۵. اما کسانی که ایمان آوردند به خدا و چنگ زدند به او، پس زود درآرد ایشان را در رحمت و فضل از نزدیک خود و بنماید ایشان را به سوی خود، راه راست.
۱۷۶. طلب فتوی می‌کنند از تو، بگو: خدا فتوی می‌دهد شما را در باب میراث کسی که والد و ولد ندارد؛ اگر مردی بمیرد که فرزندش نیست [و نه والد] و او را خوهری باشد،<sup>۲</sup> پس خواهرش راست، نیمه آنچه گذاشته است و [اگر این خواهر مردی] آن برادر، وارث او شدی، اگر نباشد آن را فرزندی؛ پس اگر خواهران دو باشند، پس ایشان راست دو سوم حصه آنچه گذاشته است و اگر ایشان جماعتی باشند مردان و زنان، پس مرد راست مانند حصه دو زن. بیان می‌کند خدا برای شما تا گمراه نشوید و خدا به همه چیز داناست.

۱ مترجم گوید: از اینجا شروع می‌فرماید در ردّ شبهه نصاری؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: یعنی اعیانی و اگر نباشد، علاتی قائم مقام اعیانی بود.

## ۵. سوره مائده

در مدینه نازل شده و آن یکصدویست آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ای مؤمنان! وفا کنید به عهدها (یعنی عهدی که با خدا بسته‌اید در التزام احکام او تعالی) حلال کرده شده است برای شما چهارپایان از قسم انعام، مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما،<sup>۱</sup> نه حلال دارنده شکار در حالتی که محرم باشید، هرآینه خدا حکم می‌کند آنچه می‌خواهد.
۲. ای مسلمانان! هتک حرمت مکنید نشانه‌های خدا را و نه ماه حرام را<sup>۲</sup> و نه قربانی را و نه آنچه در گردن او قلاده می‌اندازند و نه قصد کنندگان بیت‌الحرام را که می‌طلبند فضلی از پروردگار خویش و خشنودی از وی؛<sup>۳</sup> و چون احرام گشادید، پس شکار بکنید و حمل نکنند شما را دشمنی گروهی به سبب آن که بازداشتند شما را از مسجد حرام<sup>۴</sup> بر تجاوز کردن از حد و با یکدیگر مدد کنید بر نیکوکاری و پرهیزگاری و با یکدیگر مدد مکنید بر گناه و ستم و بترسید از خدا، هرآینه خدا سخت است عقوبت او.<sup>۵</sup>
۳. حرام کرده شد بر شما مردار و خون (یعنی خون مسفوح) و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا به وقت ذبح آن یاد کرده شود و آنچه به خفه کردن مرده باشد و آنچه به سنگ یا عصا مرده باشد و آنچه از جای بلند افتاده، بمبرد و آنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد، الا آنچه [بعد آفت‌ها] ذبح کرده باشید و حرام است آنچه ذبح کرده باشد بر نشانه‌های معبود باطل<sup>۶</sup> و حرام کرده شد اینکه طلب کنید معرفت قسمت خود، به تیرهای فال؛ این همه فسق است. امروز ناامید شدند کافران از دین شما، پس مترسید از ایشان و بترسید از من. امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین، برای شما. پس هر که ناچار شود در گرسنگی، غیر مایل به گناه، پس هرآینه خدا آمرزنده مهربان است.<sup>۷</sup>

- 
- ۱ یعنی شتر و گاو و گوسفند و این سه قسم را انعام گویند، حلال است مگر میت، موقوده و آنچه بیاید؛ والله اعلم.
  - ۲ یعنی قتال در رجب و ذیقعد و ذی الحجه و محرم نباید کرد؛ والله اعلم.
  - ۳ یعنی تعرض حاجیان و معتمران مسلمانان نباید کرد و لقطه ایشان نباید گرفت؛ والله اعلم.
  - ۴ یعنی پیش از فتح مکه و پیش از آنکه مسلمان شوند؛ والله اعلم.
  - ۵ مترجم گوید: حکم تغلیظ تحریم قتال در شهر حرم مخصوص است به مسلمین به دلیل آیت سوره بقره و تحریم تعرض حاجیان نیز به مسلمین آیت سوره براءت و این آیات آخر ما نزل است، منسوخ داشتن آنها چنانکه عامه مفسرین گویند، راست نمی‌آید؛ والله اعلم.
  - ۶ مترجم گوید: یعنی بر صورت قبر؛ والله اعلم.
  - ۷ مترجم گوید: یعنی در مخصصه خوردن مردار جائز است و نزدیک ابی حنیفه فائده لفظ غیر مائل به گناه، آن است که زیاده از ضرورت نخورد و نزدیک مالک و شافعی آن است که قاطع طریق و سارق را رخصت نیست و این آیت آخر قرآن است، بعد ازین هیچ آیت نازل نشد؛ والله اعلم.



۴. سؤال می‌کنند تو را: چه چیز حلال کرده شد برای ایشان؟ بگو: حلال کرده شد برای شما پاکیزه‌ها<sup>۱</sup> و آنچه آموخته باشید او را از جانوران شکاری در حالتی که شکار تعلیم کنندگانید، می‌آموزید اینها را بعض آنچه الله تعالی شما را آموخته است؛ پس بخورید از آنچه نگاه داشتند برای شما<sup>۲</sup> و یاد کنید نام خدا را بر آن<sup>۳</sup> و بترسید از خدا، هرآینه خدا زود حساب کننده است.
۵. امروز حلال کرده شد برای شما پاکیزه‌ها؛ و طعام اهل کتاب حلال است برای شما و طعام شما حلال است برای ایشان،<sup>۴</sup> و حلال کرده شد برای شما محصنات از زنان مسلمان و محصنات از زنان کسانی که کتاب داده شدند پیش از شما، چون بدهید ایشان را مهر ایشان، عفت طلب‌کنان نه شهوت رانندگان و نه دوست پنهان گیرندگان. و هر که نامعتقد اسلام باشد، پس نابود شد عمل او و او در آخرت از زیانکاران است.<sup>۵</sup>
۶. ای مسلمانان! چون برخیزید به سوی نماز، پس بشوید روی خود را و دست‌های خود را تا آرنج و مسح کنید سر خود را و بشوید پاهای خود را تا شتالنگ و اگر باشید با جنابت، پس غسل کنید و اگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکی از شما از خلأ جای یا مساس کرده باشید زنان را،<sup>۶</sup> پس نیابید آب، پس قصد کنید خاک پاک را، پس مسح کنید از آن خاک به روی خود و دست خود. نمی‌خواهد خدا که مشروع کند بر شما مشقتی ولیکن می‌خواهد که پاک سازد شما را و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود که شکرگزاری کنید.
۷. و یاد کنید نعمت خدا را بر خویش و پیمان خدا را که عهد بسته است با شما به آن پیمان، آنگاه که گفتید: شنیدیم و فرمانبرداری کردیم<sup>۷</sup> و بترسید از خدا، هرآینه خدا داناست به آنچه در سینه‌ها باشد.
۸. ای مسلمانان! متعهد حق‌الله باشید، گواهی دهندگان باشید به راستی و حمل نکند شما را دشمنی قومی بر ترک عدل؛ عدل کنید، عدل نزدیکتر است به پرهیزگاری و بترسید از خدا، هرآینه خدا آگاه است به آنچه می‌کنید.
۹. وعده کرده است خدا به کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، [به این مضمون که] ایشان راست، آمرزش و مزد بزرگ.
۱۰. و کسانی که کافر شدند و به دروغ نسبت کردند آیات ما را، ایشانند اهل دوزخ.

۱ آنچه عرب پاکیزه دانند؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: یعنی نخورده و ندریده باشند برای خوردن خود؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: یعنی نزدیک ارسال جانوران شکاری؛ والله اعلم.

۴ مترجم گوید: یعنی آنچه بر اهل کتاب حلال بود، بر شما حلال است؛ مثل گوسفند و گاو و آنچه بر شما حلال کرده شد، بر کسی که از ایشان مسلمان شود، حلال است؛ مثل شتر و ذی ظفر و قبیله‌ها یهود و نصاری را درینباب، اعتبار نیست؛ والله اعلم.

۵ مترجم گوید: محصنات اینجا نزدیک امام ابی حنیفه به معنی پارساست و نزدیک شافعی به معنای آزاد و از (غیر مسافحین) مفهوم شد که نکاح متعه، درست نیست و از (ولا متخذی اعدان) مفهوم شد که نکاح سر، درست نیست؛ والله اعلم.

۶ مترجم گوید: یعنی جماع کرده باشید و نزدیک شافعی دست

رسانیدن به زنان، ناقض وضوست؛ والله اعلم.

۷ یعنی عهدی که وقت بیعت بستید؛ والله اعلم.

۱۱. ای مؤمنان! یاد کنید نعمت خدا را بر خویشتن، آنگاه که قصد کردند قومی که دراز کنند دست خود را به سوی شما<sup>۱</sup> پس بازداشت دستهای ایشان را از شما و بترسید از خدا و بر خدا باید که توکل کنید مؤمنان.<sup>۲</sup>
۱۲. و هر آینه گرفت الله تعالی پیمان بنی اسرائیل و معین ساختیم از ایشان دوازده سردار و گفت خدا هر آینه من با شما، [مضمون پیمان آن که] اگر برپا داشتید نماز را و دادید زکات را و معتقد شدید پیغمبران مرا و تقویت کردید ایشان را و قرض دادید خدا را قرض نیک،<sup>۳</sup> البته نابد سازم از شما گناهان شما را و البته درآرم شما را به بوستانها، می رود زیر آن جویها. پس هر که کافر شود از شما بعد از این، پس گم کرد راه راست را.
۱۳. پس به سبب شکستن ایشان پیمان خویش را، لعنت کردیم ایشان را و سخت گردانیدیم دل ایشان را. تغییر می کنند کلمات را از مواضع آنها و فراموش کردند حصّه از آنچه به آن پند داده شدند و همیشه هستی که آگاه می شوی بر خیانتی از ایشان مگر اندکی از ایشان؛ پس درگذر از ایشان و اعراض کن، هر آینه خدا دوست می دارد نیکوکاران را.
۱۴. و گرفتیم از کسانی که گفتند ما نصاری ایم، پیمان ایشان را؛ پس فراموش کردند حصّه از آنچه به آن پند داده شدند، پس پیوسته ساختیم در میان فرقه های نصاری دشمنی و کینه تا روز قیامت و خیر خواهد داد ایشان را خدا به آنچه می کردند.
۱۵. ای اهل کتاب! هر آینه آمد به شما پیغامبر ما، بیان می کند برای شما بسیاری از آنچه پنهان می داشتید از کتاب (یعنی از کتاب الهی) و او درگذر می کند از تقصیرات بسیار. [ای اهل کتاب] هر آینه آمد به شما از جانب خدا نوری و کتابی روشن (یعنی قرآن)
۱۶. به سبب آن دلالت می نماید خدا کسی را که طلب رضای او کرد به سوی راه های نجات و بیرون می آرد ایشان را از تاریکی به سوی روشنی به اراده خود و دلالت می کند ایشان را به سوی راه راست.
۱۷. هر آینه کافر شدند کسانی که گفتند: خدا همان مسیح، پسر مریم است.<sup>۴</sup> بگو: که می تواند از خدا چیزی را [از انتقام] اگر بخواهد که هلاک کند عیسی، پسر مریم را و مادرش را (که مریم است) و آنان را که در زمینند، همه یکجا؟ و خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در میان این هر دو است، می آفریند هر چه می خواهد و خدا بر همه چیز تواناست.
۱۸. و گفتند یهود و ترسایان: ما پسران خداییم و دوستان اویم.<sup>۵</sup> بگو: پس چرا عذاب می کند شما را بر گناهان شما؟ بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پیدا کرده است. می آرمزد هر که را خواهد و عذاب می کند هر که را خواهد و خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در میان این هر دو باشد و به سوی اوست رجوع.

۱ یعنی قتال کنند؛ والله اعلم.

۲ این معجزه چند نوبت متحقق شد؛ از آن جمله آن است که آن حضرت، صلی الله علیه و سلم، به تقریبی به محله یهود رفته بودند؛ شخصی از ایشان خواست که سنگی بالای آن حضرت بیافکند؛ خدای تعالی دست آن شخص بند کرد و از آن جمله آن است که کفار قریش در حدیبیه از جنگ باز ایستادند، بعد از آنکه داعیه جنگ داشتند و از آن جمله آن است که یکی از باران مسیلمه کذاب دست درازی خواست، خدای تعالی دست او را گرفت ساخت.

۳ یعنی در جهاد صرف کردید به توقع ثواب آخرت؛ والله اعلم.

۴ یعنی حلول کرده است در وی؛ والله اعلم.

۵ مترجم گوید: یعنی خدا را پدر خود می گفتند؛ والله اعلم.

۱۹. ای اهل کتاب! هرآیینۀ آمده است به شما پیغامبر ما، بیان می‌کند برای شما در حالت انقطاع آمدن پیغمبران،<sup>۱</sup> تا نگویند که نیامد نزد ما هیچ مژده دهنده و بیم کننده. آری! هرآیینۀ آمده است به شما مژده دهنده و بیم کننده، و خدا بر همه چیز تواناست.
۲۰. و یاد کن چون گفت موسی قوم خود را: ای قوم من! یاد کنید نعمت خدا را بر خویش، چون پیدا کرد در میان شما پیغامبران را و ساخت شما را پادشاه و داد به شما آنچه نداد به هیچ کس از عالمیان.<sup>۲</sup>
۲۱. ای قوم من! درآیید به زمین پاک که مقرر ساخته است آن را خدا برای شما، و روگردان شوید بر سمت پشت خود (یعنی فرار مکنید)، آنگاه زیانکار گردید.
۲۲. گفتند: ای موسی! هرآیینۀ آنجا گروهی هستند زورآور و هرگز ما داخل نشویم آنجا تا آن که ایشان بیرون آیند از آنجا. پس اگر ایشان از آنجا بیرون شوند، هرآیینۀ ما درآییم.
۲۳. گفتند دو مرد از اهل تقوی که انعام کرده بود خدا بر ایشان:<sup>۳</sup> درآیید ای قوم بر این جماعت از راه دروازه؛ چون درآمدید به دروازه، پس هرآیینۀ شما غالب باشید و بر خدا توکل کنید اگر مسلمان هستید.
۲۴. گفتند: ای موسی! ما هرگز ندرآییم در زمین، هیچ گاه؛ مادام که ایشان در آنجایند. پس بروید تو و پروردگار تو و جنگ کنید، هرآیینۀ ما اینجا نشستگانیم.
۲۵. گفت [موسی]: ای پروردگار! من قادر نیستم الا بر خود و برادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میان ما و گروه گناهکاران.
۲۶. گفت خدا: پس آن زمین حرام کرده شده است بر ایشان چهل سال. سرگردان می‌شوند در زمین، پس اندوهناک مباش بر گروه ستمکاران.<sup>۴</sup>
۲۷. و بخوان بر قوم خود خبر دو پسر آدم را به راستی چون نیاز حق کردند قربانی را، پس قبول کرده شد از یکی و قبول کرده نشد از دیگر.<sup>۵</sup> گفت [قابیل]: البته بکشم تو را. [هابیل] گفت: جز این نیست که خدا قبول می‌کند از متقیان.
۲۸. اگر دراز کنی به سوی من دست خود را تا بکشی مرا، من هرگز دراز نکنم به سوی تو دست خود را تا بکشم تو را، هرآیینۀ من می‌ترسم از خدا، پروردگار عالم‌ها.
۲۹. هرآیینۀ من می‌خواهم که ببری گناه مرا و گناه خود را، پس باشی از اهل دوزخ و این جزای ستمکاران است.
۳۰. پس نفس او سهل ساخت در نظر او کشتن برادرش را، پس بکشت او را و شد از زیانکاران.<sup>۶</sup>
۳۱. پس فرستاد خدا زاعی را که می‌شکافت در زمین، تا بنمایدش چگونه بپوشد تن مُرده برادر خود را. گفت: ای وای بر من! آیا عاجز شدم از آن که باشم مانند این زاع، پس بپوشیدمی تن مُرده برادر خود؟! پس شد از پشیمان‌شدگان.

۱ یعنی بعد عیسی بجز پیغمبر ما هیچ پیغمبری مبعوث نشد و مدت میان ایشان، پانصد و شصت سال بود؛ واللہ اعلم.

۲ یعنی معجزات عظیمه از فلق بحر (یعنی شکاف دریا) و رفع طور؛ واللہ اعلم.

۳ یعنی یوشع و کالب.

۴ یعنی حکم کردیم که به آن زمین، متفع نشوند چهل سال.

۵ یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیاز بُرد از غیب آتشی ظاهر شد و بخورد و قابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش نیازش را قبول نکرد و این سبب حسد شد؛ واللہ اعلم.

۶ بعد کشتن ندانست که چگونه دفن کند جثه او را بر پشت نهاده می‌گشت؛ واللہ اعلم.

۳۲. به سبب این حادثه حکم کردیم بر بنی اسرائیل که هر که بکشد کسی را به غیر عوض کسی و به غیر فساد در زمین (یعنی قطع طریق و ارتداد) پس چنان است که کشته است مردمان را همه یکجا و هر که سبب زندگانی کسی شد، پس چنان است که زنده ساخت مردمان را، همه یکجا و هر آینه آمدند به بنی اسرائیل پیغامبران ما به نشانه‌های روشن؛ باز بسیاری از ایشان، بعد از این در زمین تجاوز کنندگانند.<sup>۱</sup>
۳۳. جز این نیست جزای کسانی که جنگ می‌کنند با خدا و رسول او و می‌شتابند در زمین به قصد فساد (یعنی قطع طریق می‌کنند) آن است که کشته شوند یا بردار کرده شوند یا بریده شود دستها و پاهاى ایشان از جانب مخالف<sup>۲</sup> یا دور کرده شوند از وطن؛ این رسوایی است ایشان را در دنیا و ایشان راست در آخرت، عذاب عظیم.
۳۴. مگر کسانی که توبه کردند، پیش از آن که دست یابید بر ایشان. پس بدانید که خدا آمرزنده مهربان است.<sup>۳</sup>
۳۵. ای مسلمانان! برسید از خدا و بطلید قرب به سوی او و جهاد کنید در راه او تا رستگار شوید.
۳۶. هر آینه کافران اگر باشد به دست ایشان آنچه در زمین است همه یکجا، و همراه او مانند او مهیا، برای آنکه عوض خود دهند آن را از عذاب روز قیامت، هرگز قبول کرده نشود از ایشان و ایشان راست، عذاب درد دهنده.
۳۷. بخواهند که بیرون روند از دوزخ و نیستند بیرون رفتگان از دوزخ و ایشان راست، عذاب دایم.
۳۸. و مرد دزد و زن دزد، بپزید دست‌های ایشان را، جزای آنچه به عمل آورده‌اند، عبرتی از طرف خدا و خدا غالب داناست.
۳۹. پس هر که توبه کرد بعد ستم خود و کار شایسته به عمل آورد، پس هر آینه خدا به رحمت باز می‌گردد بر وی، هر آینه خدا آمرزنده مهربان است.
۴۰. آیا ندانسته‌ای که خدا، مر او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین؟ عذاب می‌کند هر که را خواهد و می‌آمزد هر که را خواهد و خدا بر همه چیز تواناست.<sup>۴</sup>
۴۱. ای پیغامبر! اندوهگین نکند تو را کسانی که سعی می‌کنند در کفر، از آنان که گفتند به دهان خویش: ایمان آوردیم، و ایمان نیاورده است دل ایشان و از قوم یهود نیز؛ ایشان شنوندگانند سخن دروغ را،<sup>۵</sup> شنوندگانند برای گروه دیگران که هنوز پیش تو نیامده‌اند؛<sup>۶</sup> تغییر می‌دهند کلمات را (بعد از ثبوت آنها) در موضع خویش، می‌گویند:

۱ یعنی چون از قبایل رسم قتل پیدا شد، هر قتلی که در جهان واقع شود او را بدان مؤاخذه کنند؛ همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نو می‌کند به حکم «من سنّ سنّه سنیّه کان له کفل منها» در قتلی که بعد از وی آمد، شرکتی پیدا می‌نماید. پس اینجا «من اجل ذالک» به جای علی قیاس واقع شده است؛ والله اعلم.

۲ یعنی دست راست و پای چپ؛ والله اعلم.

۳ یعنی حدّ، ساقط است و حقوق آدمیان ساقط نیست؛ والله اعلم.

۴ مترجم گوید: در تورات، رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف کرده، روی زانی را سیاه کردن و چند تازیانه زدن قرار دادند و در زمان آن حضرت در میان ایشان زنا واقع شد؛ زانی را پیش آن حضرت به دست منافقان و ذمیان فرستادند به قرار آن که اگر جلد فرمایند، بکنیم و اگر رجم فرمایند، نکنیم. آن حضرت، صلی‌الله علیه وسلم، حقیقت رجم اظهار فرمودند و رجم کردند. درین آیات اشاره است به آن قصه.

۵ یعنی معتقد آن شده‌اند.

۶ یعنی جاسوسان، حربیان‌اند؛ والله اعلم.

اگر داده شوید این حکم محرف، قبول کنید و اگر آن را داده نشوید، پس احتراز نمایید و هر که خدا ضلالت او را اراده کرده است، نتوانی برای او از خدا چیزی از هدایت. ایشان آنانند که نخواستند خدا که پاک کند دل ایشان را، ایشان راست در دنیا، رسوایی و ایشان راست در آخرت، عذاب بزرگ.

۴۲. ایشان شنوندگانند سخن دروغ را؛ خوردنگانند حرام را (یعنی رشوت را)، پس اگر بیابند پیش تو، حکم کن میان ایشان یا اعراض کن از ایشان؛ و اگر اعراض کنی از ایشان، هیچ زیان نرساند به تو و اگر حکم کنی، پس حکم کن میان ایشان به انصاف، هر آینه خدا دوست می‌دارد عدل کنندگان را.<sup>۱</sup>

۴۳. و چگونه حکم می‌کنند تو را و نزدیک ایشان تورات است که در آن حکم خداست. باز اعراض می‌کنند بعد از این، و نیستند ایشان معتقدان.<sup>۲</sup>

۴۴. هر آینه ما فرود آوردیم تورات را؛ در وی هدایت و روشنی است. حکم می‌کنند به آن پیغمبران که منقاد حکم الهی‌اند، برای یهود و حکم می‌کنند خداپرستان و احبار ایشان، (همه حکم می‌کردند) به آنچه حافظ آن گردانیده شده‌اند از کتاب خدا و بر آن گواه بودند.<sup>۳</sup> پس گفتیم: مترسید از مردمان و بترسید از من و خرید مکنید به آیت‌های من بهای اندک و هر که حکم نکند به آنچه فروفرستاده است خدا، پس ایشانند نامعقدان.

۴۵. و لازم ساختیم بر یهود در تورات که شخص، به عوض شخص است (یعنی به عوض او باید کشت) و چشم، عوض چشم است و بینی، عوض بینی است و گوش، عوض گوش است و دندان، عوض دندان و حکم زخم‌ها به اعتبار مماثلت است؛ پس هر که عفو کند از آن زخم، پس این عفو، کفارت است وی را و هر که حکم نکند به آنچه خدا فرو فرستاده است، پس ایشانند ستمکاران.

۴۶. و از پس فرستادیم بر پی این پیغمبران، عیسی پسر مریم را؛ باور دارنده آنچه پیش او بود که تورات است و دادیمش انجیل؛ در وی هدایت و روشنی است و باوردارنده آنچه پیش آن بود که تورات باشد و هدایت و پند، متقیان را.

۴۷. و فرمودیم: باید که حکم کنند اهل انجیل به آنچه فروفرستاده است خدای تعالی در وی و هر که حکم نکند به آنچه فروفرستاده است خدا، پس ایشانند بدکاران.

۴۸. و فروفرستادیم به سوی تو کتاب را به راستی، باور دارنده آنچه پیش وی است از کتاب و نگهبان بر آن؛ پس حکم کن در میان ایشان به آنچه فرو آورده است خدا و پیروی مکن خواهش ایشان را، [اعراض کنان] از آنچه آمد به تو از حکم الهی. برای هر گروهی از شما مقرر ساختهایم شریعتی و راهی و اگر خواستی خدا، گردانیدی شما را یک امت ولیکن خواست که بیازماید شما را در آنچه به شما داده است، پس شتاب کنید به سوی نیکوکاری.<sup>۴</sup> به سوی خدا رجوع شماست همه یکجا؛ پس خبر دهد شما را به آنچه در آن اختلاف می‌کردید.

۴۹. و فرمودیم که: حکم کن میان ایشان به آنچه فرود آورده است خدا و پیروی مکن خواهش ایشان را و بترس از ایشان از آن که گمراه کنند تو را از بعض آنچه

۱ مترجم گوید: یعنی اهل ذمه اگر قضیه خویش به امام رفع کنند، اگر خواهد حکم کند و اگر خواهد به زعمای ایشان مفوض نماید؛ والله اعلم.

۲ یعنی اگر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی بودی، بر تورات عمل می‌کردند، لیکن غرض فاسد داشتند.

۳ یعنی به یقین معلوم کرده بودند که حکم الهی است؛ والله اعلم.

۴ یعنی اتباع فرمان الهی در شریعت پیغمبر زمان؛ والله اعلم.

- فروفرستاده است خدا به سوی تو. پس اگر اعراض کنند، پس بدان که می خواهد خدا که عذاب کند ایشان را به سبب بعض گناهان ایشان و هرآینه بسیاری از مردمان، بدکارانند.
۵۰. آیا حکم جاهلیت می خواهند؟ و کیست خوبتر از خدا به اعتبار حکم برای قومی که یقین دارند؟<sup>۱</sup>
۵۱. ای مؤمنان! دوست مگیرید یهود و نصاری را؛ بعضی ایشان دوست بعضی اند و هر که از شما دوست دارد ایشان را، پس هرآینه او از جمله ایشان است، هرآینه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را.
۵۲. پس می بینی کسانی را که در دل ایشان بیماری است (یعنی نفاق) سعی می کنند در دوستی یهود و نصاری، می گویند: می ترسیم از آن که برسد مایان را مصیبتی.<sup>۲</sup> پس نزدیک است که خدا بیارد فتح را یا چیزی دیگر را از نزد خود، پس پشیمان شوند بر آنچه پنهان داشتند در دل خویش.
۵۳. و بگویند مؤمنان (یعنی روز قیامت): آیا ایشانند آنان که قسم خوردند به خدا، سخت ترین سوگندهای خویش که البته ایشان همراه شمایند؟ امروز نابود شد عمل های ایشان، پس گشتند زیانکار.
۵۴. ای مؤمنان! هر که از شما برگردد از دین خود، پس<sup>۳</sup> خواهد آورد خدا گروهی را که دوست می دارد ایشان را و ایشان دوست می دارند او را، متواضعند برای مؤمنان، درشت طبع اند بر کافران، جهاد می کنند در راه خدا و نمی ترسند از ملامت ملامت کننده.
۵۵. این بخشایش خداست، می دهد آن را به هر که خواهد و خدا جواد داناست.<sup>۴</sup> جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و مؤمنانی که برپا می دارند نماز را و می دهند زکات را و ایشان پیوسته نمازگزارند.
۵۶. و هر که دوستی کند با خدا و با رسول او و با مؤمنان، پس هرآینه گروه خدا همان است غالب.
۵۷. ای مسلمانان! دوست مگیرید کسانی را که به تمسخر و بازی گرفته اند دین شما را، از کسانی که داده شده ایشان را کتاب، پیش از شما و نه سایر کافران را و بترسید از خدا اگر مسلمان هستید.
۵۸. و چون ندا کنید به سوی نماز، تمسخر و بازی گیرند آن را؛<sup>۵</sup> این به سبب آن است که ایشان گروهی هستند که هیچ نمی فهمند.
۵۹. بگو: ای اهل کتاب! عیب نمی گیرید بر ما مگر آن که ایمان آوردیم به خدا و به آنچه فرو فرستاده شده است بر ما و به آنچه فرو فرستاده است پیش از این و مگر آن که بیشتر از شما بدکارانند.

۱ مترجم گوید: حاصل این آیات، الزام است بر اهل کتاب، که با وجود التزام کتاب برحسب آن عمل نمی کنند و در این آیات، بیان آن است که هر قرن را شریعتی داده اند و بعد نزول قرآن بجز متابعت آن، متابعت دیگر جائز نیست؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام افتد؛ پس موافقت با حریبان، مصلحت است.

۳ پس بزودی خواهد آورد. (مصحح)

۴ مترجم گوید: این وعده در زمان حضرت ابوبکر صدیق متحقق شد و مهاجران و انصار و تابعان ایشان بامردان جهاد کردند؛ والله اعلم.

۵ مترجم گوید: یعنی به اذان استهزا کنند؛ والله اعلم.

۶۰. بگو: آیا خبر دهم شما را به بدتر از این<sup>۱</sup> به اعتبار جزا نزدیک خدا؟ آن بدتر کسی است که لعنت کرد او را خدا و خشم گرفت بر وی و گردانید از ایشان بوزینگان و خوکان و کسی که پرستید معبود باطل را، این گروه بدترند به اعتبار جای و گمراهترند از راه راست.
۶۱. و چون بیایند پیش شما، گویند: ایمان آوردیم؛ حال آن که با کفر درآمدند و با کفر بیرون رفتند و خدا دانتر است به آنچه می‌پوشیدند.
۶۲. و می‌بینی که بسیاری از ایشان سعی می‌کنند در گناه و تعدی و حرام خوردن خویش، هرآینه بد چیزی است که به عمل آورند.
۶۳. چرا منع نمی‌کنند ایشان را خداپرستان و دانشمندان از دروغ گفتن ایشان و حرام خوردن ایشان؟ هرآینه بد چیزی است که می‌کنند.
۶۴. و گفتند یهود: دست خدا به گردن بسته است!<sup>۲</sup> به گردن بسته باد، دست‌های ایشان و لعنت کرده شد ایشان را به سبب آنچه گفتند: بلکه دو دست او گشاده است؛ خرج می‌کند چنانچه می‌خواهد و البته بیفزاید در حق بسیاری از ایشان آنچه فروفرستاده شد به سوی تو از پروردگار تو نافرمانی و کفر را. و افکنندیم در میان فرقه‌های یهود دشمنی و ناخوشی تا روز قیامت؛ هرگاه که برمی‌افروزند آتشی را برای جنگ، فرومی‌نشانندش خدا<sup>۳</sup> و می‌شتابند در زمین برای فساد و خدا دوست نمی‌دارد مفسدان را.
۶۵. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند، نابود ساختمی از ایشان گناهان ایشان را و درآوردمی ایشان را به بوستان‌های نعمت.
۶۶. و اگر ایشان برپا می‌داشتند حکم تورات و انجیل را و آنچه فرود آورده شده است به سوی ایشان از پروردگار ایشان،<sup>۴</sup> خوردندی از بالای خود و از زیر پاهای خود؛ از ایشان گروهی هست میان‌رو و بسیاری از ایشان بد چیزی است که می‌کنند.<sup>۵</sup>
۶۷. ای پیغامبر! برسان آنچه فرود آورده شده است به سوی تو از جانب پروردگار تو و اگر نکردی،<sup>۶</sup> نرسانده باشی پیغام خدا را و خدا نگاه دارد تو را از مردمان، هرآینه خدا راه نمی‌نماید گروه کافران را.
۶۸. بگو: ای اهل کتاب! نیستید بر چیزی تا آن که برپا کنید حکم تورات و انجیل را و آنچه فروفرستاده شده است به سوی شما از پروردگار شما<sup>۷</sup> و البته بیفزاید در حق بسیاری از ایشان، آنچه فروفرستاده شده است به سوی تو از جانب پروردگار تو (یعنی قرآن) طغیان و کفر را، پس اندوهگین مشو بر قوم کافران.<sup>۸</sup>

۱ مترجم گوید: یعنی بدتر از آن عیب دار که شما بیان کردید.

۲ یعنی بخل دارد.

۳ یعنی چون می‌خواهند که با دشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند جنگ کنند، مقهور و مغلوب می‌شوند.

۴ یعنی سائر کتب سابقه.

۵ مترجم گوید: حاصل آن است که اگر برپا می‌داشتند حکم تورات و انجیل را پیش از نزول قرآن و پیش از آنکه حضرت پیغامبر، صلی‌الله علیه و سلم، مبعوث شود، برکت فراوان نصیب ایشان می‌شد؛ لیکن مخالفت کردند، پس به انواع بلا مبتلا گشتند؛ والله اعلم.

۶ یعنی اگر یک آیت هم نرساندی؛ والله اعلم.

۷ مترجم گوید: یعنی قرآن و سائر کتب سابقه.

۸ مترجم گوید: حاصل آن است که بر وفق قول خود ملزم می‌شوند؛ زیرا که التزام شریعتی می‌کنند و برحسب آن نمی‌روند، قطع نظر از انکار قرآن؛ والله اعلم.

۶۹. هر آینه مسلمانان و جهودان و (همچنین است) حال ستاره پرستان و ترسایان، هر که ایمان آرد از ایشان به خدا و روز آخر و کرد کردار شایسته، هیچ ترس نیست بر ایشان و ایشان اندوهگین نشوند.<sup>۱</sup>
۷۰. هر آینه گرفتیم عهد بنی اسرائیل و فرستادیم به سوی ایشان پیغمبران را؛ هرگاه آمدی به ایشان پیغامبری به آنچه دوست نمی داشت نفس ایشان، گروهی را به دروغ نسبت کردند و گروهی را می کشتند.
۷۱. و پنداشتند که هیچ عقوبت نخواهد بود؛ پس کور شدند و کر گشتند. پس بازگشت رحمت خدا بر ایشان؛<sup>۲</sup> پس باز کور شدند و کر گشتند بسیاری از ایشان و خدا بیناست به آنچه می کنند.
۷۲. هر آینه کافر شدند کسانی که گفتند: الله همان است عیسی، پسر مریم و گفته بود، عیسی: ای بنی اسرائیل! بپرستید خدا را پروردگار من و پروردگار شما، هر آینه کسی که شریک خدا مقرر می کند، حرام کرده است خدا بهشت را بر وی و جای او دوزخ است و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده.<sup>۳</sup>
۷۳. هر آینه کافر شدند، کسانی که گفتند که: خدا سوّم سه کس است.<sup>۴</sup> و هیچ «اله» نیست مگر «اله» یگانه و اگر باز نمانند از آنچه می گویند، خواهد رسید کافران را از ایشان،<sup>۵</sup> عذاب درد دهنده.
۷۴. آیا رجوع نمی کنند به سوی خدا و آمرزش نمی طلبند از او؟ و خدا آمرزنده مهربان است.
۷۵. نیست عیسی پسر مریم، مگر پیغامبری؛ گذشته اند پیش از وی پیغامبران و مادر او ولیّه بود؛ هر دو می خوردند طعام را. ببین چگونه بیان می کنیم برای ایشان نشانه ها؟ باز ببین چگونه گردانیده می شوند؟<sup>۶</sup>
۷۶. بگو: آیا عبادت می کنید بجز خدا چیزی را که نمی تواند برای شما زبانی و نه سودی؟ و خدا همان است شنوای دانا.
۷۷. بگو: ای اهل کتاب! از حدّ مگذرید در دین خود به ناحق و پیروی مکنید خواهش نفس قومی را که گمراه شدند پیش از این و گمراه کردند مردمان بسیار را و کجروی کردند از راه راست.<sup>۷</sup>
۷۸. لعنت کرده شد کافران را از بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی، پسر مریم؛ این به سبب آن است که نافرمانی می کردند و از حدّ می گذشتند،
۷۹. یکدیگر را منع نمی کردند از آن عمل زشت که مرتکب آن شدند، هر آینه بد چیزی است که می کردند.

۱ یعنی در اصل از هر فرقه که باشد، چون ایمان آرد، از اهل نجات است و خصوصیت فرّق را اعتبار نیست؛ والله اعلم.

۲ یعنی محمد، صلی الله علیه و سلم، را فرستاد؛ والله اعلم.

۳ اعتقاد حلول؛ نوعی از شرک است.

۴ یعنی در مرتبه الوهیت، سه کس هستند؛ یکی خدا و دیگری عیسی و سوم روح القدس؛ والله اعلم.

۵ یعنی اهل اصرار را از ایشان.

۶ یعنی از معرفت حق.

۷ یعنی پیشوایان یهودیت و نصرانیت، که برای ایشان مذهب قرار داده اند؛ والله اعلم.



- ۸۰ می‌بینی که بسیاری از ایشان دوستی می‌کنند با کافران (یعنی با مشرکان) هرآینه بد چیزی است که پیش فرستاده است برای ایشان نفوس ایشان؛ آن چیز خشم گرفتن خداست بر ایشان و ایشان در عذاب، جاویدانند.
- ۸۱ و اگر ایمان آوردندی به خدا و پیغامبر (یعنی پیغامبر خود) و آنچه فرو فرستاده شده است به سوی وی، البته دوست نگرفتندی مشرکان را ولیکن بسیاری از ایشان فاسق‌انند.
- ۸۲ هرآینه بیابی سخت‌ترین مردمان در عداوت مسلمانان، یهود و مشرکان را و هرآینه بیابی نزدیک‌ترین مردمان در دوستی مسلمانان، کسانی را که گفتند: ما نصارا ایم؛ این به سبب آن است که از جنس ایشان هستند دانشمندان و گوشه‌نشینان و به سبب آن است که ایشان تکبر نمی‌کنند.
- ۸۳ و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شده بر پیغامبر، ببینی چشم‌های ایشان اشک می‌ریزد؛ به سبب آنچه شناختند از حق. می‌گویند: ای پروردگار ما! ایمان آوردیم، پس بنویس ما را با شاهدان.<sup>۱</sup>
- ۸۴ و چیست ما را که ایمان نیاریم به خدا و آنچه آمده است به ما از دین راست؟! و چیست ما را که طمع نکنیم که داخل کند ما را پروردگار<sup>۲</sup> ما با قوم صالحان.
- ۸۵ پس جزا داد ایشان را خدا بر آن مقوله که گفتند، بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها. جاویدان آنجا، و این است جزای نیکوکاران.<sup>۳</sup>
- ۸۶ و کسانی که کافر شدند و به دروغ نسبت کردند آیات ما را، ایشانند اهل دوزخ.
- ۸۷ ای مؤمنان! حرام مکنید لذایذ، آنچه خدا حلال ساخته است شما را و از حد مگذرید، هرآینه خدا دوست نمی‌دارد از حد گذرندگان را.
- ۸۸ و بخورید آنچه روزی داده است شما را خدا حلال پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما به وی ایمان آوردید.<sup>۴</sup>
- ۸۹ بازخواست نمی‌کند از شما خدا به لغو در سوگندهای شما ولیکن بازخواست می‌کند از شما به سبب محکم کردن سوگندها به قصد؛<sup>۵</sup> پس کفارت یمین منعقد، طعام دادن ده مسکین را است از جنس میانه از آنچه می‌خورانید اهل خود را یا پوشش دادن ایشان را یا آزاد کردن برده؛ پس هر که نیابد لازم است روزه داشتن سه روز. این است کفارت سوگندهای شما چون سوگند خورید (یعنی و حانث شوید) و نگاه دارید سوگندهای خود را.<sup>۶</sup> همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیت‌های خود را تا بُوَد که شما شکر کنید.

۱ یعنی جماعتی که اکمل امت باشند؛ والله اعلم.

۲ یعنی به بهشت.

۳ مترجم گوید: در آیات مذکوره، اشارت است به فضیلت قومی از نصاری حبشه که همراه جعفر طیار به خدمت آن حضرت آمده، مسلمان شدند؛ والله اعلم.

۴ یعنی ترک نکاح یا ترک اکل کم و امثال آن، درست نیست؛ والله اعلم.

۵ مترجم گوید: یعنی به لغو، کفارت واجب نیست؛ چنانکه از دور شعبی بیند و به ظن گوید که والله زید است و زید نباشد و بر یمین منعقد اگر حانث شود، کفارت واجب است؛ چنانکه گوید: والله این طعام نخورم یا در این خانه درنه‌آیم و علی هذا القیاس؛ والله اعلم.

۶ یعنی تا مقدور حانث نشوید؛ والله اعلم.

۹۰. ای مسلمانان! جز این نیست که خمر و قمار و نشانه‌های معبودان باطل و تیرهای فال پلید است، از کردار شیطان است؛ پس احتراز کنید از وی تا بُود که شما رستگار شوید.
۹۱. جز این نیست که می‌خواهد شیطان که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی به سبب خمر و قمار و بازدارد شما را از یاد خدا و از نماز؛ پس آیا الحال شما باز ایستادید؟
۹۲. و فرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را و بترسید؛ پس اگر روگردانیدید، پس بدانید که بر پیغامبر ما نیست مگر پیغام رسانیدن آشکارا.
۹۳. نیست بر کسانی که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند، گناهی در آنچه خوردند،<sup>۱</sup> چون پرهیزگاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، باز پرهیزگاری کردند و ایمان آوردند، باز پرهیزگاری کردند و نیکوکاری نمودند. و خدا دوست می‌دارد نیکوکاران را.<sup>۲</sup>
۹۴. ای مسلمانان! هر آینه می‌آزماید شما را پروردگار شما به چیزی از شکار، برسد به آن دست‌های شما و نیزه‌های شما، تا متمیز کند خدا کسی را که غایبانه از وی ترسد. پس هر که تعدی کند بعد از این، او راست عذاب درد دهنده.
۹۵. ای مسلمانان! مکشید صید را چون احرام بسته باشید و هر که بکشد او را از شما به قصد، پس واجب است جزا؛ و آن جزا مانند چیزی است که او را کشته است از جنس چارپایان، حکم کند به آن، دو صاحب عدالت از شما. باشد آن چارپا قربانی رسیده به کعبه، یا آن جزا، کفارت است طعام فقیران یا برابر آن از روزه؛ تا بچشد جزای کردار خود. عفو کرده است خدا از آنچه گذشت و هر که دیگر بار کند، انتقام گیرد از وی خدا، و خدا غالب صاحب انتقام است.<sup>۳</sup>
۹۶. حلال کرده شد برای شما شکار دریا و خوردن آن تا منفعت باشد برای شما و برای قافله و حرام کرده شد بر شما شکار بیابان تا وقتی که احرام بسته باشید و بترسید از آن خدا که به سوی وی حشر کرده خواهید شد.
۹۷. گردانید خدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوار است، سبب انتظام امور مردمان و ماه حرام را و قربانی را و آنچه در گردش قلاعه اندازند. این بیان برای آن است که تا بدانید که خدا می‌داند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و تا بدانید که خدا به همه چیز داناست.
۹۸. بدانید که خدا سخت است عقوبت او، و آن که بدانید که خدا آمرزنده مهربان است.
۹۹. نیست بر پیغامبر مگر رسانیدن پیغام و خدا می‌داند آنچه آشکارا می‌کنید و آنچه پنهان می‌کنید.

۱ یعنی قبل از تحریم.

۲ مترجم گوید: یعنی آنچه قبل از تحریم خوردند، عفو است چون در تقوی رسوخ پیدا کردند و این سخن بدان ماند که کسی گوید با تو احسان کنم و باز به تو احسان کنم؛ به معنای آنکه پیوسته احسان کنم؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: جزای صید یکی از سه چیز تواند بود. مماثل صید را در حرم ذبح کند و مماثلت نزدیک شافعی به خلقت و هیأت است و نزدیک ابی حنیفه به قیمت یا به قیمت صید، طعام خرید نماید و به مسکینان دهد و نزدیک شافعی هر مسکینی را مدی و نزدیک ابی حنیفه هر مسکینی را نیم صاع از گندم یا یک صاع از جو یا به شمار مسکینان علی اختلاف المذهبین روزه دارد؛ والله اعلم.

۱۰۰. بگو [ای محمد] برابر نیست پلید و پاک و اگرچه در عَجَب آرد تو را بسیاری پلید. پس بترسید از خدا، ای خداوندان خَرَد، تا رستگار شوید.<sup>۱</sup>
۱۰۱. ای مسلمانان! سؤال مکنید از آن چیزها که اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما، غمگین کند شما را و اگر سؤال کنید از آن وقتی که فرود آورده می شود قرآن، البته ظاهر کرده شود پیش شما. عفو کرد الله تعالی از آن سوالات و خدا آمرزنده بردبار است.<sup>۲</sup>
۱۰۲. هرآینه سؤال کرده بودند از مثل آن چیزها قومی پیش از شما، باز کافر شدند به آنها.
۱۰۳. مشروع<sup>۳</sup> نکرده است خدای تعالی هیچ «بحیره» و نه «سایبه» و نه «وصیله» و نه «حام» را ولیکن کافران دروغ بر خدا می بندند و بسیاری از ایشان در نمی یابند.
۱۰۴. و چون گفته شود ایشان را: بیایید به سوی آنچه فرورفته است خدا و به سوی پیغامبر، گویند: بس است ما را آنچه بر آن یافتیم پدران خود را، اگرچه پدران ایشان، هیچ نمی دانستند و هیچ راه نمی یافتند.
۱۰۵. ای مسلمانان! محافظت کنید خویشان را. ضرر نمی رساند شما را کسی که گمراه شد، چون شما راهیاب شدید، به سوی خداست رجوع شما همه یکجا، پس خبر دهد شما را به آنچه عمل می کردید.<sup>۴</sup>
۱۰۶. ای مسلمانان! نصاب شهادت در میان شما وقت وصیت چون برسد به یکی از شما مرگ دو کس اند که صاحب عدالت باشند از شما یا دیگران از غیر شما، اگر شما سفر کرده باشید در زمین، پس رسد به شما مصیبت موت. اگر شک داشته باشید، باز دارید ایشان را بعد از نماز (یعنی نماز عصر)، پس قسم خورند به خدا که خرید نمی کنیم عوض سوگند خدا، بهای دنیا را و اگر چه کسی که برای نفع او گواهی می دهیم صاحب قربت باشد و پنهان نمی کنیم گواهی خدا<sup>۵</sup> را، هرآینه ما آنگاه از گنهکاران باشیم.
۱۰۷. پس اگر<sup>۶</sup> اطلاع واقع شد بر آن که این دو گواه، حاصل کردند گناهی،<sup>۷</sup> پس دو کس دیگر [که قربت قریبه داشته باشند] بایستند به جای آنها از جماعتی که مال را حَقّ

- 
- ۱ مترجم گوید: یعنی مال حرام و مال حلال برابر نیست؛ اگرچه حرام بسیار جمع می شود؛ والله اعلم.
- ۲ مترجم گوید: بعض مردم از آن حضرت به غیر ضرورت سؤال می کردند؛ یکی گفت پدر من کیست؟ و دیگری گفت که مرجع من بهشت است یا دوزخ؟ در این باب نازل شد.
- ۳ مترجم گوید: اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند و در آنها به قول اسلاف خود تمسک می نمودند؛ از آن جمله: بحیره و آن ماده شتری است که او را برای بتان مقرر می کردند و شیر او به کسی نمی دادند. و سائبه که برای بتان، جانور را می گذاشتند و بار بر پشت او نمی نهادند. و وصیله و آن ماده شتری است که اول بار در اول عمر شتر ماده، نر آید بعد از آن به غیر فصل دیگر بار ماده زاید، پس آن را برای بتان می گذاشتند و بعد از آنکه از حمله چند بچه گرفتندی او را معاف داشتندی از رکوب و جز آن او را عام گفتندی؛ خدای تعالی این همه را فسخ فرمود و آیت فرستاد.
- ۴ یعنی اگر شما صلاح کردید و شرط امر معروف به جا آوردید، مخالفت مخالفان ضرر نمی کند؛ والله اعلم.
- ۵ ایضاً مترجم گوید: اگر مسلمانی را اتفاق سفر افتاد و در جایی که هیچ مسلمان نبود، محتضر شد، ناچار دو ذمی را ترکه خود سپرد و بر وصیت خود گواه ساخت، ایشان از آن ترکه جام نقره‌ای را خیانت کردند و چون اولیای میت از ایشان مطالبه نمودند، قسم خوردند که ما به آن اطلاع نداریم. بعد از آن، آن جام نزدیک صواغی پیدا شد گفت: که این دو ذمی به دست من فروختند. درین باره آیت نازل شد و دو کس از اولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.
- ۶ توضیح: پس اگر اطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده‌اند، پس دو گواه از اقارب نزدیک میت که نسبت به اقارب دیگر میت، مستحق میراث اویند، جانشین آن دو گواه شوند.
- ۷ یعنی گواه حق که خدا به آن فرموده؛ والله اعلم.

- خود ساخت هر یکی از دو گواه دروغ به زبردستی بر ایشان،<sup>۱</sup> پس سوگند خوردند به خدا که گواهی ما درست‌تر است از گواهی از آن دو، و از حد تجاوز نکرده‌ایم، هر آینه ما آنگاه از ستمکاران باشیم.
۱۰۸. این اسلوب نزدیک‌تر است به آن که بیازند گواهی را بر وجه آن (یعنی بر وجهی که باید در گواهی دادن) یا بترسند از آن که رد کرده شود سوگندها بعد سوگندهای ایشان<sup>۲</sup> و بترسید از خدا و بشنوید حُکم او را، و خدا راه نمی‌نماید گروه فاسقان را.<sup>۳</sup>
۱۰۹. یاد کن آن روز که جمع کند خدا پیغامبران را، پس بگوید: چه جواب داده شد شما را؟ گویند: هیچ دانش نیست ما را، هر آینه تویی داننده امور پنهانی.<sup>۴</sup>
۱۱۰. آن وقت که گوید خدای تعالی: ای عیسی، پسر مریم! یاد کن نعمت مرا بر خویش و بر والده خویش، چون قوت دادم تو را به روح القدس (یعنی برکات حظیره القدس) سخن می‌گفتی با مردمان در گهواره و در حالت معمّری، و چون آموختم تو را کتاب و دانش و تورات و انجیل، و چون پیدا می‌کردی از گل مانند شکل مرغ به حُکم من، پس دم می‌زدی در وی، پس می‌شد مرغی به حُکم من، و به می‌کردی کور مادرزاد را و برص‌دار را به حکم من، و چون بیرون می‌آوردی مردگان را به حُکم من،<sup>۵</sup> و چون بازداشتم شرّ بنی اسرائیل را از تو آنگاه که آوردی نزد ایشان معجزه‌ها، پس گفتند کافران: از ایشان نیست این مگر سحر آشکارا.
۱۱۱. و چون الهام فرستادم به سوی حواریان که ایمان آرید به من و پیغامبران من، گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش [یا عیسی]، بر آن که ما مسلمانیم.<sup>۶</sup>
۱۱۲. چون گفتند حواریان: ای عیسی، پسر مریم! آیا می‌تواند پروردگار تو که فرو فرستد بر ما خوانی از آسمان؟ گفت عیسی: بترسید از خدا اگر مؤمن هستید.
۱۱۳. گفتند: می‌خواهیم که بخوریم از آن خوان و آرام گیرد دل‌های ما و بدانیم که راست گفتی با ما و باشیم بر نزول آن از گواهان.
۱۱۴. گفت عیسی پسر مریم: بارخدا! ای پروردگار ما! فرود آر بر ما خوانی [پُر از طعام] از آسمان تا باشد عیدی برای ما و برای اوایل اَمّت ما و آخر اَمّت ما و معجزه‌ای از جانب تو. و روزی ده ما را و تو بهترین روزی دهندگانی.

۱ یعنی دروغ گواهی دادند و دروغ قسم خوردند.

۲ یعنی اگر کسی داند که بعد از سوگند من سوگند مدعی نخواهد بود، سوگند دروغ خورد و اگر بداند که چون کذب ظاهر شود، مدعیان را سوگند دهند و حق به سوگند ایشان ثابت شود، از سوگند دروغ احتیاط کند.

۳ مترجم گوید: تاویل آیت به مذهب شافعی آنست که مراد از شهادت، وصیت است و از منکم من اقراریم و ذکر اثین برای احتیاط و قسم دادن به جهت مدعی علیه بودن در این دعوی که خیانت کرده‌اند و تعیین صلوة عصر به جهت تغلیظ یمین و اختیار اثین برای احتیاط و اقامت اولیان به جهت مدعی علیه بودن برایشان در دعوی که به جهت حذر خود تقریر می‌کند؛ چنانچه در صورت مذکوره دعوی اشترا کرده بودند و ان ارتبم فان عثراشارات است به توجه دعوی کسی و بمذهب ابی حنیفه مانند آن است، مگر آنکه تعیین صلوة عصر به جهت آنست که قضات در محکمه همین وقت می‌نشستند. پس گویا که گفته شد در محکمه قضا؛ والله اعلم.

۴ یعنی نخست از سر خضوع و نپایش، ایشان گویند در برابر تو به نسبت دانش ما را هیچ دانش نیست؛ بعد از آنگواهی دهند برآست خویش؛ والله اعلم.

۵ یعنی از گور زنده برمی‌آوردی؛ والله اعلم.

۶ حاصل این است که الهام فرستادم به سوی حواریان در آن مدت که معجزه طلب کردند و برحسب مراد دیدند.

۱۱۵. گفت خدا: من فرودآورنده‌ام آن را بر شما، پس هر که از شما کافر شود بعد از این، پس من تعذیب کنم او را عذابى که تعذیب نکنم به آن هیچ یک را از اهل عالم.<sup>۱</sup>
۱۱۶. و یاد کن آن وقت که گوید خدا: ای عیسی، پسر مریم! آیا تو گفتی به مردمان که خدا بگیرد مرا و مادر مرا، بجز الله تعالی؟!<sup>۲</sup> گفت: به پاکی یاد می‌کنم تو را، نسزد مرا که بگویم آنچه لایق من نیست. اگر گفته باشم این قول، پس تو آن را دانسته‌ای؛ می‌دانی آنچه در ضمیر من است و نمی‌دانم آنچه در ضمیر تو است، هرآینه تو داننده امور پنهانی.
۱۱۷. نگفته‌ام به ایشان مگر آنچه فرموده بودی مرا به آن که پرستید خدا را، پروردگار من و پروردگار شما و بودم بر ایشان نگاهبان، مادامی که در میان ایشان بودم. پس وقتی که برگرفتی مرا،<sup>۳</sup> تو بودی نگاهبان بر ایشان و تو بر همه چیز، نگاهبانی.
۱۱۸. اگر عذاب کنی ایشان را، پس ایشان بندگان تواند و اگر بیامرزی ایشان را، پس تویی غالب استوارکار.
۱۱۹. گوید خدا: این روزی است که نفع کند در آن راستگویان را راستی ایشان؛ ایشان را باشد بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، خشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا؛ این است رستگاری بزرگ.
۱۲۰. خدا راست، پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست و او بر همه چیز تواناست.

## ۶. سوره انعام

در مکه نازل شده و آن یکصد و شصت و پنج آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ستایش آن خدایی راست که آفرید آسمان‌ها و زمین را و پیدا کرد تاریکی‌ها و روشنی، باز کافران با پروردگار خویش برابری کنند.<sup>۴</sup>
۲. اوست آن که بیافرید شما را از گل، باز مقرر کرد وقت مرگ را و مدتی معین هست نزدیک او،<sup>۵</sup> باز شما شک می‌کنید.
۳. و اوست خدا<sup>۶</sup> در آسمان‌ها و در زمین؛ می‌داند پنهان شما و آشکار شما و می‌داند آنچه عمل می‌کنید.
۴. و نمی‌آید به کافران هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگار ایشان، الا از آن روگردان شدند.

- ۱ مترجم گوید: بعد از آن خوانی نازل شد از آسمان بروی گوشت و نان، پس خوردند و سیر شدند؛ والله اعلم.
- ۲ مترجم گوید: خدای تعالی روز قیامت نعمت‌های خود را بر عیسی یاد دهد، بعد از آن سؤال کند که خود را الهی گفتی یا نه به جهت تأکید و برای قطع شبهه نصاری بآبلغ وجوه؛ والله اعلم. (فتح الرحمن).
- ۳ یعنی بر آسمان بردی مرا.
- ۴ یعنی معبودان باطل را.
- ۵ یعنی برای قیام قیامت.
- ۶ یعنی متصرف و فرمانروا.

۵. پس ثابت شد که ایشان به دروغ نسبت کردند، چون بیامد به ایشان. پس خواهد آمد به ایشان جزای آنچه به وی تمسخر می کردند.<sup>۱</sup>
۶. آیا ندیده اند که چقدر هلاک کرده ایم پیش از ایشان از امت ها که استقرار داده بودیم ایشان را در زمین، آن قدر که استقرار نداده ایم شما را و فرستاده بودیم باران بر ایشان پی در پی ریزنده؛ و پیدا کردیم جوی ها که می رفت از زیر ایشان.<sup>۲</sup> پس هلاک کردیم ایشان را به گناهان ایشان و پیدا کردیم بعد از ایشان امتی دیگر (یعنی مردمانی دیگر).
۷. و اگر فروفرستادیم بر تو نوشته ای در ورقی، پس مساس می کردند آن را به دست خود، گفتندی کافران: نیست این مگر سحر ظاهر.<sup>۳</sup>
۸. و گفتند کافران: چرا نفرو فرود آورده شده بر پیغامبر، فرشته<sup>۴</sup> و اگر فروفرستادیم فرشته را، البته به انجام رسانیده شدی کار، باز مهلت داده نشوند.<sup>۵</sup>
۹. و اگر می کردیم آن فرستاده را فرشته، لازم می شد که کنیمش مردی (یعنی شکل مردی) و هر آینه مشتبه می کردیم بر ایشان بر آنچه الحال اشتباه می کنند.
۱۰. و هر آینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش از تو. پس فرود آمد به تمسخر کنندگان از ایشان، جزای آنچه به آن تمسخر کردند.<sup>۶</sup>
۱۱. بگو: سیر کنید در زمین، باز نظر کنید چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان.
۱۲. بگو: که راست آنچه در آسمان ها و زمین است؟ بگو: خدای راست؛ لازم کرد بر خود مهربانی. البته جمع کند شما را در روز قیامت، هیچ شک نیست در آن. آنان که زیان کردند در حق خویشان، پس ایشان ایمان نمی آرند.
۱۳. و او راست آنچه ساکن شد در شب و روز و اوست شنوای دانا.
۱۴. بگو: آیا دوستی گیرم بجز خدای پیدا کننده آسمان ها و زمین؟ و او رزق می دهد و رزق داده نمی شود. بگو: هر آینه امر کرده شده است مرا که باشم نخستین مسلمان (یعنی از این امت) و فرموده شد که مباش از شریک مقرر کنندگان.
۱۵. بگو: هر آینه من می ترسم، اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ.
۱۶. هر که عذاب باز داشته شود از وی آن روز، پس مهربانی کرد خدا بر وی و این است مطلب یابی ظاهر.
۱۷. و اگر سختی رساند خدا به تو، هیچ دفع کننده نیست آن را مگر او، و اگر نعمت رساند به تو، پس او بر همه چیز تواناست.
۱۸. و اوست غالب بالای بندگان خود و اوست دانای آگاه.
۱۹. بگو: چه چیز برتر است در باب شهادت؟<sup>۷</sup> بگو: خداست؛ وی اظهار حق کننده است میان من و میان شما، و وحی کرده شد به سوی من این قرآن، تا بیم کنم شما را به آن و بیم کنم آن را نیز که قرآن به او برسد. آیا شما اثبات می کنید که با خدا هستند خدایان دیگر؟ بگو: من اثبات نمی کنم. بگو: جز این نیست که او خدای یگانه است و هر آینه من بیزارم از آنچه شما شریک مقرر می کنید.

۱ یعنی با صدق آن خبر داد؛ والله اعلم.

۲ یعنی زیر مسکن ایشان.

۳ یعنی تعصب ایشان به مرتبه ای است که اگر نزول کتاب را به حس ظاهر ببینند نیز، انکار کنند.

۴ یعنی به وجهی که ما آن را به حس ظاهر ببینیم؛ والله اعلم.

۵ یعنی ظهور ملائکه به این وجه، مستلزم هلاک ایشان است در حکمت الهی؛ والله اعلم.

۶ یعنی جزای کلمه که به طریق سخریه به اینها می گفتند.

۷ یعنی اظهار حق کردن؛ والله اعلم.

۲۰. آنان که ایشان را کتاب داده‌ایم، می‌شناسند حقیقت این قول را،<sup>۱</sup> چنانکه می‌شناسند پسران خود را. آنان که زیانکار شدند در حق خویشان، ایشان ایمان نمی‌آرند.
۲۱. و کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا دروغ را یا به دروغ نسبت کرد آیات او را؟ هر آینه رستگار نمی‌شوند ستمکاران.
۲۲. و یاد کن آن روز که حشر کنیم ایشان را، همه یکجا. باز گوئیم مشرکان را: کجایند شریکان شما که ایشان را به ظن اثبات می‌کردید؟
۲۳. بعد از آن نباشد عذر ایشان مگر آن که گویند: قسم به خدا، پروردگار ما که مشرک نبودیم!
۲۴. بنگر چگونه دروغ گفتند بر خویشان و گم گشت از ایشان آنچه افترا می‌کردند.
۲۵. و از ایشان کسی هست که گوش می‌نهد به سوی تو و پیدا کرده‌ایم بر دل ایشان پرده‌ها تا نفهمند آن را و در گوش ایشان گرانی را. و اگر ببینند هر معجزه‌ای ایمان نیارند به آن، تا وقتی که بیایند پیش تو مکابره‌کنان با تو. گویند این کافران: نیست این مگر قصه‌های پیشینیان.
۲۶. و ایشان منع می‌کنند از متابعت او و دور می‌شوند از متابعت او و هلاک نمی‌کنند مگر خویشان را و نمی‌دانند.
۲۷. و [تعجب کنی] اگر ببینی ایشان را وقتی که بازداشته شوند نزدیک آتش، پس گویند: ای کاش ما بازگردانیده شویم! پس به دروغ نسبت نکنیم آیات پروردگار خویش را و شویم از مسلمانان.
۲۸. نه، بلکه ظاهر شد ایشان را جزای آنچه می‌پوشیدند پیش از این (یعنی جزای عقاید باطله را) و اگر بازگردانیده شوند، البته رجوع کنند به سوی آنچه منع کرده می‌شدند و هر آینه ایشان دروغ‌گویند.
۲۹. و گفتند: نیست هیچ حیات مگر زندگانی این جهانی ما و نیستیم ما برانگیختگان.<sup>۲</sup>
۳۰. و [تعجب کنی] اگر ببینی آنگاه که بازداشته شوند به حضور پروردگار خویش، گوید خدا: آیا این درست نیست؟ گویند: آری درست است، قسم به پروردگار ما. گوید: پس بپشید عذاب را به سبب آن که کافر بودید.
۳۱. به تحقیق زیانکار شدند آنان که به دروغ نسبت کردند ملاقات خدا را، تا آنگاه که بیاید به ایشان قیامت، ناگهان، گویند: ای پشیمانی ما بر تقصیر ما در باب قیامت، و ایشان، بردارند بارهای خویش را<sup>۳</sup> بر پشت‌های خویش. آگاه شوید! بدچیزی است آنچه برمی‌دارند!<sup>۴</sup>
۳۲. و نیست زندگانی دنیا مگر بازی و لهو و هر آینه سرای آخرت، بهتر است متقیان را، آیا در نمی‌یابید؟
۳۳. هر آینه می‌دانیم که اندوهگین می‌کند تو را آنچه ایشان می‌گویند، پس هر آینه ایشان به دروغ نسبت نمی‌کنند تو را فقط، ولیکن این ستمکاران آیات خدا را انکار می‌کنند.
۳۴. و هر آینه به دروغ نسبت کرده شد پیغامبران را پیش از تو، پس صبر کردند بر تکذیب خویش و رنجانیده شدن خویش تا آن که بیامد به ایشان نصرت ما و نیست هیچ تغییر دهنده وعده‌های خدا را، و هر آینه آمد به تو بعضی خبر پیغامبران.

۱ یعنی کلمه توحید.

۲ یعنی منکر حشرند؛ والله اعلم.

۳ یعنی گناهان خویش را.

۴ یعنی عمل بد به شکل خیلی نهایت زشتی و ناخوشی شده بر پشت او بنهند.

۳۵. و اگر گران شده باشد بر تو روگردانی ایشان، پس اگر می‌توانی که بجویی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان، پس بیاری پیش ایشان معجزه<sup>۱</sup> و اگر خواستی خدا، جمع ساختی ایشان را بر هدایت، پس مباح از جاهلان.
۳۶. جز این نیست که قبول می‌کنند آنان که می‌شنوند، و مردگان (یعنی کافران) برانگیزد ایشان را خدا، باز به سوی او گردانیده شوند.
۳۷. و گفتند: چرا نفرود آورده شد بر پیغامبر، نشانه‌ای از جانب پروردگار<sup>۲</sup> او. بگو: هرآینه خدا قادر است بر آن که فروفرستد آیتی ولیکن اکثر ایشان نمی‌دانند.
۳۸. و نیست هیچ جانوری در زمین و نه هیچ پرنده که می‌پرد به دو بال خود مگر ایشان جماعت‌هایی اند مانند شما. فرو گذاشت نکرده‌ایم در کتاب (یعنی لوح محفوظ) هیچ چیزی را، باز به سوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد.
۳۹. و کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را، کرانند و گنگانند در تاریکی‌هایند. هر که را خواهد خدا، گمراه کندش و هر که را خواهد، به راه راست گرداندش.
۴۰. بگو: آیا دیدید اگر بیاید به شما عذاب خدا یا بیاید به شما قیامت، آیا به غیر خدا تضرع می‌کنید، اگر راستگو هستید؟
۴۱. نه، بلکه خاص به جناب او دعا می‌کنید؛ پس دفع می‌کند آنچه دعا می‌کنید برای دفع آن، اگر خواهد؛ و فراموش می‌کنید آن چیز را که او را شریک مقرر کردید.
۴۲. و هرآینه فرستادیم به سوی امتان پیش از تو،<sup>۳</sup> پس درگرفت کردیم ایشان را به تنگی معیشت و بیماری، تا زاری کنند.
۴۳. پس چرا نه زاری کردند وقتی که آمد به ایشان عذاب ما؟ ولیکن سخت شد دل ایشان و زینت داد در نظر ایشان شیطان آنچه می‌کردند.
۴۴. پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شد ایشان را، به آن گشاده ساختیم بر ایشان درهای همه چیز؛<sup>۴</sup> تا آن هنگام که شادمان گشتند به آنچه داده شد ایشان را، درگرفت کردیم ایشان را ناگهان، پس شدند ناامید شونده.
۴۵. پس بریده شد بیخ گروه ستمکاران و سپاس خدای راست، پروردگار عالم‌ها.
۴۶. بگو: آیا دیدید اگر بازگیرد خدا شنوایی شما را و چشمهای شما را و مهر کند بر دلهای شما، کیست خدا، غیر الله تعالی که آن را بیارد به شما؟ ببین چگونه گوناگون بیان می‌کنیم آیت‌ها را، باز ایشان روگردان می‌شوند!
۴۷. بگو: آیا دیدید اگر بیاید به شما عذاب خدا ناگهان یا آشکارا، آیا هلاک کرده شوند<sup>۵</sup> مگر قوم ستمکاران؟
۴۸. و نمی‌فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده و بیم‌کننده؛ پس هر که ایمان آورد و نیکوکاری کرد، پس هیچ ترس نبود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.
۴۹. و کسانی که به دروغ نسبت کرده‌اند آیات ما را، برسد به ایشان عذاب به سبب فاسق بودن ایشان.

۱ یعنی از آنجا که می‌توانی که معجزه بیاری، بیار. حاصل آن است که تقویض کن امر خود را بر خدا؛ والله اعلم.

۲ یعنی از آن نشانه‌ها که می‌طلبیدند؛ والله اعلم.

۳ یعنی پیغامبران.

۴ یعنی به استدراج، نعمت‌های فراوان دادیم؛ والله اعلم.

۵ یعنی هلاک کرده نشوند.



۵۰. بگو: نمی‌گویم به شما که نزدیک من است خزینه‌های خدا و نمی‌گویم که می‌دانم غیب را و نمی‌گویم به شما که من فرشته‌ام. پیروی نمی‌کنم مگر چیزی را که وحی کرده شد به سوی من، بگو: آیا برابر می‌شود نابینا و بینا؟ آیا تأمل نمی‌کنید؟
۵۱. و بترسان به قرآن (یعنی پند ده به قرآن) کسانی را که می‌ترسند از آن که حشر کرده شوند به سوی پروردگار خویش، نباشد ایشان را بجز خدا هیچ دوستی و نه سفارش کننده تا پرهیزگاری کنند.
۵۲. و دور مکن کسانی را که مناجات می‌کنند به پروردگار خویش بامداد و مساء، می‌طلبند روی او را. نیست بر تو از حساب ایشان چیزی و نیست از حساب تو بر ایشان چیزی، تا برانی ایشان را که آنگاه باشی از ستمکاران.
۵۳. و همچنین امتحان کردیم بعضی از مردمان را به بعضی تا گویند: آیا این جماعت انعام کرده است خدا بر ایشان از میان ما؟ [خدای تعالی فرمود]: آیا نیست خدا دانایانتر به شکرکنندگان؟
۵۴. و چون ببیند پیش تو کسانی که ایمان آورده‌اند به آیت‌های ما، پس بگو: سلامٌ علیکم! لازم کرده است پروردگار شما بر خود مهربانی را، لازم کرده است که هر که بکند از شما کار بد به نادانی، باز توبه کرد بعد از آن و نیکوکاری نمود، پس خدا آمرزنده مهربان است.
۵۵. و همچنین تفصیل می‌کنیم نشانه‌ها را و تا ظاهر شود راه ستمکاران.<sup>۱</sup>
۵۶. بگو: هرآینه منع کرده شد مرا که عبادت کنم آن کسانی را که شما می‌پرستید بجز خدا.
۵۷. بگو: پیروی نمی‌کنم آرزوهای شما را، گمراه شده باشم آنگاه و نباشم از راه یافتگان.
۵۷. بگو: هرآینه من بر حجتّم از پروردگار خود و به دروغ داشتید آن دلیل را. نیست نزدیک من آنچه شما به زودی می‌طلبید آن را،<sup>۲</sup> نیست حکم، مگر خدا را؛ بیان می‌کند دین درست را و او بهترین فیصله‌کنندگان است.
۵۸. بگو: اگر بودی نزدیک من آنچه به زودی می‌طلبیدش، هرآینه به انجام رسانیده شدی کار میان من و شما و خدا دانایانتر است به ستمکاران.
۵۹. و نزد اوست کلیدهای غیب،<sup>۳</sup> نمی‌داندش مگر او و می‌داند آنچه در بیابان و دریاست و نمی‌افتد هیچ برگ، الاّ می‌داندش و نمی‌افتد هیچ دانه در تاریکی‌های زمین و نه هیچ تری و نه خشکی، الاّ ثبت است در کتاب روشن.
۶۰. و اوست آن که قبض روح شما می‌کند به شب<sup>۴</sup> و می‌داند آنچه کسب کردید به روز، باز برمی‌انگیزد شما را در روز تا به انجام رسانیده شود میعاد معین، باز به سوی او بازگشت شما است، باز خیر دهد شما را به آنچه می‌کردید.
۶۱. و اوست غالب بالای بندگان خود و می‌فرستد بر شما ملائکه نگاهبان تا وقتی که بیاید به کسی از شما مرگ، قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان تقصیر نمی‌کنند.
۶۲. بازگردانیده شوند مردگان به سوی الله، خداوند ایشان که حق است؛ مر او راست حکم و او سریع‌ترین حساب‌کنندگان است.

۱ ظاهر نزدیک مترجم آن است که این واو، زائد است؛ مثل واو و ففتح ابوابها.

۲ یعنی عقوبت در اختیار من نیست.

۳ یعنی انواع علم غیب.

۴ یعنی وقت نوم.

۶۳. بگو: کیست که می‌رهاند شما را از تاریکی‌های بیابان و دریا،<sup>۱</sup> مناجات می‌کنید به جناب او به زاری و نیاز پنهانی. می‌گویید: اگر رهایی دهد ما را از این محنت، هرآینه باشیم از شکرکنندگان.
۶۴. بگو: خدا می‌رهاند شما را از آن محنت و از هر اندوهی، باز شما شریک او مقرر می‌کنید!
۶۵. بگو: اوست توانا بر آن که فرستد بر شما غذایی از بالای شما<sup>۲</sup> یا از زیر پاهای شما<sup>۳</sup> و جمع کند شما را گروه گروه و بچشاند بعضی شما را جنگ بعضی<sup>۴</sup>. بنگر چگونه گوناگون می‌کنیم آیت‌ها را تا بفهمند.
۶۶. و به دروغ نسبت کردند قرآن را قوم تو و آن راست است. بگو: نیستیم بر شما نگاهبان.
۶۷. هر خیر را می‌عادی است و خواهید دانست.
۶۸. و چون ببینی آنان را که بحث شروع می‌کنند در آیت‌های ما، پس روبگردان از ایشان تا وقتی که بحث شروع کنند در سخنی غیر وی و اگر فراموش گرداند تو را شیطان، پس منشین بعد یاد آوردن، با گروه ستمکاران.
۶۹. و نیست بر کسانی که پرهیزگاری کردند از حساب کافران چیزی ولیکن بر ایشان لازم است پند دادن، تا شود که پرهیزگاری کنند.
۷۰. و بگذار کسانی را که دین خود گرفتند بازی و لهو، و فریفت ایشان را زندگانی دنیا، و پند ده به قرآن برای احتیاط از آن که به مهلکه گذاشته شود نفسی را به سبب آنچه کرده است. نیست او را بجز خدا هیچ دوست و نه شفاعت کننده و اگر عوض خود دهد هر فدیهای که تواند، گرفته نشود از وی. آن جماعت، آنانند که به مهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند. ایشان راست، آشامیدنی از آب جوشانیده و ایشان راست، عذاب درد دهنده به سبب آن که کافر بودند.
۷۱. بگو: آیا مناجات کنیم بجز خدا کسی را که نفع ندهد ما را و زیان نرساند ما را؟ و بازگردانیده شویم بر پاشنه‌های خود بعد از آن که راه راست نموده است ما را خدا؟ مانند کسی که گمراه کرده باشند او را پریان، در زمین حیران مانده. مر او را یاراند که می‌خوانندش به سوی راه راست که بیا به سوی ما. بگو: هرآینه هدایت خدا همان است هدایت حقیقی و فرموده شده است ما را که متقاد شویم پروردگار عالم‌ها را.
۷۲. و فرموده شد که: برپا دارید نماز را و بترسید از خدا و اوست آن که به سوی او حشر کرده خواهید شد.
۷۳. و اوست آن که بیافرید آسمان‌ها و زمین به تدبیر محکم و روزی که بفرماید<sup>۵</sup> که بشو! پس می‌شود. سخن او درست است و مر او راست پادشاهی روزی که دمیده شود در صور، داننده پنهان و آشکار است و اوست استوارکار آگاه.
۷۴. و یاد کن چون گفت ابراهیم پدر خود، آزر را: آیا خدا می‌گیری بتان را؟ هرآینه من می‌بینم تو را و قوم تو را در گمراهی ظاهر.

۱ یعنی از مصیبت‌های بیابان و دریا.

۲ یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید.

۳ یعنی چنانکه قارون به زمین رفت.

۴ یعنی افواج متعدده پیدا شود و با یکدیگر جنگ کنند.

۵ یعنی چیزی را.

۷۵. و همچنین می‌نمودیم ابراهیم را ملک آسمان‌ها و زمین تا او از یقین کنندگان باشد.<sup>۱</sup>
۷۶. پس چون تاریک شد بر وی شب، دید ستاره، گفت: این است پروردگار من! پس وقتی که فرو رفت، گفت: دوست ندارم فروروندگان را.
۷۷. پس چون دید ماه را طلوع کرده، گفت: این است پروردگار من! پس وقتی که فرورفت، گفت: اگر هدایت نکند مرا پروردگار من، شوم از گروه گمراهان.
۷۸. پس وقتی که دید آفتاب را طلوع کرده، گفت: این است پروردگار من! این بزرگتر است! پس چون فرورفت، گفت: ای قوم من! هرآینه من بیزارم از آنچه شریک مقرر می‌کنید.
۷۹. هرآینه متوجه ساختم روی خود را به سوی کسی که بیافرید آسمان‌ها و زمین را در حالتی که حنیف و نیستم از مشرکان.
۸۰. و جدال کردند با او قوم او، گفت: آیا جدال می‌کنید با من در باب خدا و به تحقیق هدایت کرده است مرا؟ و نمی‌ترسم از آنچه شما شریک مقرر می‌کنید با خدا ولیکن می‌ترسم از آن که خدا اراده کند چیزی<sup>۲</sup> را و احاطه کرده است پروردگار من به همه چیز از جهت دانش، آیا پند نمی‌گیرید؟
۸۱. و چگونه ترسم از کسی که او را شریک مقرر می‌کنید و شما نمی‌ترسید از آن که شریک خدا مقرر کردید چیزی را که فرونفرستاده است بر شما دلیلی برای آن، پس کدام یک از این دو گروه سزاوارتر است به امن؟ بگویید اگر می‌دانید؟
۸۲. (خدای تعالی فرمود): کسانی که ایمان آوردند و نیامیختند ایمان خود را به شرک، آن جماعت ایشان راست، ایمنی و ایشانند راه یافتگان.
۸۳. و این است حجت ما، دادیمش ابراهیم را بر قوم. بلندی می‌کنیم در مراتب هر که را می‌خواهیم، هرآینه پروردگار تو استوارکار داناست.
۸۴. و عطا کردیم ابراهیم را اسحاق و یعقوب، هر یکی را از ایشان هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم پیش از این و از اولاد ابراهیم راه نمودیم داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را و همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را.
۸۵. و هدایت کردیم زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را، هر یک از صالحان بود.
۸۶. و هدایت کردیم اسماعیل و یسع و یونس و لوط را و هر یک را فضل دادیم بر اهل زمان.
۸۷. و هدایت کردیم بعضی را از پدران ایشان و اولاد ایشان و برادران ایشان و برگزیدیم ایشان را و دلالت کردیم ایشان را به سوی راه راست.
۸۸. این است هدایت خدا، دلالت می‌کند بدان هر که را خواهد از بندگان خویش و اگر شریک مقرر می‌کردند، نابود شدی از ایشان آنچه کرده بودند.
۸۹. این جماعت، آنانند که دادیم ایشان را کتاب و حکمت و پیغامبری؛ پس اگر کافر شوند به آیات قرآن [این کافران] پس ما مقرر ساختیم [برای ایمان به آنها] گروهی را که هرگز کافر نشوند.<sup>۳</sup>

۱ یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم که بتان لائق عبادت نیستند، نیز ظاهر ساختیم که ستاره و هرچه در آسمان‌ها است و زمین، لائق عبادت نیست و او در ولیکون زائده است؛ والله اعلم.

۲ یعنی از انواع محنت.

۳ یعنی مهاجرین و انصار و سائر اخیار؛ والله اعلم.

۹۰. این جماعت انبیا کسانی‌اند که هدایت کرد ایشان را خدا؛ پس به روش ایشان اقتدا کن. بگو: سؤال نمی‌کنم از شما هیچ مزد بر تبلیغ قرآن، نیست این مگر پند، عالم‌ها را.<sup>۱</sup>
۹۱. وصف نکردند یهود، خدا را حقّ صفت او؛ چون گفتند فروفرستاده است خدا بر هیچ آدمی چیز. بگو که: فروفرستاد کتابی که آورده است او را موسی روشنی و هدایت مردمان را، می‌گردانید او را دو قسم ورقها، آشکارا می‌کنید آن را و پنهان می‌کنید بسیاری را و آموخته شدید (یعنی در قرآن) آنچه نمی‌دانستید شما و نه پدران شما می‌دانستند. بگو: خدا فرود آورد باز بگذار ایشان را در بحث ایشان در حالتی که بازی می‌کنند.
۹۲. و این قرآن کتابی است که فرستادیم او را با برکت، باور دارنده آنچه پیش از وی بود، و تا بیم کنی اهل مکه را و کسانی را که گرد مکه ساکنند و معتقدان آخرت، البته ایمان می‌آورند به قرآن و ایشان بر نماز خود، محافظت می‌کنند.
۹۳. و کیست ستمکارتر از کسی که بریست بر خدا دروغی یا گفت: وحی فرستاده شده است به من و به حقیقت نفرستاده شده است به سوی او چیزی، و از کسی که گفت: فرود خواهم آورد مانند آنچه فرود آورده خدا. [تعجب کنی] چون بنگری وقتی که ظالمان در شداید مرگ باشند و فرشتگان، دست خود را دراز می‌کنند، می‌گویند: بیرون آرید روحهای خود را، امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده به سبب آن که می‌گفتید بر خدا ناحق و به سبب آن که از تصدیق آیات او سرکشی می‌کردید. و گوئیم: هرآینه آمدید پیش ما تنها چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار و بگذاشتید آنچه عطا کرده بودیم شما را پس پشت خویش، و نمی‌بینیم با شما شفاعت کنندگان شما را؛ آنان که گمان می‌کردید که ایشان در تربیت شما شریکان خدایند، هرآینه بریده شد پیوند میان شما و گم شد از شما آنچه گمان می‌کردید.
۹۵. هرآینه خدا شکافنده دانه‌ها و خسته‌ها است؛ بیرون می‌آرد زنده را از مرده و بیرون آورده مرده است از زنده؛ این است خدا، پس از کجا برگردانیده می‌شوید؟
۹۶. شکافنده صبح است و گردانید شب را آرامگاه و گردانید آفتاب و ماه را معیار حساب. این است تقدیر خدای غالب دانا.
۹۷. و اوست آن که بیافرید برای شما ستاره‌ها تا راه بیابید به سبب آنها در تاریکی‌های بیابان و دریا، هرآینه به تفصیل بیان کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که می‌دانند.
۹۸. و اوست آن که پیدا کرد شما را از یک شخص، پس شما را قرارگاهی است و ودیعت جایی، هرآینه به تفصیل بیان کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که می‌فهمند.
۹۹. و اوست آن که فرود آورد از آسمان، آبی؛ پس بیرون آوردیم به سبب آن آب رویدنی را از هر قسم؛ پس بیرون آوردیم از آن سبزه را، بیرون می‌آریم از آن سبزه، دانه‌ها؛ یکی بر دیگری پیوسته و از درختان خرما از شاخه‌های او یک طایفه شاخه‌ها به زمین نزدیک شده است، و بیرون آوردیم بوستانها از درختان انگور و بیرون آوردیم زیتون و انار مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر.<sup>۲</sup> بنگرید به سوی میوه درخت چون میوه آرد و به سوی پختگی او، هرآینه در این، نشانهاست گروهی را که ایمان دارند.

۱ یعنی چنانکه انبیا صبر کردند بر ایدای کفار، تو نیز صبر کن؛ والله اعلم.

۲ یعنی در صورت درخت و ثمر مانند یکدیگر است و در طعم مخالف؛ یک پاره شیرین و یک پاره ترش یا تلخ؛ والله اعلم.

۱۰۰. و مقرر کردند کافران برای خدا شریکان را که از قسم جناند، حال آن که خدا آفریده است ایشان را و به افترا ثابت کردند او را فرزندان و دختران، به غیر دانش. پاکي است او را و بلند است از آنچه بیان می کنند.
۱۰۱. او آفریننده آسمانها و زمین است، چگونه باشد او را فرزندی، حال آن که نبود او را زن؟ و بیافرید هر چیز را و او به هر چیز داناست.
۱۰۲. این است خدا، پروردگار شما. نیست هیچ معبود، مگر او؛ آفریننده هر چیز است؛ پس پرستش کنید او را و او بر هر چیز کارساز است.
۱۰۳. در نمی یابد او را چشمها (یعنی در دنیا) و او درمی یابد چشمها را و اوست مهربان آگاه.
۱۰۴. هر آینه آمدند به شما دلیلها از جانب پروردگار شما. پس هر که بینا باشد، پس نفع او راست و هر که نابینا ماند، پس زیان بر وی است [بگو یا محمد]: و نیستم بر شما نگهبان.
۱۰۵. و همچنین گوناگون بیان می کنیم نشانهها را، و برای احتراز از آن که گویند که: خواندهای، و تا بیان کنیم این دین را برای گروهی که می دانند.<sup>۱</sup>
۱۰۶. [یا محمد] پیروی کن چیزی را که وحی کرده شد به سوی تو از جانب پروردگار تو. هیچ معبود نیست مگر او و اعراض کن از مشرکان.
۱۰۷. و اگر خواستی خدا، شریک مقرر نمی کردند و نگردانیدیم تو را بر ایشان نگاهبان نیستی تو بر ایشان، متعهد.
۱۰۸. وای مسلمانان! دشنام مدهید کسانی را که مشرکان می پرستند بجز خدا، زیرا که ایشان دشنام خواهند داد خدا را از روی ظلم، به غیر دانش؛ همچنین آراسته کردیم در نظر هر گروهی، کردار آن گروه. باز به سوی پروردگار ایشان باشد رجوع ایشان، پس خبر دهد ایشان را به عاقبت حال آنچه می کردند.
۱۰۹. و سوگند خوردند کافران به سخت ترین سوگندان خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه، البته ایمان آرند به آن. بگو: جز این نیست که معجزهها نزدیک خداست و چه مطلع ساخته است شما را ای مسلمانان؟ [آیا نمی دانید که آن معجزهها] چون بیایند، ایشان ایمان نیازند؟
۱۱۰. و صرف کنیم دل ایشان را و چشم ایشان را چنانکه ایمان نیاوردند به قرآن، اول بار و بگذاریم ایشان را در گمراهی خود، سرگردان گشته.
۱۱۱. و اگر ما می فرستادیم به سوی ایشان فرشتگان را و سخن می گفتند به ایشان، مردگان و جمع می کردیم بر ایشان همه چیز گروه گروه، هرگز ایمان نمی آوردند، مگر وقتی که خواستی خدا ولیکن بسیاری از ایشان نادانی می کنند.
۱۱۲. و همچنین پیدا کردیم برای هر پیغامبری، دشمنان را که شیاطینند از آدمیان و از جن. به طریق و سوسه القا می کنند بعض ایشان به سوی بعض، سخن به ظاهر آراسته تا فریب دهند و اگر خواستی پروردگار تو، نمی کردند این کار؛ پس بگذار ایشان را به افترا ایشان.

۱ مترجم گوید: احتمال بود که کفار گویند کتابهای سابقه را خواندهای و آنچه می گویی ماخوذ از کتب سابقه استنه وحی الهی است؛ پس خدای تعالی قرآن را به وجهی نازل ساخت و به وجهی گوناگون بیان کرد که مجال این شبهه نماند؛ زیرا که این قسم بیان از خواندن کتب سابقه نمی آید بدون وحی الهی؛ والله اعلم.

۱۱۳. [و القا می‌کنند سخن به ظاهر آراسته] تا میل کنند به سوی او دل کسانی که ایمان ندارند به آخرت و تا پسند کنند او را و تا عمل کنند آنچه ایشان کننده‌اند (یعنی آنچه لایق ایشان است).
۱۱۴. بگو: آیا طلب کنم فیصله کننده‌ای بجز خدا و اوست آن که فروفرستاده به سوی شما قرآن واضح کرده شده؟ و کسانی که داده‌ایم ایشان را کتاب (یعنی تورات) می‌دانند که قرآن فروفرستاده شده است از جانب پروردگار تو به راستی، پس مباش از شک کنندگان (یعنی از یهود).<sup>۱</sup>
۱۱۵. و تمام است سخن پروردگار تو در راستی و انصاف؛ هیچ کس تغییر دهنده نیست سخن‌های او را و اوست شنوای دانا.
۱۱۶. و اگر فرمانبرداری کنی بسیاری را از اهل زمین، گمراه کنند تو را از راه خدا، پیروی نمی‌کنند مگر گمان را و نیستند ایشان مگر دروغگویان.<sup>۲</sup>
۱۱۷. هرآینه پروردگار تو داناتر است به کسی که دور می‌شود از راه وی و او داناتر است به راه‌یافتگان.
۱۱۸. پس بخورید از آنچه ذکر کرده شد نام خدا بر وی (یعنی نزدیک ذبح وی) اگر مؤمن هستید به آیات خدا.
۱۱۹. و چیست شما را که نمی‌خورید از آنچه ذکر کرده شده است نام خدا بر وی و حال آنکه به تفصیل بیان کرده است برای شما آنچه بر شما حرام ساخته است؟ إلا آنچه مضطر باشید به سوی او<sup>۳</sup> و هرآینه بسیاری گمراه می‌کنند به خواهش نفس خویش به غیر دانش، هرآینه پروردگار تو داناتر است به ستمکاران.
۱۲۰. و ترک کنید آشکارا گناه را و پنهان آن را، هرآینه کسانی که گناه می‌کنند، جزا داده خواهند شد به حسب آنچه می‌کردند.
۱۲۱. و مخورید از آنچه یاد کرده نشد نام خدا بر وی و هرآینه [خوردن] آن گناه است و هرآینه شیاطین و سوسه القا می‌کنند به سوی دوستان خویش تا خصومت کنند با شما و اگر فرمانبرداری ایشان کنید، هرآینه شما مشرک باشید.<sup>۴</sup>
۱۲۲. آیا کسی که مرده بود پس زنده ساختیمش<sup>۵</sup> و پیدا کردیم برای او نوری که می‌رود با وی میان مردمان، مانند کسی باشد که صفتش این است که او در تاریکی‌ها، نیست بیرون آینده از آن؟ همچنین آراسته کرده شده است برای کافران آنچه می‌کردند.<sup>۶</sup>

۱ یعنی یهود دانند که نزول وحی می‌شود و آدمی را خدای تعالی پیغمبر می‌سازد و در حضرت پیغمبر، صلی‌الله علیه و سلم، و در قرآن دلائل صدق موجود هست. مترجم گوید: در صورت‌های مکیه مذکور شده است که یهود تصدیق می‌کنند قرآن را و در صورت‌های مدینه مذکور است که یهود تکذیب می‌کنند آن را و وجه تطبیق آن است که چون آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، در مکه بود، هنوز دعوت یهود نکرده بود، همه به صدق قرآن معترف بودند که حکم آن بر عرب لازم است و هیچ کس از ایشان انکار نکرده و چون هجرت فرمود ایشان رادعوت کرد، به عناد درآمدند. در سیرت ابن اسحاق چند قصه به این مضمون مذکور است؛ والله اعلم.

۲ یعنی آنچه کافران در باب تحریم و تحلیل اشیا شبهات می‌کردند، باطل است؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: یعنی میته حرام است، الا وقت ضرورت، تناول آن رخصت است؛ والله اعلم.

۴ مترجم گوید: مراد از این و سوسه آن است که اهل جاهلیت می‌گفتند: چرا کشته خود را بخوریم و کشته خدا رانخوریم؛ والله اعلم.

۵ یعنی کافر بود، هدایت کردیمش.

۶ چنانکه رؤسای کفار مکه در نصرت کفر سعی می‌کردند؛ والله اعلم.

۱۲۳. و همچنین پیدا کردیم در هر دیهیی رئیسان فُساق آن دیه، تا فساد کنند در آن ده و به حقیقت ضرر نمی‌کنند مگر در حق خویشتن و نمی‌دانند.
۱۲۴. و چون بیاید به ایشان نشانه‌ای، گویند: ایمان نیاریم تا وقتی که داده شود ما را مانند آنچه داده شده است پیغمبران خدا را؛<sup>۱</sup> خدا داناتر است به محل نهادن پیغامبری خود. خواهد رسید این گناهکاران را رسوایی نزدیک خدا و عذاب سخت، به سبب آنکه بد می‌اندیشیدند.
۱۲۵. پس هر که را خدا خواهد که هدایت کندش، گشاده کند سینه او را برای اسلام<sup>۲</sup> و هر که را خواهد که گمراه کندش، تنگ کند سینه او را در نهایت تنگی، گویا بالا می‌رود در آسمان، و همچنین می‌اندازد خدا ناپاکی را بر کسانی که ایمان نمی‌آرند.<sup>۳</sup>
۱۲۶. و این [اسلام] راه پروردگار تو است، راست آمده، هرآینه تفصیل کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که پندپذیر می‌شوند.
۱۲۷. ایشان راست سرای سلامتی (یعنی بهشت) نزد پروردگار ایشان و او کارساز ایشان است به سبب آنچه می‌کردند.
۱۲۸. و روزی که حشر کند خدا ایشان را همه یکجا، گوید: ای گروه جن!<sup>۴</sup> تابع خود بسیار گرفتید از مردمان. و گفتند دوستان ایشان از آدمیان:<sup>۵</sup> ای پروردگار ما! بهره‌مند شد بعض ما از بعض<sup>۶</sup> و رسیدیم به میعاد خویش که معین کرده بودی برای ما.<sup>۷</sup> [گوید خدا: ] آتش جای شماسست، جاویدان آنجا. لیکن آنچه خدا خواسته است، بودنی است،<sup>۸</sup> هرآینه پروردگار تو استوارکار داناست.
۱۲۹. و همچنین مسلط می‌کنیم بعض ستمکاران را بر بعض به شومی آنچه می‌کردند.
۱۳۰. ای گروه جن و انس! آیا نیامدند به شما پیغامبران از جنس شما؟ می‌خواندند بر شما آیات مرا و بیم می‌کردند شما را از ملاقات این روز شما؟! گویند: اعتراف کردیم بر خویشتن، و فریب داده بود ایشان را زندگانی دنیا و گواهی دادند بر خویشتن که ایشان کافر بودند.<sup>۹</sup>
۱۳۱. این ارسال رُسل به سبب آن است که هرگز پروردگار تو هلاک کننده شهرها نباشد به جزای ظلم، در حالی که اهل آنها غافل باشند.<sup>۱۰</sup>
۱۳۲. و هر شخص را مرتبه‌هاست از آنچه کردند و نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه به عمل می‌آرند.
۱۳۳. و پروردگار تو غنی صاحب رحمت است. اگر خواهد، دور کند شما را و جانشین سازد پس از شما هر که را خواهد، چنانکه پیدا کرد شما را از نسل قومی دیگر.

۱ یعنی بر هر کسی از ما جبرئیل فرود آید و وحی نازل بشود؛ والله اعلم.

۲ یعنی بفهماندش حقیقت اسلام و محاسن آن؛ والله اعلم.

۳ یعنی هرچند می‌خواهند حقیقت اسلام و محاسن آن بفهمند، نمی‌توانند؛ والله اعلم.

۴ یعنی ای شیاطین.

۵ یعنی تابعان ایشان را از کفار.

۶ یعنی متبوعان خوشوقت شدند به تابعان و تابعان محظوظ شدند از متبوعان؛ والله اعلم.

۷ یعنی برای حساب ما پس در حق ما چه حکم است.

۸ یعنی در حق اهل نجات؛ والله اعلم.

۹ مترجم گوید: مراد آن است که آیا نیامده‌اند از مجموعه جن و انس؟ و آن صادق است به بودن رسل از انسمبعوث به انس و جن؛ والله اعلم.

۱۰ قبل بعثت، عقوبت نمی‌آید؛ والله اعلم.

۱۳۴. هر آینه آنچه وعده کرده می شود شما را، البته آمدنی است و نیستید شما عاجزکنندگان.  
 ۱۳۵. بگو: ای قوم من! عمل کنید شما بر حالت خویش، هر آینه من نیز عمل کننده‌ام. زود باشد که بدانید کسی را که باشد او را عاقبت پسندیده در آخرت، هر آینه رستگار نشوند ظالمان.

۱۳۶. و مقرر کردند برای خدا از آنچه او پیدا کرده است از جنس زراعت و چهارپایان، حصّه‌ای؛ گفتند: این حصه برای خدا است به گمان خویش و این حصّه برای شرکایی که ما مقرر کرده‌ایم، پس آنچه بود برای شرکای ایشان، نمی‌رسد به خدا و آنچه باشد برای خدا می‌رسد به شرکای ایشان، بدجیزی است که مقرر می‌کنند.

۱۳۷. و همچنین آراسته کرده است در نظر بسیاری از مشرکان، قتل اولاد ایشان را شرکای ایشان تا هلاک کنند ایشان را و تا مختلط کنند بر ایشان دین ایشان را و اگر خواستی خدا، نکردندی این کار؛ پس بگذار ایشان را با مفتریات ایشان.

۱۳۸. و گفتند: این چهارپایان و زراعت «حجر» است؛ نخورد آن را مگر آنکه ما خواهیم به گمان خویش و چهارپایان دیگرند که حرام کرده شده است سواری بر پشت آنها و چهارپایان دیگرند که نام خدا نمی‌گیرند نزدیک ذبح آنها به سبب آنکه دروغ بسته‌اند بر خدا. جزا خواهد داد ایشان را به مقابله آنچه افترا می‌کردند.

۱۳۹. و گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان باشد،<sup>۲</sup> حلال است برای مردان ما و حرام است بر زنان ما و اگر مرده باشد همه در آن شریکند. جزا خواهد داد به مقابله این بیان ایشان، هر آینه او استوار کار داناست.

۱۴۰. هر آینه زیانکار شدند آنان که کشتند فرزندان خود را از جهت بی‌خردی به غیر دانش و حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را خدا به سبب دروغ بستن بر خدا، به تحقیق گمراه شدند ایشان و نشدند راه‌یافتگان.

۱۴۱. و خدا آن است که پیدا کرد بوستان‌های برداشته شده بر پایه‌ها<sup>۳</sup> و بوستان‌های برداشته نشده بر پایه‌ها<sup>۴</sup> و پیدا کرد درختان خرما و زراعت را، گوناگون میوه‌های هر یکی و زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر.<sup>۵</sup> بخورید از میوه‌های آن، چون میوه بیرون آورد و بدهید زکات او را روز درودن وی و اسراف نکنید، هر آینه خدا دوست ندارد اسراف‌کنندگان را.

۱۴۲. و پیدا کرد از چهارپایان بار بردارنده را و جانورانی را که بر زمین غلطانند به جهت ذبح. بخورید از آنچه روزی داده است خدا شما را و پیروی کنید گام‌های شیطان را، هر آینه او شما را دشمن ظاهر است.

۱۴۳. آفرید هشت قسم را، از گوسپند دو قسم و از بز دو قسم<sup>۶</sup> (یعنی نر و ماده) از هر یک، بگو: آیا این دو نر را حرام کرده است خدای تعالی یا این دو ماده را یا آن را که مشتمل شده است بر وی رحم‌های این دو ماده؟ خبر دهید مرا به دانش<sup>۷</sup> اگر هستید راستگو.

۱ یعنی شیاطین که وسوسه کرده‌اند با پیشوایان که مذهب قرار داده‌اند؛ والله اعلم.

۲ یعنی در شکم بعائر و سوانب باشد.

۳ یعنی درختان انگور و مانند آن؛ والله اعلم.

۴ یعنی درختان بر ساق ایستاده؛ والله اعلم.

۵ یعنی افراد هر نوعی به اعتبار صورت، مانند یکدیگرند و به اعتبار مزه، نه؛ والله اعلم.

۶ یعنی نر و ماده از هر یک؛ والله اعلم.

۷ یعنی نقلی صحیح بیارید از ابراهیم و اسمعیل، علیهما السلام، و از کتب الهیه؛ والله اعلم.



۱۴۴. و پیدا کرد از شتر، دو قسم و از گاو، دو قسم؛ بگو: آیا این دو نر را حرام کرده است خدا یا این دو ماده را یا آن را که مشتمل شده است بر وی رحم‌های این دو ماده؟ آیا حاضر بودید وقتی که حکم کرد شما را خدا به آن؟ پس کیست ستمکارتر از کسی که بندد بر خدا دروغ، تا گمراه کند مردمان را به غیر دانش، هر آینه خدا راه نمی‌نماید قوم ستمکاران را.
۱۴۵. بگو: نمی‌یابم در آنچه وحی فرستاده شده به سوی من هیچ چیز حرام، بر خورنده‌ای که بخورد آن را، مگر آنکه باشد مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک، پس هر آینه آن حرام است. یا آنچه فسق باشد که برای غیر خدا آواز بلند کرده شد وقت ذبح او. پس هر که در مانده شود نه بغی کننده و نه از حد گذرنده، پس هر آینه پروردگار تو آمرزنده مهربان است.<sup>۱</sup>
۱۴۶. و بر یهود حرام ساختیم هر جانور ناخن‌دار<sup>۲</sup> و از گاو و گوسفند حرام ساختیم بر ایشان پیه این دو قسم، مگر پیهی که برداشته است آن را پشت این دو قسم یا برداشته است آن را روده‌ها یا آنچه متعلق شد به استخوان. این طور جزا دادیم ایشان را به مقابله ستم ایشان، و هر آینه ما راست‌گوییم.
۱۴۷. پس اگر به دروغ نسبت کنند تو را، بگو که: پروردگار شما خداوند مهربانی بسیار است و رد کرده نمی‌شود عقوبت او از قوم ستمکاران.
۱۴۸. زود باشد که بگویند مشرکان: اگر خواستی خدا (یعنی رضای او بودی) شریک مقرر نمی‌کردیم و نه پدران ما می‌کردندی و نه حرام می‌کردیم چیزی را. همچنین به دروغ نسبت کردند کسانی که پیش از ایشان بودند، تا آنکه چشیدند عقوبت ما. بگو: آیا هست نزد شما دانش؟<sup>۳</sup> پس بیرون آرید آن را برای ما. پیروی نمی‌کنید مگر شبهه را و نیستید شما مگر دروغگو.
۱۴۹. بگو: خدای راست، دلیل محکم؛ پس اگر خواستی خدا، هدایت کردی شما را همه یکجا.
۱۵۰. بگو: بیارید علمای خود را، آنان که گواهی می‌دهند که خدا حرام ساخته است این را. پس [یا محمد] اگر به فرض گواهی دهند، تو معترف مشو با ایشان و پیروی مکن خواهش کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را و کسانی که اعتقاد ندارند به آخرت و ایشان با پروردگار خود برابر می‌کنند.<sup>۴</sup>
۱۵۱. بگو: بیایید تا بخوانم آنچه حرام کرده است پروردگار شما بر شما، [فرموده است] که: شریک او مقرر مکنید چیزی را و به والدین نیکوکاری کنید و مکشید اولاد خود را از ترس فقر، ما روزی می‌دهیم شما را و ایشان را و نزدیک مشوید به بی‌حیایی‌ها،<sup>۵</sup> آنچه علائمه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد. و مکشید هیچ نفس را که حرام ساخته است خدا کشتنش، الا به حق.<sup>۶</sup> به این حکم فرموده است شما را تا بُوَد که شما بفهمید.

۱ مراد، حصر اضافی است به نسبت بهیمة الانعام و آن اصناف ثمانیه مذکور است. سگ و شیر و باز و غیر آن اگرچه حرام است، از بهیمة الانعام نیست و در آن بحث نداشتند؛ والله اعلم.

۲ یعنی مثل شتر و شتر مرغ؛ والله اعلم.

۳ یعنی نقلی از کتب الهی؛ والله اعلم.

۴ یعنی معبود باطل را؛ والله اعلم.

۵ یعنی به زنا و لواطت.

۶ یعنی به قصاص و مثل آن.

۱۵۲. و نزدیک مشوید به مال یتیم، الاً به خصلتی که وی نیک است تا آنکه رسد به جوانی خود و تمام کنید پیمانۀ و ترازو را به انصاف. تکلیف نمی‌دهیم هیچ کس را مگر قدر طاقت او و چون سخن گوئید،<sup>۱</sup> پس رعایت انصاف بنمایید و اگرچه [آن محکوم علیه] صاحب قربت باشد و به عهد خدا<sup>۲</sup> وفا کنید. این حکم فرموده است شما را تا پندپذیر شوید.

۱۵۳. و خبر داده است که آنچه مذکور شد راه من است، راست و درست آمده؛ پس پیروی او کنید و پیروی مکنید راه‌های دیگر را که [این راه‌ها] جدا کنند شما را از راه خدا. این حکم فرموده است شما را تا پرهیزگاری کنید.

۱۵۴. باز می‌گویم که داده بودیم موسی را کتاب، تا نعمت تمام کنیم بر هر که نیکوکار بود و بیان کنیم هر چیزی را و به جهت هدایت و مهربانی، تا ایشان به ملاقات پروردگار خویش ایمان آرند.<sup>۳</sup>

۱۵۵. و این قرآن، کتابی است که فرو فرستادیمش با برکت، پس پیروی او کنید و پرهیزگاری کنید تا مهربانی کرده شود بر شما.

۱۵۶. فرستادیمش تا نگویید: بجز این نیست که فرود آورده شد کتاب (یعنی تورات و انجیل) بر دو گروه پیش از ما و به تحقیق بودیم ما از تلاوت ایشان بی‌خبر.

۱۵۷. یا گوئید: اگر فرود آورده شدی بر ما کتاب، هرآینه بودیم راه یافته‌تر از ایشان. پس آمده است به شما حجّتی از پروردگار شما و هدایت و بخشایش. پس کیست ستمکارتر از کسی که به دروغ نسبت کند آیات خدا را و اعراض کند از آن، جزا خواهیم داد اعراض کنندگان را از آیات خویش، بدترین عذاب؛ به سبب آنکه اعراض می‌کردند.

۱۵۸. آیا منتظر نیستند مگر آن را که بیایند بدیشان فرشتگان؟<sup>۴</sup> یا بیاید حکم پروردگار؟ تو یا بیاید بعض نشانه‌های پروردگار تو؟<sup>۵</sup> روزی که بیاید بعض نشانه‌های پروردگار تو، نفع ندهد نفسی را که ایمان نیاورده بود پیش از این ایمان او، یا نفع ندهد نفسی را که کسب نکرده بود در ایمان خود، عمل خیر.<sup>۶</sup> تو به او بگو: انتظار کنید، هرآینه ما نیز منتظریم.

۱۵۹. به تحقیق کسانی که پراکنده کردند دین خود را و گروه گروه شدند، نیستی از ایشان در هیچ حساب.<sup>۷</sup> جز این نیست که کار ایشان گذاشته شده به سوی خداست، باز خیر دهد ایشان را به عاقبت آنچه می‌کردند.

۱۶۰. هر که آورد نیکی، پس او راست ده چند آن، و هر که آورد بدی، جزا داده نخواهد شد الاً مثل آن و ایشان ستم کرده نخواهند شد.

۱۶۱. بگو: هرآینه دلالت کرده است مرا پروردگار من به سوی راه راست، مراد می‌دارم دین درست، کیش ابراهیم را حنیف شده و نبود از مشرکان.

۱ یعنی گواهی دهید یا حکم کنید؛ والله اعلم.

۲ یعنی به نذر او.

۳ مترجم گوید: ظاهر نزدیک این بنده آن است که حرام گردانیدیم اشیای مذکوره را در ازل بر قوم نوح و هلمّ جزا باز دادیم موسی را کتاب؛ والله اعلم.

۴ یعنی برای قبض ارواح.

۵ یعنی طلوع شمس از مغرب یا دابة الارض؛ والله اعلم.

۶ یعنی آن روز، توبه گنهکار و ایمان کافر، قبول نشود؛ والله اعلم.

۷ یعنی از تو مؤاخذه نخواهند کرد؛ والله اعلم.

۱۶۲. بگو: هر آینه نماز من و حج من و قربانی من و زندگانی من و موت من همه برای خداست، پروردگار عالم‌ها.
۱۶۳. هیچ شریک نیست او را و به این توحید فرموده شد مرا و من نخستین مسلمانانم.
۱۶۴. بگو: آیا طلب کنم پروردگاری غیر خدا، و اوست پروردگار همه چیز؟ و عمل نمی‌کند هیچ کسی مگر بر ذات خود و بر ندارد هیچ بردارنده، پار دیگر را. باز به سوی پروردگار شما، رجوع شما باشد؛ پس خبردار کند شما را به آنچه که در آن اختلاف می‌کردید.
۱۶۵. و او آن است که ساخت شما را پادشاهان زمین و بلند کرد بعضی را بالای بعضی درجه‌ها تا بیازماید شما را در آنچه داده است به شما، هر آینه پروردگار تو شتاب‌کننده عقوبت است و هر آینه او آمرزنده مهربان است.

## ۷. سوره اعراف

سوره اعراف در مکه نازل شده و آن دوصدوشش آیت است

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. المص.
۲. این کتابی است که فروآورده شد به سوی تو، پس باید که نباشد در سینه تو هیچ تنگی از تبلیغ او؛ [فروود آورده شد] تا بیم کنی به آن و برای پند، مسلمانان را.
۳. پیروی کنید آن را که فرود آورده شد به سوی شما از جانب پروردگار شما و پیروی مکنید بجز وی دوستان را؛<sup>۱</sup> اندکی پند می‌پذیرید.
۴. و بسا دیه که هلاک کردیمش، پس آمد به آن عقوبت ما و ایشان شبانگاه آرمیده بودند یا وقتی که ایشان در خواب نیمروز بودند.
۵. پس نبود قول ایشان، چون پیامد به ایشان عقوبت ما الا آنکه گفتند: هر آینه ما ستمکار بودیم.
۶. پس البته سؤال خواهیم کرد آن کسانی را که پیغامبر فرستاده شد به سوی ایشان و البته سؤال خواهیم کرد پیغامبران را.
۷. پس البته بیان خواهیم کرد به حضور ایشان<sup>۲</sup> به دانش و نبودیم غایب.
۸. و سنجیدن اعمال به انصاف، آن روز بودن است؛ پس هر که گران شد پله نیکی‌های او، پس ایشانند رستگار.
۹. و هر که سبک شد پله نیکی‌های او، پس آن جماعت، آنانند که زیان کردند در حق خویشان به سبب آنکه به آیات ما انکار می‌کردند.
۱۰. و هر آینه استقرار دادیم شما را در زمین و پیدا کردیم برای شما در آنجا اسباب معیشت. اندکی شکر می‌کنید.

۱ یعنی معبودان باطل که دوست می‌گرفتید؛ والله اعلم.

۲ یعنی همه اعمال ایشان را.

۱۱. و هرآینه آفریدیم شما را (یعنی پدر شما را) باز صورت بستیم شما را (یعنی پدر شما را) باز گفتیم به فرشتگان که: سجده کنید آدم را؛ پس سجده کردند مگر ابلیس، نبود از سجده کنندگان.
۱۲. گفت خدا: چه چیز منع کرد تو را از آنکه سجده کنی، وقتی که امر کردم تو را؟ گفت: من بهترم از او؛ آفریده‌ای مرا از آتش و آفریده‌ای او را از گل.
۱۳. گفت: پس فرود رو از آسمان؛ زیرا که لایق نیست تو را که سرکشی کنی در آن، پس بیرون شو، هرآینه تو از خوار شوندگانی.
۱۴. گفت: بار خدایا! مهلت ده مرا تا روزی که آدمیان برانگیخته شوند.
۱۵. گفت خدا: هرآینه تو از مهلت داده شدگانی.
۱۶. پس گفت: به سبب آنکه گمراه کردی مرا، البته بنشینم برای آدمیان به راه راست تو (یعنی تا از آن منع کنم).
۱۷. پس البته بیایم به سوی ایشان، از پیش ایشان و از پس پشت ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان و نیایی اکثر ایشان را شکرگزار.
۱۸. گفت: بیرون رو از آسمان، نکوهیده رانده شده. به خدا، هر که پیروی کند تو را از آدمیان، البته پر کنیم دوزخ را از شما، همه یکجا.
۱۹. و گفتیم: ای آدم! ساکن شو تو و زن تو در بهشت. پس بخورید از هر جا که خواهید و نزدیک مشوید به این درخت که خواهید شد از ستمکاران.
۲۰. پس وسوسه داد ایشان را شیطان تا آشکارا گرداند برای ایشان آنچه پوشیده بود از نظر ایشان از شرمگاه‌های ایشان؛ و گفت: منع نکرده است شما را پروردگار شما از این درخت، مگر برای احتیاط از آنکه شوید دو فرشته یا شوید از جاوید باشندگان.
۲۱. و قسم خورد برای ایشان که من از نصیحت کنندگانم شما را.
۲۲. پس به سوی پستی انداخت ایشان را به فریب دادن. پس چون چشیدند آن درخت را، ظاهر شد ایشان را شرمگاه ایشان و شروع کردند که برگی بالای برگی می‌چسبانیدند بر خویش از برگ درختان بهشت و ندا کرد ایشان را پروردگار ایشان: آیا منع نکرده بودم شما را از این درخت و نگفته بودم به شما که هرآینه شیطان شما را دشمن آشکار است؟!
۲۳. گفتند: ای پروردگار ما! ستم کردیم بر خویش و اگر نیامرزی ما را و مهربانی نکنی بر ما، البته از زیانکاران باشیم.
۲۴. گفت خدا: فرو روید؛ بعضی شما بعضی را دشمن خواهد بود، و شما را در زمین استقرار و بهره‌مندی باشد تا وقتی معین (یعنی تا مرگ).
۲۵. گفت خدا: در زمین زندگانی خواهید کرد و در آنجا خواهید مرد و از آنجا بیرون آورده شوید.
۲۶. ای فرزندان آدم! هرآینه ما فرود آوردیم بر شما لباسی که بپوشد شرمگاه شما را و فرود آوردیم جامه‌های زینت را و لباس پرهیزگاری، وی از همه بهتر است. این از نشانه‌های خداست تا ایشان پندپذیر شوند.
۲۷. ای فرزندان آدم! گمراه نکند شما را شیطان چنانکه بیرون آورد پدر و مادر شما را از بهشت. برمی‌کشید از ایشان جامه ایشان را تا بنماید ایشان را شرمگاه ایشان، هرآینه شیطان و قوم او می‌بینند شما را از آنجا که شما نمی‌بینید ایشان را، هرآینه ما ساختیم شیاطین را کارگزار کسانی که ایمان ندارند.

۲۸. و (کارگزار آنان که) چون بکنند کار زشت، گویند: یافتیم بر این کار، پدران خود را و خدا فرموده است ما را به آن. بگو: هر آینه خدا نمی‌فرماید به کار زشت، آیا می‌گویید بر خدا آنچه نمی‌دانید؟
۲۹. بگو: هر آینه فرموده است پروردگار من به انصاف، و فرموده است که: راست کنی روی خود را<sup>۱</sup> وقت هر نماز و بپرسید او را برای او خالص کرده عبادت را، چنانکه آفرید شما را، همچنان دیگر بار خواهید شد.<sup>۲</sup>
۳۰. گروهی را راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان گمراهی، هر آینه ایشان شیاطین را دوست گرفتند بجز خدا و می‌پنداشتند که ایشان راه یافتگانند.
۳۱. ای فرزندان آدم! بگیری زینت خود را<sup>۳</sup> نزدیک هر نماز و بخورید و بیاشامید و از حد مگذرید، هر آینه خدا دوست نمی‌دارد از حدگذرندگان را.
۳۲. بگو: که حرام کرد زینت خدا را که پیدا کرده است برای بندگان خود، و که حرام کرده است پاکیزه‌ها را از رزق؟ بگو: آن پاکیزه‌ها (از ملابس و مآکل) برای مسلمانان است در زندگی دنیا،<sup>۴</sup> خالص شده برای ایشان روز قیامت، همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها برای گروهی که می‌دانند.<sup>۵</sup>
۳۳. بگو: جز این نیست که حرام کرده است پروردگار من بی‌حیایی‌ها را؛ آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد، و حرام کرده است گناه را و تعدی ناحق و آنکه شریک خدا مقرر کنی چیزی را که خدا هیچ دلیل بر آن نازل نکرده است و آنکه بگویی بر خدا آنچه نمی‌دانید.
۳۴. و هر گروهی را می‌عادی است؛<sup>۶</sup> پس چون بیاید<sup>۷</sup> می‌عاد ایشان، تأخیر نکنند یک ساعت و نه سبقت کنند.<sup>۸</sup>
۳۵. ای فرزندان آدم، اگر بیایند به شما پیغامبران از جنس شما، می‌خوانند بر شما آیات مرا. پس هر که پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید، پس هیچ ترس نباشد بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.
۳۶. و کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را و سرکشی کردند از قبول آنها، ایشان باشندگان دوزخند؛ ایشان آنجا جاویدانند.
۳۷. پس کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا دروغ را یا به دروغ نسبت کرد آیات او را؟ آن جماعت، برسد به ایشان بهره ایشان از آنچه نوشته شده در لوح محفوظ<sup>۹</sup> تا وقتی که بیایند نزدیک ایشان فرستادگان تا قبض ارواح ایشان کنند، گویند: کجاست آنچه شما می‌پرستیدید بجز خدا؟ گویند: گم شدند ایشان از ما و معترف شدند بر نفس‌های خویش به این که ایشان کافر بودند.

۱ یعنی به سوی کعبه.

۲ یعنی سر و پا برهنه ختنه ناکرده محشور شوید؛ والله اعلم.

۳ یعنی لباس خود را.

۴ یعنی لائق ایشان است؛ اگرچه دیگران نیز استعمال کنند؛ والله اعلم.

۵ مترجم گوید: درین آیت اشارت است بر مذهب راهبان یهود و نصاری و مختشین عرب که توسع را در مآکل و ملابس، مکروه می‌داشتند؛ والله اعلم.

۶ یعنی وقتی معین است برای هلاک ایشان؛ والله اعلم.

۷ یعنی نزدیک شود.

۸ یعنی بر زبان حضرت آدم؛ چنانکه در سوره بقره اشارت رفت؛ والله اعلم.

۹ یعنی نعمت و نعمت که مقدر شده در دنیا به ایشان برسد؛ والله اعلم.

۳۸. حکم کند خدا که داخل شوید همراه امانتی که گذشته‌اند پیش از شما از جن و انس در آتش. هرگاه که درآید قومی، لعنت کند قومی دیگر مانند خود را تا وقتی که به یکدیگر برسند در دوزخ، همه یکجا. گوید جماعت متأخر از ایشان در حق جماعت متقدم از ایشان: ای پروردگار ما! ایشان گمراه کردند ما را، پس بده ایشان را عذاب دو چند از دوزخ. فرماید خدا: هر یکی را دو چند است ولیکن نمی‌دانند.<sup>۱</sup>
۳۹. و گویند جماعت متقدم از ایشان جماعت متأخر را از ایشان: پس نیست شما را هیچ بزرگی بر ما، پس بچشید عذاب را به سبب آنچه می‌کردید.
۴۰. هرآینه کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را و سرکشی کردند از قبول آن، هرگز گشاده نشود بر ایشان دروازه‌های آسمان و درنیاوند به بهشت تا وقتی که داخل شود شتر در سوراخ سوزن،<sup>۲</sup> و همچنین جزا می‌دهیم گناهکاران را.
۴۱. ایشان را از دوزخ فرس بود و از بالای ایشان [از دوزخ] پوشش‌ها باشد و همچنین جزا می‌دهیم ستمکاران را.
۴۲. و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، تکلیف نمی‌دهیم هیچ کس را مگر قدر طاقت او. آن جماعت باشندگان بهشتند، ایشان آنجا جاویدان باشند.
۴۳. و بیرون آریم آنچه در سینه‌های ایشان بود از کینه.<sup>۳</sup> می‌رود زیر ایشان نهرها و گویند: سپاس آن خدای راست که دلالت کرد ما را به سوی این بهشت و هرگز مستعد راه یافتن نبودیم، اگر راه نمودی ما را خدا. هرآینه آمدند فرستادگان پروردگار ما به راستی و ندا کرده شوند که این بهشت، داده شدید آن را به سبب آنچه می‌کردید.
۴۴. و ندا کنند اهل بهشت، اهل دوزخ را که: ما راست یافتیم آنچه وعده کرده بود به ما پروردگار ما، پس آیا شما هم راست یافتید آنچه به شما وعده کرده بود پروردگار شما؟! گفتند: آری! پس آواز کند، آواز کننده در میان ایشان که لعنت خدا بر آن ستمکاران است.
۴۵. که باز می‌داشتند مردمان را از راه خدا و می‌خواستند برای آن، راه کجی<sup>۴</sup> و ایشان به آخرت اعتقاد نداشتند.
۴۶. و در میان بهشت و دوزخ حجابی است<sup>۵</sup> و بر اعراف مردمانی باشند که می‌شناسند هر یکی را [از اهل موضعین] به قیافه ایشان و ندا کنند اهل اعراف، اهل بهشت را که: سلام‌علیکم! هنوز به بهشت نه در آمدند و ایشان طمع آن دارند.
۴۷. و چون گردانیده شود چشم اهل اعراف به طرف اهل دوزخ، گویند: ای پروردگار ما! مکن ما را همراه گروه ستمکاران.
۴۸. و ندا کنند اهل اعراف مردمانی را که می‌شناسند ایشان را به قیافه ایشان، گویند: کفایت نکرد از شما جمعیت شما و آنکه سرکشی می‌کردید.

۱ یعنی تابعین را عذاب کفر تقلید و متبوعین را عذاب ضلال و اضلال؛ والله اعلم.

۲ یعنی محال است؛ والله اعلم.

۳ یعنی آن کینه‌ها که در دل بهشتیان باشد دور کنیم؛ مثل آنچه میان عثمان و علی و طلحه و زبیر و عائشه، رضی‌الله عنهم، واقع شد؛ والله اعلم.

۴ یعنی می‌خواستند به شبهات این راه را باطل سازند.

۵ و آن مسمی به اعراف است؛ والله اعلم.

۴۹. آیا این جماعتند از آنان که شما قسم می‌خوردید که هرگز خدا نرساند به ایشان هیچ رحمت؟ [گفته شد ایشان را که: ] درآید به بهشت، هیچ ترس نیست بر شما و نه شما اندوهگین شوید.
۵۰. و ندا کنند اهل دوزخ اهل بهشت را که: بریزید بر ما چیزی از آب یا از سایر آنچه روزی داده است شما را خدا. گویند: هر آینه خدا حرام ساخته است این هر دو را بر کافران.
۵۱. آنان که دین خود گرفته‌اند بازی و لهو را، و فریب داد ایشان را زندگانی دنیا، پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانچه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انکار می‌کردند به آیات ما.<sup>۲</sup>
۵۲. و هرآینه آوردیم برای ایشان کتابی که مفصل کرده‌ایم آن را به دانش برای راهنمایی و بخشایش، مؤمنان را.
۵۳. انتظار نمی‌کنند کفار مگر مصداق این وعده را، روزی که بیاید مصداق آن، گویند کسانی که فراموش کرده بودند آن را پیش از این: هرآینه آمده بودند پیغامبران پروردگار ما به راستی، پس آیا هستند برای ما شفیعان تا شفاعت کنند برای ما یا بازگردانیده شویم به سوی دنیا، پس عمل کنیم غیر آنچه می‌کردیم؟<sup>۳</sup> هرآینه زیان کردند در حق خویشتن و گم شد از ایشان آنچه افترا می‌کردند.
۵۴. هرآینه پروردگار شما آن خدا است که آفرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز؛ باز مستقر شد بر عرش؛ می‌پوشاند شب را به روز،<sup>۴</sup> می‌طلبد شب، روز را به شتاب<sup>۵</sup> و آفرید آفتاب و ماه و ستارگان را رام شده به فرمان خدا. آگاه شو او راست، آفریدن و فرمانروایی. به غایت بزرگ است خدا، پروردگار عالم‌ها.
۵۵. بپرستید پروردگار خود را زاری کنان و پوشیده از مردمان<sup>۶</sup>، هرآینه او دوست ندارد از حد گذرندگان را.
۵۶. و فساد مکنید در زمین بعد اصلاح آن<sup>۷</sup> و بپرستید او را به ترس و امید، هرآینه بخشایش خدا نزدیک است از نیکوکاران.
۵۷. و اوست آنکه می‌فرستد باده‌ها، مژده دهنده پیش از رحمت خود<sup>۸</sup> تا وقتی که بردارد ابر گران را. روان کنیم آن را به سوی شهری مرده؛ پس فرآوریم به واسطه آن ابر آب را؛ پس بیرون آریم به آن آب، از جنس هر میوه. همچنین بیرون آریم مردگان را<sup>۹</sup> تا شما پندپذیر شوید.

۱ یعنی فقراى مسلمين كه كافران از ایشان حسابى نمى‌گرفتند؛ والله اعلم.

۲ و فراموش کردن خدا، ترک ایشان است در دوزخ؛ والله اعلم.

۳ یعنی مسلمان شویم و بت را نپرستیم.

۴ یعنی گاهی اجزای شب را به لباس نهار پوشانیده، در حساب نهار می‌گرداند؛ والله اعلم.

۵ یعنی از پی درآمدن شب بعد روز، مشابه آن است که گویا کسی کسی را دوان و شتابان می‌طلبد.

۶ در اصل متن، مردان آمده است.

۷ یعنی به سبب بعثت رسول، صلی الله علیه و سلم.

۸ یعنی پیش از باران.

۹ یعنی از قبور بیرون کنیم.

۵۸. و شهر پاکیزه، برمی آید رستنی او به فرمان پروردگار او و زمین ناپاکیزه، برنمی آید رستنی او، مگر ناهموار به دیر روینده. همچنین گوناگون بیان می کنیم نشانه‌ها را برای قومی که شکرگزاری می کنند.<sup>۱</sup>
۵۹. هرآینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، پس گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را، نیست شما را هیچ معبود بجز وی، هرآینه من می ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ.<sup>۲</sup>
۶۰. گفتند اشراف از قوم او: هرآینه ما می بینیم تو را در گمراهی ظاهر.
۶۱. گفت: ای قوم من! نیست با من هیچ گمراهی ولیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالم‌ها.
۶۲. می رسانم به شما پیغام‌های پروردگار خود و نیک خواهی می کنم برای شما و می دانم از حکم خدا آنچه نمی دانید.
۶۳. آیا تعجب کردید از آنکه آمد به شما پندی از جانب پروردگار شما (فرود آمده) بر زبان مردی از شما، تا بپیم کند شما را و تا پرهیزگاری کنید و تا مهربانی کرده شود بر شما؟
۶۴. پس دروغی داشتند او را، پس نجات دادیم او را و کسانی را که با وی بودند در کشتی و غرق ساختیم کسانی را که دروغ داشته بودند آیات ما را، هرآینه ایشان بودند گروهی نابینا.
۶۵. و فرستادیم به سوی قوم عاد برادر ایشان هود را، گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را؛ نیست شما را هیچ معبود غیر او. آیا پرهیزگاری نمی کنید؟
۶۶. گفتند اشراف کفار از قوم او: هرآینه ما می بینیم تو را در بی خردی و هرآینه ما می پنداریم تو را از دروغگویان.
۶۷. گفت: ای قوم من! نیست با من هیچ بی خردی ولیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالم‌ها.
۶۸. می رسانم به شما پیغام‌های پروردگار خود [و] من برای شما نیک خواه با امانتم.
۶۹. آیا تعجب کردید از آنکه آمد به شما پندی از جانب پروردگار شما، [فرود آورده] بر مردی از شما تا بیم کند شما را و یاد کنید نعمت الهی، آن وقت که گردانید شما را جانشین بعد از قوم نوح و افزود برای شما در خلقت، قوت را، پس یاد کنید نعمت‌های خدا را تا شما رستگار شوید.
۷۰. گفتند: آیا آمده‌ای پیش ما تا عبادت کنیم خدا را تنها و بگذاریم آنچه می پرستیدند پدران ما؟! پس بیار پیش ما آنچه وعید می کنی،<sup>۳</sup> اگر هستی از راستگویان.
۷۱. گفت: ثابت شد بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم. آیا مکابره می کنید با من در باب نام‌هایی چند که شما مقرر کرده‌اید<sup>۴</sup> آن را و پدران شما مقرر کرده‌اند [و] فرود نیاورده است خدا بر آن هیچ دلیل؟ پس انتظار کنید، هرآینه من نیز همراه شما از منتظرانم.

۱ مترجم گوید: این مثل است برای پند در قلب سلیم و عدم تأثیر آن در غیر سلیم؛ والله اعلم.

۲ یعنی روز قیامت.

۳ یعنی بیار عقوبت را.

۴ یعنی بی اصل است.



۷۲. پس نجات دادیم او را و کسانی را که با او بودند به مهربانی از جانب خویش و بریدیم<sup>۱</sup> بیخ آنان که دروغ می‌داشتند آیات ما را و نبودند از مؤمنان.
۷۳. و فرستادیم به سوی قوم ثمود برادر ایشان صالح را، گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را؛ نیست شما را هیچ معبود غیر او، هر آینه آمد به شما دلیلی از جانب پروردگار شما؛ این ماده شتری است، پیدا کرده خدا نشانه برای شما؛ پس بگذاریدش که چَرَد در زمین خدا و مرسانید او را هیچ سختی، که آنگاه بگیرد شما را عقوبت درد دهنده.
۷۴. و یاد کنید [نعمت الهی را] آن وقت که گردانید شما را جانشین بعد از قوم عاد و استقرار داد شما را در زمین، می‌سازید از نرم آن کوشک‌ها و می‌تراشید کوه‌ها را خانه‌ها، پس یاد کنید نعمت‌های خدا را و تباهی مکنید در زمین، فسادافکنان.
۷۵. گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او، آنان را که هر کسی ضعیف دانست ایشان را، مر کسانی را که ایمان آورده بودند از ایشان: آیا می‌دانید که صالح فرستاده شده است از جانب پروردگار خود؟ گفتند اهل ایمان: هر آینه ما به شریعتی که وی فرستاده شده است [به آن شریعت] معتقدانیم.
۷۶. گفتند سرکشان: هر آینه ما به آنچه معتقد آن شدید، کافرانیم.
۷۷. پس کُشتند آن ماده شتر را و تجاوز کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند: ای صالح! بیار به ما آنچه وعید می‌کنی، اگر هستی از پیغمبران.
۷۸. پس در گرفت ایشان را زلزله، پس گشتند مرده به زانو افتاده در سرای خویش.
۷۹. پس صالح اعراض کرد از ایشان و گفت: ای قوم من! رسانیدم به شما پیغام پروردگار خود و نیک‌خواهی کردم برای شما ولیکن دوست نمی‌دارید نیک‌خواهی کنندگان را.
۸۰. و فرستادیم لوط را، آن وقت که گفت به قوم خود: آیا می‌کنید آن بی‌حیایی‌ای که پیش از شما نکرده است آن را هیچ کس از عالم‌ها؟
۸۱. هر آینه شما می‌روید به شهوت به سوی مردان، بجز زنان! بلکه شما گروه مسرفانید.
۸۲. و نبود جواب قوم او الا آنکه گفتند: بیرون کنید ایشان را از دیه خود که هر آینه ایشان مردم پاکیزگی طلب کننده‌اند.
۸۳. پس نجات دادیم او را و اهل خانه او را مگر زنش را که بود از باقی ماندگان در آنجا.
۸۴. و بارانیدیم بر ایشان بارانی (یعنی از سنگ) پس بنگر چگونه بود آخر کار گناهکاران.
۸۵. و فرستادیم به سوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را، گفت: ای قوم من! بپرستید خدا را؛ نیست شما را هیچ معبود بجز او، هر آینه آمده است به شما دلیلی از پروردگار شما، پس تمام کنید پیمانته و ترازو را و ناقص مدهید به مردمان، اشیای ایشان را و فساد مکنید در زمین بعد اصلاح آن؛ این کار [که گفتیم]، بهتر است شما را، اگر باور دارندگانید.
۸۶. و منشینید به هر راه که بترسانید و بازدارید از راه خدا کسی را که ایمان آورده است به او و مجوید برای آن راه کجی و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید، پس بسیار گردانید شما را و بنگرید چگونه شد آخر کار مفسدان.
۸۷. و اگر هست گروهی از شما مؤمن به آنچه فرستاده شدم به همراه او و گروهی ناؤمن، پس صبر کنید تا آنکه فیصله کند خدا در میان ما، و او بهترین حکم کنندگان است.<sup>۲</sup>

۱ در متن اصلی، بریدم آمده است.

۲ یعنی واجب آن بود که همه متفق می‌شدند بر ایمان و چون متفق نشدند، منتظر فیصله کردن باشند؛ والله اعلم.

- ۸۸ گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او: البته بیرون کنیم تو را ای شعیب و کسانی را که همراه تو ایمان آوردند از دیه خود، یا این است که بازگردید در دین ما. گفت: آیا عود کنیم اگر چه ما ناخواهان باشیم!؟
- ۸۹ هر آینه بسته باشیم بر خدا دروغی، اگر بازگردیم در دین شما بعد از آنکه برهانید خدا ما را از آن؛ و هرگز لایق نیست ما را که عود کنیم در آن، مگر آنکه خواهد خدا، پروردگار ما، احاطه کرده است پروردگار ما به همه چیز از روی دانش. بر خدا توکل کردیم. ای پروردگار ما! فیصله کن در میان ما و در میان قوم ما به راستی. و تو بهترین فیصله کننده گانی.
- ۹۰ و گفتند آن اشراف که کافر بودند از قوم او به یاران خود: اگر متابعت کنید شعیب را، هر آینه شما آن هنگام زیانکار باشید.
- ۹۱ پس در گرفت ایشان را زلزله، پس صبح کردند در سرای خویش مرده به زانو افتاده.
- ۹۲ آنان که دروغی داشتند شعیب را گویا نبودند آنجا. آنان که دروغی داشتند شعیب را ایشان بودند زیانکار.
- ۹۳ پس بازگشت از ایشان و گفت: ای قوم من! رسانیدم به شما پیغام‌های پروردگار خود و نیک خواهی کردم برای شما؛ پس چگونه اندوه خورم بر قوم کافران؟
- ۹۴ و نفرستادیم در هیچ دیهی پیغامبری را مگر گرفتار کردیم اهل آن را به سختی و رنج، تا بود که ایشان زاری کنند.
- ۹۵ باز دادیم به ایشان به جای محنت، راحت را تا آنکه بسیار شدند و گفتند: هر آینه رسیده بود پدران ما را سختی و راحت،<sup>۱</sup> پس گرفتیم ایشان را ناگهان و ایشان خیر نداشتند.
- ۹۶ و اگر اهل دیه‌ها ایمان آوردندی و پرهیزگاری کردندی، می‌گشادیم بر ایشان برکت‌ها از آسمان و زمین؛ ولیکن به دروغ نسبت کردند، پس گرفتیم ایشان را به وبال آنچه می‌کردند.
- ۹۷ آیا ایمن شدند اهل دیه‌ها از آنکه بیاید عذاب ما به ایشان شبانگاه و ایشان خفته باشند؟
- ۹۸ آیا ایمن شدند اهل دیه‌ها از آنکه بیاید به ایشان عذاب ما وقت چاشت و ایشان بازی می‌کنند؟
- ۹۹ آیا ایمن شدند از مکر خدا؟<sup>۲</sup> پس ایمن نمی‌شوند از مکر خدا مگر گروه زیانکاران.
- ۱۰۰ آیا واضح نشد بر آنان که وارث زمین می‌شوند بعد از هلاک ساکنان آن زمین، که اگر خواستمی، عقوبت رسانیدمی ایشان را به عوض گناهان ایشان؟ و مهر می‌نهم بر دل‌های ایشان، پس ایشان نمی‌شنوند؟
- ۱۰۱ این دیه‌ها را ذکر می‌کنیم پیش تو بعض اخبار آن، و هر آینه آمده بودند به اهل آنها پیغامبران ایشان با معجزه‌ها، پس هرگز ایمان نیاوردند به آنچه تکذیب کرده بودند پیش از آن. همچنین مهر می‌نهد خدا بر دل‌های کافران.
- ۱۰۲ و نیافتیم در اکثر ایشان وفا به عهد و هر آینه یافتیم اکثر ایشان را بدکار.
- ۱۰۳ باز فرستادیم بعد ایشان موسی را به نشانه‌های خویش به سوی فرعون و قوم او؛ پس کافر شدند به آن نشانه‌ها، پس بنگر چگونه بود آخر کار مفسدان.
- ۱۰۴ و گفت موسی: ای فرعون! هر آینه من پیغامبرم از جانب پروردگار عالم‌ها.

۱ یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می‌باشد؛ از باب مؤاخذه بر اعمال بُود؛ والله اعلم.

۲ یعنی از تدبیر اهلاک؛ والله اعلم.

۱۰۵. سزاوارم به آنکه نگویم بر خدا مگر سخن راست؛ آورده‌ام به شما نشانه‌ای از جانب پروردگار شما، پس بفرست با من بنی‌اسرائیل را.
۱۰۶. گفت: اگر آورده‌ای معجزه پس حاضر کن آن را، اگر هستی از راستگویان.
۱۰۷. پس انداخت عصای خود را، پس ناگهان آن عصا اژدهایی ظاهر شده.
۱۰۸. و بیرون آورد دست خود را، پس ناگهان آن دست نورانی شد برای بینندگان.
۱۰۹. گفتند اشراف از قوم فرعون با یکدیگر: هرآینه این شخص ساحری داناست!
۱۱۰. می‌خواهد که بیرون کند شما را از زمین شما، پس چه می‌فرمایید؟
۱۱۱. گفتند: ای فرعون! موقوف‌دار او را و برادر او را و بفرست در شهرها نقیبان را.
۱۱۲. تا بیارند پیش تو هر ساحر دانا را.
۱۱۳. و آمدند ساحران پیش فرعون، گفتند: هرآینه ما را مزدی می‌باید، اگر ما غالب شویم؟
۱۱۴. گفت: آری! و هرآینه شما از مقربان باشید.
۱۱۵. گفتند: ای موسی! یا این است که نخست تو افکنی یا ما باشیم اندازنده.
۱۱۶. گفت موسی: شما افکنید؛ پس آن هنگام که افکندند به جادو، بستند چشم‌های مردمان را و بترسانیدند ایشان را و آوردند جادوی بزرگ را.
۱۱۷. و وحی فرستادیم به سوی موسی که بیفکن عصای خود را؛ پس ناگهان آن عصا فرو می‌برد آنچه به دروغ اظهار می‌کردند.
۱۱۸. پس ثابت شد حق، و باطل شد آنچه ایشان می‌کردند.
۱۱۹. پس [قوم فرعون] مغلوب شدند آنجا و خوار گشتند.
۱۲۰. و انداخته شدند ساحران، سجده‌کنان.
۱۲۱. گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار عالم‌ها.
۱۲۲. پروردگار موسی و هارون.
۱۲۳. گفت فرعون: آیا ایمان آوردید به موسی پیش از آنکه دستوری دهم شما را؟! هرآینه این تدبیری است که اندیشیده‌اید آن را در این شهر تا بیرون کنید از این شهر ساکنان آن را، پس خواهید دانست!
۱۲۴. البته بترس دست‌های شما را و پاهای شما را به خلاف یکدیگر، باز بر دار کنم شما را همه یکجا.
۱۲۵. گفتند: هرآینه ما به سوی پروردگار خود رجوع کنندگانیم.
۱۲۶. و انکار نمی‌کنی بر ما مگر آنکه ایمان آوردیم به نشانه‌های پروردگار خویش، چون بیامد به ما. ای پروردگار ما! بریز بر ما شکیبایی و قبض ارواح ما کن در حالی که مسلمان باشیم.
۱۲۷. و گفتند اشراف از قوم فرعون: آیا می‌گذاری موسی و قوم او را تا فساد کنند در زمین و تا بگذارد عبادت تو را و معبودان تو را؟! گفت: خواهیم کشت پسران بنی‌اسرائیل را و زنده خواهیم گذاشت دختران ایشان را و ما بر ایشان غالبانیم.
۱۲۸. گفت موسی به قوم خود: مدد طلبید از خدا و صبر کنید؛ هرآینه زمین خدا راست. وارث او می‌کند هر که را خواهد از بندگان خویش و آخر کار برای پرهیزگاران است.
۱۲۹. گفتند: ایذا داده شدیم پیش از آنکه بیایی نزدیک ما و بعد از آنکه آمدی نزدیک ما. گفت: امید است که پروردگار شما هلاک کند دشمن شما را و خلیفه گرداند شما را در زمین، پس بنگرد چگونه عمل می‌کنید.

۱۳۰. و هرآینه گرفتار کردیم کسانِ فرعون را به قحطها و به نقصان میوه‌ها تا شود که ایشان پند پذیرند.
۱۳۱. پس چون آمدی به ایشان فراخی، گفتندی: این لایق ماست و اگر برسدی به ایشان سختی، شگون بد گرفتندی به موسی و کسانی که با وی بودند. آگاه باش جز این نیست که شگون بد ایشان نزدیک خدا است ولیکن بیشتر از ایشان نمی‌دانند.<sup>۱</sup>
۱۳۲. و گفتند کسانِ فرعون: ای موسی! هرچه بیاری آن را از نشانه‌ها تا سحر کنی ما را بدان، پس نیستیم تو را باور دارنده.
۱۳۳. پس فرستادیم بر ایشان طوفان و ملخ و کَنه و غوک‌ها و خون، نشانه‌های واضح کرده شده، پس سرکشی کردند و بودند قوم گناهکاران.
۱۳۴. و وقتی که فرود آمد بر ایشان عقوبت، گفتند: ای موسی! دعا کن به جناب پروردگار خود به آن (اسماء و ادعیه) که وحی کرده است نزد تو؛ اگر زایل کنی از ما عقوبت را، البته معتقد شویم تو را و بفرستیم با تو بنی‌اسرائیل را.
۱۳۵. پس چون زایل کردیم از ایشان عقوبت را تا مدتی که ایشان رسدگانند به آن، ناگهان عهد می‌شکستند.
۱۳۶. پس انتقام کشیدیم از ایشان؛ پس غرق کردیم ایشان را در دریا به سبب آنکه ایشان دروغ می‌داشتند آیات ما را و بودند از آن بی‌خبر.
۱۳۷. و میراث دادیم گروهی را که ضعیف شمرده می‌شدند مشارق و مغارب زمینی که برکت نهادیم در آن<sup>۲</sup> و راست شد وعده نیک پروردگار تو بر بنی‌اسرائیل به سبب آنکه صبر کردند، و خراب کردیم آنچه ساخته بود فرعون و کسان او و آنچه برمی‌افراشتند.
۱۳۸. و گذرانیدیم بنی‌اسرائیل را از دریا. پس آمدند بر گروهی که مجاورت می‌کردند بر بتان خویش. گفتند بنی‌اسرائیل: ای موسی! بساز برای ما معبودی؛ چنانکه ایشان را هستند معبودان. گفت: هرآینه شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید.
۱۳۹. هرآینه این جماعت، باطل کرده شده است مذهبی که ایشان درآند و باطل است آنچه می‌کردند.
۱۴۰. گفت موسی: آیا غیر خدا طلب کنم برای شما معبودی؟! و او فضل داده است شما را بر عالم‌ها.
۱۴۱. و [یاد کنید نعمت ما]، چون نجات دادیم شما را از کسان فرعون. می‌رسانیدند به شما عقوبت سخت؛ می‌کشتند پسران شما را و زنده می‌گذاشتند دختران شما را و در این امر، آزمایش بزرگ بود از جانب پروردگار شما.
۱۴۲. و وعده کردیم با موسی سی‌شب و تمام کردیم آن میعاد را به ده شب، پس کامل شد میعاد پروردگار او چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را: جانشین من باش در قوم من و صلاحکاری کن و پیروی منما راه تباہکاران را.
۱۴۳. و چون آمد موسی به وعده‌گاه ما و سخن گفت با او پروردگار او، گفت: ای پروردگار من! بینا کن مرا به خویش تا نظر کنم به سوی تو. گفت خدا: نخواهی دید مرا ولیکن نظر کن به سوی کوه، پس اگر قرار گیرد به جای خود، خواهی دید مرا. پس وقتی که ظهور کرد پروردگار او بر آن کوه، گردانید آن کوه را زمین هموار ساخته و افتاد موسی بی‌هوش شده؛ پس چون به هوش آمد، گفت: به پاکی یاد می‌کنم تو را، بازگشتم به سوی تو و من اول مسلمانانم.

۱ یعنی مؤاخذه اعمال برایشان است؛ والله اعلم.

۲ یعنی زمین شام به ایشان دادیم؛ چه بقعه‌های شرقیه و چه بقعه‌های غربیه؛ والله اعلم.

۱۴۴. گفت: ای موسی! هر آینه من برگزیدم تو را بر مردمان به پیغام‌های خود و به شنواییدن سخن خود، پس بگیر آنچه عطا کردم تو را و باش از شکرکنندگان.
۱۴۵. و نوشتیم برای موسی در لوح‌ها از هر جنس، برای پند و برای بیان هر چیز پس گفتیم: بگیر آن را به قوت و بفرما قوم خود را تا عمل کنند به بهترین آنچه در اوست.<sup>۱</sup> خواهم نمود شما را سرای گناهکاران.<sup>۲</sup>
۱۴۶. باز خواهم داشت از تأمل در آیات خود کسانی را که تکبر می‌کنند در زمین به ناحق و اگر ببینند هر نشانی که هست، ایمان نیارند و اگر ببینند راه راستی را، راه نگیرند آن را و اگر ببینند راه گمراهی را، راه گیرند آن را. این به سبب آن است که ایشان دروغ داشتند آیات ما را و از آن غافل ماندند.
۱۴۷. و کسانی که دروغ داشتند آیات ما را و دروغ داشتند ملاقات آخرت را نابود شد عمل‌های ایشان. جزا داده نشوند الا به آنچه می‌کردند.
۱۴۸. و ساختند قوم موسی بعد رفتنش از زیور قبطیان گوساله بدنی که او را آواز گاو بود، آیا ندیدند که آن گوساله به ایشان هیچ سخن نمی‌گفت و دلالت نمی‌کرد ایشان را به هیچ راه؟ معبود گرفتند او را و ایشان ستمکار بودند.
۱۴۹. و چون نادم شدند و دیدند که ایشان گمراه شدند، گفتند: اگر مهربانی نکنند بر ما پروردگار ما و نیامزد ما را، البته باشیم از زیانکاران.
۱۵۰. و چون باز آمد موسی به سوی قوم خود خشمناک شده اندوهگین گشته، گفت: بد جانشینی است، جانشینی‌ای که کردید پس از من، آیا شتابی کردید از حکم پروردگار خویش؟ و انداخت الواح را و گرفت موسی سر برادر خود را، می‌کشیدش به سوی خود. گفت هارون: ای پسر مادر من! هر آینه این قوم ضعیف شمردند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا، پس شاد مکن به سبب اهانت من، دشمنان را و شمار مکن مرا با گروه ستمکاران.
۱۵۱. گفت موسی: ای پروردگار من! بیامرز مرا و برادر مرا و داخل کن ما را در بخشایش خود و تو بخشاینده‌ترین بخشایندگانی.
۱۵۲. هر آینه کسانی که معبود گرفتند گوساله را، خواهد رسید به این جماعت، خشمی از پروردگار ایشان و رسوایی‌ای در حیات دنیا و همچنین جزا می‌دهیم افترا کنندگان را.
۱۵۳. و هر آینه کسانی که گناه کردند، باز توبه نمودند بعد از آن گناهان و ایمان آوردند، البته پروردگار تو بعد از توبه، آمرزنده مهربان است.
۱۵۴. و چون ساکن شد خشم از خاطر موسی، گرفت الواح را و در مکتوب وی هدایت بود و بخشایش، آنان را که ایشان از پروردگار خود می‌ترسند.
۱۵۵. و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد کس برای میعاد ما.<sup>۳</sup> پس وقتی که گرفت ایشان را زلزله، گفت موسی: ای پروردگار من! اگر می‌خواستی، پیش از این ایشان را و مرا هلاک می‌کردی؛<sup>۴</sup> آیا هلاک می‌کنی ما را به جزای آنچه کردند بی‌خردان از قوم ما؟ نیست این حادثه مگر امتحان تو؛ گمراه می‌کنی به آن هر که را خواهی و راه‌نمایی

۱ یعنی به عزیمت دادن رخصت؛ والله اعلم.

۲ یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید.

۳ یعنی تا عذر گویند از عبادت گوساله و این جماعت اگر چه عبادت نکرده بودند، بر عبادت‌کنندگان انکار هم نکردند. پس خدای تعالی هلاک ساخت؛ والله اعلم.

۴ یعنی اگر در بنی اسرائیل هلاک می‌شدند، تهمت قتل بر موسی ننهاده‌ای؛ والله اعلم.

- به آن هر که را خواهی. تو کارساز مایی، پس بیامرز ما را و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگان<sup>۱</sup>.
۱۵۶. و بنویس (یعنی مقدر کن) برای ما در این دنیا نیکی و در آخرت نیز نیکی، هر آینه ما رجوع کردیم به سوی تو. گفت الله: عذاب من، می‌رسانمش به هر که خواهم و مهربانی من، احاطه کرده است هر چیز را؛ پس خواهم نوشت رحمت کامله خود را<sup>۱</sup> برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و کسانی که ایشان به آیات ما معتقد می‌شوند.<sup>۲</sup>
۱۵۷. [خواهم نوشت رحمت اخرویّه برای] آنان که پیروی می‌کنند آن پیغامبر را که نبی امی است؛ آنکه می‌یابند نعت او نوشته نزدیک خویش در تورات و انجیل؛ می‌فرماید ایشان را به کار پسندیده و منع می‌کند ایشان را از ناپسندیده و حلال می‌سازد برای ایشان پاکیزه‌ها و حرام می‌کند بر ایشان ناپاکیزه‌ها و ساقط می‌کند از ایشان بارگران ایشان را و آن مشقت‌ها را که بود بر ایشان. پس آنان که ایمان آوردند به او و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را و پیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده است، ایشانند رستگاران.<sup>۳</sup>
۱۵۸. بگو: ای مردمان! هر آینه من پیغامبر خدایم به سوی شما همه یکجا؛ آن خدایی که او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین؛ نیست هیچ معبود مگر او؛ زنده می‌کند و می‌میراند. پس ایمان آرید به خدا و به پیغامبر او که نبی امی است؛ آنکه تصدیق می‌نماید خدا را و سخنان او را و پیروی کنید او را تا بُوَد که شما راهیاب شوید.
۱۵۹. و از قوم موسی گروهی هست که دلالت می‌کنند مردمان را به راه راست و به راستی حکم می‌کنند.
۱۶۰. و متفرق ساختیم بنی اسرائیل را بر دوازده قسم قبیله قبیله، گروه گروه و وحی فرستادیم به سوی موسی، وقتی که آب خواستند از وی قوم وی، که بزَن به عصای خود سنگ را، پس روان شد از آن سنگ دوازده چشمه. بدانست هر گروهی آبخور خود را و سایبان ساختیم بر ایشان ابر را و نازل کردیم بر ایشان «من» و «سلوی» را. گفتیم: بخورید از پاکیزه‌های آنچه روزی داده‌ایم شما را و ایشان بر ما ستم نکردند ولیکن بر خویشتن ستم می‌کردند.
۱۶۱. و یاد کن چون گفته شد ایشان را که: ساکن شوید در این دیه و بخورید از این دیه، هر جا که خواسته باشید و بگویید: «حطّه». و داخل شوید به دروازه، سجده‌کنان تا بیامرزیم برای شما گناهان شما را، زیاده خواهیم داد نکوکاران را.
۱۶۲. پس بدل کردند ستمکاران از بنی اسرائیل، سخنی غیر آنچه فرموده شده ایشان را، پس فرستادیم بر ایشان عقوبتی از آسمان به مقابله آنکه ستم می‌کردند.
۱۶۳. و سؤال کن [یا محمد]، یهود را از حال دیهی که بود ساکن بر لب دریا. چون از حد می‌گذشتند. در روز شبّه، وقتی که می‌آمد ماهیان ایشان ظاهر شده، روزی که ایشان

۱ یعنی در آخرت.

۲ یعنی فسق‌کنها آن است که در آخر زمان، رحمت خاص باشد به متابعان نبی امی؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسی را و به امت مرحومه، اول دلیل است بر نبوت آن حضرت و لَهذا می‌فرماید؛ والله اعلم.

- به تعظیم شبانه مشغول می‌شدند و روزی که تعظیم شبانه نمی‌کردند، نمی‌آمدند ایشان. همچنین آزمودیم ایشان را به سبب آنکه فسق می‌کردند.<sup>۱</sup>
۱۶۴. و یاد کن، چون گفت گروهی از اهل آن دیه: <sup>۲</sup> چرا پند می‌دهید گروهی را که خدای تعالی هلاک خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت؟ گفتند: تا ما را عذری باشد نزدیک پروردگار شما و تا باشد که ایشان پرهیزگاری کنند.
۱۶۵. پس وقتی که فراموش کردند آنچه به آن پند داده شده ایشان را، نجات دادیم کسانی را که منع می‌کردند از کار بد و گرفتار کردیم ستمکاران را به عذاب سخت؛ به سبب آنکه فاسق بودند.
۱۶۶. پس چون تکبر کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را از آن، گفتیم ایشان را: شوید بوزینگان خوار شده.
۱۶۷. و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو<sup>۳</sup> که البته بفرستد بر ایشان تا روز قیامت کسی را که برساند به ایشان عقوبت سخت، هرآینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هرآینه او آمرزنده مهربان است.<sup>۴</sup>
۱۶۸. و پراکنده کردیم بنی‌اسرائیل را در زمین گروه گروه؛ بعضی از ایشان شایسته کاراند و بعضی از ایشان سوای اینند و امتحان کردیم ایشان را به نعمت‌ها و مشقت‌ها تا بازگردند (یعنی به سوی راه راست).
۱۶۹. پس از پی درآمدند بعد از ایشان جانشینان بد که وارث تورات شدند،<sup>۵</sup> اختیار می‌کنند متاع این عالم خسیس را و می‌گویند: آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید به ایشان متاعی مانند آن، البته بگیرند آن را.<sup>۶</sup> آیا گرفته نشده است بر ایشان آن عهد که در تورات است که نگویند بر خدا مگر سخن راست و خوانده‌اند آنچه در تورات است؟ و سرای آخرت بهتر است پرهیزگاران را، آیا فهم نمی‌کنید؟
۱۷۰. و آنان که تمسک می‌کنند به کتاب و برپا داشتند نماز را، هرآینه ما ضایع نمی‌سازیم مزد این نیکوکاران را.
۱۷۱. و یاد کن چون برداشتم کوه را بالای ایشان، گویا وی سایبانی است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد بر ایشان. گفتیم بگیرید آنچه دادیم شما را به جدّ تمام و یاد کنید آنچه در اوست تا بود که شما در پناه باشید از عذاب.
۱۷۲. و یاد کن چون گرفت پروردگار تو از بنی‌آدم از پشت ایشان اولاد ایشان را<sup>۷</sup> و گواه گردانید ایشان را بر ذات ایشان. گفت: آیا نیستم پروردگار شما؟ گفتند: آری هستی! گواه شدیم. [این شاهد گرفتن برای احتراز از آن است] که نگویید روز قیامت هرآینه ما بی‌خبر بودیم از این توحید.

۱ مترجم گوید: اهل دیه سه قسم بودند: قسمی شکار می‌کردند و قسمی از آن نهی می‌کردند و قسمی نه شکار می‌کردند و نه از آن منع می‌کردند؛ والله اعلم.

۲ یعنی قسم ثالث نهی‌کنندگان را؛ والله اعلم.

۳ یعنی بنی‌اسرائیل را.

۴ بعد از این هیچ پادشاهی در بنی‌اسرائیل پیدا نشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام و نصاری و مجوس می‌بودند؛ والله اعلم.

۵ یعنی احبار بنی‌اسرائیل.

۶ یعنی مصرند بر اخذ آن و غیر نامند از آن و توبه مصر غیر نادم، صحیح نیست؛ والله اعلم.

۷ یعنی روز میثاق از آدم اولاد او را پیدا کرد از ایشان اولاد ایشان را به ترتیبی که در خارج متحقق شد؛ والله اعلم.

۱۷۳. یا بگویند که بجز این نیست که شرک آورده بودند پدران ما پیش از ما و ما نسلی بودیم آمده بعد از ایشان؛ آیا هلاک می‌کنی ما را به عقوبت آنچه بدکاران کردند؟  
۱۷۴. و همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها و تا بازگردند.
۱۷۵. و بخوان بر ایشان خبر کسی که داده بودیم او را علم آیات خود، پس بیرون رفت از علم آن آیات،<sup>۱</sup> پس در پی او شد شیطان، پس گشت از گمراهان.<sup>۲</sup>
۱۷۶. و اگر می‌خواستیم برداشتمی او را<sup>۳</sup> به سبب آن آیات ولیکن میل کرد به سوی پستی و پیروی خواهش خود کرد؛ پس صفت او مانند صفت سگ است، اگر مشقت اندازی بر وی،<sup>۴</sup> زبان از دهان بیرون افکند و اگر معطل بگذاری او را، نیز بیرون افکند. این صفت گروهی است که دروغ شمردند آیات ما را؛ پس بخوان بر ایشان این پند تا ایشان تأمل کنند.
۱۷۷. به اعتبار صفت، بدانند این قوم که دروغ داشتند آیات ما را و بر خویشتن ستم می‌کردند.
۱۷۸. هر که راه نمایند خدا همان است راه یابنده و هر که گمراه سازدش پس آن جماعت ایشانند زیانکاران.
۱۷۹. و هر آینه بیافریدیم برای دوزخ بسیاری از جنیان و آدمیان؛ ایشان را دل‌هاست که نمی‌فهمند به آنها و ایشان را چشم‌هاست که نمی‌بینند به آنها و ایشان را گوش‌هاست که نمی‌شنوند به آنها؛ ایشان مانند چهارپایانند، بلکه ایشان گمراه‌ترند، ایشانند بی‌خبران.
۱۸۰. و خدای راست نام‌های نیک؛ پس بخوانید او را به آن نام‌ها و بگذارید آنان را که کجروی می‌کنند در نام‌های خدا،<sup>۵</sup> داده خواهد شد مر ایشان را جزای آنچه می‌کردند.
۱۸۱. و از آن جماعت که پیدا کرده‌ایم، گروهی است که دلالت می‌کنند به دین حق و به آن دین حق، عدل می‌کنند.
۱۸۲. و کسانی که دروغ داشتند آیات ما را، پایه پایه بکشیم ایشان را (تا محل هلاک)، از آن راه که ندانند.
۱۸۳. و مهلت دهم ایشان را، هر آینه تدبیر من محکم است.
۱۸۴. آیا تأمل نکردند که نیست این همنشین ایشان را هیچ دیوانگی؟ نیست او مگر بیم‌کننده‌ای آشکار.
۱۸۵. آیا نظر نکردند به پادشاهی خدا در آسمان‌ها و زمین و در آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز؟ و آیا نظر نکردند در آنکه شاید نزدیک شده باشد اجل ایشان؟ پس به کدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد؟
۱۸۶. هر که گمراه سازدش خدا پس هیچ راه نماینده نیست او را، و می‌گذارد ایشان را خدا در گمراهی خویش سرگردان شده.

۱ یعنی پس تقلید ایشان کردیم.

۲ یعنی تابع شهوات نفس شد و تابع شهوات نفس را عالم نتوان گفت.

۳ یعنی بلمع باعور که کتب الهی خوانده بود، بعد از آن به اغوای زن خود ایدای حضرت موسی، علیه‌السلام، قصد کرد و معلون شد؛ والله اعلم.

۴ یعنی منزلت او را.

۵ یعنی به زدن و دوانیدن.

۶ یعنی ابوالمسیح و ابوالملائکه می‌گفتند.



۱۸۷. سؤال می‌کنند تو را از قیامت که کی باشد استقرار او؟ بگو: جز این نیست که علم قیامت نزدیک پروردگار من است؛ پدید نیاورد آن را در وقت او مگر خدا، گران شده است<sup>۱</sup> در آسمان‌ها و زمین، نباید به شما مگر ناگهان. سؤال می‌کنند تو را از قیامت، گویا تو کاوش‌کننده‌ای از آن.<sup>۲</sup> بگو جز این نیست که دانش او نزد خداست ولیکن بسیاری از مردمان نمی‌دانند.
۱۸۸. بگو: نمی‌توانم برای خود نفع رسانیدن و نه ضرر کردن، مگر آنچه خدا خواسته است. و اگر من دانستمی علم غیب را، هر آینه بسیار جمع کرده‌ی از جنس منفعت و نرسیدی به من هیچ سختی؛ نیستم من مگر بیم‌کننده و مژده‌دهنده برای گروهی که ایمان دارند.
۱۸۹. اوست آن که پیدا کرد شما را از یک شخص و پیدا کرد از آن یک شخص زنش را تا آرام گیرد با وی.<sup>۳</sup> پس چون جماع کرد مردی با زن خود، بار گرفت، باری سبک؛ پس آمد و رفت کرد به آن بار سبک؛ بعد از آن چون زن گرانبار شد، هر دو دعا کردند به جناب پروردگار خویش که اگر فرزندی شایسته بدهی ما را، باشیم از شکرکنندگان.
۱۹۰. پس چون داد خدای تعالی ایشان را فرزندی شایسته، مقرر کردند برای او شریکان در آنچه داده بود به ایشان. پس بلند قدر است خدا از آنچه شریک مقرر می‌کنند.<sup>۴</sup>
۱۹۱. آیا این مشرکان شریک مقرر می‌کنند چیزی را که هیچ نمی‌آفریند و خود این شریکان آفریده می‌شوند؟
۱۹۲. و نمی‌توانند برای پرستندگان خود یاری دادن و نه خود را یاری می‌دهند.
۱۹۳. و اگر بخوانید بتان را به سوی راه هدایت، پیروی نکنند شما را.<sup>۵</sup> برابر است بر شما آنکه دعوت کنید ایشان را یا خاموش باشید [ای مشرکان].
۱۹۴. هر آینه کسانی که عبادت می‌کنند ایشان را بجز خدا، بندگانند مانند شما؛ پس بخوانید ایشان را و باید که قبول کنند دعای شما را، اگر راستگو هستید.
۱۹۵. آیا بتان را پاهاست که راه می‌روند به آن؟ آیا ایشان را دست‌هاست که تناول می‌کنند به آن؟ آیا ایشان را چشم‌هاست که می‌بینند به آن؟ آیا ایشان را گوش‌هاست که می‌شنوند به آن؟ بگو: ای مشرکان! بخوانید شریکان خود را، بعد از آن بدسگالی کنید در حق<sup>۶</sup> من و مهلت مدهید مرا.
۱۹۶. هر آینه کارساز من خداست، آن که فرود آورد کتاب را و او کارسازی می‌کند نیکوکاران را.
۱۹۷. و آنان که می‌خوانند ایشان را بجز خدا، نمی‌توانند یاری دادن شما را و نه خود را یاری می‌دهند.

۱ یعنی مشکل شده دانستن قیامت.

۲ یعنی عالمی به آن.

۳ «فلما تعشها» کلام علیحده است؛ یعنی خدای تعالی آدم و حوا را پیدا کرد و از ایشان نسل بسیار پیدا آورد. بعد از آن تفصیل انتشار نسل می‌فرماید.

۴ مترجم گوید: این تصویر است حال آدمی را که نزدیک ثقل حمل، نیت اخلاص درست کند و چون فرزند به وجود آید آن را فراموش سازد و در تسمیه اشراک کند؛ منطبق بر حال حوا؛ چنانکه در حدیث صحیح آمده که حوا حامله شد. شیطان به دلش وسواس انداخت و چون فرزند متولد شد، نام او عبدالحارث مقرر کرد و چون وجودجمع قیود در امثال این مواضع ضرور نیست آدم از لوث شرک مبرا باشد و این آیت عصمت او را مصادمت نکند کذا فهمت. و ازینجا دانسته شد که شرک در تسمیه نوعی است از شرک؛ چنانکه اهل زبان ما غلام فلان و عبدالفلان نام می‌نهند.

۵ یعنی اگر بگویید بخورید یا بیاشامید، هیچ کار نکنند.

۱۹۸. و اگر دعوت کنید ایشان را به سوی راه هدایت، نشنوند سخن شما را. [وای بیننده] می‌بینی بتان را که می‌نگرند به سوی تو و حال آنکه ایشان هیچ نمی‌بینند.
۱۹۹. لازم گیر درگذر را و بفرما به کار پسندیده و اعراض کن از نادانان.
۲۰۰. و اگر باز دارد تو را و سوسه بازدارنده از جانب شیطان آمده، پس پناه طلب کن از خدا، هرآینه او شنوای داناست.
۲۰۱. هرآینه متقیان چون برسد ایشان را و سوسه‌ای از شیطان، یاد می‌کنند خدا را، پس ناگهان ایشان بینا می‌شوند.
۲۰۲. و برادران کافران،<sup>۱</sup> می‌کشند ایشان را در گمراهی و هرگز باز نمی‌ایستند.
۲۰۳. و چون نمی‌آری به نزدیک ایشان آیتی، می‌گویند: چرا از طرف خود اختیار نمی‌کنی آن را؟ بگو: جز این نیست که پیروی می‌کنم آنچه فرود آورده شده است به سوی من از پروردگار من. این قرآن نشانه‌هاست، آمده از پروردگار شما و هدایت و بخشایش است، مرفوم مؤمنان را.
۲۰۴. و چون خوانده شود قرآن، پس گوش نهید به سوی آن و خاموش باشید تا مهربانی کرده شود بر شما.
۲۰۵. و یاد کن پروردگار خود را در ضمیر خود به زاری و ترسکاری و یاد کن پروردگار خود را به کلام پست‌تر از بلند آوازی، در بامداد و شبانگاه و مباحث از غافلان.
۲۰۶. هرآینه کسانی که نزد پروردگار تواند،<sup>۲</sup> گردنکشی نمی‌کنند از عبادت او و به پاکی یاد می‌کنند او را و به تخصیص او را سجده می‌کنند.

## ۸. سوره انفال

در مدینه نازل شده و آن هفتادوپنج آیت است

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. می‌پرسند تو را از غنیمت‌ها.<sup>۳</sup> بگو: غنیمتها، خدا و رسول راست؛<sup>۴</sup> پس بترسید از خدا و به صلاح آرید صحبتی را که میان شماست و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را، اگر مسلمان هستید.

۱ یعنی قرینان ایشان از شیاطین؛ والله اعلم.

۲ یعنی ملاء اعلی.

۳ سوره انفال در قصه بدر فرود آمده است. در آیات این سوره اشارت به وقایع این غزوه واقع شده؛ از آن جمله آنست که مسلمانان در غنیمت مباحثه می‌کردند. آنان که غارت کرده بودند، خواستند که تنها بر آن متصرف شوند. دیگران خواستند که علی السویه قسمت شود، خدای تعالی نازل ساخت که متصرف و مختار در غنائم، خدا و رسول اوست و دیگری را در این باب، دخل نیست. آنچه اهل جاهلیت می‌کردند از استثنائات غارت‌کننده به غنیمت، باطل است. بعد از آن حکم فرمود که غنیمت را پنج قسم باید کرد: چهار قسم در میان غانمان قسمت‌کنند و یکی در بیت‌المال نگاه داشته، به تصرف آن رسانند و این تصرف، حق است و عطای اوست به غیر دخلغارت‌کنندگان؛ پس آیه «قل الانفال لله و الرسول» محکم است غیر منسوخ.

۴ یعنی متصرف در غنائم، ایشانند و کسی دیگر را اختیار نیست؛ والله اعلم.

۲. جز این نیست که مؤمنان، آناند که چون یاد کرده شود خدا، بترسد دل ایشان و چون خوانده شود بر ایشان آیات خدا، زیاده سازند آن آیات، ایمان ایشان را و بر پروردگار خویش توکل می‌کنند.
۳. آنان که برپا می‌دارند نماز را و از آنچه روزی داده‌ایم ایشان را، خرج می‌کنند.
۴. این جماعت، ایشانند مؤمنان؛ به تحقیق، ایشان راست مرتبه‌ها نزد پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک.
۵. چنانکه بیرون آورد تو را پروردگار تو از خانه تو به تدبیر درست و هرآینه گروهی از مسلمانان ناخشنود بودند.<sup>۱</sup>
۶. خصومت می‌کردند با تو در سخن راست بعد از آنکه ظاهر شد، گویا رانده می‌شوند به سوی مرگ و ایشان در آن می‌نگرند.
۷. و [یاد کن نعمت الهی را] آنگاه که خدا به شما یکی از دو گروه وعده می‌داد که آن شما را باشد و دوست می‌داشتید که غیر فوج جنگی شما را بود و می‌خواست خدا که ثابت کند دین حق را به فرمان‌های خویش و ببرد بنیاد کافران را.
۸. می‌خواست تا ثابت کند دین حق را و برطرف کند دین باطل را، اگرچه ناخشنود باشند گناهکاران.<sup>۲</sup>
۹. آنگاه که فریاد می‌کردید به جناب پروردگار خویش، پس قبول کرد دعای شما را که من مدد کننده شمایم به هزار کس از فرشتگان از پس خود جماعت دیگر را آورده.<sup>۳</sup>
۱۰. و نساخت خدا این مدد را مگر برای مژده و تا آرام گیرد به آن دل شما و نیست فتح، مگر از نزدیک خدا، هرآینه خدا غالب با حکمت است.
۱۱. آنگاه که می‌پوشید شما را به پینکی به جهت ایمنی از نزدیک خود و فرود می‌آورد بر شما از آسمان آب باران تا پاک کند شما را به آن و ببرد از شما آلودگی شیطان و تا ببندد بر دل شما (یعنی ثابت دارد دل‌ها را) و محکم کند به آن پای‌ها را.<sup>۴</sup>
۱۲. آنگاه که وحی می‌فرستاد پروردگار تو به سوی فرشتگان که من با شمایم، پس استوار سازید مسلمانان را، رعب خواهیم افکند در دل کافران. پس بزنید ای مسلمانان بالای گردن‌ها و بزنید از ایشان هر طرف دست و پای را.
۱۳. این به سبب آن است که ایشان خلاف کردند با خدا و رسول او و هر که خلاف کند با خدا و رسول او، پس خدا سخت عقوبت است.
۱۴. این را بچشید و بدانید که کافران راست، عذاب آتش.
۱۵. ای مؤمنان! چون به هم آییید با کافران انبوه کرده، پس مگردانید به سوی ایشان پشت را.

- 
- ۱ مترجم گوید: یعنی کار در قسمت بر وفق حکم خداست نه موافق آرزوی نفوس؛ چنانکه بیرون آوردن تو به تدبیر درست بود نزدیک خدا برخلاف اراده قوم؛ والله اعلم.
  - ۲ مترجم گوید: درین آیات تعریض است به آن قصه که آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، در غزه بدر برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شد و این خبر به کاروان رسید؛ راه ساحل اختیار نمودند و خلاص شدند. ابوجهل که به مدد ایشان با لشکر گران از مکه برآمده بود، مقابل آن حضرت شد؛ بعضی اصحاب میل به غارت کردن کاروان کردند و جمعی قصد کارزار لشکر نمودند و مرضی آن حضرت، جنگ با لشکر بود.\* در متن اصلی، استیبار آمده است.
  - ۳ یعنی یک‌هزار بودند بعد از آن سه هزار گشتند و بعد از آن پنج‌هزار شدند؛ والله اعلم.
  - ۴ مترجم گوید: درین آیات، تعریض است به آن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند و محدث بودند، آب نداشتند و از این جهت وسوسه شیطان به خاطر ایشان راه می‌یافت. خدای تعالی باران فرستاد و خواب سبک را بر چشم ایشان مسلط کرد تا اضطراب دل ایشان برطرف شد.

۱۶. و هر که بگرداند به سوی ایشان آن روز پُشت خود را، مگر رجوع کنان برای جنگی یا پناه‌جویان به سوی گروهی، پس هر آینه بازگشت به خشمی از خدا و جای او جهنم است و بدجایی است.
۱۷. پس شما نکشته‌اید این جماعت ولیکن خدا کشت ایشان را و تو یا [محمد] نیفکندی<sup>۱</sup> وقتی که افکندی ولیکن خدا افکند و تا عطا کند مسلمانان را از نزدیک خویش عطای نیکو، هر آینه خدا شنوای داناست.<sup>۲</sup>
۱۸. حال این است و بدانید که خدا سست کننده است حيله کافران را.
۱۹. [ای کافران!] اگر طلب فتح می‌کردید، پس آمد به شما فتح. و اگر بازایستید، پس آن بهتر است شما را و اگر بازگردید (یعنی به نافرمانی) بازگردیم.<sup>۳</sup> دفع نکند از شما جماعت شما هیچ چیز، اگرچه بسیار باشد و بدانید که خدا با مسلمانان است.<sup>۴</sup>
۲۰. ای مسلمانان! فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و روی مگردانید از وی و حال آنکه شما می‌شنوید.
۲۱. و مشوید مانند کسانی که گفتند: شنیدیم و ایشان نمی‌شنوند.<sup>۵</sup>
۲۲. هر آینه بدترین جنبندهگان نزدیک خدا کرانند، گنگانند، آنان که در نمی‌یابند.
۲۳. و اگر دانستی خدا در ایشان نیکویی، البته شنوایی ایشان را.<sup>۶</sup> و اگر شنوایی ایشان را، رومی گردانیدند اعراض کنان.
۲۴. ای مسلمانان! قبول کنید خواندن خدا و رسول را چون بخواند شما را برای آنکه زنده دل سازد شما را و بدانید که خدا حایل می‌شود میان مرد و دل او<sup>۷</sup> و بدانید که به سوی او برانگیخته خواهید شد.
۲۵. و پرهیزید از فتنه که نرسد به آنان که ستم کردند از شما به تخصیص<sup>۸</sup> و بدانید که هر آینه خدا سخت عقوبت کننده است.<sup>۹</sup>
۲۶. و یاد کنید [ای مهاجران، نعمت الهی را] آن وقت که شما اندک بو دید، ناتوان شمرده در زمین (یعنی در مکه) می‌ترسیدید از آنکه برابند شما را مردمان؛ پس جای داد شما را (یعنی در مدینه) و قوت داد شما را به نصرت خود و روزی داد شما را از چیزهای پاکیزه تا شود که سپاسداری کنید.
۲۷. ای مسلمانان! خیانت مکنید با خدا و رسول و خیانت مکنید امانت‌های یکدیگر را دانسته.

۱ یعنی مشتِ خاک را.

۲ مترجم گوید: تعریض است به آن قصه که آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، روز بدر یک مشت سنگ‌ریزه به سوی کفار انداخت، پس هیچ کس از ایشان نبود که چیزی از آن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و این تأیید غیبی بود.

۳ یعنی به جزا دادن.

۴ مترجم گوید: تعریض است به آن قصه که ابوجهل روز غزوه بدر دعا کرد که بارخدا یا! هر که از میان این هر دو گروه، قاطع رحم است و دین باطل پیش گرفته است، او را هلاک کن و به حقیقت، متصف باین صفات ابوجهل و قوم او بودند.

۵ یعنی مانند اهل کتاب که تورات خواندند و به زبان، معترف شدند و بر آن عمل نکردند.

۶ یعنی لیکن ندانست.

۷ یعنی عزیمت او نسخ می‌کند.

۸ یعنی بلکه عام بود شامت او؛ والله اعلم.

۹ و آن فتنه، ظهور عقوبت بدعت است تا ترک نهی منکر؛ والله اعلم.

۲۸. و بدانید که مال‌های شما و فرزندان شما آزمایش است و آنکه خدا، نزدیک اوست، مزد بزرگ.
۲۹. ای مسلمانان! اگر بترسید از خدا، پیدا کند برای شما فتحی را و درگذارد از شما گناهان شما را و بپامزد شما را و خدا صاحب فضل بزرگ است.
۳۰. [و یاد کن نعمت الهی را یا محمد] آنگاه که بدسگالی می‌کردند در حق تو کافران، تا حبس کنند تو را یا بکشند تو را یا جلاوطن کنند تو را و ایشان بدسگالی می‌کردند و خدا تدبیر می‌کرد (یعنی به ایشان) و خدا بهترین تدبیر کنندگان است.<sup>۱</sup>
۳۱. و چون خوانده شود بر این جماعت آیات ما، گویند: شنیدیم، اگر خواهیم بگوئیم مانند این، نیست این مگر افسانه پیشینیان.
۳۲. و آنگاه که گفتند: بار خدایا! اگر هست این قرآن راست از نزدیک تو، پس بباران بر ما سنگ را از آسمان یا بیار بر ما عذاب دردناک.
۳۳. و نیست خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و هرگز نیست خدا عذاب کننده ایشان و ایشان استغفار می‌کنند.<sup>۲</sup>
۳۴. و چیست مر ایشان را که عذاب نکند ایشان را خدا، حال آنکه ایشان باز می‌دارند (یعنی مردمان را) از مسجد حرام و نیستند سزاوار آنجا، نیستند سزاوار آنجا مگر متقیان ولیکن بیشترین ایشان نمی‌دانند.
۳۵. و نیست نماز ایشان نزدیک خانه کعبه بجز صفر کردن و دستک زدن، پس بچشید ای کافران! عذاب را به سبب کافر شدن خود.
۳۶. هر آینه کافران خرج می‌کنند اموال خود را تا بازدارند مردمان را از راه خدا، پس زود باشد که خرج کنند آن راه، باز باشد آن خرج کردن، پشیمانی برایشان، باز مغلوب شوند و کافران به سوی دوزخ رانده شوند.
۳۷. تا جدا سازد خدای تعالی ناپاک را از پاک و بنهد ناپاک را بعض آن را بر بعض، پس توده سازد آن همه را یکجا، پس در آردش در دوزخ. این جماعت، ایشانند زیانکاران.<sup>۳</sup>
۳۸. بگو کافران را: اگر باز ایستند، آمرزیده شود ایشان را آنچه گذشت و اگر عود کنند، پس هر آینه گذشته است روش پیشینیان.<sup>۴</sup>
۳۹. و کارزار کنید ای مسلمانان! با ایشان تا آنکه نباشد هیچ فتنه (یعنی غلبه کفر) و باشد دین، همه برای خدا. پس اگر باز ایستند از شرک (یعنی مسلمان شوند) هر آینه خدا به آنچه می‌کنند بیناست.
۴۰. و اگر روی بگردانند،<sup>۵</sup> پس بدانید که خدا مددکار شماست؛ نیک مددکار است وی و نیک یاری دهنده است.
۴۱. و بدانید که آنچه غنیمت یافتید از کافران از هر جنس، پس پنجم حصه‌اش خدای راست و پیغامبر را و خویشاوندان را<sup>۶</sup> و یتیمان و مسافران را، اگر ایمان

۱ تعریض است به آن قصه که کفار در مکه جمع شده این رأی می‌زدند.

۲ یعنی سنت خدا آن است که تا پیغامبر در میان قوم باشد، عذاب عام نمی‌کند و همچنین تا آنکه ایشان استغفار کنند، عذاب نمی‌آید.

۳ یعنی بعد هجرت حضرت سیدالبشر از میان ایشان.

۴ یعنی دراصل، استحقاق عذاب دارند؛ لیکن بودن پیغامبر در میان ایشان مانع بود و الحال مانع برخاست.

۵ مترجم گوید: و این تصویر است حال کسی را که می‌خواهد جزو کل چیزی را باطل سازد و دفع کند.

۶ یعنی از اسلام.

۷ یعنی خویشاوندان پیغامبر را که بنی‌هاشم و بنی‌مطلب‌اند.

- آورده‌اید به خدا و به آنچه فروفرستادیم بر بنده خویش. روزی که جدا شد حق از باطل، روزی که به هم آمدند دو گروه،<sup>۱</sup> و خدا بر همه چیز تواناست.<sup>۲</sup>
۴۲. [اگر ایمان آوردید به آنچه فروفرستادیم بر بنده خود،] آنگاه که شما به کناره‌های نزدیک بودید و ایشان به کناره‌های دورتر و کاروان پایین‌تر از شما (یعنی به جانب دریا) و اگر با یکدیگر وعده جنگ مقرر می‌کردید، البته خلاف می‌نمودید در وعده ولیکن جمع کرد تا به انجام رساند خدا کاری را که کردنی بود، تا هلاک شود کسی که هلاک شده است بعد قیام حجت و زنده ماند کسی که زنده شده بعد قیام حجت، و هرآینه خدا شنوای داناست.<sup>۳</sup>
۴۳. آنگاه که بنمود خدا ایشان را به تو در خواب تو اندکی و اگر بنمودی به تو ایشان را بسیار، البته بزدلی می‌کردید و با یکدیگر نزاع می‌نمودید در کار؛ ولیکن خدا سلامت داشت (یعنی از بزدلی)، هرآینه وی داناست به آنچه در سینه‌هاست.
۴۴. و آنگاه که بنمود به شما ایشان را، چون روبه‌رو شدید در چشم شما، اندکی و کم نمود شما را در چشم آنان، تا به انجام رساند خدا کاری را که کردنی بود و به سوی خدا بازگردانیده شوند کارها.
۴۵. ای مسلمانان! چون روبه‌رو شوید با گروهی، پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار، بود که شما رستگار شوید.
۴۶. و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و با یکدیگر نزاع نکنید که در این صورت بزدل شوید و برود دولت (قوت) شما و شکیبایی ورزید، هرآینه خدا با شکیبایان است.
۴۷. و مباشید مانند کسانی که بیرون آمدند از خانه‌های خود از روی سرکشی و خودنمایی به مردمان و بازمی‌دارند از راه خدا و خدا به آنچه می‌کنند، در گیرنده است.<sup>۴</sup>
۴۸. و آنگاه که شیطان بیاراست برای این کافران، کردارهای ایشان را و گفت: هیچ کس از مردمان غلبه کننده نیست بر شما امروز و هرآینه من مدد کننده‌ام شما را. پس چون روبه‌رو شدند هر دو گروه، بازگشت شیطان بر پاشنه خود و گفت: هرآینه من بی‌تعلقم از شما، هرآینه من می‌بینم آنچه شما نمی‌بینید، هرآینه من می‌ترسم از خدا و خدا سخت عقوبت است.
۴۹. آنگاه که می‌گفتند منافقان و آنان که در دل ایشان بیماری است: فریفته کرده است این مسلمانان را دین ایشان و هر که توکل کند بر خدا، هرآینه خدا غالب درستکار است.
۵۰. و [تعجب می‌کردی] اگر می‌دید [ای بیننده،] چون فرشتگان قبض ارواح کافران می‌کنند، می‌زنند بر روی ایشان و بر پشت ایشان و [می‌گویند: ] بچشید عذاب سوزان.
۵۱. این به سبب آن کردار است که پیش فرستاده است دست شما و به سبب آن است که خدا ظلم کننده نیست بر پندگان.
۵۲. مانند عادت قوم فرعون و آنان که پیش از ایشان بودند؛ کافر شدند به آیات خدا، پس گرفتار کرد خدا ایشان را به گناهان ایشان، هرآینه خدا توانای سخت عقوبت است.

۱ یعنی ایمان آوردند به آنکه به روز بدر، نصرت نازل فرمود.

۲ مترجم گوید: چهار خمس غانمان را باید داد؛ یک خمس در بیت‌المال نهاده بر پنج حصه یا سه حصه قسمت با یکدیگر، علی اختلاف المذاهب؛ والله اعلم.

۳ مراد از هلاک، اصرار بر کفر است و از حیات، مسلمان شدن و این که ایمان آورده‌اید به آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود.

۴ درین حال ابوجهل و تابعان اوست.

۵۳. این به سبب آن است که خدا هرگز نیست تغییر دهنده هیچ نعمتی که انعام کرده باشد آن را بر قومی، تا آنکه ایشان بدل کنند حالی را که در ذات ایشان است و به سبب آن است که خدا شنوای داناست.
۵۴. مانند حال کسانِ فرعون و آنان که پیش از ایشان بودند؛ دروغ شمردند آیات پروردگار خویش را، پس هلاک ساختیم ایشان را به گناهان ایشان و غرق ساختیم کسانِ فرعون را و هر یک ستمکار بودند.
۵۵. هر آینه بدترین جنبنندگان نزدیک خدا آنانند که کافر شدند، پس ایمان نمی آرند.
۵۶. آنان که عهد بسته‌ای با ایشان، باز می‌شکنند عهد خود را در هر مرتبه و ایشان پرهیز نمی‌کنند.<sup>۱</sup>
۵۷. پس اگر بیایی ایشان را در جنگ، پس متفرق ساز به سبب کشتن ایشان، آنان را که پس پشت ایشان باشند، بود که پندپذیر شوند.
۵۸. و اگر بررسی از گروهی خیانت را، پس بازگردان به سوی ایشان عهد ایشان را به نوعی که همه برابر شوند،<sup>۲</sup> هر آینه خدا دوست نمی‌دارد خیانت‌کنندگان را.
۵۹. و باید که نپندارند کافران که ایشان پیشدستی کرده‌اند، هر آینه ایشان، عاجز نتوانند ساخت.
۶۰. و مهیا سازید ای مسلمانان! برای ایشان آنچه توانید از توانایی<sup>۳</sup> و از آماده داشتن اسبان، بترسانید به آن دشمن خدا را و دشمن خویش را و قومی دیگر را نیز بجز ایشان. شما نمی‌دانید ایشان را، خدا می‌داند ایشان را<sup>۴</sup> و آنچه خرج کنید از هر چه باشد در راه خدا، تمام داده شود به شما<sup>۵</sup> و شما ستم کرده نشوید.
۶۱. و اگر میل کنند به صلح، تو هم میل کن به سوی آن<sup>۶</sup> و توکل کن بر خدا، هر آینه وی شنوای داناست.
۶۲. و اگر خواهند که فریب دهند تو را، پس کفایت کننده است تو را خدا؛ همونست آنکه قوت داد تو را به یاری دادن خود و به مسلمانان.
۶۳. و همونست آنکه الفت داد میان دل‌های ایشان، اگر خرج می‌کردی آنچه در زمین است همه یکجا، الفت نمی‌دادی میان دل‌های ایشان و لیکن خدا الفت افکند در میان ایشان، هر آینه وی غالب باحکمت است.
۶۴. ای پیغامبر! کفایت کننده است تو را خدا و کفایت کننده آنان را که پیروی تو کردند از مسلمانان.

۱ یعنی کفران نعمت را به شکر و معصیت را به طاعت.

۲ مترجم گوید: تعریض است به قبائل یهود که آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، به ایشان صلح کرده بودند و ایشان وقت بعد وقت، عذر می‌نمودند؛ والله اعلم.

۳ یعنی ملامت نقض عهد بر شما لازم نیاید؛ والله اعلم.

۴ یعنی استعمال آلات جنگ مثل تیر انداختن.

۵ یعنی اهل نفاق را؛ والله اعلم.

۶ یعنی ثواب او؛ والله اعلم.

۷ مترجم گوید: این امر برای اباحت است؛ والله اعلم.

۶۵. ای پیغامبر! رغبت ده مسلمانان را بر جنگ. اگر باشند از شما بیست کس صبر کننده، غالب شوند بر دو صد کس و اگر باشند از شما صد کس، غالب شوند بر هزار کس از کافران، به سبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی فهمند.<sup>۱</sup>
۶۶. اکنون سبک ساخت خدا از سر شما و دانست که در میان شما ضعفی هست؛ پس اگر باشند از شما صد کس شکیبا، غالب آیند بر دو صد کس و اگر باشند از شما هزار کس، غالب آیند بر دو هزار کس به فرمان خدا و خدا با صابران است.
۶۷. سزاوار نبود پیغمبر را که به دست وی اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار بوجود آرد در زمین. می خواهید مال دنیا را و خدا می خواهد مصلحت آخرت را و خدا غالب با حکمت است.<sup>۲</sup>
۶۸. اگر نبودی حکم خدا پیشی گرفته،<sup>۳</sup> می رسید به شما در آنچه گرفتید، عذاب بزرگ.
۶۹. پس بخورید از آنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه، و بترسید از خدا، هر آینه خدا آمرزنده مهربان است. [شما را]<sup>۴</sup>
۷۰. ای پیغامبر! بگو آنان را که در دست شمایند از اسیران: اگر داند خدا در دل شما نیکی، البته بدهد شما را بهتر از آنچه گرفته شد از شما و بیامزد شما را و خدا آمرزنده مهربان است.
۷۱. و اگر خواهند خیانت با تو، پس هر آینه خیانت کرده بودند با خدا پیش از این، پس قدرت داد بر ایشان و خدا دانای با حکمت است.
۷۲. هر آینه آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند به مال خود و جان خود در راه خدا و آنان که جای دادند و نصرت کردند، این جماعت، بعضی ایشان کارسازان بعضی اند،<sup>۵</sup> و آنان که ایمان آوردند و هجرت نکردند، نیست شما را از کارسازی ایشان هیچ چیز؛ تا آنکه هجرت کنند و اگر مدد طلب کنند از شما در کار دین، پس لازم است بر شما یاری کردن، مگر بر جماعتی که میان شما و میان ایشان عهد باشد و خدا به آنچه می کنید بیناست.
۷۳. و آنان که کافر شدند، بعضی ایشان کارسازان بعضی اند، اگر نکنید ای مسلمانان! این کار را،<sup>۶</sup> باشد فتنه در زمین و فساد بزرگ.
۷۴. و آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا و آنان که جای دادند و نصرت کردند، این جماعت، ایشانند مؤمنان به حقیقت؛ ایشان راست آمرزش و روزی نیک.
۷۵. و آنان که ایمان آوردند پس از این و هجرت نمودند و جهاد کردند همراه شما، این گروه نیز از شماست و خداوندان قرابت، بعضی ایشان را نزدیک تراند به بعضی در حکم خدا،<sup>۷</sup> هر آینه خدا به همه چیز داناست.

۱ مترجم گوید: چون این آیت نازل شد، واجب گشت ثبات با ده چندان از کفار، بعد از آن منسوخ شد به وجوب ثبات در مقابله دو چند؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: صحابه از اسیران بدر فدا گرفتند به اجتهاد خویش و مرضی نزدیک خدای تعالی، قتل این جماعت بود؛ لیکن چون به نص صریح ممنوع نشده بود، عفو فرمود این آیت نازل شد.

۳ یعنی حکم غیر منصوص و مقدر در لوح محفوظ؛ والله اعلم.

۴ تعریض است به عباس بن عبدالمطلب.

۵ یعنی مهاجر و انصار با یکدیگر باید که نصرت دهند و مواخات کنند.

۶ یعنی دوستی را با یکدیگر.

۷ یعنی صله و توارث میان اهل قرابت که اصحاب فروض و عصبانند، لازم است؛ والله اعلم.



۹. سوره توبه

در مدینه نازل شده و آن یکصد و بیست و نه آیت است

۱. قطع معامله است از جانب خدا و رسول او به سوی آنان که عهد بسته بودید با ایشان از مشرکان.<sup>۱</sup>
۲. پس سیر کنید ای مشرکان! در زمین چهار ماه و بدانید که شما نه عاجز کننده خدایید و بدانید آنکه خدا رسواکننده کافران است.
۳. و خبر رسانیدن است از جانب خدا و رسول او به سوی مردمان، روز حج بزرگ، که خدا بیزار است از مشرکان و رسول او نیز بیزار است. پس اگر توبه کنید، پس آن بهتر است شما را و اگر روی بگردانید، پس بدانید که شما نه عاجز کننده خدایید، و خبر ده کافران را به عذاب درد دهند.
۴. مگر آنان که با ایشان عهد بسته بودید از مشرکان، باز کمی نکردند با شما در چیزی و مدد ندادند بر شما کسی را، پس به وفا رسانید به سوی ایشان عهد ایشان را تا مدت ایشان، هر آینه خدا دوست می‌دارد پرهیزگاران را.
۵. پس چون آخر شوند ماه‌های حرام،<sup>۲</sup> پس بکشید مشرکان را هر جاکه یابید ایشان را و بگیرید ایشان را و بند کنید ایشان را و بنشینید برای ایشان به هر کمینگاه. پس اگر توبه کنند و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را، پس بگذارید راه ایشان را، هر آینه خدا آمرزنده مهربان است.
۶. و اگر کسی از مشرکان طلب امان کند از تو، پس امان بده او را تا بشنود قرآن، باز برسان او را به جای ایمنی وی؛ این به سبب آن است که ایشان گروهی هستند که نمی‌دانند.<sup>۳</sup>
۷. چگونه بود مشرکان را عهد نزدیک خدا و نزدیک رسول او؟ إلا آنان که عهد بسته بودید با ایشان نزدیک مسجد حرام،<sup>۴</sup> پس مادام که بر عهد ثابت باشند برای شما، شما نیز ثابت باشید برای ایشان. هر آینه خدا دوست می‌دارد پرهیزگاران را.
۸. چگونه بود مشرکان را عهد؟ و اگر غالب آیند بر شما، نگاه ندارند در باب شما حق خویشی را و نه عهد را، رضامند می‌سازند شما را به دهان خویش و قبول نمی‌کند دل ایشان و بیشترین ایشان فاسقانند.

۱ مترجم گوید: سال نهم، حضرت پیغامبر، صلی‌الله علیه و سلم، علی مرتضی را در موسم حج فرستاد تا عهود مشرکان را براندازد؛ الا چهار ماه ایشان را فرصت داد تا در امر خود تأمل کنند، مگر دو فرقه بنی ضمروه و بنوکنانه که خیانت در عهد نکرده بودند؛ پس خدای تعالی عهد ایشان را تا میعاد آن مقرر داشت و تا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرک به حج نیاید و هیچ برهنه طواف کعبه نکند و اوائل سوره برائت بر ایشان برخواند؛ والله اعلم.

۲ یعنی آن چهار ماه که ایشان را فرصت داده بودند.

۳ مترجم گوید: آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، با کفار قریش صلح کرده بودند و ایشان در مقام عذر آمده، برکشتن خلفای آن حضرت اعانت نمودند و این صورت، سبب فتح مکه شد. خدای تعالی برای ترغیب بر غزوه فتح، آیات فرستاد.

۴ یعنی قریش که در حدیبیه به ایشان، صلح واقع شده بود.

۹. خرید کردند به آیت‌های خدا بهای اندک<sup>۱</sup> را، پس بازداشتند مردمان را از راه خدا، هر آینه ایشان بدکاری است که می‌کردند.
۱۰. نگاه نمی‌دارند در باب هیچ مسلمانی حق خویشی را و نه عهد را و آن جماعت، ایشانند از حد درگذشتگان.
۱۱. پس اگر توبه کنند و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را، پس ایشان برادران شمایند در دین و واضح می‌سازیم آیات را برای گروهی که می‌دانند.
۱۲. و اگر بشکنند سوگندان خویش را پس از عهد بستن خویش و طعنه زنند در دین شما، پس کارزار کنید با پیشوایان کفر. هر آینه سوگند نیست ایشان را، بود که ایشان بازمانند.
۱۳. آیا جنگ نمی‌کنید با گروهی که شکستند سوگندان خویش را و قصد کردند جلا وطن ساختن پیغامبر را و ایشان ابتدا کردند در نقض تعهد با شما اول مرتبه؟ آیا می‌ترسید از ایشان؟ پس خدا سزاوارتر است به آنکه بترسید از وی، اگر مسلمانی.
۱۴. جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را خدا به دست شما و رسوا سازد ایشان را و فتح دهد شما را بر ایشان و شفا بخشد سینه‌های گروه مسلمانیان را.
۱۵. و دور کند اندوه دل ایشان را و به رحمت بازگردد خدا بر هر که خواهد و خدا دانای استوار کار است.
۱۶. آیا گمان کردید که گذاشته شوید<sup>۲</sup> و هنوز متمیز نساخته است خدا آنان را که جهاد کرده‌اند از شما و نگرفته‌اند بجز خدا و بجز پیغامبر او و بجز مؤمنان، هیچ دوست پنهانی؟ و خدا داناست به آنچه می‌کنید.
۱۷. روا نباشد مشرکان را که آباد سازند مسجدهای خدا را، اعتراف کرده بر خود به کفر. آن جماعت، باطل شد عمل‌های ایشان و در آتش، همه همیشه باشندگانند.<sup>۳</sup>
۱۸. جز این نیست که عمارت می‌کند مسجدهای خدا را کسی که ایمان آورد به خدا و به روز آخر و برپا داشته نماز را و داده است زکات را و نترسیده است مگر از خدا، پس توقع است که این جماعت از راه یافتگان باشند.
۱۹. آیا کردید آب نوشانیدن حاجیان را و آباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسی که ایمان آورده است به خدا و روز آخر و جهاد کرده است در راه خدا؟ برابر نیستند نزدیک خدا و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را.
۲۰. آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا به اموال خویش و جان خویش، بزرگترند در مرتبه نزدیک خدا و این جماعت، ایشانند مطلب یابان.
۲۱. مژده می‌دهد ایشان را پروردگار ایشان به رحمت از نزدیک خود و به خشنودی و به بوستان‌ها که ایشان را در آنجانعمت دایم بود.
۲۲. باشندگان آنجا همیشه، هر آینه خدا نزدیک اوست مزد بزرگ.
۲۳. ای<sup>۴</sup> مسلمانیان! دوست بگیرید پدران خود را و برادران خود را، اگر اختیار کنند کفر را بر ایمان، و هر که از شما دوستی دارد با ایشان، پس آن جماعت، ایشانند ستمکاران.
۲۴. بگو: اگر هستند پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان شما و خویشاوندان شما و آن مال‌هایی که کسب کرده‌اید آن را و تجارتی که می‌ترسید از بی‌رواجی آن و

۱ یعنی تابع شهوات نفس شدند، ایمان را ترک کردند.

۲ یعنی تکلیف جهاد نشود.

۳ مترجم گوید: تعریض است به جواب مفاخرت قریش به عمارت مسجد حرام.

۴ مترجم گوید: بعد غزوه فتح در ترغیب بر جهاد مشرکین و اهل کتاب نازل شد.

- منزل‌ها که پسند می‌کنید آن را، دوست‌تر نزدیک شما از خدا و رسول او و از جهاد در راه او، پس منتظر باشید تا آنکه بیارد خدا عقوبت خود را و خدا راه نمی‌نماید گروه فاسقان را.
۲۵. هر آینه<sup>۱</sup> فتح داد شما را خدا در جاهای بسیار و روز حُنین نیز، چون به شگفت آورد شما را بسیاری شما، پس دفع نکرد آن بسیاری، از شما چیزی را و تنگ شد بر شما زمین، با وجود فراخی آن؛ پس برگشتید پشت داده.
۲۶. باز فرورفتاد خدای تعالی تسکین خود را بر پیغامبر خود و بر مؤمنان؛ و فرورفتاد لشکرهایی که شما ندیدید ایشان را و عقوبت کرد کافران را و این است جزای کافران.
۲۷. باز به رحمت بازگردد خدا بعد از این بر هر که خواهد،<sup>۲</sup> و خدا آمرزنده مهربان است.
۲۸. ای مسلمانان! جز این نیست که مشرکان پلیدند؛ پس باید که نزدیک نشوند به مسجد حرام بعد از این سال و اگر می‌ترسید از درویشی،<sup>۳</sup> پس توانگر خواهد ساخت شما را خدا از فضل خود اگر خواهد، هر آینه خدا دانای درستکار است.<sup>۴</sup>
۲۹. جنگ کنید با آنان که ایمان نمی‌آرند به خدا و نه به روز آخر و حرام نمی‌شمرند آنچه حرام کرده است خدا و پیغامبر او و اختیار نمی‌کنند دینِ درست را از اهل کتاب تا آنکه بدهند جزیه را از دست خود، خوارشدگان.
۳۰. و گفتند یهود که: غُزیر پسر خداست و گفتند نصاری که مسیح پسر خداست. این قول ایشان است به دهان خود؛<sup>۵</sup> مشابهت کرده‌اند با سخن قومی که کافر شدند پیش از این.<sup>۶</sup> لعنت کرد ایشان را خدا چگونه برگردانیده می‌شوند؟!<sup>۷</sup>
۳۱. اله دانشمندان خود را و زاهدان خود را خدایانی بجز «الله»، و اله گرفتند مسیح پسر مریم را و نفرموده شده‌اند مگر آنکه عبادت کنند یک خدا را. نیست معبودی بجز وی، پاک است وی از آنکه شریک او مقرر می‌کنند.
۳۲. می‌خواهند که فرونشانند نور خدا را به دهان خود<sup>۸</sup> و قبول نکنند خدا الا آنکه تمام سازد نور خود را و اگرچه ناخوش شوند کافران.
۳۳. همونست آنکه فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دینِ راست، تا غالب کندش بر ادیان همه آن، اگرچه ناخوش شوند مشرکان.
۳۴. ای مسلمانان! هر آینه بسیاری از دانشمندان اهل کتاب و زاهدان اهل کتاب می‌خورند اموال مردمان را به باطل و بازمی‌دارند از راه خدا و آنان که ذخیره می‌کنند زر و نقره را و خرج نمی‌نمایند آن را در راه خدا،<sup>۹</sup> پس بشارت ده این جماعت را به عذاب دردناک.

۱ مترجم گوید: در غزوه حنین شکست گونه به مسلمین رو داده بود. بعد از آن خدای تعالی نصرت داد و به جهت تذکیر نعمت، این آیات فرستاد.

۲ یعنی توفیق اسلام دهد هر که را خواهد از کافران؛ والله اعلم.

۳ یعنی به سبب انقطاع سوداگران؛ والله اعلم.

۴ مترجم گوید: خدای تعالی در باب جهاد اهل کتاب و گرفتن جزیه از ایشان می‌فرماید.

۵ یعنی اصلی ندارد.

۶ یعنی مشرکان، که ملائکه را دختران خدا می‌گویند.

۷ یعنی از راه صواب.

۸ یعنی به شبهات تقریر می‌کنند در ابطال دین؛ والله اعلم.

۹ یعنی زکوة نمی‌دهند.

۳۵. روزی که گرم کرده شود<sup>۱</sup> بر آن مال در آتش دوزخ، پس داغ کرده شود به آن پیشانی ایشان را و پهلوی ایشان را و پشت ایشان را و گفته شود: این است آنچه ذخیره نهادید برای خود؛ پس بپشید آنچه ذخیره می کردید.
۳۶. هرآینه شمار ماه‌ها نزدیک خدا دوازده ماه است در کتاب خدا، روزی که آفرید آسمان‌ها و زمین را، از آن جمله چهار ماه حرام است. این است دین درست، پس ستم مکنید در آن چهارماه بر خویشتن<sup>۲</sup> (یعنی به قتل ناحق) و جنگ کنید با مشرکان. همه ایشان، چنانکه ایشان جنگ می کنند با شما، همه شما و بدانید که خدا با متقیان است.
۳۷. جز این نیست که «نسیء» زیادتی است در کفر؛ گمراه گردانیده می شوند به آن کافران. حلال می شمردن آن ماه را یک سال و حرام می شمارند آن را سال دیگر، تا موافقت کنند با شمار آنچه حرام ساخته است خدا، پس حلال سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا. آراسته کرده شده است برای ایشان کردارهای بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را.<sup>۳</sup>
۳۸. ای مسلمانان! چیست شما را که چون به شما گفته می شود بیرون آید در راه خدا، گران شده میل می کنید به سوی زمین؟ آیا رضامند شدید به زندگانی دنیا عوضِ آخرت؟ پس نیست متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی.<sup>۴</sup>
۳۹. اگر بیرون نیایید، عذاب کند شما را عذابی درد دهنده و بدل شما گیرد قومی را بجز شما و زیان نرسانید خدا را هیچ و خدا بر همه چیز تواناست.
۴۰. اگر نصرت ندهید پیغامبر را چه باک، هرآینه نصرت داده است او را خدا آنگاه که بیرون کردنش کافران، دَم دو کس؛ آنگاه که این دو کس در غار بودند، آنگاه که می گفت یار خود را: «انده مخور!» هرآینه خدا با ماست. پس فروفرستاد خدا تسکین خود را بر پیغامبر و قوتِ دادش به لشکرهایی که ندیدید آن را و ساخت سخن کافران را فروتر و سخن خدا همان است بلند و خدا غالب درستکار است.
۴۱. بیرون آید سبکبار و گرانبار<sup>۵</sup> و جهاد کنید به مال خود و جان خود در راه خدا، این بهتر است شما را اگر می دانید.
۴۲. اگر بودی [آنچه به آن دعوت می کنی] نفع قریب الحصول و سفری آسان، پیروی می کردند تو را ولیکن دور نمود ایشان را مسافتِ راه و سوگند خواهند خورد به خدا

۱ یعنی دمیده شود.

۲ مترجم گوید: در دین حضرت ابراهیم مقرر بود که در محرم و رجب و ذیقعدة و ذی الحجه با یکدیگر جنگ نکنند. اهل جاهلیت این حکم را تحریف کرده گاهی صفر را محرم می ساختند و محرم را صفر و علی هذالقیاس و این را نسیء می گفتند. خدای تعالی اصل این حکم را باقی داشت؛ به این وجه که جنگ ناحق هیچ‌گاه درست نیست و درین ماه‌ها حرمت آن مغلظ می شود و جنگ با کافران همه وقت درست است. و نفی تحریف ایشان فرمود.

۳ یعنی به قتل ناحق.

۴ مترجم گوید: آن حضرت، صلی الله علیه و سلم، در وقت عسرت و گرمی هوا متوجه غزوه تبوک شدند و بسیاری از صحابه موافقت کردند و از مسلمین سه کس به غیر عذر، تخلف کردند و توبه ایشان بعد پنجاه روز قبول افتاد و از منافقان، کلمات نفاق سر برزد. خدای تعالی در مدح اینان و ذم آنان و عفو از آن سه کس آیات فرستاد.

۵ یعنی ابوبکر صدیق را.

۶ یعنی در حالی که اسباب و حشم بسیار دارید یا بجز قدر ضروری به دست شما نباشد و به این توجیه آیت محکم باشد غیر منسوخ؛ والله اعلم

- که اگر می توانستیم، بیرون می آمدیم با شما. هلاک می کنند خویش را<sup>۱</sup> و خدا می داند که ایشان دروغگویند.
۴۳. عفو کند خدا از تو! چرا دستوری دادی ایشان را منع اذن تا آن وقت بود که هویدا شوند برای تو راستگویان و بدانی دروغگویان را.
۴۴. دستوری نمی طلبند از تو آنان که ایمان آوردند به خدا و روز آخر در تخلف از آنکه جهاد کنند به اموال خویش و جان خویش و خدا داناست به متقیان.
۴۵. جز این نیست که دستوری می طلبند از تو آنان که ایمان نمی آرند به خدا و روز آخر و شک آورده است دل ایشان، پس ایشان در شک خود سرگردان می شوند.
۴۶. و اگر خواستندی بیرون آمدن، مهیا می کردند برای سفر، سامان ولیکن ناپسند داشت خدا برانگیختن ایشان، پس از حرکت بازداشت ایشان را و گفته شد: بنشینید با نشینندگان.<sup>۲</sup>
۴۷. اگر برمی آمدند میان شما، نمی افزودند در حق شما مگر فساد را و البته مرکب می تاختند میان شما فتنه جویان در حق شما<sup>۳</sup> و میان شما سخن شنواند از ایشان<sup>۴</sup> و خدا داناست به ستمکاران.
۴۸. هرآینه طلب کرده بودند فتنه را پیش از این و بگردانیدند برای تو مصلحت ها، تا آنکه بیامد نصرت حق و غالب شد کار خدا و ایشان ناخواهان بودند.
۴۹. و از ایشان کسی است که می گوید: دستوری ده مرا و در فتنه مینداز مرا.<sup>۵</sup> آگاه شو که در فتنه افتاده اند و هرآینه دوزخ در برگیرنده است کافران را.
۵۰. و اگر برسد به تو نعمتی، ناخوش کند ایشان را و اگر برسد به تو مصیبتی، گویند: به دست آوردیم مصلحت خود پیش از این<sup>۶</sup> و برگردند شادمان شده.
۵۱. بگو: هرگز نرسد به ما مگر آنچه نوشته است خدا برای ما. اوست کارساز ما و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان.
۵۲. بگو: انتظار نمی برید در حق ما مگر یکی از دو خصلت نیک را<sup>۷</sup> و ما انتظار می کشیم در حق شما که برساند خدا به شما عذاب را از نزدیک خود یا به دست ما. پس انتظار کشید، هرآینه ما با شما منتظرانیم.
۵۳. بگو: ای منافقان! خرج کنید به خوشی یا ناخوشی، هرگز قبول کرده نخواهد شد از شما؛ هرآینه شما هستید قوم فاسقان.
۵۴. و باز نداشت ایشان را از آنکه قبول کرده شود از ایشان خرج ایشان، الا آنکه ایشان کافر شدند به خدا و رسول او و نمی آیند به نماز، مگر کاهلی کنان و خرج نمی کنند، مگر ناخواهان.

۱ یعنی به سوگند دروغ..

۲ و این تصویر است القای عزم مختلف را در خاطر ایشان.

۳ یعنی سعی در فتنه می کردند.

۴ یعنی سخن ایشان قبول می کنند.

۵ یعنی مرا در بلاد روم میرید که جمال رومیان دیده، مفتون خواهم شد؛ والله اعلم.

۶ یعنی پنهان با اعدا موافقت کرده ایم یا از سفر تخلف نموده ایم؛ ما را هیچ باک نیست؛ والله اعلم.

۷ یعنی فتح یا شهادت.

۵۵. پس به شگفت نیارد تو را اموال ایشان و نه فرزندان ایشان. جز این نیست می خواهد خدا که عذاب کند ایشان را به آنها در زندگانی دنیا<sup>۱</sup> و برآید جان ایشان و ایشان کافر باشند.
۵۶. و سوگند می خورند به خدا که ایشان از جرگه شما نیستند و نیستند ایشان از شما ولیکن ایشان جماعتی هستند که می ترسند.
۵۷. اگر ببابند پناهی را یا غارها را یا جای درآمدن راه، متوجه شوند به آن شتاب کنان.
۵۸. و از ایشان کسی هست که عیب می کند تو را در قسمت صدقات، پس اگر داده شود ایشان را از آن، خشنود شوند و اگر داده نشوند از آن، ناگهان ایشان خشم می گیرند.
۵۹. و اگر ایشان رضامند می شدند به آنچه داده است ایشان را خدا و رسول او و می گفتند: بس است ما را خدا، خواهد داد ما را خدا از فضل خود و رسول او، هر آینه ما به سوی خدا توقع دارند گانیم، [بهتر بودی].
۶۰. جز این نیست که صدقه‌ها برای فقیران است و بی‌نویبان و کارکنان بر جمع صدقات و آنان که الفت داده می شود دل ایشان را<sup>۲</sup> و برای خرج کردن در آزادی برده‌ها و برای وام داران و برای خرج کردن در راه خدا<sup>۳</sup> و برای مسافران است. حکم ثابت شده از نزدیک خدا و خدا دانای درستکار است.
۶۱. و از ایشان آنانند که می دهند آزار پیغمبر را و می گویند: وی سبک گوش است! بگو: وی سبک گوش نیکو است برای شما، باور می کند گفته خدا را و قبول می کند مشورت مسلمانان را و رحمت است برای اهل ایمان از شما، و آنان که ایذا می دهند پیغمبر خدا را، ایشان راست، عذاب درد دهنده.
۶۲. سوگند می خورند به خدا برای شما تا رضامند کنند شما را و خدا و رسول او سزاوارترند به آنکه رضامند سازند آن را، اگر مسلمانند.
۶۳. آیا نمی دانند که هر که خلاف کند با خدا و رسول او، پس هر آینه او راست آتش دوزخ، جاویدان آنجا؟ این است رسوایی بزرگ.
۶۴. می ترسند منافقان از آنکه فرود آورده شود بر مسلمانان سوره‌ای که خبر دهد ایشان را به آنچه در دل منافقان است. بگو: مسخره کنید! هر آینه خدا پدید آورنده است چیزی را که می ترسید.
۶۵. و اگر سؤال کنی ایشان راه، گویند: جز این نیست که ما در هزل شروع می نمودیم و بازی می کردیم. بگو: آیا به خدا و آیت‌های او و پیغمبر او تمسخر می کردید؟!
۶۶. عذر مگویند، هر آینه شما کافر شدید بعد از ایمان خود.<sup>۴</sup> اگر درگذریم از سر گروهی از شما، البته عذاب کنیم گروهی را به سبب آنکه ایشان گناهکار بودند.
۶۷. مردان منافق و زنان منافق، بعضی ایشان از جنس بعضی اند؛ می فرمایند به کار ناپسندیده و منع می کنند از کار پسندیده و می بندند دست‌های خود را. فراموش کردند خدا را پس خدا فراموش ساخت ایشان راه، هر آینه منافقان ایشانند فاسقان.

۱ یعنی مشقت جمع مال و حفظ اولاد و تأسف بر آنچه فوت شود؛ والله اعلم.

۲ یعنی ضعیف الإسلام.

۳ یعنی جهاد.

۴ یعنی هر چه کسی گوید قبول می کند.

۵ یعنی ایمان به زبان خود.

۶۸. وعده داده است خدا مردان منافق را و زنان منافق را و کافران را آتش دوزخ، همیشه باشندگان در آنجا. دوزخ بس است ایشان را و لعنت کرد ایشان را خدا و ایشان راست، عذاب دایم.
۶۹. مانند آنان که پیش از شما بودند زیادتیر از شما در قوت و بیشتر در اموال و اولاد. پس بهره‌مند شدند به نصیبه خویش.<sup>۱</sup> پس شما نیز بهره‌مند شدید به نصیبه خویش، چنانکه بهره‌مند شدند آنان که پیش از شما بودند به نصیبه خویش و شروع در هزل کردید، چنانکه ایشان شروع در هزل کردند. آن جماعت، نابود شده عمل‌های ایشان در دنیا و آخرت و آن جماعت، ایشانند زیانکاران.
۷۰. آیا نیامده است به ایشان خبر آنان که پیش از ایشان بودند: قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و اهل مؤتفکات؟ آمدند به ایشان پیغامبران ایشان به نشانه‌های روشن، پس هرگز نشد که خدا ظلم کند بر ایشان ولیکن ایشان بر خویشان ظلم می‌کردند.
۷۱. و مردان مسلمان و زنان مسلمان بعضی ایشان کارساز بعضی‌اند؛ می‌فرمایند به کار پسندیده و منع می‌کنند از کار ناپسندیده و برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و فرمانبرداری می‌کنند خدا و رسول او را. این جماعت رحمت خواهد کرد بر ایشان خدا، هرآینه خدا غالب درستکار است.
۷۲. وعده کرده است خدا مردان مسلمان و زنان مسلمان را بوستان‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، همیشه باشندگان آنجا و جای‌های پاکیزه در بهشت‌های همیشه ماندن. و خشنودی خدا بزرگتر است از همه، این است فیروزی بزرگ.
۷۳. ای پیغامبر! جهاد کن با کافران<sup>۲</sup> و جهاد کن با منافقان<sup>۳</sup> و درستی کن بر ایشان و جای ایشان دوزخ است و وی بدجایی است.
۷۴. سوگند می‌خورند به خدا که نگفته‌اند، و هرآینه گفته‌اند سخن کفر و کافر شده‌اند بعد اسلام خویش و قصد کردند آنچه نیافتند<sup>۴</sup> و انکار نکردند مگر بر آنکه توانگر ساخت ایشان را خدا و رسول او از فضل خود.<sup>۵</sup> پس اگر توبه کنند بهتر باشد ایشان را و اگر برگردند از توبه، عذاب کند ایشان را خدا به عذاب درد دهنده در دنیا و آخرت و نیست ایشان را در زمین هیچ کارساز و هیچ یاری دهنده.
۷۵. و از ایشان کسی هست که عهد بسته است با خدا: البته اگر بدهد ما را از فضل خود، صدقه دهیم و باشیم از نیکوکاران.
۷۶. پس وقتی که بداد ایشان را از فضل خود، بخیلی کردند به آن و برگشتند، اعراض کنان.
۷۷. پس خدای تعالی عاقبت حال ایشان، ساخت نفاق را در دل ایشان تا روزی که ملاقات کنند با وی. به شامت آنکه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند با وی و به شامت آنکه دروغ می‌گفتند.
۷۸. آیا ندانسته‌اند که خدا می‌داند سخن پنهان ایشان را و راز گفتن ایشان را و آنکه خدا داننده غیب‌هاست؟!

۱ یعنی از دنیا.

۲ یعنی به سیف.

۳ یعنی به زبان.

۴ یعنی ایذای پیغمبر.

۵ و این نوعی از تحکم است؛ والله اعلم.

۷۹. آنان که عیب می‌کنند رغبت کنندگان را از مسلمانان در صدقات و عیب می‌کنند آنان را که نمی‌یابند مگر مشقت خود را<sup>۱</sup> پس تمسخر می‌کنند به ایشان، تمسخر کرد خدا به آن تمسخرکنندگان و ایشان راست، عذاب درد دهنده.
۸۰. آموزش طلب کن برای ایشان یا آموزش طلب مکن برای ایشان؛<sup>۲</sup> اگر آموزش خواهی برای ایشان هفتاد بار، هرگز نیامرزد ایشان را خدا. این به سبب آن است که ایشان کافر شدند به خدا و رسول او و خدا راه نمی‌نماید گروه فاسقان را.
۸۱. شادمان شدند واپس ماندگان به نشستن خویش برخلاف پیغمبر خدا و ناپسند کردند که جهاد کنند به اموال خویش و به جان خویش در راه خدا و گفتند با یکدیگر: بیرون مروید در گرمی. بگو: آتش دوزخ سخت‌تر است در گرمی اگر درمی‌یافتندی [چنین نکردی].
۸۲. پس باید که بخندند اندکی و بگریند بسیار، سزای آنچه می‌کردند.<sup>۳</sup>
۸۳. پس اگر بازآرد تو را خدای تعالی به سوی گروهی از ایشان، پس دستوری طلبند از تو برای بیرون آمدن.<sup>۴</sup> بگو: بیرون نخواهید آمد با من هرگز و جنگ نخواهید کرد همراه من با هیچ دشمنی، هرآینه شما رضامند شدید به نشستن اول بار؛ پس بنشینید با پس ماندگان.
۸۴. و [یا محمد!] نماز مگزار بر هیچ یکی از ایشان که بمیرد؛ هرگز! و مایست بر گور وی، هرآینه ایشان کافر شدند به خدا و رسول او و مُردند و ایشان فاسق بودند.
۸۵. و به شگفت نیارد تو را اموال ایشان و نه فرزندان ایشان. جز این نیست که می‌خواهد خدا که عقوبت کند ایشان را به آن در دنیا و بیرون شود روح ایشان و ایشان کافر باشند.
۸۶. و چون فرود آورده شود سورتی [به این مضمون] که ایمان آرید به خدا و جهاد کنید همراه رسول او، دستوری می‌طلبند از تو خداوندانِ وسعت از ایشان و گویند: بگذار ما را تا باشیم با نشستگان.
۸۷. راضی شدند به آنکه باشند با زنانِ پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان، پس ایشان فهم نمی‌کنند.
۸۸. لیکن پیغامبر و آنان که ایمان آوردند به او، جهاد کردند به اموال خود و جان‌های خود و این جماعت، ایشان راست نیکی‌ها و این جماعت، ایشانند رستگاران.
۸۹. آماده ساخته است خدا برای ایشان بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا. این است فیروزی بزرگ.
۹۰. و آمدند اهل عذر از صحرانشینان تا دستوری داده شود ایشان را و نشستند آنان که دروغ گفتند با خدا و رسول او (یعنی در اظهار اسلام) خواهد رسید به کافران از ایشان عذاب درد دهنده.
۹۱. نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنان که نمی‌یابند چیزی که خرج کنند، هیچ گناهی؛ چون نیکخواهی کنند با خدا و رسول او. نیست بر نیکوکاران هیچ راه عتاب و خدا آمرزنده مهربان است.

۱ یعنی به مزدوری چیزی پیدا می‌کنند و صدقه می‌دهند.

۲ یعنی هر دو صورت یکسان است.

۳ مترجم گوید: مراد خبر است با آنکه در دنیا خواهند خندید و در آخرت خواهند گریست.

۴ یعنی برای احراز غنائم.



۹۲. و نه بر آنان که چون بیايند پيش تو تا سواری دهی ایشان را، گویی: نمی‌یابم آنچه سوار کنم شما را بر آن. بازگردند و چشم ایشان روان باشد به اشک به جهت اندوه که نمی‌یابند چیزی که خرج کنند.
۹۳. جز این نیست که راه عتاب بر آنان است که دستوری می‌طلبند از تو و ایشان توانگراند؛ راضی شدند به آنکه باشند با زنانِ پس‌مانده و مهر نهاد خدا بر دل ایشان، پس ایشان نمی‌فهمند.
۹۴. عذرخواهی کنند پيش شما چون بازآید به سوی ایشان. بگو: عذرخواهی مکنید! باور نکنیم [سخن] شما را. هرآینه آگاه ساخته است ما را خدا به بعض خبرهای شما و خواهد دید خدا و رسول او عمل شما را (یعنی در دنیا) بازگردانیده شوید به سوی داننده نهان و آشکارا، پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید.
۹۵. سوگند خواهند خورد به خدا پيش شما چون بازآید به سوی ایشان، تا روی بگردانید از ایشان. پس شما روی بگردانید از ایشان، هرآینه ایشان پلیدند و جای ایشان دوزخ است، سزای آنچه می‌کردند.
۹۶. سوگند می‌خورند برای شما تا رضامند شوید از ایشان، پس اگر رضامند شوید از ایشان، هرآینه خدا رضامند نشود از گروه فاسقان.
۹۷. صحرائشیمان سخت‌ترند در کفر و نفاق<sup>۱</sup> و سزاوارترند به آنکه ندانند احکام شریعتی را که نازل کرده است خدا بر پیغامبر خود و خدا دانای درستکار است.
۹۸. و از اعراب کسی هست که تاوان می‌شمارد چیزی را که خرج می‌کند و انتظار می‌کشد در حق شما مصایب را. بر ایشان باد مصیبت بد و خدا شنوای داناست.
۹۹. و از اعراب کسی هست که ایمان می‌آرد به خدا و روز آخر و می‌شمارد چیزی را که خرج می‌کند، سبب قربت نزدیک خدا و وسیله دعای نیک پیغامبر. آگاه باش! هرآینه وی قربت است ایشان را. داخل خواهد کرد ایشان را خدا در رحمت خود، هرآینه خدا آمرزنده مهربان است.
۱۰۰. و سبقت‌کنندگان نخستینان از مهاجران و انصار و آنان که پیروی ایشان کردند به نیکوکاری، خشنود شد خدا از این جماعت و ایشان خشنود شدند از وی و آماده ساخت برای ایشان بوستان‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه. این است فیروزی بزرگ.
۱۰۱. و از آنان که حوالی شمايند از اعراب، منافقاند و بعض اهل مدینه خوگر شده‌اند به نفاق. تو نمی‌دانی ایشان را ما می‌دانیم ایشان را، عذاب خواهیم کرد ایشان را دوبار،<sup>۲</sup> باز گردانیده شوند به سوی عذاب بزرگ.
۱۰۲. و دیگران هستند که اقرار کردند به گناهان خود، آمیخته‌اند عمل نیک را با عمل دیگر که بد است. نزدیک است که خدا به رحمت متوجه شود بر ایشان، هرآینه خدا آمرزنده مهربان است.
۱۰۳. بگیر از اموال ایشان زکات تا پاک سازی ایشان را و بابرکت کنی ایشان را به آن و دعای خیر کن بر ایشان، هرآینه دعای تو سبب آرام است ایشان را و خدا شنوای داناست.
۱۰۴. آیا ندانسته‌اند که خدا همون توبه قبول می‌کند از بندگان خود و می‌گیرد صدقات را و آنکه خدا همونست توبه پذیرنده مهربان؟

۱ یعنی به نسبت اهل شهر.

۲ یعنی در میان مسلمانان، ذلیل شوند و در اموال و اولاد، آفات بینند.

۱۰۵. و بگو: عمل کنید پس خواهد دید خدا و رسول او و مؤمنان عمل شما را و گردانیده خواهد شد به سوی داندۀ پنهان و آشکارا، پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید.
۱۰۶. و دیگرانند موقوف داشته شده بر فرمان خدا. یا این است که عذاب کند ایشان را یا به رحمت متوجه شود بر ایشان و خدا دانای درستکار است.
۱۰۷. و از ایشان آنانند که ساخته‌اند مسجدی برای زیان رسانیدن و به جهت کفر و برای تفرقه افکندن میان مسلمانان و کمینگاه ساختن برای آنان که جنگ کرده‌اند با خدا و رسول او پیش از این؛ و البته سوگند خورند که نخواستیم مگر خصلت نیک را و خدا گواهی می‌دهد که ایشان دروغ‌گویانند.<sup>۱</sup>
۱۰۸. مایست آنجا هرگز! هرآینه مسجدی که بنیاد نهاده شده است بر نیت تقوی از اول روز، بهتر است که ایستاده شوی آنجا؛ آنجا مردانند که دوست می‌دارند که پاک شوند و خدا دوست می‌دارد پاک شوندگان را.
۱۰۹. آیا کسی که بنیاد نهاد عمارت خود را بر ترسکاری از خدا و خشنودی او بهتر است، یا کسی که بنیاد نهاده است عمارت خود را بر کناره زمین رود خورده مستعد افتادن پس افتد با صاحب خود در آتش دوزخ؟ و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را.<sup>۲</sup>
۱۱۰. همیشه باشد عمارت ایشان که بنا کرده‌اند<sup>۳</sup> سبب شک در دل ایشان، مگر آنکه پاره پاره کرده شود دل ایشان را و خدا دانای درستکار است.
۱۱۱. هرآینه خدا خرید کرده است از مسلمانان جان ایشان و مال ایشان را به عوض آنکه ایشان را باشد بهشت. جنگ می‌کنند در راه خدا، پس می‌کشند و کشته می‌شوند. وعده‌ای که لازم است بر خدا به تحقیق در تورات و انجیل و قرآن و کیست وفاکننده‌تر به عهد خویش از خدا؟ پس شادمان باشید به این فروختن خود که معامله کردید به آن و این است فیروزی بزرگ.
۱۱۲. ایشان توبه کنندگانند، عبادت کنندگانند، حمد گویندگانند، سفر در راه خدا کنندگانند، رکوع و سجود کنندگانند، فرمایندگانند به کار پسندیده و منع کنندگانند از ناپسندیده و نگاه دارندگانند احکام خدا را. و مؤدبه ده، مسلمانان را.
۱۱۳. روا نبود پیغامبر را و نه مسلمانان را که طلب آموزش کنند برای مشرکان و اگرچه دارای خویشاوندی باشند، بعد از آنکه ظاهر شد ایشان را که آن گروه، باشندگان دوزخند.
۱۱۴. و نبود آموزش خواستن ابراهیم برای پدر خود، مگر از جهت وعده‌ای که کرده بودش با وی؛ پس چون روشن شد برای ابراهیم که وی دشمن خدا است، بیزار شد از وی، هرآینه ابراهیم دردمند بردبار بود.
۱۱۵. و هرگز نیست که خدا گمراه کند قومی را؛ بعد از آنکه راه نموده باشد ایشان را، تا آنکه واضح سازد بر ایشان آنچه از آن پرهیز کنند، هرآینه خدا به هر چیز داناست.<sup>۴</sup>

۱ مترجم گوید: جماعتی از منافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد تا تفریق مسلمین باشد و کمین‌گاه کافران. خدای تعالی به هدم آن امر فرمود؛ والله اعلم.

۲ عمارت ساختن بر اساس تقوی کنایت است از اخلاص در اعمال و عمارت ساختن بر کناره رود خورده، کنایت از ریا و عجب در اعمال؛ والله اعلم.

۳ یعنی مسجد ضرار.

۴ یعنی در حساب گمراهان نمی‌شمارد قومی را.

۵ یعنی تا پیغامبر نباید تبلیغ نکند، معذوراند. (فتح).

۱۱۶. هرآینه خدا وی راست پادشاهی آسمانها و زمین، زنده می‌کند و می‌میراند و نیست شما را بجز وی هیچ کارسازی و یاری‌دهنده‌ای.
۱۱۷. هرآینه به رحمت متوجه شد خدا بر پیغامبر و آن مهاجران و انصار که پیروی وی کردند در وقت تنگدستی، بعد از آنکه نزدیک بود که از جای برود دل گروهی از ایشان، باز به رحمت متوجه شد بر ایشان، هرآینه وی بر ایشان بخشاینده مهربان است.
۱۱۸. و بر آن سه کس که موقوف داشته شدند تا آنکه تنگ شد بر ایشان زمین با وجود فراخی آن و تنگ شد بر ایشان جان‌های ایشان و دانستند که پناهگاهی نیست از خدا مگر به سوی او، باز خدا به رحمت متوجه شد بر ایشان، تا ایشان رجوع کنند.<sup>۱</sup> هرآینه خدا توبه‌پذیرنده مهربان است.
۱۱۹. ای مسلمانان! بترسید از خدا و باشید با راستگویان.
۱۲۰. لایق نبود اهل مدینه را و آنان را که حوالی ایشانند از اعراب، که بازپس مانند از همراهی رسول خدا و نه آنکه رغبت کنند در حفظ خویش [اعراض کرده] از ذات رسول خدا. این به سبب آن است که نمی‌رسد به ایشان تشنگی و نه رنج و نه گرسنگی در راه خدا و نسپرند جایی که به خشم آرد کافران را و به دست نمی‌آزند از دشمن هیچ دستبُردی، مگر نوشته شود برای ایشان به سبب آن عمل صالح، هرآینه خدا ضایع نمی‌کند مزد نیکوکاران را.
۱۲۱. و خرج نمی‌کنند هیچ خرج را اندکی و نه بسیاری و طی نمی‌کنند هیچ میدانی را مگر که نوشته شود برای ایشان [عمل صالح] تا جزا دهد ایشان را خدا در مقابله نیکوترین آنچه می‌کردند.
۱۲۲. و ممکن نیست مؤمنان را که برآیند<sup>۲</sup> همه یکجا، پس چرا بیرون نیامدند از هر جمعی از ایشان چند کس تا دانشمند شوند در دین و تا بیم کنند قوم خود را چون بازآیند به سوی ایشان، بُوَد که ایشان بترسند.<sup>۳</sup>
۱۲۳. ای مسلمانان! جنگ کنید با آنان که نزدیک شمایند از کافران و باید که کافران ببابند در شما درشتی را و بدانید که خدا با متقیان است.
۱۲۴. و چون فرود آورده شود سورتی، پس از منافقان کسی هست که می‌گوید: در حقّ کدام یک از شما افزون کرده است این سوره ایمان را؟ پس اما اهل ایمان، پس به تحقیق زیاده کرده است در حقّ ایشان ایمان را و ایشان شادمان می‌شوند.
۱۲۵. و اما آنان که در دل ایشان بیماری است، پس زیاده کرده است در حقّ ایشان پلیدی را همراه پلیدی ایشان و مردند و ایشان کافر بودند.
۱۲۶. آیا نمی‌بینند که ایشان عقوبت کرده می‌شوند در هر سال یک بار یا دوبار،<sup>۴</sup> باز توبه نمی‌کنند و نه ایشان پند می‌گیرند.

۱ یعنی به مقام قریب.

۲ یعنی به طلب علم.

۳ یعنی طلب علم دین، فرض کفایه است.

۴ یعنی با امراض و مصائب.

۱۲۷. و چون فرود آورده شود سورتی،<sup>۱</sup> نظر کند بعضی ایشان به بعضی [از جهت شرمندگی و می گوید:] آیا می بیند هیچ کس شما را؟ پس باز گردند.<sup>۲</sup> باز گردانیده است خدا دل ایشان را به سبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی دانند.
۱۲۸. ای مسلمانان! آمده است به شما پیغامبری از قبيله شما، دشوار است بر وی رنج شما، حریص است بر هدایت شما، به مسلمانان بخشاینده مهربان است.
۱۲۹. پس اگر باز گردند، بگو: بس است مرا خدا، هیچ معبود نیست بجز وی، بر وی توکل کردم و او خداوند عرش بزرگ است.<sup>۳</sup>

## ۱۰. سوره یونس

در مکه نازل شده و آن یکصدونه آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الر، این آیت‌های کتاب با حکمت است.
۲. آیا عجیبی شد مردمان را که وحی فرستادیم به سوی مردی از ایشان که بیم کن مردمان را و بشارت ده مسلمانان را به آنکه ایشان را هست پایه درست نزد پروردگار ایشان؟ گفتند کافران: هر آینه این شخص، جادوگر آشکار است.
۳. هر آینه پروردگار شما خدایی است که آفرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز، باز مستقر شد بر عرش، تدبیر می کند کار را. نیست هیچ شفاعت کننده‌ای مگر بعد دستور وی. این است خدا، پروردگار شما، پس بپرستید او را، آیا پند نمی گیرید؟
۴. به سوی اوست رجوع شما همه یکجا، وعده کرده است خدا وعده درست، هر آینه وی اول بار کند آفرینش را، باز دیگر بار کندش، تا جزا دهد آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به انصاف و آنان که کافر شدند ایشان راست آشامیدنی از آب گرم و عقوبت درد دهنده به سبب آنکه کافر بودند.
۵. او آن است که ساخت آفتاب را درخشانده و ماه را روشن و معین کرد برای ماه منزل‌ها را تا بدانید شمار سال‌ها و تا بدانید حساب را. نیافریده است خدای تعالی این را مگر به تدبیر درست. بیان می کند نشانه‌ها را برای گروهی که می دانند.
۶. هر آینه در آمدورفت شب و روز و در آنچه آفریده است خدا در آسمان‌ها و زمین، نشانه‌هاست گروهی را که پرهیزگاری می کنند.
۷. هر آینه آنان که امید ندارند ملاقات ما را و خوشنود شده‌اند به زندگانی دنیا و آرام گرفته‌اند به آن و آنان که ایشان از نشانه‌های ما بی خبرند.
۸. این جماعت، جای ایشان آتش است به سبب آنچه عمل می کردند.
۹. هر آینه آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، راه نماید ایشان را پروردگار ایشان به سبب ایمان ایشان (یعنی به مقامات نجات) می رود زیر ایشان جوی‌ها در بوستان‌های نعمت.

۱ یعنی سوره‌ای که در وی بیان نفاق ایشان باشد.

۲ یعنی به خانه‌های خود.

۳ یعنی چنانکه قادر است عرش را نگاه می دارد و تو را نیز نگاه می دارد از شر کافران و منافقان.

۱۰. دعای ایشان در آنجا «سبحانک اللّهُمَّ»، باشد (یعنی پاکی تو راست بار خدایا) و دعای خیر ایشان با یکدیگر، سلام بود و نهایت دعای ایشان این است که حمد، خدای راست، پروردگار عالم‌ها.
۱۱. و اگر زود رسانیدی خدای تعالی به مردمان سختی را مانند آنکه زود می‌طلبند نعمت را به انجام رسانیده شدی در حق ایشان اجل ایشان، پس می‌گذاریم آنان را که امید ملاقات ما ندارند، سرگردان شده در بیراهی خویش.
۱۲. و چون رنج برسد به آدمی، دعا کند به جناب ما خفته بر پهلوئی خود یا نشسته یا ایستاده، پس آنگاه که برداشتم از وی رنج وی را، برود گویا که نخوانده بود ما را به دفع کردن رنجی که رسیدش. همچنین آراسته کرده شد از حد گذرندگان را آنچه می‌کردند.
۱۳. و هرآینه هلاک کرده‌ایم قرن‌ها را پیش از شما چون ستم کردند و آمدند به ایشان پیغامبران ایشان با نشانه‌های روشن و هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آرند. همچنین جزا می‌دهیم گروه گناهکاران را.
۱۴. باز جانشین ساختیم شما را در زمین پس از ایشان تا ببینیم چگونه کار می‌کنید.
۱۵. و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده، گویند آنان که امید ملاقات ما ندارند: بیار قرآنی بجز این یا تغییر کن او را. بگو: روا نبود مرا که تغییر کنم از جانب خود، پیروی نمی‌کنم الا به آنچه وحی فرستاده شد به سوی من، هرآینه من می‌ترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ.
۱۶. بگو: اگر خواستی خدا، نخواندمی آن را بر شما و خبردار نکردی خدا شما را به آن، هرآینه مانده‌ام میان شما عمری پیش از این، آیا در نمی‌یابید؟
۱۷. پس کیست ستمکارتر از کسی که بریند بر خدا دروغ را یا دروغ شمارد آیات وی را؟ هرآینه سخن این است که رستگار نمی‌شوند گناهکاران.
۱۸. و می‌پرستند بجز خدا چیزی که ضرر نکند ایشان را و سود نرساند به ایشان و می‌گویند: ایشان شفاعت کنندگان مانند نزدیک خدا. بگو: آیا خبردار می‌کنید خدا را به آنچه نمی‌داند در آسمان‌ها و نه زمین؟ پاکی وی راست و برتر است از آنکه شریک مقرر می‌کنند.
۱۹. و نبودند مردمان مگر یک امت،<sup>۱</sup> پس اختلاف کردند<sup>۲</sup> و اگر نبودی کلمه‌ای که سابق صادر شده است از پروردگار تو، فیصله کرده شدی میان ایشان در آنچه اندر آن اختلاف دارند.
۲۰. و می‌گویند: چرا فرورفته‌اند نشده است بر این پیغامبر، نشانه‌ای از پروردگار وی؟ پس بگو: جز این نیست که علم غیب، خدای راست؛ پس انتظار بکنید، هرآینه من با شما از منتظرانم.
۲۱. و چون بپشیمان مردمان را رحمتی پس از سختی که رسیده بود به ایشان، ناگهان ایشان را بداندیشی باشد در نشانه‌های ما.<sup>۳</sup> بگو: خدا زودتر است در تدبیر کردن، هرآینه فرستادگان ما می‌نویسند آنچه بداندیشی می‌کنید.<sup>۴</sup>

۱ یعنی تا موافق عقائد باطله ایشان باشد.

۲ یعنی بر توحید و ملت ابراهیمی.

۳ یعنی به سبب عمرو بن لحي.

۴ یعنی به کفران نعمت.

۵ مترجم گوید: بعد از آن خدای تعالی بیان می‌فرماید کیفیت مکر و کفران نعمت را؛ والله اعلم.

۲۲. اوست آنکه روان می‌کند شما را در خشکی و در دریا تا وقتی که باشید در کشتی‌ها و روان شدند [کشتی‌ها] با سواران خود به باد خوش و شادمان شدند ایشان به آن باد موافق، ناگاه برسد به آن کشتی‌ها بادی تند و بیاید به ایشان موج از هر جا و بدانند ایشان که از هر جهت گرفتار گشتند، دعا کنند به جانب خدا، خالص کرده برای او عبادت راه، که اگر خلاص کنی ما را از این بلا، باشیم از شکرکنندگان.
۲۳. پس چون خلاص ساخت ایشان راه، ناگهان ایشان بیراهی می‌کنند در زمین به ناحق. ای مردمان جز این نیست که بیراهی شما زیان بر جان شماست. یافتید بهره زندگانی دنیا، باز به سوی ما رجوع شماست، پس خبردار کنیم شما را به آنچه می‌کردید.
۲۴. جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آبی است که فرود آوردیمش از آسمان، پس درهم آمیخت به سبب وی رویدگی زمین از آنچه می‌خورند مردمان و چهارپایان تا وقتی که به دست آورد زمین پیرایه خود را و آراسته شد و گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان توانایند بر ارتفاع از آن. ناگهان بیامد به زمین فرمان ما در شب یا در روز، پس گردانیدیم آن را مثل زراعت از بیخ بریده، گویا نبود دیروز، همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها را برای گروهی که تأمل می‌کنند.
۲۵. و خدا می‌خواند به سوی سرای سلامتی و دلالت می‌کند هر که را خواهد به سوی راه راست.
۲۶. آنان را که نیکوکاری کردند، حالت نیک باشد و زیادتی بر آن<sup>۱</sup> و نپوشد روی ایشان را هیچ سیاهی و نه هیچ خواری. این جماعت؛ اهل بهشت‌اند؛ ایشان آنجا جاوید باشندگانند.
۲۷. و آنان را که به عمل آوردند کردارهای بد، جزای بدی مثل آن است و بپوشد ایشان را خواری. نباشد ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا پوشانیده شده است روهای ایشان به پاره‌های شب تاریک آمده. این جماعت، اهل آتش‌اند؛ ایشان آنجا جاوید باشندگانند.
۲۸. و بترسید از روزی که برانگیزیم ایشان را همه یکجا، باز گوئیم مشرکان را بایستید به جای خود شما و آنان که شما ایشان را شریک خدا ساخته‌اید، پس تفرقه اندازیم میان ایشان و گویند شریکان ایشان که: شما ما را نمی‌پرستیدید.
۲۹. پس بس است خدا گواه، میان ما و میان شما، هر آینه ما بودیم از پرستش شما بی‌خبر.
۳۰. آنجا دریابد هر شخصی آنچه پیش فرستاده بود و گردانیده شوند به سوی خدا، مالک حقیقی ایشان و گم شد از ایشان آنچه افترا می‌کردند.
۳۱. بگو: که روزی می‌دهد شما را از جانب آسمان و زمین؟ آیا کیست که خداوند باشد گوش و چشم را<sup>۱</sup> و کیست که بیرون آرد زنده را از مرده و بیرون آرد مرده را از زنده<sup>۲</sup> و کیست که تدبیر کند کار را؟ خواهند گفت: آن «الله» است؛ پس بگو: آیا حذر نمی‌کنید؟
۳۲. پس این است خدا، پروردگار شما به تحقیق. پس چیست بعد راستی بجز گمراهی؟ پس از کجا برگردانیده می‌شوید؟!
۳۳. همچنین ثابت شد قضای پروردگار تو بر این فاسقان، که ایشان ایمان نیارند.

۱ یعنی رؤیت خدای تعالی.

۲ یعنی خالق گوش و چشم باشد.

۳ یعنی حیوان را از نطفه و نطفه را از حیوان.

۳۴. بگو: آیا هست از شریکان شما کسی که نو کند آفرینش را، باز دوباره کندش؟ بگو: خدا نو می کند آفرینش را باز دوباره کندش، پس از کجا برگردانیده می شوید؟!
۳۵. بگو: آیا هست از شریکان شما کسی که راه نماید به سوی دین حق؟ بگو: الله، همونست که راه می نماید به سوی دین حق، پس کسی که راه نماید به سوی حق، لایق تر است به آنکه پیروی کرده شود، یا کسی که خود راه نمی یابد مگر آن وقت که راه نموده شود وی را؟ پس چیست شما را، چگونه حکم می کنید؟
۳۶. و پیروی نمی کنند بیشتر از ایشان مگر وهم را، هر آینه وهم کفایت نمی کند از معرفت حق، چیزی را. هر آینه خدا داناست به آنچه می کنند.
۳۷. و نیست این قرآن، افترا به غیر حکم خدا ولیکن هست باور دارنده آنچه پیش از وی است و بیان شریعتی است که نوشته شد بر مردمان؛ هیچ شبهه نیست در آن، از پروردگار عالم هاست.
۳۸. آیا می گویند: بر بسته است آن را؟ بگو: پس بیارید سورتی مانند آن و بخوانید هر که را توانید بجز خدا، اگر هستید راستگویان.
۳۹. بلکه دروغ شمرده اند چیزی را که فرا نرسیده اند به دانش وی و هنوز نیامده است به ایشان مصداق وعده وی. همچنین دروغ داشتند آنان که پیش از ایشان بودند. پس بنگر چگونه شد عاقبت ستمکاران.
۴۰. و از ایشان کسی هست که ایمان می آرد به وی و از ایشان کسی هست که ایمان نمی آرد به وی و پروردگار تو داناتر است به مفسدان.
۴۱. و اگر به دروغ نسبت کنند تو را، پس بگو: مراست عمل من و شما راست عمل شما، شما بی تعلیق از آنچه من می کنم و من بی تعلقم از آنچه شما می کنید.
۴۲. و از ایشان کسی هست که گوش می نهد به سوی تو. آیا تو می شنوانی کران را و اگرچه در نمی یافتند!
۴۳. و از ایشان کسی هست که می نگرد به سوی تو. آیا تو راه می نمایی کوران را، اگرچه نمی دیدند؟<sup>۱</sup>
۴۴. هر آینه خدا هیچ ستم نمی کند بر مردمان ولیکن مردمان بر خویشان ستم می کنند.
۴۵. و روزی که برانگیزد خدا ایشان را گویا که درنگ نکرده بودند الا ساعتی از روز، شناسا باشند با یکدیگر. زیانکار شدند آنان که دروغ داشتند ملاقاتِ خدا را و نبودند راه یافتگان.
۴۶. و اگر بنماییم تو را بعض آنچه وعده می کنیم به ایشان یا بمیرانیم تو را، به هر حال به سوی ما رجوع ایشان است، باز خدا مطلع است بر آنچه می کنند.
۴۷. و هر امتی را پیغامبری هست؛ پس چون آمد پیغامبر ایشان، فیصله کرده شود میان ایشان به انصاف و بر ایشان ستم کرده نشود.<sup>۲</sup>
۴۸. و می گویند: کی باشد این وعده اگر هستید راستگویان؟
۴۹. بگو: نمی توانم برای خود زبانی و نه سودی مگر آنچه خواسته است خدا. هر گروهی را میعاد هست؛ چون می آید میعاد ایشان، پس توقف نکنند ساعتی و نه سبقت کنند.
۵۰. بگو: خبر دهید مرا اگر بیاید به شما عذاب او شبانگاه یا به روز، به هر حال چه چیزی را به شتاب می طلبند از آن عذاب، این گناهکاران.

۱ یعنی ایشان مانند کران و کورانند.

۲ یعنی رسل و اتباع ایشان نجات یابند و کافران هلاک شوند.

۵۱. باز وقتی که متحقق شود آیا ایمان آرید به آن [آنگاه گفته شود] آیا اکنون ایمان آوردید و پیش از این به شتاب می طلبیدید آن را.<sup>۱</sup>
۵۲. باز گفته شود ستمکاران را: بچشید عذاب جاوید، جزا داده نمی شوید الا به آنچه می کردید.
۵۳. و می پرسند تو را: آیا درست است این وعده؟ بگو: آری! قسم به پروردگار من، هرآینه وی درست است و شما عاجز کننده نیستید.
۵۴. و اگر باشد هر نفس ستم کننده را آنچه در زمین است، البته فدیة خود دهد آن را و در ضمیر خود دارند پشیمانی، چون بینند عذاب را؛ و فیصل کرده شود میان ایشان به عدل و بر ایشان ستم کرده نشود.
۵۵. آگاه باش هرآینه خدای راست آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه باش هرآینه وعده خدا راست است ولیکن بیشتر ایشان نمی دانند.
۵۶. او زنده می کند و می میراند و به سوی وی گردانیده شوید.
۵۷. ای مردمان! آمده است به شما پندی از پروردگار شما و شفای آن علت را که در سینه هاست و راه نمودنی و بخشایشی، مسلمانان را.
۵۸. بگو: به فضل خدا و به رحمت او، پس به این چیزها باید که شادمان شوند. آن بهتر است از آنچه جمع می کنند.
۵۹. بگو: آیا دیدید چیزی را که فرود آورده است خدا برای شما از جنس روزی، پس ساختید بعض آن را حرام و بعض آن را حلال، بگو: آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا دروغ می بندید؟
۶۰. و چیست گمان آنان که افترا می کنند بر خدا دروغ را به روز قیامت، هرآینه خدا، خداوند فضل است بر مردمان ولیکن بیشتری از ایشان سپاسداری نمی کنند.
۶۱. و نمی باشی در هیچ شغلی و نمی خوانی هیچ آیتی را از طرف خدا آمده و نمی کنی هیچ کاری مگر هستیم بر شما مطلع، چون درمی آید در آن کار، و پوشیده نمی شود از پروردگار تو همسنگ ذره ای در زمین و نه در آسمان و نه خردتر از آن و نه بزرگتر، الا نوشته شده است در کتاب روشن.
۶۲. آگاه باش هرآینه دوستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.
۶۳. آنان که ایمان آوردند و تقوی می کردند.
۶۴. ایشان راست بشارت در زندگانی دنیا<sup>۲</sup> و در آخرت. نیست هیچ تبدیل مر سخنان خدا را. این بشارت، همونست پیروزی بزرگ.
۶۵. و غمگین نکند تو را سخن ایشان، هرآینه غلبه خدا راست همه یکجا. اوست شنوای دانا.
۶۶. آگاه باش هرآینه خدا راست هر که در آسمان هاست و هر که در زمین است و پیروی نمی کنند آنان که پرستش می کنند بجز خدا شریکان را، به حقیقت پیروی نمی کنند مگر وهم را و نیستند مگر دروغگو.
۶۷. اوست آنکه ساخت برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و ساخت روز را روشن، هرآینه در این نشانه هاست گروهی را که می شنوند.

۱ یعنی به استهزا و تکذیب.

۲ یعنی خدا به ایشان چه خواهد کرد در روز قیامت؟

۳ یعنی به رویای صالحه و بشارت.



۶۸. گفتند [کافران]: فرزند گرفته است خدا! پاکی او راست. اوست بی‌نیاز. او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است. نیست نزدیک شما هیچ حاجتی بر این. آیا می‌گویید بر خدا آنچه نمی‌دانید؟!
۶۹. بگو: هر آینه آنان که برمی‌بندند بر خدا دروغ را، رستگار نمی‌شوند.
۷۰. [ایشان را باشد] بهره‌مندی در دنیا، باز به سوی ماست بازگشت ایشان؛ پس بپشیمان ایشان را عذاب سخت به سبب آنکه کفر می‌کردند.
۷۱. و بخوان بر ایشان خبر نوح را چون گفت به قوم خود: ای قوم! من اگر دشوار شده باشد بر شما قیام من و پند دادن من به آیت‌های خدا، پس بر خدا توکل کردم، پس عزیمت درست کنید در کار خود همراه شریکان خویش، پس نباشد کار شما پوشیده بر شما، باز برسانید به سوی من و مهلت مدهید مرا.
۷۲. پس اگر اعراض کردید،<sup>۱</sup> پس نخواستہ بودم از شما هیچ مزد را؛ نیست مزد من مگر بر خدا و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان.
۷۳. پس دروغ داشتندش، پس خلاص ساختیم او را و آنان را که با وی بودند در کشتی و گردانیدیم ایشان را جان‌نشین و غرق کردیم کسانی را که دروغ داشتند آیات ما را، پس بنگر چگونه شد آخر کار بیم کرده شدگان؟
۷۴. باز فرستادیم بعد نوح، پیغامبران را به سوی قوم ایشان، پس آوردند پیش ایشان نشانه‌های روشن را، پس هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آرند به آنچه دروغ داشته بودند آن را پیش از این، همچنین مهر می‌نهیم بر دل از حد گذرندگان.
۷۵. باز فرستادیم بعد از ایشان موسی و هارون را به سوی فرعون و قوم وی با نشانه‌های خویش، پس تکبر کردند و بودند قوم گناهکاران.
۷۶. پس چون آمد به ایشان سخن درست از نزدیک ما، گفتند: هر آینه این سحر ظاهر است.
۷۷. گفت موسی: آیا چنین می‌گویید سخن درست را چون بیامد به شما؟ آیا سحر است این؟ و رستگار نمی‌شوند ساحران.
۷۸. گفتند: آیا آمده‌ای پیش ما تا بازاری ما را از دینی که یافتیم بر آن پدران خود را و تا باشد شما را ریاست در زمین؟ و نیستیم ما شما را باور دارنده.
۷۹. و گفت فرعون: بیارید پیش من هر ساحر دانا را.
۸۰. پس وقتی که آمدند ساحران، گفت ایشان را موسی: بیفکنید آنچه شما افکنده‌اید.
۸۱. پس چون افکندند، گفت موسی: آنچه آورده‌اید سحر است، هر آینه خدا باطل خواهد ساخت آن را. هر آینه خدا راست نمی‌آرد کار مفسدان را.
۸۲. و ثابت خواهد کرد خدا سخن درست را به فرمان خود، اگر چه ناخوش دارند گناهکاران.
۸۳. پس ایمان نیاوردند به موسی مگر جماعتی از قوم وی، با وجود خوف از فرعون و اشراف قبط، که عقوبت کند ایشان را. و هر آینه فرعون سرکشی بود در آن زمین و هر آینه وی از حد گذرندگان بود.
۸۴. و گفت موسی: ای قوم من! اگر ایمان آورده‌اید به خدا، پس بر وی توکل کنید اگر هستید مسلمان.
۸۵. پس گفتند: بر خدا توکل کردیم؛ ای پروردگار ما! مکن ما را لگدکوب قوم ستمکاران.
۸۶. و خلاص کن ما را به رحمت خود از گروه کافران.

۱ یعنی از گفته من چه زیان.

- ۸۷ و وحی فرستادیم به سوی موسی و برادر وی که ساکن کنید قوم خود را به شهر مصر در خانه‌ها و بسازید خانه‌های خود را قبله‌رو<sup>۱</sup> و برپا دارید نماز را و بشارت ده مؤمنان را.
- ۸۸ و گفت موسی: ای پروردگار ما! هرآینه تو داده‌ای فرعون و قبیله او را زینت و مال‌های بسیار در زندگانی دنیا. ای پروردگار ما! تا گمراه کنند (عالم را) از راه تو. ای پروردگار ما! مسخ کن مال ایشان را و مهر کن بر دل ایشان که ایمان نیارند تا ببینند عذاب درد دهنده.
- ۸۹ گفت خدا: هرآینه قبول کرده شد دعای هر دوی شما؛ پس ثابت باشید و پیروی مکنید راه جاهلان را.
- ۹۰ و گذرانیدیم اولاد یعقوب را از دریا؛ پس در عقب ایشان شدند فرعون و لشکر او از راه ستم و تعدی، تا وقتی که رسیدش مشقت غرق، گفت: باور داشتم که نیست هیچ معبود، مگر آنکه ایمان آورده‌اند به وی بنی‌اسرائیل و من از مسلمانانم.
- ۹۱ گفته شد آیا اکنون ایمان آری؟ و نافرمانی کرده بودی پیش از این و بودی از مفسدان.
- ۹۲ پس امروز بر مکان بلند افکنیم تو را به همان جسد تو<sup>۲</sup> (یعنی به غیر تغیر) تا باشی نشانه آنان را که از پس تو آیند و هرآینه بسیاری از مردمان از نشانه‌های ما بی‌خبرانند.
- ۹۳ و هرآینه جا دادیم بنی‌اسرائیل را به مقام نیک و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه‌ها. پس اختلاف نکردند تا آنکه آمد به ایشان دانش (یعنی قرآن)، هرآینه پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می‌داشتند.
- ۹۴ پس اگر در شکی از آنچه فرو فرستادیم به سوی تو، پس پرس آنان را که می‌خوانند کتاب را پیش از تو،<sup>۳</sup> هرآینه آمده است پیش تو وحی درست از پروردگار تو، پس مشو از شک آرنندگان.
- ۹۵ و مباش از آنان که دروغ داشتند آیات خدا را، آنگاه شوی از زیانکاران.
- ۹۶ هرآینه آنان که ثابت شد بر ایشان حکم پروردگار تو، ایمان نیارند.
- ۹۷ و اگر چه بیامد بدیشان هر نشانه‌ای تا آنکه ببینند عذاب درد دهنده.
- ۹۸ پس چرا نشد دیهی که ایمان آرد،<sup>۴</sup> پس سود کندش ایمان وی، مگر قوم یونس؛ چون ایمان آوردند، برداشتیم از ایشان عقوبت رسوایی در زندگانی دنیا و بهره‌مند ساختیم ایشان را تا مدتی.
- ۹۹ و اگر خواستی پروردگار تو، ایمان آوردندی آنان که در زمینند همه ایشان یکجا. آیا تو جبر توانی کرد مردمان را تا مسلمان شوند؟
- ۱۰۰ و روا نبود هیچ شخصی را که ایمان آرد مگر به خواست خدا و می‌اندازد پلیدی را بر آنان که در نمی‌یابند.
- ۱۰۱ بگو: ببینید چه چیز است در آسمان‌ها و زمین و فایده نمی‌کند نشانه‌ها و ترسانندگان، گروهی را که باور نمی‌کنند.
- ۱۰۲ پس انتظار نمی‌کشند مگر مانند مصیبت‌های آنان که گذشتند پیش از ایشان؟ بگو: پس انتظار بکشید، هرآینه من نیز با شما از منتظرانم.

۱ یعنی مساجد البیت بنا کنید.

۲ یعنی به روی آب آریم ترا.

۳ یعنی تا ظاهر شود که بر انبیای سابق نیز وحی نازل می‌شد؛ والله اعلم.

۴ یعنی نزدیک نزول عذاب.

۱۰۳. باز خلاص می‌کنیم پیغامبران خود را و آنان را که ایمان آوردند همچنین. وعده داده‌ایم، وعده درست لازم بر خود که خلاص می‌کنیم مسلمانان را.
۱۰۴. بگو: ای مردمان! اگر هستی‌د در شبهه از دین من، پس (بشنوید) که عبادت نمی‌کنم آن را که شما می‌پرستید بجز خدا ولیکن عبادت می‌کنم آن خدا را که قبض ارواح شما می‌کند و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان.
۱۰۵. و فرموده شد آنکه راست کن روی خود را برای دین حنیف شده و مباش از مشرکان.
۱۰۶. و مخوان بجز خدا چیزی را که سود نکند تو را و زیان نرساند به تو؛ پس اگر بکنی، باشی آنگاه از ستمکاران.
۱۰۷. و اگر برساند خدا به تو رنجی، پس نیست بردارنده آن را مگر او و اگر خواهد در حق تو نعمتی، پس نیست هیچ دفع‌کننده، فضل او را؛ می‌رساندش به هر که خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده مهربان.
۱۰۸. بگو: ای مردمان! آمده است به شما وحی راست از پروردگار شما؛ پس هر که راه یافت، پس جز این نیست که راه یافت برای خود و هر که گمراه شد، پس جز این نیست که گمراه می‌شود به زیان خود و نیستم من بر شما نگاهبان.
۱۰۹. و [یا محمد]، پیروی کن چیزی را که وحی فرستادیم به تو و شکیبایی ورز. تا آنکه فیصل کند خدا و او بهترین فیصل‌کنندگان است.

## ۱۱. سوره هود

در مکه نازل شده و آن یکصد و بیست و سه آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الر، این کتابی است که استوار کرده شد آیات او را، باز واضح کرده شد، آمده از نزد خدای درستکار خبردار.
۲. [به این مضمون که پیغامبر گوید] که عبادت مکنید مگر خدای را، هر آینه من شما را از جانب او بیم‌کننده و بشارت دهنده‌ام.
۳. و آنکه آموزش طلب کنید از پروردگار خود، باز رجوع کنید به سوی وی تا بهره‌مند سازد شما را به بهره نیک تا میعاد معلوم و تا بدهد هر صاحب بزرگی را جزای بزرگی او. و اگر روی گردان شوید، پس هر آینه من می‌ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ.
۴. به سوی خدا است بازگشت شما و او بر همه چیز توانا است.
۵. آگاه باش این کافران می‌پیچند سینه‌های خود را<sup>۱</sup> می‌خواهند که پنهان شوند از خدا. آگاه باش چون بر سر می‌کنند جامه‌های خود را، می‌داند آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکار می‌کنند، هر آینه او داناست به سرّی که مالک سینه‌ها است.<sup>۲</sup>

۱ یعنی اعراض می‌کنند.

۲ مترجم گوید: می‌توان گفت: پیچیدن سینه عبارت از آن است که فکرهای ناصواب کند و به شبهات واهی دلخورد را اطمینان دهد و عقائد حق را فراموش سازد؛ زیرا که صدر اینجا به معنای علوم صدر آمده است.

۶. و نیست هیچ جنبنده در زمین، مگر بر خداست روزی او و می‌داند جای ماندن او را و جای نگاه داشتن او را، هر یک در کتاب روشن است.<sup>۱</sup>
۷. و اوست آنکه آفرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز و بود عرش او بر آب [آخر کار آفریدن شما آنکه] تا بیازماید شما را که کدام کس از شما نیکوتر است از جهت عمل و اگر گویی که هرآینه شما برانگیخته شوید بعد موت، گویند کافران: نیست این سخن مگر جادوی ظاهر.
۸. و اگر بازداریم از ایشان عقوبت را تا مدتی شمرده شده، گویند: چه چیز بازمی‌دارد آن را؟ آگاه باش! روزی که بیاید به ایشان؛ نباشد بازداشته شده از ایشان و فراگیرد ایشان را آنچه استهزا می‌کردند به آن.
۹. و اگر بچشانیم آدمی را نعمتی از نزد خود باز بگیریم آن را از وی، هرآینه وی ناامید و ناسپاس است.
۱۰. و اگر بچشانیم آدمی را رفاهیتی بعد سختی‌ای که رسیده باشد به وی، گوید: برفتند سختی‌ها از من، هرآینه وی شادمان خود ستاینده است.
۱۱. مگر آنان که شکیبایی نمودند و کارهای شایسته کردند؛ آن جماعت؛ ایشان راست‌آمزش و مزد بزرگ.
۱۲. پس شاید تو ترک کنی بعضی آنچه وحی فرستاده می‌شود به سوی تو و تنگ می‌شود به آن سینه تو<sup>۲</sup> از جهت آنکه می‌گویند: چرا نفروود آورده شد بر وی گنجی؟ یا چرا نیامد همراه او فرشته‌ای؟ جز این نیست که تو بیم‌کننده‌ای و خدا بر هر چیز نگاهبان است.
۱۳. آیا می‌گویند: بریسته است قرآن را؟ بگو: پس بیارید ده سوره را مانند این بربافته و بخوانید هر که را توانید بجز خدا، اگر راستگو هستید.<sup>۳</sup>
۱۴. پس اگر قبول نکنند آن کافران سخن شما را، پس بدانید که قرآن نازل کرده شده است به علم خدا و بدانید که هیچ معبود نیست مگر وی. پس آیا شما مسلمان هستید؟<sup>۴</sup>
۱۵. هر که خواسته باشد زندگانی دنیا و تجمل آن، به تمام رسانیم به سوی این جماعت جزای اعمال ایشان را در دنیا و ایشان در اینجا نقصان داده نشوند.<sup>۵</sup>
۱۶. این جماعت، آنانند که نیست ایشان را در آخرت مگر آتش، و باطل شد در [آخرت] آنچه کرده بودند در دنیا. و نابود است آنچه به عمل می‌آوردند.
۱۷. آیا کسی که باشد بر حجّتی از جانب پروردگار خود<sup>۶</sup> و متصل وی، می‌آید گواهی از جانب پروردگار او،<sup>۷</sup> و پیش از قرآن [گواه وی بود] کتاب موسی و بخشایشی، [مثل دیگران باشد]؟ این جماعت ایمان می‌آرند به قرآن و هر که کافر شد به آن از گروه‌ها، پس آتش وعده‌گاه وی است. پس مباش در شبهه از نزول قرآن، هرآینه آن درست است، آمده از پروردگار تو ولیکن بیشتر مردمان ایمان نمی‌آرند.

۱ یعنی در لوح محفوظ نوشته شده. مترجم گوید: مستودع جایی است که به غیر اختیار او آنجا نگاهداشته بودند؛ مانند صلب و رجم و مستقر جایی است که به اختیار خود می‌ماند؛ مثل خانه.

۲ یعنی ترک مکن، دلتنگ مشو.

۳ مترجم گوید: نخست به ده سوره تحدّی واقع شد و چون از آن عاجز شدند، به یک سوره تحدّی فرمود.

۴ یعنی بر اسلام ثابت باشید.

۵ یعنی ثواب صدقه و صلّه رحم که از کفار به وجود می‌آید در دنیا می‌دهند به توسیع رزق و صحت بدن.

۶ یعنی دلیل عقلی.

۷ یعنی قرآن.

۱۸. و کیست ستمکارتر از کسی که بریست بر خدا دروغی را. این جماعت آورده شوند پیش پروردگار خویش و گویند گواهان: <sup>۱</sup>ایشانند آنان که دروغ بستند بر پروردگار خویش، آگاه باش! لعنت خدا است بر ستمکاران.
۱۹. بر آنان که بازمی دارند مردمان را از راه خدا و می‌خواهند برای آن راه کجی و ایشان به آخرت، کافراند.
۲۰. این جماعت نباشند عاجز کننده در زمین و نباشد ایشان را بجز خدا از دوستان، دو چند کرده شود ایشان را عذاب. نمی‌توانستند شنودن (یعنی به سبب شدت ناخوشی) و نمی‌دیدند.<sup>۲</sup>
۲۱. این جماعت آناند که زیان کردند در حقّ خویش و گم شد از ایشان آنچه برمی‌بافتند.
۲۲. بی شک این جماعت، در آخرت ایشانند زیانکار.
۲۳. هرآینه آنان که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند و فروتنی کردند متوجه شده به سوی پروردگار خویش، ایشان اهل بهشتند، ایشان آنجا جاویداند.
۲۴. صفت این دو فریق، مانند کور و کر و بینا و شنوا است؛ آیا هر دو برابرند در صفت؟ آیا پند نمی‌گیرید؟
۲۵. و هرآینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، گفت: هرآینه من برای شما بیم کننده آشکارام.
۲۶. [به این مضمون] که مپرستید مگر خدا را، هرآینه من می‌ترسم بر شما از عذاب روز درد دهنده.
۲۷. پس گفتند جماعتی که کافر بودند از قوم او: نمی‌بینیم تو را مگر آدمی مانند خویش و نمی‌بینیم تو را که پیروی تو کرده باشند [به تأمل سرسری] مگر آنان که ایشان کمینه‌های مایند، و نمی‌بینیم شما را هیچ بزرگی‌ای بر خود، بلکه می‌پنداریم شما را دروغگویان.
۲۸. گفت: ای قوم من! آیا خبر دهید بدانکه اگر باشم بر حجّتی از پروردگار خود و داده باشد به من بخشایشی از نزدیک خود، پس پوشانیده شد حقیقت آن بر شما، آیا جبر کنیم شما را بر آن و شما ناخواهان باشید؟
۲۹. و ای قوم من! طلب نمی‌کنم از شما بر این پیغام، رسانیدن مال را؛ نیست مزد من مگر بر خدا و نیستم من یکسو کننده مسلمانان (یعنی از صحبت خود)، هرآینه ایشان ملاقات کنندگانند با پروردگار خویش ولیکن می‌بینم شما را قومی که جهالت می‌کنید.
۳۰. و ای قوم من! که نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر برانم ایشان را؟ آیا پند نمی‌گیرید؟
۳۱. و نمی‌گویم به شما که نزدیک من خزینه‌های خدا است و نه آنکه می‌دانم غیب را و نمی‌گویم که من فرشته‌ام و نمی‌گویم آنان را که به خواری می‌نگرد بدیشان چشم شما، که نخواهد داد خدا به ایشان هیچ نعمتی و خدا داناتر است به آنچه در ضمیر ایشان است، هرآینه من آنگاه از ستمکاران باشم.
۳۲. گفتند: ای نوح! مکابره کردی با ما؛ پس بسیار کردی مکابره ما را؛ پس بیار آنچه وعده می‌کنی، اگر هستی از راستگویان.
۳۳. گفت: جز این نیست که بیارد آن را به شما خدا اگر خواهد و شما عاجز کننده نیستید.

۱ یعنی کراماً کاتبین.

۲ مترجم گوید: و می‌توان گفت که همزه استفهام انکاری محذوف است؛ یعنی، آیا نمی‌توانستند شنیدن و آیانی دیدند؟

۳۴. و سود نمی‌کند شما را نصیحت من، اگر خواهیم که نصیحت کنم شما را، اگر خدا خواسته باشد که گمراه کند شما را. اوست پروردگار شما و به سوی او بازگردانیده شوید.
۳۵. [یا محمد] آیا می‌گویند بر بسته است قرآن را؟ بگو: اگر بر بسته‌ام، پس بر من است گناه من و من بی‌تعلق هستم از گناه کردن شما.<sup>۱</sup>
۳۶. و وحی فرستاده شد به سوی نوح که ایمان نخواهد آورد از قوم تو، الا آن که مؤمن شده است، پس اندوه مخور به سبب آنچه می‌کردند.
۳۷. و بساز کشتی را به حضور ما و به فرمان ما و سخن مگو با من در باب آنان که ستم کردند. هر آینه ایشان غرق کردگانند.
۳۸. و می‌ساخت نوح کشتی را و هرگاه که گذشتی بر وی جماعت از قوم او، تمسخر می‌کردند با وی. گفت: اگر تمسخر می‌کنید با ما پس هر آینه ما تمسخر خواهیم کرد با شما چنانچه شما تمسخر می‌کنید.
۳۹. پس خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش و فرود آید بر وی عقوبتی دایم.
۴۰. [در همین معامله بود] تا وقتی که آمد فرمان ما و بجوشید تنور، گفتیم: بردار در کشتی از هر جنسی دو تن نر و ماده را و [بردار] کسان خود را مگر آنکه سبقت کرده است بر وی قضا<sup>۲</sup> و [بردار] مسلمانان را و ایمان نیاوردند باوی مگر اندکی.
۴۱. و گفت [نوح]: سوار شوید در کشتی، به نام خدا است روان شدن آن و ایستاده کردن آن، هر آینه پروردگار من آمرزنده مهربان است.
۴۲. و آن کشتی می‌برد ایشان را در موجی مانند کوه‌ها و آواز داد نوح پسر خود را و او بود در کرانه‌ای: ای پسر! سوار شو با ما و مباش با کافران.
۴۳. گفت: پناه خواهم گرفت به سوی کوهی که نگاه دارد مرا از آب. گفت نوح: هیچ نگاهدارنده نیست امروز از عذاب خدا، ولیکن معصوم کسی باشد که خدا رحم کرده است بر وی و حائل شد موج میان ایشان، پس شد از غرق شدگان.
۴۴. و گفته شد: ای زمین! فرو بر آب خود را و ای آسمان! بازمان،<sup>۳</sup> و کم کرده شد آب و سرانجام نموده شد کار و قرار گرفت کشتی بر کوه جودی<sup>۴</sup> و گفته شد: هلاک باد قوم ستمکاران را.
۴۵. و آواز داد نوح پروردگار خود را، پس گفت: ای پروردگار من! هر آینه پسر من از اهل من است و هر آینه وعده تو راست است و تو بهترین حکم کننده‌گانی.
۴۶. گفت: ای نوح! هر آینه وی نیست از کسان تو، هر آینه وی [خداوند] کار ناشایسته است. پس سؤال مکن تو مرا از چیزی که نیست تو را دانش آن، هر آینه من پند می‌دهم تو را [برای احتراز] از آنکه باشی از جاهلان.
۴۷. گفت: ای پروردگار من! هر آینه من پناه خواهم به تو از آنکه بپرسم از تو آنچه نیست مرا دانش آن و اگر نیامرزی مرا و رحمت نکنی بر من، باشم از زیانکاران.

۱ مترجم گوید: این جمله زیاده کرده شد در وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه با حال قوم حضرت نوح؛ والله اعلم.

۲ یعنی زن نوح و کنعان، پسر نوح.

۳ یعنی از باران.

۴۸. گفته شد: ای نوح! فرودآی همراه سلامتی از جانب ما و همراه برکت‌های فرود آمده بر تو و بر امت‌هایی که پیدا شوند از همراهان تو، و امت‌های دیگرند که بهره‌مند می‌کنیم ایشان را در دنیا، باز برسد به ایشان از جانب ما عذاب درد دهنده.
۴۹. این قصه از اخبار غیب است، وحی می‌فرستیم آن را به سوی تو، نمی‌دانستی آن را تو و نه قوم تو پیش از این. پس صبر کن، هرآینه عاقبت، متقیان راست.
۵۰. و فرستادیم به سوی عاد برادر ایشان، هود را. گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را، نیست شما راهیچ معبودی بجز وی، نیستید شما مگر افترا کننده.
۵۱. ای قوم من! نمی‌طلبم از شما بر این پیغام، مزدی را؛ نیست مزد من مگر بر آن که آفریده است مرا، آیا در نمی‌یابید؟!
۵۲. و ای قوم من! آموزش طلبید از پروردگار خود، باز رجوع کنید به سوی او تا بفرستد ابر را بر شما ریزان گشته و بیفزاید شما را قوتی همراه قوت شما و روگردان شوید گناهکار شده.
۵۳. گفتند: ای هود! نیاوردی به ما دلیلی و نیستیم ما ترک کننده، معبودان خود را به گفته تو و نیستیم ما تو را باور دارنده.
۵۴. نمی‌گویم الا آنکه رسانیده‌اند به تو بعض معبودان ما ضرری. گفت: هرآینه من گواه می‌سازم خدا را و شما گواه باشید که من بی‌تعلقم از آنچه شما شریک می‌گیرید.
۵۵. بجز وی. پس بدسگالی کنید در حق من همه یکجا، باز مهلت مدهید مرا.
۵۶. هرآینه من توکل کردم بر خدا؛ پروردگار من و پروردگار شما، نیست هیچ جنبنده‌ای مگر خدا گیرنده است موی پیشانی او را،<sup>۱</sup> هرآینه پروردگار من بر راه راست است.<sup>۲</sup>
۵۷. پس اگر روگردان شوید، ضرری به من عاید نیست هرآینه رسانیدم به شما پیغامی را که فرستاده شدم همراه آن به سوی شما و جانشین سازد پروردگار من قومی را بجز شما و هیچ زیان نتوانید رسانیدن خدای را. هرآینه پروردگار من بر همه چیز نگاهبان است.
۵۸. و چون آمد عذاب ما، خلاص ساختیم هود را و آنان را که ایمان آوردند باوی به رحمتی از جانب خود و برهاندیم ایشان را از عقوبت سخت.
۵۹. و این است سرگذشت عاد؛ انکار کردند آیات پروردگار خود را و نافرمانی نمودند پی‌5غامبران او را و پیروی کردند فرمان هر سرکش ستیزنده را.
۶۰. و از پی ایشان فرستاده شد در این دنیا لعنتی و روز قیامت نیز، آگاه باش! هرآینه عاد کافر شدند به پروردگار خود، آگاه باش! نفرین باد عاد را که قوم هود بودند!
۶۱. و فرستادیم به سوی ثمود برادر ایشان، صالح را. گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را، نیست شما را هیچ معبودی بجز وی، او پیدا کرد شما را از زمین<sup>۳</sup> و گردانید شما را باشنده در زمین؛ پس طلب آموزش کنید از او، باز رجوع کنید به سوی او، هرآینه پروردگار من نزدیک است، پذیرنده دعاست.
۶۲. گفتند: ای صالح! بودی تو در میان ما امید داشته شده پیش از این. آیا منع می‌کنی ما را از آنکه عبادت کنیم معبودانی را که عبادت می‌کردند پدران ما؟ و هرآینه ما در شبهه[ای] قوی‌ایم از آنچه می‌خوانی ما را به سوی آن.

۱ یعنی مالک اوست.

۲ یعنی حکیم است.

۳ یعنی آفرید پدر و مادر شما، آدم و حوا را از خاک که شما از نسل آنهاید.

۶۳. گفت: ای قوم من! آیا ندیدید اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و عطا کرده باشد به من از جانب خود بخشایشی، پس که نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر نافرمانی او کنم؟ پس زیاده نمی‌کنید در حق من، مگر زیانکاری را.
۶۴. و ای قوم من! این است ماده شتری که خدا فرستاده است برای شما نشانه؛ پس بگذاریدش تا بخورد در زمین خدا و مرسانید به وی هیچ ضرری که آنگاه بگیرد شما را عقوبتی نزدیک.
۶۵. پس پی زدن آن را، پس گفت صالح: بهره‌مند باشید در سرای خود سه روز؛ این وعده هست غیر دروغ.
۶۶. پس وقتی که آمد فرمان ما، خلاص ساختیم صالح را و آنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشایشی از جانب خود و رهانیدیم از رسوایی آن روز، هرآیین پروردگار تو همونست توانای غالب.
۶۷. و در گرفت ستمکاران را آواز سخت، پس صبح کردند در سرای خود مرده شده.
۶۸. گویا هرگز نبودند آنجا. آگاه باش! هرآیین نمود انکار کردند پروردگار خود را، هرآیین دوری باد نمود را!
۶۹. و هرآیین آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم به بشارت، سلام گفتند. ابراهیم جواب سلام داد؛ پس توقف نکرد در آنکه آورد گوساله‌ای بریان.
۷۰. پس چون دید که دست‌های ایشان نمی‌رسد به آن، بد بُرد از ایشان و به خاطر آورد از ایشان ترسی. گفتند: مترس! هرآیین ما فرستاده شده‌ایم به سوی قوم لوط.
۷۱. و زن ابراهیم ایستاده بود؛ پس بخندید؛<sup>۱</sup> پس مژده دادیمش به تولد اسحاق و بعد اسحاق به وجود یعقوب.
۷۲. گفت: ای وای من! آیا خواهم زاد و من پیرم و این شوهر من است کلانسال شده! هرآیین این چیزی عجیب است!
۷۳. [فرشتگان] گفتند: آیا تعجب می‌کنی از قدرت خدا؟ بخشایش خدا و برکات او بر شما است ای اهل این خانه! هرآیین خدا ستوده‌کار بزرگوار است.
۷۴. پس چون رفت از ابراهیم خوف و آمدش بشارت، شروع نمود جدال کردن با ما در باب قوم لوط.
۷۵. هرآیین ابراهیم، بردبار ترسکار رجوع کننده به خدا بود.
۷۶. [گفتیم] ای ابراهیم! بگذر از این جدال. هرآینه حال این است، آمد عقوبت پروردگار تو و هرآینه این جماعت، آینده است به ایشان عقوبتی که بازگردانیده نشود.
۷۷. و چون آمدند فرستادگان ما پیش لوط، اندوهگین شد به سبب ایشان و تنگدل شد به سبب ایشان و گفت: این روزی است سخت.<sup>۲</sup>
۷۸. و آمدند پیش لوط قوم او شتابان به سوی او و پیش از این می‌کردند کارهای زشت. لوط گفت: ای قوم من! این دختران منند (یعنی نکاح کنید)، اینها پاکیزه‌ترند برای شما؛ پس بترسید از خدا و رسوا مکنید مرا در باب مهمانان من، آیا نیست از شما هیچ مرد شایسته‌ای؟!
۷۹. گفتند: هرآینه تو دانسته‌ای که نیست ما را در دختران تو حاجتی و هرآینه تو می‌دانی آنچه می‌خواهیم.

۱ مترجم گوید: یعنی به سبب خوش وقتی از هلاک قوم لوط.

۲ مترجم گوید: یعنی ایشان نوجوان خوش‌روی بودند و عادت قوم معلوم بود؛ پس خوف فتنه پیدا شد؛ والله اعلم.



- ۸۰ گفت: اگر مرا به مقابله شما قوتی بودی، یا من پناه گرفتمی به قوم زور آور [می‌کردم آنچه می‌کردم].
- ۸۱ [فرشتگان] گفتند: ای لوط! هرآیین ما فرستادگان پروردگار تویم، نخواهند رسید به تو؛ پس بتر کسان خود را به پاره‌ای از شب و باید که واپس ننگرد هیچ کس از شما، الا زن تو که رسیدنی است او را آنچه رسد به این قوم. هرآیینه میعاد ایشان وقت صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟
- ۸۲ پس چون آمد فرمان ما، ساختیم زبر آن [دیه‌ها] را زیر آن و بارانیدیم بر آنجا سنگ‌ها از قسم سنگ گل ته به ته.
- ۸۳ نشانمند ساخته شده نزد پروردگار تو و این سنگ‌ها نیستند دور از ستمکاران.
- ۸۴ و فرستادیم به سوی قوم مدین برادر ایشان، شعیب را. گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را. نیست شما را هیچ معبودی مگر وی و کم مکنید پیمان و ترازو را. هرآیینه من می‌بینم شما را به آسودگی و هرآیینه می‌ترسم بر شما از عذاب روز در گیرنده.<sup>۱</sup>
- ۸۵ و ای قوم من! تمام کنید پیمان و ترازو را به انصاف و کم مرسانید به مردمان چیزهای ایشان را و تبهکاری مکنید در زمین، فسادکنان.
- ۸۶ نفعی که خدای تعالی حلال ساخته است، بهتر است شما را اگر هستید باوردارندگان و نیستم بر شما نگاهبان.
- ۸۷ گفتند: ای شعیب! آیا نماز تو می‌فرماید تو را که بگذاریم آنچه می‌پرستیدند پدران ما یا بگذاریم آنکه کنیم در اموال خود هرچه خواهیم؟! هرآیینه تو مرد بردبار شایسته‌ای هستی (معامله و مقصود ایشان استهزا بود).
- ۸۸ گفت: ای قوم من! آیا دیدید اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و داده باشد به من از جانب خود روزی نیک<sup>۲</sup> و نمی‌خواهم که خلاف کنم با شما مایل شده به سوی آنچه منع می‌کنم شما را از آن؟<sup>۳</sup> نمی‌خواهم مگر صلاحکاری تا بتوانم و نیست توفیق من مگر به فضل خدا، بر وی توکل کردم و به سوی او رجوع می‌کنم.
- ۸۹ و ای قوم من! پیدا نکند در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد به شما مانند آنچه رسید به قوم نوح یا به قوم هود یا به قوم صالح و نیست قوم لوط دور از شما.
- ۹۰ و طلب آموزش کنید از پروردگار خود، باز رجوع کنید به سوی او، هرآیینه پروردگار من، مهربان دوستدار است.
- ۹۱ گفتند: ای شعیب! نمی‌فهمیم بسیاری از آنچه می‌گویی و هرآیینه ما می‌بینیم تو را در میان خود ناتوان و اگر نبودی قبیله تو، سنگسار می‌کردیم تو را و نیستی تو پیش ما گرامی قدر.
- ۹۲ گفت: ای قوم من! آیا قبیله من گرامی‌تر است پیش شما از خدا؟ و گرفتید خدا را انداخته پس پشت خویش، هرآیینه پروردگار من به آنچه می‌کنید در برگیرنده است.
- ۹۳ ای قوم من! عمل کنید بر طور خود، هرآیینه من نیز عمل کنده‌ام. زود خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش و آن را که وی دروغگوی است و انتظار برید؛ هرآیینه من با شما منتظرم.

۱ یعنی هلاک‌کننده.

۲ یعنی حلال چگونه سخن شما را شنوم.

۳ مترجم گوید: یعنی نمی‌خواهم که به کار نیک بفرمایم و خود نکنم؛ والله اعلم.

۹۴. و وقتی که آمد عذاب ما، خلاص ساختیم شعیب را و آنان را که ایمان آوردند با وی به بخشایشی از خود و درگرفت ظالمان را آواز سخت؛ پس گشتند در سراهای خویش مرده افتاده.
۹۵. گویا هرگز نبودند آنجا! آگاه باش! دوری باد مدین را! چنانکه دور افتادند نمود.
۹۶. و هرآینه فرستادیم موسی را به نشانه‌های خود و به دلیل روشن.
۹۷. به سوی فرعون و جماعت او؛ پس پیروی کردند فرمان فرعون را و نبود فرمان فرعون به راه راست.
۹۸. پیشوا شود [فرعون] قوم خود را روز قیامت، پس بیارد ایشان را به آتش و بدجایی است که وارد آن شدند. [دوزخ]
۹۹. و از پی ایشان آورده شد لعنت در این دنیا و روز قیامت نیز، بدعطایی است که داده شد [آن لعنت].
۱۰۰. این از اخبار دیه هاست که می‌خوانیم آن را بر تو، بعضی از آن باقی است و بعضی از بیخ بریده.
۱۰۱. و ستم نکردیم ایشان را ولیکن ایشان ستم کردند بر خویشان، پس هیچ دفع نکردند از ایشان معبودان ایشان که می‌خواندند بجز خدا، وقتی که آمد فرمان پروردگار تو و نیفزودند ایشان را بجز هلاکی.
۱۰۲. و همچنین است گرفتار کردن پروردگار تو، چون درگرفت کند دیه‌ها را و آنها ستمکار باشند، هرآینه گرفت وی، درد دهنده سخت است.
۱۰۳. هرآینه در این سخن نشانه‌ای است کسی را که ترسیده است از عذاب آخرت؛ آن روز روزی است که جمع کرده شوند در آن مردمان و آن روز روزی است که همه حاضر شوند در وی.
۱۰۴. و موقوف نمی‌داریم آن را مگر تا مدت معین.
۱۰۵. روزی که بیاید، سخن نگوید هیچ کس مگر به دستوری حق. پس بعضی ایشان بدبخت باشند و بعضی نیک‌بخت.
۱۰۶. اما آنان که بدبخت شدند، پس در آتش باشند؛ ایشان را آنجا مانند زیر و بم خر باشد.
۱۰۷. جاویدان آنجا، مدت بقای آسمان‌ها و زمین، غیر وقتی که خواسته است پروردگار تو، هرآینه پروردگار تو می‌کند آنچه می‌خواهد.
۱۰۸. و اما آنان که نیک‌بخت کرده شدند، پس در بهشت باشند جاویدان آنجا تا مدت بقای آسمان‌ها و زمین، غیر وقتی که خواسته است پروردگار تو، بخششی غیر منقطع.<sup>۱</sup>
۱۰۹. پس مباش در شبهه از آنچه می‌پرستند این گروه. نمی‌پرستند مگر چنانکه می‌پرستیدند پدران ایشان پیش از این و ما البته تمام رسانیده‌ایم به ایشان، حصه ایشان را ناکاهیده.<sup>۲</sup>
۱۱۰. و هرآینه دادیم موسی را کتاب، پس اختلاف افتاد در آن و اگر نبودی سخنی که سابقاً صادر شده از پروردگار تو، هرآینه فیصل کرده می‌شد میان ایشان و هرآینه ایشان در شبهه قوی‌اند از آن.
۱۱۱. و هرآینه هر کسی وقتی که برانگیخته شوند، البته تمام خواهد داد ایشان را پروردگار تو جزای کردار ایشان، هرآینه وی به آنچه می‌کنند داناست.

۱ مترجم گوید: یعنی مدت ماندن در بهشت و دوزخ مانند مدت دوام آسمان‌ها و زمین است در دنیا؛ اگر زیادتی را که در مشیت خداست و در فهم کسی نمی‌گنجد اعتبار نکند، حاصل بیان دوام است بابلغ و جوه؛ والله اعلم.

۲ یعنی حصه ایشان از عذاب.

۱۱۲. پس استوار باش چنانچه فرموده شده‌ای تو و آنان که توبه کرده‌اند همراه تو، و از حد مگذرید، هر آینه وی به آنچه می‌کنید بیناست.
۱۱۳. و میل مکنید به سوی آنان که ستم کردند که آنگاه برسد به شما آتش و نیست شما را بجز خدا دوستان، باز نصرت داده نشوید.
۱۱۴. و برپا کن نماز را دو طرف روز و ساعتی چند از شب، هر آینه طاعات دور می‌کنند گناهان را، این پندی هست پندپذیران را.
۱۱۵. و شکیبایی کن، هر آینه خدا ضایع نمی‌سازد مزد نیکوکاران را.
۱۱۶. پس چرا نشدند از آن قرن‌ها که پیش از شما بودند اهل خرد، که منع کنند از فساد در زمین، الا اندکی از آن جماعت که خلاص ساختیم از میان ایشان و پیروی کردند ستمکاران چیزی را که آسودگی داده شدند به آن<sup>۱</sup> و بودند گناهکاران.
۱۱۷. و هرگز نیست پروردگار تو که هلاک کند دیه را به ستم و اهل آن نیکوکار باشند.
۱۱۸. و اگر خواستی پروردگار تو، البته گردانیدی مردمان را یک ملت و همیشه باشند مختلف.
۱۱۹. الا آنکه بر وی رحم کرده است پروردگار تو و برای این اختلاف آفریده است ایشان را و تمام شد سخن پروردگار تو که البته پر کنم دوزخ را از جن و مردمان همه یکجا.<sup>۲</sup>
۱۲۰. و هر چیزی را می‌خوانیم بر تو از اخبار پیغمبران آن چیزی را که ثابت می‌گردانیم به آن دل تو را و آمده است به تو در این سوره سخن درست و پندی و یادکردنی برای مسلمانان.
۱۲۱. و بگو آنان را که ایمان نمی‌آرند: کار کنید بر طور خود، هر آینه ما نیز کار می‌کنیم.
۱۲۲. و انتظار کشید، هر آینه ما نیز منتظرانیم.
۱۲۳. و خدای راست علم غیب آسمان‌ها و زمین و به سوی او بازگردانیده می‌شود کار همه آن، پس عبادت کن او را و توکل کن بر او، و نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه می‌کنید.

## ۱۲. سوره یوسف

در مکه نازل شده و آن یکصدویازده آیت است



به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الر، این آیت‌ها آیات کتاب روشن است.
۲. هر آینه ما فرو فرستادیم آن را قرآن عربی ساخته، باشد که شما دریابید.
۳. ما قصه می‌خوانیم بر تو بهترین قصه خواندن، به وحی فرستادن خود به سوی تو این قرآن را و هر آینه حال این است که تو بودی پیش از آن از بی‌خبران.
۴. یاد کن چون گفت یوسف پدر خود را: ای پدر من! هر آینه من به خواب دیدم یازده ستاره را و آفتاب و ماه را، دیدم اینها را برای خود، سجده کننده.

۱ یعنی به لذات دنیا مشغول شدند.

۲ مترجم گوید: در عرف، اختلاف را نسبت می‌کنند به اهل باطل نه به اهل حق. و يقال قال اهل الحق کذا وخالقهم فرّق. پس استثنای «مَنْ رَحِمَ بِي تَكَلَّفَ» صحیح شد؛ والله اعلم.

۵. گفت: ای پسرک من! بیان مکن خواب خود را پیش برادران خود که آنگاه اندیشه کنند در حق تو حيله. هرآيينه شيطان آدمی را دشمن آشکار است.
۶. و [چنانکه اين خواب به تو نمود،] همچنين برگزيند تو را پروردگار تو و بياموزد تو را از علم تاويل احاديث (يعنی تعبير روي) و تمام کند نعمت خود را بر تو و بر فرزندان يعقوب، چنانکه تمام کرد آن را بر دو جد تو پيش از اين، ابراهيم و اسحاق. هرآيينه پروردگار تو دانای استوار کار است.
۷. هرآيينه هست در قصه يوسف و برادران او نشانه‌ها، سؤال کنندگان را.
۸. چون گفتند که: يوسف و برادر حقيقي او دوست‌ترند نزديک پدر ما از ما، و ما جماعتيم، هرآيينه پدر ما در خطای ظاهر است.
۹. بکشيد يوسف را يا بيفکنديش به زمين غير معلوم تا خالی شود برای شما توجه پدر شما و تا باشيد بعد از اين گروهی شايسته (يعنی توبه کنيد).
۱۰. گفت گوينده از ايشان: مکشيد يوسف را و بيفکنيدش در چاه تاريک تا برگيرد او را بعض مسافران اگر کنندگانيد.
۱۱. گفتند: ای پدر ما! چيست حال تو که امين نمی‌پنداری ما را بر يوسف؟ و هرآيينه ما او را نیکخواهانیم.
۱۲. بفرست او را با ما فردا تا ميوه بسيار خورد و بازی کند و هرآيينه ما او را نگاهبانيم.
۱۳. گفت: هرآيينه اندوهگين می‌کند مرا آنکه ببريدش و می‌ترسم از آنکه بخورد او را گرگ و شما از وی بی‌خبر باشيد.
۱۴. گفتند: اگر بخورد او را گرگ و ما جماعتيم، هرآيينه ما آنگاه زيانکار باشيم.
۱۵. پس چون ببردندش و عزيمت کردند که بيفکنندش در چاه تاريک و وحی فرستاديم به سوی او که البته خبردار خواهی ساخت ايشان را به اين ماجرای ايشان و ايشان نشناسند.
۱۶. و آمدند پيش پدر خود شبانگاه، گريان.
۱۷. گفتند: ای پدر ما! هرآيينه ما شروع کرديم در مسابقت و گذاشتيم يوسف را نزديک رخت خویش، پس بخورد او را گرگ و نيستی تو باور دارنده ما را و اگر چه هستيم راستگوی.
۱۸. و آوردند بالای قميص او خون دروغ را. يعقوب گفت: ني! بلکه آراسته است پيش شما نفس شما تدبيري را. پس کار من صبر نیک است و خدا، مدد طلبيده می‌شود از وی بر آنچه شما بيان می‌کنيد.
۱۹. و آمد کاروانی پس فرستادند سقاي خود را پس انداخت دلو خود. گفت: ای مژده! اين نوجوانی است. و اهل قافله پنهان ساختند او را سرمايه دانسته و خدا داناست به آنچه می‌کردند.
۲۰. و [برادران] فروختندش به بهای ناقص، درهمی چند شمرده شده و بودند در باب يوسف از بی‌رغبتان.
۲۱. و گفت شخصی که خريد کرد يوسف را از اهل مصر به زن خود: گرامي دار جای او را شايد که نفع دهد ما را يا فرزند گيريم او را و همچنين قرار داديم يوسف را در آن زمين و تا بياموزيم او را از علم تاويل احاديث و خدا تواناست بر مراد خود وليکن اکثر مردمان نمی‌دانند.
۲۲. و چون رسيد يوسف به نهايت قوت، داديم او را دانایی و علم و همچنين جزا می‌دهيم نیکوکاران را.

۲۳. و گفت و شنید کرد با یوسف زنی که او در خانه‌اش بود تا بگذرد از حفظ خود [و این کنایت از طلب جماع است] و بیست درها را و گفت: پیش آی! گفت: من می‌پناهم به خدا! این شخص صاحب من است؛ نیکو ساخت جای مرا،<sup>۱</sup> هر آینه رستگار نمی‌شوند ظالمان.
۲۴. و هر آینه قصد کرد آن زن به سوی یوسف و قصد کرد یوسف به سوی او، اگر نه آن بودی که دیدی یوسف دلیل پروردگار خود را [می‌شد آنچه می‌شد]، چنین کردیم تا بازگردانیم از وی بدی و بی‌حیایی را، هر آینه وی از بندگان خالص کرده ماست.
۲۵. و با یکدیگر سبقت کردند به سوی دروازه و بدرید آن زن پیراهن یوسف را از پس پشت و یافتند شوهر زن را نزدیک دروازه. گفت [زن]: چیست جزای کسی که خواسته باشد به اهل تو کار بد مگر آنکه به زندان کرده شود یا عقوبتی دردهنده؟! یوسف گفت: این زن گفت و شنید کرد با من تا غافل کند مرا از محافظت نفس من و گواهی داد گواهی از قبیله زن که اگر هست پیراهن یوسف دریده از پیش، پس این زن راست گفته است و یوسف از دروغگویان است.
۲۶. و اگر هست پیراهن او دریده از پشت، پس این زن دروغ گفته است و یوسف از راستگویان است.
۲۷. پس شوهرش چون دید پیراهن را دریده از پشت، گفت: این قضیه از مکر شماست ای زنان! هر آینه مکر شما ای زنان، بزرگ است.
۲۸. ای یوسف! درگذر از این ماجرا و ای زن! طلب آموزش کن برای گناه خود، هر آینه تو بوده‌ای از خطا کنندگان.
۲۹. و گفتند زنانی چند در شهر که: زن عزیز گفت و شنید می‌کند با نوجوان خود تا غافل کند او را از حفظ نفس خود، هر آینه در دلش جای کرده است از روی دوستی، هر آینه ما می‌بینیم او را در گمراهی ظاهر.
۳۰. پس چون شنید زن عزیز غیبت ایشان را، آدم فرستاد به سوی ایشان و مهیا کرد برای ایشان مجلسی و داد هر یکی را از ایشان کاردی و گفت: ای یوسف! بیرون آی بر این زنان، پس چون دیدندش، بزرگ یافتندش و ببریدند دست خویش و گفتند: پاک است خدا! نیست این جوان آدمی! نیست این شخص مگر فرشته‌ای گرامی!
۳۱. زن عزیز گفت: این است آنکه ملامت کرده بودید مرا در عشق وی. و هر آینه گفت و شنید کردم با وی تا غافل کنم او را از حفظ نفس وی، پس نگه داشت خود را و اگر نکند آنچه می‌فرمایم او را، البته به زندان کرده شود و البته باشد از خوارشدگان.
۳۲. یوسف گفت: ای پروردگار من! زندان دوست‌تر است نزدیک من از آنچه می‌خوانند مرا به سوی آن و اگر تو بازنداری از من فریب این زنان را، لابد میل کنم به ایشان و باشم از نادانان.
۳۳. پس قبول کرد دعای او را پروردگار او، پس بازداشت از یوسف فریب ایشان، هر آینه وی شنوای داناست.
۳۴. باز ظاهر شد آن جماعت را بعد از آنکه دیده بودند نشانه‌ها که البته به زندان درآرند او را تا مدتی.<sup>۲</sup>
۳۵. و داخل شدند به زندان همراه یوسف دو جوان. یکی از ایشان گفت: هر آینه به خواب بینم خود را که می‌افشارم آب انگور و دیگر گفت که: هر آینه به خواب می‌بینم خود

۱ یعنی خیانت او نتوانم کرد.

۲ یعنی مشورت کردند که یوسف را به زندان باید کرد تا نزد مردمان برائت زلیخا ظاهر شود.

۳۷. را، برداشته‌ام بر سر خود نانی که مرغان از آن می‌خورند. خبردار کن ما را به تأویل این خواب، هرآینه ما می‌بینیم تو را از نیکوکاران.  
گفت: نخواهد آمد به شما هیچ طعامی که داده می‌شوید آن را (یعنی در خواب) مگر خبردار کنم شما را به تعبیر آن پیش از آنکه بیاید به شما مصداق تعبیر. این تعبیر از آن قبیل است که آموخته است مرا پروردگار من، هرآینه من ترک کردم کیش قومی که ایمان نمی‌آرند به خدا و ایشان به آخرت نامعتقدانند.
۳۸. و پیروی کردم کیش پدران خود را، ابراهیم و اسحاق و یعقوب. نشاید ما را که شریک خدا مقرر کنیم چیزی را. این از فضل خدا است بر ما و بر مردمان ولیکن بیشتر مردمان شکر نمی‌کنند.
۳۹. ای دو باشنده زندان! آیا معبودان پراکنده بهترند یا خدای یکتای غالب؟
۴۰. عبادت نمی‌کنید بجز خدا مگر نام‌هایی چند را که شما مقرر کرده‌اید آن را و پدران شما مقرر کرده‌اند؛ نفرستاده است خدا بر آنها هیچ دلیل. نیست فرمانروایی مگر خدا را، فرمود که عبادت نکنید مگر خودش را. این است کیش درست ولیکن بیشتر مردمان نمی‌دانند.
۴۱. ای دو باشنده زندان! اما یکی از شما پس بنوشاند مولای خود را شراب؛ اما آن دیگر، پس بردار کرده شود؛ پس بخورند مرغان از سر او. فیصل کرده شد کاری که در وی سؤال می‌کنید.
۴۲. و گفت یوسف به شخصی که دانسته بود که خلاصی یابنده است از آن دو کس: یاد کن مرا نزد مولای خود. پس شیطان فراموش گردانید از خاطر وی که یاد کند پیش مولای خود. پس ماند یوسف در زندان چند سال.
۴۳. و گفت پادشاه: هرآینه من به خواب می‌بینم که هفت گاو فریه می‌خورند آنها را هفت گاو لاغر و می‌بینم هفت خوشه سبز را و هفت خوشه دیگر خشک را. ای جماعت! جواب من دهید در باب خواب من، اگر خواب را تعبیر می‌گویید.
۴۴. گفتند: این خواب‌های شوریده است و ما نیستیم به تعبیر خواب‌های شوریده، دانا.
۴۵. و گفت آن که نجات یافته بود از آن دو کس و به یاد آورد بعد مدتی: من خبر دهم شما را به تعبیر این خواب، پس بفرستید مرا.<sup>۱</sup>
۴۶. گفت: ای یوسف! ای راستگو! جواب ده ما را در این خواب که هفت گاو فریه می‌خورند ایشان را هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و هفت خوشه دیگر خشک، بود که من بازگردم به سوی مردمان تا ایشان بدانند.
۴۷. گفت: زراعت کنید هفت سال پی‌درپی بر عادت خود، پس آنچه بدروید پس بگذاریدش در خوشه آن؛ مگر اندکی از آنچه می‌خورید.
۴۸. باز بیاید بعد از آن، هفت سال سخت. بخورند آنچه در سابق ذخیره نهاده بودید برای آنها مگر اندکی از آنچه به احتیاط نگه دارید.
۴۹. باز بیاید بعد از آن سالی که در آن باران فرستاده شود بر مردمان و در او بیفشارند انگور و غیر آن.<sup>۲</sup>

۱ مترجم گوید: پس به سوی یوسف فرستادند و ملاقات کرد؛ والله اعلم.

۲ پادشاه این تعبیر شنیده، مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف، علیه‌السلام، مدتی توقف نمود تا برائت ذمه‌اش ظاهر گردد؛ والله اعلم.

۵۰. و گفت پادشاه: بیارید پیش من یوسف را؛ پس چون آمد نزدیک یوسف فرستاده پادشاه، گفت: بازگرد به سوی مولای خود. پس سؤال کن او را: چیست حال آن زنان که بریدند دست خویش را؟ هرآینه پروردگار من به حيله‌بازی ایشان داناست.<sup>۱</sup>
۵۱. گفت پادشاه: چه بود حال شما وقتی که گفت و شنید کردید با یوسف تا بلغزاندش از احتیاط نفس خود؟ گفتند: پاکی خدای راست! ندانستیم بر یوسف هیچ گناهی. گفت زن عزیز: اکنون ظاهر شد سخن راست که من گفت و شنید کردم با وی تا بلغزانش از احتیاط نفس او و هرآینه او از راستگویان است.
۵۲. [گفت یوسف]: این همه برای آن است تا بدانند عزیز که من خیانت او نکرده‌ام، غایبانه و بدانند که خدا راه نمی‌نماید حيله خیانت کنندگان را.
۵۳. و به پاکی صفت نمی‌کنم نفس خود را، هرآینه نفس، بسیار فرمایند است به بدی؛ مگر آن وقت که مهربانی کند پروردگار من، هرآینه پروردگار من آمرزنده مهربان است.
۵۴. و گفت پادشاه: بیاریدش پیش من تا مقرر کنمش خالص برای خدمت خویش. پس چون سخن گفت با یوسف،<sup>۲</sup> گفت: ای یوسف! هرآینه تو امروز نزدیک ما صاحب قدر امانتداری.
۵۵. گفت: مقرر کن مرا بر خزانه‌های این سرزمین، هرآینه من محافظت کننده دانایم.
۵۶. و همچنین (یعنی به این تقریب) منزلت دادیم یوسف را در آن زمین، قرار می‌گرفت از آن زمین هر جا که می‌خواست. می‌رسانیم رحمت خود را به هر که خواهیم و ضایع نمی‌کنیم مزد نیکوکاران را.
۵۷. و هرآینه مزد آخرت بهتر است آنان را که ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند.
۵۸. و آمدند<sup>۳</sup> برادران یوسف، پس داخل شدند بر وی، پس بشناخت ایشان را و ایشان او را ناشناسا بودند.
۵۹. و چون مهیا کرد برای ایشان سامان ایشان را، گفت: بیارید پیش من برادر [علاتی] خود را که از پدر شماست. آیا نمی‌بینید که من تمام می‌دهم پیمان را و من بهترین مهرباننداری کنندگانم؟
۶۰. پس اگر نیافرید او را پیش من، پس هرگز پیمودن نباشد برای شما نزدیک من و هرگز نزدیک نشوید به من.
۶۱. گفتند: گفت و شنید کنیم با پدر او تا از او دست بازدارد و ما البته این کار، کنندگانیم.
۶۲. و گفت یوسف غلامان خود را: بنهید سرمایه ایشان را در خُرجین‌های ایشان، شاید ایشان بشناسند آن را چون باز روند به اهل خانه خویش. بُود که ایشان باز آیند.<sup>۴</sup>
۶۳. پس چون بازگشتند به سوی پدر خویش، گفتند: ای پدر ما! منع کرده شد از ما پیمان؛ پس بفرست با ما برادر ما را تا پیمان بگیریم و هرآینه ما نگاهبان وی‌ایم.
۶۴. گفت یعقوب: امین نگیرم شما را بر وی مگر چنانکه امین گرفته بودم شما را بر برادر وی پیش از این، پس خدا بهتر است نگاه دارنده و او مهربان‌ترین مهربانان است.

۱ یعنی شهادت بر اقرار زلیخا به عفت یوسف پوشیده‌اند؛ والله اعلم.

۲ یعنی قابلیت او شناخت.

۳ بعد از آن فقط افتاد در جمیع نواحی مصر و شام. اولاد یعقوب را مشقت بسیار رسید، به سوی یوسف متوجه شدند؛ والله اعلم.

۴ یعنی به سبب دادن طعام و بگرفتن سرمایه، دیگر بار طمع کنند؛ والله اعلم.

۶۵. و چون گشادند رخت خود را یافتند سرمایه خود را بازگردانیده به ایشان. گفتند: ای پدر ما! چه می‌خواهیم بیش از این! این است سرمایه ما بازگردانیده به سوی ما، پس باز رویم به ملک و غله آریم برای کسان خود و نگهبانی کنیم برادر خود را و زیاده آریم پیمانۀ یک شتر و آنچه آورده‌ایم پیمانۀ ای اندک است.
۶۶. گفت: نفرستم او را با شما تا آنکه دهید مرا عهدی از خدا که البته باز آرید او را به من، مگر آنکه گرفتار کرده شوید. پس چون دادندش عهد خویش، یعقوب گفت: خدا بر آنچه می‌گوییم نگهبان است.
۶۷. و گفت: ای پسران من! درمی‌آید از یک دروازه و درآید از دروازه‌های پراکنده<sup>۱</sup> و دفع نمی‌کنم از سر شما چیزی را از قضای خدا. نیست فرمانروایی مگر خدا را، بر وی توکل کردم و بر وی باید که توکل کنند متوکلان.
۶۸. و چون داخل شدند از آن راه که فرموده بود ایشان را پدر ایشان، دفع نمی‌توانست کرد از سر ایشان چیزی را از قضای خدا؛ لیکن سرانجام داد خطره را که در ضمیر وی بود و هرآینه او بود خداوند دانش به آنچه آموخته بودیم او را ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند.
۶۹. و چون داخل شدند بر یوسف، جای داد به سوی خود برادر عینی خود را، گفت: هرآینه من برادر توام؛ پس اندوهگین مباش به سبب آنچه می‌کردند.
۷۰. پس وقتی که مهیا کرد برای ایشان سامان ایشان، نهاد آوند آب خوردن را در خرچین برادر خود. بعد از آن آواز داد آواز کننده که: ای کاروان! هرآینه شما دزدید!
۷۱. گفتند رو به سوی ایشان آورده: چیست آنچه نمی‌باید؟!
۷۲. گفتند: نمی‌باییم پیمانۀ پادشاه را و کسی را که بی‌آوردش، یک بار شتر باشد و من به این وعده ضامنم.
۷۳. گفتند: قسم به خدا هرآینه دانسته‌اید که نیامدیم تا فساد کنیم در زمین و هرگز دزد نبوده‌ایم!
۷۴. گفتند: پس چیست جزای این فعل اگر دروغگو باشید؟
۷۵. گفتند: جزای این فعل کسی است که یافته شود متاع در خرچین او، پس همون شخص باشد جزای او.<sup>۲</sup> همچنین جزا می‌دهیم ستمکاران را.
۷۶. پس شروع کرد یوسف به تفحص خرجین‌های ایشان پیش از خرچین برادر خود، بعد از آن برآورد پیمانۀ را از خرچین برادر خود. همچنین تدبیر کردیم برای یوسف. مستعد نبود که اسیر گیرد برادر خود را در دین پادشاه؛ لیکن اسیر گرفتش به مشیت خدا. بلند می‌گردانیم در درجه‌ها کسی را که خواهیم و بالای هر خداوند دانش، دانایی هست.
۷۷. گفتند: اگر دزدی کند این شخص؛ پس دور نیست؛ که دزدی کرده بود برادر او پیش از این. پس پنهان داشت یوسف این سخن را در ضمیر خود و آشکارا نکرد آن را در پیش ایشان. گفت در دل خود: شما بد هستید در منزلت خود و خدا داناست به آنچه بیان می‌کنید.<sup>۳</sup>

۱ یعنی تا چشم زخم نرسد.

۲ یعنی او را غلام گیرند؛ والله اعلم.

۳ حضرت یوسف بتی از طلا از آن جد مادری خود بدزدید تا از عبادت صنم بازماند. یا مشابه این قصه چیزی که سبب تهمت او باشد به دزدی، به وقوع آمده بود؛ والله اعلم.



۷۸. گفتند: ای عزیز! هر آینه او را پدری است پیر کلانسال؛ پس بگیر یکی را از ما به جای او، هر آینه ما می بینیم تو را از نیکوکاران.
۷۹. گفت: می پانهم از خدا از آنکه بگیریم مگر کسی را که یافته ایم رخت خویش را نزدیک او، هر آینه ما آنگاه ستمکار باشیم.
۸۰. پس چون ناامید شدند از وی، تنها رفتند به خلوت، مشورت کنان. گفت بزرگترین ایشان: آیا ندانسته اید که پدر شما گرفته است بر شما عهد خدا و پیش از این تقصیر کرده بودید در حق یوسف؟ پس جدا نخواهم شد از این سرزمین تا وقتی که اذن دهد مرا پدر من، یا حکم کند خدا مرا و او بهترین حکم کنندگان است.
۸۱. [ای برادران] باز روید به سوی پدر خویش؛ پس بگویید: ای پدر ما! هر آینه پسر تو دزدی کرد و گواهی ندادیم الا به آنچه می دانستیم<sup>۱</sup> و نبودیم علم غیب را یاد دارنده.
۸۲. و بیرس از دیهی که بودیم در آن و از کاروانی که آمده ایم در آن و البته ما راست گوئیم.
۸۳. گفت یعقوب: بلکه آراسته کرده است برای شما نفوس شما کاری را؛ پس حال من صبر نیک است. امید آن است که خدا بیارد پیش من ایشان را همه یکجا، هر آینه او دانای باحکمت است.
۸۴. و روی بگردانید از ایشان و گفت: وای اندوه من! بر یوسف! و سفید شدند دو چشم او به سبب اندوه، پس او پر شده بود از غم.
۸۵. گفتند: قسم به خدا! همیشه هستی که یاد می کنی یوسف را تا آنکه شوی بیمار یا شوی از هلاک شدگان.
۸۶. گفت: جز این نیست که بیان می کنم غم سخت خود را و اندوه خود را به جناب خدا و می دانم از جانب خدا آنچه نمی دانید.
۸۷. ای پسران من! بروید پس تفحص کنید از یوسف و برادر او و ناامید نباشید از رحمت خدا، هر آینه سخن این است که نومید نمی شوند از رحمت خدا مگر گروه کافران.
۸۸. پس چون داخل شدند بر یوسف، گفتند: ای عزیز! رسیده است به ما و به کسان ما. سختی و آورده ایم سرمایه ای نامقبول (یعنی اندک یا ناسره) پس تمام ده ما را پیمانہ و صدقه ده بر ما، هر آینه خدا جزا می دهد صدقه دهندگان را.
۸۹. گفت: آیا دانستید [قبیح] آنچه کردید به یوسف و برادرش وقتی که شما نادان بودید؟
۹۰. گفتند: آیا به تحقیق تو یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است. هر آینه انعام کرد خدا بر ما، هر آینه سخن این است که هر که پرهیزگاری کند و صبر نماید، پس خدا ضایع نمی سازد مزد نیکوکاران را.
۹۱. گفتند: قسم به خدا! هر آینه فضل داده است تو را خدا بر ما و هر آینه ما خطا کننده بودیم.
۹۲. گفت: هیچ سرزنش نیست بر شما امروز. بیا مزد خدا شما را و او مهربانترین مهربانان است.
۹۳. ببرید این پیراهن مرا، پس بیفکنیدش بر روی پدرمان تا شود بینا و بیارید پیش من اهل خویش را همه یکجا.
۹۴. و چون جدا شد کاروان (یعنی از شهر) گفت پدر ایشان: هر آینه من می یابم بوی یوسف را، اگر به نقصان عقل نسبت نکنید مرا!
۹۵. گفتند: قسم به خدا! هر آینه تو در خطای قدیم خودی.

۱ یعنی گفتند «جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه». والله اعلم.

۹۶. پس چون بیامد پیش وی مژده دهنده، انداخت قمیص را بر روی وی، پس بینا گشت. گفت: آیا نگفته بودم به شما که هرآینه من می‌دانم از جانب خدا آنچه نمی‌دانید؟!
۹۷. گفتند: ای پدر ما! آموزش طلب کن برای ما در حق گناهان ما. هرآینه ما گناهکار بودیم.
۹۸. گفت: طلب آموزش خواهم کرد برای شما از پروردگار خود، هرآینه او آمرزنده مهربان است.
۹۹. پس چون درآمدند بر یوسف [یعنی در خیمه‌اش و او برای استقبال بر آمده بود] جای داد به سوی خود، پدر و مادر خود را و گفت: درآیید به مصر، ایمن شده اگر خدا خواسته است.
۱۰۰. و برداشت پدر و مادر خود را بر تخت خود و ایشان افتادند به سوی او سجده‌کنان و گفت: ای پدر من! این است تعبیر خواب من که پیش از این دیده بودم، هرآینه راست ساخت آن را خدای تعالی و نعمت فراوان داد به من؛ چون بیرون آورد مرا از زندان و آورد شما را از صحرا، بعد از آنکه خلاف افکند شیطان میان من و میان برادران من. هرآینه پروردگار من تدبیر نیک سازنده است چیزی را که می‌خواهد؛ هرآینه اوست دانای باحکمت.
۱۰۱. ای پروردگار من! دادی مرا پادشاهی و آموختی مرا تأویل احادیث. ای پیدا کننده آسمان‌ها و زمین، تویی کارساز من در دنیا و آخرت؛ مسلمان بمیران مرا و لاحق کن مرا با صالحان.
۱۰۲. [یا محمد] این قصه از اخبار غیب است. وحی می‌کنیم آن را به سوی تو و تو نبودی نزدیک ایشان چون عزم کردند بر مشورت خود، بدسگالی کنان.
۱۰۳. و مسلمان نیستند اکثر مردمان و اگرچه حرص کنی.
۱۰۴. و سؤال نمی‌کنی از ایشان بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی. نیست این مگر پند، عالم‌ها را.
۱۰۵. و بسا نشانه‌ها اند در آسمان‌ها و زمین، می‌گذرند بر آن و اعراض کنان از تأمل در آن.
۱۰۶. و ایمان نمی‌آرند اکثر ایشان به خدا مگر شریک او مقرر کرده.
۱۰۷. آیا ایمن شده‌اند از آنکه بیاید به ایشان عقوبتی عام از عذاب خدا یا بیاید به ایشان قیامت ناگهان و ایشان آگاه نباشند؟
۱۰۸. بگو: این راه من است؛ می‌خوانم به سوی خدا با حجتی ظاهر، من و پیروان من نیز می‌خوانند، و پاکی خدا راست و نیستم من از شریک مقرر کنندگان.
۱۰۹. و نفرستاده‌ایم پیش از تو مگر مردانی را که وحی می‌فرستادیم به ایشان از اهل دیه‌ها. آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا ببینند چگونه شد آخر کار آنان که پیش از ایشان بودند؟ و هرآینه سرای آخرت بهتر است متقیان را، آیا نمی‌فهمید؟
۱۱۰. مهلت دادیم تا وقتی که ناامید شدند پیغامبران و گمان کردند قوم ایشان که به دروغ وعده کرده شده به ایشان. آمد به ایشان نصرت ما، پس خلاص کرده شد هر که را خواستیم و دور کرده نمی‌شود عذاب ما از گروه ستمکاران.
۱۱۱. هرآینه هست در قصه پیغامبران، پندی خداوندان خرد را. نیست قرآن سخنی که به دروغ بر بافته شود ولیکن هست باور دارنده آنچه پیش از آن است و بیان کننده هر چیز و هدایت و بخشایش، گروه مسلمانان را.

## ۱۳. سوره رعد

در مدینه نازل شده و آن چهل و سه آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. المر، اینها آیات قرآنند و آنچه فرستاده شده به سوی تو از پروردگار تو، راست است ولیکن اکثر مردمان ایمان نمی‌آرند.
۲. خدا آن است که برداشت آسمان‌ها را به غیر ستون‌ها که بینید آن را، بعد از آن مستقر شد بر عرش و رام کرد آفتاب و ماه را، هر یکی سیر می‌کند به میعاد معین، تدبیر کار می‌نماید، بیان می‌کند نشانه‌ها را تا شما به ملاقات پروردگار خود یقین آرید.
۳. و او آن است که گسترده زمین را و آفرید در آنجا کوه‌ها و نهرها و از هر نوع میوه آفرید در زمین دو قسم [ترش و شیرین، نفیس و خسیس] می‌پوشاند شب را به روز، هر آینه در این نشانه‌ها است قومی را که تفکر می‌کنند.
۴. و در زمین قطع‌ها مختلف است پیوسته با یکدیگر و بوستان‌ها است از درختان انگور و کشتزار است و خرماها؛ بعض بسیار شاخ و بعض غیر آن، آب داده می‌شود از یک آب و فضل می‌دهیم بعض را بر بعض در طعم میوه‌ها، هر آینه در این نشانه‌ها است قومی را که می‌فهمند.
۵. و اگر تعجب کنی، پس عجب است سخن ایشان که: آیا وقتی که خاک شویم، آیا ما در آفرینش نو خواهیم بود؟ ایشانند آنان که نامعتقد شدند به پروردگار خویش و ایشانند به این صفت که طوق در گردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش، ایشان آنجا جاویدان باشند.
۶. و به شتاب می‌طلبند از تو عقوبت پیش از راحت و هر آینه گذشته است پیش از ایشان عقوبت‌ها و هر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است مردمان را با وجود ستمکار بودن ایشان. و هر آینه پروردگار تو سخت عقوبت است.
۷. و می‌گویند کافران: چرا فرستاده نشد بر این پیغامبر نشانه از پروردگار او؟ [یا محمد] جز این نیست که تو بیم کننده‌ای، و هر قومی را راه نماینده‌ای می‌باشد.
۸. خدا می‌داند آنچه در شکم می‌دارد هر زنی و آنچه ناقص می‌کنند رحم‌ها و آنچه زیاده می‌گردانند و هر چیزی نزدیک او به اندازه هست.
۹. داناست به پنهان و آشکارا، بزرگ است؛ بلندمرتبه است.
۱۰. یکسان است از شما کسی که بپوشد سخن را و کسی که به آواز بلند گوید آن را و کسی که وی پنهان است در شب و کسی که او راه می‌رود به روز.
۱۱. برای آدمی فرشتگانند از پی یکدیگر آینده، میان دو دست او و پس پشت او؛ نگاه می‌دارند او را به حکم خدا، هر آینه خدا بدل نمی‌کند حالتی را که به قومی باشد تا وقتی که ایشان بدل کنند آنچه در ضمیر ایشان است و چون اراده کند خدا به قومی عقوبت، پس بازگردانیدن نیست آن را و نیست ایشان را بجز وی هیچ کار سازنده.
۱۲. اوست آن که می‌نماید شما را برق برای [پیدا کردن] ترس و امید، و برمی‌دارد ابرهای گران را.

۱۳. و به پاکی یاد می‌کند رعد با ستایش او و فرشتگان از ترس او و می‌فرستد صاعقه‌ها، پس می‌رساند آن را به هر که خواهد و کافران مکابره می‌کنند در باب خدا و او بسیار قوت است.
۱۴. مر او راست دعای حق<sup>۱</sup> و آنان که کافران ایشان را می‌خوانند بجز خدا، قبول نمی‌کنند دعای ایشان را به هیچ‌وجه؛ مگر مانند کسی که بگشاید دو دست خود را به سوی آب تا برسد به دهشت و آن آب هرگز رسنده نیست به دهان او و نیست دعای کافران مگر در بی‌فایده‌گی.
۱۵. و خدا را سجده می‌کنند هر که در آسمان‌ها و زمین است خواهان و ناخواهان و سجده می‌کنند سایه‌های ایشان به وقت صبح و شام.<sup>۲</sup>
۱۶. بگو: کیست پروردگار آسمان‌ها و زمین؟ [بگو از طرف ایشان]: خدا است. بگو: آیا گرفتید بجز وی دوستانی که نمی‌توانند برای خویشتن سودی و نه زبانی؟ بگو: آیا برابر است نابینا و بینا؟ [نی‌انی!] آیا برابر است تاریکی‌ها و روشنی؟ آیا مقرر کرده‌اند خدا را شریکانی که آفریده باشند مانند آفریدن خدا؟ پس مشتبه شده است آفرینش بر ایشان. بگو: خدا آفریننده هر چیز است و اوست یگانه غالب.
۱۷. فرورفتاد از آسمان آب را، پس روان شدند رودها به اندازه خویش، پس برداشت آب روان کفی بر روی آب آینده و از آنچه می‌گذازندش در آتش به طلب پیرایه یا به طلب رخت‌خانه، کفی هست مانند کف آب. همچنین بیان می‌کند خدا مثل حق و باطل؛ اما آن کف پس می‌رود ناچیز شده و اما آنچه سود می‌رساند به مردمان، می‌ماند در زمین. همچنین بیان می‌کند خدا مثل‌ها را.<sup>۳</sup>
۱۸. مر آنان را که قبول کردند سخن پروردگار خویش، حالت نیک است و آنان که قبول نکردند سخن او را اگر باشد ایشان را آنچه در زمین است همه یکجا و مانند آن همراه آن، البته عوض خود دهند آن را. آن جماعت ایشان راست، سختی حساب و جای ایشان دوزخ است و آن بدجایی است.
۱۹. آیا کسی که می‌داند که آنچه فرورفتاده شده به سوی تو از جانب پروردگار تو راست است، مانند کسی باشد که وی نابینا است؟! جز این نیست که پندپذیر می‌شوند خداوندان خرد.
۲۰. آنان که وفا می‌کنند به عهد خدا و نمی‌شکنند عهد را.
۲۱. و آنان که می‌پیوندند آنچه فرموده است خدا پیوند کردن آن و می‌ترسند از پروردگار خویش و می‌ترسند از سختی حساب.
۲۲. و آنان که شکیبایی کردند به طلب رضای پروردگار خویش<sup>۴</sup> و برپا داشتند نماز را و خرج کردند از آنچه ما روزی دادیم به ایشان، پنهان و آشکارا و دفع می‌کنند به نیکویی بدی را، این جماعت راست جزای آن سرای.

۱ یعنی او را سزد که به جانب او نیاز کنند و مدعا طلبند و او اجابت فرماید؛ والله اعلم.

۲ کافران و منافقان ناخواهان سجده می‌کنند نزدیک شدت یا ترس شمشیر فرشتگان و مسلمانان، خواهان؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: لایذ است که در هر جنس، خیر و شر باشد. همچنین لایذ است که در آدمیان، نیکوکاران و بدکاران باشند؛ لیکن نیکوکاران را مستقر می‌سازد و کار ایشان را پیش می‌برد و بدکاران را هلاک می‌کند؛ والله اعلم.

۴ یعنی به طلب رضای او.

۲۳. بوستان‌های همیشه ماندن، درآیند آنجا ایشان و هر که نیکوکار باشد از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد ایشان و فرشتگان، داخل شوند بر ایشان از هر دروازه.
۲۴. گویند سلامتی بر شماست به سبب صبر کردن شما، پس نیک است جزای آن سرای.
۲۵. و آنان که می‌شکنند عهد خدا را بعد استوار کردن آن و قطع می‌کنند آنچه فرموده است خدا به پیوند کردن آن و فساد می‌کنند در زمین، آن جماعت ایشان راست لعنت و ایشان راست سختی آن سرای.
۲۶. خدا گشاده می‌سازد روزی را برای هر که می‌خواهد و تنگ می‌کند. و کافران شادمان شدند به زندگانی دنیا و نیست زندگانی دنیا به نسبت آخرت، مگر متاع اندک.
۲۷. و می‌گویند کافران که: چرا نفروم آورده شد بر پیغامبر نشانه‌ای از جانب پروردگار او؟ بگو: هرآینه خدا گمراه می‌کند هر که را خواهد و راه نماید به سوی خویش هر که را رجوع کرد (یعنی راه می‌نماید به سوی خود).
۲۸. آنان را که ایمان آوردند و آنان را که آرام می‌گیرد دل‌های ایشان به یاد خدا. آگاه شو! به یاد خدا آرام می‌گیرد دل‌ها.
۲۹. آنان که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند، حالت خوش باشد ایشان را و خوبی جایگاه باشد.
۳۰. همچنین فرستادیم تو را در امتی که گذشتند پیش از وی امت‌های بسیار تا بخوانی بر ایشان آنچه وحی فرستادیم به سوی تو و ایشان کافرند به خدا. بگو: او پروردگار من است، نیست هیچ معبود مگر او. بر وی توکل کردم و به سوی اوست رجوع من.
۳۱. و اگر بودی قرآنی که روان کرده می‌شد به سبب آن کوه‌ها یا شکافته می‌شد به سبب آن زمین یا سخن آورده می‌شد به سبب آن مردگان را، [نیز ایمان نمی‌آوردند] بلکه خدای راست، کار همه یکجا. آیا ندانسته‌اند مسلمانان که اگر خواستی خدای، راه نمودی مردمان را همه یکجا؟ و همیشه کافران به این صفت باشند که می‌رسد به ایشان به سبب آنچه کردند عقوبتی سخت یا فرود می‌آید آن عقوبت نزدیک به خانه ایشان. تا وقتی که بیاید وعده خدا، هرآینه خدا خلاف نمی‌کند وعده را.
۳۲. و هرآینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش از تو. پس مهلت دادم کافران را باز گرفتار کردم ایشان را، پس چگونه بود عقوبت من.
۳۳. آیا کسی که خبر گیرنده است بر هر کس به جزای آنچه عمل کرده است [مثل این بتان باشد؟] و مقرر کردند کافران خدای را شریکان. بگو: بیان کنید نام‌های ایشان را<sup>۳</sup>. آیا خیر می‌دهید خدا را به آنچه نمی‌داند در زمین یا فریفته می‌شوید به سخن سرسری؟! بلکه آراسته کرده شده است کافران را اندیشه فاسد ایشان و بازداشته شده‌اند از راه و هر که گمراه کندش خدا، نیست او را هیچ راه نماینده.
۳۴. ایشان راست عذاب در زندگانی دنیا و هرآینه عذاب آخرت سخت‌تر است و نیست ایشان را از خدا هیچ نگاهدارنده.

۱ مترجم گوید: یعنی از قسمی که درخواست می‌کردند.

۲ مترجم گوید: و آن کنایت است از شدتی که از وی خوفِ هلاک برایشان مستولی شود به آخرت نجات یابند؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: یعنی اوصافِ ایشان را ذکر کنید تا به اوصافِ خدا مقابله کرده شود و فن مماثلت ظاهر گردد؛ والله اعلم.

۴ یعنی تقلید پدران می‌کنید در سخن بی‌اساس؛ والله اعلم.

۳۵. صفت بهشتی که وعده کرده شده است متقیان را این است که: می‌رود زیر آن جوی‌ها، میوه‌های او جاوید است و سایه‌اش همچنین. این است جزای متقیان و جزای کافران آتش است.
۳۶. و آنان که دادیم ایشان را کتاب، شاد می‌شوند به آنچه فرورستاده شد به سوی تو و از این جماعت‌ها کسی است که انکار می‌کند بعض او را. بگو: جز این نیست که فرموده شده مرا که عبادت کنم خدا را و شریک او مقرر نکنم. به سوی او می‌خوانم و به سوی اوست مرجع من.
۳۷. و همچنین فرورستادیم قرآن را کتابی عربی و اگر پیروی کنی خواهش‌های نفس ایشان را بعد از آنچه آمده است به تو از علم، نیست تو را از عقوبت خدا هیچ کارسازنده و نه نگاه‌دارنده.
۳۸. و هرآینه فرستادیم پیغامبران را پیش از تو و دادیم ایشان را زنان و فرزندان و نشاید هیچ پیغامبر را که بیارد نشانه‌ای مگر به حکم خدا. هر قضای موقت را نامه هست.
۳۹. نابود می‌سازد خدا هر چه می‌خواهد و ثابت می‌کند هر چه خواهد و نزد اوست ام‌الکتاب (یعنی لوح محفوظ).<sup>۱</sup>
۴۰. و اگر بنماییم تو را بعض آنچه وعده می‌کنیم به ایشان یا قبض روح تو کنیم، به هر حال جز این نیست که بر تو پیغام رسانیدن است و بر ما است حساب.
۴۱. آیا نمی‌بینند که ما قصد می‌کنیم به این سرزمین که ناقص می‌سازیم آن را از جوانب آن؟ و خدا حکم می‌کند. نیست هیچ رد کننده‌ای حکم او را و او زود حساب کننده است.<sup>۲</sup>
۴۲. و هرآینه بدسگالیدند آنان که پیش از ایشان بودند. پس خدای راست تدبیر، همه یکجا. می‌داند آنچه به عمل می‌آرد هر نفسی و خواهند دانست این کافران که که را باشد جزای آن سرای.
۴۳. و می‌گویند کافران: نیستی پیغامبر. بگو: بس است خدا گواه در میان من و شما و بس است کسی که نزد اوست علم کتاب.<sup>۳</sup>

۱ مترجم گوید: صورت حادثه در عالم ملکوت خلق می‌فرماید. بعد از آن اگر خواهد محو کند و اگر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد که هر زمانی را شریعتی هست نسخ می‌کند خدای تعالی آنچه می‌خواهد وثابت می‌گذارد آنچه را خواهد؛ نزد اوست لوح محفوظ؛ والله اعلم.

۲ یعنی روزبه‌روز شوکت اسلام به زمین عرب منتشر می‌شود و دارالحراب ناقص می‌گردد از اطراف آن، عامه مفسرین این آیت را مدتیّه دانند و نزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد از نقصان دارالحراب، اسلام ابن‌سلام و غفارو جهینه و مزنه و قبائل این است پیش از هجرت.

۳ یعنی احبار یهود می‌دانند که رسالت آن حضرت، صلی‌الله‌علیه و سلم، صحیح است؛ والله اعلم.

۱۴. سوره ابراهیم

در مکه نازل شده و آن پنجاه و دو آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الر، این کتابی است که فرفرستادیم آن را به سوی تو تا بیرون آری مردمان را از تاریکی‌ها به سوی روشنی به حکم پروردگار ایشان به سوی راه خدای غالب ستوده.
۲. [به سوی راه] خدا که او راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و وای کافران را! از عذاب سخت.
۳. آنان که اختیار می‌کنند زندگانی دنیا را بر آخرت و بازمی‌دارند مردمان را از راه خدا و می‌طلبند در وی کجی،<sup>۱</sup> ایشانند در گمراهی دور.
۴. و فرستادیم هیچ پیغامبر را مگر به زبان قوم او تا بیان کند برای ایشان. پس گمراه سازد خدا هر که را خواهد و راه نماید هر که را خواهد و اوست غالب باحکمت.
۵. و هرآیین فرستادیم موسی را با نشانه‌های خود، گفتیم که بیرون آر قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و پند ده ایشان را به روزهای خدا، هرآیین در این نشانه‌هاست هر شکیبای شکرگزار را.
۶. و یاد کن آن وقت که گفت موسی قوم خود را: یاد کنید نعمت خدا را بر خویش؛ چون خلاص کرد شما را از کسان فرعون، می‌رسانیدند به شما سختی عذاب و می‌کشتند پسران شما را و زنده می‌گذاشتند دختران شما را و در این حال آزمایش بزرگ بود از پروردگار شما.
۷. و آن وقت که خبردار ساخت پروردگار شما که اگر شکر کنید، زیاده دهم شما را و اگر ناسپاسی کنید، هرآیین عذاب من سخت است.
۸. و گفت موسی: اگر کافر شوید شما و هر که در زمین همه یکجا، پس هرآیین خدا توانگر ستوده شده است.
۹. آیا نیامده است به شما خبر آنان که پیش از شما بودند، قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از ایشان آمدند؟ نمی‌داند ایشان را<sup>۲</sup> مگر خدا. آمدند به ایشان پیغمبران ایشان با معجزه‌ها. پس باز آوردند دست خود را در دهان خود<sup>۳</sup> و گفتند: هرآیین ما منکریم به آنچه فرستاده شدید همراه آن و هرآیین ما در شبهه قوی‌ایم از آنچه می‌خوانید ما را به آن.
۱۰. گفتند پیغامبران ایشان: آیا در خدا شبهه است، آفریننده آسمان‌ها و زمین؟! می‌خواند شما را تا بیمارزد برای شما گناهان شما و موقوف دارد شما را تا مدتی معین. گفتند: نیستید شما مگر آدمی مانند ما؛ می‌خواهید که بازدارید ما را از آنچه عبادت می‌کردند پدران ما، پس بیارید پیش ما حجتی ظاهر.

۱ یعنی به شبهات ثابت می‌کنند که کج است.

۲ یعنی به وقائی که از جانب او بودند.

۳ یعنی عدد و صفات ایشان را.

۴ یعنی از نهایت تعجب و انکار، انگشت به دندان گزیدند؛ والله اعلم.

۱۱. گفتند به ایشان پیغامبران ایشان: نیستیم مگر آدمی مانند شما ولیکن خدا نعمت فراوان می‌دهد به هر که خواهد از بندگان خود و نیست ممکن ما را که بیاریم به شما حتی مگر به حکم خدا و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان.
۱۲. چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و هرآینه نموده است ما؟ را راه‌های ما و البته صبر خواهیم کرد بر ایذای شما و بر خدا باید که توکل کنند توکل کنندگان.
۱۳. و گفتند کافران، پیغامبران خویش را: البته اخراج کنیم شما را از زمین خود یا بازآید در دین ما. پس وحی فرستاد به سوی ایشان پروردگار ایشان که: هلاک خواهیم کرد ستمکاران را.
۱۴. و ساکن خواهیم ساخت شما را در زمین بعد از ایشان. این وعده برای کسی است که بترسد از ایستادن به حضور من و بترسد از بیم من.
۱۵. و طلب فتح کردند [پیغامبران] و زیانکار شد هر گردن‌کش ستیزنده.
۱۶. پیش وی دوزخ است و نوشانیده شود از آب [جنس] زرد آب.
۱۷. جرعه‌جرعه فروکشد آن را و نزدیک نبود از آنکه به سهولت درکشد آن را و بیایدش موت<sup>۱</sup> از هر جایی و او مرده نبود و پیش وی است غذایی سخت.
۱۸. صفت آنان که نامعتقد شدند به پروردگار خویش این است؛ اعمال ایشان مانند خاکستری بود که سخت وزید بر آن باد در روزی که باد تند دارد. قدرت ندارند بر هیچ چیز از آنچه کسب کرده بودند. این است گمراهی دور.<sup>۲</sup>
۱۹. آیا ندیدی که خدا آفرید آسمان‌ها و زمین به تدبیر محکم. اگر خواهد، دور کند شما را و بیارد آفرینش نو.
۲۰. و نیست این بر خدا دشوار.
۲۱. و حاضر شوند پیش خدا همه یکجا، پس گویند ضعیفان گردنکشان، را: (یعنی تابعان، پیشروان را): هرآینه ما بودیم تابع شما، پس آیا شما دفع کننده هستید از ما پاره‌ای از عذاب خدا؟ گویند: اگر راه نمودی ما را خدا، راهنمایی می‌کردیم شما را. برابر است بر ما که اضطراب کنیم یا شکیبایی ورزیم؛ نیست ما را هیچ مخلصی.
۲۲. و گفت شیطان وقتی که فیصله کرده شد کار<sup>۳</sup> هرآینه خدا وعده داد شما را وعده راست و وعده دادم شما را، پس خلاف وعده کردم من با شما و نبود مرا بر شما هیچ تسلط؛ لیکن بود آنکه بخواندم شما را. پس قبول کردید سخن مرا؛ پس ملامت کنید مرا و ملامت کنید خویش را. نیستم فریادرس شما و شما نیستید فریادرس من. هرآینه من بیزار شدم از آنکه مرا شریک مقرر کردید پیش از این. هرآینه ستمکاران، ایشان راست عذاب درد دهند.
۲۳. و درآورده شدند آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند به بهشت‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا به حکم پروردگار خویش. دعای خیر ایشان با یکدیگر آنجا سلام است.
۲۴. آیا ندیدی چگونه پدید کرد خدا داستانی را: ساخت سخن پاکیزه را مانند درخت پاکیزه که بیخش استوار باشد و شاخش در آسمان.
۲۵. می‌دهد میوه‌های خود را هر فصلی به حکم پروردگار خویش و پدید می‌آرد خدا مثل‌ها را برای مردمان، تا بود که پندپذیر شوند.

۱ یعنی اسباب موت بیایدش.

۲ یعنی اعمال ایشان همه بر باد شوند و بدان منتفع نگردند؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت درآیند و دوزخیان ره دوزخ گیرند؛ والله اعلم.



۲۶. و حال سخن ناپاکیزه مانند درخت ناپاکیزه است که برکنده شده از بالای زمین؛ نیست او را هیچ استقراری.<sup>۱</sup>
۲۷. استوار می‌سازد خدا مسلمانان را به سخن درست در زندگانی دنیا و در آخرت و گمراه می‌سازد خدا ستمکاران را و می‌کند خدا آنچه می‌خواهد.<sup>۲</sup>
۲۸. آیا ندیدی به سوی آنان که بدل کردند نعمت خدا را به ناسپاسی<sup>۳</sup> و فرود آوردند قوم خود را به سرای هلاکی؟
۲۹. که دوزخ است، درآیند آنجا و آن بدقرارگاهی است.
۳۰. و مقرر کردند خدا را همتایان تا گمراه کنند عالم را از راه او. بگو: بهره‌مند شوید. هرآینه بازگشت شما به سوی آتش است.
۳۱. بگو آن بندگان مرا که ایمان آورده‌اند: برپا دارند نماز را و خرج کنند از آنچه ما روزی دادیم ایشان را، پنهان و آشکارا پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نیست در آن و نه با یکدیگر دوستی بود.
۳۲. خدا آن است که آفرید آسمان‌ها و زمین را و فروفرستاد از آسمان آب را، پس بیرون آورد به آن آب، روزی برای شما از قسم میوه‌ها و رام ساخت برای شما کشتی را تا برود در دریا به حکم او و رام ساخت برای شما جوی‌ها را.
۳۳. و رام ساخت برای شما آفتاب و ماه را همیشه روندگان و رام ساخت برای شما شب و روز را.
۳۴. و داد شما را از هرچه خواستید و اگر بشمارید نعمت خدا را، احاطه نتوانید کرد آن را. هرآینه انسان ستمکار ناسپاس است.
۳۵. و یاد کن چون گفت ابراهیم: ای پروردگار من! بکن این شهر را جای امن و دور دار مرا و فرزندان مرا از آنکه عبادت بتان کنیم.
۳۶. ای پروردگار من! این بتان گمراه کرده‌اند بسیاری را از مردمان. پس هر که پیروی من کرد پس هرآینه از آن من است و هر که نافرمانی کرد مرا، پس هرآینه تو آمرزنده مهربانی.
۳۷. ای پروردگار ما! هرآینه من ساکن ساختم بعضی اولاد خود را<sup>۴</sup> به وادی بی‌زراعت نزدیک خانه محترم تو، ای پروردگار ما! تا برپا دارند نماز را، پس بکن دلی چند را از مردمان، رغبت کننده به سوی ایشان و روزی ده ایشان را از میوه‌ها تا بُوَد که ایشان سپاسداری کنند.
۳۸. ای پروردگار ما! هرآینه تو می‌دانی آنچه پنهان می‌داریم و آنچه آشکارا می‌کنیم و پوشیده نمی‌شود بر خدا هیچ چیز در زمین و نه در آسمان.
۳۹. سپاس آن خدا راست که عطا کرد مرا با وجود کلانسالی، اسماعیل و اسحاق هرآینه پروردگار من شنونده دعاست.
۴۰. ای پروردگار من! بکن مرا برپادارنده نماز و از اولاد من نیز. ای پروردگار ما! و قبول کن دعای مرا.

۱ یعنی شریعت حق در ملکوت، ثابت است و در دنیا هر روز رواجی تازه می‌یابد و مردمان منتفع می‌شوند و ملت جاهلیت در ملکوت استقرار ندارد؛ هرچند در میان مردم شائع شود. در نهایت درهم و برهم کرده‌اید؛ والله اعلم.

۲ یعنی وقت مرگ، توفیق شهادت می‌دهد و وقت سؤال منکر و نکیر، به قول حق گویا می‌سازد؛ والله اعلم.

۳ یعنی ناسپاسی کردند. به شومی آن، نعمت مفقود شد؛ پس گویا نعمت دادند و کفر خریدند؛ والله اعلم.

۴ مترجم گوید: یعنی پسران بی‌واسطه؛ والله اعلم.

۴۱. ای پروردگار ما! پیامز مرا و مادر و پدر مرا و مسلمانان را روزی که قائم شود حساب.
۴۲. و مپندار خدا را بی خبر از آنچه می کنند ستمکاران. جز این نیست که موقوف می دارد ایشان را برای روزی که خیره شوند در آن چشم‌ها.
۴۳. شتاب کنندگان، سر خود بردارندگان، باز نمی گردد به سوی ایشان چشم ایشان و دل‌های ایشان خالی است.
۴۴. و بترسیان مردمان را از روزی که بیاید به ایشان عذاب. پس گویند ظالمان: ای پروردگار ما! موقوف دار ما را تا میعاد نزدیک تا قبول کنیم خواندن تو را و پیروی کنیم رسولان را. [گفته شود به ایشان:] آیا قسم نمی خوردید پیش از این، که نباشد شما را هیچ زوال؟! <sup>۱</sup>
۴۵. و ساکن شدید در منازل آنان که ستم کردند بر خویش و واضح شد شما را که چگونه کردیم به ایشان و پدید ساختیم برای شما داستان‌ها.
۴۶. و هرآینه بد سگالیدند، بد سگالی خویش را و نزدیک خدا است علم بدسگالی ایشان و نیست بدسگالی ایشان بدان ماثبه که از جای روند به سبب آن کوه‌ها. <sup>۱</sup>
۴۷. پس مپندار خدا را خلاف کننده وعده خود با رسولان خود. هرآینه خدا غالب صاحب انتقام است.
۴۸. روزی که بدل کرده شود این زمین به غیر این زمین و بدل کرده شوند آسمان‌ها و ظاهر شوند به حضور خدای یگانه غالب.
۴۹. و بینی آن روز گناه‌کاران را دست و پاها به هم بسته در زنجیرها.
۵۰. لباس ایشان از قطران باشد و بیوشد روی ایشان را آتش. <sup>۲</sup>
۵۱. تا جزا دهد خدا هر کسی را به آنچه کرده است. هرآینه خدا زود حساب کننده است.
۵۲. این قرآن خبر رسانیدن است مردمان را تا بیم کرده شوند به آن و بدانند که جز این نیست که وی خدای یگانه است و تا نپندپذیر شوند خداوندان عقل.

## ۱۵. سوره حجر

در مکه نازل شده و آن نودونه آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الر، این آیت‌های کتاب الهی و قرآن روشن است.
۲. بسا بود که دوست دارند کافران، کاش مسلمان بودندی.
۳. بگذار ایشان را تا بخورند و بهره‌مند شوند و مشغول کند ایشان را امید دراز. پس خواهند دانست.
۴. و هلاک نکردیم هیچ دیه را مگر که وی را نوشته بود معلوم.
۵. و سبقت نمی کند هیچ گروهی از مدت خود و بازپس نمی ماند.

۱ یعنی مکر ایشان ضعیف است؛ والله اعلم.

۲ قطران چیزی سیاه بدبودار است که آتش دران زود می گیرد؛ والله اعلم.

۳ یعنی نازل کرده شده است برای تبلیغ.

۶. و گفتند کافران: ای کسی که فرودآورده شده است بر وی قرآن، هرآینه تو دیوانه‌ای!
۷. چرا نمی‌آری پیش ما فرشتگان را اگر هستی از راستگویان؟
۸. فرونی فرستیم فرشتگان را مگر به تدبیر محکم و نباشند آنگاه مهلت داده شده.
۹. هرآینه ما فرو فرستادیم قرآن را و هرآینه ما او را نگهبانیم.
۱۰. و هرآینه پیغامبران را فرستادیم پیش از تو در فرقه‌های پیشینان.
۱۱. و نمی‌آید به ایشان هیچ فرستاده‌ای، مگر بودند به او تمسخرکنان.
۱۲. همچنین درمی‌آریم استهزا را در دل گناهکاران (یعنی کفار مکه).
۱۳. ایمان نیارند به قرآن و هرآینه گذشت آیین پیشینان.
۱۴. و اگر بگشاییم بر ایشان دری از آسمان، پس شوند به این صفت که در وی بالا می‌روند.
۱۵. البته گویند: جز این نیست که بند کرده شد چشم‌های ما را، بلکه ما قومی هستیم جادو زده.
۱۶. و هرآینه پیدا کردیم در آسمان، برج‌ها و بیاراستیمش برای بینندگان.
۱۷. و نگاه داشتیمش از هر شیطان رانده شده.
۱۸. مگر آن که به دزدی شنود، پس در پی وی افتد آتش آشکارا.
۱۹. و زمین را گسترانیدیمش و انداختیم در آنجا کوه‌ها و رویانیدیم در آنجا از جنس هر چیز، سنجیده.<sup>۱</sup>
۲۰. و ساختیم برای شما در آنجا اسباب معیشت و [ساختیم برای شما] آنکه نیستید او را روزی دهنده.<sup>۲</sup>
۲۱. و نیست هیچ چیز مگر نزدیک ما خزانه‌های اوست و فرو نمی‌آریم آن را مگر به اندازه مقرر.
۲۲. و فرستادیم بادها را باردار کننده ابر. پس فرو آوردیم از آسمان، آبی؛ پس نوشانیدیم شما را آن آب و نیستید شما آن را جمع کننده.
۲۳. و هرآینه ما زنده می‌سازیم و می‌میرانیم و ماییم وارث.
۲۴. و هرآینه دانسته‌ایم پیشینان را از شما و هرآینه دانسته‌ایم پسینان را.
۲۵. و هرآینه پروردگار تو همون برانگیزد ایشان را، هرآینه او استوار کار داناست.
۲۶. و هرآینه آفریدیم آدمی را از گل خشک از قسم لای سیاه بوی گرفته.
۲۷. و جان پیدا کردیمش پیش از این از آتش سوزان.
۲۸. و یاد کن چون گفت پروردگار تو فرشتگان را: هرآینه من آفریننده‌ام آدمی را از گل خشک از قسم لای سیاه بوی گرفته.
۲۹. پس چون راست کنمش و بدمم در وی روح خود را، پس افتید پیش او سجده‌کنان.
۳۰. پس سجده کردند فرشتگان، تمام ایشان همه یکجا.
۳۱. مگر ابلیس، سرباز زد از آنکه باشد با سجده‌کنندگان.
۳۲. گفت خدا: ای ابلیس! چیست تو را در این که نمی‌باشی با سجده‌کنندگان؟
۳۳. گفت: هرگز نیستم که سجده کنم آدمی را که پیدا کرده‌ای او را از گل خشک از قسم لای سیاه بوی گرفته.
۳۴. گفت: پس بیرون شو از بهشت. هرآینه تو رانده شده‌ای.
۳۵. هرآینه بر تو است لعنت تا روز قیامت.

۱ یعنی هر نوع را صورتی و صفتی است که از آنجا تجاوز نمی‌کند.  
 ۲ یعنی غلامان و جانوران؛ والله اعلم.

۳۶. گفت: ای پروردگار من! مهلت ده مرا تا روزی که برانگیخته شوند مردگان.
۳۷. گفت: هرآینه تو از مهلت داده شدگانی.
۳۸. تا روز آن وقت مقرر.
۳۹. گفت: ای پروردگار من! به سبب آنکه گمراه کردی مرا، البته بیارایم معصیت را برای ایشان در زمین و البته گمراه سازم ایشان را همه یکجا.
۴۰. مگر بندگان خالص کرده تو از ایشان.
۴۱. گفت خدا: این اخلاص، راهی است راست که بر من می‌رسد.
۴۲. هرآینه بندگان من نیست تو را بر ایشان غلبه؛ لیکن غلبه تو بر کسی باشد که پیروی تو کرد از گمراهان.
۴۳. و هرآینه دوزخ وعده‌گاه ایشان است همه یکجا.
۴۴. او را هفت در است، هر دری را از گمراهان حصه است جدا کرده شده.
۴۵. هرآینه پرهیزگاران در بوستان‌ها و چشمه‌ها باشند.
۴۶. ایشان را گفته شود: درآیید اینجا به سلامتی ایمن شده.
۴۷. و بیرون کشیم آنچه در سینه‌های ایشان بود از کینه؛ برادر یکدیگر شده بر تخت‌های روبه‌روی یکدیگر کرده.
۴۸. نرسد به ایشان آنجا هیچ رنجی و نیستند ایشان از آنجا بیرون کرده شده.
۴۹. خبر ده بندگان مرا که من آمرزنده مهربانم.
۵۰. و به آنکه عذاب من، همان عذاب درد دهنده است.
۵۱. و خبر ده ایشان را از مهمانان ابراهیم.
۵۲. چون داخل شدند بر وی، پس سلام گفتند. ابراهیم گفت: هرآینه ما از شما ترسانیم!
۵۳. گفتند: مترس! هرآینه ما مژده می‌دهیم تو را به فرزندی دانا.
۵۴. گفت: آیا بشارت دادید مرا با وجود آنکه رسید به من پیری؟ پس به چه قسم بشارت می‌دهید؟!
۵۵. گفتند: مژده دادیم تو را به راستی، پس مباش از ناامیدان.
۵۶. گفت: و کیست که ناامید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان؟
۵۷. گفت: پس چیست خبر شما را ای فرستادگان؟
۵۸. گفتند: هرآینه ما فرستاده شدیم به سوی گروهی گناهکاران.
۵۹. بجز کسان لوط. هرآینه ما البته نجات خواهیم داد ایشان را همه یکجا.
۶۰. غیر زنش که مقرر کرده‌ایم که هرآینه وی از بازماندگان است.
۶۱. پس وقتی که آمد به کسان لوط فرستادگان.
۶۲. گفت: هرآینه شما گروهی ناآشنایید.
۶۳. گفتند: بلکه آورده‌ایم پیش تو آنچه در آن شبهه می‌کردند (یعنی عقوبت).
۶۴. و آورده‌ایم پیش تو وعده راست را و هرآینه ما البته راستگویم.
۶۵. پس ببر کسان خود را به پاره‌ای از شب و تو از پی ایشان رو و باید که ننگرد از شما هیچ کس و بروید آنجا که فرموده شد [و آن زمین شام بود].
۶۶. و وحی فرستادیم به سوی لوط این سخن که: بیخ ایشان بریده شود چون به وقت صبح درآیند.
۶۷. و آمدند اهل شهر، خوشوقتی کنان.
۶۸. گفت لوط: هرآینه ایشان مهمان منند، پس رسوا مکنید مرا.
۶۹. و بترسید از خدا و خوار مکنید مرا.

۷۰. گفتند: آیا منع نکرده بودیم تو را از میزبانی غریبان.
۷۱. گفت: اینها دختران منند، اگر هستید کننده کاری.<sup>۱</sup>
۷۲. قسم به زندگانی تو! که این کافران در گمراهی خویش سرگردان می‌شوند.<sup>۲</sup>
۷۳. پس دریافت ایشان را آواز هولناک چون به وقت شروق درآمدند.
۷۴. پس ساختیم بالای آن شهرها را زیر آن و بارانیدیم بر ایشان سنگ از قسم سنگ گل.<sup>۳</sup>
۷۵. هرآیین در این قصه، نشانه‌هاست عبرت گیرندگان را.
۷۶. و هرآیین شهرها به راهی هستند که دایم آمدورفت دارد.
۷۷. و هرآیین در این نشانه است مؤمنان را.
۷۸. و هرآیین بودند اهل ایکه البته ستمکاران.
۷۹. پس انتقام کشیدیم از ایشان و شهرهای قوم لوط و شهرهای ایکه هر دو؛ به راه آشکار هستند.
۸۰. و هرآیین دروغ شمردند ساکنان حجر، پیغامبران را.
۸۱. و رسانیدیم به ایشان آیت‌های خود، پس شدند از آن روگردان.
۸۲. و بودند، تراشیده می‌ساختند کوه‌ها خانه‌های ایمن شده.
۸۳. پس گرفت ایشان را آواز سخت، صباح‌کنان.
۸۴. پس دفع نکرد از ایشان آنچه کسب می‌کردند.
۸۵. و نیافریدیم آسمان‌ها و زمین و آنچه مابین آنهاست، مگر به تدبیر درست و هرآیین قیامت، آمدنی است. پس درگذر (یعنی از بی‌ادبی‌های ایشان) در گذشتن نیکو.
۸۶. هرآیین پروردگار تو همان است آفریننده دانا.
۸۷. و هرآیین دادیم تو را هفت آیت از آنچه در نماز مکرر خوانده می‌شود<sup>۴</sup> و دادیم تو را قرآن بزرگ.
۸۸. باز مکن دو چشم خود را به سوی آنچه بهره‌مند ساخته‌ایم به آن جماعت‌ها را از کافران. و اندوهناک مشو بر ایشان و پست بکن بازوی خود را<sup>۵</sup> برای مسلمانان.
۸۹. و بگو: هرآیین من بیم کننده آشکارم.
۹۰. [فرود خواهیم آورد عذاب را] مانند آنچه فرودآورده بودیم بر تقسیم کنندگان.
۹۱. آنان که ساختند کتاب الهی را پاره پاره.<sup>۶</sup>
۹۲. پس قسم به پروردگار تو! البته سؤال کنیم ایشان را همه یکجا.
۹۳. از آنچه می‌کردند.
۹۴. پس آشکار کن به آنچه فرموده می‌شوی و اعراض کن از مشرکان.
۹۵. هرآیین ما بسنده‌ایم تو را از شرّ تمسخر کنندگان.
۹۶. آنان که مقرر می‌کنند با خدا معبود دیگر را، پس زود بدانند.
۹۷. و هرآیین ما می‌دانیم از حال تو که تنگ می‌شود سینه تو به سبب آنچه می‌گویند.
۹۸. پس به پاکی یاد کن پروردگار خود را با ستایش او و باش از سجده‌کنندگان.

۱ یعنی اگر قضای شهوت خواهید، نکاح بنات من کنید؛ والله اعلم.

۲ این کلمه در وسط قصه حضرت لوط اضافه کرده شد تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه بر حال قوم لوط و امثال ایشان؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: یعنی گل پخته مثل سنگ شده.

۴ یعنی سوره فاتحه.

۵ یعنی تواضع کن.

۶ مترجم گوید: یعنی اهل کتاب که بر بعض آیات عمل می‌کردند و بر بعضی نه؛ والله اعلم.

۱۶. سوره نحل

در مکه نازل شده و آن یکصد و بیست و هشت آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. آمد حکم خدا، پس به شتاب طلب مکنید آن را. پاک است خدا و بلند قدر است از آنچه شریک او مقرر می‌کنند.
۲. فرود می‌آورد فرشتگان را به وحی به اراده خود بر هر که خواهد از بندگان خود که بترسانید [به این مضمون که خدا می‌فرماید] که نیست هیچ معبود مگر من؛ پس بترسید از من.
۳. آفرید آسمان‌ها و زمین را به تدبیر درست. بلند قدر است از آنکه شریک او مقرر می‌کنند.
۴. آفرید آدمی را از منی، پس ناگهان وی ستیزنده آشکارا شد.
۵. و چارپایان را آفرید، برای شما از آنها پوششی است و منفعت‌های دیگر است و بعضی آنها را می‌خورید.
۶. و شما را در آنها آبرو است؛ چون وقت شام از صحرا بازمی‌آرید و چون به سوی صحرا سر می‌دهید.
۷. و برمی‌دارند بار شما را به سوی شهری که هرگز نمی‌رسیدید به آن مگر به مشقت جان‌ها. هرآینه پروردگار شما بخشاینده مهربان است.
۸. و آفرید اسبان را و استران را و خران را تا سوار شوید بر آنها و برای آرایش و می‌آفریند آنچه نمی‌دانید.
۹. و بر خدا می‌رسد راه میانه و بعضی راه‌ها کج است و اگر خواستی وی، راه نمودی شما را همه یکجا.
۱۰. اوست آن که فرود آورد از آسمان آب را برای شما؛ از آن آب، آشامیدنی است و از آن آب، بیشه درختان است که در آن می‌چرانید.
۱۱. می‌رویند برای شما به سبب آب، زراعت را و زیتون را و درختان خرما را و انگور و از هر جنس میوه‌ها، هرآینه در این نشانه‌ای است گروهی را که تفکر می‌کنند.
۱۲. و مسخر کرد برای شما شب و روز و آفتاب و ماه را و ستارگان، مسخرند به فرمان وی، هرآینه در این نشانه‌هاست گروهی را که درمی‌یابند.
۱۳. و مسخر کرد آنچه آفرید برای شما در زمین، گوناگون رنگ‌های او، هرآینه در این نشانه‌ای است گروهی را که پند می‌پذیرند.

۱ یعنی غلبه دین اسلام و تعدی کفار، به یقین شدنی است. چرا شتاب می‌کنند؟ والله اعلم.

۲ یعنی از انواع حیوان و نبات.

۱۴. و اوست آن که مسخر ساخت دریا را تا بخورید از آن گوشت تازه (یعنی ماهی) و تا بیرون آرید از آن پیرایه که بپوشید آن را و می بینی کشتی‌ها را رونده در دریا و مسخر کرد دریا را تا طلب معیشت کنید از فضل او و تا بُود که شکر کنید.
۱۵. و افکند در زمین کوه‌های محکم برای احتزار از آنکه بجنابند شما را و آفرید جوی‌ها و راه‌ها؛ تا بُود که راهیاب شوید.
۱۶. و آفرید نشانه‌ها و به ستارگان، ایشان راه می‌یابند.
۱۷. آیا کسی که می‌آفریند مانند کسی است که نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟
۱۸. و اگر بشمارید نعمت خدا را احاطه نکنید آن را، هر آینه خدا آمرزنده مهربان است.
۱۹. و خدا می‌داند آنچه پنهان می‌دارید و آنچه آشکارا می‌کنید.
۲۰. و آنان که می‌پرستند کافران ایشان را بجز خدا، نمی‌آفریند چیزی را و خودشان آفریده می‌شوند!
۲۱. مردگانند نه زندگان و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد.
۲۲. معبود شما خدای یگانه است. پس آنان که معتقد نمی‌شوند به آخرت، دل ایشان ناشناس است و ایشان سرکشند.
۲۳. بی‌شبهه خدا می‌داند آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکارا می‌کنند، هر آینه او دوست ندارد سرکشان را.
۲۴. و چون گفته شود ایشان را: چیست آنچه فروفرستاده است پروردگار شما؟ گویند: افسانه‌های پیشینیان است.
۲۵. [مآل این گفتار] آنکه بردارند بار گناه خویش به تمام روز قیامت و بردارند نیز بعض بارهای آنان که گمراه می‌سازند ایشان را به غیر دانش. آگاه شوید بد است آنچه برمی‌دارند.
۲۶. هر آینه بداندیشی کردند آنان که پیش از ایشان بودند، پس بیامد فرمان خدا به سوی عمارت ایشان از جانب بنیادها، پس افتاد بر ایشان سقف از بالای ایشان و آمد بدیشان عذاب از آن جهت که نمی‌دانستند.<sup>۱</sup>
۲۷. باز روز قیامت رسوا کند ایشان را و گوید: کجایند آن شریکان من که مخالفت می‌کردید در حق ایشان؟ گویند اهل علم: هر آینه رسوایی و سختی امروز بر کافران است.
۲۸. آنان که قبض ارواح ایشان می‌کردند فرشتگان، حال آنکه ستمکار بودند بر خویش؛ پس انداختند آن کافران پیغام انقیاد را که ما هرگز نمی‌کردیم هیچ عمل بد [گفته شود]: آری! هر آینه خدا داناست به آنچه می‌کردید.
۲۹. پس درآید به دروازه‌های دوزخ، جاویدان آنجا؛ پس بد است جای سرکشان [دوزخ].
۳۰. و گفته شد متقیان را: چیست آنچه فروفرستاد پروردگار شما؟ گفتند: فرود آورده است بهترین سخن، آنان را که نیکوکاری کردند در این سرای، حالت نیک است و هر آینه سرای آخرت بهتر است و هر آینه نیکوسرای متقیان است [آخرت].
۳۱. بوستان‌های همیشه ماندن؛ درآیند آنجا، می‌رود زیر آن جوی‌ها و ایشان راست آنجا هر چه خواهند. همچنین جزا می‌دهد خدا متقیان را.

۱ و این تمثیل است افساد مکر ایشان را بآبلغِ وجوه.

۳۲. آنان که فرشتگان قبض ارواح ایشان می‌کنند، حال آنکه شادمان باشند؛ گویند فرشتگان: سلام بر شما باد! درآیید به بهشت به جزای آنچه می‌کردید.<sup>۱</sup>
۳۳. انتظار نمی‌کشند کافران، الا آنکه بیایند به ایشان فرشتگان،<sup>۲</sup> یا بیاید فرمان پروردگار تو.<sup>۳</sup> همچنین کردند آنان که پیش از ایشان بودند و ستم نکرد بر ایشان خدا ولیکن بر خویش ستم می‌کردند.
۳۴. پس رسید به ایشان جزای گناهان از اعمال ایشان و فرود آمد به ایشان آنچه به آن استهزا می‌کردند.
۳۵. و گفتند مشرکان: اگر خواستی خدا، نمی‌پرستیدیم بجز وی هیچ چیزی را نه ما و نه پدران ما و حرام نمی‌دانستیم به غیر فرمان وی هیچ چیز را.<sup>۴</sup> همچنین کردند آنان که پیش از ایشان بودند، پس نیست بر پیغامبران بجز خبر رسانیدن آشکارا.
۳۶. و هرآینه فرستادیم در هر گروهی پیغامبری را که عبادت خدا کنید و احتراز کنید از بتان. پس از ایشان کسی بود که راه نمودش خدا و از ایشان کسی بود که ثابت شد بر وی گمراهی. پس سیر کنید در زمین، پس بنگرید چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان.
۳۷. اگر کوشش کنی بر هدایت ایشان [چه سود،] هرآینه خدا راه نمی‌نماید آن را که گمراه می‌سازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده.
۳۸. و قسم خوردند به خدا به محکم‌ترین سوگندهای خود که برنیانگیزد خدا مرده را. آری! برانگیزد؛ وعده درست لازم شده بر وی ولیکن بیشترین مردمان نمی‌دانند.
۳۹. [آری برانگیزد] تا بیان کند برای ایشان آنچه اختلاف می‌کنند در آن و تا بدانند کافران که ایشان دروغی بودند.
۴۰. نیست فرمان ما برای چیزی چون خواهیم آفریدنش، مگر گوییم او را: بشو! پس بشود.
۴۱. و آنان که ترک دیار خود کردند برای خدا بعد از آنکه ستم کرده شد بر ایشان، البته جای دهیم ایشان را در دنیا به سرای نیک و هرآینه مزد آخرت بزرگتر است، اگر می‌دانستند.
۴۲. آنان که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل می‌نمایند.<sup>۵</sup>
۴۳. و فرستادیم پیش از تو مگر مردانی را که وحی می‌فرستادیم به سوی ایشان. پس سؤال کنید از اهل کتاب اگر نمی‌دانید.<sup>۶</sup>
۴۴. فرستادیم ایشان را با دلایل و کتاب‌ها و فرود آوردیم به سوی تو کتاب تا بیان کنی برای مردمان شریعتی را که فرود آورده شد به سوی ایشان و تا بُود که ایشان تفکر کنند.
۴۵. آیا ایمن شده‌اند آنان که اندیشیدند تدبیرهای بد<sup>۷</sup> از آنکه فرو برد خدا ایشان را به زمین یا بیاید به ایشان عذاب از آنجا که ندانند؟
۴۶. یا بگیرد ایشان را در آمدوشد ایشان، پس نیستند ایشان عاجز کننده.

۱ مترجم گوید: خدای تعالی این دو صورت را برای بیان قال و حال و مآل اهل سعادت و اهل شقاوت نازل فرموده؛ والله اعلم.

۲ یعنی برای قبض ارواح.

۳ یعنی عذاب او.

۴ یعنی سلف ما اجماع کرده‌اند و آن بدون رضای خدا منعقد نمی‌شود. والله اعلم.

۵ و این وعده متحقق شده و مهاجران را به مدینه جای داد.

۶ یعنی پیغامبران سابق آدمی بودند، فرشته نبودند؛ والله اعلم.

۷ یعنی در حق پیغامبران و مؤمنان.



۴۷. یا بگیرد ایشان را بعد ترس،<sup>۱</sup> پس هر آینه پروردگار شما لطف کننده بخشاینده است.
۴۸. آیا ندیده‌اند به سوی آنچه پیدا کرده خدا از هر چیزی، می‌گردد سایه‌های او از جانب راست و از جانب چپ، سجده‌کنان برای خدا خوار شده.
۴۹. و خدای را سجده می‌کنند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است از قسم جنبنده و فرشتگان نیز سجده می‌کنند و ایشان سرکشی نمی‌کنند.
۵۰. می‌ترسند از پروردگار خود [غالب شده] از بالای ایشان و می‌کنند آنچه فرموده می‌شوند.
۵۱. و گفت خدا: فرامگیرید دو معبود. جز این نیست که وی معبود یگانه است، پس از من بترسید.
۵۲. و مر او راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است و مر او راست عبادت لازم شده، آیا از غیر خدا می‌ترسید؟
۵۳. و آنچه با شما است از نعمت، از جانب خدا است. باز چون برسد به شما سختی، پس به سوی او می‌نالید.
۵۴. باز چون بردارد سختی را از سر شما، ناگهان فریقی از شما به پروردگار خود، شریک مقرر می‌کنند.
۵۵. تا ناسپاسی کنند آنچه دادیم ایشان را. پس بهره‌مند شوید، پس خواهید دانست.
۵۶. و مقرر کردند برای چیزی که نمی‌دانند تحقیق آن (یعنی برای بتان)، حصه‌ای از آنچه روزی داده‌ایم ایشان را. به خدا قسم! البته پرسیده خواهید شد از آنچه افترا می‌کردید.
۵۷. و مقرر می‌کنند برای خدا دختران را. پاک است او و مقرر می‌کنند برای خویش آنچه رغبت می‌نمایند.<sup>۲</sup>
۵۸. و اگر مژده داده شود یکی از ایشان به تولد دختر، روی او سیاه گردد و او پر از اندوه باشد.
۵۹. پنهان شود از قوم به سبب ناخوشی آنچه مژده داده شد به وی. [در تأمل افتد که] آیا باقی گذاردش به خواری یا درآردش به خاک؟ آگاه شو! بد حکم ایشان است این حکم!
۶۰. آنان را که معتقد نمی‌شوند به آخرت، صفت بد است و خدای راست صفت بلند و او غالب باحکمت است.
۶۱. و اگر گرفتار کند خدا مردمان را به سبب ستم ایشان، نگذارد بر زمین هیچ جنبنده‌ای ولیکن موقوف می‌دارد ایشان را تا وقتی مقرر؛ پس چون برسد آن وقت مقرر ایشان، باز نمانند ساعتی و نه پیش‌روند.
۶۲. و مقرر می‌کنند برای خدا آنچه ناپسند می‌دارند<sup>۳</sup> و بیان می‌کند زبان‌های ایشان سخن دروغ را که ایشان را باشد نیکویی.<sup>۴</sup> شبهه نیست در آنکه ایشان را باشد آتش و آنکه ایشان، پیش فرستادگانند به دوزخ.
۶۳. قسم به خدا! هر آینه پیغامبران فرستادیم به سوی امتانی که پیش از تو بودند. پس بیاراست برای ایشان شیطان کردارهای ایشان، پس همو یار این کافران است امروز و ایشان راست عذاب درد دهنده.

۱ یعنی بعد اقامت قرائن هلاک.

۲ یعنی پسران را.

۳ یعنی دختران.

۴ یعنی نجات در آخرت.

۶۴. و فرود نیاوردیم بر تو کتاب را مگر به سبب آنکه بیان کنی برای ایشان آنچه در آن اختلاف کردند و برای راه نمودن و بخشایش قومی که می‌گرویدند.
۶۵. و خدا فرود آورد از آسمان آب را، پس زنده ساخت به آن زمین را بعد از مرگ آن. هرآیین در این نشانه‌ای است گروهی را که می‌شنوند.
۶۶. و هرآیین شما را در چهارپایان، پندی است؛ می‌نوشانیم شما را از جمله آنچه در شکم وی است از میان سرگین و خون، شیرینی خالص گوارا، آشامندگان را.
۶۷. و از میوه‌های درختان خرما و درختان انگور [قسمی هست که] می‌سازید از آن شراب مست کننده و می‌سازید از آن روزی حلال، هرآیین در این نشانه‌ای است گروهی را که درمی‌یابند.
۶۸. و الهام فرستاد پروردگار تو به سوی زنبورِ شهد که بساز خانه‌ها از کوه‌ها و از درختان و از آنچه مردمان بنا می‌کنند.
۶۹. باز بخور از هر جنس میوه‌ها و برو در راه‌های پروردگار خویش رام شده [آن راه‌ها] که برمی‌آید از شکم این زنبورها آشامیدنی گوناگون رنگهای آن. در آن آشامیدنی شفا است مردمان را، هرآیین در این امور نشانه است گروهی را که تفکر می‌کنند.
۷۰. و خدا آفرید شما را، باز بمیراند شما را و از شما کسی هست که عائد کرده می‌شود به خوارترین عمر، مالش آنکه نداند بعد دانستن، چیزی را. هرآیین خدا دانای تواناست.
۷۱. و خدا فضل داد بعضی شما را بر بعضی در روزی، پس نیستند آنان که افزونی داده شدند، عاید کنندگان روزی خود را بر مملوکان خود تا همه ایشان در روزی برابر باشند. آیا نعمت خدا را انکار می‌نمایند؟<sup>۱</sup>
۷۲. و خدا آفرید برای شما از جنس شما زنان را و آفرید برای شما از زنان شما پسران و نبرگان را و روزی داد شما را از پاکیزه‌ها. آیا به باطل معتقد می‌شوند و به نعمت خدا ایشان ناسپاسی می‌نمایند؟
۷۳. و می‌پرستند بجز خدا کسی را که نمی‌تواند برای ایشان چیزی روزی دادن از آسمان‌ها و زمین چیزی [از توانایی] و قادر نمی‌شوند.
۷۴. پس بیان مکنید برای خدا داستان‌ها، هرآیین خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.
۷۵. بیان کرد خدا داستان بنده مملوکی که توانایی ندارد بر هیچ چیز و کسی که دادیمش از نزدیک خود، روزی نیک؛ پس وی خرج می‌کند از آن روزی، پنهان و آشکارا، آیا برابر می‌شوند؟ همه ستایش، خدای راست؛ بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند.
۷۶. و بیان کرد خدا داستانی دیگر؛ دو مرد، یکی از ایشان گنگ است، قدرت ندارد بر چیزی و او گران است بر خواجه خود؛ هر کجا فرستدش نیارد از آنجا هیچ نیکی. آیا برابر است این شخص و کسی که می‌فرماید مردمان را به عدل و خودش بر راه راست است؟<sup>۲</sup>
۷۷. و خدای راست علم پنهان آسمان‌ها و زمین و نیست کار قیامت (یعنی نزدیک قدرت او)، مگر مانند چشم بهم زدن؛ بلکه او نزدیک‌تر است، هرآیین خدا بر همه چیز تواناست.
۷۸. و خدا بیرون آورد شما را از شکم‌های مادران شما، نمی‌دانستید چیزی را و پیدا ساخت برای شما شنوایی و چشم‌ها و دل‌ها تا بود که شکر کنید.

۱ یعنی هیچ کس نمی‌خواهد که مملوکان خود را برابر خود سازد؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: حاصل این دو مثل، آن است که آنچه در عالم تصرف ندارد، با خدا برابر نیست؛ چنانکه مملوکی توان با مالک توانا برابر نیست و چنانکه گنگ بی‌تمیز با صاحب هدایت و اهتدا برابر نیست.

۷۹. آیا ندیدند به سوی مرغان رام شده در هوای آسمان؟ نگاه نمی‌دارد ایشان را مگر خدا، هر آینه در این نشانه‌هاست گروهی را که ایمان می‌آرند.
۸۰. و خدا ساخت برای شما از خانه‌های شما جای سکونت و ساخت برای شما از پوست چهارپایان، خانه‌هایی. سبک می‌یابید آن را روز سفر خود و روز اقامت خود و ساخت از پشم‌های وی و دبروی و موی وی اسباب خانه و بهره‌مندی تا وقت مقرر.
۸۱. و خدا پیدا ساخت برای شما از مخلوقات خود سایه‌ها و پیدا کرد برای شما از کوه‌ها، غارها و ساخت برای شما جامه‌ها که نگاه دارد شما را از گرمی<sup>۱</sup> و جامه‌هایی که نگاه دارد شما را از ضرر جنگ شما. همچنین تمام می‌دهد نعمت خود را بر شما، تا بُوَد که متفاد شوید.
۸۲. پس اگر اعراض کنند، جز این نیست که بر تو پیغام رسانیدن آشکار است.
۸۳. می‌شناسند نعمت خدا را باز انکار آن می‌کنند و بیشترین ایشان، کافرانند.
۸۴. و آن روز که برانگیزیم از هر گروهی را گواهی را<sup>۲</sup> باز دستوری داده نشود کافران را<sup>۳</sup> و نه از ایشان رجوع به مرضیات الهی طلب کرده شود.
۸۵. و چون ببینند ستمکاران عذاب را [اضطراب کنند]، پس سبک کرده نشود از ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند.
۸۶. و چون ببینند مشرکان شریکان خود را، گویند: ای پروردگار ما! این جماعت شریکان مانند که می‌پرستیدیم بجز تو. پس شریکان پیغام اندازند به سوی ایشان [این سخن را] که: هر آینه شما دروغ‌گویانید.
۸۷. و این همه افکنند به سوی خدا آن روز پیغام انقیاد را و گم گردد از ایشان آنچه افترا می‌کردند.
۸۸. آنان که کافر شدند و بازداشتند<sup>۴</sup> از راه خدا، افزون دهیم ایشان را عذابی بالای عذابی به سبب آنکه فساد می‌کردند.<sup>۵</sup>
۸۹. و آن روز که برانگیزیم در هر امتی گواهی بر ایشان از قبیله ایشان،<sup>۶</sup> و بیاریم تو را گواه بر این کافران، و فرود آوردیم بر تو کتاب برای بیان کردن هر چیز و برای راه نمودن و بخشایش و مژده دادن، مسلمانان را.
۹۰. هر آینه خدا می‌فرماید به انصاف و نیکوکاری و عطا کردن به خویشاوندان و منع می‌کند از بی‌حیایی و کار ناپسندیده و تعدی. پند می‌دهد شما را تا بُوَد که شما پندپذیر شوید.
۹۱. و وفا کنید به عهد خدا چون عهد بندید و مَشکنید سوگندها را بعد محکم ساختن آنها و هر آینه ساخته‌اید خدا را بر خویش، نگاهبان.<sup>۷</sup> هر آینه خدا می‌داند آنچه می‌کنید.
۹۲. و مباشید مانند زنی که گسست رشته خود را بعد از استواری، پاره‌پاره ساخته. می‌سازید سوگندهای خویش را مگر در میان خود تا افزونتر شود گروهی از گروهی.<sup>۸</sup>

۱ یعنی و از سردی نیز.

۲ و آن نبی آن قوم باشد؛ والله اعلم.

۳ یعنی تا عذر خود کنند.

۴ یعنی مردمان را.

۵ یعنی عذاب گمراهی و گمراه کردن.

۶ مترجم گوید: و آن نبی آن قوم باشد.

۷ یعنی نام او را در قسم، مذکور کرده‌اید.

۸ یعنی برای منفعت دنیا تا مال و منال زیاده به دست آرد.

- جز این نیست که می‌آزماید خدا شما را به آن افزونی و البته بیان کند برای شما روز قیامت آنچه در آن اختلاف می‌نمودید.<sup>۱</sup>
۹۳. و اگر خواستی خدا، ساختی شما را یک گروه ولیکن گمراه می‌کند هر که را خواهد و راه می‌نماید هر که را خواهد و البته پرسیده خواهید شد از آنچه می‌کردید.
۹۴. و مسازید سوگندهای خود را دغا در میان خویش که آنگاه بلغزد قدم بعد استواری آن و بچشید عقوبت به سبب بازداشتن از راه خدا، و شما را باشد عذاب بزرگ.<sup>۲</sup>
۹۵. و مستانید عوض عهد خدا بهای اندک، هرآینه آنچه نزدیک خدا است، آن بهتر است شما را اگر دانسته‌اید.
۹۶. آنچه نزدیک شما است فانی شود و آنچه نزدیک خداست، پاینده است و بدهیم صابران را مزد ایشان به حسب نیکوترین آنچه می‌کردند.
۹۷. هر که عمل نیک کرد مرد باشد یا زن و او مسلمان است، هرآینه زنده کنیمش به زندگانی پاک<sup>۳</sup> و بدهیم آن جماعت را مزد ایشان به حسب نیکوترین آنچه می‌کردند.
۹۸. پس وقتی که خواهی قرآن خواندن، پناه طلب کن به خدا از شیطان رانده شده.
۹۹. هرآینه نیست شیطان را غلبه بر آنان که ایمان آوردند و به پروردگار خود توکل می‌کنند.
۱۰۰. جز این نیست که غلبه او بر آنان است که دوستداری او می‌کنند و آنان که ایشان به خدا شریک مقرر می‌کنند.
۱۰۱. و چون بدل کنیم آیتی به جای آیتی<sup>۴</sup> و خدا داننده‌تر است به آنچه فرود می‌آرد، گویند: جز این نیست که تو افترا کننده‌ای. بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند.
۱۰۲. بگو: فرود آورده است آن را روح‌القدس از جانب پروردگار تو به راستی، تا مستقیم سازد مؤمنان را و برای راه نمودن و مژده دادن، مسلمانان را.
۱۰۳. و هرآینه ما می‌دانیم که کافران می‌گویند: جز این نیست که می‌آموزد این پیغامبر را آدمی. زبان کسی که نسبت می‌کنند به سوی او، عجمی است و این قرآن، به زبان عربی واضح است.
۱۰۴. هرآینه آنان که ایمان نمی‌آرند به آیات خدا، راه ننمایند ایشان را خدا و ایشان را باشد عذاب درد دهند.
۱۰۵. جز این نیست که افترا می‌کنند دروغ را آنان که ایمان ندارند به آیت‌های خدا و ایشانند دروغگویان.
۱۰۶. هر که کافر شود به خدا بعد از ایمان خود مگر آنکه جبر کرده شود بر وی و دلش آرمیده باشد به ایمان ولیکن کسی که سینه گشاده کند به کفر (یعنی راضی شود)، بر ایشان است خشمی از خدای و ایشان راست، عذاب بزرگ.
۱۰۷. این خشم به سبب آن است که ایشان دوست داشتند زندگانی دنیا را بر آخرت و به سبب آن است که خدا راه نمی‌نماید گروه کافران را.

۱ مترجم گوید: مراد، تحریم یمین غموس است و حاصل مثل، آن است که اعمال خود را بر باد مکنید، چنانکه این زن عمل خود را تباہ کرد؛ والله اعلم. و گویا اینجا اشاره است به آنکه یمین غموس بر بادکننده اعمال است؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: یعنی در جهاد عهد کرده و قسم خورده دغا (عهدشکنی) کردن به سبب آن است که کافران منبعه قول ایشان را معتبر ندانند و به ایشان صحبت ندارند، بلکه مسلمانان در شبهه افتند؛ والله اعلم.

۳ یعنی در دنیا نعمت دهیم.

۴ یعنی یک آیت به آیت دیگر، نسخ کنیم.

۱۰۸. ایشانند آن جماعت که مهر نهاده است خدا بر دل‌های ایشان و بر گوش ایشان و دیده‌های ایشان و ایشانند بی‌خبران.
۱۰۹. شک نیست در آن که ایشانند در آخرت، زیانکاران.
۱۱۰. باز پروردگار تو آنان را که هجرت کردند بعد از آنکه عقوبت کرده شد ایشان را [تا کلمه کفر بگویند]، باز جهاد کردند و صبر نمودند، هرآینه پروردگار تو بعد از این مقدمه، آمرزگار مهربان است.
۱۱۱. آن روز که بیاید هر شخصی جدال کنان از طرف ذات خود و به تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند.
۱۱۲. و بیان کرد خدا داستان دهبی که بود ایمن آرمیده، می‌آمد به او روزی او به گشادگی از هر جای. پس ناسپاسی کرد به نعمت‌های خدا؛ پس چشانیید خدا آن را پوشش گرسنگی و ترس به سبب آنچه می‌کردند.
۱۱۳. و هرآینه آمد پیش ایشان پیغامبری از جنس ایشان؛ پس دروغی داشتندش؛ پس گرفت ایشان را عقوبت و ایشان ستمکار بودند.<sup>۱</sup>
۱۱۴. پس بخورید از آنچه خدا روزی داد شما را حلال پاکیزه و شکر کنید بر نعمت خدا اگر او را می‌پرستید.
۱۱۵. جز این نیست که حرام ساخته است خدا بر شما مردار را و خون و گوشت خوک را و آنچه ذکر کرده شد نام غیر خدا بر ذبح وی؛ پس هر که بیچاره شد، نه ستم کرده و نه از حد گذشته، پس خدا آمرزگار مهربان است.
۱۱۶. و مگوئید چیزی را که بیان می‌کند [حکم او را] زبان شما به دروغ، آن حلال است و این حرام است تا افترا کنید بر خدا دروغ را؛ هرآینه آنان که افترا می‌کنند بر خدا دروغ را، رستگار نمی‌شوند.
۱۱۷. [ایشان را بُود] بهره اندک و ایشان را باشد عذاب درد دهنده.
۱۱۸. و بر یهود حرام کرده بودیم آنچه قصه خواندیم بر تو پیش از این (یعنی در سوره انعام) و ستم نکردیم بر ایشان ولیکن ایشان بر جان خویش ستم می‌کردند.
۱۱۹. باز هرآینه پروردگار تو آنان را که کار بد کردند به نادانی، باز توبه کردند بعد از آن و شایسته کار شدند، هرآینه پروردگار تو بعد از این توبه، آمرزگار مهربان است.
۱۲۰. هرآینه ابراهیم بود بزرگواری عبادت کننده برای خدا، حنیفی کیش و نبود از مشرکان.<sup>۲</sup>
۱۲۱. سپاس دارنده نعمتهای خدا را. برگزیدش خدا و دلالت نمودش به سوی راه راست.
۱۲۲. و عطا کردیمش در این سرا، نعمت و هرآینه او در آخرت از شایسته حالان است.
۱۲۳. بعد از آن وحی فرستادیم به سوی تو که پیروی کن کیش ابراهیم را حنیف شده و نبود از مشرکان.
۱۲۴. جز این نیست که لازم کرده شد تعظیم شنبه بر آنان که اختلاف کردند در آن و هرآینه پروردگار تو حکم کند در میان ایشان روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف می‌کردند.<sup>۳</sup>

۱ مترجم گوید: این قصه اجمالی، انتزاع کرده شده است از قصه‌های بسیار و منطبق است بر واقعه‌های بی‌شمار و لهذا مثل نامیده شد و در عبارت «اذا قها الله لباس الجوع والخوف» جمع کرده شده است و تشبیه در یک سیاق؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: حنیف آن را گویند که حج و ختنه و غسل جنابت می‌کرده باشد؛ والله اعلم. توضیح: حنیف آن را گویند که شرک و باطل را ترک کرده، بدین حق مائل باشد. (مصحح).

۳ مترجم گوید: یعنی یهود بحث می‌کردند در شنبه. طائفه‌ای گفتند که خدای تعالی روز شنبه از خلق فارغ شد؛ پس در شنبه عبادت باید کرد و طائفه‌ای سکوت کردند. خدای تعالی تعظیم روز شنبه به این سبب

۱۲۵. دعوت کن (یعنی مردمان را) به سوی راه پروردگار خویش به دانش و پند نیک و مناظره کن با ایشان به طریقی که وی نیک است، هرآینه پروردگار تو داناتر است به کسی که گمراه باشد از راه او و او داناتر است به راه یابان.
۱۲۶. و اگر مکافات کنی، پس مکافات کنی به مثل آنچه با شما معامله کرده شد و اگر صبر کنی، هرآینه آن صبر بهتر است صابران را.
۱۲۷. و شکیبایی کن و نیست شکیبایی تو مگر به توفیق خدا و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از آنکه بداندیشی می کنند.
۱۲۸. هرآینه خدا با پرهیزگاران است و با آنان که ایشان نیکوکارانند.

## ۱۷. سوره اسراء

در مکه نازل شده و آن یکصدویازده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. پاک است آن که ببرد بنده خود را شبی از مسجد حرام به سوی مسجد اقصی که برکت نهادیم گرداگرد آن، تا بنمایم بعض نشانه های خود، هرآینه اوست شنوای بینا.<sup>۱</sup>
۲. و دادیم موسی را کتاب و ساختیمش هدایت، بنی اسرائیل را؛ [گفتیم]، که مگیرید بجز من کارسازی.
۳. ای فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را با نوح! (یعنی بر کشتی) هرآینه وی بود بنده سپاسدار.
۴. و وحی فرستادیم به سوی بنی اسرائیل در تورات که البته فساد خواهید کرد در زمین دوبار و البته طغیان خواهید کرد به سرکشی بزرگ.
۵. پس چون بیاید وعده نخستین بار از آن دو، بفرستیم بر شما بندگان خود را خداوندان کارزار سخت، پس درآیند میان خانه ها و هست وعده خدا کردنی.<sup>۲</sup>
۶. باز دهیم شما را غلبه بر ایشان و پی در پی دهیم شما را اموال و فرزندان و سازیم شما را بیشتر به اعتبار لشکر.<sup>۳</sup>
۷. [و گوئیم:] اگر نیکوکاری کنی، نیکوکاری کرده باشی برای جان خویش و اگر بدکاری کنی، پس آن بدی، جان شما راست. پس چون بیاید وعده دیگر [باز بفرستیم بندگان خود را] تا ناخوش سازند روی شما را و تا درآیند به مسجد، چنانکه درآمده بودند اول بار. و تا از پا بیفکنند بر هر چه غالب شوند، افکنندنی.<sup>۴</sup>

بر ایشان واجب گردانید؛ والله اعلم.

- ۱ یعنی خدای تعالی در شب معراج پیش از صعود بر آسمانها آن حضرت، صلی الله علیه و سلم، را به مسجد بیت المقدس رسانید.
- ۲ مترجم گوید: و این وعده متحقق شد به تسلط جالوت، پادشاه عمالقه.
- ۳ مترجم گوید: و این معنی در خلافت حضرت داود ظاهر شد.
- ۴ مترجم گوید: و این وعده متحقق شد وقتی که حضرت یحیی را کشتند. پس بخت نصر را مسلط ساخت.

- ۸ [گوییم]: نزدیک است پروردگار شما آنکه رحم کند بر شما و اگر رجوع کنید به نافرمانی، ما رجوع کنیم به عقوبت، و ساختیم دوزخ را برای کافران، زندانی.<sup>۱</sup>
- ۹ هر آینه این قرآن راه می‌نماید به خصلتی که آن درست‌تر است و بشارت می‌دهد آن مسلمانان را که کارهای شایسته می‌کنند، به آنکه ایشان را باشد مزد بزرگ.
- ۱۰ و [خبر می‌دهد که] آنان که ایمان نیاورده‌اند به آخرت، آماده کرده‌ایم برای ایشان عقوبت درد دهنده.
- ۱۱ و دعا می‌کند آدمی به بدی،<sup>۲</sup> مانند دعای وی به نیکویی و هست آدمی شتابکار.
- ۱۲ و ساختیم شب و روز را دو نشانه؛ پس بی‌نور ساختیم نشانه شب را و ساختیم نشانه روز را سبب دیدن اشیا، تا طلب کنید فضل را از پروردگار خود و تا بدانید شمار سال‌ها را و بدانید حساب را و هر چیزی را بیان کردیم به تفصیل.
- ۱۳ و به هر آدمی متصل ساختیم شامت عمل او را بسته در گردن او و بیرون آریم برای او روز قیامت، نامه‌ای که بیند آن را بازگشاده.
- ۱۴ گوئیم بخوان نامه خود را. بس است نفس تو امروز بر تو حساب کننده.
- ۱۵ هر که راهیاب شد، پس جز این نیست که راهیاب می‌شود برای نفع خود و هر که گمراه شد، پس جز این نیست که گمراه می‌شود بر ضرر خود و بر ندارد هیچ بردارنده بار دیگری را و نیستیم ما عذاب کننده تا آنکه فرستیم پیغامبری را.
- ۱۶ و چون خواهیم که هلاک کنیم دیهی را می‌فرماییم به سرکشان آنجا (یعنی آنچه خواهیم از) پس نافرمانی کردند آنجا پس ثابت شد بر آن دیه و عده عذاب، پس برهم زدیم ایشان را برهم زدنی.
- ۱۷ و بسا کس را هلاک کردیم از طبقات مردمان بعد نوح و بس است پروردگار تو به گناه بندگان خود، دانای بینا.
- ۱۸ هر که خواسته باشد [آسودگی] دنیا، به شتاب دهیم وی را در آنجا هرچه خواهیم هر که را خواهیم، باز مقرر کنیم برای او دوزخ، درآید به آن نکوهیده رانده شده.
- ۱۹ و هر که بخواهد [ثواب] آخرت و سعی کند برای آن سعی که لایق وی است و او مسلمان باشد، پس این جماعت هست سعی ایشان مقبول.
- ۲۰ هر فرقه را پی‌درپی می‌دهیم، این فرقه را و آن فرقه را از بخشش پروردگار تو و نیست بخشش پروردگار تو بازداشته شده.
- ۲۱ ببین چگونه افزونی داده‌ایم بعض مردمان را بر بعض،<sup>۳</sup> هر آینه آخرت زیاده‌تر بود در تمیز درجات و بیشتر باشد درافزونی دادن.
- ۲۲ مقرر مکن با خدا معبود دیگر را آنگاه بنشین نی‌کوهیده بی‌یار مانده.
- ۲۳ و حکم کرد پروردگار تو که: عبادت مکنید مگر خودش را و بکنید با پدر و مادر نی‌کوکاری. اگر برسد نزدیک تو به کلان‌سالی یکی از ایشان یا هر دو، پس مگو ایشان را اف! و بانگ مزین بر ایشان و بگو به ایشان سخن نیکو.
- ۲۴ و پست کن برای ایشان بازوی تواضع را از جهت مهربانی و بگو: ای پروردگار من! ببخشا بر ایشان، چنانکه پرورش کردند مرا در خردسالی.

۱ مترجم گوید: ایشان عود کردند به فساد و تکذیب حضرت عیسی و حضرت پیغامبر، جنگ کردند با او؛ پس خدای تعالی عود فرمود به تعذیب ایشان به قتل و اسرو جزیه.  
 ۲ مترجم گوید: یعنی در حالت تنگدلی بر خود و بر اولاد خود دعای بد می‌کند.  
 ۳ یعنی در دنیا به حد رزق و جاه.

۲۵. پروردگار شما داناتر است به آنچه در ضمیر شماست. اگر باشید شایسته، پس هرآینه وی هست رجوع کنندگان را، آمرزنده.
۲۶. و بده به خداوندان قربت، حق وی را و به درویش و به راهگذری، و اسراف مکن اسراف کردنی.
۲۷. هرآینه اسراف کنندگان هستند برادران شیاطین و هست شیطان به نسبت پروردگار خود، ناسپاس.
۲۸. و اگر روبگردانی از این جماعت به انتظار رزقی از پروردگار خود که امیدوار آن باشی، پس بگو ایشان را سخن ملایم.
۲۹. و مکن دست خود را بسته با گردن خود و مگشای آن را تمام گشادن؛ که آنگاه بنشین میلامت کرده شده،<sup>۱</sup> در مانده گشته.<sup>۲</sup>
۳۰. هرآینه پروردگار تو می گشاید و تنگ می کند روزی برای هر که خواهد، هرآینه او به بندگان خود دانای بیناست.
۳۱. و مکشید اولاد خود را از ترس تنگدستی. ما روزی می دهیم ایشان را و شما را، هرآینه کشتن ایشان هست گناهی عظیم.
۳۲. و نزدیک مشوید به زنا، هرآینه وی بی حیایی است و بد راهی است وی.
۳۳. و مکشید نفسی را که محترم ساخته است خدا، مگر به حق و هر که کشته شود به ستم، پس داده ایم وارث او را قوتی؛<sup>۳</sup> پس باید که زیادتی نکند در کشتن، هرآینه وی هست یاری داده شده.
۳۴. و نزدیک مشوید به مال یتیم، مگر به طریقی که او نیک است. تا آنکه رسد به نهایت قوت خود و وفا کنید به عهد، هرآینه عهد، پرسیده خواهد شد از او.
۳۵. و تمام کنید پیمان را چون بیمائید و بسنجید به ترازوی راست؛ این بهتر است و نیکوتر است از جهت عاقبت.
۳۶. و مرو پی چیزی که تو را دانش آن نیست، هرآینه گوش و چشم و دل هر یکی از اینها پرسیده خواهد شد ازو.
۳۷. و مرو در زمین، خرامان؛<sup>۴</sup> هرآینه تو نخواهی شکافت زمین را و نرسی به کوهها در درازی.
۳۸. همه این خصلت هاست، بد فعلی؛ آن نزدیک پروردگار تو ناپسندیده.
۳۹. این از آن جمله است که وحی فرستاده است به سوی تو پروردگار تو از علم و مقرر مکن با خدا معبودی دیگر را، آنگاه انداخته شوی در دوزخ، ملامت کرده شده رانده گشته.
۴۰. آیا برگزید شما را پروردگار شما به پسران و خود فراگرفت از فرشتگان دختران را؟ هرآینه شما می گویند سخن گران.
۴۱. و هرآینه به هر نوع سخن گفتیم در این قرآن تا پندپذیر شوند و نمی افزاید در حق ایشان مگر رمیدن را.
۴۲. بگو: اگر بودندی با خدای معبودان دیگر، چنانکه می گویند، آنگاه طلب کردندی به سوی خداوند عرش، راه منازعت را.

۱ یعنی در صورت بخل.

۲ یعنی در صورت اسراف.

۳ یعنی حق قصاص.

۴ یعنی متکبرانه و مغرورانه.



۴۳. پاک است وی و بلند است از آنچه می‌گویند، بلندی عظیم.
۴۴. به پاکی یاد می‌کنند او را آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر که در میان اینهاست و نیست هیچ چیز مگر به پاکی یاد می‌کند یا ستایش او ولیکن شما فهم نمی‌کنید یاد کردن ایشان را، هرآینه وی هست بردبار آمرزگار.
۴۵. و چون می‌خوانی قرآن را، می‌سازیم در میان تو و در میان آنان که باور نمی‌دارند آخرت را، پرده پوشیده.
۴۶. و می‌نهیم بر دل ایشان پوشش‌ها تا نفهمندش و در گوش ایشان گرانی را و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن تنها، روگردان شوند بر جانب پشت‌های خود رمیده شده.<sup>۱</sup>
۴۷. ما داناتریم به چیزی که می‌شنوند به سبب آن؟<sup>۲</sup> وقتی که گوش می‌نهند به سوی تو و وقتی که ایشان را زگوینان باشند. وقتی که می‌گویند این ستمکاران: پیروی نمی‌کنید مگر مرد جادو کرده را.
۴۸. بنگر چگونه زدند داستان‌ها برای تو، پس گمراه شدند، پس نمی‌توانند راه یافتن.
۴۹. و گفتند: آیا چون شویم استخوانی چند و اعضای پوسیده از هم پاشیده، آیا ما برانگیخته شویم به آفرینش نو؟!
۵۰. بگو: سنگ شوید یا آهن شوید.
۵۱. یا نوعی دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما. پس خواهند گفت: که باز پیدا کند ما را؟! بگو: کسی که آفرید شما را اول بار. باز پس خواهند جنابید به سوی تو سر خود را<sup>۳</sup> و خواهند گفت: کی باشد آن؟ بگو شاید که نزدیک باشد.
۵۲. روزی که خدا بخواند شما را، پس قبول کنید خواندن او را حمدگویان و گمان کنید که درنگ نکرده بودید مگر اندکی.
۵۳. و بگو بندگان مرا که بگویند کلمه که آن بهتر است (یعنی با کفار)، هرآینه شیطان نزاع می‌افکند میان مردمان، هرآینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا.
۵۴. [و مراد از این کلمه این است که] پروردگار شما داناتر است به حال شما. اگر خواهد رحم کند بر شما و اگر خواهد عقوبت کند شما را و نفرستادیم تو را [یا محمد] بر ایشان، نگاهبان.<sup>۴</sup>
۵۵. و پروردگار تو داناتر است به هر که در آسمان‌ها و زمین است و هرآینه فضل دادیم بعضی پیغامبران را بر بعضی و دادیم داود را زبور.
۵۶. بگو: بخوانید آنان را که گمان دارید [الوهیت را در حق ایشان] بجز خدا، پس نتوانند برداشتن سختی را از شما و نه تغییر دادن.
۵۷. آنان که ایشان را می‌پرستیدند کافران، طلب می‌کنند به سوی پروردگار خویش قرب را که کدام یک از ایشان نزدیکتر باشد و توقع دارند کمال رحمت او را و می‌ترسند از عذاب او، هرآینه هست عذاب پروردگار تو بر حذر داشته شده.
۵۸. و نیست هیچ دیه‌ی الا ما هلاک کننده‌ی ایم پیش از روز قیامت یا عذاب کننده‌ی ایم به عقوبت سخت هست این وعده در لوح نوشته شده.

۱ مترجم گوید: درین هر دو آیت، کنایت است از عدم انتفاع ایشان به قرآن و مواظب.

۲ یعنی به قصد استهزا و عیب‌جویی.

۳ یعنی ملزم خواهند شد.

۴ مترجم گوید: و این کلمه پیش از امر جهاد بود.

۵۹. و بازداشت ما را که بفرستیم نشانه‌ها مگر آنکه دروغ شمرده بودند آن را پیشینیان. و دادیم ثمود را شتر ماده تا نشانه باشد، پس کافر شدند به وی و نمی‌فرستیم نشانه‌ها را مگر برای ترسانیدن.
۶۰. و یاد کن چون گفتیم تو را که: پروردگار تو در برگرفته است همه مردمان را. (یعنی در قدرت خود)، و نساختمیم نمایشی را که نمودیم به تو، مگر امتحانی مردمان را و نساختمیم درختی را که نفرین کرده شد در قرآن [مگر امتحانی،] و می‌ترسانیم ایشان را، پس نمی‌افزاید ترسانیدن در حق ایشان مگر سرکشی بزرگ را.<sup>۱</sup>
۶۱. و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را: سجده کنید به سوی آدم؛ پس سجده کردند مگر ابلیس. گفت: آیا سجده کنم کسی را که آفریده‌ای از گل؟
۶۲. باز گفت: آیا دیدی این شخص را که فضل داده‌ای بر من، اگر موقوف گذاری مرا تا روز قیامت، البته از بیخ برکنم اولاد او را مگر اندکی.
۶۳. خدا فرمود: برو! پس هر کسی که پیروی تو کند از ایشان، پس دوزخ سزای همه شماست؛ سزای کامل.
۶۴. و از جا بجنبان هر که را توانی از ایشان به آواز خود و آواز بکن بر [هلاکت] ایشان سواران خود را و پیادگان خود را و شریک شو با ایشان در اموال و فرزندان و وعده ده ایشان را، و وعده نمی‌دهد ایشان را شیطان مگر به فریب.<sup>۲</sup>
۶۵. هرآینه بندگان من، نیست تو را بر ایشان هیچ قدرتی و بس است پروردگار تو کارساز.
۶۶. پروردگار شما آن است که روان می‌کند برای شما کشتی‌ها را در دریا تا طلب معیشت کنید از فضل او، هرآینه او هست بر شما مهربان.
۶۷. و چون برسد به شما سختی در دریا، گم شود هر که او را می‌خوانید، مگر خدا؛ پس چون خلاص ساخت شما را به سوی خشکی، روگردان شوید و هست آدمی، ناسپاس.
۶۸. آیا ایمن شده‌اید از آنکه فرو برد شما را به جانبی از خشکی یا بفرستد بر شما باد تندی که سنگریزه افکند، باز نیابید برای خود هیچ نگاهبانی؟
۶۹. آیا ایمن شده‌اید از آنکه باز درآرد شما را به دریا بار دیگر، پس بفرستد بر شما از جنس باد، باد تندی را پس غرق گرداند شما را به سبب آنکه کافر شدید، باز نیابید برای خود هیچ مؤاخذه‌کننده بر ما به سبب آن غرق.
۷۰. و هرآینه بزرگ ساختیم فرزندان آدم را و برداشتیم ایشان را در بیابان و در دریا<sup>۳</sup> و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه‌ها و فضل دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریده‌ایم، فضل دادنی.
۷۱. روزی که بخوانیم هر فرقه را با پیشوای ایشان، پس هر که داده شده نامه اعمال او به دست راستش، پس آن جماعت بخوانند نامه خود را و ستم کرده نشوند مقدار یک رشته.

۱ یعنی چون کافران قصه معراج شنیدند و آیت (ان شجرة الرقوم طعام الایم) به ایشان رسید، استبعاد کردند و محل طعن ساختند.

۲ مترجم گوید: و این تصویر است سعی شیطان را در گمراه کردن ایشان، مأخوذ از فعل رئیس دزدان؛ چون دهی را غارت کند برایشان نعره می‌زند و سواران و پیادگان خود را آواز می‌دهد که ازین سو بگریز و از آن سو بگریز.

۳ یعنی بر دواب و کشتی.

۷۲. و هر که باشد در دنیا کور،<sup>۱</sup> وی در آخرت نیز کور است و خطا کننده تر است راه را.
۷۳. و هر آینه نزدیک بودند که به فریب بازدارند تو را از آنچه وحی فرستاده ایم به سوی تو، تا بر بندگی بر ما غیر آن را و آنگاه دوست گرفتندی تو را.
۷۴. و اگر نه آن بودی که ثابت داشتیم تو را، نزدیک بودی که میل کنی به سوی ایشان، اندک میلی.
۷۵. آنگاه می چشانی دیدیم تو را دو چند عذاب زندگانی و دو چند عذاب مرگ، باز نمی یافتی برای خود مدد کننده ای بر ما.
۷۶. و هر آینه نزدیک بود که بلغزاند تو را از زمین تا جلا وطن کنند تو را از آنجا و آنگاه نمانند پس از تو مگر اندکی.
۷۷. مانند روش آنان که فرستاده ایم ایشان را پیش از تو از پیغمبران خویش و نخواهی یافت روش ما را تبدیلی.<sup>۲</sup>
۷۸. برپادار نماز را وقت زوال آفتاب تا هجوم تاریکی شب و لازم گیر قرآن خواندن فجر را، هر آینه قرآن خواندن فجر را حاضر می شوند فرشتگان.
۷۹. و بعضی شب بیدار باش به قرآن. شب خیزی زیاده شد برای تو. نزدیک است که ایستاده کنی تو را پروردگار تو به مقامی پسندیده.<sup>۳</sup>
۸۰. و بگو: ای پروردگار من! درآر مرا درآوردن پسندیده و بیرون آر مرا بیرون آوردن پسندیده و ساز برای من از نزد خود، قوتی یاری دهنده.<sup>۴</sup>
۸۱. و بگو: آمد دین حق و نابود شد دین باطل، هر آینه باطل است نابود شوند.
۸۲. و فرود می آریم از قرآن آنچه وی شفا است و رحمت است مسلمانان را و نمی افزاید در حق ستمکاران، مگر زیان را.
۸۳. و چون انعام کنیم بر آدمی، روبگرداند و پیچاند بازوی خود را و چون رسد به وی سختی، ناامید باشد.
۸۴. بگو: هر کسی کار می کند بر طریقه خود، پس پروردگار شما دانتر است به آنکه وی یابنده تر بود راه را.
۸۵. و سؤال می کنند تو را از روح. بگو: روح از فرمان پروردگار من است و شما نداده شده اید از علم، مگر اندکی.
۸۶. و اگر خواهیم ببریم آنچه وحی فرستاده ایم به سوی تو، باز نیابی برای خود به سبب آن بر ما کارسازی.
۸۷. لیکن [باقی گذاشتمش] به سبب رحم از جانب پروردگار تو، هر آینه فضل وی بر تو بزرگ است.
۸۸. بگو: اگر جمع شوند آدمیان و جنّ بر آنکه بیارند مانند این قرآن، هرگز نیارند مانند آن و اگر چه باشد بعض ایشان بعض را مدد دهند.
۸۹. و هر آینه گوناگون بیان کردیم برای مردمان در این قرآن از هر داستانی. پس قبول نکردند بیشتر مردمان، مگر ناسپاسی را.

۱ یعنی حقیقت را نبیند.

۲ مترجم گوید: و این معنی روز بدر متحقق شد و جمعی که در پی ایذای آن حضرت بودند مقتول شدند و (ان کادوا) به جهت این گفته شد که وقت نزول آیت، قصد لغزاندن داشتند و هنوز ملتجی به هجرت نکرده بودند؛ والله اعلم.

۳ یعنی مقام شفاعت.

۴ یعنی در هر حال اعانت کن مرا؛ چه وقت دخول در آنجا چه وقت خروج از آنجا.

۹۰. و گفتند: هرگز باور نداریم تو را، تا آنکه جاری کنی برای ما از زمین، چشمه‌ای.
۹۱. یا باشد تو را بوستانی از خرما و انگور، پس روان کنی جوی‌ها در میان آنها روان کردنی.
۹۲. یا فرواری آسمان را چنانچه گمان می‌کنی بر ما پاره پاره، یا بیاری خدا را و فرشتگان را روبه‌روی.
۹۳. یا باشد تو را خانه‌ای از زر یا بالا روی در آسمان و باور نداریم بالا رفتن تو را تا آنکه فرود آری بر ما نوشته‌ای که بخوانیم آن را، بگو: پاک است پروردگار من، نیستم من مگر آدمی‌ای فرستاده شده.
۹۴. و بازداشت مردمان را از آنکه ایمان آرند وقتی که آمد به ایشان هدایت، مگر آنکه گفتند: آیا خدای تعالی آدمی را پیغامبر فرستاده است؟!.
۹۵. بگو: اگر می‌بودند در زمین فرشتگان که می‌رفتند آرمیده، هرآینه پیغامبر می‌فرستادیم بر ایشان از آسمان، فرشته را.
۹۶. بگو: بس است خدا گواه میان من و میان شما، هرآینه وی به بندگان خود دانای بیناست.
۹۷. و هر که راه نمودش خدا، همونست راهیاب و هر که گمراه سازدش نیابی برای ایشان دوستانی بجز خدا و برانگیزیم ایشان را روز قیامت [روان شده] بر خویش نابینا و گنگ و کر ساخته. جای ایشان دوزخ است، هرگاه فرونشیند، بیفزاییم بر ایشان آتش را.
۹۸. این است جزای ایشان به سبب آنکه کافر شدند به نشانه‌های ما و گفتند: آیا چون شویم استخوانی چند و اعضای از هم پاشیده، آیا برانگیخته شویم به آفرینش نو؟
۹۹. آیا ندیده‌اند آن خدایی که آفریده آسمان‌ها و زمین را، تواناست که بیافریند مانند ایشان؟ و ساخته است برای ایشان میعادی که هیچ شبهه نیست در آن. پس قبول نکردند ستمکاران مگر انکار را.
۱۰۰. بگو: اگر می‌بودید شما مالک خزانه‌های بخشش پروردگار مرا، آنگاه نیز بخیلی می‌کردید به ترس آنکه همه را خرج کنید و هست آدمی بخل کننده.
۱۰۱. و هرآینه دادیم موسی را نُه نشانه روشن. پس بپرس از بنی اسرائیل چون آمد به ایشان، پس گفت او را فرعون: هرآینه می‌پندارم تو را ای موسی! جادو کرده شده.
۱۰۲. گفت: هرآینه تو دانسته‌ای که نفرستاده است این نشانه‌ها را مگر پروردگار آسمان‌ها و زمین. دلیل‌ها فرستاده است آنها را و هرآینه من می‌پندارم تو را ای فرعون! هلاک شده.
۱۰۳. پس خواست که بجنانند بنی اسرائیل را از زمین، پس غرق ساختیم او را و آنان را که همراه او بودند، همه یکجا.
۱۰۴. و گفتیم پس از وی بنی اسرائیل را: ساکن شوید در زمین، پس چون بیاید وعده آخرت، بیاریم شما را درهم آمیخته.
۱۰۵. و به راستی فروفرستاده‌ایم قرآن را و به راستی فرود آمده است. و نفرستادیم تو را مگر مژده دهنده و ترساننده.
۱۰۶. و قرآن را به تفریق فرستادیم تا بخوانی آن را بر مردمان به درنگ و به دفعات و فرو فرستادیم آن را فرو فرستادنی.
۱۰۷. بگو: ایمان آرید به آن یا ایمان نیارید، هرآینه آنان که داده شد ایشان را علم پیش از این، چون خوانده می‌شود بر ایشان، می‌افتند بر روهای خود، سجده‌کنان.

۱۰۸. و گویند: پاکی پروردگار ما راست، هر آینه هست وعده پروردگار ما کردنی.  
 ۱۰۹. و می‌افتند بر خویش، خویش گریه‌کنان و می‌افزاید قرآن در ایشان فروتنی را.  
 ۱۱۰. بگو: بخوانید خدای را یا بخوانید رحمن را. هر کدام که بخوانید [خوب باشد]، پس خدای راست نام‌های نیکو و این همه بلند مخوان نماز خود را و این همه پست مخوان آن را و بجوی میان این و آن، راهی.  
 ۱۱۱. و بگو ستایش خدای راست که هیچ فرزند نگرفته است و نیست او را هیچ شریکی در پادشاهی و نیست او را کارسازی به سبب ناتوانی و به تعظیم یاد کن او را، تعظیم کردنی.

## ۱۸. سوره کهف

در مکه نازل شده و آن یکصدوده آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. همه ستایش، آن خدای راست که فرو فرستاد بر بنده خود کتاب و پیدا نکرد در وی هیچ کجی.
  ۲. ساخت او را راست تا بترساند از عقوبت سخت، آینده از نزدیک خدا و تا مژده دهد آن مسلمانان را که می‌کنند کارهای شایسته به آنکه ایشان راست مزد نیک.
  ۳. باشندگان در وی همیشه.
  ۴. و تا ترساند آنان را که گفتند: خدا فرزند گرفته است.
  ۵. نیست ایشان را هیچ دانش به آن و نه پدران ایشان را بود. سخت است این سخن که برمی‌آید از دهان ایشان، نمی‌گویند مگر دروغ.
  ۶. پس مگر تو کشنده‌ای نفس خود را بر پی ایشان اگر ایمان نیارند به این سخن، از جهت اندوه.
  ۷. هر آینه ما ساخته‌ایم هر چیزی را که بر زمین است، آرایش آن را. تا امتحان کنیم ایشان را کدام کس از ایشان نیکوتر است در عمل.
  ۸. و هر آینه ما البته معدوم خواهیم ساخت هر چیزی را که بر وی است میدان هموار بی‌گیا مانده.
  ۹. آیا پنداشتی که اصحاب غار و نوشته<sup>۱</sup> از جمله نشانه‌های ما، عجب بودند؟! چون آرام گرفتند جوانانی چند به سوی غار، پس گفتند: ای پروردگار ما! بده ما را از نزد خود بخششی و آماده ساز برای ما راهیابی را در کار ما.
  ۱۱. پس پرده گذاشتیم بر گوش ایشان در غار (یعنی خوابانیدیم) سال‌های شمرده شده.
  ۱۲. باز برانگیختیم ایشان را تا بدانیم کدام یک از دو گروه، یاد داشته است مقداری که درنگ کردند مدت از زمان.
  ۱۳. ما می‌خوانیم بر تو خیر ایشان به راستی، هر آینه ایشان جوانان چند بودند که ایمان آوردند به پروردگار خویش و زیاده دادیم ایشان را هدایت.

۱ یعنی نوشته که بر دیوار غار.

۱۴. و رشته بستیم بر دل ایشان<sup>۱</sup> چون ایستادند. پس گفتند: پروردگار ما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است، هر آینه نخواهیم پرستیدن بجز وی معبودی را، هر آینه گفته باشیم آنگاه سخن دروغ.
۱۵. این قوم ما خدایان گرفتند بجز خدا. چرا نمی‌آرند بر ثبوت آن خدایان دلیلی واضح؟ پس کیست ستمکارتر از کسی که بریست بر خدا دروغ را؟
۱۶. و چون یک سو شوید ای یاران از این کافران و یک سو شوید از آنچه می‌پرستند ایشان بجز خدا، پس آرام گیرید به سوی غار تا فراخ کند بر شما پروردگار شما بخشایش خود را و مهیا سازد برای شما منفعت را در کار شما.
۱۷. و ببینی ای بیننده! آفتاب را وقتی که طالع شود، میل کند از غار ایشان به جانب راست و چون غروب شود، تجاوز می‌کند از ایشان به جانب چپ و ایشان در گشادگی‌اند از غار. این از نشانه‌های خداست. هر که راه نمایدش خدا، هم اوست راه یابنده و هر که گمراه می‌کندش، پس نیابی او را هیچ دوست راه نماینده.
۱۸. و بپنداری ای بیننده، ایشان را بیدار و ایشان خفته‌اند و می‌گردانیم ایشان را به جانب راست و جانب چپ و سگ ایشان گشاده کرده است دو دست خود را بر عتبه دروازه. اگر اطلاع یابی بر ایشان، البته رو بگردانی از ایشان به طریق گریختن و پر شوی از ایشان به ترس.<sup>۳</sup>
۱۹. و همچنین برانگیختیم ایشان را تا عاقبت با یکدیگر سؤال کنند در میان خود. گفت گوینده‌ای از ایشان: چقدر درنگ کردید؟ گفتند: درنگ کردیم یک روز یا بعض روز. باز گفتند: پروردگار شما داناتر است به مقدار درنگ کردن شما. پس بفرستید یکی را از میان خود با این نقره خود به سوی شهر، پس باید که تأمل کند کدام یک از اطعمه این شهر، طعام پاکیزه‌تر است، پس بیارد به شما قوتی از آن و باید که به سبکی آمد و رفت کند و خبردار نکند به حال شما هیچ کس را.
۲۰. هر آینه این کافران اگر قدرت یابند بر شما، سنگسار کنند شما را یا باز آرند شما را در دین خود و رستگار نخواهید شد آنگاه هرگز.
۲۱. و همچنین خبردار گردانیدیم مردمان را به حال ایشان تا بدانند که وعده خدا راست است و آنکه قیامت هیچ شبهه نیست در آن. وقتی که نزاع می‌کردند آن مردمان در میان خود در مقدمه ایشان، پس گفتند: عمارت کنید بر غار ایشان خانه‌ای. پروردگار ایشان داناتر است به حال ایشان. پس گفتند آنان که قدرت یافتند بر مقدمه ایشان: البته بسازیم بر غار ایشان مسجدی.
۲۲. جمعی خواهند گفت: اصحاب کهف سه کس‌اند و چهارم ایشان سگ ایشان است و جمعی خواهند گفت که: پنج کس‌اند؛ ششم ایشان، سگ ایشان است. تهمتی افکنند غایبان و نیز می‌گویند: هفت کس‌اند و هشتم ایشان، سگ ایشان است. بگو: پروردگار

۱ یعنی دل‌های ایشان را استوار ساختیم.

۲ مترجم گوید: به خاطر فاطر می‌رسد که دیوار جنوبی کهف آن‌قدر بلند است که سایه اصلی او در تمام سال محلخفتن ایشان را می‌پوشاند و دیوار شرقی و غربی آن متصل دیوار جنوبی بلندترست و پایه به پایه منحن شده و این جماعت سر به جانب شمال پا به جانب جنوب کرده خفته‌اند. پس وقتی که طلوع کند نور آفتاب بر دیوار غربی و بعضی صحن غار افتد و هر چند ارتفاع زیاده گردد بلندی دیوار شرقی از وصول نور به ایشان مانع آید و نور جانب راست ایشان منتقل شود به جانب سر که جهت شمال‌ست و در وقت استوا بجز سایه اصلی دیوار جنوبی نمی‌ماند و چون آفتاب مائل به غروب شود، نور آفتاب بر دیوار شرقی افتد و آهسته بر سر دیوار مرتفع‌گردد و آن جانب چپ ایشان است.

۳ مترجم گوید: و چنانکه خفتن ایشان را نشانه ساختیم.

من داناتر است به شمار ایشان، نمی‌داند ایشان را مگر اندک کسی، پس گفتگو مکن درباره ایشان مگر گفتگوی سرسری و سؤال مکن در باب ایشان هیچ کس را از کافران.

۲۳. و مگو هیچ چیزی را که من البته خواهم کرد آن را فردا.
۲۴. مگر مقرون به ذکر مشیت خدا<sup>۱</sup> و یاد کن پروردگار خود را وقتی که فراموش کنی<sup>۲</sup> و بگو: توقع است که دلالت کند مرا پروردگار من به راهی نزدیکتر به اعتبار راستی [از آنچه کافران می‌گویند].
۲۵. و درنگ کرده بودند در غار خود سه صد سال و افزودند نه سال دیگر.
۲۶. بگو: خدا داناتر است به مقداری که درنگ کردند. او راست علم غیب آسمان‌ها و زمین. چقدر بینا است و چقدر شنوا است. نیست ایشان را بجز وی هیچ کارسازی و شریک نمی‌گیرد در حکم خود هیچ کس را.
۲۷. و بخوان آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو از کتاب پروردگار تو. هیچ کس تبدیل کننده نیست حکم‌های وی را و نیایی بجز وی هیچ پناهی.
۲۸. و بند کن خود را با آنان که یاد می‌کنند پروردگار خود را به صبح و شام، می‌خواهند روی او را، و باید که در نگذرد چشمهای تو از ایشان، طلب کنان آرایش زندگانی دنیا را و فرمان میر آن را که غافل ساخته‌ایم دل او را از یاد خویش و پیروی کرده است خواهش خود را و هست کار او از حد گذشته.
۲۹. و بگو: این سخن راست است آمده از پروردگار شما، پس هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کافر شود، هر آینه ما مهیا کرده‌ایم برای ستمکاران آتشی را، در برگردد ایشان را سراپرده‌های او و اگر فریاد کنند، به داد ایشان رسیده شود به نشاندن آبی مانند مس گداخته، بریان کند روی‌ها را، آن بد آشامیدنی است و دوزخ بد آرامگاهی است.
۳۰. هر آینه آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته، هر آینه ما ضایع نکنیم مزد کسی که نیکو کرده است کار را.
۳۱. این جماعت، ایشان راست بوستان‌های همیشه ماندن، می‌رود زیر ایشان نرها، زیور داده شوند آنجا دستوانه‌ها از زر و می‌پوشند جامه‌های سبز از دیبای نازک و دیبای لک، تکیه‌کنان آنجا بر تخت‌ها. این نیک جزاست و بهشت نیکو آرامگاهی است.
۳۲. و بیان کن برای ایشان داستانی قصه دو شخص که دادیم به یکی از ایشان دو بوستان از درخت انگور و گردگرد آن پیدا کردیم درختان خرما و پیدا کردیم در میان این دو بوستان، زراعت را.
۳۳. هر دو بوستان آوردند میوه‌های خود و هیچ کم نکرده از میوه و جاری ساختیم میان آنها جوی آب.
۳۴. و بود او را میوه‌های بسیار، پس گفت همنشین خود را و او گفتگو می‌کرد به آن همنشین: من بیشترم از تو در مال و غالبترم به اعتبار حَسَم.
۳۵. و درآمد به بوستان خود ستم کرده بر خویش. گفت: نمی‌پندارم که هلاک شود این بوستان، هیچ گاه.
۳۶. و گمان ندارم که قیامت متحقق شود و بالفرض اگر بازگردانیده شوم به سوی پروردگار خود، هر آینه خواهم یافت بازگشتی بهتر از این بوستان‌ها.

۱ یعنی بگو: خواهم کرد إن شاء الله تعالی.

۲ یعنی باز متنبه شوی.

۳۷. گفت او را همنشین او و او گفتگو می کرد با وی: آیا کافر شدی به آن خدایی که پیدا کرد تو را از خاک، باز از نطفه، باز تو را مرد ساخت؟
۳۸. لیکن من اعتقاد دارم که الله پروردگار من است و شریک مقرر نمی کنم با پروردگار خود، هیچ کس را.
۳۹. و چون درآمدی به بوستان خود چرا نگفتی: آنچه خدا خواسته است، شدنی است؛ نیست هیچ توانایی مگر به مشیت خدا. اگر می بینی مرا کمتر از خود در مال و فرزند. پس شاید که پروردگار من بدهد مرا بهتر از بوستان تو و شاید که فرستد بر بوستان تو عذابی از آسمان، پس گردد زمین بی گیاه لغزنده پای.
۴۰. یا شود آب او فرو رفته پس نتوانی آن را جستن.
۴۱. و به عقوبت احاطه کرده شده میوه های او. پس بامداد کرد، می مالید دو دست خود را به حسرت بر آنچه خرج کرد در عمارت آن و آن افتاده بود بر سقف های خود و می گفت: ای کاش! شریک مقرر نکردمی با پروردگار خود هیچ کس را!
۴۲. و نبود او را هیچ جماعتی که یاری دهندش بجز خدا و نبود خود انتقام گیرنده.
۴۳. اینجا ثابت شد که کارسازی، خدای همیشه باسنده راست؛ وی بهتر است از روی ثواب دادن و وی بهتر است از روی جزا دادن.
۴۴. و بیان کن برای ایشان داستان زندگانی دنیا که وی مانند آبی است که فرو فرستادیمش از آسمان، پس درهم پیچید به سبب وی رستنی زمین، پس شد آخر کار درهم شکسته، می پرانیدش بادهای و هست خدا بر همه چیز توانا.
۴۵. مال و فرزندان، آرایش زندگانی دنیا است و حسنات پاینده شایسته، بهترند نزدیک خدای تو از روی ثواب و خوبترند از جهت امید داشتن.
۴۶. و آن روز که روان کنیم کوهها را و ببینی زمین را ظاهر شده و جمع سازیم مردمان را، پس نگذاریم از ایشان هیچ کس را.
۴۷. و روبه رو آورده شوند بر پروردگار تو صف کشیده، گوئیم: هرآینه آمدید پیش ما چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار. بلکه می پنداشتید که نخواهیم ساخت برای شما وعده گاهی.
۴۸. و در میان نهاده شود نامه اعمال، پس ببینی گناهکاران را ترسان از آنچه در آن است و می گویند: ای وای بر ما! چه حال است این نامه را! نمی گذارد هیچ معصیت خرد را و نه بزرگ را، مگر احاطه کرده است آن را، و بیابند هرچه کرده بودند حاضر و ستم نکند پروردگار تو بر هیچ کس.
۴۹. و یاد کن چون گفتیم به فرشتگان: سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگر ابلیس؛ بود از جن. پس بیرون شد از فرمان پروردگار خود. ای مردمان! آیا دوست می گیرید او را و فرزندان او را بجز من، و ایشان شما را دشمنند. شیطان بد عوض است ستمکاران را.
۵۰. حاضر نکرده بودم ایشان را هنگام آفریدن آسمانها و زمین و نه هنگام آفریدن خودشان و نیستم مددکار گیرنده، گمراهان راه.
۵۱. و روزی که گوید خدای تعالی: ای مشرکان! ندا کنید شریکان مرا که گمان می نمودید، پس ندا کنند آن جماعت را و آن جماعت قبول نکنند ندای ایشان را و ساختیم در میان ایشان مهلکه.
۵۲. و ببینند گناهکاران آتش را و بفهمند که ایشان افتادگانند در وی و نیابند از آن، جای بازگشت.



۵۴. و هرآینه گوناگون بیان کردیم در این قرآن برای مردمان هر نوع داستان و هست آدمی بیشتر از همه چیز در خصوصت.
۵۵. و باز نداشت مردمان را از آنکه ایمان آرند، چون بیامد به ایشان هدایت و از آنکه طلب آموزش کنند از پروردگار خود، مگر انتظار به آنکه بیاید بدیشان روش پیشینیان یا بیاید به ایشان عقوبت گوناگون شده.
۵۶. و نمی فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده و ترساننده و خصومت می کنند کافران به شبهه بیهوده تا بلغزانند به سبب آن سخن حق را و تمسخر گرفتند آیات مرا و چیزی را که به آن ترسانیده شوند.
۵۷. و کیست ستمکارتر از کسی که پند داده شد به آیات پروردگار خویش، پس روگردان گشت از آن و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده است دو دست وی، هرآینه ما ساخته ایم بر دل ایشان پرده‌ها تا نفهمند قرآن را و ساختیم در گوش‌های ایشان گرانی و اگر بخوانی ایشان را به سوی هدایت، راه نیابند آنگاه هرگز.
۵۸. و پروردگار تو آموزنده خداوند رحمت است. اگر مؤاخذه کردی ایشان را به آنچه کرده اند، شتاب فرستادی بدیشان عقوبت را؛ بلکه ایشان را میعادى هست که نیابند این طرف از آن پناهی.
۵۹. و این دیه‌ها را هلاک کردیم، چون ستم کردند و مُعین کردیم برای هلاک ایشان میعادى.
۶۰. و یاد کن چون گفت موسی نوجوان خود را: همیشه راه می‌روم تا آنکه برسم به محل جمع شدن دو دریا یا بروم مدت‌های دراز.
۶۱. پس چون رسیدند به محل جمع شدن دو دریا، فراموش کردند ماهی خود را، پس راه خود گرفت در دریا مانند نقبی.
۶۲. پس چون گذشتند، گفت موسی نوجوان خود را: بیار برای ما طعام چاشت ما را، هرآینه رنج یافتیم از این سفر خود.
۶۳. گفت: آیا دیدی چون آرام گرفتیم تکیه کرده به سنگی، پس من فراموش کردم ماهی را؟ [یعنی آنجا] و فراموش نساخت مرا از آنکه یاد کنم قصه آن، مگر شیطان و راه خود گرفت در دریا به نهج عجیب.
۶۴. گفت موسی: این بود آنچه می‌جستیم، پس بازگشتند بر نشان اقدام خود تفحص کنان.
۶۵. پس یافتند بنده‌ای را از بندگان ما که دادیم او را رحمتی از نزدیک خود و آموختیم او را از نزدیک خود علمی<sup>۱</sup>.
۶۶. گفت او را موسی: آیا پیروی تو کنم به شرط آنکه بیاموزانی مرا از آنچه آموخته شدی از راهیابی؟
۶۷. گفت: هرآینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن.
۶۸. و چگونه شکیبایی کنی بر چیزی که درنگرفته‌ای آن را از روی دانش؟!
۶۹. گفت: خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است شکیبیا و خلاف نکنم با تو در هیچ فرمانی.
۷۰. گفت: اگر پیروی من می‌کنی، پس سؤال مکن از من از هیچ چیز تا آنکه خود آغازم برای تو از حال آن بیانی.
۷۱. پس راه رفتند تا وقتی که سوار شدند در کشتی، خضر شکاف کرد آن را. گفت موسی: آیا شکافتی کشتی را تا غرق کنی اهل آن را؟! هر آینه آوردی چیزی عظیم را.

۱ یعنی خضر را یافتند.

۷۲. گفت: آیا نگفته بودم که تو نتوانی با من شکیبایی کردن؟
۷۳. گفت موسی: مؤاخذه مکن با من به آنچه فراموش کردم و بر سر من مینداز در مقدمه من سختی را.
۷۴. پس راه رفتند تا وقتی که برخوردارند با نوجوانی، پس خضر بکشت او را، گفت موسی: آیا کشتی نفس پاک را به غیر قصاص نفسی؟! هرآینه آوردی شیء ناپسندیده.
۷۵. گفت: آیا نگفته بودم با تو که هرآینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن؟
۷۶. گفت موسی: اگر بپرسم تو را از چیزی بعد از این بار، پس صحبت مکن با من، هرآینه رسیدی از جانب من به حد عذر.
۷۷. پس راه رفتند. تا وقتی که آمدند به اهل دیهی، طعام طلب کردند از اهل آن دیه. پس قبول نمودند اهل دیه که مهمانی کنند ایشان را، پس یافتند در آنجا دیواری که میخواست آنکه بیفتد، پس راست ساخت آن را. گفت موسی: اگر میخواستی، هرآینه می گرفتی بر تعمیر این دیوار مزدی.
۷۸. گفت: این است جدایی در میان من و تو. خبر خواهم داد تو را به سِر آنچه نتوانی بر آن شکیبایی کردن.
۷۹. اما کشتی، پس بود از آن درویشانی چند که کار می کردند در دریا، پس خواستم که معیوب کنم آن را و بود پیش روی ایشان پادشاهی که می گرفت هر کشتی درست را به زبردستی.
۸۰. و اما آن نوجوان، پس بودند پدر و مادر وی مسلمان، پس ترسیدم از آنکه غالب آید بر ایشان در سرکشی و کفر.
۸۱. پس خواستیم که عوض دهد ایشان را پروردگار ایشان بهتر از وی از روی پاکیزگی و نزدیکتر از جهت شغفت.
۸۲. و اما آن دیوار، پس بود از آن دو نوجوان یتیم در شهر و بود زیر آن گنجی از آن ایشان و بود پدر ایشان نیکوکار. پس خواست پروردگار تو که این نوجوانان برسند به نهایت قوت خویش و برآرند گنج خود را از روی مهربانی پروردگار تو و نکردم آن را از رأی خود. این است سِر آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی کردن.
۸۳. و سؤال می کنند تو را از ذوالقرنین. بگو خواهم خواند بر شما از حال وی خبری.
۸۴. هرآینه ما دسترس دادیم او را در زمین و دادیم او را از هر چیز سامانی.
۸۵. پس در پی سامان افتاد.
۸۶. تا آنکه رسید به محل فرورفتن آفتاب و یافت آن را که فرو می رود در چشمه گل ولای و یافت نزدیک آن چشمه گروهی را. گفتیم: ای ذوالقرنین! اختیار به دست تو است یا این است که عقوبت کنی یا بگیری در میان ایشان معامله نیکو.<sup>۱</sup>
۸۷. گفت: اما کسی که ستم کرد، پس عذاب خواهیم کرد او را، بازگردانیده شود به سوی پروردگار خویش، پس عذاب کند او را عذاب سخت.
۸۸. و اما آن که ایمان آورد و کار شایسته کرد، پس او را حالت خوش است از روی پاداش و خواهیم گفت در باب او از مقدمه خویش، سخن آسانی.
۸۹. باز در پی سامانی افتاد.

۱ یعنی به حسب نظر مردمان.

۲ مترجم گوید: و این کنایت است از قدرت او بر این دو کار.

۳ در متن اصلی، آیا آمده است که با توجه به ادامه آیه و آیات بعد، صحیح به نظر نمی رسد.

۹۰. تا وقتی که رسید به محل برآمدن آفتاب، یافت که آن برمی آید بر گروهی که نساخته‌ایم برای ایشان این طرف از آفتاب، هیچ پرده.
۹۱. چنین بود قصه و هر آینه درگرفته‌ایم به آنچه نزدیک وی بود از روی خبرداری.
۹۲. باز در پی سامانی افتاد.
۹۳. تا وقتی که رسید در میان سدین؛ یافت جانب سدین گروهی را که نزدیک نیستند از آنکه بفهمند سخنی.
۹۴. گفتند: ای ذوالقرنین! هر آینه یاجوج و ماجوج فساد کنندگانند در زمین، پس آیا مقرر کنیم برای تو باجی به شرط آنکه بسازی در میان ما و ایشان سدی؟
۹۵. گفت: آنچه دسترس داده است مرا در آن پروردگار من، بهتر است؛ پس مدد کنید مرا به زور بازو و تا بسازم میان شما و ایشان حاجبی محکم.
۹۶. بیارید پیش من پاره‌های آهن. تا وقتی که برابر ساخت مابین آن دو کوه، گفت: آتش بدمید، تا آنکه آتش ساخت آن آهن را. گفت: بیارید پیش من تا بریزم بالای این رویین گداخته را.
۹۷. پس نتوانستند یاجوج و ماجوج که بالا روند بر آن و نتوانستند او را سوراخ کردن.
۹۸. گفت: این صنعت نعمتی است از پروردگار من، پس چون بیاید وعده پروردگار من، کند آن را هموار و هست وعده پروردگار من راست.
۹۹. و بگذاریم بعضی ایشان را آن روز که درهم آمیزند در بعضی دیگر و دمیده شود در صور، پس به هم آریم ایشان را به هم آوردن.
۱۰۰. و روبه‌رو آریم دوزخ را آن روز پیش کافران، روبه‌رو آوردن.
۱۰۱. آنان که بود چشم ایشان در پرده از یاد من و نمی‌توانستند سخن شنیدن (یعنی از شدت بغض).
۱۰۲. آیا پنداشتند کافران که دوست گرفتن ایشان بندگان مرا بجز من، موجب عقوبت نباشد؟ هر آینه ما آماده ساختیم دوزخ را برای کافران جای فرود آمدن.
۱۰۳. بگو: آیا خبر دهیم شما را به آنان که زیانکارترین مردمند از روی عمل؟
۱۰۴. این جماعت، آنانند که گم شد سعی ایشان در زندگانی دنیا و ایشان گمان می‌کنند که نیکوکاری می‌کنند در عمل.
۱۰۵. این جماعت، آنانند که کافر شدند به آیات پروردگار خویش و به ملاقات او؛ پس نابود شد اعمال ایشان. پس برپا نخواهیم ساخت برای ایشان روز قیامت هیچ وزنی.<sup>۱</sup>
۱۰۶. حال این است جزای ایشان دوزخ باشد به سبب آنکه کافر شدند و گرفتند آیات مرا و پیغامبران مرا به تمسخر.
۱۰۷. هر آینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، باشد ایشان را بوستان‌های بهشت جای مهمانی.
۱۰۸. جاویدان آنجا باشند، نطلبند از آنجا بازگشتن.
۱۰۹. بگو: اگر باشد دریا سیاهی برای نوشتن سخنان پروردگار من، البته خرج شود دریا پیش از آنکه آخر شوند سخنان پروردگار من، اگرچه بیاریم مانند آن دریا به طریق مدد.

۱ یعنی نزدیک شود قیامت.

۲ مترجم گوید: و این کنایت است از خواری و بی‌قدری.

۱۱۰. بگو: جز این نیست که من آدمی‌ام مانند شما؛ وحی فرستاده می‌شود به سوی من که معبود شما همان معبود یکتا است، پس هر که توقع دارد ملاقات پروردگار خود را، باید که بکند کار پسندیده و شریک نیارد در عبادت پروردگار خویش هیچ کس را.

## ۱۹. سوره مریم

در مکه نازل شده و آن نودو هشت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. کهیعص.
۲. این است بیان بخشایش پروردگار تو بر بنده خود، زکریا.
۳. چون ندا کرد پروردگار خود را به دعای پنهان.
۴. گفت: ای پروردگار من! هرآینه سست شده است استخوان از بدن من و به رنگ آتش شعله زد سر من [از جهت سفیدمویی] و نبودم در دعای تو ای پروردگار من! بی‌بهره.
۵. و هرآینه من می‌ترسم از اقارب خود بعد از خود و هست زن من نازای، پس عطا کن مرا از نزدیک خود وارثی.
۶. که میراث گیرد از من و میراث گیرد از اولاد یعقوب و بکن او را، ای پروردگار من! مرد پسندیده.
۷. گفتیم: ای زکریا! هرآینه ما بشارت می‌دهیم تو را به طفلی که نام او یحیی است، پیدا نکردیم پیش از این هیچ همنام او را.
۸. گفت: ای پروردگار من! چگونه پیدا شود برای من طفلی و هست زن من نازای و هرآینه رسیده‌ام از سبب کلان‌سالی به نهایت ضعف.
۹. گفت: همچنین است وعده. گفت پروردگار تو: این کار بر من آسان است و هرآینه آفریدم تو را پیش از این و نبود چیزی.
۱۰. گفت: ای پروردگار من! معین کن برای من نشانه‌ای. فرمود: نشانه تو آن است که سخن نتوانی گفتن با مردمان سه شبانه‌روز، در حالی که صحیح‌المزاج باشی.
۱۱. پس بیرون آمد بر قوم خود از محراب عبادت، پس اشارت کرد به سوی ایشان که تسبیح گویند صبح و شام<sup>۱</sup>.
۱۲. [گفتیم] ای یحیی! بگیر احکام کتاب را به استواری و دادیمش دانایی در حال کودکی.
۱۳. و دادیمش شفقتی از نزدیک خود و طهارت نفس و بود پرهیزگار.
۱۴. و نیکو کردار به پدر و مادر خود و نبود گردنکش گناهکار.
۱۵. و سلام باد بر وی روزی که متولد شد و روزی که بمیرد و روزی که برانگیخته شود زنده گشته.
۱۶. و یاد کن در کتاب، مریم را؛ چون یکسو شد از کسان خود جایی به سمت برآمدن آفتاب.

۱۷. پس گرفت اینجانب از ایشان پرده، پس فرستادیم به سوی او روح خود را،<sup>۱</sup> پس صورت گرفت برای مریم آدمی درست اندام شده.
۱۸. گفت: هرآینه من می‌پنهام به خدا از تو اگر پرهیزگار باشی.
۱۹. گفت: جز این نیست که من فرستاده پروردگار توام، تا عطا کنم تو را طفلی پاکیزه.
۲۰. گفت: چگونه پیدا شود برای من طفلی و دست نرسانیده است به من هیچ آدمی و هرگز نبودم زناکار؟!
۲۱. گفت: وعده همچین است. فرمود پروردگار تو که: این بر من آسان است و می‌خواهیم که کنیم این طفل را نشانه‌ای برای مردمان و بخشایشی از جانب خود و هست این مقدمه کاری مقرر کرده شده.
۲۲. پس به شکم بار گرفت آن طفل را، پس یک سو شد مریم به سبب آن حمل به جایی دور از مردم.
۲۳. پس آوردش درد زه به سوی تنه خرما. مریم گفت: ای کاش! مرده بودمی پیش از این و شدمی فراموش از خاطر رفته!
۲۴. پس آواز داد او را [طفل یا جبرئیل، والله اعلم] از جانب پایین او که: اندوه مخور! هرآینه پیدا کرده است پروردگار تو پایین تو جویی.
۲۵. و بجنبان به سوی خویش تنه خرما را تا بیفکنند بر سر تو خرمای تازه بالفعل از درخت چیده.
۲۶. پس بخور و بیاشام و آسوده چشم شو. پس اگر ببینی از آدمیان کسی را، پس بگو: هرآینه من نذر کرده‌ام برای خدا روزه را، پس سخن نخواهم گفت امروز با هیچ آدمی.
۲۷. پس آورد عیسی را پیش قوم خود برداشته. گفتند: ای مریم! هرآینه آوردی چیزی زشت را.
۲۸. ای خواهر هارون! نبود پدر تو مرد بد و نبود مادر تو زنا کننده!
۲۹. پس مریم اشارت کرد به طفل خود. گفتند: چگونه سخن گوئیم با کسی که هست در گهواره در حال کودکی؟
۳۰. گفت عیسی: من بنده خدایم، داده است مرا کتاب و ساخته است مرا پیغمبر.
۳۱. و ساخت مرا خداوند برکت هر جا که باشم و حکم فرموده است مرا به نماز و زکات مادام که زنده باشم.
۳۲. و ساخت مرا نیکوکار به مادر خود و نکرده است مرا گردنکش بدبخت.
۳۳. و سلام بر من است روزی که متولد شدم و روزی که بمیرم و روزی که برانگیخته شوم زنده شده.
۳۴. این است قصه عیسی، پسر مریم. مراد می‌دارم سخن راست را که در وی مردمان اختلاف می‌کنند.
۳۵. نیست لایق خدا آنکه بگیرد هیچ فرزندی؛ پاکی او راست. چون سرانجام کند کاری را، جز این نیست که می‌گویدش: بشو! پس می‌شود.
۳۶. و گفت عیسی: هرآینه خدا پروردگار من و پروردگار شما است، پس عبادت او کنید؛ این است راه راست.
۳۷. پس اختلاف کردند جماعت‌ها در میان خویش، پس وای کافران را! از حاضر شدن روز بزرگ.

۳۸. چقدر شنوا باشند و چقدر بینا باشند روزی که بیایند پیش ما، لیکن این ستمکاران امروز در گمراهی ظاهرند.
۳۹. و بترسان ایشان را از روز پشیمانی، چون به انجام رسانیده شود کار و ایشان در غفلتند و ایشان ایمان نمی‌آرند.
۴۰. هرآینه ما وارث شویم زمین را و هر کسی را که بر زمین است و به سوی ما بازگردانیده شوند.
۴۱. و یاد کن در کتاب، ابراهیم را؛ هرآینه وی بود راست کردار پیغامبری.
۴۲. یاد کن چون گفت پدر خود را: ای پدر من! چرا عبادت می‌کنی چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و دفع نمی‌کند از تو چیزی؟
۴۳. ای پدر من! هرآینه آمده است پیش من از علم آنچه نیامده است پیش تو، پس پیروی من کن تا دلالت کنم تو را به راه راست.
۴۴. ای پدر من! عبادت مکن شیطان را، هرآینه هست شیطان مر خدای را نافرمان.
۴۵. ای پدر من، می‌ترسم از آنکه برسد به تو عقوبتی از خدا، پس باشی قرین شیطان.
۴۶. گفت: آیا روگردانی تو از معبودان من ای ابراهیم؟! اگر باز نایستی، البته سنگسار کنم تو را و ترک صحبت من کن مدت درازی.
۴۷. گفت: سلام علیک! آموزش خواهم طلبید برای تو از پروردگار خویش، هرآینه وی هست بر من مهربان.
۴۸. و کناره گیرم از شما و از آنچه می‌پرستید بجز خدا و خواهم عبادت کرد پروردگار خود را، امید آن است که نباشم به سبب پرستش پروردگار خود، بدبخت.
۴۹. پس چون کناره گرفت از ایشان و از آنچه می‌پرستیدند، بجز خدا، عطا کردیم وی را اسحاق و یعقوب و هر یکی را پیغامبر ساختیم.
۵۰. و عطا کردیم به ایشان چیزها از بخشش خود و ساختیم برای ایشان ذکر جمیل به نهایت بزرگی.
۵۱. و یاد کن در کتاب، موسی را. هرآینه وی بود خالص کرده شده و بود فرستاده، پیغامبری.
۵۲. و ندا کردیم او را از جانب راست کوه طور و نزدیک ساختیم او را رازگویان.
۵۳. و عطا کردیم او را از بخشش خود برادر او هارون، نبی ساخته.
۵۴. و یاد کن در کتاب، اسماعیل را؛ هرآینه وی بود راست وعده و بود فرستاده پیغامبری.
۵۵. و می‌فرمود اهل خود را به نماز و زکات و بود نزدیک پروردگار خویش پسندیده.
۵۶. و یاد کن در کتاب، ادریس را. هرآینه وی بود راست کردار پیغامبری.
۵۷. و برداشتیم او را به مکانی بلند (یعنی بر آسمان).
۵۸. این جماعت، آنانند که انعام کرد خدا بر ایشان از زمره پیغمبران از فرزندان آدم و از نسل آنان که برداشتیم با نوح و از ذریّت ابراهیم و یعقوب و از جمله آنان که راه راست نمودیم ایشان را و برگزیدیم. چون خوانده می‌شد بر ایشان آیات خدا، می‌افتادند سجده‌کنان و گریان.
۵۹. پس جانشین شد بعد از ایشان ناخلفی چند که ترک کردند نماز را و پیروی کردند خواهش‌ها را، پس خواهند یافت جزای گمراهی.
۶۰. لیکن هر که توبه کرد و ایمان آورد و کار شایسته به عمل آورد، پس آن جماعت درآیند به بهشت و هیچ ستم کرده نشود بر ایشان.

۶۱. بوستان‌های همیشه ماندن که وعده داده است خدا بندگان خود را نادیده، هرآینه هست وعده او البته آینده.
۶۲. نشنوند آنجا هیچ سخن بیهوده؛ لیکن سلام شنوند و ایشان را بود روزی ایشان آنجا صبح و شام.
۶۳. این است آن بهشت که عطا کنیم از بندگان خویش آن را که پرهیزگار بود.
۶۴. وفرشتگان گفتند که: ما فرود نمی‌آییم، الا به حکم پروردگار تو. او راست علم آنچه در پیش ما است<sup>۱</sup> و آنچه عقب ما است<sup>۲</sup> و آنچه در میان این است و نیست پروردگار تو فراموشکار.
۶۵. اوست پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان اینهاست، پس عبادت او کن. و شکبیا باش بر عبادت وی. آیا می‌دانی او را همانمی (یعنی ماندی)؟
۶۶. و می‌گوید آدمی (یعنی آدمی کافر): آیا چون بمیرم، بیرون آورده خواهم شد زنده شده؟!
۶۷. آیا یاد نمی‌کند آدمی که ما آفریدیم او را پیش از این و نبود هیچ چیزی؟!
۶۸. پس قسم پروردگار تو! که البته برانگیزیم این منکران بعتت را با شیاطین، باز حاضر کنیم ایشان را حوالی دوزخ به زانو درافتاده.
۶۹. باز برکشیم از هر اتمی آن را که از ایشان جرأت کننده‌تر است بر خدا از روی نافرمانی.
۷۰. باز ما داناییم به آنان که سزاوارترند به درآمدن دوزخ.
۷۱. و نیست از شما هیچ کس مگر گذرنده بر آن. هست این وعده لازم بر پروردگار تو، مقرر کرده شده.
۷۲. باز برهانیم متقیان را و بگذاریم ظالمان را آنجا به زانو درافتاده.
۷۳. و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده، گویند کافران مسلمانان را: کدام یک از این دو گروه بهتر است در مرتبه و نیکوتر است از روی مجلس؟<sup>۳</sup>
۷۴. و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقه مردمان را که بهتر بودند به اعتبار رخت خانه و از روی نموداری.
۷۵. بگو: هر که باشد در گمراهی، افزون می‌دهد او را خدا افزون دادنی. تا وقتی که ببینند آنچه ترسانیده شدند یا عقوبت را و یا قیامت را، پس خواهند دانست کدام یک بدتر است در مرتبه و ناتوانتر است به اعتبار لشکر.
۷۶. و زیاده می‌دهد خدا راهبان را هدایت و حسنات پاینده شایسته، بهترند نزدیک پروردگار تو از روی جزا و نیکوترند از جهت بازگشت.
۷۷. آیا دیدی آن را که کافر شد به آیات ما و گفت: البته داده شود مرا<sup>۴</sup> مال و فرزند؟!
۷۸. آیا مطلع شده است بر غیب یا گرفته است از نزدیک خدا عهدی.
۷۹. نه چنان بود. خواهیم نوشت آنچه می‌گوید و افزون دهیم عقوبت، افزون دادنی.
۸۰. و بازستانیم پس از وی آنچه می‌گوید و بیاید پیش ما تنها شده.
۸۱. و خدایان گرفتند بجز «الله» تا باشند ایشان را سبب عزت.
۸۲. نه چنان بود. منکر خواهند شد پرستش معبودان خود را و خواهند شد بر ایشان ستیزنده.

۱ یعنی قیامت.

۲ یعنی از ابتدای خلق آسمان و زمین.

۳ یعنی به عزت دنیا مغرور شدند.

۴ یعنی در قیامت.

- ۸۳ آیا ندیدی که می‌فرستیم شیاطین را بر کافران، می‌جنابانیدند ایشان را جنابانیدنی؟
- ۸۴ پس شتاب مکن بر ایشان. جز این نیست که مدت می‌شماریم برای ایشان شمار کردنی.
- ۸۵ روزی که برمی‌انگیزیم متقیان را به سوی رحمان، مهمان آمده.
- ۸۶ و روان کنیم گنهکاران را به سوی دوزخ، تشنه گشته.
- ۸۷ نتوانند شفاعت کردن؛ إلا کسی که گرفته است از نزدیک خدا عهدی.<sup>۱</sup>
- ۸۸ و گفتند: فرزند گرفته است خدا!
- ۸۹ [فرمود ایشان را] هر آینه آوردید چیز زشتی.
- ۹۰ نزدیکند آسمان‌ها که بشکافند از این سخن و بشکافد زمین و بیفتند کوه‌ها پاره‌پاره شده.
- ۹۱ به سبب آنکه اثبات کردند خدای را فرزندی.
- ۹۲ و نسزد خدای را که فرزند گیرد.
- ۹۳ نیست هیچ‌کس از آنان که در آسمان‌ها و زمینند، مگر آیند پیش رحمن، بنده شده.
- ۹۴ هر آینه به علم در گرفته است ایشان را و شمار کرده است ایشان را شمار کردنی.
- ۹۵ و هر یک از ایشان آینده است پیش وی روز قیامت، تنها شده.
- ۹۶ هر آینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پیدا خواهد کرد برای ایشان خدا، دوستی.<sup>۲</sup>
- ۹۷ جز این نیست که آسان ساختیم قرآن را به زبان تو تا مژده دهی به آن متقیان را و بترسانی به آن گروه ستیزندگان را.
- ۹۸ و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقات مردم. آیا می‌بینی هیچ‌کس را از ایشان، یا می‌شنوی از ایشان آوازی تنگی؟

## ۲۰. سوره طه

در مکه نازل شده و آن یکصدوسی و پنج آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. طه.
۲. فروفرستادیم بر تو قرآن را تا رنج کشی.
۳. لیکن [فروفرستادیم برای] پند دادن، کسی را که بترسد.
۴. فروفرستادن از جانب کسی که آفریده است زمین را و آسمان‌های بلند را.
۵. وی بسیار بخشاینده است، بر عرش قرار گرفت.
۶. او راست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست و آنچه زیر خاک نمناک است.

۱ یعنی مسلمان شده و وعده ثواب را مستحق گشته.

۲ یعنی با یکدیگر دوست باشند.



۷. و اگر آشکارا کنی سخن را، پس وی می‌داند سخن پنهان را و پنهانتر را.
۸. خدا، هیچ معبود نیست مگر وی. مراو راست نام‌های نیکو.
۹. و آیا آمده است به تو خبر موسی؟
۱۰. چون دید آتشی، پس گفت اهل خود را درنگ کنید، هرآینه من دیده‌ام آتشی، امید دارم که بیارم پیش شما از آن آتش شعله یا بیابم بر آن آتش راهنمایی.
۱۱. پس چون بیامد نزدیک آتش، آواز داده شد که: ای موسی!
۱۲. هرآینه من پروردگار توام، پس از پا بیرون کن نعلین خود را، هرآینه تو به میدان پاکی طوی نام.
۱۳. و من برگزیدم تو را، پس گوش بنه به سوی آنچه وحی فرستاده می‌شود.
۱۴. هرآینه من خدایم، نیست هیچ معبود غیر من، پس عبادت من بکن و برپا کن نماز را برای یاد کردن من.
۱۵. هرآینه قیامت آمدنی است. می‌خواهم که پنهان دارم وقت آن را تا جزا داده شود هر شخصی به مقابله آنچه می‌کند.
۱۶. پس باید که باز ندارد تو را از باور داشتن، آن کسی که ایمان ندارد بر آن و پیروی کرده است خواهش نفس خود را؛ آنگاه هلاک شوی.
۱۷. و چیست این به دست راست تو ای موسی؟!
۱۸. گفت: این عصای من است. تکیه می‌کنم بر آن و برگ می‌ریزم به آن بر گوسفندان خود و مرا در این عصا کارهای دیگر نیز هست.
۱۹. گفت: بیفکن آن را ای موسی!
۲۰. پس بیفکندش، پس ناگهان وی ماری شد دوان.
۲۱. گفت: بگیر این را و مترس. باز خواهیم گردانید او را به شکل نخستین او.
۲۲. و به هم‌آر دست خود را به سوی بغل خود تا بیرون آید سفید شده از غیر عیبی، نشانه‌ای دیگر آمده.
۲۳. می‌خواهیم که بنماییم تو را بعض نشانه‌های بزرگ خویش.
۲۴. برو به سوی فرعون، هرآینه وی از حد گذشته است.
۲۵. گفت: ای پروردگار من! گشاده کن برای من سینه مرا.
۲۶. و آسان کن برای من کار مرا.
۲۷. و بگشای گره از زبان من
۲۸. تا فهم کنند سخن من.
۲۹. و مقرر کن برای من وزیری از کسان من.
۳۰. هارون برادر مرا.
۳۱. محکم کن به سبب او توانایی مرا.
۳۲. و شریک کن او را در کار من.
۳۳. تا تسبیح تو گوئیم بسیاری.
۳۴. و یاد تو کنیم بسیاری.
۳۵. هرآینه تو هستی به احوال ما بینا.
۳۶. گفت: هرآینه داده شدی درخواست خودت ای موسی!
۳۷. هرآینه نعمت فراوان دادیم بر تو یک بار دیگر.
۳۸. چون الهام فرستادیم به سوی مادر تو، آنچه الهام کردنی بود.

۳۹. که بیفکن این طفل را در صندوق، پس افکن صندوق را در دریا تا افکند او را دریا به کنار، بگیردش دشمن من و دشمن وی و بیفکندم بر روی تو قبول از جانب خویش و خواستم که پرورده شوی به حضور من.
۴۰. چون می‌رفت خواهر تو، پس می‌گفت: آیا دلالت کنم شما را بر کسی که نگاهبانی این طفل کند؟ پس باز آوردیم تو را به سوی مادر تو تا خنک شود چشم وی و اندوهگین نباشد و بکشتی شخصی را، پس خلاص ساختیم تو را از اندوه و در محنت افکندیم تو را به آزمودن، پس درنگ کردی سال‌هایی چند در اهل مدین، باز برآمدی موافق تقدیر الهی ای موسی!
۴۱. و ساختم تو را برای خویش.
۴۲. بر تو و برادر تو با نشانه‌های من و سستی نکنید در یاد من.
۴۳. بروید به سوی فرعون، هرآیین وی از حد گذشته است.
۴۴. پس بگویند با وی سخن نرم؛ بُود که پندپذیر شود یا بترسد.
۴۵. گفتند: ای پروردگار ما! هرآیین ما می‌ترسیم از آنکه تعدی کند بر ما یا از حد گذرد.
۴۶. گفت: مترسید هرآیین من با شما، می‌شنوم و می‌بینم.
۴۷. پس بروید پیش وی، پس بگویند: هرآیین ما فرستاده‌های پروردگار تویم، پس بفرست با ما بنی‌اسرائیل را و عذاب مکن ایشان را، هرآیین آوردیم پیش تو نشانه‌ای از جانب پروردگار تو و سلامتی کسی را که پیروی راه هدایت کند.
۴۸. هرآینه وحی فرستاده شد به سوی ما که عذاب، کسی را باشد که دروغ شمرد و روگردان شود.
۴۹. فرعون گفت: پس کیست پروردگار شما ای موسی؟!
۵۰. گفت که: پروردگار ما آن است که داد هرچیزی را صورت خالص او، باز راه نمودش به طلب معاش خودش.
۵۱. گفت: پس چیست حال قرن‌های نخستین؟
۵۲. گفت: علم آن نزدیک پروردگار من است در کتابی که غلط نکنند پروردگار من و نه فراموش سازد.
۵۳. او آن است که ساخت برای شما زمین را فرشی و روان کرد برای شما در آنجا راه‌ها و فروفرستاد از آسمان آب را. پس بیرون آوردیم به آن آب انواع مختلف از نبات.
۵۴. گفتیم: بخورید و بچرانید چهارپایان خود را. هرآیین در این مقدمه نشانه‌هاست خداوند خردها را.
۵۵. از زمین آفریدیم شما را و در زمین بازدرآریم شما را و از زمین بیرون کشیم شما را بار دیگر.
۵۶. و هرآینه بنمودیم فرعون را نشانه‌های خویش تمام آن، پس دروغ بشمرد و قبول نکرد.
۵۷. گفت: آیا آمده‌ای تا بیرون کنی ما را از زمین ما به جادوی خود ای موسی؟!
۵۸. پس هرآینه بیاریم پیش تو جادویی مانند آن، پس معین کن میان ما و میان خود وعده‌گاهی که خلاف نکنیم آن را ما و نه تو، به جایی میانه شهر.
۵۹. گفت: وعده‌گاه شما روز آرایش است و آنکه جمع کرده شوند مردمان وقت چاش.
۶۰. پس به خانه بازگشت فرعون. پس جمع کرد مکر خود را، باز بیامد.

۶۱. گفت موسی ساحران را: وای بر شما! افترا مکنید بر خدا دروغ را؛ آنگاه هلاک سازد شما را به عذاب و هرآینه به مطلب نرسید هر که افترا کرد.
۶۲. پس گفتگو کردند ساحران به مشورت خود در میان خویش و پنهان گفتند راز را.
۶۳. گفتند: البته این دو شخص ساحرانند. می‌خواهند که بیرون کنند شما را از زمین شما به سحر خود و می‌خواهند که دور کنند دین شایسته شما را.
۶۴. پس به هم آزید اسباب سحر خود را، باز بیایید صف کشیده و هرآینه رستگار شد امروز هر که غالب آمد.
۶۵. گفتند: ای موسی! یا این است که تو افکنی (یعنی عصا را) یا باشیم ما اول کس که افکند.
۶۶. گفت: بلکه شما افکنید، پس ناگهان رسن‌های ایشان و عصاهای ایشان نمودار شد پیش موسی به سبب سحر ایشان که می‌دوند.
۶۷. پس یافت در ضمیر خود موسی ترسی را.
۶۸. گفتیم: مترس! هرآینه تویی غالب.
۶۹. و بیفکن آنچه در دست راست تو است تا فرورد چیزی را که ساخته‌اند، هرآینه آنچه ساخته‌اند جادوی جادو کننده است و رستگار نمی‌شود ساحر هرکجا که رود. [القَصّه همچنین شد].
۷۰. پس انداخته شدند ساحران سجده‌کنان؛ گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار هارون و موسی.
۷۱. گفت فرعون: آیا باور داشتید او را پیش از آنکه دستوری دهم شما را؟! هرآینه وی بزرگوار شمامست که آموخته است شما را سحر، هرآینه بپریم دست‌های شما و پاهای شما را یکی از جانب راست و دیگر از جانب چپ و بردار کِشم شما را بر تنه‌های خرما و البته خواهید دانست که کدام یک از ما سخت‌تر است عذاب او و پاینده‌تر است.
۷۲. گفتند: ترجیح ندهیم تو را بر آنچه آمده است پیش ما از دلایل واضح و ترجیح ندهیم تو را بر خدایی که آفرید ما را، پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی. جز این نیست که حکم کنی در این زندگانی دنیا.
۷۳. هرآینه ما ایمان آوردیم به پروردگار خویش، تا بیمارزد برای ما گناهان ما را و آنچه جبر کردی ما را بر آن که سحر کنیم و خدا بهتر است و پاینده‌تر است.
۷۴. هرآینه هر که بیاید پیش پروردگار خویش گناهکارشده، پس او راست دوزخ، نه میرد آنجا و نه زنده ماند.
۷۵. و آنکه بیاید پیش او مسلمان شده و عمل‌های شایسته کرده، پس این جماعت ایشان راست درجه‌های بلند.
۷۶. بوستان‌های همیشه ماندن، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا. و این است جزای هر که پاک شده است.
۷۷. و هرآینه وحی فرستادیم به سوی موسی که وقت شب ببر بندگان مرا، پس بساز برای ایشان راهی خشک در دریا، مترس از دریافتن دشمنی و وسواس نکنی از غرق.
۷۸. پس تعاقب ایشان کرد فرعون با لشکرهای خویش، پس پوشانید ایشان را از دریا آنچه پوشانید ایشان را.
۷۹. و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه نمود.

- ۸۰ گفتیم: ای بنی اسرائیل! هر آيينه نجات داديم شما را از دشمنان شما و وعده داديم شما را<sup>۱</sup> به جانب راست طور و فرورفتاديم بر شما «من» و «سلوی».
- ۸۱ گفتيم: بخوريد از لدايد آنچه روزی داديم شما را و از حد مگذريد در باب آن روزی؛ آنگاه ثابت شود بر شما خشم من و هر که ثابت شود بر وی خشم من، البته هلاک شد.
- ۸۲ و هر آيينه من آمرزنده ام کسی را که توبه کرد و ايمان آورد و کار شايسته کرد، باز راه راست يافت.
- ۸۳ و چه<sup>۲</sup> چیز به شتاب آورد تو را غافل مانده از قوم خود، ای موسی؟! گفت: قوم من، ايشانند بر پي من و شتافتم به سوی تو، ای پروردگار من! تا خشنود شوی.
- ۸۴ گفت خدا: هر آيينه ما در بلا افکنديم قوم تو را پس از تو و گمراه ساخت ايشان را سامری.
- ۸۵ پس باز گشت موسی به سوی قوم خود خشم گرفته، اندوه خورده، گفت: ای قوم من! آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده نیک؟ آیا دراز شد بر شما مدت<sup>۳</sup> یا خواستيد که واجب شود بر شما خشمی از پروردگار شما؟ پس خلاف کرديد وعده مرا.
- ۸۶ گفتند: خلاف نکرديم وعده تو را به اختيار خویش وليکن ما را تکليف کردند تا برداشتيم بارها از پيرايه قوم [قبط]، پس افکنديم آن را<sup>۴</sup> و همچنين افکند سامری.
- ۸۷ باز بيرون آورد برای ايشان گوساله را، بر آورد کالبدی که او را آواز گاو بود. پس گفتند اتباع سامری: اين است پروردگار شما و پروردگار موسی، پس فراموش کرده است موسی.
- ۸۸ آیا نمی دیدند اين گمراهان که باز نمی گرداند به سوی ايشان سخنی را و نمی تواند برای ايشان هيچ زيانی و نه سودی؟
- ۸۹ و هر آيينه گفت ايشان را هارون پيش از اين: ای قوم من! جز اين نيست که مبتلا شده ايد به اين گوساله و هر آيينه پروردگار شما خدا است، پس پیروی من کنید و انقياد حکم من نماييد.
- ۹۰ گفتند: هميشه مجاور خواهيم بود بر اين گوساله تا وقتی که باز آيد به ما موسی.
- ۹۱ [موسی آمده] گفت: ای هارون، چه چیز باز داشت تو را چون دیدی ايشان را که گمراه شدند.
- ۹۲ از آنکه پیروی من کنی،<sup>۵</sup> آیا خلاف حکم من کردی؟
- ۹۳ گفت: ای پسر مادر من! مگير ريش مرا و نه موی مرا. هر آيينه من ترسيدم از آنکه گویی جدایی افکندی در میان فرزندان يعقوب و نگاه نداشتی سخن مرا.
- ۹۴ گفت موسی: پس چيست حال تو ای سامری؟

۱ یعنی به دادن تورات.

۲ مترجم گوید: چون موسی با هفتاد کس از قوم خود به جانب طور متوجه شد، حضرت موسی از همه سبقت کرد خطاب رسيد؛ والله اعلم.

۳ یعنی مدت مفارقت من.

۴ یعنی در آتش.

۵ یعنی به قتال اهل ضلال.

۹۶. گفت: بینا شدم به آنچه سایر مردم بینا نشدند به آن، پس گرفتم مشتی خاک از نقش پای فرستاده (یعنی جبریل) پس افکندم آن را<sup>۱</sup> و به همین صفت بیاراست پیش من نفس من.
۹۷. گفت: پس برو، هرآینه تو را در زندگانی سزا این است که گویی دست رسانیدن ممکن نیست<sup>۲</sup> و هرآینه تو را وعده دیگر است که خلاف کرده نشود در حق تو و بین سوی معبود خود که مجاور شده بودی بر آن، البته بسوزانیم آن را؛ پس پراکنده سازیم آن را در دریا، پراکنده ساختن.
۹۸. جز این نیست که معبود شما «الله» است. آنکه نیست هیچ معبودی به حق بجز او، فرارسیده است هر چیز را از روی دانش.
۹۹. [یا محمد] اینچنین قصه می خوانیم بر تو از اخبار آنچه گذشته است و هرآینه داده ایم تو را از نزدیک خویش پندی.
۱۰۰. هر که روی بگرداند از آن، پس وی بردارد در روز قیامت باری را.<sup>۳</sup>
۱۰۱. جاویدان در آن بار کشیدن. و وی بد باری است ایشان را روز قیامت بار کشیدن.
۱۰۲. روزی که دمیده شود در صور و برانگیزیم گناهکاران را آن روز کبود چشم گشته.
۱۰۳. پنهان حرف زند. در میان خویش که درنگ نکردید (یعنی در دنیا) مگر ده شبانه روز.
۱۰۴. ما داناتریم به حقیقت آنچه می گویند چون بگویند بهترین ایشان در روش: درنگ نکرده اید مگر یک روز.
۱۰۵. و می پرسند تو را از کوه ها، بگو: پراکنده کند آن را پروردگار من، پراکنده کردن.
۱۰۶. پس بگذارد زمین را میدانی هموار.
۱۰۷. نبینی در آنجا هیچ کجی و نه هیچ بلندی.
۱۰۸. آن روز از پی آواز کننده روند،<sup>۴</sup> هیچ کجی نباشد آن اتباع را و پست شوند آوازاها برای خدا، پس نشنوی مگر آواز نرم.
۱۰۹. آن روز نفع ندهد شفاعت مگر برای کسی که دستوری داده است خدا او را و پسند کرده است او را از روی گفتار.<sup>۵</sup>
۱۱۰. می داند آنچه پیش روی آدمیان است و آنچه پس پشت ایشان است و آدمیان درنگیرند خدا را از روی دانش.
۱۱۱. و نیایش کنند روی های مردمان برای زنده خبرگیرنده و هرآینه به مطلب نرسید هر که برداشت ستم را.
۱۱۲. و هر که بجا آرد کارهای شایسته را و او مؤمن باشد، پس وی نترسد از ستمی و نه از نقصانی.
۱۱۳. و همچنین فرورستادیم کتاب را قرآن عربی و گوناگون بیان کردیم اندر آن ترسانیدن را تا بود که پرهیزگار شوند یا پیدا کند در حق ایشان پند را.
۱۱۴. پس بلند قدر است خدا پادشاه ثابت، و شتابی مکن به خواندن قرآن پیش از آنکه انجام رسانیده شود به سوی تو وحی او و بگو: ای پروردگار من! بیغزا مرا دانشی.

۱ یعنی در کالبدی که از زر ساخته بود به شکل گوساله.

۲ یعنی اگر با کسی همنشین شدی، هر دو را تب می گرفت.

۳ یعنی گناهی را.

۴ یعنی انقیاد اسرافیل کنند.

۵ یعنی مسلمان باشد.

۱۱۵. و هرآینه حکم فرستادیم به سوی آدم پیش از این، پس فراموش کرد و نیافتیم او را قصد محکم.
۱۱۶. و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را که سجده کنید به سوی آدم، علیه السلام، پس سجده کردند، مگر ابلیس؛ قبول نکرد.
۱۱۷. پس گفتیم: ای آدم! هرآینه این دشمن است تو را و زنِ تو را پس باید که بیرون نکند شما را از بهشت که آنگاه رنج کشی.
۱۱۸. هرآینه تو را هست در بهشت اینکه گرسنه نشوی و برهنه نباشی.
۱۱۹. و آنکه تو تشنه نباشی آنجا و گرمی آفتاب نیابی.
۱۲۰. پس وسوسه انداخت به سوی آدم شیطان، گفت: ای آدم! آیا دلالت کنم تو را بر درخت همیشه بودن و بر پادشاهی ای که کهنه نگردد؟
۱۲۱. پس خوردند از آن درخت، پس ظاهر شد ایشان را شرمگاه ایشان و درایستادند که می چسبانیدند بر خویش از برگ درختان بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خود را، پس گم کرد راه را.
۱۲۲. باز برگزیدش پروردگار او، پس به رحمت بازگشت بر وی و راه نمود.
۱۲۳. گفت: فروروید شما هر دو از این بهشت، بعضی اولاد شما بعضی دیگر را دشمن باشند، پس اگر بیاید به شما از جانب من هدایتی، پس هر که پیروی هدایت من کند گمراه نشود و رنج نکشد.
۱۲۴. هر که روگردان شود از یاد کردن من، پس او را بود زندگانی تنگ و نابینا برانگیزیم او را روز قیامت.
۱۲۵. گوید: ای پروردگار من! چرا نابینا برانگیختی مرا؟ و هرآینه پیش از این بینا بودم.
۱۲۶. گفت: همچنین آمد به تو نشانه های ما، پس تغافل کردی از آن و همچنین امروز تغافل کرده شود در حق تو.
۱۲۷. و همچنین سزا می دهیم آن را که از حد گذشت و ایمان نیاورد به آیات پروردگار خویش و هرآینه عذاب آخرت، سخت تر و پاینده تر است.
۱۲۸. آیا راه ننمود ایشان را آنکه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از طبقات مردمان را که می روند در منازل آن هلاک شدگان؟ هرآینه در این مقدمه نشانه ها است خداوندان خرد را.
۱۲۹. و اگر نبودى سخنى که سابقاً صادر شد از پروردگار تو و نبودى وقتى معین، هرآینه عذاب لازم شدی.
۱۳۰. پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح گو با حمد پروردگار خویش پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فروشدن آن و بعضی ساعت های شب و اطراف روز تسبیح گو، بُوَد که خشنود شوی.
۱۳۱. و باز مگشای دو چشم خود را به سوی آنچه بهره مند ساخته ایم به آن جماعت ها را از ایشان از قسم آرایش زندگانی دنیا تا مبتلا کنیم ایشان را در آن و روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر است.
۱۳۲. و بفرما کسان خود را به نماز و شکیبایی کن بر ادای آن. نمی طلبیم از تو روزی دادن. ما روزی دهیم تو را و عاقبت خیر، اهل تقوی راست.
۱۳۳. و گفتند کافران: چرا نمی آرد پیش ما نشانه ای از جانب پروردگار خویش؟ آیا نیامده است به ایشان نشانه ای واضح از جنس آنچه در کتابهای پیشین است؟<sup>۱</sup>

۱ یعنی قرآن مشتمل است بر قصص و غیر آن موافق کتب سابقه.

۱۳۴. و اگر ما هلاک می‌کردیم ایشان را به عقوبتی پیش از فرستادن پیغمبری، گفتندی: ای پروردگار ما! چرا نفرستادی به سوی ما پیغامبری تا پیروی آیات تو می‌کردیم، پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم.
۱۳۵. بگو: هر یک منتظر است، پس شما نیز منتظر باشید، خواهید دانست کیانند اهل راه راست و که راه یافت.

## ۲۱. سوره انبیاء

در مکه نازل شده و آن یکصد و دوازده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. نزدیک شد به مردمان حساب ایشان و ایشان در غفلت رو گردانند.
۲. نمی‌آید به ایشان هیچ پند از جانب پروردگار ایشان نوپدید آورده، مگر بشنوند آن را بازی‌کنان.
۳. غافل شده دل‌های ایشان و پنهان راز گفتند ایشان، این ظالمان که: نیست این شخص مگر آدمی مانند شما؟ آیا اقبال می‌کنید به سحر و شما می‌بینید؟
۴. گفت پیغمبر: پروردگار من می‌داند هر سخنی را که در آسمان و زمین باشد و او شنوای داناست.
۵. بلکه گفتند: این قرآن خواب‌های پریشان است، بلکه [می‌گویند]: بر بسته است آن را بلکه [می‌گویند]: او شاعر است، پس باید که بیارد پیش ما نشانه، چنانکه فرستاده شدند به آن نخستینیان.<sup>۱</sup>
۶. ایمان نیاورده بود پیش از این هیچ دیهی که هلاک کردیم آن را. آیا ایشان ایمان خواهند آورد.
۷. و نفرستادیم پیش از تو مگر مردان را که وحی می‌فرستادیم به ایشان، پس بپرسید از اهل کتاب اگر شما نمی‌دانید.
۸. و نساختم پیغمبران را کالبدی که نخوردند طعام و نبودند جاوید باشندگان.
۹. باز راست کردیم در حق ایشان وعده را، پس برهانیدیم ایشان را و هر که را خواستیم و هلاک کردیم از حدگذرندگان را.
۱۰. هر آینه فر فرستادیم به سوی شما کتابی که در او هست پند شما، آیا نمی‌فهمید؟
۱۱. و بسیار شکستیم از قسم دیهی که ستمکار بودند و نو پیدا ساختیم بعد آن گروه دیگر را.
۱۲. پس چون دیدند عذاب ما، ناگهان ایشان از آنجا می‌دویدند.
۱۳. گفتیم مگرزید و باز روید به سوی مکانی که آسودگی داده شد شما را در آن و به سوی خانه‌های خویش تا بود که پرسیده شوید.<sup>۲</sup>
۱۴. گفتند: ای وای ما را! هر آینه ما بودیم ستمکار.

۱ مترجم گوید: مراد از نشانه عقوبت عام می‌داشتند مثل طوفان قوم نوح و صرصر قوم هود؛ والله اعلم.

۲ یعنی به غمخوارگی قوم احوال شما برسند.

۱۵. پس همیشه این بود گفتار ایشان تا وقتی که گردانیدیم ایشان را مثل زراعتِ دروده شده، مانند آتش فرو مرده.
۱۶. و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان آنها است، بازی کنان.
۱۷. اگر می‌خواستیم که بسازیم بازی<sup>۱</sup> هر آینه می‌ساختیم آن را از نزدیک خویش اگر کننده می‌بودیم.<sup>۲</sup>
۱۸. بلکه می‌افکنیم حق را بر باطل پس سرش می‌شکند، پس ناگهان باطل نابود شود. و وای شما راست از آنچه بیان می‌کنید.
۱۹. و او راست آنکه در آسمان‌ها و زمین است و آنان که نزدیک اویند،<sup>۳</sup> سرکشی نمی‌کنند از عبادت او و مانده نمی‌شوند.
۲۰. تسبیح می‌گویند شب و روز، سستی نمی‌نمایند.
۲۱. آیا اینچنین خدایان گرفته‌اند خدایان از امتعه زمین<sup>۴</sup> که ایشان را (بعد موت) باز برانگیزانند؟<sup>۵</sup>
۲۲. اگر بودی در آسمان و زمین خدایان چند غیر خدا، هر دو تباه گشتندی. پاکی خدای راست خداوند عرش از آنچه صفت می‌کنند.
۲۳. پرسیده نمی‌شود خدا از آنچه می‌کند و ایشان پرسیده می‌شوند.
۲۴. آیا معبودان گرفته‌اند بجز خدا؟ بگو بیارید دلیل خود را. این است کتاب آنان که با مند و این است کتاب آنان که پیش از من بودند. بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند حق را پس ایشان روگردانند.
۲۵. و فرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری الا وحی می‌فرستادیم به سوی او که نیست هیچ معبود بر حق، غیر من؛ پس پرستش من کنید.
۲۶. و گفتند فرزند گرفته است خدا، پاکی او راست. بلکه [آنان که در حق ایشان این زعم دارند] بندگان گرامی‌اند.
۲۷. پیشدستی نمی‌کنند بر خدا به هیچ سخن و ایشان به فرمان وی کار می‌کنند.
۲۸. می‌داند آنچه در پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و شفاعت نمی‌کنند، الا برای کسی که خدا خشنود شده است و ایشان از ترس خدا مضطرب‌انند.
۲۹. و هر که بگوید از ایشان که: من خدایم بجز الله، پس سزا دهیم او را دوزخ. همچنین سزا می‌دهیم ستمکاران را.
۳۰. آیا ندیدند کافران که آسمان‌ها و زمین بسته بودند پس وا کردیم اینها را<sup>۶</sup> و پیدا کردیم از آب هر چیز زنده را. آیا ایمان نمی‌آرند؟
۳۱. و پیدا کردیم در زمین کوه‌ها را برای احترام از آنکه بجنباند ایشان را و پیدا کردیم در آنجا گشاده راه‌ها تا بود که ایشان راه یابند.
۳۲. و ساختیم آسمان را سقفی نگاه داشته شده و ایشان از نشانه‌های آسمان روگردانند.

۱ یعنی زن و فرزند.

۲ یعنی مجرد می‌بودند و این مناقصه لطیفه است. حاصل آنکه در رسل، این استبعاد جاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن را در تنزیه از زن و فرزند می‌توان تقریر کرد که اگر خدا را زن و فرزند می‌بودند، مجرد و واجب‌الوجود، جامع اوصاف کمال می‌بودند؛ والله اعلم.

۳ یعنی ملاء اعلیٰ.

۴ یعنی از ذهب و فضه.

۵ مراد ازین کلام، ر دست بر عبادت اصنام.

۶ مترجم گوید: وا کردن آسمان‌ها، نازل کردن مَطَر است و وا کردن زمین، رویاندن گیاه از وی.



۳۳. و اوست آن که آفرید شب و روز را و آفتاب را و ماه را. هر یکی از ستاره‌ها در آسمانی شنا می‌کنند.
۳۴. و ندادیم هیچ آدمی را پیش از تو همیشه بودن. آیا اگر تو بمیری ایشان همیشه باشندگانند؟
۳۵. هر شخص چشمنده مرگ است. و مبتلا می‌کنیم شما را به سختی و آسودگی به طریق امتحان و به سوی ما بازگردانیده شوید.
۳۶. و چون ببینند تو را کافران نمی‌گیرند تو را مگر به تمسخر. [می‌گویند] آیا این شخص یاد می‌کند (یعنی به اهانت) معبودان شما را؟ و ایشان یاد خدا را منکرند.
۳۷. آفریده شد آدمی از شتابی.<sup>۱</sup> خواهام نمود شما را نشانه‌های خویش؛ پس شتاب طلب مکنید از من.
۳۸. و می‌گویند: کی خواهد بود این وعده اگر راستگو هستید؟
۳۹. اگر بدانند کافران صورت حال، آن وقت که باز نتوانند داشت از روی خویش آتش را و نه از پشت خویش و نه ایشان نصرت داده شوند، چنین نگفتندی.
۴۰. بلکه بیاید به ایشان قیامت، ناگهان؛ پس حیران گرداند ایشان را؛ پس نتوانند دفع کردن آن و نه ایشان مهلت داده شوند.
۴۱. و هرآینه تمسخر کرده شد به پیغمبران پیش از تو، پس درگرفت به آنان که تمسخر کردند از ایشان، آنچه به آن استهزا می‌کردند.
۴۲. بگو: که نگاهبانی می‌کند شما را از شب و روز از عقوبت خدا؟ بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روگردانند.
۴۳. آیا ایشان را معبوداند [غیر ما] که نگاه می‌دارند ایشان را از مصایب؟ نمی‌توانند نصرت دادن خویش را و نه ایشان از عقوبت ما به جمعیت خود محفوظ مانند.
۴۴. بلکه بهره‌مند ساخته‌ایم ایشان را و پدران ایشان را تا وقتیکه دراز شد بر ایشان مدت عمر. آیا نمی‌بینند که ما در گرفت می‌کنیم زمین [دارالحراب] را، می‌کاهیم آن را از جوانب آن. آیا ایشان غلبه کنندگانند؟<sup>۲</sup>
۴۵. بگو: جز این نیست که می‌ترسانم شما را [به مضمون] به وحی. و نمی‌شنوند کران آواز خواندن را، چون ترسانیده می‌شوند.
۴۶. و اگر رسد به ایشان اندکی از عقوبت پروردگار تو، هرآینه گویند: ای وای ما را! هرآینه ما بودیم ستمکاران.
۴۷. و در میان نهیم ترازوی عدل را روز قیامت، پس ستم کرده نشود بر هیچ کس هیچ شیء. و اگر باشد عمل، هم سنگ دانه سپندان، حاضر کنیم آن را و ما حساب کننده پس‌ایم.
۴۸. و هرآینه دادیم موسی و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و پندی پرهیزکاران را.
۴۹. آنان که می‌ترسند از پروردگار خویش غایبان و ایشان از قیامت ترسندگانند.
۵۰. و این قرآن پندی هست با برکت، فروفروستادیم آن را. آیا شما به آن منکرید؟
۵۱. و هرآینه دادیم ابراهیم را راه‌یابی او پیش از این و بودیم به احوال او دانا.
۵۲. چون گفت پدر خود را و قوم خود را: چیست این صورت‌ها که شما بر آن مجاورت دارید؟

۱ این کنایت است از غلبه استعجال بر آدمی؛ والله اعلم.

۲ یعنی به اسلام اسلم و غفار پیش از هجرت.

۵۳. گفتند: یافتیم پدران خود را آنها را پرستنده!
۵۴. گفت: هر آینه بودید شما و پدران شما در گمراهی ای ظاهر.
۵۵. گفتند: آیا آوردی به ما سخن راست را یا تو از بازی کنندگانی؟
۵۶. گفت: بلکه پروردگار شما، خداوند آسمان‌ها و زمین است، آنکه آفرید اینها را و من بر این سخن از گواهانم.
۵۷. و قسم به خدا! که البته بدسگالی کنم بتان شما را بعد از آنکه رو بگردانید پشت داده.
۵۸. پس ساخت آنها را ریزه ریزه مگر بت بزرگ را از ایشان. تا بود که به سوی او ایشان بازگردند.
۵۹. گفتند: که کرده است این کار به خدایان ما؟ هر آینه وی از ستمکاران است [به جماعت].
۶۰. گفتند: شنیدیم از جوانی که ذکر بتان می‌کرد (یعنی عیب می‌کرد)، گفته می‌شود او را ابراهیم.
۶۱. گفتند: بیارید او را به حضور چشم مردمان تا بود که ایشان گواهی دهند.
۶۲. گفتند: آیا تو کردی این کار به خدایان ما ای ابراهیم؟!
۶۳. گفت: بلکه کرده است آن را این بت بزرگ ایشان! پس سؤال کنید از بتان اگر سخن می‌گویند.
۶۴. پس رجوع کردند به خویشان، پس گفتند با یکدیگر هر آینه شما باید ستمکار.
۶۵. پس نگونسار شدند بر سر خویش [و این کنایت است از ملزم شدن]، هر آینه تو می‌دانی که ایشان سخن نمی‌گویند.
۶۶. گفت: آیا عبادت می‌کنید بجز خدا چیزی را که هیچ نفع نمی‌رساند به شما و زیان نکند شما را؟
۶۷. ناخوشی است به شما و به آنچه شما می‌پرستید بجز خدا. آیا نمی‌فهمید؟
۶۸. با یکدیگر گفتند: که بسوزانید او را و نصرت دهید خدایان خود را اگر کننده‌اید.<sup>۱</sup>
۶۹. گفتیم: ای آتش! سرد شو و سلامتی باش بر ابراهیم.
۷۰. و خواستند به او فریب کردن، پس ساختیم ایشان را زیانکارتی.
۷۱. و برهانیدیم ابراهیم را و لوط را به سوی زمینی که برکت نهادیم در آن عالم‌ها را.<sup>۲</sup>
۷۲. و عطا کردیم او را اسحاق و عطا کردیم او را یعقوب که نبیره ابراهیم بود و هر یکی را ساختیم نیکوکار.
۷۳. و پیشوا گردانیدیم ایشان را، راه می‌نمودند به فرمان ما و وحی فرستادیم به سوی ایشان کردن نیکویی‌ها و برپا داشتن نماز و دادن زکات و بودند ما را عبادت کنندگان.
۷۴. و لوط را دادیم حکمت و علم و برهانیدیم او را از دیهی که می‌کرد کارهای ناپاک. هر آینه ایشان بودند قوم بد گنهکار.
۷۵. و درآوردیم او را به رحمت خویش. هر آینه وی بود از شایسته‌کاران.
۷۶. و یاد کن نوح را چون ندا کرد پیش از این، پس قبول کردیم دعای او را. پس خلاص کردیم او را و کسان او را از اندوه بزرگ.
۷۷. و نصرت دادیم او را بر قومی که دروغ شمرند آیات ما را. هر آینه ایشان بودند گروهی بد، پس غرق کردیم ایشان را همه یکجا.

۱ القصة در آتش انداختند.

۲ یعنی سرزمین شام.

۷۸. و یاد کن داود و سلیمان را چون حکم کردند در باب زراعت؛ چون به وقت شب چرا کرد در آن گوسفندان گروهی و بودیم بر حکم ایشان حاضر.<sup>۱</sup>
۷۹. پس فهمانیدیم طریق فیصل کردن خصومت، سلیمان را و هر یکی را داده بودیم حکمت و دانش و مُسَخَّر گردانیدیم با داود کوه‌ها را که با او تسبیح می‌کردند و مرغان را نیز مُسَخَّر ساختیم و ما بودیم کننده.
۸۰. و بیاموختیم او را ساختن لباسی برای شما که نگاه دارد شما را از ضرر کارزار شما<sup>۲</sup> پس آیا هستید شکرکننده؟
۸۱. و مُسَخَّر ساختیم برای سلیمان باد تند وزنده، می‌رفت به فرمان وی به سوی زمین که برکت نهادیم در آن (یعنی شام) و بودیم به هر چیز دانا.
۸۲. و مُسَخَّر ساختیم از دیوان جماعتی را که غواصی می‌کردند برای وی و می‌کردند کاری غیر آن. نیز بودیم ایشان را نگاه دارنده.
۸۳. و یاد کن ایوب را چون ندا کرد به جناب پروردگار خویش به آنکه مرا رسیده است رنج و تو مهربان‌ترین مهربانانی.
۸۴. پس قبول کردیم دعای او را، پس دور ساختیم آنچه با وی بود از رنج و عطا کردیم او را فرزندان او. و مانند ایشان همراه ایشان به سبب مهربانی از نزدیک خویش و تا پندی بود عبادت کنندگان را.
۸۵. و یاد کن اسماعیل را و ادیس را و ذوالکفل را. هر یکی از صبرکنندگان بود.
۸۶. و درآوردیم ایشان را در رحمت خود. هرآینه ایشان از نیکوکاران بودند.
۸۷. و یاد کن ذوالنون را چون رفت خشم خورده،<sup>۳</sup> پس گمان کرد که تنگ نگیریم بر وی،<sup>۴</sup> پس ندا کرد در تاریکی‌ها به آنکه: هیچ معبود به حق نیست غیر تو، پاکی تورا است. هرآینه من بوم از ستمکاران.
۸۸. پس قبول کردیم دعای او را و نجات دادیمش از غم و همچنین نجات می‌دهیم مسلمانان را.
۸۹. و یاد کن زکریا را چون ندا کرد به جناب پروردگار خود: ای پروردگار من! مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی.
۹۰. پس قبول کردیم دعای او را و بخشیدیم او را یحیی و نیکو ساختیم برای او زن او را. هرآینه این پیغمبران شتابی می‌کردند در نیکی‌ها و می‌خواندند ما را به توقع و خوف و بودند برای ما نیازمند.
۹۱. و یاد کن زنی را که به عفت نگه داشت شرمگاه خود را، پس دمیدیم در آن روح خود را و ساختیم او را و پسر او را نشانه‌ای برای عالم‌ها.
۹۲. گفتیم: هرآینه این است ملت شما ملت یکتا، و من پروردگار شمایم. پس عبادت من کنید.

۱ یعنی گوسفندان قومی در زراعت قومی دیگر به وقت شب درآمدند و چرا کردند. داود، علیه‌السلام، حکم کرد به دادن گوسفندان، عوض زراعت. سلیمان حکم کرد این قوم را به اصلاح زراعت و آن قوم را به انتفاع از شیر غنم تا وقتی که زراعت به حال خود رسد. حکم سلیمان اصوب بود؛ والله اعلم.

۲ یعنی ساختن زره.

۳ یعنی بر قوم خود به غیر اذن الهی؛ والله اعلم.

۴ القصة حوت او را به حلق درکشید.

۵ یعنی اصل دین، واحد است و اختلاف، در فروع می‌باشد.

۹۳. و متفرق شدند اَمّت‌ها در کار خود<sup>۱</sup> در میان خویش. هر یک به سوی ما رجوع کنندگانند.
۹۴. پس هر که بکند از جنس کارهای شایسته و او مؤمن باشد، پس ناقبولی نبود سعی او را. و هرآینه برای او می‌نویسیم.
۹۵. و محال است بر هر دیهی که هلاک کردیم او را آنکه بازگردند (یعنی به دنیا).
۹۶. تا وقتی که گشاده شود قید یا جوج و مأجوج و ایشان از هر بلندی بشتابند.
۹۷. و نزدیک برسد وعده راست. پس ناگهان حال این است، بالا دوخته شود چشم کافران. گویند: ای بر ما! هرآینه در غفلت بودیم از این حال، بلکه بودیم ستمکار.
۹۸. هرآینه شما و آنچه می‌پرستید بجز خدا (یعنی بتان) آتش‌انگیز دوزخ باشید. شما بر وی حاضر شوید.
۹۹. اگر می‌بودند اینها خدایان، حاضر نمی‌گشتند بر دوزخ. و همه ایشان آنجا جاویدان باشند.
۱۰۰. ایشان را آنجا ناله باشد و ایشان آنجا هیچ نشنوند.
۱۰۱. هرآینه آنان که سابقاً مقرر شد برای ایشان از جانب ما نیکویی، این جماعت از دوزخ دور کرده شوند.
۱۰۲. نشنوند آواز دوزخ را و ایشان در آنچه خواهد نفس ایشان، جاویدانند.
۱۰۳. اندوهگین نسازد ایشان را آن ترس بزرگ و پیش آیند ایشان را فرشتگان. گویند: این است آن روز که شما را وعده داده می‌شد.
۱۰۴. روزی که در پیچیم آسمان را مانند پیچیدن طومار وقت نوشتن، نامه‌ها را. چنانکه آغازیدیم اول آفرینش را، دیگر باره کنیم آفرینش. وعده لازم بر ما. هرآینه ما کننده‌ایم.
۱۰۵. و هرآینه نوشتیم در زبور بعد از تورات که زمین، وارث آن شوند بندگان شایسته ما.<sup>۲</sup>
۱۰۶. هرآینه در آنچه گفته شد، کفایت است گروه عابدان را.
۱۰۷. و نفرستادیم تو را مگر از روی مهربانی بر عالم‌ها.
۱۰۸. بگو جز این نیست که وحی فرستاده می‌شود به سوی من که معبود شما خدای یکتا است. پس آیا گردن نهنده هستی؟
۱۰۹. پس اگر اعراض کنند، پس بگو: خبردار ساختم شما را بر وجهی که همه برابر باشید. و نمی‌دانم که نزدیک است یا دور است، آنچه وعده داده می‌شود.
۱۱۰. هرآینه خدا می‌داند آشکار را از سخن و می‌داند آنچه پنهان می‌کنید.
۱۱۱. و نمی‌دانم شاید تأخیر موعود، ابتلا باشد شما را و بهره‌مندی باشد تا مدتی.
۱۱۲. پیغامبر گفت: ای پروردگار من! حکم کن به راستی. و پروردگار ما بخشاینده است، از وی مدد طلب کرده می‌شود بر آنچه بیان می‌کنید.

۱ یعنی دراصل دین.

۲ یعنی در آخر زمان پیغامبری مبعوث شود و امت او بر هر زمین غالب شود؛ والله اعلم.

در مدینه نازل شده و آن هفتاد و هشت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ای مردمان! بترسید از پروردگار خویش. هر آینه زلزله که نزدیک قیامت باشد، چیزی بزرگ است.
۲. روزی که ببینید آن را، غافل شود هر شیر دهنده از طفلی که شیر می‌دهدش و بنهد هر زن باردار، بار شکم خود را! و ببینی مردمان را مست شده و نیستند مست ولیکن عذاب خدا سخت است.
۳. و از مردمان کسی هست که گفتگو می‌کند در شأنِ خدا به غیرِ دانش و پیروی می‌نماید هر شیطان متمرّد را.
۴. [که در قضای الهی] نوشته شده است بر وی که هر که دوست داری او کند، پس وی گمراه کندش و راه نمایدش به سوی عذاب آتش.
۵. ای مردمان! اگر در شکید از سستی، پس هر آینه ما آفریدیم شما را از خاک، باز از نطفه، باز از خون بسته، باز از گوشت پاره صورت داده و غیر صورت داده. می‌گوییم تا واضح سازیم برای شما. و قرار می‌دهیم در رحم‌ها چیزی را که خواهیم تا میعاد معین، باز بیرون می‌آریم شما را کودکی شده، باز تربیت می‌کنیم تا برسید به نهایت جوانی خود. و از شما کسی بود که قبض ارواح او کرده آید و از شما کسی بود که بازگردانیده شود به بدترین عمر؛ تا نداند چیزی را بعد از آنکه می‌دانست. و می‌بینی زمین را خشک شده، پس وقتی که فرو فرستادیم بر آن آب را، جنبش کند و بیفزاید و برویاند از هر قسم رونق‌دار.
۶. این همه به سبب آن است که الله همونست ثابت و آنکه وی زنده می‌کند مردگان را و آنکه وی بر همه چیز تواناست.
۷. و آنکه قیامت آمدنی است؛ نیست هیچ شبهه در آن و آنکه خدا برانگیزد آنان را که در گور باشند.
۸. و از مردمان کسی هست که گفتگو می‌کند در شأنِ خدا به غیرِ دانش و به غیرِ هدایت و به غیرِ کتاب روشن.
۹. پیچنده صفحه گردن خود را<sup>۱</sup> تا گمراه کند از راه خدا. او راست در دنیا رسوایی و بچشانیم او را روز قیامت، عذاب سوختن.
۱۰. این به سبب آن اعمال است که فرستادش دو دست تو و به سبب آن است که خدا نیست ستم کننده بر بندگان.
۱۱. و از مردمان کسی هست که عبادت می‌کند خدای را بر کناره، پس اگر برسد او را نعمتی، آرام گیرد به آن. و اگر برسد او را بلایی، برگردد بر روی خود. زیانکار شده در دنیا و آخرت، این است زیانِ ظاهر.
۱۲. به نیایش می‌خواند بجز خدا چیزی را که زیان نرساندش و سود ندهدش. این است گمراهی دور.

۱۳. می‌خواند کسی را که زبان او نزدیکتر است از سود او. هر آیینی بد خداوندی است و بدیاری است.
۱۴. هر آیینی خدا در آرد آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند در بوستان‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها. هر آیینی خدا می‌کند آنچه می‌خواهد.
۱۵. هر که پنداشته باشد که نصرت نخواهد داد خدا پیغمبر را در دنیا و آخرت، پس باید بیاویزد رسنی به جانب بالا، باز باید که خضر شود پس درنگرد آیا دوری کند این تدبیر او چیزی را که به خشم آورده.<sup>۱</sup>
۱۶. و همچنین فرورستادیم قرآن را آیات روشن و بدانید که خدا راه می‌نماید هر که را خواهد.
۱۷. هر آیینی آنان که ایمان آوردند و آنان که یهود شدند و ستاره‌پرستان و ترسایان و گبران و مشرکان، خدای تعالی فیصل خواهد کرد میان ایشان روز قیامت. هر آیینی خدا بر هر چیز مطلع است.
۱۸. آیا ندیدی که سجده می‌کنند خدای تعالی را آنان که در آسمان‌هایند و آنان که در زمینند و آفتاب و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردمان؟ و بسیار کس هستند که ثابت شده است بر ایشان عذاب. و هر که را خوار کند خدا، پس نیست او را هیچ گرامی دارنده، هر آیینی خدا می‌کند آنچه می‌خواهد.
۱۹. این دو فریق دشمنان یکدیگرند. خصومت کردند در شأن پروردگار خویش، پس آنان که کافر شدند، قطع کرده شد برای ایشان جامه‌ها از آتش، ریخته شود بالای سر ایشان آب گرم.
۲۰. گذاخته گردد به آن هر چه در شکم‌های ایشان باشد و پوست‌ها نیز.
۲۱. و برای کوفتن ایشان مهیا باشند گرزها از آهن.
۲۲. هر گاهی که خواهند که برآیند از دوزخ خلاص شوند، از اندوه بازگردانیده شوند آنجا و گفته شود: بچشید عذاب سوختن.
۲۳. هر آیینی خدا درمی‌آرد آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند در بوستان‌ها؛ می‌رود در زیر آن جوی‌ها، پیرایه پوشانیده شوند آنجا دستوانه‌ها از زر و مروارید و لباس ایشان آنجا ابریشم بُود.
۲۴. و راه نموده شد<sup>۲</sup> ایشان را به پاکیزه از سخن. و دلالت کرده شد ایشان را به راه خدای ستوده.
۲۵. هر آیینی آنان که کافر شدند و بازمی‌دارند از راه خدا و از مسجد حرام که پیدا کرده‌ایم آن را برای مردمان، یکسان آنجا متوطن و صحرانشین. و هر که خواهد آنجا کجروی کردن به ستمکاری، بچشانیم او را عذاب درد دهنده.
۲۶. و یاد کن چون معین ساختیم برای ابراهیم موضع خانه کعبه را، این سخن گفته که : شریک مقرر مکن با من هیچ چیزی را و پاک کن خانه مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان و رکوع کنندگان و سجودکنندگان.<sup>۳</sup>
۲۷. و آوازده در میان مردمان به حج، تا بیایند پیش تو پیاده و سوار بر هر شتر لاغر، بیایند این شتران لاغر از هر راه دور.

۱ یعنی اگر از این غصه بمیرد، هیچ ضرر نکند.

۲ یعنی در دنیا.

۳ یعنی برای نمازگزاران.

۲۸. تا حاضر شوند نزدیک فایده‌ها برای خویش و یاد کنند نام خدا را در روزی چند دانسته شده<sup>۱</sup> و بعد از وی بر ذبح آنچه خدای تعالی روزی داده است ایشان را از قسم چهارپایان مواشی. پس بخورید از آن و بخورانید در مانده درویش را.
۲۹. باز باید که دور کنند چرک تن خود را و به وفا رسانند نذرهای خود را و طواف نمایند به این خانه قدیم.<sup>۲</sup>
۳۰. این است حکم و هر که تعظیم کند شعایر خدا را پس این تعظیم کردن بهتر است او را نزدیک پروردگار او. و حلال کرده شد برای شما مواشی<sup>۳</sup> مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما،<sup>۴</sup> پس احتراز کنید از پلیدی بتان و احتراز کنید از سخن دروغ.<sup>۵</sup>
۳۱. حنیفی دین شده برای خدا غیر شریک مقرر کننده باوی. و هر که شریک مقرر کند با خدا، پس گویا که فروافتاد از آسمان، پس بر بایند او را مرغانِ مردار خوار یا فروافکنند او را باد به مکانی دور.<sup>۶</sup>
۳۲. این است حکم و هر که تعظیم کند شعایر خدا را، پس این تعظیم از تقوای دل‌ها است.
۳۳. شما را در آن مواشی فایده‌هاست تا میعادی معین، باز جای فرود آمدن آن به خانه قدیم است.
۳۴. و هر امتی را معین ساخته‌ایم طریق قربانی تا یاد کنند نام خدا را بر آنچه داده است ایشان را از چهارپایان مواشی. پس خدای شما خدای یکتا است، پس او را منقاد شوید و [یا محمد] بشارت ده نیایش کنندگان را.
۳۵. آنان را که چون یاد کرده شود خدا، بترسد دل ایشان و صبر کنندگان را بر آنچه برسد به ایشان و برپادارندگان نماز را و آنان را که از آنچه روزی دادیم به ایشان خرج می‌کنند.
۳۶. و شتران قربانی را ساخته‌ایم برای شما از شعایر خدا، شما را در آن نیکی است. پس یاد کنید نام خدا را بر نحر آن بر چهارپایی ایستاده، پس چون به زمین افتد پهلوی آن، بخورید از آن و بخورانید درویش بی‌سؤال را و سؤال کننده را. همچنین رام گردانیدیم چهارپایان را برای شما، بُوَد که شکر کنید.
۳۷. نمی‌رسد به خدا گوشت قربانی‌ها و نه خون اینها ولیکن می‌رسد به وی پرهیزگاری از شما. همچنین رام گردانیدیم قربانی‌ها برای شما تا به بزرگی یاد کنید خدا را به شکر آنکه راه نمود شما را. و بشارت ده نیکوکاران را.
۳۸. هر آینه خدا دفع می‌کند از مسلمانان.<sup>۷</sup> هر آینه خدا دوست نمی‌دارد هر خیانت کننده ناسپاس را.
۳۹. دستوری جهاد داده شد آنان را که کفار با ایشان جنگ می‌کنند و هر آینه خدا بر نصرت دادن ایشان تواناست.

۱ یعنی یوم نحر و ایام تشریق.

۲ یعنی کعبه؛ زیرا که اوّل بنا شد بعد از آن بیت المقدس.

۳ یعنی شتر و گاو و بز و گوسفند.

۴ یعنی میتة و خونِ مسفوح.

۵ یعنی گواهی دروغ.

۶ حاصل آن است که هلاک شد به وجهی که امید نجات نماند.

۷ یعنی ضرر اعدای ایشان را.

۴۰. دستوری جهاد داده شد آنان را که بیرون آورده شد ایشان را از خانه‌های ایشان به غیر حق؛ لیکن به سبب آنکه می‌گفتند پروردگار ما خدا است. و اگر نبودی دفع کردن خدا مردمان را بعض را به دست بعضی، ویران کرده می‌شد خلوت‌های رهبانان و عبادتخانه‌های نصاری و عبادتخانه‌های یهود و عبادتخانه‌های مسلمانان. یاد کرده می‌شود در آن مواضع نام خدا بسیار. و البته نصرت خواهد داد خدا کسی را که قصد نصرت دین وی کند. هرآینه خدا توانای غالب است.
۴۱. [نصرت خواهد داد] آنان را که اگر دسترس دهیم ایشان را در زمین، برپا دارند نماز را و بدهند زکات را و بفرمایند به کار پسندیده و منع کنند از کار ناپسندیده. و خدا راست، نهایت همه کارها.<sup>۱</sup>
۴۲. و اگر دروغ شمرند تو را، پس هرآینه دروغ شمرده بودند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود،
۴۳. و قوم ابراهیم و قوم لوط،
۴۴. و اهل مدین و دروغی شمرده شد موسی را. پس مهلت دادم این کافران را، باز گرفتار کردم ایشان را، پس چگونه بود عقوبت من.
۴۵. پس بسا دهبی که هلاک ساختیم آن را و وی ستمکار بود، پس وی افتاده است بر سقف‌های خود و بسیار چاه بیکار مانده و بسا محل بلند خراب شده.
۴۶. آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بود ایشان را دل‌ها که فهم کنند به آن یا گوش‌ها که بشنوند به آن. هرآینه حال این است که نابینا نمی‌شوند چشم‌ها ولیکن نابینا می‌شوند آن دل‌ها که در سینه‌اند.
۴۷. و زود می‌طلبند از تو عذاب را و هرگز خلاف نخواهد کرد خدا وعده خود را. و هرآینه یک روز نزدیک پروردگار تو مانند هزار سال است از آنچه می‌شمردی.<sup>۲</sup>
۴۸. و بسا دیه که مهلت دادم آن را و آن ستمکار بود، باز گرفتار کردم آن را. و به سوی من است بازگشت.
۴۹. بگو: ای مردمان! جز این نیست که من برای شما ترساننده آشکارم.
۵۰. پس آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، ایشان راست‌آمزش و روزی نیک.
۵۱. و آنان که سعی کردند در آیات ما عاجزکنان، [به زعم خود] ایشانند اهل دوزخ.
۵۲. و نفرستادیم پیش از تو هیچ فرستاده و نه هیچ صاحب وحی، الا چون آرزویی به خاطر بست، افکنند شیطان چیزی در آرزوی وی. پس دور می‌کند خدا آنچه شیطان انداخته است. باز محکم می‌کند خدا آیات خود را و خدا دانای باحکمت است.<sup>۳</sup>

۱ درین آیت دلالت است بر صحت خلافت خلفای اربعه؛ زیرا که ایشان مهاجرین اولین بودند و متمکن شدند در زمین. پس لازم آید که اقامت صلوة و ایتاء زکوة و امر به معروف و نهی از منکر از ایشان به ظهور رسد و تمکی نفی الارض چون به آن خصال جمع شود، همان است خلافت نبوت.

۲ یعنی اگر خواهد، کار هزار سال در یک روز تمام کند. پس این به سبب عجز نیست، بلکه بنا بر مصالحی که جز او کس نمی‌داند.

۳ مترجم گوید: مثلاً آن حضرت، صلی‌الله‌علیه و سلم، به خواب دیدند که هجرت کرده‌اند به زمینی که نخل بسیار دارد. پس وهم به جانب یمامه و هجر رفت و در نفس الامر مدینه بود. مثلاً آن حضرت، صلی‌الله‌علیه و سلم، به خواب دیدند که به مکه درآمده‌اند، حلق و قصر می‌کنند. پس وهم آمد که در همان سال این معنی واقع شود و در نفس‌الامر بعد از سال‌های چند متحقق شد و در امثال این صورت، امتحان مخلصان و منافقان در میان می‌آید؛ والله اعلم.



۵۳. تا بگرداند خدا آنچه شیطان افکند، بلایی در حق آنان که در دل ایشان بیماری است و آنان که سخت است دل ایشان. و هرآینه ستمکاران در مخالفت دور و درازند.
۵۴. و تا بدانند آنان که داده شده است ایشان را علم که آن وحی، راست است از جانب پروردگار تو، پس ایمان آرند به آن، پس نیایش کنند برای خدا دل ایشان. و هرآینه خدا راه نماینده است مسلمانان را به سوی راه راست.
۵۵. و همیشه باشند کافران در شبهه از آن وحی تا وقتی که بیاید به ایشان قیامت، ناگهان یا بیاید به ایشان عقوبت، روزی بی‌نهایت نحس.
۵۶. پادشاهی آن روز خدا راست؛ حکم کند میان ایشان. پس آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، در بوستان‌های نعمت باشند.
۵۷. و آنان که کافر شدند و دروغ شمردند آیات ما را، پس آن جماعت ایشان را باشد عذاب خوار کننده.
۵۸. و آنان که هجرت کردند در راه خدا، پس کشته شدند یا بمرزند، هرآینه روزی دهد ایشان را خدا روزی نیک.<sup>۱</sup> و هرآینه خدا، وی بهترین روزی دهندگان است.
۵۹. البته درآرد ایشان را<sup>۲</sup> به موضعی که خوشنود شوند از آن و هرآینه خدا دانای بردبار است.
۶۰. حکم این است. و هر که در پی ایذای کسی افتاد به مانند آنکه ایذا داده شد او را، بعد از آن تعدی کرده شد بر وی، هرآینه نصرت خواهد داد او را خدا. هرآینه خدا بخشاینده آمرزگار است.
۶۱. این نصرت به سبب آن است که خدا درمی‌آرد شب را در روز و درمی‌آرد روز را در شب و به سبب آن است که خدا شنوای بیناست.
۶۲. این نصرت به سبب آن است که خدا، همونست ثابت و آنچه می‌خوانند کافران بجز وی، هموست باطل. و به سبب آن است که خدا همونست بلندمرتبه بزرگ قدر.
۶۳. آیا ندیدی که خدا فرود آورد از آسمان آب را، پس زمین سرسبز شود. هرآینه خدا لطف کننده داناست.
۶۴. او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است. و هرآینه خدا همونست بی‌نیاز ستوده‌کار.
۶۵. آیا ندیدی که خدا مسخر کرد برای شما آنچه در زمین است و مسخر ساخت کشتی‌ها، می‌رود در دریا به فرمان او. و نگاه می‌دارد آسمان را از آنکه بیفتد بر زمین، مگر به دستوری وی. هرآینه خدا در حق مردمان، بخشاینده مهربان است.
۶۶. و اوست آنکه زنده کرد شما را، باز بمیراند شما را، باز زنده کند شما را. هرآینه آدمی ناسپاس است.
۶۷. برای هر گروهی معین کرده‌ایم شریعتی را که ایشان عمل کننده‌اند بر آن، پس باید که نزاع نکنند با تو در این کار و بخوان به سوی پروردگار خویش. هر آینه تو بر راه راستی.
۶۸. و اگر مکابره نمایند با تو، بگو خدا داناتر است به آنچه می‌کنید.
۶۹. خدا حکم خواهد کرد میان شما روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف می‌کنید.<sup>۲</sup>

۱ یعنی در بهشت.

۲ مترجم گوید: درین آیت اشاره است به آنکه اختلاف شرائع به سبب اختلاف عصور است و همه شرائع، حق است و در زمان خود معمول به است؛ پس نزاع در حقیقت به آنها نباید کرد.

۷۰. آیا ندانستی که خدا می‌داند هر چه در آسمان و زمین است؟ هر آینه این همه ثبت است در کتابی. این همه بر خدا آسان است.
۷۱. و عبادت می‌کنند بجز خدا چیزی را که فروفرستاده است خدا حجتی بر آن و چیزی که نیست ایشان را بر ثبوت آن دانش. و نیست ستمکاران را هیچ یاری‌دهنده.
۷۲. و چون خوانده می‌شود بر ایشان آیات ما واضح آمده، می‌شناسی در روی این کافران ناخوشی. نزدیک می‌شوند از آنکه حمله کنند بر آنان که می‌خوانند بر ایشان آیات ما. بگو آیا خبر دهم شما را به ناخوشتر از این؟ آن دوزخ است. وعده داده است خدا آن را به کافران و وی بدجایی است.
۷۳. ای مردمان! پدیدآورده شد داستانی پس بشنوید آن را. هر آینه آنان که می‌خوانید بجز خدا، آفریدن نتوانند مگسی را؛ اگر چه جمع شوند برای آن. و اگر برباید از ایشان مگس، چیزی، خلاص نتوانند کرد آن را از مگس. ناتوان شد طالب و مطلوب.<sup>۱</sup>
۷۴. تعظیم نکردند خدا را حق تعظیم او. هر آینه خدا توانای غالب است.
۷۵. خدا برمی‌گزیند فرستاده‌ها از فرشتگان و از مردمان. هر آینه خدا شنوای بینا است.
۷۶. می‌داند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و به سوی خدا بازگردانیده می‌شوند کارها.
۷۷. ای مسلمانان! رکوع کنید و سجده بجا آرید و عبادت نمایید پروردگار خود را و بکنید کار نیکو، امید است که رستگار شوید.
۷۸. و جهاد کنید در راه خدا حق جهادی که برای خدا باشد. وی برگزید شما را و نساخت بر شما در دین، هیچ تنگی. مشروع کرد دین پدر شما ابراهیم. خدا نام نهاد شما را مسلمانان پیش از این<sup>۲</sup> و در قرآن نیز. تا باشد پیغامبر گواه بر شما و باشید شما گواه بر مردمان، پس برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و چنگ زنید به خدا؛ اوست خداوند شما؛ پس نیکو خداوند است و نیکو مددکار است.

### ۲۳. سوره مؤمنون

در مکه نازل شده و آن یکصد و هجده آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. هر آینه رستگار شدند مسلمانان.
  ۲. آنان که ایشان در نماز خویش نیایش کنندگانند.
  ۳. و آنان که ایشان از بیهوده روگردانند.
  ۴. و آنان که ایشان زکات را ادا کنندگانند.
  ۵. و آنان که ایشان شرمگاه خود را نگاه دارندگانند.
  ۶. مگر بر زنان خویش یا بر کنیزکانی که ملک دست ایشان است؛ پس هر آینه اینان نکوهیده نیستند.

۱ یعنی عابد و معبود.

۲ یعنی در کتب سابقه.

۷. پس هر که طلب کند سوای این، آن جماعت از حد گذرندگانند.
۸. و آنان که ایشان امانت‌های خود را و عهد خود را رعایت کنندگانند.
۹. و آنان که ایشان بر نمازهای خود محافظت کنندگانند.
۱۰. این جماعت، ایشانند آن وارثان.
۱۱. که عاقبت کار به دست آرند بهشت را. ایشان آنجا جاوید باشندگانند.
۱۲. و هرآینه آفریدیم آدمی را از خلاصه گل.
۱۳. باز ساختیم آدمی را نطفه در قرارگاه استوار.
۱۴. باز ساختیم آن نطفه را خون بسته، باز ساختیم آن خون بسته را گوشت پاره، پس ساختیم آن گوشت پاره را استخوان‌هایی چند، پس پوشانیدیم بر آن استخوان‌ها گوشت را، باز آفریدیم او را آفرینشی دیگر.<sup>۱</sup> پس بزرگ است خدا نیکوترین نگارندگان.
۱۵. باز هرآینه شما بعد از این مرده شوید.
۱۶. باز هرآینه شما روز قیامت برانگیخته گردید.
۱۷. و هرآینه آفریدیم بالای شما هفت آسمان و نبودیم ما از آفرینش، بی‌خبر.
۱۸. و فرو فرستادیم از آسمان آب را به اندازه؛ پس جا دادیم او را در زمین و هرآینه ما بر دور کردن آن تواناییم.
۱۹. پس بیافریدیم برای شما به آن آب، بوستان‌ها از درختان خرما و انگور. شما را در آن بوستان‌ها میوه‌های بسیار پیدا شود و بعض آن را می‌خورید.<sup>۲</sup>
۲۰. و آفریدیم درختی که بیرون می‌آید از طور سینا (یعنی درخت زیتون) می‌روید به وجهی که حاصل شود روغن و نان خورش، طعام خوردگان را.
۲۱. و هرآینه شما را در چهارپایان، پندی هست؛ می‌نوشانیم شما را از آنچه در شکم ایشان است و شما را در آن چهارپایان منفعت‌های بسیار است و بعض اینها را می‌خورید.
۲۲. و بر چهارپایان و بر کشتی‌ها سوار کرده می‌شوید.
۲۳. و هرآینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، پس گفت: ای قوم من! عبادت خدا کنید، نیست شما را هیچ معبودی غیر وی. آیا نمی‌ترسید؟
۲۴. پس گفتند کسانی که کافر بودند از قوم او: نیست این شخص مگر آدمی مانند شما، می‌خواهد که ریاست پیدا کند بر شما. و اگر خواستی خدا، هرآینه فرستادی فرشتگان را. نشنیدیم این ماجرا را در پدران نخستین خویش.
۲۵. نیست این شخص مگر مردی که به وی عارضه دیوانگی است، پس انتظار وی کنید تا مدتی.
۲۶. گفت: ای پروردگار من! نصرت ده مرا به سبب آنکه دروغی شمردند مرا.
۲۷. پس وحی فرستادیم به سوی وی که بساز کشتی به حضور ما و به فرمان ما، پس چون آید فرمان ما و جوش زند تنور [غضب]، پس درآر در کشتی از هر جنسی دو عدد نر و ماده را و درآر کسان خود را مگر آنکه از ایشان سبقت کرده است بر وی گفته حق. و سخن مگو با من در باب آنان که ستم کردند، هرآینه ایشان غرق کردگانند.
۲۸. پس چون راست بنشینى تو و هر که با تو باشد بر کشتی، پس بگو: همه ستایش، خدای راست؛ آن که نجات داد ما را از گروه ستمکاران.

۱ یعنی نفخ روح و رویدن ناخن و موی.

۲ یعنی به طریق قوت.

۲۹. و بگو: ای پروردگار من! فرود آر مرا در منزل مبارک و تو بهترین فرود آرنده گانی.
۳۰. هرآینه در این ماجرا نشانه هاست و هرآینه ما بودیم امتحان کنندگان.
۳۱. باز بیافریدیم بعد ایشان قرنی دیگر را.
۳۲. پس فرستادیم میان ایشان پیغامبری را از [قبیله] ایشان که عبادت خدا کنید، نیست شما را هیچ معبود بجز وی. آیا نمی ترسید؟
۳۳. و گفتند رئیسان از قوم وی، آنان که کافر شدند و دروغ شمرند ملاقات سرای بازپسین را و آسودگی داده بودیم ایشان را در زندگانی دنیا، نیست این شخص مگر آدمی مانند شما؛ می خورد از آنچه شما از آن می خورید و می آشامد از آنچه شما می آشامید.
۳۴. و اگر فرمانبرداری کردید آدمی مانند خویش را، هرآینه شما آنگاه زیانکار باشید.
۳۵. آیا وعده می دهد شما را که چون بمیرید و شوید خاکی و استخوان چند، بیرون آورده خواهید شد؟!
۳۶. بعید است! بعید است! آنچه وعده داده می شود شما را.
۳۷. نیست زندگانی، الا زندگانی این جهان، ما می میریم و زنده می شویم و نیستیم برانگیخته شده.
۳۸. نیست این شخص، مگر مردی که افترا کرده بر خدا دروغ را و ما نیستیم او را تصدیق کننده.
۳۹. گفت: ای پروردگار من! نصرت ده مرا به مقابله آنکه دروغ شمرند مرا.
۴۰. گفت بعد اندک زمانی پشیمان خواهند شد.
۴۱. پس گرفت ایشان را آواز سخت به حسب وعده راست، پس گردانیدیم ایشان را مثل خاشاک درهم شکسته، پس دوری باد گروه ستمکاران را.
۴۲. باز پیدا کردیم بعد از ایشان قرن های دیگر را.
۴۳. سبقت نمی کند هیچ گروهی از میعاد خود و نه بازپس می مانند.
۴۴. باز فرستادیم پیغامبران خود را پی درپی. هرگاه آمد به امتی پیغامبر او، به دروغ نسبت کردند او را، پس از پی درآوردیم بعض را عقب بعضی (یعنی در هلاک) و ساختیم امت ها را افسانه، پس دوری باد گروهی را که ایمان نمی آرند.
۴۵. باز فرستادیم موسی و برادر او، هارون را با نشانه های خویش و با دلیل ظاهر.
۴۶. به سوی فرعون و جماعت او؛ پس سرکشی کردند و بودند گروه تکبر کننده.
۴۷. پس گفتند: آیا ایمان آریم به دو آدمی مانند خویش و قوم ایشان ما را خدمت کنندگانند؟!
۴۸. پس دروغ گفتند ایشان را، پس شدند از هلاک کردگان.
۴۹. و هرآینه دادیم موسی را کتابی، بُود که ایشان راه یابند.
۵۰. و ساختیم پسر مریم را و مادرش را نشانه ای و جا دادیم ایشان را به زمینی بلند؛ خداوند استقرار و خداوند آب روان.
۵۱. [گفتیم:] ای پیغامبران! بخورید از اطعمه پاکیزه و بکنید کار نیکو. هرآینه من به آنچه می کنید دانایم.
۵۲. و هرآینه این است ملت شما، ملت یکتا و من پروردگار شمایم، پس بترسید از من.
۵۳. پس متفرق ساختند ائمان کار خود را در میان خویش، پاره پاره. هر گروهی به آنچه نزدیک اوست، شادمان است.

۵۴. پس بگذاریم ایشان را در غفلت ایشان تا مدتی.
۵۵. آیا می‌پندارند که آنچه امداد می‌کنیم ایشان را به آن از مال و فرزندان، سعی در نیکویی‌ها می‌کنیم برای ایشان؟ بلکه نمی‌دانند.<sup>۱</sup>
۵۷. هرآیینۀ آنان که ایشان از ترس پروردگار خویش مضطربانند.
۵۸. و آنان که ایشان به آیات پروردگار خویش ایمان می‌آرند.
۵۹. و آنان که ایشان به پروردگار خویش شریک مقرر نمی‌کنند.
۶۰. و آنان که می‌دهند آنچه می‌دهند و دل ایشان ترسان است به سبب آنکه ایشان به سوی پروردگار خویش بازخواهند گشت.
۶۱. این جماعت سعی می‌کنند در نیکی‌ها و ایشان به سوی آن سبقت کنندگانند.
۶۲. و تکلیف نمی‌دهیم هیچ کس را مگر به قدر طاقت او و نزدیک ما کتابی است که سخن می‌گوید به راستی<sup>۲</sup> و بر ایشان ستم کرده نمی‌شود.
۶۳. بلکه دل ایشان در غفلت است از این سخن و ایشان را عمل‌هاست غیر<sup>۳</sup> این که ایشان آن را کننداند. [در غفلت خویش ماندند].
۶۴. تا وقتی که گرفتار ساختیم آسودگان ایشان را به عذاب، ناگهان ایشان فریاد می‌کردند.
۶۵. گفتیم: فریاد مکنید امروز! هرآیینۀ شما از ما نصرت داده نخواهید شد.
۶۶. هرآیینۀ خوانده می‌شد آیات ما بر شما، پس شما بر پاشنه‌های خود بازمی‌گشتید.
۶۷. تکبرکنان بر آن قرآن به افسانه مشغول شده، ترک می‌کردید.
۶۸. آیا تأمل نکردند در این سخن یا آمده است به ایشان آنچه نیامده بود به پدران نخستین ایشان؟
۶۹. آیا نشناختند پیغامبر خود را؟ پس ایشان به او ناآشنایند.
۷۰. آیا می‌گویند به وی دیوانگی است؟ بلکه آورده است پیش ایشان سخن راست را و بیشتر ایشان سخن راست را ناخواهانند.
۷۱. و اگر پیروی کردی خدای تعالی آرزوهای ایشان را، هرآیینۀ بی‌انظام شدنندی آسمان‌ها و زمین و هر که در میان ایشان است. بلکه آوردیم بدیشان پند ایشان را؛ پس ایشان از پند خویش روی‌گردانندگانند.
۷۲. آیا می‌خواهی از ایشان مزدی؟ پس مزد پروردگار تو بهتر است و او بهترین روزی دهندگان است.
۷۳. و هرآیینۀ تو می‌خوانی ایشان را به سوی راه راست.
۷۴. و هرآیینۀ آنان که ایمان نمی‌آرند به آخرت، از آن راه یکسو شوندگانند.
۷۵. و اگر رحم می‌کردیم بر ایشان و برمی‌داشتیم آنچه به ایشان است از سختی، هرآیینۀ پیوسته می‌شدند در بی‌راهی خود سرگشته شده.
۷۶. و هرآیینۀ گرفتار کردیم ایشان را به عذاب، پس نیایش نکردند پروردگار خود را و زاری نمودند.
۷۷. [در غفلت خویش ماندند] تا وقتی که بگشادیم بر ایشان دری خداوند عذاب سخت، ناگهان ایشان در آنجا امید برندگانند.
۷۸. و اوست آن که بیافرید برای شما شنوایی و دیده‌ها و دل‌ها. اندکی شکرگزاری می‌کنید.
۷۹. و اوست آن که پیدا کرد شما را در زمین و به سوی او برانگیخته خواهید شد.

۱ یعنی نعمت نیست، بلکه استدرج است.

۲ یعنی نامه اعمال.

۳ یعنی غیر انکار قرآن.

- ۸۰ و اوست آن که زنده می‌کند و می‌میراند و او راست آمدو شد شب و روز. آیا نمی‌فهمید؟
- ۸۱ بلکه گفتند: مانند آنچه گفته بودند نخستینان.
- ۸۲ گفتند آیا چون بمیریم و شویم خاکی و استخوانی چند، آیا ما برانگیخته خواهیم شد؟
- ۸۳ هر آینه وعده داده شد به این سخن ما را و پدران ما را پیش از این. نیست این مگر افسانه‌های پیشینان.
- ۸۴ بگو که راست زمین و آنچه در آن است، اگر می‌دانید؟
- ۸۵ خواهند گفت: این همه خدای راست. بگو آیا پندپذیر نمی‌شوید؟
- ۸۶ بگو: کیست پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ؟
- ۸۷ خواهند گفت: این همه خدای راست. بگو آیا نمی‌ترسید؟
- ۸۸ بگو کیست آن که به دست اوست پادشاهی هر چیز و او زنهار می‌دهد و زنهار داده نمی‌شود برخلاف او؟ بگویید اگر می‌دانید.
- ۸۹ خواهند گفت: این همه خدای راست. بگو پس از کجا فریب داده می‌شوید؟
- ۹۰ بلکه آورده‌ایم به ایشان سخن راست را و هر آینه ایشان دروغگویند.
- ۹۱ هیچ فرزند نگرفته است خدا و نیست همراه او هیچ خدای دیگر، آنگاه بردی هر خدائی چیزی که آفریده بود و هر آینه غالب آمدی بعضی ایشان بر بعضی. به پاکی صفت می‌کنم خدای را از آنچه تقریر می‌کنند.
- ۹۲ داننده نهان و آشکار است، برتر است از آنچه شریک می‌آرند.
- ۹۳ بگو: پس ای پروردگار من! اگر بنمایی مرا آنچه ترسانیده می‌شوند.
- ۹۴ ای پروردگار من! داخل مکن مرا در گروه ستمکاران.
- ۹۵ و هر آینه ما برآنکه بنماییم تو را آنچه وعده می‌دهیم به ایشان، تواناییم.
- ۹۶ و مقابله کن بدی را به خصلتی که آن نیک است. ما داناتریم به آنچه بیان می‌کنند.
- ۹۷ و بگو [یا محمد]: ای پروردگار من! می‌پناهم به تو از دغدغه‌های شیاطین.
- ۹۸ و می‌پناهم به تو ای پروردگار من! از آنکه حاضر شوند پیش من.
- ۹۹ در غفلت خویش باشند تا وقتی که بیاید کسی را از ایشان موت. گوید: ای پروردگار من! بازگردان مرا.
- ۱۰۰ بُود که کار نیکو کنم در سرایی که بگذاشتمش؛ نه چنین باشد! هر آینه این سخنی است که وی گوینده آن است و پیش ایشان حجابی باشد تا روزی که برانگیخته شوند.
- ۱۰۱ پس چون دمیده شود در صور، پس قرابت‌ها نباشد میان ایشان آن روز و نه با یکدیگر جواب سؤال کنند.
- ۱۰۲ پس هر که گران آید پل‌های ترازوی او، پس آن جماعت ایشانند رستگاران.
- ۱۰۳ و هر که سبک شد پل‌های ترازوی او، پس آن جماعت آنانند که زیان کردند در حق خویش، در دوزخ جاوید باشندگانند.
- ۱۰۴ می‌سوزد روی ایشان را آتش و ایشان آنجا رو ترش هستند.
- ۱۰۵ [گویم] آیا خوانده نمی‌شد آیات من بر شما، پس آن را دروغ می‌پنداشتید؟
- ۱۰۶ گفتند: ای پروردگار ما! غالب آمد بر ما بدبختی ما و بودیم گروهی گمراه.
- ۱۰۷ ای پروردگار ما! بیرون آر ما را از اینجا. پس اگر عود کنیم به کفر، پس هر آینه ما ستمکار باشیم.
- ۱۰۸ [خدا] فرماید: به رسوایی در شوید در اینجا و سخن مگویید با من.

۱۰۹. هر آینه بود گروهی از بندگان من می گفتند: ای پروردگار ما! ایمان آوردیم پس بیا مرز ما را و ببخشای بر ما و تو بهترین بخشاینده گانی.
۱۱۰. پس مسخره گرفتید ایشان را تا حدی که فراموش گردانیدند یاد مرا از دل شما و شما بر ایشان می خندیدید.
۱۱۱. هر آینه من جزا دادم ایشان را امروز به مقابله صبر ایشان به آنکه ایشانند به مراد رسندگان.
۱۱۲. گوید خدا: چند مدت درنگ کردید در زمین به حساب شمار سالها؟
۱۱۳. گفتند: درنگ کردیم یک روز یا بعض روز، پس بپرس از شمارکنندگان.
۱۱۴. گفت خدا: توقف نکردید مگر اندکی. کاش شما می دانستید.
۱۱۵. آیا پنداشتید که آفریدیم شما را بیهوده و آنکه شما به سوی ما گردانیده نشوید؟
۱۱۶. پس برتر است خدا پادشاه ثابت. نیست هیچ معبود غیر او، پروردگار عرش گرامی قدر.
۱۱۷. و هر که بخواند با خدا معبود دیگر را، هیچ حجتی نیست پرستنده را بر ثبوت آن معبود. پس جز این نیست که حساب او نزدیک پروردگار اوست، هر آینه رستگار نمی شوند کافران.
۱۱۸. و بگو: ای پروردگار من! بیا مرز و ببخشای و تو بهترین بخشاینده گانی.

### ۲۴. سوره نور

در مدینه نازل شده و آن شصت و چهار آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. این سورتی است که فرو فرستادیم آن را و فرض ساختیم آن را و فرود آوردیم در آن آیات روشن، بود که شما پند گیرید.
۲. زن زنا کننده و مرد زنا کننده، پس بزنی هر یکی را از ایشان صد ذره و باید که درنگیرد شما را شفقت بر ایشان در جاری کردن شرع خدا، اگر ایمان آورده اید به خدا و روز آخر و باید که حاضر شوند به عقوبت ایشان جماعتی از مسلمانان.
۳. مرد زنا کننده نکاح نمی کند مگر با زن زنا کننده یا شرک آورنده و زن زنا کننده به زنی نمی گیرد آن را مگر مرد زنا کننده یا شرک آورنده. و حرام ساخته شد این [نکاح زانیه] بر مسلمانان.<sup>۱</sup>
۴. و آنان که دشنام می دهند زنان پرهیزگار را، باز نیاوردند چهار گواه، بزنی ایشان را هشتاد ذره و قبول مکنید گواهی ایشان را هیچ گاه. و این جماعت ایشانند فاسق.
۵. مگر آنان که توبه کردند بعد از این و به صلاح آوردند کار خود را، پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است.

۱ مترجم گوید: ازین آیت معلوم شد که زانیه مفره به زنا را نکاح توان کرد و همین است مذهب احمد و تاویل آیت نزد ابی حنیفه و شافعی آن است که حرام کرده شد شرک و زنا بر مسلمانان. یا گویند خاص است به قومی یا گویند منسوخ است.

۶. و آنان که دشنام می دهند زنان خود را و نباشد ایشان را گواهان مگر نفس خویشان پس مخلص، گواهی یکی از ایشان است چهار بار شهادت به خدا، هرآینه وی از راستگویان است.
۷. و گواهی پنجم به این صفت که لعنت خدا بر او باد، اگر از دروغگویان باشد.
۸. و بازمی گرداند از آن زن عقوبت را آنکه گواهی دهد چهاربار به خدا، هرآینه این شوهر از دروغگویان است.
۹. و گواهی دهد پنجم بار به این صفت که خشم خدا باد بر این زن اگر شوهر از راستگویان باشد.
۱۰. و اگر نمی بود فضل خدا بر شما و رحمت او و آنکه خدا توبه پذیرنده باحکمت است [چه چیزها که نمی شد].<sup>۱</sup>
۱۱. هرآینه آنان که آوردند تهمت را جماعتی اند از شما. میندازید این تهمت را بد در حق خویش، بلکه آن بهتر است برای شما. هر کسی را از ایشان چیزی است که حاصل کرد از معصیت و آنکه سرانجام داد عمده آن تهمت را از ایشان، او راست عذاب بزرگ.<sup>۲</sup>
۱۲. چرا نشد که چون شنیدید آن را گمان می کردند مردان مسلمان و زنان مسلمان در حق خویش نیکی را و می گفتند: این افترای ظاهر است.
۱۳. چرا نیاوردند بر این سخن چهارگواه، پس چون نیاوردند گواهان را، پس آن جماعت نزدیک خدا ایشانند دروغگو.
۱۴. و اگر نمی بود فضل خدا بر شما و رحمت او در دنیا و آخرت، هرآینه می رسید به شما در این مقدمه که گفت و شنید می کردید در آن، عذاب بزرگ.
۱۵. چون فرامی گرفتید آن را به زبان های خویش و می گفتید به دهان خویش سخنی که نبود شما را به حقیقت آن دانش و می پنداشتید آن را آسان و او نزدیک خدا بزرگ بود.<sup>۳</sup>
۱۶. و چرا نشد که چون شنیدید آن را می گفتید: نمی رسد ما را که به زبان آریم این سخن را. به پاکی یاد می کنیم تو را خدایا، این سخن افترا بی بزرگ است.
۱۷. پند می دهد شما را خدا تا باز به عمل نیارید مانند این هرگز، اگر مسلمان هستید.
۱۸. و بیان می کند خدا برای شما آیات را. و خدا دانای باحکمت است.
۱۹. هرآینه آنان که دوست می دارند آنکه فاش شود تهمت بدکاری در مسلمانان، ایشان راست عقوبت درد دهنده در دنیا و آخرت. و خدا می داند و شما نمی دانید.
۲۰. و اگر نبودی فضل خدا بر شما و رحمت او و آنکه خدا بخشاینده مهربان است [چه چیزها که نمی شد].
۲۱. ای مسلمانان! از پی مروید گام های شیطان را. و هر که پیروی گام های شیطان کند، پس هرآینه وی می فرماید به بی حیایی و کار ناپسندیده. و اگر نبودی فضل خدا بر شما و رحمت او، پاک نشدی از شما هیچ کس هرگز ولیکن خدا پاک می سازد هر که را خواهد و خدا شنوای داناست.

۱ مترجم گوید: در غزوه بنی مصطلق حضرت عائشه متهم شده و منافقان در اشاعت بدنامی سعی کردند، جماعتی اظهار برائت نمودند و جماعتی توقف نمودند. خدای تعالی برائت صدیق نازل ساخت و ذم منافقان و مدح برائت کنندگان و تهدید توقف کنندگان فرمود.

۲ یعنی عبدالله بن ابی منافق.

۳ یعنی جمعی که می گفتند فلان و فلان چنین می گویند و ما ندیده ایم و تحقیق نمی دانیم.



۲۲. و باید که سوگند نخورند خداوندان بزرگی و وسعت از شما بر آنکه چیزی ندهند خویشاوندان را و بینوایان را و خانمان ترک کنندگان را در راه «خدا». و باید که عفو کنند و درگذرند. آیا دوست نمی‌دارید که بیامرزد خدا شما را؟ و خدا آمرزنده مهربان است.<sup>۱</sup>
۲۳. هرآینه آنان که دشنام می‌دهند از بدکاری، زنان پاکدامنان را، بی‌خبران را، ایمان آرندگان را، لعنت کرده شدند در دنیا و آخرت و ایشان راست عذاب بزرگ.
۲۴. روزی که گواهی دهند بر ایشان زبان‌های ایشان و دست‌های ایشان و پای‌های ایشان به آنچه می‌کردند.
۲۵. آن روز به تمام رساند به ایشان خدای تعالی جزایی به انصاف ایشان را و بدانند که خدا همون است ثابت ظاهر.
۲۶. زنان ناپاک لایق‌اند به مردان ناپاک و مردان ناپاک لایق‌اند به زنان ناپاک. و زنان پاک لایق‌اند به مردان پاک و مردان پاک لایق‌اند به زنان پاک. این جماعت بری‌اند از آنچه مردم می‌گویند. ایشان راست آموزش و روزی نیکو.
۲۷. ای مسلمانان! درمیابید به خانه‌ها غیرخانه‌های خویش تا آنکه دستوری طلبید و سلام کنید بر اهل آن، این بهتر است شما را، بُود که پندپذیر شوید.
۲۸. پس اگر نیابید در آنجا هیچ کس را، درمیابید آنجا تا آنکه دستوری داده شود شما را و اگر به شما گفته شود که بازگردید، پس باید که بازگردید؛ آن پاکتر است شما را.<sup>۲</sup> و خدا به آنچه می‌کنید دانا است.
۲۹. نیست بر شما گناهی در آنکه درآید به خانه‌هایی که مسکن کسی نیست، در آنجا منفعتی باشد شما را. و خدا می‌داند آنچه آشکارا می‌کنید و پوشیده می‌دارید.
۳۰. بگو به مردان مسلمانان که: بپوشند چشم خود را و نگاه دارند شرمگاه‌های خود را، این پاکیزه‌تر است ایشان را. هرآینه خدا خبردار است به آنچه می‌کنند.
۳۱. و بگو زنان مسلمانان را که: بپوشند چشم خود را و نگاه دارند شرمگاه خود را و آشکارا نکنند آرایش خود را،<sup>۳</sup> الا آنچه ظاهر است از آن مواضع و باید که فروگذارند دامن‌های خود را بر گریبان‌های خود و ننمایند آرایش خود را الا به شوهران خویش یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا برادران شوهران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان خویش یا آنچه مالک او شده است دست ایشان (یعنی غلامان) یا طفیلیانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا طفلان که هنوز مطلع نشده‌اند بر شرمگاه زنان. و نزنند زمین را به پای خویش تا دانسته شود آنچه پنهان می‌کردند از زیور خویش. و رجوع کنید به سوی خدا همه یکجا ای مسلمانان بود! که رستگار شوید.<sup>۴</sup>

۱ درین تعریض است به ابوبکر صدیق چون قسم خورده بود که مسطح را هیچ ندهد و وی یکی از دشنام‌دهندگان بود.

۲ یعنی رباط وقف.

۳ یعنی مواضع زیور.

۴ حاصل این آیت آن است که از مواضع زینت، دو قسم است: آنچه در ستر آن حرج است و آن وجه و کفین بود و آنچه در ستر آن حرج نیست؛ مانند: سر و گردن و عضد و زراع و ساق. پس ستر وجه و کفین از اجنبیان فرض نیست، بلکه سنت است و ستر غیر آن از اجنبیان فرض است، نه از محارم؛ والله اعلم.

۳۲. و به نکاح دهید زنان بی شوهر را از قوم خویش و شایستگان را از بندگان خویش و کنیزکان خویش؛ اگر درویش باشند توانگر کند ایشان را خدا از فضل خود و خدا بسیار دهنده داناست.
۳۳. و باید که بر پاکدامنی مقید باشند آنان که نمی‌یابند اسباب نکاح، تا آنکه توانگر کند ایشان را خدا از فضل خویش. و آنان که می‌طلبند مکاتب<sup>۱</sup> را از بندگان که مالک آن شده است دست شما، پس مکاتب کنید آنها را اگر بدانید در ایشان شایستگی. و بدهید مکاتبان را از مال خدا که به شما ارزانی داشته است و جبر نکنید کنیزکان خود را بر زنا اگر ایشان پرهیزگاری خواهند، تا به دست آرید متاع زندگانی دنیا و هر که جبر کند ایشان را، پس هر آینه خدا آن کنیزکان را بعد جبر کردن بر ایشان، آمرزنده مهربان است.
۳۴. و هر آینه فرود آوردیم به سوی شما آیت‌های روشن را و فرود آوردیم داستانی از حال آنان که گذشتند پیش از شما و پندی برای پرهیزکاران.
۳۵. خدا نور آسمان‌ها است و زمین. داستان نور وی در قلب مسلمانان این است مانند طاقی که در آن چراغ است.<sup>۲</sup> آن چراغ در شیشه است<sup>۳</sup> (یعنی در قندیل است) آن شیشه گویا ستاره‌های درخشانده است؛ فروخته می‌شود از روغن درختی با برکت که عبارت از درخت زیتون است؛ نه به سمت مشرق روید و نه به جانب مغرب روید، نزدیک است که زیت وی روشنی بدهد، اگرچه نرسیده باشدش آتشی. روشنی بر روشنی است. راه می‌نماید خدا به نور خدا هر که را خواهد و بیان می‌فرماید خدا داستان‌ها برای مردمان. و خدا بر هر چیز دانا است.<sup>۴</sup>
۳۶. در خانه‌هایی که دستوری داده است خدا که بلند کرده شود آن را و یاد کرده شود آنجا نام او، به پاکی یاد می‌کنند خدا را آنجا صبح و شام.
۳۷. مردانی که باز ندارد ایشان را سوداگری و نه خرید و فروخت از یاد کردن خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات، می‌ترسند از آن روز که مضطرب شوند در آن دلها و دیده‌ها.
۳۸. تا جزا دهد ایشان را خدا به عوض بهترین آنچه کردند و زیاده دهد ایشان را از فضل خویش. و خدا روزی می‌دهد هر که را خواهد به غیر شمار (یعنی بسیار).
۳۹. و آنان که کافر شدند، اعمال ایشان مانند سرابی است به میدانهای هموار، می‌پندارندش تشنه، آبی؛ تا وقتی که بیاید نزدیک آن نیابندش چیزی و یافت خدا را نزدیک آن، پس تمام رسانید به وی حساب وی را. و خدا زود کننده حساب است.
۴۰. یا مانند تاریکی‌ها در دریایی عمیق. می‌پوشد این کافر را موجی از بالای آن موجی دیگر، از بالای آن ابر بود، تاریکی هاست بعضی آن بالای بعضی دیگر. چون بیرون آرد دست خود، نزدیک نیست که ببیندش و هر که نداد او را خدا روشنی، پس نیست او را هیچ روشنی‌ای.
۴۱. آیا ندیدی که خدا، به پاکی یاد می‌کنندش هر که در آسمانها و زمین است و مرغان بال گشاده؟ هر یکی دانسته است خدا دعای او را و تسبیح او را و خدا دانا است به آنچه می‌کنند.

۱ یعنی قتیله روشن است.

۲ یعنی در قندیل است.

۳ حاصل این مثل، تشبیه نوری است که به سبب مواظبت بر طهارت و عبادت در دل مسلمانان حاصل می‌شود به نور چراغ که در غایت درخشندگی باشد و به جهت اشعار به آن مواظبت می‌فرماید.

۴۲. و خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین و به سوی خداست بازگشت.
۴۳. آیا ندیدی که خدا روان می‌کند ابر را، باز جمع می‌نماید میان آن، باز می‌سازدش تو بر تو، پس می‌بینی قطره را که بیرون می‌آید از میان آن و فرود می‌آرد از جانب بالا از کوهها که آنجا است ژاله، پس می‌رساندش به هر که خواهد و باز می‌دardش از هر که می‌خواهد. نزدیک است درخشندگی برقی که در آن ابر بوده است، دور کند چشمها را.
۴۴. می‌گرداند خدا شب و روز را، هرآینه در این مقدمه پندی هست خداوندان چشم را.
۴۵. و خدا آفرید هر جانوری را از آب، پس از اینهاست آنکه می‌رود بر شکم خود و از اینهاست که می‌رود بر دو پای و از اینهاست که می‌رود بر چهارپای. می‌آفریند خدا هر چه خواهد، هرآینه خدا بر هر چیز تواناست.
۴۶. هرآینه فرود آوردیم آیات روشن را و خدا دلالت می‌کند هر که را خواهد به سوی راه راست.
۴۷. و می‌گویند منافقان: ایمان آوردیم به خدا و به رسول و فرمانبرداری نمودیم، باز روی می‌گرداند گروهی از ایشان بعد از این و نیستند ایشان، مؤمنان.
۴۸. و چون خوانده می‌شوند به سوی خدا و رسول او تا حکم فرماید میان ایشان، ناگهان جماعتی از ایشان روگرداندگانند.
۴۹. و اگر باشد ایشان را حق، بیایند به سوی او گردن نهاده.
۵۰. آیا در دل ایشان بیماری‌ای است؟ یا در شک افتادند؟ یا می‌ترسند از آنکه ستم کند بر ایشان خدا و رسول او؟ بلکه این جماعت، ایشانند ستمکاران.
۵۱. جز این نیست که می‌باشد قول مسلمانان، چون خوانده می‌شود ایشان را به سوی خدا و رسول او تا حکم کند میان ایشان، آنکه گویند: شنیدیم و فرمانبرداری کردیم؛ و این جماعت، ایشانند رستگاران.
۵۲. و هر که فرمانبرداری کند خدا و رسول او را و ترسد از خدا و حذر کند از عذاب او، پس این جماعت، ایشانند به مراد رسندگان.
۵۳. و قسم خوردند به خدا به مؤکدترین قسمهای خود که اگر بفرمایی ایشان را، البته بیرون روند از وطن خود. بگو: قسم مخورید! فرمانبرداری پسندیده مطلوب است. هرآینه خدا خبردار است به آنچه می‌کنید.
۵۴. بگو: فرمانبرداری خدا کنید و فرمانبرداری پیغامبر کنید. پس اگر روی بگردانند، پس جز این نیست که بر پیغامبر است آنچه بر وی لازم کرده شد و بر شماست آنچه بر شما لازم کرده شد و اگر فرمانبرداری او کنید، راه یابید و نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا.
۵۵. وعده داده است خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و عمل‌های شایسته کردند، البته خلیفه سازد ایشان را در زمین، چنانکه خلیفه ساخته بود آنان را که پیش از ایشان بودند<sup>۱</sup> و البته محکم کند برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان و البته بدل کند درباره ایشان بعد از ترس ایشان ایمنی را. پرستش کنند مرا، شریک مقرر نکنند با من چیزی را و هر که ناسپاسی کند بعد از این، پس آن جماعت، ایشانند فاسقان<sup>۲</sup>.

۱ یعنی چنانکه بنی‌اسرائیل را بعد عمالقه پادشاه ساخت.

۲ یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند. مترجم گوید: تفسیر این آیت در حدیث آمده ان الخلافة بعدی ثلاثون سنة؛ والله اعلم.

۵۶. و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمانبرداری کنید پیغمبر را، بود که بر شما رحم کرده شود.
۵۷. میندار کافران را عاجز کننده در زمین و جای ایشان آتش است و آن بدبازگشت است.
۵۸. ای مسلمانان! باید که دستوری طلبند از شما آنان که مالک ایشان شده است دست‌های شما<sup>۱</sup> و آنان که نرسیده‌اند به حد احتلام از شما، سه نوبت؛ پیش از نماز فجر و وقتی که فرو می‌نهد جامه‌های خود را از نیمروز و پس از نماز عشاء؛ این سه ساعت خلوت برای شما نیست بر شما و نه بر ایشان هیچ بزه بعدِ اینها. درآیندگانند بر شما بعض از شما بر بعض دیگر. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیات را و خدا داننده باحکمت است.<sup>۲</sup>
۵۹. و چون رسند طفلان از شما به حد احتلام، باید که دستوری طلبند، چنانکه می‌طلبیدند آنان که پیش از ایشان بودند. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیات خود را و خدا دانای باحکمت است.
۶۰. و کلانسال از زنان، که توقع نکاح ندارند، نیست بر ایشان بزه در آنکه فرو نهند جامه‌های خود را و نه ظاهرکنان آرایش را و اگر پرهیزگاری کنند، بهتر است ایشان را و خدا شنوای داناست.
۶۱. نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نیست بر بیمار گناهی و نه بر ذات شما گناهی، در آنکه بخورید از خانه‌های خویش و یا خانه‌های پدران خویش یا خانه‌های مادران خویش یا خانه‌های برادران خویش یا خانه‌های خواهران خویش یا خانه‌های عموهای خویش یا خانه‌های عمه‌های خویش یا خانه‌های تغان‌های خویش یا خانه‌های خاله‌های خویش یا خانه‌ای که به تصرف شماست کلیدهای او<sup>۳</sup> یا خانه‌های دوست خویش. نیست بر شما هیچ گناهی در آنکه بخورید همه یکجا یا متفرق.<sup>۴</sup> پس چون درآیید به خانه‌ها، پس سلام گوید بر قوم خویش دعای خیر با برکت پاکیزه فرود آمده از نزدیک خدا. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیات را بود که بفهمید.
۶۲. جز این نیست که مسلمانان آناند که ایمان آوردند به خدا و به رسول او و چون باشند با وی بر کاری که جمع کردن ایشان می‌طلبند، نروند تا آنکه دستوری طلبند از پیغمبر؛ هرآینه آنان که دستوری می‌طلبند از تو، ایشان آناند که ایمان آوردند به خدا و به رسول او. پس اگر دستوری طلبند از تو برای بعض کار خود، پس دستوری ده هر که را خواهی از ایشان و امرزش طلب کن برای ایشان از خدا، هرآینه خدا آمرزنده مهربان است.
۶۳. مشمارید طلبیدن پیغمبر را در میان خویش، مانند طلبیدن بعض از شما بعض دیگر را. هرآینه می‌داند خدا آنان را که به سبکی بیرون می‌روند از شما پناهجویان. پس باید که بترسند آنان که خلاف حکم پیغمبر می‌کنند از آنکه برسند بدیشان بلایی یا برسد بر ایشان عذابی درد دهنده.

۱ یعنی غلامان و کنیزان.

۲ حاصل آن است که محارم و اطفال نیز درین ساعات، است یذان کنند؛ زیرا که مردمان جامه درین ساعات از تنی‌کشند و عریان می‌شوند. محصول سخن آن است که محارم را و اطفال را عریان دیدن، درست نیست؛ والله اعلم.

۳ یعنی نگاهبان و وکیل حفظ او باشید.

۴ یعنی اذنی که از رسم و عادت مفهوم است کفایت می‌کند و حاجت اذن صریح نیست؛ والله اعلم.

۶۴. آگاه شو! هر آینه خدا راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است؛ می‌داند روشی را که شما برآیند و روزی که بگردانیده شوند به سوی او، خبر دهند ایشان را به آنچه کرده‌اند و خدا به هر چیز داناست.

## ۲۵. سوره فرقان

در مکه نازل شده و آن هفتادو هفت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. بسیار با برکت است آن که فرود آورد قرآن را بر بنده خویش تا باشد ترساننده عالم‌ها را.
۲. آن که او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و هیچ فرزند نگرفت و هیچ شریک نیست او را در پادشاهی و بیافرید هر چیزی را، پس اندازه کرد او را به اندازه کردن.
۳. و گرفتند کافران بجز الله آن معبودان را که نمی‌آفرینند چیزی و خودشان آفریده می‌شوند و نمی‌توانند برای خویش زبانی و نه سودی و نمی‌توانند مرگ را و نه زندگانی را و نه برانگیختن را.
۴. و گفتند کافران: نیست این قرآن، مگر دروغی که برافته است آن را و یاری داده‌اند او را بر افترای وی گروه دیگر، پس به عمل آوردند ستم و دروغ را.
۵. و گفتند: قرآن افسانه‌های پیشینیان است که برای خود نوشته است آن را، پس آن خوانده می‌شود بر وی صبح و شام<sup>۱</sup>.
۶. بگو: فرود آورده است آن را کسی که می‌داند آن پنهان که در آسمان و زمین است. هر آینه وی هست آمرزنده مهربان.
۷. و گفتند: چیست این پیغامبر را؟ که می‌خورد طعام و می‌رود در بازارها. چرا فرستاده نشد به سوی وی فرشته تا باشد همراه وی ترساننده.
۸. یا چرا نه از آسمان برتافته شد به سوی وی گنجی یا چرا نیست او را باغی که بخورد از آن و گفتند ستمکاران: پیروی نمی‌کنید مگر مرد جادو زده را.
۹. ببین چگونه داستان‌ها زدند در حق تو. پس گمراه شدند، پس نمی‌یابند هیچ راهی را.
۱۰. بزرگوار است آن که اگر خواهد بدهد تو را بهتر از این بوستان‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها و بدهد تو را محل‌های بلند (یعنی در دنیا).
۱۱. بلکه دروغ شمرده‌اند قیامت را و آماده ساختیم برای کسی که تکذیب قیامت کند، دوزخ را.
۱۲. چون ببیند دوزخ ایشان را از مسافت دور، بشنوند از وی آواز خشم خوردن و غریدن.
۱۳. و چون انداخته شوند از آن دوزخ به مکانی تنگ دست و پا بسته، بد دعا کنند بر خویش به هلاک.
۱۴. و گوئیم: بد دعا نکنید امروز به یک هلاک و بد دعا کنید به هلاک بسیار.

۱. یعنی تا یاد گیرد.

۱۵. بگو: آیا این بهتر است یا بهشت جاوید، آنکه وعده داده شده است متقیان را؟ باشد ایشان را پاداش و جای بازگشت.
۱۶. ایشان راست آنجا آنچه می‌خواهند جاویدان. هست بر پروردگار تو وعده طلبیده شده.
۱۷. و آن روز که جمع کند خدا ایشان را با آن که می‌پرستند بجز خدا، پس گوید: آیا شما گمراه کردید این بندگان مرا یا ایشان خود غلط کرده‌اند راه را؟
۱۸. گویند: به پاکی یاد می‌کنیم تو را، سزاوار نباشد ما را که هیچ دوست گیریم بجز تو ولیکن بهره‌مند ساختی ایشان را و پدران ایشان را تا آنکه فراموش کردند پند و شدند گروهی هلاک شده.
۱۹. گوئیم: ای گروه کافران! هرآینه دروغ داشتند شما را این معبودان در آنچه می‌گفتید، پس نمی‌توانید دفع کردن عذاب و نه یاری دادن و هر که ستم کرده باشد از شما، بچشانیمش عذاب بزرگ.
۲۰. و فرستادیم پیش از تو پیغامبران، مگر به این صفت که ایشان می‌خوردند طعام و می‌رفتند در بازارها و ساخته‌ایم بعضی شما را در حق بعضی ابلایی، آیا صبر می‌کنید؟ و هست پروردگار تو بینا.
۲۱. و گفتند آنان که توقع ندارند ملاقات ما را: چرا فروفرستاده نشد بر ما فرشتگان را یا چرا نمی‌بینیم پروردگار خود را، هرآینه بزرگ شدند در زعم خویش و سرکشی کردند سرکشی بزرگ.
۲۲. روزی که ببینند فرشتگان را، هیچ مژده نیست آن روز گناهکاران را و گویند: باز داشته شوند باز داشتن مؤکد.
۲۳. و متوجه شدیم به سوی آنچه کردند از کردار، پس ساختیم آن را مانند ذره‌های پراکنده.<sup>۱</sup>
۲۴. اهل بهشت آن روز بهترند از جهت قرارگاه و نیکوترند به اعتبار جای استراحت.
۲۵. و روزی که بشکافد آسمان به سبب ابر و فرود آورده شوند فرشتگان فرودآوردنی.<sup>۲</sup>
۲۶. پادشاهی حقیقی آن روز خدا راست و باشد آن روز بر کافران روز دشوار.
۲۷. و روزی که بگذرد ستمکار دو دست خود را، گوید: ای کاش! من گرفتمی همراه پیغامبر راهی.<sup>۳</sup>
۲۸. ای وای بر من کاش که دوست نگررفتمی فلان را.<sup>۴</sup>
۲۹. هرآینه وی گمراه کرد مرا از پند، بعد از آنکه آمده بود به من و هست شیطان آدمی را در محنت، تنها گذارنده.
۳۰. و گفت پیغامبر: ای پروردگار من! هرآینه قوم من این قرآن را متروک ساختند.
۳۱. و همچنین ساخته‌ایم برای هر پیغامبر، دشمنان از گناهکاران و بس است پروردگار تو راهنما و نصرت دهنده.
۳۲. و گفتند کافران: چرا نه فرود آورده شد بر پیغمبر قرآن به یک دفعه؟ همچنین به دفعات آوردیم تا استوار سازیم به آن دل تو را و خواندیم آن را به آهستگی.

۱ یعنی حبط کردیم.

۲ یعنی آسمان بر هیأت معتاد خود باشد، اما ابر ناگاه منشق شود؛ والله اعلم.

۳ تمانکنده عقبه بن ابی معیط بود که اطاعت ابی بن خلف کرد. چنانچه در سبب نزول آیه بیان کرده‌اند. (مصحح)

۴ یعنی ابی بن خلف و مانند او. (مصحح)

۳۳. و نیارند کافران پیش تو هیچ داستانی، مگر بیاریم پیش تو جوابی راست و نیکوتر در بیان.
۳۴. آنان که برانگیخته شوند افتان بر روی خویش به سوی دوزخ، این جماعت بدترند به اعتبار مکان و غلط کننده ترند راه را.
۳۵. و هرآینه دادیم موسی را کتاب و ساختیم همراه او برادر او، هارون، را وزیر.
۳۶. پس گفتیم: بروید به آن قوم که دروغ شمرند آیات ما را. پس هلاک ساختیم آن قوم را هلاک کردنی.
۳۷. و قوم نوح چون دروغی شمرند پیغامبران را، غرق ساختیم این جماعت را و گردانیدیم ایشان را برای مردمان، نشانه‌ای و مهیا کردیم برای ستمکاران عذاب درد دهنده.
۳۸. و هلاک ساختیم عاد و ثمود را و اهل رس را و طبقات بسیار را در میان ایشان.
۳۹. و برای هر یکی بیان کردیم داستان‌ها و هر یکی را هلاک ساختیم هلاک کردنی.
۴۰. و هرآینه رسیده‌اند کافران به دیهی که بارانیده شد بر وی باران بد (یعنی باران سنگ) آیا نمی‌دیدند آن را؟ بلکه توقع نمی‌داشتند برانگیختن را.
۴۱. و چون ببینند تو را نگیرند تو را الا مسخره؛ آیا این شخص است آن که خدای تعالی پیغامبر فرستادش؟!
۴۲. هرآینه نزدیک بود که گمراه کند ما را از پرستش خدایان ما، اگر نه آن بودی که شکیبایی کردیم بر آن، و خواهند دانست چون ببینند عذاب را، کیست غلط کننده‌تر راه را.
۴۳. آیا دیدی آن را که خدای خود گرفته است خواهش نفس خود را؟ آیا تو می‌شوی بر وی نگهبان؟
۴۴. آیا می‌پنداری که بیشترین ایشان می‌شنوند یا می‌فهمند؟ نیستند ایشان الا مانند چهارپایان؛ بلکه ایشان غلط کننده ترند راه را!
۴۵. آیا ندیدی به سوی پروردگار خود چگونه دراز کرد سایه را؟<sup>۱</sup> و اگر خواستی گردانیدی آن را آرمیده، باز برگماشتیم آفتاب را بر وی رهنمای.<sup>۲</sup>
۴۶. باز فرا گرفتیم سایه را به سوی خویش فرا گرفتن آسان.
۴۷. و اوست آن که ساخته برای شما شب را پوششی و خواب را راحتی و ساخت روز را وقت برخاستن.
۴۸. و اوست آن که فرستاد باها را مژده دهنده پیش رحمت خویش و فرود آوردیم از آسمان آب پاک را.
۴۹. تا زنده سازیم به آن آب، شهر مرده را و تا بنوشانیمش از آنچه آفریده‌ایم چهارپایان را و مردم بسیار را.
۵۰. و هرآینه گوناگون بیان کردیم پند در میان ایشان تا پندپذیر شوند، پس قبول نکردند بیشترین مردمان مگر ناسپاسی را.
۵۱. و اگر می‌خواستیم می‌فرستادیم در هر دیهی ترساننده.
۵۲. پس فرمان مبر کافران را و جهاد کن با ایشان به حکم خدا جهاد بزرگ.
۵۳. و اوست آن که در آمیخت دو دریا را: این یک آب شیرین دافع تشنگی است و آن دیگر شور بدمزه و ساخت میان هر دو حجابی و سدّی مضبوط.

۱ یعنی بعد اسفار قبل از غروب آفتاب یا در اوّل روز.

۲ یعنی به هر صفت که آفتاب تقاضا می‌کند می‌رود.

۵۴. و اوست آن که آفرید از آب، آدمی را؛ پس ساخت آن را خداوندِ نسب و خداوند قرابت دامادی و هست پروردگار تو توانا.
۵۵. و می‌پرستند بجز خدا چیزی را که نفع ندهد به ایشان و ضرر نرساند بدیشان، و هست کافر بر مخالفت پروردگار خود، پستی دهنده.
۵۶. و نفرستادیم تو را مگر بشارت دهنده و بیم کننده.
۵۷. بگو: نمی‌طلبم از شما بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی؛ لیکن هر که خواهد که راه گیرد به سوی پروردگار خویش، گو بگیرد راهی.
۵۸. و توکل کن بر آن زنده که هرگز نمیرد و به پاکی یاد کن همراه ستایش او و بس است وی به گناهان بندگان خویش آگاه.
۵۹. آن که بیافرید آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز، باز مستقر شد بر عرش. اوست بخشاینده، پس پیرس از حال وی دانایی را.
۶۰. و چون گفته می‌شود به کافران که سجده کنید رحمن را، گویند: و چیست رحمن؟ آیا سجده کنیم چیزی را که تو می‌فرمایی به ما؟ و زیاده کرد این سخن در حق ایشان رمیدن را.
۶۱. بزرگوار است آن که بساخت در آسمان برج‌ها و ساخت در آن چراغی را (یعنی آفتاب را) و ساخت ماه روشن را.
۶۲. و اوست آن که ساخت شب و روز را جانشین یکدیگر برای کسی که خواهد پند گرفتن یا خواهد شکرگزاری کردن.
۶۳. و بندگان خدا آناند که می‌روند بر زمین به آهستگی<sup>۱</sup> و چون سخن گویند به ایشان نادان، گویند: سلام بر شما باد!
۶۴. و آنان که شب می‌گزارند برای پروردگار خویش سجده‌کنان و قیام‌کنان.
۶۵. و آنان که می‌گویند: ای پروردگار ما! بازدار از ما عذاب دوزخ را، هرآینه عذاب دوزخ، لازم شونده است.
۶۶. هرآینه دوزخ بد آرامگاهی است و بدمقامی است.
۶۷. و آنان که چون خرج کنند، اسراف نمایند و تنگی نگیرند و باشد عطای ایشان میان جانبین، معتدل.
۶۸. و آنان که نمی‌پرستند با خدا معبود دیگر را و نمی‌کشند هیچ نفسی را که حرام کرده است خدا، مگر به حق و زنا نکنند و هر که بکند این کار، بر خورَد به عقوبت دشوار.
۶۹. دو چند کرده شود او را عذاب روز قیامت و جاوید ماند آنجا خوار کرده شده.
۷۰. مگر آن که توبه کرد و ایمان آورد و عمل شایسته نمود، پس آن جماعت بدل سازد خدا بدی‌های ایشان را به نیکی‌ها و هست خدا آمرزنده مهربان.
۷۱. و هر که توبه کند و کار شایسته به عمل آورد، پس هرآینه وی رجوع می‌کند به خدا رجوع کردنی.
۷۲. و آنان که گواهی دروغ نمی‌دهند و چون بگذرند بر بیهوده، بگذرند به روش بزرگان.
۷۳. و آنان که چون پند داده شود ایشان را به آیات پروردگار ایشان، کر و کور نیفتند به شنیدن آن.<sup>۲</sup>
۷۴. و آنان که می‌گویند: ای پروردگار ما! ببخش ما را از زنان ما و از فرزندان ما روشنی چشم و بکن ما را پیشوای متقیان.

۱ یعنی تواضع بر ایشان غالب است.

۲ یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند.



۷۵. آن جماعت، جزا داده شود ایشان را محل بلند؛ به مقابله آنکه صبر کردند و برخورانیده شود ایشان را آنجا به دعای خیر و سلام.
۷۶. جاویدان آنجا، بهشت نیک آرامگاه است و نیک مقام است.
۷۷. بگو: با قدر نمی‌شمارد شما را پروردگار من، اگر نباشد عبادت شما. پس هرآینه دروغ داشتید، پس البته باشد جزای آن لازم.

## ۲۶. سوره شعراء

در مکه نازل شده و آن دوصدویست و هفت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. طسم.
۲. این آیات کتاب روشن است.
۳. شاید تو هلاک کننده‌ای خویشان را به سبب آنکه مسلمان نمی‌شوند.
۴. اگر خواهیم فرود آریم بر ایشان از آسمان نشانه‌ای، پس شود گردن‌های ایشان پیش آن نیایش کننده.
۵. و نمی‌آید بدیشان هیچ پندی از جانب پروردگار ایشان نوپدید آورده، مگر می‌باشند از آن روی گرداننده.
۶. پس ثابت شد که ایشان دروغ شمردند، پس خواهد آمد به ایشان با صدق وعده که به آن تمسخر می‌کردند.
۷. آیا ندیده‌اند به سوی زمین، چقدر رویانیدیم در آنجا از هر جنس نیک؟
۸. هرآینه در این ماجرا نشانه است و نیستند بیشترین ایشان مسلمانان.
۹. و هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
۱۰. و آنگاه که آواز داد پروردگار تو موسی را که بیا پیش گروه ستمکاران.
۱۱. بیا پیش قوم فرعون. آیا پرهیزگاری نمی‌کنند؟
۱۲. گفت: ای پروردگار من! هرآینه من می‌ترسم از آنکه دروغی شمرند مرا.
۱۳. و تنگ شود سینه من و جاری نگردد زبان من، پس پیغامبری فرست به سوی هارون.
۱۴. و قوم فرعون را بر من گناهی هست، پس می‌ترسم که بکشند مرا.
۱۵. گفت: نه چنین باشد. پس هر دو بروید با نشانه‌های ما، هرآینه ما با شما شنونده‌ایم.
۱۶. پس بیایید به فرعون، پس بگویید: هرآینه ما فرستاده پروردگار عالم‌هاییم.
۱۷. [به این پیغام] که بفرست همراه ما بنی‌اسرائیل را.
۱۸. گفت: ای موسی! یا پرورش نکردیم تو را در میان اهل خویش در حال طفلی و درنگ کردی در میان ما از عمر خود سال‌ها.
۱۹. و کردی آن کردار خود را که از تو به عمل آمد و تو از ناسپاس دارندگان.
۲۰. گفت: کردم آن کردار را آنگاه و من از گمراهان بودم.
۲۱. پس گریختم از پیش شما؛ چون بترسیدم از عقوبت شما، پس عطا کرد مرا پروردگار من دانش و ساخت مرا از پیغامبران.

۲۲. و آیا این نعمتی است که مَنّت می‌نهی بر من که بنده گرفتی بنی‌اسرائیل را.<sup>۱</sup>
۲۳. گفت فرعون: و چیست پروردگار عالم‌ها؟
۲۴. گفت [موسی]: پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان اینهاست، اگر یقین آورده‌اید.
۲۵. گفت [فرعون] آنان را که حوالی او بودند: آیا نمی‌شنوید؟
۲۶. گفت [موسی]: پروردگار شماسست و پروردگار پدران پیشین شماسست.
۲۷. گفت [فرعون]: هرآینه پیغامبری که فرستاده شده به سوی شما دیوانه است.
۲۸. گفت [موسی]: پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان اینهاست، اگر درمی‌یابید.
۲۹. گفت: اگر خدا گرفتی غیر مرا، البته بکنم تو را از زندانیان.
۳۰. گفت: آیا به زندان کنی، اگر چه بیارم پیش تو چیزی روشن را.
۳۱. گفت: بیار آن را اگر از راستگویانی.
۳۲. پس بیانداخت عصای خود را، پس ناگهان وی اژدهای آشکار بود.
۳۳. و برآورد دست خود را، پس ناگهان وی سفید بود برای بینندگان.
۳۴. گفت [فرعون] به جماعتی که حوالی او بودند: هرآینه این شخص، جادوگری است دانا.
۳۵. می‌خواهد که بیرون کند شما را از زمین شما به سحر خود. پس چه می‌فرمایید مرا؟
۳۶. گفتند: موقوف دار او را و برادرش را و بفرست در شهرها تقبیان را.
۳۷. تا بیارند پیش تو هر جادوگر دانا را.
۳۸. پس جمع کرده شد ساحران را به میعاد روزی معین.
۳۹. و گفته شد به مردمان: آیا شما جمع شونده‌اید؟
۴۰. بود که پیروی ساحران کنیم اگر ایشان غالب شوند.
۴۱. پس چون حاضر شدند ساحران، گفتند فرعون را: آیا ما را مزدی بود اگر ما غالب شویم؟
۴۲. گفت: آری! و هرآینه شما آنگاه از مقربان باشید.
۴۳. گفت به ایشان موسی: بیفکنید آنچه شما افکننده‌اید.
۴۴. پس انداختند رسنهای خود را و عصاهای خود را و گفتند: قسم به بزرگی فرعون! هرآینه ما البته غالبیم.
۴۵. پس انداخت موسی عصای خود را، پس ناگهان وی فرو می‌برد آنچه دغا بازی می‌کردند.
۴۶. پس انداخته شدند ساحران، سجده‌کنان.
۴۷. گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار عالم‌ها.
۴۸. پروردگار موسی و هارون.
۴۹. گفت فرعون: آیا ایمان آوردید به موسی پیش از آنکه دستوری دهم شما را؟ هرآینه وی مهتر شماسست؛ آنکه پیاموخت شما را جادو. پس خواهید دانست؛ البته بُبَرَم دست‌های شما را و پاهای شما را یکی از جانب راست و دیگر از جانب چپ و البته بردار کنم شما را، همه یکجا.
۵۰. گفتند: هیچ زیان نیست، هرآینه ما به سوی پروردگار خویش رجوع کنیم.
۵۱. هرآینه ما توقع داریم که بیامزد برای ما پروردگار ما گناهان ما را به سبب آنکه شدیم اول مسلمانان.

۱ یعنی بنده گرفتن بنی‌اسرائیل نعمت نبود، پس همچنین پرورش کردن که به آن ضرورت بود، نعمت نباشد.

۵۲. و وحی فرستادیم به سوی موسی که به وقت شب روان کن بندگان مرا، هرآینه شما تعاقب کرده شوید.
۵۳. پس فرستاد فرعون در شهرها نقیبان.
۵۴. که هرآینه بنی اسرائیل گروهی اندکند.
۵۵. و هرآینه ایشان ما را به خشم آورده‌اند.
۵۶. و هرآینه ما جماعتی‌ایم سلاح پوشیده.
۵۷. [خدا می‌فرماید: ] پس بیرون کردیم قوم فرعون را از بوستان‌ها و چشمه‌ها.
۵۸. و گنج‌ها و منزل نیک.
۵۹. چنین کردیم، و میراث دادیم این اشیا بنی اسرائیل را.
۶۰. پس تعاقب ایشان کردند وقت اشراق درآمده.
۶۱. و پس چون یکدیگر را دیدند هر دو گروه، گفتند یاران موسی: هرآینه به ما رسیدند.
۶۲. گفت [موسی]: نه چنین است! هرآینه با من پروردگار من است؛ راه خواهد فرمود مرا.
۶۳. پس وحی فرستادیم به سوی موسی که بز ن عصای خود را در دریا. پس دریا بشکافت، پس شد هر پاره مانند کوه بزرگ.
۶۴. و نزدیک آوردیم آنجا آن دیگران را.
۶۵. و خلاص ساختیم موسی را و آنان را که همراه وی بودند، همه یکجا.
۶۶. باز غرق ساختیم آن دیگران را.
۶۷. هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان.
۶۸. و هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
۶۹. و بخوان بر ایشان خبر ابراهیم.
۷۰. چون گفت به پدر خود و قوم خود: چه چیز را می‌پرستید؟
۷۱. گفتند: می‌پرستیم بتان را، پس می‌باشیم بر ایشان مجاورت کننده.
۷۲. گفت: آیا می‌شنوند آواز شما چون می‌خوانید؟
۷۳. یا سود می‌رسانند به شما یا زیان می‌دهند؟
۷۴. گفتند: نه. بلکه یافتیم پدران خود را که چنین می‌کردند.
۷۵. گفت: آیا دیدید آنچه می‌پرستیدید؟
۷۶. شما و پدران پیشین شما؟
۷۷. پس هرآینه آنها دشمنان منند؛ لیکن دوست می‌دارم پروردگار عالم‌ها را.
۷۸. آن که بیافرید مرا، پس همون راه نماید مرا.
۷۹. و آنکه او طعام می‌خوراند مرا و می‌آشاماند مرا.
۸۰. و چون بیمار می‌شوم، پس همون شفا می‌دهد مرا.
۸۱. و آن که بمیراند مرا، باز زنده گرداند مرا.
۸۲. و آن که توقع دارم که بیامرزد برای من گناه من روز جزا.
۸۳. پروردگارا! عطا کن مرا حکمت و لاحق کن مرا به شایستگان.
۸۴. و پدید آر برای من ذکر نیک در پسینیان.
۸۵. و بکن مرا از وارثان بهشت با نعمت.
۸۶. و بیامرز پدر مرا، هرآینه وی بود از گمراهان.
۸۷. و رسوا مکن مرا روزی که برانگیخته شوند مردمان.
۸۸. روزی که فایده ندهد مال و نه فرزندان.

۸۹. لیکن صاحب فایده آن بُود که بیارد پیش خدا دل بی عیب را.
۹۰. و نزدیک کرده شود بهشت برای متقیان.
۹۱. و ظاهر نموده آید دوزخ برای گمراهان.
۹۲. و گفته شود به ایشان: کجاست آنچه می پرستیدید؟
۹۳. بجز خدا. آیا نصرت می دهند شما را یا خود انقمام می کشند؟
۹۴. پس بر رو انداخته شوند در آنجا بتان و گمراهان.
۹۵. و لشکرهای شیطان، همه یکجا.
۹۶. گویند و ایشان آنجا با یکدیگر مکابره می کنند.
۹۷. به خدا، هرآینه ما بودیم در گمراهی ظاهر.
۹۸. چون برابر می ساختیم شما را با پروردگار عالم‌ها.
۹۹. و گمراه نکردند ما را مگر این بدکاران.
۱۰۰. پس نیست ما را هیچ شفاعت کننده.
۱۰۱. و نه دوست مهربانی کننده.
۱۰۲. پس کاش ما را یک بار رجوع باشد، پس شویم از مسلمانان.
۱۰۳. هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و نیستند بیشترین ایشان مسلمانان.
۱۰۴. و هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
۱۰۵. دروغی شمردند قوم نوح، پیغامبران را.
۱۰۶. چون گفت به ایشان برادر ایشان، نوح: آیا نمی ترسید؟
۱۰۷. هرآینه من برای شما پیغمبر با امانتم.
۱۰۸. پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید.
۱۰۹. و سؤال نمی کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی؛ نیست مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها.
۱۱۰. پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید.
۱۱۱. گفتند: آیا ایمان آوریم بر تو حال آنکه پیروی تو کرده‌اند سفلگان؟
۱۱۲. گفت نوح: و به چه کار است دانش من به آنچه می کردند.
۱۱۳. نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من، اگر بدانید.
۱۱۴. و نیستم من دور کننده مسلمانان.
۱۱۵. نیم من مگر ترساننده آشکار.
۱۱۶. گفتند: اگر باز نمانی تو ای نوح! البته شوی از سنگسار شدگان.
۱۱۷. گفت: ای پروردگار من! هرآینه قوم من دروغی شمردند مرا.
۱۱۸. پس فیصل کن میان من و میان ایشان، فیصل کردنی عظیم و خلاص کن مرا و آنان را که همراه منند از مسلمانان.
۱۱۹. پس نجات دادیم او را و آنان را که همراه او بودند در کشتی پر کرده شده.
۱۲۰. باز غرق ساختیم بعد از این باقی ماندگان را.
۱۲۱. هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و نیستند اکثر ایشان مسلمانان.
۱۲۲. و هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
۱۲۳. دروغی داشتند قبیله عاد، پیغامبران را.
۱۲۴. چون گفت به ایشان برادر ایشان، هود: آیا نمی ترسید؟
۱۲۵. هرآینه من برای شما پیغامبر با امانتم.
۱۲۶. پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید.

۱۲۷. و سؤال نمی‌کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی؛ نیست مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها.
۱۲۸. آیا عمارت می‌کنید به هر بلندی، علامتی بی‌فایده مشغول شده.
۱۲۹. و می‌سازید محل‌های استوار، گویا جاوید خواهید ماند.
۱۳۰. و چون دست می‌کشایید، دست می‌کشایید ستمکار شده.
۱۳۱. پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید.
۱۳۲. و بترسید از کسی که امداد کرد شما را به آنچه می‌دانید.
۱۳۳. امداد کرده است شما را به چهارپایان و فرزندان.
۱۳۴. و بوستان‌ها و چشمه‌ها.
۱۳۵. هرآینه من می‌ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ.
۱۳۶. گفتند: یکسان است بر ما که پند دهی یا نباشی از پند دهندگان.
۱۳۷. نیست این مگر عادت پیشینیان.
۱۳۸. و نیستیم ما عذاب کرده شدگان.
۱۳۹. پس دروغی داشتندش، پس هلاک ساختیم ایشان را، هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان.
۱۴۰. و هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
۱۴۱. دروغی شمردند قبيله نمود، پیغامبران را.
۱۴۲. چون گفت به ایشان برادر ایشان، صالح: آیا نمی‌ترسید؟
۱۴۳. هرآینه من برای شما پیغامبر با امانتم.
۱۴۴. پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید.
۱۴۵. و سؤال نمی‌کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی؛ نیست مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها.
۱۴۶. آیا ایمن گذاشته خواهید شد در آنچه اینجا است.
۱۴۷. در بوستان‌ها و چشمه‌ها.
۱۴۸. و کشته‌ها و خرماسستانی که شکوفه آن نازک است.
۱۴۹. و می‌تراشید از کوه‌ها خانه آشکار شده.
۱۵۰. پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید.
۱۵۱. و انقیاد ننمایید فرمان از حد گذرندگان را.
۱۵۲. آنان که فساد می‌کنند در زمین و اصلاح نمی‌نمایند.
۱۵۳. گفتند: جز این نیست که تو از جادوزدگانی.
۱۵۴. نیستی تو مگر آدمی مانند ما، پس بیار نشانه‌ای اگر از راستگویی.
۱۵۵. گفت: این ماده شتری است. وی را یک نوبت آب خوردن است و شما را نوبت روزی معین.
۱۵۶. و دست مرسانید او را به عقوبت؛ که آنگاه درگیرد شما را عذاب روز بزرگ.
۱۵۷. پس پی زدند آن را، پس گشتند پشیمان.
۱۵۸. پس درگرفت ایشان را عذاب، هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان.
۱۵۹. و هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
۱۶۰. دروغی شمردند قوم لوط، پیغامبران را.
۱۶۱. چون گفت به ایشان برادر ایشان، لوط: آیا نمی‌ترسید؟

۱۶۲. هرآینه من برای شما پیغامبر با امانتم.
۱۶۳. پس بترسید از خدا و فرمان من برید.
۱۶۴. و سؤال نمی‌کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی؛ نیست مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها.
۱۶۵. آیا به قصد قضای شهوت می‌روید به سوی مردان از اهل عالم؟
۱۶۶. و می‌گذارید آنچه آفریده است برای شما پروردگار شما از زنان شما. بلکه شما گروهی از حد گذشته‌اید.
۱۶۷. گفتند: اگر بازمانی تو ای لوط! هرآینه باشی از بیرون کردگان.
۱۶۸. گفت: هرآینه من عمل شما را از دشمنانم.
۱۶۹. ای پروردگار! نجات ده مرا و کسان مرا از وبال آنچه می‌کنند.
۱۷۰. پس نجات دادیم او را و کسان او را، همه یکجا.
۱۷۱. مگر پیرزنی که بود از باقی ماندگان.
۱۷۲. باز هلاک ساختیم آن دیگران را.
۱۷۳. و بارانیدیم بر ایشان بارانی، پس بد است باران ترسانیدگان.
۱۷۴. هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای است و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان.
۱۷۵. و هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
۱۷۶. دروغی شمرند باشندگان «آیکه» پیغامبران را.
۱۷۷. چون گفت به ایشان شعیب: آیا نمی‌ترسید؟
۱۷۸. هرآینه من برای شما پیغامبر با امانتم.
۱۷۹. پس بترسید از خدا و فرمان من برید.
۱۸۰. و سؤال نمی‌کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی؛ نیست مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها.
۱۸۱. تمام پیمایید پیمانه را و مباحثید از زیان دهندگان.
۱۸۲. و بسنجید به ترازوی راست.
۱۸۳. و ناسره ندهید به مردمان، اشیای ایشان را و بی‌باک مگردید در زمین، فسادکنان.
۱۸۴. و بترسید از خدا که آفرید شما را و خلائق نخستینان را.
۱۸۵. گفتند: جز این نیست که تو از جادوزدگانی.
۱۸۶. و نیستی تو مگر آدمی مانند ما و هرآینه می‌پنداریم تو را از دروغگویان.
۱۸۷. پس بیفکن بر ما پاره‌ای از آسمان اگر از راستگویانی.
۱۸۸. گفت: پروردگار من داناتر است به آنچه می‌کنید.
۱۸۹. پس دروغی داشتند او را، پس گرفتار کرد ایشان را عذاب روز ساینان،<sup>۱</sup> هرآینه وی بود عذاب روز بزرگ.
۱۹۰. هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان.
۱۹۱. و هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
۱۹۲. هرآینه قرآن فرود آورده پروردگار عالم‌ها است.
۱۹۳. فرود آوردش روح‌الامین (یعنی جبرئیل).
۱۹۴. بر دل تو تا شوی از ترسانندگان.
۱۹۵. به زبان عربی روشن.
۱۹۶. و هرآینه خبر وی در صحیفه‌های پیشینان است.

۱ یعنی آتش به شکل ساینان ظاهر شد و هلاک ساخت.

۱۹۷. آیا نیست برای ایشان نشانه آنکه می‌دانند حقانیت قرآن را عالمان بنی‌اسرائیل؟!  
 ۱۹۸. و اگر فرود می‌آوردیم قرآن را بر بعض عجمیان.  
 ۱۹۹. پس می‌خواندش بر ایشان، هرگز نمی‌شدند آن را باوردارندگان.  
 ۲۰۰. همچنین درآوردیم انکار را در دل‌های گناهکاران.  
 ۲۰۱. ایمان نمی‌آرند به قرآن تا آنکه بینند عذاب درد دهنده.  
 ۲۰۲. پس بیاید به ایشان ناگهان و ایشان بی‌خبر باشند.  
 ۲۰۳. پس گویند: آیا ما مهلت داده شویم؟  
 ۲۰۴. آیا عذاب ما را شتاب می‌طلبند؟  
 ۲۰۵. آیا دیدی که اگر بهره‌مند سازیم ایشان را سال‌ها.  
 ۲۰۶. باز بیاید بدیشان آنچه ترسانیده می‌شدند.  
 ۲۰۷. چه چیز را دفع کند از سر ایشان بهره‌مند بودن ایشان؟  
 ۲۰۸. و هلاک نکردیم هیچ دیه را الا او را بیم‌کنندگان بودند.  
 ۲۰۹. به جهت پند دادن و نبودیم ستمکار.  
 ۲۱۰. و فرود نیاوردند قرآن را شیطانان.  
 ۲۱۱. و سزاوار نیست ایشان را و نمی‌توانند.  
 ۲۱۲. هرآینه شیطانان از شنیدن دور گردانند.<sup>۱</sup>  
 ۲۱۳. پس مخوان با خدا معبود دیگر را؛ آنگاه باشی از عذاب کردگان.  
 ۲۱۴. و بیم کن قبیله نزدیک خود را.  
 ۲۱۵. و پست کن بازوی خود را<sup>۲</sup> برای آنان که پیروی تو کردند از مسلمانان.  
 ۲۱۶. پس اگر نافرمانی کنند تو را، پس بگو: هرآینه من بی‌تعلقم از آنچه شما می‌کنید.  
 ۲۱۷. و توکل کن بر غالب مهربان.  
 ۲۱۸. آن که می‌بیند تو را چون برمی‌خیزی (یعنی وقت تهجد)  
 ۲۱۹. و می‌بیند گشتن تو<sup>۳</sup> در میان سجده کنندگان.<sup>۴</sup>  
 ۲۲۰. هرآینه وی همان است شنوای دانا.  
 ۲۲۱. آیا خیر دهم شما را بر چه کس فرود می‌آیند شیطانان؟  
 ۲۲۲. فرود می‌آیند بر هر دروغگوی گنهکار.  
 ۲۲۳. می‌نهند گوش و بیشترین ایشان دروغ‌گویانند.  
 ۲۲۴. و شاعران، پیروی ایشان می‌کنند گمراهان.  
 ۲۲۵. آیا ندیدی که ایشان در هر میدانی سرگردان شوند.  
 ۲۲۶. و آنکه ایشان می‌گویند آنچه نمی‌کنند.<sup>۵</sup>  
 ۲۲۷. مگر آنان که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند و ذکر خدا کردند بسیاری و انتقام کشیدند بعد از آنکه مظلوم شدند و خواهند دانست ظالمان که به کدام جا باز خواهند گشت.

۱ یعنی از شنیدن کلام ملانکه.

۲ یعنی تواضع کن.

۳ یعنی از قیام به رکوع و از رکوع به سجود.

۴ یعنی نمازگزاران.

۵ یعنی به هر مضمون مبالغه می‌کنند.

## ۲۷ سوره نمل

در مکه نازل شده و آن نودوسه آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. طس، این آیات قرآن و کتاب روشن است.
۲. هدایت و مژده است برای مسلمانان.
۳. آنان که برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان به آخرت یقین می‌آرند.
۴. آنان که ایمان نمی‌آرند به آخرت، آراسته کردیم برای ایشان کردارهای ایشان را، پس ایشان سرگردان می‌شوند.
۵. این جماعت، آنانند که برای ایشان است سختی عذاب و این جماعت در آخرت ایشانند زیانکارتر.
۶. و هرآینه تو داده می‌شوی قرآن از نزدیک خدای استوار کار دانا.
۷. یاد کن آنگاه که گفت موسی به اهل خود: هرآینه من دیده‌ام آتشی؛ خواهم آورد از آنجا خبری یا خواهم آورد شعله‌ای که در هیمة فرا گرفته باشد، بود که شما گرمی حاصل کنید.
۸. پس چون رسید به آتش، آواز کرده آمد که: برکت داده شد کسی را که در آتش است و کسی را که حوالی وی است و پاکی خدای راست، پروردگار عالم‌ها.<sup>۱</sup>
۹. ای موسی! هرآینه سخن این است که من خدای غالب باحکمتم.
۱۰. و بیفکن عصای خود را. پس چون دید که عصا می‌جنبد گویا وی ماری است، رو بگردانید پشت داده و بازنگشت. گفتیم: ای موسی! مترس! هرآینه نمی‌ترسند نزدیک من پیغامبران.
۱۱. لیکن آن که ستم کرد، باز عوض آن کرد نیکی بعد از بدی، پس هرآینه من آمرزنده مهربانم.
۱۲. و درآر دست خود را به گریبان خود تا بیرون آید سفید شده از غیر عیب [به این دو نشانه که داخل اند] در نه معجزه، برو به سوی فرعون و قوم او، هر آینه ایشان بودند گروه فاسقان.
۱۳. پس آنگاه که آمد بدیشان نشانه‌های ما روشن شده، گفتند: این سحر ظاهر است.
۱۴. و انکار آن کردند از روی ستمکاری و تکبر و باور داشته بود آن را دل ایشان، پس بنگر چگونه بود آخر کار مفسدان؟
۱۵. و هرآینه دادیم داود و سلیمان را علم و گفتند: ستایش آن خدای راست که فضل داد ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خویش.
۱۶. و وارث شد سلیمان، داود را و گفت: ای مردمان! آموخته شد ما را گفتار مرغان و داده شد ما را از هر نعمتی، هرآینه این است فضل ظاهر.
۱۷. و به هم آورده شد برای سلیمان لشکرهای او از جن و آدمیان و مرغان. پس این جماعت، بعضی را تا رسیدن بعضی، ایستاده کرده می‌شدند.

۱ مترجم گوید: کسی که در آتش است ملائکه که در آن نور مصور به صورت آتش بودند ملائکه دیگر که فرودتر از ایشان بودند؛ والله اعلم.



۱۸. تا وقتی که رسیدند به میدان موران، گفت مورچه‌ای: ای مورچگان! درآیید به خانه‌های خود تا درهم نشکند شما را سلیمان و لشکرهای او نادانسته.
۱۹. پس خندان، تبسم کرد از گفتار مورچه و گفت: ای پروردگار من! الهام کن مرا که شکر این نعمت تو کنم که انعام کرده‌ای بر من و بر پدر و مادر من و الهام کن مرا که بجا آرم کردار شایسته که خوشنود شوی به آن و درار مرا به رحمت خود در زمره بندگان شایسته خویش.
۲۰. و باز جست احوال مرغان، پس گفت: چیست به من که نمی‌بینم هدهد را؟ یا هست از غایب شدگان؟
۲۱. هرآینه عقوبت کنم او را عقوبت سخت، یا ذبح کنم او را، یا این است که بیارد پیش من حجت ظاهر.
۲۲. پس توقف کرد، نه مدت دور. پس گفت: درگرفتم به چیزی که درنگرفته‌ای به آن و آوردم پیش تو از قبیله سبا خبری تحقیق را.
۲۳. هرآینه من یافتم زنی که پادشاهی می‌کند بر ایشان و داده شده است او را از جنس هر نعمتی و او را تختی است بزرگ.
۲۴. و یافتم که او و قوم او سجده می‌کنند آفتاب را بجز خدا و آراسته است شیطان برای ایشان کردارهای ایشان را؛ پس بازداشت ایشان را از راه، پس ایشان راه نمی‌یابند.
۲۵. به سوی آنکه سجده کنند آن خدا را که بیرون می‌آرد پوشیده در آسمان‌ها و زمین و می‌داند آنچه پنهان می‌دارید و آشکار می‌کنید.
۲۶. خدای نیست هیچ معبود به حق غیر او؛ پروردگار عرش بزرگ است.
۲۷. گفت سلیمان: خواهیم دید آیا راست گفتی یا هستی از دروغ‌گویان.
۲۸. بپر این نامه مرا، پس بینداز آن را به سوی ایشان، باز روی بگردان از ایشان، پس بنگر چه جواب باز می‌دهند.
۲۹. [بلقیس] گفت: ای جماعت ریسان! هرآینه انداخته شد به سوی من نامه‌ای گرمی.
۳۰. هرآینه این نامه از جانب سلیمان است و هرآینه این نامه به نام خدای بخشاینده مهربان است.
۳۱. [به این مضمون] که تکبر مکنید بر من و بیایید پیش من، مسلمان شده.
۳۲. گفت [بلقیس]: ای جماعت ریسان! جواب دهید مرا در تدبیر من؛ نیستم من فیصل کننده هیچ کار را تا وقتی که شما حاضر شوید پیش من.
۳۳. گفتند: ما خداوند توانایی‌یم و خداوند کارزار سختیم و تدبیر مَفُوض به سوی تو است، پس بنگر چه چیز می‌فرمایی.
۳۴. گفت: هرآینه پادشاهان چون درآیند به دیهی، خراب کنند آن را و سازند عزیزترین اهل آن را رسواتر و همچنین می‌کنند.
۳۵. و هرآینه من فرستنده‌ام به سوی ایشان تحفه‌ای، پس ببینم به چه چیز بازآیند فرستادگان.
۳۶. پس چون آمد آن فرستاده پیش سلیمان، گفت [سلیمان]: آیا امداد می‌کنید مرا به مالی، پس آنچه عطا کرده است مرا خدای تعالی بهتر است از آنچه عطا کرده است شما را، بلکه شما بر تحفه خویش شادمان می‌شوید.
۳۷. باز رو به سوی ایشان. پس هرآینه بیایم بر ایشان لشکریایی که طاق‌نباشد ایشان را به مقابله آن، و هرآینه بیرون کنیم ایشان را از آن دیه رسوا کرده و ایشان خوار باشند.

۳۸. گفت<sup>۱</sup> [سلیمان]: ای عزیزان! کدام یک از شما می‌آرد پیش من تخت او را پیش از آنکه بیایند نزدیک من، مسلمان شده.
۳۹. گفت تهمت‌ی از جن: من بیارمش نزدیک تو پیش از آنکه برخیزی از جای خود و هر آینه من بر آن عرش، توانای باامانتم.
۴۰. گفت شخصی که نزدیک او علم بود از کتاب الهی: من بیارمش نزدیک تو پیش از آنکه بازگردد به سوی تو چشم تو. پس چون [سلیمان] دید آن را قرار گرفته نزدیک خویش، گفت: این خارق عادت از فضل پروردگار من است تا امتحان کند مرا آیا شکرگزاری می‌کنم یا ناسپاسی می‌نمایم و هر که شکرگزاری کند، پس جز این نیست که شکرگزاری می‌کند برای نفع خویش و هر که ناسپاسی کرد، پروردگار من بی‌نیاز کرم کننده است.
۴۱. گفت [سلیمان]: متغیر سازید برای امتحان این زن، تخت او را. بنگریم آیا راه شناخت می‌یابد یا می‌شود از آنان که راه نمی‌یابند.
۴۲. پس چون بیامد، [بلیس] گفته شد: آیا همچنین است تخت تو؟ گفت: گویا وی همان است و داده شد ما را دانش [به حقانیت سلیمان] پیش از این مقدمه و هستیم مسلمانان.
۴۳. و بازداشت [سلیمان] آن زن را از آنچه عبادت می‌کرد بجز خدا، هر آینه وی بود از گروه کافران.
۴۴. گفته شد به وی که: درآی به این کوشک. پس چون بدید آن را، پنداشتش حوض آب و جامه برداشت از دو ساق خود. گفت [سلیمان]: این کوشکی است بی‌نقش درخشان ساخته شده از آگینه‌ها. گفت [بلیس]: ای پروردگار من! هر آینه من ستم کرده‌ام بر خویش و اسلام آوردم همراه سلیمان برای خدا، پروردگار عالمها.
۴۵. و هر آینه فرستادیم به سوی ثمود برادر ایشان، صالح را که عبادت کنیدی خدای را، پس ناگهان آن قوم دو گروه شدند، با یکدیگر خصومت می‌نمودند.
۴۶. گفت صالح: ای قوم من! چرا شتاب طلب می‌کنید سختی را پیش از راحت، چرا نه طلب آموزش می‌کنید از خدا؟ بود که رحم کرده شود بر شما.
۴۷. گفتند: شگون بد گرفتیم از تو و از آنان که همراه تواند. گفت: شگون بد شما نزدیک خدا است،<sup>۲</sup> بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می‌شوید.
۴۸. و بودند در آن شهر نه کسی که فساد می‌کردند در زمین و اصلاح نمی‌نمودند.
۴۹. گفتند با یکدیگر قسم خدا بخورید که: البته شبیخون کنیم بر صالح و اهل خانه او، باز البته خواهیم گفت وارث او را حاضر نبودیم وقت هلاک شدن اهل او و هر آینه ما راستگوییم.
۵۰. و بدسگالی کردند به نوعی از حیله و بدسگالی کردیم ما نوعی از حیله و ایشان نمی‌دانستند.

۱ مترجم گوید: سلیمان، علی‌ه‌السلام، خواست که بلیس را معجزه نماید و عقل و جمال او را ادراک فرماید، تا اگر مناسب دانست به نکاح آرد؛ پس تدبیری ساخت.

۲ مترجم سلیمان، علی‌ه‌السلام، را فاعل صدها قرار داده است و اکثر مفسرین می‌گویند که فاعل صدها «ما» المصدریه یا الموصوله است و معنای آیت این طور می‌شود که بازداشت آن زن را از عبادت خدا آنچه عبادت می‌کردند غیر از خدا؛ والله اعلم. (مصحح)

۳ یعنی مصائب بر وفق تقدیر الهی جاری می‌شود.

۵۱. پس بنگر چگونه بود سرانجام بدسگالی ایشان که ما هلاک کردیم ایشان را و قوم ایشان را، همه یکجا.
۵۲. پس این است خانه‌های ایشان خالی مانده به سبب آنکه ستم کردند، هرآینه در این ماجرا نشانه هست گروهی را که می‌دانند.
۵۳. و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می‌کردند.
۵۴. و فرستادیم لوط را چون گفت به قوم خود: آیا به عمل می‌آرید کار بی‌حیایی را و شما می‌بینید؟!
۵۵. آیا شما می‌آیید به مردان به اراده شهوت بجز زنان؟! بلکه شما قوم نادانید.
۵۶. پس نبود جواب قوم او، مگر آنکه گفتند: بیرون کنید اهل خانه لوط را از دیه خویش، هرآینه ایشان مردم پاکی طلبند.
۵۷. پس نجات دادیم او را و اهل او را، مگر زنش که معین کردیم او را از باقی ماندگان.
۵۸. و بارانیدیم بر سر ایشان بارانی، پس بد است باران ترسانندگان.
۵۹. بگو: سپاس خدای راست و سلام بر آن بندگان او که برگزیده است ایشان را. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک می‌آرند.
۶۰. [نه بلکه می‌پرسیم:] که بیافرید آسمان‌ها و زمین و فرود آورد برای شما از آسمان، آبی؟ پس رویانیدیم به سبب آن بوستان‌ها با تازگی؟ ممکن نبود شما را که برویانید درخت‌های آن. آیا معبودی هست با خدا؟ بلکه ایشان گروهی‌اند که کج می‌روند.
۶۱. [نه بلکه می‌پرسیم:] که ساخت زمین را قرارگاه و پیدا کرد در میان زمین جوی‌ها و بیافرید برای زمین کوه‌ها و بیافرید میان دو دریا حجاب را؟ آیا معبودی دیگر هست با خدا؟ بلکه بیشترین ایشان نمی‌دانند.
۶۲. [نه بلکه می‌پرسیم:] که قبول می‌کند از درمانده؟ چون بخواندش و بردارد سختی و بسازد شما را جانشین نخستینان در زمین؟ آیا معبودی دیگر هست با خدا؟ اندکی پند می‌پذیرید.
۶۳. [نه بلکه می‌پرسیم:] که راه می‌نماید شما را در تاریکی‌های بیابان و دریا؟ و که می‌فرستد بادها را مژده دهنده پیش رحمت خود؟ آیا معبودی هست با خدا؟ برتر است خدا از آن که شریک می‌گیرند.
۶۴. [نه بلکه می‌پرسیم:] که نو پیدا می‌کند آفرینش، باز دیگر بار کندش؟ و که روزی می‌دهد شما را از آسمان و زمین؟ آیا معبودی هست با خدا؟ بگو: بیارید حجت خود را اگر راست گوئید.
۶۵. بگو: نمی‌داند هر که در آسمان‌ها و زمین است غیب را مگر خدا؟ و نمی‌دانند که کی برانگیخته شوند.
۶۶. بلکه بی‌درپی متوجه شد علم ایشان در باب آخرت؛<sup>۱</sup> بلکه ایشان در شبهه‌اند از آخرت، بلکه ایشان از آخرت نابیناوند.
۶۷. و گفتند کافران: آیا چون شویم خاکی و پدران ما نیز، آیا ما بیرون آوردگانیم (یعنی از قبور)؟
۶۸. هرآینه وعده داده شد به این مقدمه، ما را و پدران ما را پیش از این؛ نیست این مگر افسانه‌های پیشینیان.
۶۹. بگو: سیر کنید در زمین، پس بنگرید چگونه بود انجام گناهکاران.
۷۰. و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از بدسگالیدن ایشان.

۱ یعنی تا آنکه منقطع گشت.

۷۱. و می‌گویند: کی باشد این وعده اگر راستگویید.
۷۲. بگو: شاید نزدیک شده باشد به شما بعض آنچه شتاب می‌طلبید.<sup>۱</sup>
۷۳. و هرآینه پروردگار تو خداوند فضل است بر مردمان ولیکن بیشترین ایشان شکر نمی‌کنند.
۷۴. و هرآینه پروردگار تو می‌داند آنچه پنهان می‌کند سینه‌های ایشان و آنچه ظاهر می‌نمایند.
۷۵. و نیست هیچ مقدمه پوشیده در آسمان و زمین مگر نوشته است در کتاب روشن.
۷۶. هرآینه این قرآن بیان می‌کند پیش بنی‌اسرائیل بیشترین آنچه ایشان در آن اختلاف می‌کردند.
۷۷. و هرآینه وی هدایت و رحمت است مسلمانان را.
۷۸. هرآینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان به حکم خود و اوست غالب دانا.
۷۹. پس توکل کن بر خدا هرآینه تو بر دین راست روشن هستی.
۸۰. هرآینه تو نمی‌توانی شنواید مردگان را و نمی‌توانی شنواید کران را آواز خواندن، وقتی که روبگرداند پشت داده.
۸۱. و نیستی تو راه نماینده کوران تا باز آیند از گمراهی خویش. نمی‌شنوایی مگر کسی را که ایمان آورده است به آیت‌های ما؛ پس این جماعت گردن نهندگانند.
۸۲. و چون متحقق شود وعده عذاب بر ایشان، بیرون آریم برای ایشان جانوری از زمین که سخن گوید به ایشان به سبب آنکه مردمان به آیات ما یقین نمی‌آوردند.
۸۳. و آن روز که برانگیزیم از هر امتی طایفه‌ای را از آنان که دروغ می‌شمرند آیات ما را، پس از ایشان بعض را تا رسیدن بعض ایستاده کرده می‌شود.
۸۴. تا وقتی که حاضر آیند، گوید خدا: آیا دروغ شمردید آیات مرا و درنگرفته بودید به آن از روی دانش یا چکار می‌کردید؟
۸۵. و ثابت شد وعده عذاب بر ایشان به سبب ستم کردن ایشان، پس آن جماعت سخن نگویند.
۸۶. آیا ندیده‌اند که ما پیدا کرده‌ایم شب را تا آرام گیرند در آن و پیدا کرده‌ایم روز را روشن شده، هرآینه در این مقدمه نشانه‌ها است قومی را که باور می‌دارند.
۸۷. و یاد کن آن روز که دمیده شود در صور، پس مضطرب شوند آنان که در آسمان‌هایند و آنان که در زمینند، مگر کسی که خدا خواسته است و هر یکی بیایند پیش خدا خوار شده.
۸۸. و ببینی کوه‌ها را، پنداری آن را بر جای ایستاده و آن می‌رود مانند رفتن ابر. دستکاری آن خدا که استوار ساخت هر چیز را، هرآینه وی خبردار است به آنچه می‌کنید.
۸۹. هر که بیارد نیکی، پس او را بهتر باشد از آن و ایشان از اضطراب آن روز ایمن باشند.
۹۰. و هر که بیارد بدی، پس نگونسار کرده شود روی ایشان در آتش. جزا داده نمی‌شوید مگر به وفق آنچه می‌کردید.
۹۱. [بگو یا محمد:] جز این نیست که فرموده شدم که عبادت کنم خداوند این شهر را (یعنی مکه)، آن که محترم ساخت آن را و به تصرف اوست هر چیز و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان.

۹۲. و [فرموده شد] آنکه بخوانم قرآن را. پس هر که راه یافت، پس جز این نیست که راه می‌یابد برای نفع خویش و هر که گمراه شود، بگو: جز این نیست که من از بیم‌کنندگانم.
۹۳. و بگو: ستایش خدای راست؛ خواهد نمود شما را آیات خود، پس بشناسید آن را و نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه می‌کنید.

## ۲۸. سوره قصص

در مکه نازل شده و آن هشتادوهشت آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. طسم.
۲. این آیت‌های کتاب روشن است.
۳. بخوانیم بر تو بعضی خبر موسی و فرعون به راستی برای گروهی که باور می‌دارند.
۴. هرآینه فرعون تکبر کرد در زمین و ساخت اهل آن را گروه گروه؛ زبون می‌گرفت جماعت را از ایشان؛ می‌کشت پسران ایشان را و زنده می‌گذاشت دختران ایشان را. هرآینه وی بود از مفسدان.
۵. و می‌خواستیم که نعمت فراوان دهیم بر آنان که زبون گرفته شدند در زمین و پیشوا سازیم ایشان را و وارث کنیم ایشان را.
۶. و دسترس دهیم ایشان را در زمین و بنماییم فرعون و هامان را و لشکرهای ایشان را از زبون گرفتگان آنچه می‌ترسیدند.
۷. و الهام فرستادیم به سوی مادر موسی که شیر بده او را پس چون بترسی بر وی بیانداز او را در دریا و مترس و اندوه مخور، هرآینه ما باز رساننده اویم به سوی تو و گرداننده اویم از پیغامبران.
۸. پس برگرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کار شود برای ایشان دشمن و سبب اندوه، هرآینه فرعون و هامان و لشکرهای ایشان خطاکننده بودند.
۹. و گفت زن فرعون: این طفل، خنکی چشم است مرا و تو را؛ مکشیدش، بود که نفع دهد ما را یا فرزند گیریم او را و ایشان حقیقت حال نمی‌دانستند.
۱۰. و گشت دل مادر موسی خالی از صبر، هرآینه نزدیک بود که آشکارا کند آن قصه را اگر ما نمی‌بستیم بر دل او رشته<sup>۱</sup> تا باشد از باوردارندگان.
۱۱. و گفت خواهرش را: بر پی او می‌رو، پس بدید او را از دور و قوم فرعون نمی‌دانستند.
۱۲. و حرام ساختیم بر موسی شیردایگان پیش از وصول خواهر؛ پس خواهرش گفت: آیا راه نمایم شما را بر اهل خانه‌ای که خبرداری این طفل کنند برای شما و ایشان برای او نیک‌خواه‌اند؟
۱۳. پس باز رسانیدیم او را به سوی مادر او تا خنک شود چشم وی و اندوه نخورد و تا بداند که وعده خدا راست است ولیکن بیشترین مردمان نمی‌دانند.

۱ یعنی صبر نمی‌دادیم.

۱۴. و چون رسید به نهایت جوانی خود و درست اندام شد، دادیم او را حکمت و دانش و همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را.
۱۵. و درآمد به شهر در وقت بی‌خبری اهل آن، پس یافت آنجا دو شخص که با یکدیگر جنگ می‌کردند: آن یک از قوم موسی بود و آن دیگر از دشمنان وی، پس مدد طلب کرد شخصی که از قوم او بود بر آن دیگر که از دشمنانش بود، پس مشت زد او را موسی، پس بکشش. گفت: این کار شیطان است؛ هرآینه شیطان گمراه کننده آشکار است.
۱۶. گفت: ای پروردگار من! هرآینه من ستم کردم بر خویش، پس بیا مرز مرا؛ پس بیا مرزیدش، هرآینه وی آمرزنده مهربان است.
۱۷. گفت: ای پروردگار من! به حق انعام کردن تو بر من هرگز نخواهم بود مددکار گنهکاران.
۱۸. پس بامداد کرد در شهر ترسان، انتظارکنان، پس ناگهان شخصی که مددطلب کرده بود دیروز باز به فریادرسی می‌خواندش. گفت به وی موسی: هرآینه تو گمراه آشکاری.
۱۹. پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که وی دشمن موسی و دشمن فریاد کننده بود، گفت فریاد کننده: ای موسی! آیا می‌خواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی شخصی را دیروز؟ نمی‌خواهی مگر آنکه باشی ستمکاری در زمین و نمی‌خواهی که باشی از نیکوکاران<sup>۱</sup>.
۲۰. و آمد شخصی از آخر شهر شتابان، گفت: ای موسی! هرآینه رئیسان مشورت می‌کنند در حق تو تا بکشند تو را، پس بیرون رو. هرآینه من برای تو از نیک خواهانم.
۲۱. پس بیرون آمد از آن شهر ترسان، انتظارکنان، گفت: ای پروردگار من! خلاص کن مرا از گروه ستمکاران.
۲۲. و وقتی که متوجه شد به سوی شهر مدین، گفت: امیدوارم از پروردگار خویش که دلالت کند مرا به راه راست.
۲۳. و وقتی که رسید به آب مدین یافت بر آن آب طایفه را از مردمان، آب می‌نوشانیدند مواشی را و یافت آن طرف از ایشان دو زن که بازمی‌دارند مواشی خود را، گفت موسی به آن دو زن: چیست حال شما؟ گفتند: ما آب نمی‌نوشانیم تا آنکه بازگردانند شبانان مواشی را و پدر ما پیرکلانسال است.
۲۴. پس موسی آب نوشانید برای این هردو، باز روی آورد به سوی سایه، پس گفت: ای پروردگار من! هرآینه من به آنچه فرود آوردی به سوی من از نعمت، محتاجم.
۲۵. پس آمد به موسی یکی از این دو زن راه می‌رفت به شرم، گفت: هرآینه پدر من می‌خواند تو را تا به تو دهد مزد آنکه آب دادی برای ما. پس چون موسی بیامد نزد شعیب و تقریر کرد پیش او قصه را، گفت: مترس! خلاص شدی از قوم ستمکاران.
۲۶. گفت یکی از این دو دختر: ای پدر من! مزدور بگیر او را. هرآینه بهترین کسی که مزدورگیری شخصی توانای با امانت باشد.
۲۷. گفت شعیب: هرآینه من می‌خواهم که به زنی دهم تو را یکی از این دو دختر خود به شرط آن که مزدوری من کنی هشت سال، پس اگر تمام کنی ده سال را، پس آن تبرع است از نزدیک تو و نمی‌خواهم که مشقت افکنم بر تو. خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است از شایستگان.

۱ یعنی چون موسی او را گفت: تو گمراه آشکاری. دانست که غضب کرده بر سر من می‌آید.

۲۸. گفت موسی: این است عهد میان من و میان تو. هر کدام از این دو مدت که ادا کنم، پس تعدی نباشد بر من و خدا بر آنچه می‌گوییم گواه است.
۲۹. پس چون ادا کرد موسی میعاد را و روان شد به اهل خود، دید به جانب کوه طور آتش. گفت به اهل خود: توقف کنید. هر آینه دیده‌ام آتشی. امید دارم که بیارم از آنجا خبری را یا بیارم شعله‌ای از آتش، بود که شما تحصیل گرمی کنید.
۳۰. پس چون آمد نزدیک آتش، آواز داده شد از کرانه راست میدان در جایگاه بابرکت از میان درخت که: ای موسی! هر آینه من خدایم، پروردگار عالم‌ها.
۳۱. و آنکه بیفکن عصای خود را، پس چون دید که عصا حرکت می‌کند گویا وی ماری است، روی بگردانید پشت داده و بازنگشت. [گفتیم]: ای موسی! پیش آی و مترس، هر آینه تو از ایمانی.
۳۲. و درآر دست خود را در گریبان خود تا بیرون آید سفید شده از غیر علتی. و به هم آر به سوی خود بازوی خود را از ترس؛<sup>۱</sup> پس این هر دو نشانه‌اند، فرود آمده از جانب پروردگار تو به سوی فرعون و جماعت او. هر آینه ایشان بودند گروه بدکار.
۳۳. گفت: ای پروردگار من! هر آینه من کشته‌ام از ایشان شخصی را، پس می‌ترسم که بکشند مرا.
۳۴. و برادر من، هارون، فصیح‌تر است از من از جهت زبان، پس بفرست او را همراه من مدد کننده‌ای که باور دارد مرا، هر آینه من می‌ترسم از آنکه دروغی شمرند مرا.
۳۵. گفت [خدا]: محکم خواهیم کرد بازوی تو را به برادر تو و خواهیم داد شما را غلبه، پس نتوانند رسید به قصد ایذا به سوی شما به سبب نشانه‌های ما. شما و آنان که پیروی شما کرده‌اند، غالب خواهید شد.
۳۶. پس چون آورد موسی نشانه‌های ما را واضح آمده، گفتند: نیست این مگر جادوی بر بسته و نشدیدیم این را در پدران نخستین خویش.
۳۷. و گفت موسی: پروردگار من داناتر است به هر که آورده است هدایت از نزدیک او و به هر که او راست عاقبت پسندیده در آخرت، هر آینه رستگار نمی‌شوند ستمکاران.
۳۸. و گفت فرعون: ای جماعت! ندانسته‌ام برای شما هیچ خدا غیر من. پس آتش برافروز برای من ای هامان بر گل (یعنی خشت بساز) پس بنا کن برای من کوشکی، بود که من دیده‌ور شوم به سوی معبود موسی و هر آینه من می‌پندارم او را از دروغ‌گویان.
۳۹. و تکبر کرد فرعون و لشکرهای او در زمین به غیر حق و گمان کردند که ایشان به سوی ما بازگردانیده نشوند.
۴۰. پس گرفتیم او را و لشکرهای او را، پس افکندیم ایشان را در دریا، پس درنگر چگونه بود انجام ستمکاران.
۴۱. و گردانیدیم ایشان را پیشوایانی که می‌خواندند به سوی آتش و روز قیامت نصرت داده نشوند.
۴۲. و از پی ایشان فرستادیم در این دنیا لعنت را و به روز قیامت ایشان از دور ساختگان باشند.
۴۳. و هر آینه دادیم موسی را کتاب بعد از آنکه هلاک ساختیم قرن‌های نخستین را دلیل شده برای مردمان و هدایت و بخشایش، تا بود که ایشان پندپذیر شوند.
۴۴. و تو نبودی به طرف غربی چون به انجام رسانیدیم به سوی موسی وحی را و نبودی از حاضران.

۱ یعنی برای دفع ترسی که به سبب ظهور خوارق پیدا شده.

۴۵. ولیکن ما آفریدیم قرن‌ها را (یعنی بعد موسی)، پس دراز شد بر ایشان عمر و تو نبودی باشنده در اهل مدین که می‌خواندی بر ایشان آیات ما را ولیکن ما بودیم فرستنده.
۴۶. و نبودی تو به طرف طور، چون آواز دادیم ولیکن وحی آمد از روی بخشایش پروردگار تو تا ترسانی گروهی را که نیامده بود بدیشان هیچ ترساننده ای پیش از تو، بود که ایشان پندپذیر شوند.
۴۷. و اگر نه آن بودی که برسد بدیشان عقوبتی به سبب آنکه پیش فرستاده است دست ایشان، پس گویند: ای پروردگار ما! چرا نفرستادی به سوی ما پیغامبری را تا پیروی آیات تو کنیم و باشیم از مسلمانان؟
۴۸. پیغمبران را می‌فرستادیم، پس چون آمد بدیشان وحی راست از نزدیک ما، گفتند: چرا داده نشد این پیغمبر را مانند آنچه داده شد به موسی؟ آیا کافر نشده‌اند به آنچه داده شد موسی را پیش از این؟ گفتند: دو سحرند موافق یکدیگر شده<sup>۱</sup> و گفتند: هرآینه ما به هر یک کافرانیم.
۴۹. بگو: پس بیارید کتابی فرود آمده از نزدیک خدا که وی راه نماینده‌تر باشد از این دو، تا پیروی او کنیم اگر راست‌گویید.
۵۰. پس اگر قبول نکنند سخن را، پس بدان که جز این نیست که پیروی می‌کنند خواهش نفس خود را و کیست گمراهتر از کسی که پیروی خواهش نفس خود کند بدون راهنمایی خدا، هرآینه خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را.
۵۱. و هرآینه ما پی در پی آوردیم برای ایشان [این قرآن را تا بود] که ایشان پندپذیرند.
۵۲. آنان که داده‌ایم ایشان را کتاب پیش از قرآن، ایشان به قرآن ایمان می‌آرند.
۵۳. و چون قرآن خوانده می‌شود برایشان، گویند: ایمان آوردیم به آن، هرآینه وی راست است از جانب پروردگار ما، هرآینه پیش از نزول قرآن منقاد بودیم.
۵۴. این جماعت داده شود ایشان را مزد ایشان دوبار به سبب آنکه صبر کردند و دفع می‌کنند به خصلت نیک، بدی را و از آنچه روزی داده‌ایم ایشان را خرج می‌کنند.
۵۵. و چون بشنوند سخن بیهوده را، روی بگردانند از آن و گویند: ما راست، کردارهای ما و شما راست، کردارهای شما. سلام بر شما باد! نمی‌خواهیم صحبت جاهلان.<sup>۲</sup>
۵۶. [یا محمد] هرآینه تو راه نمی‌نمایی هر که را دوست می‌داری ولیکن خدا راه می‌نماید هر که را خواهد و او داناتر است به راه یافتگان.
۵۷. و گفتند بعضی اهل مکه: اگر پیروی هدایت کنیم با تو ربوده شویم از زمین خود.<sup>۳</sup> آیا جا ندادیم ایشان را در حریمی با امن، رسانیده می‌شود به سوی وی میوه‌ها از هر جنس روزی از نزدیک ما ولیکن بیشترین ایشان نمی‌دانند.
۵۸. و بسا هلاک کردیم از دیه‌ها را که از حد درگذشتند درگذران خود؛ پس اینها است جای ماندن ایشان، مانده نشد آنجا بعد از ایشان مگر اندکی و بودیم ما به دست آرنده میراث ایشان.
۵۹. و هرگز نیست پروردگار تو هلاک کننده دیه‌ها تا آنکه بفرستد در قصبه آن پیغامبری که بخواند بر ایشان آیات ما، و هرگز نیستیم هلاک کننده دیه‌ها مگر در آن حال که اهل آنها ستمکار باشند.

۱ یعنی تورات و قرآن.

۲ مترجم گوید: یهود پیش از آنکه آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، به مدینه هجرت کند و نسخ یهودیت تصریح فرماید، معتقد قرآن بودند و می‌گفتند عرب را قرآن لازم است.

۳ یعنی مردمان اخراج کنند.



۶۰. و هرچه داده شد شما را از هر نوعی، پس بهره‌مندی زندگانی دنیا و آرایش وی است و آنچه نزدیک خداست بهتر و پاینده‌تر است. آیا نمی‌فهمید؟
۶۱. آیا کسی که وعده دادیمش وعده نیک پس او دریابنده آن است، مانند کسی است که بهره‌مند ساختیمش به منفعت زندگانی دنیا، باز وی روز قیامت از حاضرکردگان است؟!<sup>۱</sup>
۶۲. و روزی که آواز دهد خدا ایشان را، پس گوید: کجايند آن شریکان من که شما گمان می‌کردید؟!<sup>۲</sup>
۶۳. گفتند آنان که ثابت شد بر ایشان حکم عذاب: <sup>۳</sup> ای پروردگار ما! این جماعتند که گمراه کردیم؛ گمراه کردیم ایشان را چنانکه خود گمراه شدیم. <sup>۴</sup> بی‌تعلق می‌شویم از همه به سوی تو، ایشان ما را نمی‌پرستیدند.
۶۴. و گفته شود: بخوانید شریکان خود را. پس بخوانند ایشان را، پس ایشان قبول نکنند دعای آن جماعت و ببینند عذاب و تمنا کنند کاش! ایشان را هیاب می‌بودند.
۶۵. و روزی که آواز دهد خدا ایشان را، پس گوید: چه جواب دادید پیغامبران را؟
۶۶. پس مشتبه شود بر ایشان خبرهای آن روز، پس ایشان با یکدیگر سؤال نکنند.<sup>۵</sup>
۶۷. پس اما آنکه توبه نمود و ایمان آورد و کار شایسته کرد، پس امید است که باشد از رستگاران.
۶۸. و پروردگار تو می‌آفریند هرچه خواهد و برمی‌گزیند هر که را خواهد؛ نیست ایشان را اختیار. پاکی خدای راست و بلندتر است از آنکه شریک می‌آرند.
۶۹. و پروردگار تو می‌داند آنچه پنهان می‌دارد سینه‌های ایشان و آنچه آشکارا می‌کنند.
۷۰. و اوست خدا؛ نیست هیچ معبودی به حق غیر او؛ او راست ستایش در دنیا و آخرت و او راست فرمانروایی و به سوی او بازگردانیده شوید.
۷۱. بگو: آیا دیدید که اگر گرداند خدای تعالی بر شما شب را پاینده تا روز قیامت، کیست معبودی غیر حق که بیارد پیش شما روشنی را؟ آیا نمی‌شنوید؟
۷۲. بگو: آیا دیدید که اگر گرداند خدای تعالی بر شما روز را پاینده تا روز قیامت، کیست معبودی غیر حق که بیارد به شما شبی که آرام گیرید در آن؟ آیا نمی‌بینید؟
۷۳. و از رحمت خود ساخت برای شما شب و روز تا آرام گیرید در شب و تا روزی طلب کنید از فضل او<sup>۶</sup> و تا شکرگزاری کنید.
۷۴. و روزی که آواز دهد ایشان را، پس گوید: کجايند آن شریکان من که گمان می‌کردید؟
۷۵. و بیرون کشیم از هر امتی گواهی را،<sup>۷</sup> پس گوئیم قوم را بیارید دلیل خود، پس بدانند که حق به جانب خداست و گم کرده شود از ایشان آنچه افترا می‌کردند.
۷۶. هرآینه قارون بود از قوم موسی، پس تعدی کرد بر ایشان و عطا کرده بودیم او را از گنج‌ها آن قدر که کلیدهای او گرانی می‌کرد جماعت صاحب توانایی را، چون گفت به او قوم او: شاد مشو! هرآینه خدا دوست نمی‌دارد شادشوندگان را.

۱ یعنی در عذاب.

۲ یعنی رئیسان کفر.

۳ یعنی بغیر اکراه.

۴ یعنی جواب با صواب نیابند.

۵ یعنی در روز.

۶ یعنی هر پیغامبری بر قوم خود گواهی دهد.

۷۷. و بجوی در آنچه خدا عطا کرده است تو را صلاح سرای آخرت و فراموش مکن حصّه خود را از دنیا<sup>۱</sup> و نیکوکاری کن؛ چنانکه احسان کرده است خدا بر تو و مجوی فساد در زمین، هرآینه خدا دوست نمی‌دارد فسادکنندگان را.
۷۸. گفت: جز این نیست که داده شده است مرا مال فراوان بنا بر دانشی که نزدیک من است. آیا ندانستی که خدا هلاک کرد پیش از وی از قرن‌ها آن قوم را که تواناتر بود از وی از روی قوّت و بیشتر بود در جمعیت؟ و پرسیده نمی‌شوند گناهکاران از گناهان خویش.<sup>۲</sup>
۷۹. پس بیرون آمد بر قوم خود در آرایش خویش. گفتند آنان که طلب می‌کردند زندگانی دنیا را: ای کاش! ما را باشد مانند آنچه داده شده است قارون را؛ هرآینه وی خداوند نصیب بزرگ است.
۸۰. و گفتند آنان که داده شده ایشان را علم: وای بر شما! ثواب خدا بهتر است مرآن کس را که ایمان آورد و کار شایسته کرد و قرین کرده نمی‌شود به این سخن مگر صابران را.
۸۱. پس فرو بردیم قارون را و سرای او را به زمین، پس نبود برای او هیچ گروهی که نصرت دهند او را غیر خدا و نبود خودش از انتقام کشندگان.
۸۲. و بامداد کردند آنان که آرزو می‌کردند منزلت او را دیروز، می‌گفتند: ای عجب! که خدا گشاده می‌کند رزق را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ می‌سازد و اگر نه آن بودی که انعام کرد خدا بر ما، هرآینه فرو بردی ما را. ای عجب! که رستگار نمی‌شوند کافران.
۸۳. این سرای بازپسین، مقرر می‌کنیم آن را برای آنان که نمی‌طلبند تکبر در زمین و نه فساد و حسن عاقبت، پرهیزگاران راست.
۸۴. هر که بیارد نیکی، پس او راست بهتر از آن و هر که بیارد بدی، پس جزا داده نمی‌شوند آنان که به عمل آوردند خطاها، الا به حسب آنچه می‌کردند.
۸۵. هرآینه خدایی که نازل کرد بر تو قرآن را، البته بازگرداننده است تو را به سوی جای بازگشت.<sup>۳</sup> بگو: پروردگار من داناتر است به آنکه آورد هدایت را و به هر که وی در گمراهی ظاهر است.
۸۶. و توقع نمی‌داشتی که فرود آورده شود به سوی تو کتاب؛ لیکن فروفرستاده شد به سبب رحمتی از پروردگار تو، پس هرگز مشو مددکار کافران.
۸۷. و باز ندارند کافران تو را از تبلیغ آیات خدا بعد از آنکه فرود آورده شد به سوی تو و دعوت کن به سوی پروردگار خویش و هرگز مباش از مشرکان.
۸۸. و مخوان با خدا معبود دیگر را؛ نیست هیچ معبود به حق غیر او. هر چیز هلاک شونده است، مگر روی او. مر او راست فرمانروایی و به سوی او بازگردانیده شوید.

۱ یعنی در دنیا عمل صالح به جا آر.

۲ یعنی در صورت لزوم پاداش مجال عذر نیست؛ والله اعلم.

۳ یعنی آخرت.

۲۹. سوره عنكبوت

در مکه نازل شده و آن شصت و نه آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الم.
۲. آیا پنداشتند مردمان که بگذاشته شوند به مجرد آنکه گویند ایمان آوردیم و ایشان امتحان کرده نشوند؟!
۳. و هرآینه امتحان کردیم آنان را که پیش از ایشان بودند، پس البته متمیز بکند خدا آنان را که راست گفتند و البته متمیز کند دروغگویان را.
۴. آیا گمان کردند آنان که به عمل آوردند خطاها که پیش دستی کنند بر ما. بد چیزی است که بدان حکم می‌کنند!
۵. هر که امید داشته باشد ملاقات خدا را، پس هرآینه میعاد خدا البته آینده است و اوست شنوای دانا.
۶. و هر که جهاد کند، جز این نیست که جهاد می‌کند برای نفع خویش، هرآینه خدا بی‌نیاز است از عالم‌ها.
۷. و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته محو کنیم از سر ایشان خطاهای ایشان را و البته جزا دهیم ایشان را به نیکوترین آنچه می‌کردند.
۸. و امر کردیم آدمی را به نسبت پدر و مادر وی نیک معامله کردن. و اگر کوشش کند با تو ای انسان! تا شریک آری با من آنچه نیست تو را به حقیقت آن دانشی، پس فرمانبرداری ایشان مکن. به سوی من است بازگشت شما، پس خبر دهم شما را به آنچه می‌کردید.
۹. و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته در آریم ایشان را در زمره شایستگان.
۱۰. و از مردمان کسی هست که می‌گوید: ایمان آوردیم به خدا، پس چون تصدیع داده شد او را در راه خدا، شمرد رنج دادن مردمان را مانند عذاب خدا و اگر بیاید فتحی از پروردگار تو، گویند: هرآینه ما با شما بودیم. آیا نیست خدا دانایانتر به آنچه در سینه‌های عالم‌ها است؟
۱۱. و البته ممتاز کند خدا آنان را که ایمان آوردند و البته ممتاز کند منافقان را.
۱۲. و گفتند کافران به مسلمانان: پیروی راه ما کنید و باید که ما برداریم گناهان شما را و نیستند ایشان بردارنده چیزی از گناهان آن جماعت؛ هرآینه ایشان دروغگویانند.
۱۳. و البته بردارند بارهای خویش را و بارها را همراه بارهای خویش و البته سؤال کرده شوند روز قیامت از آنچه اقترأ می‌کردند.<sup>۱</sup>
۱۴. و هرآینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، پس توقف کرد در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال. پس درگرفت به ایشان طوفان و ایشان ستمکار بودند.
۱۵. پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و ساختیم کشتی را نشانه‌ای برای عالم‌ها.
۱۶. و فرستادیم ابراهیم را وقتی که گفت به قوم خود: پرستش خدا کنید و بترسید از وی، این بهتر است شما را اگر می‌دانید.

۱ یعنی بار گمراه شدن و گمراه کردن بردارند و بار تابعان از سر ایشان دفع نکند.

۱۷. جز این نیست که می‌پرستید به جز خدا بتان را و برمی‌بندید دروغ را؛ هر آینه آنان که پرستش می‌کنید بجز خدا نمی‌توانند برای شما روزی دادن پس طلب کنید از نزدیک خدا روزی را و پرستش او کنید و شکر او بجا آرید. به سوی او بازگردانیده خواهید شد.
۱۸. و اگر دروغ می‌شمردید، پس هر آینه دروغ شمرده بودند امت‌ها پیش از شما. و نیست بر پیغمبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا.
۱۹. آیا ندیدند چگونه نو می‌کند خدا آفرینش را، باز دیگر بار کند آفرینش؟ هر آینه این کار بر خدا آسان است.
۲۰. بگو: سیر کنید در زمین، پس درنگرید چگونه نو کرد آفرینش را، باز خدا پیدا کند آن پیدایش را بازپسین. هر آینه خدا بر هر چیز تواناست.
۲۱. عذاب کند هر که را خواهد و رحم کند بر هر که خواهد و به سوی او بازگردانیده خواهید شد.
۲۲. و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان و نیست شما را بجز خدا هیچ دوست و نه یاری دهنده.
۲۳. و آنان که کافر شدند به آیات خدا و به ملاقات او، آن جماعت نومید شدند از رحمت من و آن جماعت ایشان راست عذاب درد دهنده.
۲۴. پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آنکه گفتند: بکشید او را یا بسوزانید او را. پس برهانید خدا او را از آتش؛ هر آینه در این ماجرا نشانه‌هاست برای گروهی که باور می‌دارند.
۲۵. و گفت ابراهیم: جز این نیست که بت گرفته‌اید بجز خدا به جهت دوستی در میان خویش در زندگانی دنیا. باز روز قیامت نامعتقد شود بعضی شما به بعضی و لعنت کند بعضی شما بعضی را و جای شما دوزخ است و نیست شما را هیچ یاری دهنده.
۲۶. پس باور داشت ابراهیم را لوط و گفت ابراهیم: هر آینه هجرت کننده‌ام به سوی پروردگار خویش. هر آینه وی غالب با حکمت است.
۲۷. و عطا کردیم او را اسحاق و یعقوب و مقرر داشتیم در اولاد وی پیغامبری و کتاب را و دادیم او را مزد او در دنیا و هر آینه وی در آخرت از شایستگان است.
۲۸. و فرستادیم لوط را وقتی که گفت به قوم خود: هر آینه شما به عمل می‌آرید کار بی‌حیایی را که پیش‌دستی نکرده است بر شما به سوی آن هیچ کس از عالم‌ها.
۲۹. آیا شما به قصد شهوت می‌آیید به مردان و قطع طریق می‌کنید و به عمل می‌آرید در مجلس خویش کار ناپسندیده؟ پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند: بیار پیش ما عذاب خدا را اگر هستی از راست‌گویان.
۳۰. گفت: ای پروردگار من! نصرت ده مرا بر قوم مفسدان.
۳۱. و وقتی آوردند فرستادگان ما پیش ابراهیم مژده را، گفتند: هر آینه ما هلاک کننده اهل این دیه‌ایم؛ هر آینه اهل این دیه ستمکار بودند.
۳۲. گفت ابراهیم: هر آینه در آنجا لوط است. گفتند: ما داناتریم به هر که آنجاست؛ البته خلاص کنیم او را و اهل او را الا زن وی؛ باشد از باقی ماندگان.
۳۳. و وقتی که آمدند فرستادگان ما پیش لوط، اندوهگین کرده شد به سبب ایشان و تنگدل شد به سبب ایشان و گفتند آن فرستادگان: مترس و اندوه مخور! هر آینه نجات‌دهنده تو و اهل تویم مگر زن تو؛ باشد از باقی ماندگان.

۳۴. هرآیینہ ما فرود آرندہ ایم بر اهل این دیہ عقوبتی را از آسمان به سبب آنکہ بدکاری می کردند.
۳۵. و هرآیینہ گذاشتیم از آن دیہ نشانه‌ای واضح برای گروهی کہ درمی یابند.
۳۶. و فرستادیم به سوی مدین برادر ایشان، شعیب را، پس گفت: ای قوم من! عبادت خدا کنید و توقع دارید روز بازپسین را و هر سو مگردید در زمین، فسادکنان.
۳۷. پس دروغی داشتند او را، پس درگرفت ایشان را زلزله، پس بامداد کردند در خانه‌های خویش مرده افتاده.
۳۸. و هلاک کردیم عاد و ثمود را و هرآیینہ واضح شده است شما را بعض مساکن ایشان و آراسته ساخته بود برای ایشان شیطان کردارهای ایشان را، پس بازداشت ایشان را از راه و ایشان بینا بودند.
۳۹. و هلاک کردیم قارون و فرعون و هامان را و هرآیینہ آمده بود به ایشان موسی با نشانه‌های واضح، پس تکبر کردند در زمین و نبودند سبقت کنندگان.
۴۰. پس هر یکی را گرفتار ساختیم به وبال گناہش. پس از ایشان کسی بود کہ فرستادیم بر وی باد سنگبار و از ایشان کسی بود کہ گرفت او را آواز سخت و از ایشان کسی بود کہ فرو بردیمش به زمین و از ایشان کسی بود کہ غرق ساختیم و هرگز ممکن نبود کہ خدا ظلم کند بر ایشان ولیکن ایشان بر خویش ستم می کردند.
۴۱. داستان آنان کہ دوستان گرفته‌اند به غیر خدا، همچون داستان عنکبوت است کہ فراگرفت خانه‌ای و هرآیینہ سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است اگر می دانستند.<sup>۱</sup>
۴۲. هرآیینہ خدا می‌داند حال چیزی کہ می‌پرستند بجز وی از هرچه باشد و اوست غالب باحکمت.
۴۳. و این داستان‌ها، بیان می‌کنیم آن را برای مردمان و نمی‌فهمند آن را مگر دانایان.
۴۴. آفرید خدا آسمان‌ها و زمین را به تدبیر درست، هرآیینہ در این کار نشانه‌ای است برای مسلمانان.
۴۵. بخوان [یا محمد]، آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو از کتاب و برپادار نماز را، هرآیینہ نماز منع می‌کند از کار بی‌حیایی و فعل ناپسندیده و هرآیینہ یاد کردن خدا بزرگتر است از همه و خدا می‌داند آنچه می‌کنید.
۴۶. و مکابره مکنید با اهل کتاب؛ الا به خصلتی کہ وی نیک است، مگر با آنان کہ ستم کردند از ایشان و بگوئید: ایمان آوردیم به آنچه فرودآورده شد به سوی ما و آنچه فرودآورده شد به سوی شما و معبود ما و معبود شما یکی است و ما او را منقادیم.
۴۷. چنان کہ کتاب‌های سابق فرود آورده بودیم، همچنان فرود آوردیم به سوی تو کتاب. پس آنان کہ دادیم ایشان را کتاب ایمان می‌آرند به آن و از عرب کسی هست کہ ایمان می‌آرد بدان و انکار نمی‌کنند آیات ما را مگر کافران.
۴۸. و نمی‌خواندی پیش از نزول قرآن هیچ کتاب را و نمی‌نوشتی هیچ کتاب را به دست راست خود، آنگاه در شک می‌افتادند این بدکیشان.
۴۹. بلکه [قرآن] آیات روشن است، محفوظ در سینه‌های آنان کہ داده شده ایشان را علم و انکار نمی‌کنند آیات ما را مگر ستمکاران.<sup>۲</sup>

۱ مترجم گوید: حاصل مثل آن است کہ ایشان به بتان پناه برده‌اند و بتان هیچ نفع ندهند؛ چنانکہ خانه عنکبوت هیچ فائده نمی‌دهد.

۲ مترجم گوید: بعض مفسران گفته‌اند کہ مراد از «الذین اوتو العلم» به تنها ذات حضرت پیغامبرست، صلی الله علیه و سلم؛ والله اعلم.

۵۰. و گفتند: چرا نفرستاده شد بر این پیغامبر نشانه‌ها از جانب پروردگار وی؟ بگو: جز این نیست که نشانه‌ها نزدیک پروردگار من است و جز این نیست که من ترساننده آشکارم.
۵۱. آیا کفایت نکرده است ایشان را آنکه فرستادیم بر تو کتاب که خوانده می‌شود بر ایشان، هر آینه در این مقدمه رحمت و پند است برای قومی که باور می‌دارند.
۵۲. بگو: بس است خدا گواه میان من و میان شما. می‌داند آنچه در آسمان‌ها و زمین است و آنان که ایمان آوردند به ناحق و کافر شدند به خدا، آن جماعت ایشانند زیانکاران.
۵۳. و شتاب می‌طلبند از تو عذاب را و اگر نبودی می‌عادی معین، البته آمدی بدیشان عذاب و هر آینه بیاید بدیشان ناگهان و ایشان ندانند.
۵۴. شتاب طلب می‌کنند از تو عذاب را و هر آینه دوزخ درگیرنده است کافران را.
۵۵. روزی که ببوشاند ایشان را عذاب از بالای ایشان و از زیر پای ایشان و بگوید خدای: بچشید جزای آنچه می‌کردید.
۵۶. ای بندگان مسلمانان من! هر آینه زمین من گشاده است، پس مرا بخصوص عبادت کنید.
۵۷. هر شخصی چشنده مرگ است. باز به سوی ما گردانیده شوید.
۵۸. و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته فرود آریم ایشان را از بهشت به محل‌های بلند؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا. نیک است مزد این عمل‌کنندگان.
۵۹. آنان که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل می‌کنند.
۶۰. و بسا جانور که بر نمی‌دارد روزی خود را؛ خدا روزی می‌دهد او را و شما را نیز و اوست شنوای دانا.
۶۱. و اگر سؤال کنی ایشان را که کیست آن که آفرید آسمان‌ها و زمین و رام گردانید آفتاب و ماه را؟ البته گویند: آن خدای است. پس از چه جهت گردانیده می‌شوند از راه توحید؟
۶۲. خدا فراخ می‌کند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ می‌سازد برای هر که خواهد. هر آینه خدا به هر چیز دانا است.
۶۳. و اگر بپرسی ایشان را کیست آن که فرود آورد از آسمان آب را، پس زنده ساخت به سبب آن زمین را بعد از مردن آن؟ البته بگویند: آن خداست. بگو: ستایش خدای راست؛ بلکه بیشترین ایشان نمی‌فهمند.
۶۴. و نیست این زندگانی دنیا مگر بازی و بیهوده و هر آینه سرای آخرت همون است زندگانی، اگر می‌دانستند.
۶۵. پس ایشان چون سوار شدند در کشتی‌ها، دعا کنند به جانب خدا، خالص کنان برای وی عبادت را. پس وقتی که نجات دادیم ایشان را به سوی زمین خشک، ناگهان ایشان شریک می‌آرند.
۶۶. تا ناسپاسی کنند به آنچه عطا کردیم ایشان را و تا بهره‌مند شوند.<sup>۲</sup> پس حقیقت حال را خواهند دانست.
۶۷. آیا ندیدند که ما پیدا کردیم حرم باامن را و رבוده می‌شوند مردمان از حوالی ایشان؟ آیا بی‌اصل را باور می‌دارند و به نعمت خدا ناسپاسی می‌کنند؟!

۱ مترجم گوید: خدای تعالی ترغیب می‌فرماید بر هجرت حبشه و مدینه به این آیات.  
 ۲ یعنی به درستی یکدیگر به سبب اجتماع بر شرک بهره‌مند شوند.

۶۸. و کیست ستمکارتر از کسی که افتری کرد بر خدا دروغی را یا دروغ داشت سخن راست را چون بیاید پیش او؟ آیا نیست در دوزخ جایی کافران را؟  
 ۶۹. و آنان که جهاد کردند در راه ما، البته دلالت کنیم ایشان را به راه‌های خود. و هرآینه خدا با نیکوکاران است.

۳۰. سوره روم

در مکه نازل شده و آن شصت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الم<sup>۱</sup>
۲. مغلوب شدند قوم روم.
۳. در نزدیکترین زمین<sup>۲</sup> و ایشان بعد از مغلوب شدن خود غالب خواهند آمد.
۴. در چند سال. خدای راست فرمان پیش از این و پس از این و آن روز شادمان شوند مسلمانان.
۵. به نصرت خدا؛ نصرت می‌دهد هر که را خواهد و اوست غالب مهربان.
۶. وعده کرده است خدا، خلاف نمی‌کند خدا وعده خود را ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند.
۷. می‌دانند ظاهر را از تدبیر زندگی دنیا و ایشان از آخرت بی‌خبراند.
۸. آیا تأمل نکردند در ضمیر خود که نیافریده است خدا آسمان‌ها و زمین را و آنچه در میان آن هر دو است، مگر به تدبیر درست و به تعیین میعاد مقرر؟ و هرآینه بسیاری از مردمان به ملاقات پروردگار خویش نامعتقدند.
۹. آیا سیر نکردند در زمین، پس بنگرند چگونه شد عاقبت آنان که پیش از ایشان بودند؟ بودند تواناتر از ایشان و شورانیدند زمین را و آباد کردند آن را بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را و آمدند بدیشان پیغامبران ایشان به معجزه‌ها. پس ممکن نبود که خدا ستم کند بر ایشان ولیکن ایشان بر خویشان ستم می‌کردند.
۱۰. باز حال بد، عاقبت آن کسان شد که بدی کردند به سبب آنکه دروغ داشتند آیات خدا را و به آن استهزاء می‌کردند.
۱۱. خدا نو پیدا می‌کند آفرینش؛ باز دوباره کندش، باز به سوی او گردانیده شوید.
۱۲. و روزی که قائم شود قیامت ملزم شده، خاموش مانند گناهکاران.
۱۳. و نباشد برای ایشان از شریکان ایشان هیچ شفاعت کننده و باشند به شریکان خویش، نامعتقد.
۱۴. و روزی که قائم شود قیامت، آن روز پراکنده شوند مردمان.

۱ مترجم گوید: فارس بر روم غالب شدند و بعضی بلاد و سرحد را در تصرف خود آوردند. چون این خبر به مکه رسید، اهل اسلام آندوهگین شدند؛ زیرا که ایشان اهل کتاب بودند و کفار شادمان گشتند، زیرا که ایشان و اهل فارس امیان بودند. خدای تعالی آیات نازل فرمود و به غلبه روم بر اهل فارس بشارت داد و این در چند سال بعد هجرت متحقق شد و این قصه یکی از دلایل نبوت است.  
 ۲ یعنی در سرحد خود.

۱۵. اما آنان که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند، پس ایشان در بهشت خوشحال کرده شوند.
۱۶. و اما آنان که کافر شدند و دروغ داشتند آیات ما را و ملاقات آخرت را، پس ایشان در عذاب، حاضر گردانند.
۱۷. پس پاکی است خدا را وقتی که شام می‌کنید و وقتی که به صبح درمی‌آیید.
۱۸. و مر او راست ستایش در آسمان‌ها و زمین و آخر روز و آنگاه که در وقت زوال درمی‌آیید.<sup>۱</sup>
۱۹. برمی‌آرد زنده را از مرده و برمی‌آرد مرده را از زنده و زنده می‌سازد زمین را بعدِ مردنِ آن و همچنین برآورده خواهید شد (یعنی از قبور).
۲۰. و از نشانه‌های خدا آن است که آفرید شما را از خاک، باز ناگهان شما مردم شدید جابه‌جا پراکنده شده.
۲۱. و از نشانه‌های خدا آن است که بیافرید برای شما از جنس شما زنان را تا آرام بگیرید به سوی ایشان متوجه شده و پیدا کرد میان شما دوستی و مهربانی، هرآیین در این کار نشانه‌هاست برای گروهی که تأمل می‌کنند.
۲۲. و از نشانه‌های اوست آفریدن آسمان‌ها و زمین و گوناگون بودن زبان‌های شما و رنگ‌های شما، هرآیین در این کار نشانه‌هاست دانشمندان را.
۲۳. و از نشانه‌های اوست خفتن شما در شب و روز و رزق طلب کردن شما از فضل او، هرآیین در این کار نشانه‌هاست برای قومی که می‌شنوند.
۲۴. و از نشانه‌های اوست که می‌نماید به شما برق را از برای ترسانیدن و رغبت دادن و فرود می‌آرد از آسمان آب را، پس زنده می‌کند به سبب آن زمین را بعد از مردن آن. هرآیین در این کار نشانه‌هاست برای قومی که می‌فهمند.
۲۵. و از نشانه‌های خدا است که می‌ایستد آسمان و زمین به حکم او، باز چون بخواند شما را یک بار خواندن، ناگهان شما از زمین برآیید.
۲۶. و مر او راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، هر یکی برای او فرمانبردارند.
۲۷. و اوست آن که نو می‌کند آفرینش را، باز دوباره کندش و این دوباره کردن آسانتر است بر وی و مر او راست صفت بلندتر در آسمان‌ها و زمین و اوست غالب باحکمت.
۲۸. بیان کرد برای شما داستانی از حال شما. آیا هست برای شما از بندگانی که مالک ایشان است دست شما، هیچ شریکی در آنچه عطا کردیم شما را، تا شما در آن یکسان باشید. بترسید از ایشان مانند ترسیدن از قوم خویش. همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها برای قومی که می‌فهمند.<sup>۲</sup>
۲۹. بلکه پیروی کردند ستمکاران خواهش نفس خود را به غیر علم. پس که راه نماید کسی را که گمراه کرد خدا؟ و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده.
۳۰. پس راست کن روی خود را برای عبادت حنیف شده. پیروی کن دین خدا را که پیدا کرد مردمان را بر وی. بدل کردن نبود دین خدا را. این است دین درست ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند.
۳۱. عبادت کنید رجوع کرده به سوی وی و بترسید از وی و برپا دارید نماز را و مباشید از مشرکان.

۱ مترجم گوید: مراد آن است که در هر وقتی ازین اوقات، دلالتِ تنزیه او از ذائل و انصافِ او به حمائد، متجددمی‌گردد؛ پس مأمور شدند به صلوة؛ والله اعلم.

۲ حاصل مثل آن است که مملوک با مالک برابر نمی‌شود؛ پس مملوکِ خدا را شریک او نتوان گفت.



۳۲. مباشید از آنان که پراکنده ساختند دین خود را و شدند گروه گروه هر گروهی به آنچه نزدیک اوست خرسند است.
۳۳. و چون برسد به مردمان، سختی، بخوانند پروردگار خود را رجوع کرده به سوی وی؛ باز چون بپخشاند ایشان را از جانب خود آسایشی، ناگهان طایفه‌ای از ایشان به پروردگار خود شریک می‌آرند.
۳۴. عاقبت حال ایشان آنکه ناسپاسی کنند به آنچه عطا کردیم به ایشان. پس بهره‌مند شوید، پس زود حقیقت حال خواهید دانست.
۳۵. آیا فرود آوردیم بر ایشان دلیلی، پس آن دلیل بیان می‌کند برای ایشان به آنچه با خدا شریک می‌آرند؟
۳۶. و چون بپخشانیم مردمان را بخشایشی، شادمان شوند به آن و اگر برسد بدیشان سختی به سبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان، ناگهان ایشان ناامید می‌شوند.
۳۷. آیا ندیدند که خدا گشاده می‌کند روزی را برای هر که می‌خواهد و تنگ می‌کند برای هر که می‌خواهد؟ هر آینه در این مقدمه نشانه‌هاست برای قومی که ایمان می‌آرند.
۳۸. پس بده صاحب خویشی را حق وی و مسکین را و رهگذری را؛ این دادن بهتر است برای کسانی که می‌طلبند روی خدا را و این جماعت، ایشانند رستگار.
۳۹. و آنچه داده باشید از سود تا بیفزاید در اموال مردمان، پس وی نمی‌افزاید نزدیک خدا و آنچه داده باشید از صدقه طلب‌کنان روی خدا را، پس این جماعت ایشانند دو چند کننده.<sup>۱</sup>
۴۰. خدا آن است که بیافرید شما را، باز روزی داد شما را، باز بمیراند شما را، باز زنده گرداند شما را. آیا از شریکان شما کسی هست که بکند از این کار چیزی؟ پاکی او راست و بلندتر است از آنچه شریک می‌آرند.
۴۱. پیدا شد فساد در بیابان و در دریا به سبب آنچه به عمل آورد دست مردمان تا بپخشانید ایشان را جزای بعضی آنچه عمل کردند، بود که ایشان بازگردند.<sup>۲</sup>
۴۲. بگو: سیر کنید در زمین. پس درنگرید چگونه بود انجام آنان که پیش از ایشان بودند بودند بیشترین ایشان مشرکان.
۴۳. پس راست کن روی خود را برای دین درست، پیش از آنکه بیاید روزی که بازگشتن نیست آن را از جانب خدا، آن روز متفرق شوند.
۴۴. هر که کافر شد، پس بر وی است ضرر کفر او و هر که کرده باشد کار شایسته، پس این جماعت برای خویشتن، آرامگاه راست می‌کنند.
۴۵. تا جزا دهد خدا آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از فضل خود، هر آینه وی دوست نمی‌دارد کافران را.
۴۶. و از نشانه‌های خدا آن است که می‌فرستد بادهای مژده دهنده و برای آنکه بپخشاند شما را از رحمت خود (یعنی باران دهد) و برای آنکه جاری شوند کشتی‌ها به فرمان او و برای اینکه روزی طلب کنید از فضل او و برای آنکه شما شکر کنید.
۴۷. و هر آینه پیش از تو فرستادیم پیغامبران را به سوی قوم ایشان، پس آوردند پیش قوم خود نشانه‌ها، پس انتقام کشیدیم از آنان که نافرمانی کردند و بود نصرت مسلمانان لازم بر ما.

۱ مترجم گوید: مالی را که به شرط زیادت بدهند، ربا نام نهاده شد.  
 ۲ یعنی قحط غرق و سائر مصائب، جزای قتل بنی آدم می‌باشد.

۴۸. خدا آن است که می‌فرستد بادها را. پس برانگیزاند ابر را؛ پس خدا بگستراند آن ابر را در آسمان چنانکه خواهد و بگرداندش پاره‌پاره، پس می‌بینی که قطرات بیرون می‌آیند از میان آن، پس چون رساندش به هر که خواهد از بندگان خود ناگهان ایشان شادمان شوند.
۴۹. و اگرچه بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان [باران] ناامید شوند.
۵۰. پس درنگر به سوی آثار رحمت خدا؛ چگونه زنده می‌کند زمین را بعد مرده بودن آن، هرآینه وی البته زنده کننده مردگان است و او بر همه چیز تواناست.
۵۱. و اگر فرستیم بادی، پس ببینند آن کشت را زرد شده، البته شوند بعد از آن ناسپاسی کننده.
۵۲. پس هرآینه تو نمی‌شنوایی مردگان را و نمی‌شنوایی کران را آواز خواندن، چون روی بگرداند پشت داده.
۵۳. و نیستی تو راه نماینده کوران را از گمراهی ایشان. نمی‌شنوایی مگر کسی را که باور می‌دارد آیات ما را، پس آن جماعت انقیاد کننده‌اند.
۵۴. خدا آن است که آفرید شما را از ابتدای ناتوانی، باز داد مر شما را بعد از ناتوانی، توانایی؛ باز داد مر شما را بعد از توانایی، ناتوانی و سپیدی مو، می‌آفریند هرچه می‌خواهد و اوست دانای توانا.
۵۵. و روزی که قایم شود قیامت، سوگند خورند گناهکاران که توقف نکردند (یعنی در دنیا) بجز ساعتی، همچنین از راه برگردانیده می‌شوند.<sup>۱</sup>
۵۶. و گویند آنان که علم و ایمان داده شده است ایشان را: هرآینه توقف کرده‌اید بر وفق کتاب خدا تا روز رستخیز؛ پس این است روز رستخیز ولیکن شما نمی‌دانستید.
۵۷. پس آن روز سود ندهد ظالمان را عذرخواهی ایشان و نه ایشان توبه‌طلب کرده شوند.
۵۸. و هرآینه بیان کردیم برای مردمان در این قرآن هر داستانی و اگر بیاری پیش ایشان نشانه‌ای، گویند کافران: نیستید شما مگر بیهوده‌گو.
۵۹. همچنین مَهْری می‌نهد خدا بر دل آنان که نمی‌دانند.
۶۰. پس صبر کن، هرآینه وعده خدا راست است و سبکسار نکنند تو را آنان که یقین نمی‌آرند.

### ۳۱. سوره لقمان

در مکه نازل شده و آن سی و چهار آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الم.
  ۲. این آیت‌های کتاب باحکمت است.
  ۳. هدایت و بخشایش برای نیکوکاران.
  ۴. آنان که برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان به آخرت یقین می‌دارند.
- ۱ یعنی چون عقوبات مخلده معاینه کردند دنیا را به مشابه ساعتی خیال نمودند، برعکس آنکه در حیات دنیا را به مشابه خلود خیال می‌کردند؛ والله اعلم.

۵. این جماعت بر هدایت‌اند، آمده از پروردگار ایشان و این جماعت، ایشانند رستگاران.
۶. و از مردمان کسی هست که می‌ستاند سخنی را که برای بازی است<sup>۱</sup> تا گمراه کند مردم را از راه خدا به غیر علم و تمسخر گیرد راه خدا را. این جماعت، ایشان راست عذاب خوارکننده.
۷. و چون خوانده شود بر این شخص آیات ما، رو بگرداند تکبرکنان. گویا نشنیده است آن را؛ گویا در هر دو گوش وی گرانی است. پس خیر ده او رابه عذاب درد دهنده.
۸. هرآیین آنان که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند، ایشان راست بهشت‌های نعمت.
۹. جاویدان آنجا. وعده داده است خدا، وعده راست و اوست غالب باحکمت.
۱۰. آفرید آسمان‌ها به غیر ستون‌ها که ببینید آن را و افکند در زمین کوه‌ها برای احتراز از آنکه بچینانند شما را و پراکنده کرد در زمین از هر نوع جانور، و فرود آوردیم از آسمان، آبی. پس رویانیدیم در زمین از هر جنس نیک.
۱۱. این است آفرینش خدا، پس بنمایید مرا چه چیز آفریدند آنان که بجز وی‌اند؟ بلکه ستمکاران در گمراهی ظاهرند.
۱۲. و هرآیین عطا کردیم لقمان را حکمت. گفتیم که شکر کن خدا را، و هر که شکر کند، پس جز این نیست که شکر می‌کند برای نفع خود و هر که ناسپاسی کند، پس هرآیین خدا بی‌نیاز ستوده‌کار است.
۱۳. و یاد کن چون گفت لقمان به پسر خود و او پند می‌داد آن پسر را: ای پسرک من! شریک مقرر مکن با خدا، هرآیین شرک ستمی بزرگ است.
۱۴. و حکم فرمودیم آدمی را به نسبت پدر و مادر وی. در شکم برداشته است وی را مادر وی در حال سستی بالای سستی دیگر<sup>۲</sup> و از شیر باز کردن او در دو سال است، [به این مضمون] که شکرگزاری کن مرا و پدر و مادر خود را. به سوی من است بازگشت.
۱۵. و اگر کوشش کنند با تو بر آنکه شریک مقرر کنی با من چیزی که نیست تو را به حقیقت آن دانش، پس فرمانبرداری ایشان مکن و صحبت دار با ایشان در معیشت دنیا به وجه پسندیده و پیروی کن راه کسی که رجوع دارد به سوی من؛ باز به سوی من است رجوع شما، پس بی‌گاهانم شما را به آنچه می‌کردید.
۱۶. [گفت لقمان:] ای پسرک من! هرآیین خطیه اگر باشد هم سنگ دانه‌ای از سپندان، پس باشد در میان سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین، به هر حال حاضر کند آن را خدا، هرآیین خدا باریک‌بین خبردار است.
۱۷. ای پسرک من! برپادار نماز را و بفرما به کار پسندیده و منع کن از ناپسندیده و صبر کن بر هر چه برسد به تو، هرآیین این مقدمه از کارهای مقصود است.
۱۸. و متاب رخساره خود را از طرف مردمان (یعنی به تکبر) و راه مرو در زمین، خرامان؛ هرآیین خدا دوست نمی‌دارد هر نازنده خودستاینده را.
۱۹. و میانه‌روی کن در رفتار خود و فرودار آواز خود را، هرآیین بدترین آوازه‌ها آواز خران است.
۲۰. آیا ندیدید که خدا رام گردانید برای شما آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و تمام فرود آورد بر شما نعمت‌های خود را آشکارا و پنهان؟ و از مردمان کسی هست که مکابره می‌کند در باب خدا به غیر دانش و به غیر هدایت و به غیر کتاب روشن.

۱ یعنی مثل قصه رستم و اسفندیار.

۲ یعنی هر وقت سست‌تر می‌شود؛ والله اعلم.

۲۱. و چون گفته شود به ایشان که پیروی کنید چیزی را که فرود آورد خدا، گویند: بلکه پیروی کنیم چیزی را که یافتیم بر آن پدران خود را. آیا پیروی می‌کنند اگر چه شیطان می‌خواند ایشان را به سوی عذاب دوزخ؟
۲۲. و هر که متوجه ساخت روی خود را به سوی خدا و وی نیکوکار است، پس هر آینه دست زده است به دست آویزی محکم و به سوی خدا است بازگشت کارها.
۲۳. و هر که کافر شود، پس اندوهگین نکند تو را کفر وی. به سوی ماست رجوع ایشان، پس خبردار کنیم ایشان را به آنچه می‌کردند، هر آینه خدا دانا است به خصلتی که در سینه‌ها باشد.
۲۴. بهره‌مند می‌سازیم ایشان را اندکی، باز به بیچارگی برانیم ایشان را به سوی عذاب سخت.
۲۵. و اگر سؤال کنی از ایشان: کیست که بیافرید آسمان‌ها و زمین را؟ البته بگویند: خدا آفرید. بگو: ستایش خدا راست. بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند.
۲۶. خدای راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، هر آینه خدا همان است بی‌نیاز ستوده.
۲۷. و اگر آنچه در زمین است از درختان، قلم‌ها شوند و دریا سیاهی بود، زیاده می‌کند آن را بعد از این دریا هفت دریای دیگر، به پایان نرسند سخنان خدا. هر آینه خدا غالب باحکمت است.
۲۸. نیست آفریدن شما و نه برانگیختن شما، الا مانند آفریدن و برانگیختن یک تن. هر آینه خدا شنوای بیناست.
۲۹. آیا ندیدی که خدا درمی‌آرد شب را در روز و درمی‌آرد روز را در شب و رام گردانید آفتاب و ماه را، هر یکی می‌رود تا مدتی معین؟ و آیا ندیدی که خدا به آنچه می‌کنید خبردار است؟
۳۰. این کارها به سبب آن است که خدا همونست ثابت و به سبب آن است که آنچه می‌پرستند بجز وی، بی‌اصل است و به سبب آن است که خدا همونست بلندمرتبه بزرگ قدر.
۳۱. آیا ندیدی که کشتی‌ها می‌رود در دریا به فضل خدا تا بنماید بعض نشانه‌های خویش. هر آینه در این مقدمه نشانه‌هاست هر صبر کننده سپاس دارنده را.
۳۲. و چون درگیرد ایشان را موج مانند سایبان‌ها، بخوانند خدای را خالص کرده برای او عبادت. پس آنگاه که نجات داد ایشان را به سوی بیابان، پس بعض ایشان میانه‌رو باشند. و انکار نمی‌کند آیات ما را مگر هر عهد شکننده ناسپاس دارنده.
۳۳. ای مردمان! بترسید از پروردگار خویش و حذر کنید از روزی که کفایت نکند هیچ پدر به جای پسر خویش و نه فرزندی کفایت کننده باشد به جای پدر خود چیزی را. هر آینه وعده خدا راست است؛ پس فریب ندهد شما را زندگانی دنیا و فریب ندهد شما را در مقدمه خدا شیطان فریبنده.
۳۴. هر آینه خدا نزدیک اوست علم قیامت و فرومی‌فرستد باران را و می‌داند آنچه در شکم حامله‌ها باشد، و نمی‌داند هیچ شخصی که چکار خواهد کرد فردا و نمی‌داند هیچ شخصی که به کدام زمین خواهد مرد. هر آینه خدا دانای خبردار است.

## ۳۲. سوره سجده

در مکه نازل شده و آن سی آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. الم.
۲. فرود آوردن کتاب، هیچ شبهه نیست در آن، از جانب پروردگار عالم‌هاست.
۳. آیا می‌گویند بر بافته است آن را؟ بلکه وی راست آمده از جانب پروردگار تو تا ترسانی قومی را که نیامده است به ایشان هیچ ترساننده پیش از تو؛ تا بود که ایشان راه یابند.
۴. خدا آن است که آفرید آسمان‌ها و زمین و آنچه مابین آنهاست در شش روز، باز قرار گرفت بر عرش. نیست شما را بجز وی هیچ دوستی و نه شفاعت کننده. آیا پندپذیر نمی‌شوید؟
۵. تدبیر می‌کند کار را فرود آورده از آسمان به سوی زمین، باز بالا می‌رود آن کار به سوی خدا در روزی که هست مقدار آن هزار سال از آن حساب که می‌شمارید.
۶. این است صفت داننده نهران و آشکارا، غالب مهربان.
۷. آن که به نیک‌ترین وجه ساخت هر چیزی را که آفریدش و نو کرد آفرینش آدمی را از گل.
۸. باز پیدا کرد نسل او را از خلاصه‌ای از آب خوار.
۹. باز درست اندام کردش و دمید در وی روح خود را و پیدا کرد برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها، اندکی شکر می‌کنید.
۱۰. و گفتند: چون گم شویم در زمین آیا ما در آفرینش نو خواهیم بود؟ بلکه ایشان به ملاقات پروردگار خویش کافراند.
۱۱. بگو: قبض روح شما می‌کند ملک‌الموت که گماشته شده است بر شما، باز به سوی پروردگار خویش گردانیده شوید.
۱۲. و تعجب کنی اگر درنگری وقتی که گناهکاران، نگویند سر خویش باشند نزد پروردگار خویش. گویند: ای پروردگار ما! دیدیم و شنیدیم. پس بازگردان ما را تا بکنیم کار شایسته، هر آینه ما یقین کننده‌ایم.
۱۳. و اگر می‌خواستیم، البته می‌دادیم هر شخصی را هدایت او ولیکن ثابت شد وعده‌ای از جانب من که هر آینه پر کنم دوزخ را از جنیان و آدمیان، همه یکجا.
۱۴. پس بچشید این عذاب به سبب آنکه فراموش کردید ملاقات این روز خود را. هر آینه ما نیز فراموش کردیم شما را و بچشید عذاب دادیم به سبب آنچه می‌کردید.
۱۵. جز این نیست که ایمان می‌آرند به آیات ما آنان که چون پند داده می‌شوند به آن، نگویند افتند سجده‌کنان و به پاکی یاد کنند با ستایش پروردگار خویش و ایشان تکبر نمی‌کنند.
۱۶. دور می‌ماند پهلوی ایشان از خوابگاه، می‌خوانند پروردگار خود را به ترس و امیدواری و از آنچه روزی دادیم ایشان را، خرج می‌کنند.

۱ یعنی اگر مردمان نزول تدبیر و عروج او تصور کنند، در کم از هزار سال خیال ننمایند و آن همه پیش خدای تعالی در یک روز تمام می‌شود. غرض آن است که او هام ایشان به قدرت او نمی‌رسند؛ والله اعلم.

۱۷. پس نمی‌داند هیچ نفس چه چیز پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم، پاداش داده شد به آنچه می‌کردند.
۱۸. آیا کسی که مؤمن باشد، مانند کسی است که فاسق باشد؟! برابر نمی‌شوند.
۱۹. اما آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس ایشان راست بهشت‌ها جای ماندن به طریق مهمانی به سبب آنچه می‌کردند.
۲۰. و اما آنان که فاسق بودند، پس جای ایشان دوزخ است. هرگاهی که خواهند که بیرون آیند از آنجا، بازگردانیده شوند در آن و گفته شود به ایشان: بچشید عذاب آتش که آن را دروغ می‌داشتید.
۲۱. و البته بچشانیم ایشان را عذاب نزدیک (یعنی در دنیا) این طرف از عذاب بزرگ. بود که ایشان بازگردند.
۲۲. و کیست ستمکارتر از کسی که پند داده شد به آیات پروردگار خویش، باز روی بگردانید از آن؟ هرآینه ما از گنهکاران انتقام کشنده‌ایم.
۲۳. و هرآینه دادیم موسی را کتاب، پس مباحش در شبهه از ملاقات آن و ساختیم موسی را هدایت برای بنی‌اسرائیل.
۲۴. و پیدا کردیم از ایشان پیشوایان که راه نمودند به فرمان ما؛ وقتی که صبر کردند و به آیات ما یقین می‌آوردند.
۲۵. هرآینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف می‌کردند.
۲۶. آیا واضح نشد ایشان را که چقدر هلاک کردیم پیش از ایشان از قرن‌ها؛ می‌روند ایشان در خانه‌های آن جماعت. هرآینه در این کار نشانه‌ها است. آیا نمی‌شنوند؟
۲۷. آیا ندیدند که ما روان می‌کنیم آب را به سوی زمین بی‌گیاه تا بیرون آریم به سبب آن زراعت را، می‌خورند از آن زراعت، چهارپایان ایشان و خود ایشان نیز؟ آیا نمی‌بینند؟
۲۸. و می‌گویند: کی خواهد بود این فتح اگر راست‌گویید؟!
۲۹. بگو: روز فتح سود ندهد کافران را ایمان آوردن ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند.
۳۰. پس رو بگردان از ایشان و انتظار بکن؛ هرآینه ایشان نیز منتظرانند.

### ۳۳. سوره احزاب

در مدینه نازل شده و آن هفتادوسه آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ای پیغامبر! بترس از خدا و فرمانبرداری مکن کافران را و منافقان را، هرآینه خدا هست دانای باحکمت.
۲. و پیروی کن چیزی را که وحی فرستاده می‌شود به سوی تو از جانب پروردگار تو، هرآینه خدا هست به آنچه می‌کنید خبردار.
۳. و توکل کن بر خدا و خدا وکیل بس است.

۴. نیافریده است خدای تعالی برای هیچ مردی دو دل در داخل بدن او،<sup>۱</sup> و نگردانیده است آن زنان شما را که ظاهر می‌کنید با ایشان مادران شما و نساخته است پسر خوانندگان شما را پسران شما؛ این سخن شماست که می‌گویید به دهان خویش و خدا می‌گوید سخن راست و او دلالت می‌کند بر راه.
  ۵. نسبت کنید پسر خوانندگان را به پدران ایشان، این راست‌تر است نزدیک خدا. پس اگر ندانید پدران ایشان را، پس برادران شمایند در دین و آزادکردگان شمایند<sup>۲</sup> و نیست بر شما گناهی در لفظی که خطا کرده باشید به تکلم آن ولیکن گناه آن است که قصد کرد دل‌های شما و هست خدا آمرزنده مهربان.
  ۶. پیغامبر سزاوارتر است به تصرف در امور مسلمین از ذات‌های ایشان و زنان پیغامبر، مادران ایشانند،<sup>۳</sup> و خداوندان قرابت، بعض ایشان نزدیک‌ترند به بعض در حکم خدا از سایر مسلمانان و هجرت کنندگان؛ لیکن آنکه بکنید به سوی دوستان خود رعایتی، جایز بود؛ این حکم هست در لوح محفوظ نوشته شده.<sup>۴</sup>
  ۷. و یاد کن چون گرفتیم از پیغامبران عهد ایشان را و از تو بگیرتیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی، پسر مریم و گرفتیم از ایشان عهد محکم.
  ۸. تا خدای تعالی بپرسد آن راستگویان را از راستی ایشان و مهیا کرده است برای کافران عذاب درد دهنده.<sup>۵</sup>
  ۹. ای مسلمانان! یاد کنید نعمت خدا را بر خویش وقتی که آمد بر شما لشکرها، پس فرستادیم بر ایشان باد را و لشکرها که ندیدید آن را و هست خدا به آنچه می‌کنید بینا.
  ۱۰. چون آمدند بر شما از جانب بالای شما و از جانب پایین شما و چون خیره ماندند دیده‌ها و برسید دل‌ها به چنبر گردن و گمان می‌کردید به نسبت خدا گمان‌های مختلف.
  ۱۱. آنجا امتحان کرده شد مسلمانان را و جنبانیده شد ایشان را جنبانیدن سخت.
  ۱۲. و چون می‌گفتند منافقان و آنان که در دل ایشان بیماری است: وعده نداد ما را خدا و رسول او مگر به طریق فریب دادن.
  ۱۳. و چون گفتند طایفه از ایشان: ای اهل مدینه! سرای ماندن نیست شما را پس بازگردید. و دستوری می‌طلبد گروهی از ایشان از جانب پیغمبر، می‌گویند: هرآیین خانه‌های ما نامضبوط است و نیستند آن خانه‌ها نامضبوط، نمی‌خواهند مگر گریختن.
  ۱۴. و اگر درآمده می‌شد بر سر ایشان از نواحی آن، پس طلب کرده می‌شد از ایشان خانه جنگی، البته می‌دادند آن را و توقف نمی‌کردند در آن فتنه مگر اندکی.<sup>۶</sup>
- 
۱. مترجم گوید که: درین آیات ردّ است بر قول کافری که مرا دو دل داده‌اند و بر آنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادر، حرام مؤبدی شود و تعریض است به جواب طعن کافران و منافقان به نسبت حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، چون زینب را تزوج فرمود که زن پسر خوانده را به زنی گرفت.
  ۲. یعنی پس به این لقب بخوانید.
  ۳. یعنی در حرمت نکاح.
  ۴. یعنی صلّه ارحام، واجب است و توارث هجرت و اسلام منسوخ شد به توارث به قرابت و ارحام.
  ۵. مترجم گوید: کفار در غزوه احزاب بر مدینه هجوم کردند و آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، به خندق متحصن شدند و از منافقان سخنان نفاق سر زده شد و مخلصان استقامت ورزیدند و آخر فتح اسلام واقع شد خدای تعالی در ذمّ آنان و مدح آنان و منت نهادن برایشان نازل ساخت.
  ۶. مترجم گوید: حاصل کلام آن است که در جهاد توقف می‌کنند و اگر جنگ در مقدمه نفسانی می‌شد، توقف نمی‌کردند.

۱۵. و هر آینه عهد بسته بودند با خدا پیش از این که برنگردانند پشت را و هست عهد خدا پرسیده شده.
۱۶. بگو: سود ندهد شما را گریختن، اگر بگریزید از مرگ یا از کشته شدن و آن هنگام بهره‌مند ساخته نشوید مگر اندکی.
۱۷. بگو: کیست آن که نگاه دارد شما را از تصرف خدا اگر بخواهد در حق شما سختی یا بخواهد در حق شما نعمتی؟ و نیابند برای خویش بجز خدا دوستی و نه یاری دهنده.
۱۸. هر آینه خدا می‌داند بازدارندگان را از شما و گویندگان را به برادران خویش که بیایید به سوی ما و حاضر نمی‌شوند به کارزار، مگر اندکی.
۱۹. بخل‌کنان به نسبت شما<sup>۱</sup> پس چون بیاید ترس، ببینی که ایشان در می‌نگرند به سوی تو؛ می‌گردد چشمهای ایشان مانند کسی که بیهوش کرده شود از سختی موت. پس چون برود ترس، زبان درازی کنند بر شما به زبان‌های تیز بخل‌کنان بر مال. این جماعت ایمان نیاوردند، پس خدا نابود ساخت کردارهای ایشان را و هست این کار بر خدا آسان.
۲۰. می‌پندارند که لشکرهای کفار نرفته‌اند و اگر بیایند لشکرها، تمنا کنند: کاش ایشان صحرانشین بودندی در میان اعراب، سؤال می‌کردند از اخبار شما<sup>۲</sup> و اگر باشند در میان شما، کارزار نکنند مگر اندکی.
۲۱. هر آینه هست شما را به پیغامبر خدا پیروی نیک، کسی را که توقع می‌داشت ثواب خدا و توقع می‌داشت روز آخر و یاد کرد خدا را بسیاری.
۲۲. و چون دیدند مسلمانان لشکرها را، گفتند: این است آنچه وعده داده بود ما را خدا و پیغامبر او و راست گفت خدا و رسول او و این ماجرا نیفزود در حق ایشان، مگر باور داشتن و گردن نهادن.
۲۳. از مسلمانان مردانند که راست کردند آنچه عهد بسته بودند با خدا بر آن. پس از ایشان کسی هست که به انجام رسانید قرارداد خود را<sup>۳</sup> و از ایشان کسی هست که انتظار می‌کند و بدل نکردند هیچ وجه بدل کردنی.
۲۴. تا جزا دهد خدا راستگویان را در مقابله راستی ایشان و عذاب کند منافقان را اگر خواهد یا به رحمت بازگردد بر ایشان، هر آینه خدا هست آمرزنده مهربان.
۲۵. و بازگردانید خدا کافران را با خشم ایشان، نیافتند هیچ منفعتی و کفایت کرد خدا از طرف مسلمانان در مقدمه جنگ و هست خدا توانای غالب.
۲۶. و فرود آورد آنان را که مددکاری این لشکرها کرده بودند از اهل کتاب<sup>۴</sup> از قلعه‌های ایشان و افکند در دل ایشان خوف. طایفه‌ای را می‌کشید و اسیر می‌گرفتید طایفه را.
۲۷. و عاقبت کار به شما داد زمین ایشان را و خانه‌های ایشان را و مال‌های ایشان را و نیز عاقبت کار به شما داد زمینی را که نفرسوده‌اید آن را<sup>۵</sup> و هست خدا بر همه چیز توانا.

۱ یعنی در سوار شما.

۲ یعنی از هر آینده و رونده.

۳ یعنی شهید شد.

۴ یعنی بنی قریظه را فرود آورد.

۵ یعنی خیبیر.



۲۸. ای پیغامبر! بگو به زنان خود: اگر خواسته باشید زندگانی دنیا و آرایش آن، پس بیایید تا جامه دهم شما را و رها کنم شما را رها کردن نیک.
۲۹. و اگر می‌خواهید خدا و پیغامبر او را و سرای آخرت را، پس هرآینه خدا آماده ساخت برای زنان نیکوکاری کننده از شما مزد بزرگ.
۳۰. ای زنان پیغامبر! هر که به عمل می‌آرد از شما بدکاری ظاهر،<sup>۱</sup> دو چند کرده شود وی را عذاب دو چندان و هست این مقدمه بر خدا آسان.
۳۱. و هر که فرمانبرداری کند از شما خدا را و پیغامبر او را و بکند کار نیک، بدهیم او را مزد او دوبر و مهیا کنیم برای او روزی نیک.
۳۲. ای زنان پیغمبر! نیستید شما مانند هر کدام از سایر زنان. اگر پرهیزگاری دارید، پس ملامت مکنید در سخن گفتن که آنگاه طمع کند کسی که در دل او بیماری است و بگویند سخن نیکو.
۳۳. و بدانید در خانه‌های خویش و اظهار تجمل مکنید مانند اظهار تجمل که در جاهلیت پیشین بود و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمانبرداری خدا و رسول او کنید. جز این نیست که می‌خواهد خدا تا دور کند از شما پلیدی را ای اهل بیت و تا پاک کند شما را پاک کردنی.
۳۴. و یاد کنید آنچه خوانده می‌شود در خانه‌های شما از آیت‌های خدا و از حکمت، هرآینه خدا هست لطف کننده خبردار.
۳۵. هرآینه مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان باور دارنده و زنان باور دارنده و مردان اطاعت کننده و زنان اطاعت کننده و مردان راست گوینده و زنان راست گوینده و مردان شکیبایی کننده و زنان شکیبایی کننده و مردان فروتنی نماینده و زنان فروتنی نماینده و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دارنده و زنان روزه دارنده و مردان محافظت کننده و مردان محافظت کننده و مردان یاد کننده خدا را به بسیاری و زنان یاد کننده، مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان آمرزش و مزد بزرگ.
۳۶. و نیست هیچ مؤمن و هیچ مؤمنه را چون مقرر کند خدا و رسول او کاری، آنکه باشد ایشان را اختیار در آن کار خویش و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را، پس هرآینه گمراه شد گمراهی ظاهر.<sup>۲</sup>
۳۷. و یاد کن چون می‌گفتی با شخصی که انعام کرده است خدا بر وی و نیز انعام کرده‌ای تو بر وی که: نگاه دار بر خود زن خود را و بترس از خدا، و پنهان می‌کردی در ضمیر خویش آنچه خدا پدیدآورده اوست و می‌ترسیدی از مردمان و خدا سزاوارتر است به آنکه بترسی از وی. پس وقتی که به انجام رسانید زید [از زینب] حاجت خود را (یعنی طلاق داد)، به زنی دادیم تو را [زینب] تا نباشد بر مسلمانان هیچ تنگی در

۱ مترجم گوید: ازواج آن حضرت چیزی که نزد آن حضرت نبود از زینب دنیا، طلب می‌کردند؛ خدای تعالی ایشان را پند داد و زجر فرمود و احکام معاشرت با ایشان نازل ساخت و زینب، رضی‌الله تعالی عنها، در عقد زید بود. در میان ایشان ناسازگاری پدید آمد و رفته رفته به طلاق منجر شد و بعد انقضای عدت، خدای تعالی او را داخل ازواج طاهرات گردانید. منافقان زبان طعن گشادند که زن پسر خود را به زنی گرفت. خدای تعالی در میان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد، نازل ساخت.

۲ مترجم گوید: مراد این جا ایذای پیغامبر است به زبان درازی.

۳ مترجم گوید: درین آیت تعریض است به آن قصه که آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، نخست زینب را برای زید خطبه فرمود و آن را زینب و برادرش مکروه داشتند و این معنی مناسب حال ایشان نبود؛ والله اعلم.

- نکاح کردن زنان پسر خواندگان خویش؛ چون به آخر رسانند از ایشان حاجت را و هست امر خدا البته کردنی.<sup>۱</sup>
۳۸. نیست بر پیغامبر هیچ تنگی در آنچه حلال ساخته است خدا برای او. مانند آیین خدا در حق آنان که گذشتند پیش از این و هست کار خدا را اندازه مقرر کرده شده پیش از وجود.
۳۹. [مانند آیین خدا در حق] آنان که می‌رسانند پیغام‌های خدا را و می‌ترسند از وی و نمی‌ترسند از هیچ کس مگر خدا و بس است خدا حساب کننده.
۴۰. نیست محمد پدر هیچ کس از مردان شما ولیکن پیغامبر خداست<sup>۲</sup> و مهر پیغامبران است و هست خدا به هر چیز دانا.
۴۱. ای مسلمانان! یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار.
۴۲. و به پاکی بخوانید او را صبح و شام.
۴۳. اوست آن که رحمت می‌فرستد بر شما و دعای رحمت می‌کنند بر شما فرشتگان او تا برآرد شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و هست خدا به مسلمانان، مهربان.
۴۴. دعای خیر ایشان<sup>۳</sup> روزی که ملاقات کنند با خدا سلام است و آماده کرده است برای ایشان مزد نیک.
۴۵. ای پیغامبر! هرآینه ما فرستادیم تو را گواهی دهنده و مژده رساننده و ترساننده.
۴۶. و خواننده به سوی خدا به حکم او و چراغ روشن.
۴۷. و بشارت ده مسلمانان را به آنکه ایشان را باشد از جانب خدا بخشایش بزرگ.
۴۸. و فرمان مبر کافران را و منافقان را و از نظر اعتبار، بگذار رنجانیدن ایشان را و توکل کن بر خدا و بس است خدا کارساز.
۴۹. ای مسلمانان! چون نکاح کنید زنان مؤمنه<sup>۴</sup> را، باز طلاق دهید ایشان را پیش از آنکه دست رسانید به ایشان، پس نیست شما را بر این زنان هیچ عِدَّتی که بشمارید آن را؛ پس متعه دهید این مطلقات را و بگذارید آنها را گذاشتن نیک.
۵۰. ای پیغامبر! هرآینه ما حلال کردیم برای تو زنان تو که داده‌ای مهر ایشان و کنیزکانی که مالک ایشان شده است دست تو از آنچه خدا عاید ساخته است بر تو<sup>۵</sup> و حلال کردیم دختران عم تو را و دختران عمه‌های تو را و دختران تغای تو را و دختران خاله تو را، آنان که هجرت کرده‌اند با تو و حلال کردیم زن مسلمان، اگر ببخشد خود را برای پیغمبر<sup>۶</sup>، اگر خواهد پیغامبر که به زنی گیرد آن را، خاص برای تو بجز مسلمانان. هرآینه دانستیم آنچه فرض ساخته‌ایم بر ایشان در حق زنان ایشان و در حق کنیزکانی که مالک آن است دست ایشان. سهل کردیم تا نباشد بر تو هیچ تنگی و هست خدا آمرزنده مهربان.<sup>۷</sup>

۱ مترجم گوید: درین آیین تعریض است به آن قصه که در خاطر مبارک آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، می‌گذشت که اگر در میان زید و زینب مفارقت واقع شود، آن را در سلک ازواج طهارات داخل نمانند؛ لیکن برای رعایت مراسم نیکو خواهی به حسن معاشرت دلالت می‌فرمود.

۲ یعنی بعد از وی هیچ پیغمبر نباشد.

۳ یعنی از جانب خدا و فرشتگان.

۴ در متن اصلی، مؤمنان آمده است.

۵ یعنی از کفار به تو رسانیده است.

۶ یعنی به غیر مهر در نکاح آید.

۷ یعنی در باب نکاح، چیزهاست که بر امت فرض شد و نه بر آن حضرت.

۵۱. موقوف داری هر که را خواهی از ایشان و جای دهی نزدیک خویش هر که را خواهی و اگر خواهش کنی زنی را از آن جمله که یکسو کرده‌ای آنها را، پس نیست هیچ گناهی بر تو. این رخصت دادن قریب‌تر است از آنکه خنک شود چشم ایشان را و اندوه نخورند و خشنود شوند به آنچه بدهی ایشان را، همه ایشان و خدا می‌داند آنچه در دل‌های شماست و هست خدا دانای بردبار.
۵۲. حلال نیستند تو را زنان بعد از این<sup>۱</sup> و نه حلال است آنکه بدل کنی به جای ایشان زنان دیگر را، اگرچه به شگفت آرد تو را حسن ایشان؛ مگر آنچه مالک شد دست تو و هست خدا بر همه چیز نگهبان.<sup>۲</sup>
۵۳. ای مسلمانان! درنیابید به خانه‌های پیغامبر مگر وقتی که دستوری داده شود شمارا برای طعامی، نه انتظار کنان پخته شدن طعام را ولیکن چون خوانده شود شما را درآیید، پس چون طعام خوردید، پراکنده شوید و نه آرام گیران برای سخنی. هرآینه این کار می‌رنجاند پیغامبر را، پس شرم می‌داشت از شما و خدا شرم نمی‌دارد از سخن راست و چون طلب کنید از زنان پیغامبر رختی، پس طلب کنید آن را از ایشان از پس پرده؛ این خصلت پاکتر است برای دل شما و دل ایشان و سزاوار نیست شما را که برنجانید پیغامبر خدا را و نه آنکه نکاح کنید زنان او را پس از وی هرگز؛ هرآینه این کار هست نزدیک خدا گناه بزرگ.
۵۴. اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آن را، پس هرآینه خدا هست به هر چیز دانا.
۵۵. نیست هیچ بزه بر زنان در پرده نپوشیدن پیش پدران خویش و نه پیش پسران خویش و نه برادران خویش و نه پسران برادران خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان همجنس خویش<sup>۳</sup> و نه آنچه مالک آن شد دست ایشان و بترسید ای زنان! از خدا. هرآینه خدا هست بر همه چیز گواه.
۵۶. هرآینه خدا و فرشتگان او درود می‌فرستند بر پیغامبر. ای مسلمانان! درود فرستید بر وی و سلام گوید سلام گفتنی.
۵۷. هرآینه آنان که می‌رنجانند خدا و پیغامبر او را، لعنت کرد خدا ایشان را در دنیا و آخرت و مهیا ساخت برای ایشان عذاب خوار کننده.
۵۸. و آنان که می‌رنجانند مردان مسلمان و زنان مسلمان را به غیر گناهی که به عمل آورده باشند، هرآینه برداشتند بار بهتان را و گناه ظاهر را.
۵۹. ای پیغامبر! بگو به زنان خود و دختران خود و به زنان مسلمانان که فروگذارند بر خود چادرهای خود را. این نزدیک‌تر است به آنکه شناخته شوند، پس ایشان را ایذا داده نشود و هست خدا آمرزنده مهربان.<sup>۴</sup>
۶۰. و اگر بازمانند منافقان و آنان که در دل ایشان بیماری است و خبر بد فاش کنندگان در مدینه،<sup>۵</sup> البته برگماریم تو را بر ایشان، باز همسایه نباشند با تو در مدینه، مگر زمانی اندک.<sup>۶</sup>

۱ یعنی بعد از این دو صنف قرشیه مهاجره مهیره یا واهبه نفس غیر مهیره.

۲ مترجم گوید: که این آیت، ناسخ آیت سابقه است.

۳ یعنی غیر قواده.

۴ یعنی عفت ایشان ظاهر شود و فاسقی تعرض ایشان نکند؛ والله اعلم.

۵ یعنی از کردارهای خود.

۶ یعنی جلا وطن کرده شوند.

۶۱. لعنت کرده شدگان، هر جا که یافته شوند، اسیر گرفته شود ایشان را و کشته شود ایشان را کشتن بسیار.
۶۲. مانند روش خدا در آنان که بگذشتند پیش از این و هرگز نیایی روش خدا را تغییر.
۶۳. سؤال می‌کند تو را مردمان از قیامت. بگو: جز این نیست که معرفت آن نزدیک خدا است و چه چیز خبر داد تو را شاید که قیامت موجود شود در زمان نزدیک.
۶۴. هرآینه خدا لعنت کرده است کافران را و آماده ساخته است برای ایشان آتش.
۶۵. جاودان آنجا همیشه نیابند هیچ دوستی و نه یاری دهند.
۶۶. روزی که گردانیده شود روی ایشان در آتش، گویند: ای کاش! ما فرمان می‌بردیم خدا را و فرمان می‌بردیم پیغامبر را.
۶۷. و گویند: ای پروردگار ما! هرآینه ما فرمان می‌بردیم مهتران خود را و بزرگان خود را، پس گمراه ساختند ما را از راه.
۶۸. ای پروردگار ما! بده ایشان را دو چند از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنتی سخت.
۶۹. ای مسلمانان! مباحثید مانند آنان که رنجانیدند موسی را، پس پاک ساخت خدای تعالی او را از آنچه گفته بودند و بود [موسی] نزدیک خدا با ابرو.<sup>۱</sup>
۷۰. ای مسلمانان! بترسید از خدا و بگویند سخن استوار.
۷۱. تا به صلاح آرد کردارهای شما را و بیامرزد برای شما گناهان شما را و هر که فرمان برد خدای و رسول او را، پس هرآینه مطلب یاب شد به فیروزی بزرگ.
۷۲. هرآینه ما پیش آوردیم امانت را بر آسمان‌ها و بر زمین و بر کوه‌ها، پس قبول نکردند که بردارند آن را و بترسیدند از آن و برداشت آن را آدمی، هرآینه وی هست ستمکار نادان.<sup>۲</sup>
۷۳. تا شود آخر کار آنکه عذاب کند خدای تعالی مردان منافق و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را و به رحمت رجوع کند بر مردان مسلمان و زنان مسلمان و هست خدا آمرزنده مهربان.

### ۳۴. سوره سبأ

در مکه نازل شده و آن پنجاه و چهار آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. همه ستایش خدایی راست که به دست اوست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و مر او راست ستایش در آخرت و اوست باحکمت آگاه.

۱ مترجم گوید: یعنی موسی وقت غسل، ستر می‌کرد جهال بنی اسرائیل گفتند که او آدرست. روزی به حسب اتفاق بر کناره آب غسل می‌کرد و جامه‌های خود بر سنگ نهاده بود به فرمان خدای تعالی آن سنگ روان شد. موسی عقب سنگ دوید تا آنکه جماعتی از بنی اسرائیل عریان دیدند و گفتند: ادرت ندارد و ادرت، انتفاخ خصیبه را گویند؛ والله اعلم.

۲ یعنی استعداد و تکلیف به اوامر و نواهی؛ والله اعلم.

۳ یعنی بالفعل عدالت و علم ندارد و قابلیت آنها دارد؛ والله اعلم.

۲. می‌داند آنچه درمی‌آید به زمین و آنچه برمی‌آید از وی و آنچه فرود می‌آید از آسمان و آنچه بالا می‌رود در وی و اوست مهربان آمرزنده.
۳. و گفتند کافران: نخواهد آمد پیش ما قیامت. بگو: آری! قسم پروردگار من! البته خواهد آمد به شما پروردگاری که داننده پوشیده است، غایب نمی‌شود از وی هموزن ذره‌ای در آسمان‌ها و نه در زمین و نیست خردتر از آن و نه بزرگتر، مگر ثبت است در کتاب ظاهر.
۴. تا جزا دهد آنان را که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند. آن جماعت ایشان راست‌آموزش و روزی‌گرامی.
۵. و آنان که سعی کردند در ردّ آیات ما مقابله‌کنان، آن جماعت ایشان راست‌عذاب از عقوبت درد دهنده.
۶. و می‌بیند آنان که داده شده است ایشان را علم، چیزی را که فرود آورده شد از جانب پروردگار تو راست است و دلالت‌کننده به سوی راه خدای غالب ستوده کار.
۷. و گفتند کافران با یکدیگر: آیا دلالت‌کنیم شما را بر مردی که خیر می‌دهد شما را که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن، هرآینه شما در آفرینش نو باشید؟
۸. آیا بر بسته است بر خدا دروغ را؟ یا به او جنونی است؟ بلکه آنان که ایمان نمی‌آرند به آخرت، در عقوبت باشند و در گمراهی دورند.
۹. آیا ندیدند به سوی آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است از آسمان و زمین. اگر خواهیم فروبریم ایشان را به زمین یا بیفکنیم بر ایشان پاره‌ها از آسمان، هرآینه در این کار نشانه‌ای است هر بنده رجوع‌کننده را.
۱۰. و هرآینه دادیم داود را از نزدیک خود بزرگی. گفتیم: ای کوه‌ها! به زیروم تسبیح گوئید همراه او و مسخرش ساختیم مرغان را و نرم گردانیدیم برای او آهن.
۱۱. [فرمودیم]: که: بساز زره‌های گشاده و اندازه نگاهدار در بافتن حلقه‌ها و [ای اهل بیت داود!] به عمل آرید کردارهای شایسته، هرآینه من به آنچه می‌کنید بینام.
۱۲. و مسخر ساختیم برای سلیمان، باد را. سیر اول روز او یک ماهه راه بود و سیر آخر روز او نیز یک ماهه راه بود و روان ساختیم برای او چشمه مس و مسخر ساختیم از دیوان، کسی را که کار می‌کرد پیش او به حکم پروردگار خویش و هر که کجی کند از دیوان از حکم ما، بچشانیم او را پاره‌ای از عقوبت دوزخ.
۱۳. می‌ساختند برای او آنچه می‌خواست از قلعه‌ها و صورت‌ها و کاسه‌ها به قدر حوض‌ها و دیگ‌های ثابت در جاهای خود. گفتیم: به عمل آرید ای کسان داود سپاسداری را و اندک کسی است از بندگان من شکرگزارنده.
۱۴. پس چون مقرر کردیم بر وی مرگ، دلالت نکرد دیوان را بر موت او، مگر کرم چوبخواره که می‌خورد عصای سلیمان را. پس چون بیفتاد، واضح شد پیش دیوان که اگر می‌دانستند غیب را، درنگ نمی‌کردند در عذاب خوار کننده.
۱۵. هرآینه بود قوم سبا را در جای ماندن نشانه‌ای. مر ایشان را بود دو بوستان از جانب راست و از جانب چپ. گفتیم: بخورید رزق پروردگار خویش و شکر گوئید او را. [شما را] شهری هست پاکیزه و پروردگاری آمرزنده.

۱۶. پس روی گردانیدند.<sup>۱</sup> پس فرستادیم بر ایشان سیلی تند<sup>۲</sup> و عوض دادیم ایشان را به جای دو بوستان ایشان دو بوستانی دیگر، خداوند میوه‌های بدمزه و خداوند درخت گز و چیزهای اندک از درخت کنار.
۱۷. این سزا دادیم ایشان را به سبب ناسپاسی ایشان و سزای بد نمی‌دهیم مگر ناسپاس را
۱۸. و پیدا کردیم میان ایشان و میان آن دیه‌ها که برکت نهادیم در آن، دیه‌ها متصل با یکدیگر و مقرر کردیم در آن دیه‌ها آمدورفت را. گفتیم: سیر کنید در این دیه‌ها شب‌ها و روزها ایمن شده.
۱۹. پس گفتند:<sup>۳</sup> ای پروردگار ما! دوری پیدا کن در میان سفرهای ما. و ستم کردند بر خویش، پس گردانیدیم ایشان را افسانه‌ها و پاره‌پاره ساختیم ایشان را تمام پاره‌پاره ساختن. هرآینه در این ماجرا نشانه‌ها است هر صبر کننده شکرگوینده را.
۲۰. و هرآینه راست یافت شیطان در حق ایشان اندیشه خود را، پس پیروی او کردند مگر گروهی اندک از مسلمانان.
۲۱. و نبود شیطان را بر ایشان هیچ غلبه؛ لیکن مبتلا گردانیدیم تا بدانیم کسی را که ایمان می‌آرد به آخرت از آنکه وی در شبهه است از وی و پروردگار تو بر هر چیز نگاهبان است.
۲۲. بگو: بخوانید آنان را که گمان می‌کنید بجز خدا؛ مالک نیستند هم وزن یک ذره در آسمان‌ها و نه در زمین و نیست ایشان را در آسمان و زمین، هیچ شرکتی و نیست خدا را از ایشان هیچ یاری دهند.
۲۳. و سود نکند درخواست، نزدیک خدای تعالی، مگر برای کسی که دستوری داده باشد برای او. [اهل محشر مضطرب شوند] تا آنگاه که اضطراب دور کرده آید از دل ایشان، گویند: چه چیز فرموده است پروردگار شما؟ ملاء اعلیٰ گویند: فرموده است سخن راست. و اوست بلندمرتبه بزرگ قدر.
۲۴. بگو: که روزی می‌دهد شما را از جانب آسمان‌ها و زمین؟ باز بگو. خدا می‌دهد و هرآینه ما یا شما بر هدایتیم یا در گمراهی ظاهر.
۲۵. بگو سؤال کرده نخواهید شد شما از گناه ما و سؤال کرده نخواهیم شد ما از آنچه شما می‌کنید.
۲۶. بگو: جمع خواهد کرد پروردگار ما میان ما. باز حکم کند میان ما (یعنی میان ما و شما) به راستی و اوست حکم کننده دانا.
۲۷. بگو: بنمایید مرا آنان که ایشان را لاحق کرده‌اید به خدا شریک ساخته. نه چنین است! بلکه خدا همونست غالب باحکمت.
۲۸. و فرستادیم تو را الا برای مردمان همه ایشان، مژده دهنده و ترساننده ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند.
۲۹. و می‌گویند: کی بوجود آید این وعده، اگر شما راستگویید؟
۳۰. بگو: شما راست وعده روزی که بازپس نمایید از آن ساعتی و نه پیش‌دستی کنید.

۱ یعنی از شکر.

۲ یعنی سیلی که به پشت‌ها بند کرده بودند.

۳ یعنی شام.

۴ یعنی به زبان حال.

۵ یعنی اذن شفاعت داد.

- ۳۱ و گفتند کافران (یعنی مشرکان): هرگز باور نداریم این قرآن را و نه آن کتاب را که پیش از وی بود. و تعجب کنی ای بیننده! اگر ببینی چون ستمکاران ایستاده کرده شوند نزدیک پروردگار خویش، بازمی‌گرداند بعض ایشان به سوی بعض سخن را.<sup>۱</sup> می‌گویند آنان که ناتوان گرفته شد ایشان را به آنان که سرکشی کردند: اگر نمی‌بودید شما، هر آینه ما مسلمان می‌شدیم.
- ۳۲ گفتند سرکشان با ناتوانان: آیا ما بازداشتیم شما را از هدایت بعد از آنکه آمد به شما؟! بلکه شما بودید گناهکار.
- ۳۳ و گفتند ناتوانان سرکشان را: نه! بلکه بازداشت ما را مگر شب و روز<sup>۲</sup> چون می‌فرمودید ما را که کافر شویم به خدا و مقرر کنیم برای او همتایان را. و در دل دارند همه ایشان پشیمانی، چون ببینند عذاب را و ببینند ازیم طوق‌ها در گردن کافران. سزا داده نمی‌شوند مگر به وفق آنچه می‌کردند.
- ۳۴ و فرستادیم در هیچ دهبی بیم کننده‌ای را، مگر گفتند منعمان آن ده: هر آینه ما به آنچه فرستاده شده است شما را همراه آن نامعتقدیم.
- ۳۵ و گفتند: ما زیادتریم به اعتبار اموال و اولاد و نیستیم ما عذاب کرده شده.
- ۳۶ بگو: هر آینه پروردگار من گشاده می‌کند روزی را برای هر که خواهد و تنگ می‌کند برای هر که خواهد؛ لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند.
- ۳۷ و نیست اموال شما و نه اولاد شما آن چیز که مقرب گرداند شما را نزدیک ما به مرتبه قربت، لیکن مقرب آن است که ایمان آورد و کرد کردار شایسته. پس آن جماعت، ایشان راست جزای دوچند به مقابله آن که عمل کردند و ایشان در کوشک‌های بلند ایمن باشند.
- ۳۸ و آنان که سعی می‌کنند در ردّ آیات ما مقابله‌کنان، آن جماعت در عذاب حاضر کرده شوند.
- ۳۹ بگو: هر آینه پروردگار من گشاده می‌کند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ می‌سازد برای هر که خواهد و هر چه خرج کنید از هر جنس که باشد، پس خدای عوض آن دهد و او بهترین روزی دهندگان است.
- ۴۰ و روزی که برانگیزد خدا ایشان را همه یکجا، باز بگوید به فرشتگان: آیا ایشان شما را عبادت می‌کردند؟!
- ۴۱ فرشتگان گویند: پاکی تو راست؛ تو کارساز مایی سواي ایشان، بلکه ایشان عبادت می‌کردند دیوان را.<sup>۳</sup> اکثر ایشان به دیوان اعتقاد داشتند.
- ۴۲ پس امروز نمی‌تواند بعض شما برای بعض سود رسانیدن و نه زیان کردن و فرماییم ستمکاران را: بچشید عذاب آتشی که شما دروغ می‌داشتید آن را.
- ۴۳ و چون خوانده می‌شود بر ایشان آیات ما روشن آمده، گویند با یکدیگر: نیست این پیغامبر مگر مردی می‌خواهد که بازدارد شما را از آنچه می‌پرستیدند پدران شما، و گویند: نیست این [قرآن] مگر دروغی بر بافته؛ و گویند کافران سخن راست را چون بیاید بدیشان: نیست این مگر سحر ظاهر.
- ۴۴ و ندادیم مشرکان عرب را کتاب‌ها که بخوانند آن را و فرستادیم به سوی ایشان پیش از تو هیچ ترساننده.

۱ یعنی سؤال و جواب کنند.

۲ یعنی مگر شما که پیوسته در سعی آن بودید.

۳ یعنی عبادتِ ملائکه به جهت وسوسه شیاطین بود؛ پس گویا عبادت شیاطین کردند.

۴۵. و دروغ داشتند آنان که پیش از ایشان بودند؛ و این مشرکان نرسیده‌اند به ده یک آنچه داده بودیم به پیشینیان، پس به دروغ نسبت کردند پیغامبران مرا، پس چگونه بود عقوبت من.
۴۶. بگو: جز این نیست که پند می‌دهم شما را به یک کلمه که برخیزید برای خدا دوگان دوگان و یکی‌یک، باز تأمل کنید که نیست به این یار شما هیچ جنونی؛ نیست او مگر بیم کننده برای شما پیش از آمدن عذاب سخت.
۴۷. بگو: آنچه سؤال کرده باشم از شما از جنس مزد، پس آن شما راست؛ نیست مزد من مگر بر خدا و او بر همه چیز خیردار است.
۴۸. بگو: هرآینه پروردگار من برمی‌تابد از علم غیب و وحی راست را؛ آن پروردگار دانای پوشیده‌ها است.
۴۹. بگو: آمد سخن راست. و آفرینش نو نمی‌کند معبود باطل و نه دیگر بار آفریند.
۵۰. بگو: اگر همراه شدم، پس جز این نیست که همراه می‌شوم بر نفس خویش و اگر راه یابم، پس به سبب آن است که وحی فرستد به سوی من پروردگار من. هرآینه وی شتوای نزدیک است.
۵۱. و تعجب کنی اگر ببینی چون مضطرب شوند، پس نباشد از عذاب خلاص شدن و گرفته شوند از هر جانب نزدیک.<sup>۱</sup>
۵۲. و گویند آنگاه: ایمان آوردیم به قرآن و از کجا بُود ایشان را به دست آوردن ایمان از جای دور (یعنی محال شد).
۵۳. و حال آنکه کافر بودند به قرآن پیش از این و می‌اندازند<sup>۲</sup> نادیده از مکان دور.
۵۴. و جدایی افکنده شده میان ایشان و میان آنچه می‌خواستند؛ چنانچه کرده شد به امثال ایشان پیش از این. هرآینه ایشان بودند در شک قوی.

### ۳۵. سوره فاطر

در مکه نازل شده و آن چهل و پنج آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. همه ستایش خدای راست، آفریننده آسمان‌ها و زمین، سازنده فرشتگان را پیغامبر، سازنده ایشان را خداوند بازوها دوگان دوگان و سه‌گان سه‌گان و چهارگان چهارگان. زیاده می‌کند در آفرینش هر چه خواهد، هرآینه خدا بر هر چیز تواناست.
۲. آنچه گشاده سازد خدا برای مردمان از رحمت، پس هیچ بند کننده‌ای نیست آن را و آنچه بند کند، پس هیچ گشاده سازنده نیست آن را بعد از وی یعنی غیر وی. و اوست غالب باحکمت.

۱ یعنی گرفته شوند به آسانی.

۲ یعنی حدس می‌زنند.



۳. ای مردمان، یاد کنید نعمت خدا را بر خویش. آیا هیچ آفریننده هست غیر خدا، روزی می‌دهد خدا شما را از جانب آسمان و زمین، نیست هیچ معبود مگر وی، پس از کجا گردانیده می‌شوید؟
۴. و اگر به دروغ نسبت کنند تو را، پس هرآینه به دروغ نسبت کرده شدند پیغامبران پیش از تو و به سوی خدا بازگردانیده می‌شود کارها.
۵. ای مردمان! هرآینه وعده خدا راست است. پس فریفته نکند شما را زندگانی دنیا و نفریبد شما را به نسبت خدا شیطان فریب دهنده.
۶. هرآینه شیطان شما راست دشمن؛ پس دشمن گیرید او را. جز این نیست که می‌خواند تابعان خود را تا باشند از اهل دوزخ.
۷. آنان که کافر شدند ایشان راست عذاب سخت و آنان که ایمان آوردند و کردند عمل‌های شایسته، ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ.
۸. آیا کسی که آراسته کرده شد برای او عمل زشت او، پس نیک دید آن را مثل مؤمن صالح باشد؟ پس هرآینه خدا گمراه می‌کند هر که را خواهد و راه می‌نماید هر که را خواهد. پس باید که هلاک نشود نفس تو بر ایشان از روی دریغ. هرآینه خدا داناست به آنچه می‌کنند.
۹. و خدا آن است که فرستاد بادها را؛ پس برانگیخت آن بادها ابر را، پس روان کردیم ابر را به سوی شهر مرده، پس زنده ساختیم به آن ابر زمین را بعد مرده بودن آن؛ همچنین خواهد بود برانگیختن مردگان.
۱۰. هر که خواهد ارجمندی، پس خدای راست ارجمندی، همه یکجا. به سوی او بالا می‌رود سخن پاکیزه؛ و عمل صالح بلندی گرداندش خدا و آنان که می‌اندیشند فتنه‌ها؛ ایشان راست عذاب سخت و بداندیشی ایشان همان نابود شود.
۱۱. و خدا آفرید شما را از خاک، باز از نطفه، باز گردانید شما را جفت مرد و زن و در شکم بر نمی‌دارد هیچ زنی و نمی‌زاید مگر به علم خدا و زندگانی داده نمی‌شود هیچ دراز عمری و کم کرده نمی‌شود از عمر وی، الا ثبت است در کتاب؛ هرآینه این کار بر خدا آسان است.
۱۲. و برابر نیستند<sup>۱</sup> دو دریا؛ این یک شیرین، در نهایت شیرینی است، خوشگوار است آب او و آن دیگر به تلخی مایل است و از هر یکی می‌خورید گوشت تازه و برمی‌آرید زیوری که می‌پوشید آن را و می‌بینی کشتی‌ها را در دریا شکافته آب، تا روزی طلب بکنید از فضل او و تا بود که شما شکر گویند.
۱۳. درمی‌آرد شب را در روز و درمی‌آرد روز را در شب و رام ساخت آفتاب و ماه را؛ هر یکی می‌رود به میعاد معین. این است خدا پروردگار شما؛ مراو راست پادشاهی و آنان که می‌پرستید بجز وی، مالک نمی‌شوند مقدار پوست خسته.
۱۴. اگر بخوانید ایشان را نشنوند خواندن شما را و اگر به فرض بشنوند، قبول نکنند گفته شما و روز قیامت منکر شوند، شریک مقرر کردن شما را و خبر ندهد تو را هیچ کس مانند دانا.<sup>۲</sup>
۱۵. ای مردمان! شما باید محتاج به سوی خدا و خدا همونست بی‌احتیاج ستوده‌کار.
۱۶. اگر خواهد، نابود سازد شما را و بیارد آفرینش نو.

۱ یعنی یکسان نمی‌شوند به اختلاط.

۲ مترجم گوید: «لا ینبک مثل خمیر» به منزله مثل است؛ چون سخن بلیغ گویند و تحقیق به نهایت رسانند، این کلمه گویند.

۱۷. و نیست این کار بر خدا دشوار.
۱۸. و بر نمی‌دارد هیچ بردارنده بار دیگری را و اگر بخواند گرانبار کسی را به سوی بار خویش، برداشته نشود از آن بار چیزی؛ اگرچه آن کس خداوند خویشی باشد. جز این نیست که بیم می‌کنی آنان را که می‌ترسند از پروردگار خویش غایبانه و برپا داشته‌اند نماز را و هر که پاک شد، جز این نیست که پاک می‌شود برای نفع خویش و به سوی خداست بازگشت.
۱۹. و برابر نیستند نابینا و بینا.
۲۰. و نه تاریکی‌ها و نه روشنی.
۲۱. و نه سایه و نه باد گرم.
۲۲. و برابر نمی‌شوند زندگان و مردگان. هر آینه خدا می‌شنواند هر که را خواهد و نیستی تو شنواننده کسی را که در گور باشد.
۲۳. و نیستی تو مگر ترساننده.
۲۴. هر آینه ما فرستاده‌ایم تو را به دین راست، بشارت دهنده و بیم کننده. و نیست هیچ امتی مگر گذشته است در آن بیم کننده‌ای.
۲۵. و اگر به دروغ نسبت کنند تو را، پس هر آینه دروغی داشته بودند آنان که پیش از ایشان بودند. آمدند بدیشان پیغامبران ایشان به نشانه‌های واضح و به نام‌های الهی و به کتاب روشن.
۲۶. باز گرفتار کردم کافران را، پس چگونه بود عقوبت من.
۲۷. آیا ندیدی که خدا فرود آورد از آسمان آب را؛ پس برآوردیم به سبب آن میوه‌هایی گوناگون رنگ آن؟ و از کوه‌ها راه‌ها است گوناگون رنگ؛ طایفه‌ای سفید و طایفه‌ای سرخ و طایفه‌ای سیاه در نهایت سیاهی.
۲۸. و از مردمان و جانوران و چهارپایان گوناگون است رنگ او همچنان. جز این نیست که می‌ترسند از خدا عالمان از بندگان او. هر آینه خدا غالب آمرزنده است.
۲۹. هر آینه آنان که تلاوت می‌کنند کتاب خدا را و برپا داشته‌اند نماز را و خرج کرده‌اند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا، امید دارند سوداگری‌ای را که هرگز هلاک نشود.
۳۰. تا به تمام رساند به سوی ایشان مزد ایشان را و زیاده دهد ایشان را از فضل خود. هر آینه او آمرزنده قدردان است.
۳۱. و آنچه وحی فرستادیم به سوی تو از قرآن، همونست راست باوردارنده آنچه پیش از وی است، هر آینه خدا به بندگان خود خبردار بیناست.
۳۲. باز میراث دادیم قرآن را به آنان که برگزیدیم ایشان را از بندگان خود؛ پس بعضی ایشان ستمکار است بر نفس خود و بعضی ایشان میانه‌رو است و بعضی ایشان سبقت کننده است به سوی نیکی‌ها به حکم خدا. این است فضل بزرگ.
۳۳. بوستان‌های همیشه ماندن؛ درآیند آنجا، زیور داده شود ایشان را آنجا از قسم دستوانه‌های طلا و مروارید و لباس ایشان آنجا جامه ابریشمی باشد.
۳۴. و گفتند: همه ستایش خدای راست که دور کرد از ما اندوه را، هر آینه پروردگار ما آمرزنده قدرشناس است.
۳۵. آن که فرود آورد ما را به سرای همیشه ماندن از فضل خود. نرسد به ما آنجا هیچ رنجی و نرسد به ما آنجا هیچ ماندگی.

- ۳۶ و آنان که کافر شدند، ایشان راست آتش دوزخ؛ نه حکم کرده شود بر ایشان تا بمیرند و نه سبک کرده شود از ایشان چیزی از عذاب دوزخ؛ همچنین سزای می‌دهیم هر ناسپاس را.
- ۳۷ و اهل دوزخ فریاد کنند در آنجا که: ای پروردگار ما! بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته بجز آنکه می‌کردیم. [گوییم]: آیا زندگانی ندادیم شما را آن قدر که پندپذیر شود در آن هر که پندپذیرفتن خواهد؟ و آمد به شما ترساننده. پس بپشید؛ پس نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده.
- ۳۸ هر آینه خدا داننده پنهان آسمان‌ها و زمین است. هر آینه وی داناست به مکنون سینه‌ها.
- ۳۹ وی آن است که گردانید شما را جانشین در زمین. پس هر که کافر شود، ضرر کفر او بر وی است و نمی‌افزاید در حق کافران، کفر ایشان نزدیک پروردگار ایشان، مگر غضب را و نمی‌افزاید در حق کافران، کفر ایشان، مگر زیان را.
- ۴۰ بگو: آیا دیدید شریکان مقرر کرده خود را؟ آنان که می‌پرستید به جز خدا، بنمایید مرا چه چیز آفریده‌اند از زمین! آیا ایشان راست شرکتی در آسمان‌ها، نه! بلکه آیا دادیم ایشان را کتابی پس ایشان برحجتند از آن؟! بلکه وعده نمی‌دهند ستمکاران بعضی ایشان بعضی را، مگر به طریق فریفتن.
- ۴۱ هر آینه خدا نگاه می‌دارد آسمان‌ها و زمین را از آنکه از جای خود بلغزند و اگر بلغزند، نگاه ندارد این هر دو را هیچ کس بعد از خدا، هر آینه وی است بردبار آمرزگار.
- ۴۲ و قسم خوردند به خدا سخت‌ترین قسم‌های خود که اگر بیاید به ایشان ترساننده‌ای، البته خواهند بود راه یافته‌تر از هر یک امت؛ پس چون آمد بدیشان ترساننده‌ای، زیاده نکرد در حق ایشان مگر رمیدن را.
- ۴۳ به سبب سرکشی در زمین و زیاده نکرد مگر بداندیشی قبیح را و فرود نمی‌آید وبال بداندیشی قبیح، مگر به اهل او. پس منتظر نیستند مگر آیین عقوبت پیشینیان را؛ پس نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی و نخواهی یافت آیین خدا را تغییری.
- ۴۴ آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا ببینند چگونه شد انجام کار آنان که پیش از ایشان بودند و آن جماعت بودند زیاده‌تر از ایشان در قوت. و هرگز نیست که عاجز کند خدا را چیزی در آسمان‌ها و نه در زمین، هر آینه او هست دانای توانا.
- ۴۵ و اگر گرفتار کردی خدا مردمان را به سزای آنچه می‌کردند، نگذاشتی بر پشت زمین هیچ جانوری را ولیکن موقوف می‌دارد ایشان را تا میعاد معین؛ پس چون آمد میعاد ایشان، پس هر آینه خدا هست به بندگان خود بینا.

### ۳۶. سوره یس

در مکه نازل شده و آن هشتاد و سه آیت است.

بهنام خدای بخشاینده مهربان

۱. یس.

۱ یعنی غیر از خدا.

۲. قسم به قرآن باحکمت!
۳. هرآیینۀ تو از پیغامبرانی.
۴. بر راه راستی [مراد داریم].
۵. فروفرستادن غالب مهربان.
۶. تا پترسانی قومی را که ترسانیده نشده‌اند پدران ایشان؛ پس ایشان غافلاند.<sup>۱</sup>
۷. هرآیینۀ ثابت شد وعده عذاب بر اکثر ایشان، پس اکثر ایشان ایمان نمی‌آرند.
۸. هرآیینۀ ما ساختیم در گردن ایشان طوق‌ها، پس آن طوقها تا زنج باشند، پس ایشان سربالا کردگانند.
۹. و ساختیم پیش روی ایشان دیواری و پس پشت ایشان دیواری، باز پوشیدیم ایشان را، پس ایشان هیچ نبینند.<sup>۲</sup>
۱۰. و برابر است بر ایشان که بیم کنی ایشان را یا بیم نکنی ایشان را، ایمان نیاورند.
۱۱. جز این نیست که می‌ترسانی کسی را که پیروی پند کند و ترسد از خدا غایبانه، پس بشارت ده او را به آموزش و مزدگرایی.
۱۲. هرآیینۀ ما زنده می‌گردانیم مردگان را و می‌نویسیم آنچه پیش فرستادند<sup>۳</sup> و می‌نویسیم نقش اقدام ایشان را و هر چیزی را احاطه کردیم در کتاب ظاهر.<sup>۴</sup>
۱۳. و بیان کن برای ایشان؛ داستانی قصه اهل دیه، چون آمدند به آن دیه پیغامبران.
۱۴. آنگاه فرستادیم به سوی ایشان دو کس را؛ پس به دروغ نسبت کردند ایشان را؛ پس قوت دادیم به سوئی. پس هر سه کس گفتند: هرآیینۀ ما به سوی شما فرستادگانیم.
۱۵. اهل ده گفتند: نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نه فروفرستاده است خدا هیچ چیز؛ نیستید شما مگر دروغگو.
۱۶. گفتند: پروردگار ما می‌داند که هرآیینۀ ما به سوی شما فرستادگانیم.
۱۷. و نیست بر ما مگر پیغام رسانیدن ظاهر.
۱۸. گفتند: هرآیینۀ ما شگون بد گرفتیم به شما؛ اگر باز نمانید سنگسار کنیم شما را و البته برسد به شما از جانب ما عقوبت درد دهنده.
۱۹. گفتند: شگون بد شما همراه شما است. آیا اگر پند داده شود شما را بر شگون بد حمل کنید؟ بلکه شما گروهی از حد گذشته‌اید.
۲۰. و آمد از دورترین محل‌های آن شهر مردی شتابان. گفت: ای قوم من! پیروی کنید آن پیغامبران را.
۲۱. پیروی کنید کسی را که نمی‌طلبد از شما هیچ مزدی و ایشان راه یافتگانند.
۲۲. و چیست مرا که عبادت نکنم معبودی را که بیافرید مرا و به سوی وی بازگردانیده خواهید شد؟
۲۳. آیا بجز وی خدايان گیرم که اگر بخواهد خدای تعالی در حق من زبانی، دفع نکند از من شفاعت ایشان، چیزی را و ایشان خلاص نکنند مرا؟
۲۴. هرآیینۀ من آنگاه در گمراهی ظاهر باشم.
۲۵. هرآیینۀ من ایمان آوردم به پروردگار شما، پس بشنوید از من.<sup>۵</sup>

۱ یعنی در بنی اسماعیل هیچ پیغمبری مبعوث نشده بود.

۲ مترجم گوید: این هر دو آیت، تمثیل و تصویر است یأس ایشان را از شناختن حق.

۳ یعنی از اعمال خیر و شر.

۴ یعنی لوح محفوظ.

۵ مترجم گوید: اهل دیه آن را شهید ساختند؛ والله اعلم.

۲۶. گفته شد او را: در آری به بهشت. گفت: ای کاش! قوم من بدانند.
۲۷. که به چه چیز بیامرزید مرا پروردگار من و ساخت مرا از نواختگان.
۲۸. و فرود نیاوردیم بر قوم او بعد از او هیچ لشکری از آسمان و نیستیم ما فرود آورنده لشکر.
۲۹. نبود عقوبت ایشان مگر یک فریاد تند، پس ناگهان ایشان چون آتش فرو مرده شدند.
۳۰. ای وای بر بندگان! نمی آید بدیشان هیچ فرستاده‌ای مگر به او تمسخر می‌کردند.
۳۱. آیا ندیدند چقدر هلاک ساختیم پیش از ایشان طبقات مردمان را؟ آیا ندیدند که آن جماعت به سوی ایشان باز نمی‌آیند؟
۳۲. و نیست هر طبقه مگر جمع آورده نزدیک ما حاضر کرده شده.
۳۳. و نشانه‌ای هست برای ایشان زمین مرده؛ زنده گردانیدیم آن را و بر آوردیم از آن دانه، پس از آن دانه می‌خورند.
۳۴. و آفریدیم در زمین بوستان‌ها از درختان خرما و درختان انگور و روان ساختیم در آن بوستان چشمه‌ها.
۳۵. تا بخورند از میوه آنچه مذکوره شد و نساخته است میوه را دست ایشان. آیا پس شکر نمی‌کنند؟
۳۶. پاک است آن که آفرید اجناس را تمام آن؛ از آنچه می‌رویندش زمین و از جنس آدمیان و از آنچه ایشان نمی‌دانند.
۳۷. و نشانه‌ای هست ایشان را شب. مانند پوست می‌کشیم از وی روز را، پس ناگهان ایشان در تاریکی آیندگان باشند.
۳۸. و آفتاب می‌رود به راهی که قرارگاه وی است. این است اندازه خدای غالب دانا.
۳۹. و ماه، مقرر کردیم برای او منزل‌ها تا آنکه بازگردد به شکل شاخ کهنه.
۴۰. نه آفتاب می‌سزدش که دریا بد ماه را و نه شب سبقت کننده است به روز<sup>۱</sup> و هر یکی از آفتاب و ماه و ستاره‌ها در آسمان سیر می‌کنند.
۴۱. و نشانه‌ای هست ایشان را که ما برداشتیم قوم بنی آدم را در کشتی پر کرده شده.
۴۲. و آفریدیم برای ایشان مانند کشتی آنچه سوار می‌شوند بر آن<sup>۲</sup>.
۴۳. و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را، پس هیچ فریادرس نباشد برای ایشان و نه ایشان رها کرده شوند.
۴۴. لیکن رحمت کردیم از جانب خود و بهره‌مند ساختیم تا مدتی.
۴۵. و چون گفته شود به ایشان که بترسید از عقوبتی که پیش دو دست شما باشد و عقوبتی که پس پشت شما باشد، بود که بر شما رحم کرده شود.
۴۶. و نمی‌آید بدیشان هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگار ایشان، الا از آن روگردان باشند.
۴۷. و چون گفته شود به ایشان که: خرج کنید از آنچه رزق داده است شما را خدای تعالی، گویند این کافران به مسلمانان: آیا طعام دهیم کسی را که اگر خدای تعالی می‌خواست طعام دادی او را؟ نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر.
۴۸. و می‌گویند کافران: کی باشد این وعده اگر راست‌گویید؟
۴۹. انتظار نمی‌کشند مگر یک نعره تند را که بگیرد ایشان را و ایشان خصومت‌کنان باشند.
۵۰. پس نتوانند وصیت کردن و نه به اهل خود بازگردند.

۱ یعنی پیش از انقضای روز نمی‌آید.

۲ یعنی شتر و کرگدن.

۵۱. و دمیده شود در صور. پس ناگهان ایشان از قبرها به سوی پروردگار خویش بشتابند.
۵۲. گویند: ای وای بر ما! که برخیزانید ما را از خوابگاه ما؟ آری! این همان است که وعده داده بود خدای تعالی و راست گفتند پیغامبران.
۵۳. نباشد این واقعه مگر نعره تندی، پس ناگهان ایشان جمع آورده نزدیک ما حاضر کرده شده باشند.
۵۴. پس امروز ستم کرده نخواهد شد برهیچ کس، هیچ ستمی و جزا داده نخواهد شد الا به حسب آنچه می کردید.
۵۵. هرآینه اهل بهشت امروز در کاری هستند شادانند.
۵۶. ایشان و زنان ایشان در سایه‌ها بر تخت‌ها نشینند.
۵۷. ایشان راست در بهشت میوه و ایشان راست، آنچه طلب کنند.
۵۸. گفته شود: سلام باد از جانب پروردگار مهربان.
۵۹. و بگوئیم: جدا شوید امروز ای گناهکاران!
۶۰. آیا حکم نفرستاده بودم به سوی شما ای اولاد آدم، که مپرستید شیطان را، هرآینه وی شما را دشمن آشکار است؟!
۶۱. و آنکه پرستید مرا این است راه راست.
۶۲. و هرآینه گمراه ساخت شیطان از قوم شما خلق بسیار را. آیا نمی دانستید؟
۶۳. این آن دوزخ است که وعده داده می شد شما را.
۶۴. درآیید به آن امروز به سبب کافر بودن خود.
۶۵. امروز مهر نهیم بر دهان ایشان و سخن گوید با ما دست‌های ایشان و گواهی دهد پاهای ایشان به آنچه می کردند.
۶۶. و اگر خواهیم نابود کنیم چشم ایشان، پس سبقت کنند به سوی راه، پس از کجا ببینند.
۶۷. و اگر خواهیم مسخ کنیم ایشان را بر جای ایشان، پس نتوانند گذشتن از آنجا و بازنگردند.
۶۸. و هر که را عمر دراز می دهیم، نگونسار می کنیمش در آفرینش. آیا در نمی یابند؟
۶۹. و نیاموختیم این پیغامبر را شعر و لایق نیست او را؛ نیست این مگر پند و قرآن آشکارا.
۷۰. تا ترسانند هر که زنده باشد<sup>۱</sup> و ثابت شود حجت بر کافران.
۷۱. آیا ندیدند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخته است دست ما چهارپایان را، پس ایشان آن را مالکانند؟
۷۲. و رام ساختیم چهارپایان را برای ایشان، پس بعضی از آن سواری ایشان است و بعضی از آن می خورند.
۷۳. و ایشان راست در چهارپایان منفعت‌ها و آشامیدنی‌ها، آیا شکر نمی گزارند؟
۷۴. و گرفتند سوی خدا معبودان را تا بود که ایشان یاری داده شوند.
۷۵. نتوانند یاری کردن ایشان و این بتان برای ایشان لشکری حاضر کرده شده‌اند.
۷۶. پس اندوهگین نکند تو را سخن ایشان، هرآینه ما می دانیم آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکار می نمایند.
۷۷. آیا ندیده است آدمی که ما آفریدیم او را از نطفه پس ناگهان او خصومت کننده آشکارا شد؟
۷۸. و پدید آورد برای ما داستانی و فراموش کرد آفرینش خود را. گفت: که زنده کند استخوان‌ها در حالتی که آن کهنه شده باشند؟

۱ یعنی صاحب فهم باشد.

۷۹. یگو: زنده کندش آن که آفرید او را اول بار و او به هر قسم آفرینش داناست.  
 ۸۰. آن که پیدا کرد برای شما از درخت سبز آتش را؛ پس ناگهان شما از آن درخت آتش می‌افروزید.  
 ۸۱. آیا نیست آن که آفرید آسمان‌ها و زمین را، توانا بر آنکه آفریند مانند ایشان؟ بلی! و هم اوست آفریننده دانا.  
 ۸۲. جز این نیست که فرمان خدا چون بخواهد آفریدن چیزی، این است که گویدش شو! پس می‌شود.  
 ۸۳. پس پاک است آن که به دست اوست پادشاهی هر چیز و به سوی او بازگردانیده شوید.

### ۳۷. سوره صافات

در مکه نازل شده و آن یکصدو هشتاد و دو آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به جماعتی از ملائکه که صف می‌کشند صف کشیدنی!<sup>۱</sup>
۲. پس قسم به جماعتی که می‌رانند راندنی!<sup>۲</sup>
۳. پس قسم به جماعتی که تلاوت می‌کنند تلاوت کردنی!
۴. هر آینه معبود شما یکی است.
۵. او پروردگار آسمان‌ها و زمین است و آنچه در میان اینهاست و او پروردگار مشرق‌ها است.<sup>۳</sup>
۶. هر آینه ما آرایش دادیم آسمان دنیا را به زینت [یعنی به] ستاره‌ها.
۷. و نگاه داشتیم از هر شیطان سرکش.
۸. [مقصود آن که] گوش نهند شیاطین به سوی ملاء‌اعلی و انداخته می‌شود به سوی ایشان شهاب از هر جانب.
۹. به جهت راندن ایشان و ایشان راست عذاب‌دایم.
۱۰. مگر کسی که بر باید<sup>۴</sup> یک بار ربودن، پس از پی او افتد شعله سوزنده.
۱۱. پس استفسار کن از ایشان: آیا ایشان سخت‌ترند در آفرینش یا کسی که ما آفریده‌ایم؟<sup>۵</sup>
۱۲. هر آینه ما آفریدیم ایشان را از گل چسبنده.
۱۳. بلکه تعجب کردی<sup>۶</sup> و ایشان تمسخر می‌کنند.
۱۴. و چون پند داده شود ایشان را پند نمی‌گیرند.
۱۵. و چون ببینند نشانه‌ای را، تمسخر کنند.

۱ مترجم گوید: یعنی نزدیک پروردگار خود.

۲ مترجم گوید: یعنی شیاطین را؛ والله اعلم.

۳ یعنی و مغرب‌ها نیز.

۴ یعنی کلمه‌ای را از کلمات ملاء‌اعلی یک بار ربودن.

۵ یعنی ملائکه و جن و سماوات و غیر آن.

۶ یعنی از حال کافران.

۱۵. و گفتند: نیست این قرآن مگر سحر ظاهر.
۱۶. آیا چون بمیریم و باشیم خاکی و استخوانی چند، آیا ما برانگیخته شویم؟!
۱۷. آیا پدران نخستین ما برانگیخته شوند؟
۱۸. بگو: آری! و شما خوار باشید.
۱۹. پس جز این نیست که آن برانگیختن یک نعره تند باشد، پس ناگهان ایشان بنگرند.
۲۰. و گویند: ای وای بر ما! این است روز جزا.
۲۱. [گفته شود:] این است روز فیصل کردن قضایا که آن را به دروغ نسبت می کردید.
۲۲. [گفته شود:] برانگیزید ای ملایکه! ستمکاران را با همراهان ایشان<sup>۱</sup> و آنچه می پرستیدند.
۲۳. بجز خدا. پس دلالت کنید ایشان را به سوی راه دوزخ.
۲۴. و بازدارید ایشان را، هرآینه ایشان سؤال کرده خواهند شد.
۲۵. چیست شما را که با یکدیگر یاری نمی کنید.
۲۶. بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند.
۲۷. و رو آورند بعضی ایشان بر بعضی با یکدیگر سؤال کنان.
۲۸. گویند: هرآینه شما می آمدید پیش ما از جانب راست.<sup>۲</sup>
۲۹. گویند: بلکه شما نبودید مسلمانان.
۳۰. و نبود ما را هیچ تسلطی بر شما؛ بلکه شما بودید گروهی از حد گذشته.
۳۱. پس لازم شد بر ما سخن پروردگار ما که البته ما چشنده عذاب باشیم.
۳۲. پس گمراه کردیم شما را، هرآینه ما گمراه بودیم.
۳۳. پس به تحقیق همه ایشان آن روز در عذاب با هم شریک باشند.
۳۴. هرآینه ما همچنین می کنیم با گنهکاران.
۳۵. هرآینه ایشان چون گفته می شد بدیشان که نیست هیچ معبود مگر خدا، سرکشی می کردند.
۳۶. و می گفتند: آیا ما ترک کننده معبودان خود باشیم برای گفته شاعری دیوانه؟
۳۷. بلکه آورد پیغامبر سخن درست را و باور داشت سایر پیغامبران را.
۳۸. هرآینه شما چشنده عذاب درد دهنده باشید.
۳۹. و جزا داده نخواهید شد مگر به حسب آنچه می کردید.
۴۰. لیکن بندگان خالص ساخته خدا.
۴۱. این جماعت، ایشان راست روزی مقرر.
۴۲. انواع میوه ها و ایشان نواختگانند.
۴۳. در بهشت های نعمت.
۴۴. بر تخت ها روبه روی یکدیگر.
۴۵. گردانیده می شود بر ایشان جامی از شراب جاری.
۴۶. سفید رنگ، لذت دهنده، نوشندگان را.
۴۷. نه در آن شراب، تباه کاری باشد و نه ایشان از آن شراب، مست شوند.
۴۸. و نزدیک ایشان زنان فرود آورنده چشم باشند، فراخ چشمان.
۴۹. گویا ایشان بیضه های شتر مرغ در پرده پوشیده اند.
۵۰. پس روی آرند بعضی اهل بهشت بر بعضی با یکدیگر استفسارکنان.

۱ یعنی با شیاطین؛ والله اعلم.

۲ یعنی آنانکه پاک ساخته شدند از شرک و غیره.



۵۱. گفت گوینده‌ای از ایشان: هرآیینه بود مرا همنشینی.
۵۲. که به انکار می‌گفت: آیا تو از باورداران شدی؟<sup>۱</sup>
۵۳. آیا چون بمریم و شویم خاکی و استخوانی چند، آیا ما جزا داده خواهیم شد؟
۵۴. باز گفت: آیا شما درمی‌نگرید؟<sup>۲</sup>
۵۵. پس درنگریست؛ پس دید آن هم‌نشین خود را در وسط دوزخ.
۵۶. گفت: قسم به خدا! هرآیینه نزدیک بودی به آنکه هلاک کنی مرا.
۵۷. و اگر نبودی بخشایش پروردگار من، هرآیینه شدمی از حاضرکردگان در عذاب.
۵۸. البته نیستیم ما مرده شونده.
۵۹. مگر به موت نخستین خود و نیستیم ما عذاب کرده شده.
۶۰. هرآیینه این است فیروزی بزرگ.
۶۱. برای این چنین نعمت باید که عمل کنند عمل‌کنندگان.
۶۲. آیا آنچه مذکور شد نیکوتر است مهمانی یا درخت زقوم.
۶۳. هرآیینه ما ساختیم زقوم را عقوبتی برای ستمکاران.
۶۴. هرآیینه وی درختی است که برمی‌آید در قعر دوزخ.
۶۵. خوشه آن مانند سرهای شیاطین است.
۶۶. پس هرآیینه دوزخیان بخورند از آن درخت، پس پر کنند از آن شکم‌ها را.
۶۷. پس هرآیینه ایشان را بر آن طعام، آمیختنی باشد از آب گرم.
۶۸. باز هرآیینه بازگشت ایشان به سوی دوزخ بود.<sup>۳</sup>
۶۹. هرآیینه ایشان گمراه یافتند پدران خود را.
۷۰. پس ایشان بر پی پدران خود به سرعت رانده می‌شوند.
۷۱. و هرآیینه گمراه شده بودند پیش از ایشان اکثر پیشینیان.
۷۲. و هرآیینه فرستاده‌ایم در میان ایشان ترسانندگان.
۷۳. پس ببین چگونه شد انجام بیم کردگان.
۷۴. مگر بندگان خالص ساخته خدا.
۷۵. و هرآیینه آواز داد ما را نوح، پس نیک قبول کننده دعایم ما.
۷۶. و رهانیدیم او را و کسان او را از اندوه بزرگ.
۷۷. و ساختیم اولاد او را ایشان را فقط باقی‌مانده.
۷۸. و گذاشتیم بر وی ثنای نیک در پسینیان.
۷۹. سلام باد بر نوح در عالم‌ها.
۸۰. هرآیینه ما همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را.
۸۱. هرآیینه او از بندگان گرویده ما است.
۸۲. باز غرق ساختیم دیگران را.
۸۳. و هرآیینه از اتباع نوح بود ابراهیم.
۸۴. چون آمد پیش پروردگار خود به دل مبرا از عیب.
۸۵. چون گفت به پدر خود و به قوم خود: چه چیز را عبادت می‌کنید؟!
۸۶. آیا به رأی فاسد خود معبودان را بجز خدا می‌جویید؟!
۸۷. پس چیست گمان شما به پروردگار عالم‌ها؟

۱ یعنی حشر را.

۲ یعنی دوزخیان را.

۳ یعنی بعد خوردن و نوشیدن، ایشان را به دوزخ بازبرند.

۸۸. پس درنگریست ابراهیم یک بار نگرستن در ستاره‌ها.
۸۹. پس گفت: هرآینه من بیمار خواهم شد.
۹۰. پس بازگشتند از وی پشت گرداننده.
۹۱. پنهان متوجه شد به سوی معبودان ایشان، پس گفت: آیا چیزی نمی‌خورید؟
۹۲. پس چیست شما را که سخن نمی‌گویید.
۹۳. پس متوجه شد بر ایشان می‌زد زدن به قوت.
۹۴. پس روی آوردند به سوی ابراهیم شتاب‌کنان.
۹۵. ابراهیم گفت: آیا می‌پرستید چیزی را که خود می‌تراشید؟
۹۶. و خدا پیدا کرد شما را و آنچه می‌کنید.
۹۷. گفتند [با یکدیگر]: بنا کنید برای ابراهیم عمارتی، پس بیفکنید او را در آتش بسیار.
۹۸. پس قصد کردند با وی بدسگالی را، پس ساختیم ایشان را زیرتر.
۹۹. و گفت ابراهیم که: هرآینه من رونده‌ام به سوی پروردگار خود، راه خواهد نمود مرا.
۱۰۰. ای پروردگار من! عطا کن مرا از شایسته‌کاران.
۱۰۱. پس بشارت دادیم او را به نوجوان بردباری.
۱۰۲. پس چون رسید آن طفل به آن سن که سعی تواند کرد همراه والد خود، ابراهیم گفت : ای پسرک من! هرآینه من می‌بینم در خواب که من ذبح می‌کنم تو را پس درنگر تا چه چیز به خاطر تو می‌رسد؟ گفت: ای پدر من! بکن آنچه فرموده می‌شود تو را. خواهی یافت مرا، اگر خدا خواسته است، از شکیبایی کنندگان.
۱۰۳. پس چون منقاد شدند هر دو، پدر بیفکند فرزند خود را بر جانب پیشانی.
۱۰۴. و آواز دادیم ابراهیم را که ای ابراهیم!
۱۰۵. هرآینه راست کردی خواب را، هرآینه ما همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را.
۱۰۶. هرآینه این ماجرا امتحان ظاهر است.
۱۰۷. و عوض او دادیم گوسپندی مهیا برای ذبح بزرگ جثه.
۱۰۸. و گذاشتیم بر وی ثنای نیک در پسینان.
۱۰۹. سلام باد بر ابراهیم!
۱۱۰. همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را.
۱۱۱. هرآینه وی از بندگان گرویده ماست.
۱۱۲. و بشارت دادیم او را به اسحاق، پیغامبری از شایستگان.
۱۱۳. و برکت دادیم بر ابراهیم و بر اسحاق و از اولاد ایشان، بعض نیکوکار است و بعض ستم کننده آشکار است بر خویشان.
۱۱۴. و هرآینه ما احسان کردیم بر موسی و هارون.
۱۱۵. و نجات دادیم ایشان را و قوم ایشان را از اندوه بزرگ.
۱۱۶. و نصرت دادیم ایشان را، پس ایشان بودند غالبان.
۱۱۷. و دادیم ایشان را کتابی واضح.
۱۱۸. و دلالت کردیم ایشان را به راه راست.
۱۱۹. و باقی گذاشتیم بر ایشان ثنای نیک در پسینان.
۱۲۰. سلام بر موسی و هارون!
۱۲۱. هرآینه ما همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را.
۱۲۲. هرآینه ایشان از بندگان گرویده مانند.
۱۲۳. و هرآینه الیاس از فرستادگان بود.

۱۲۴. چون گفت به قوم خود: آیا پرهیزگاری نمی‌کنید؟
۱۲۵. آیا پرستش می‌کنید بعل را [بُعل نام بتی است] و ترک می‌کنید نیکوترین آفرینندگان را!
۱۲۶. ترک می‌کنید خدا را، پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شما.
۱۲۷. پس دروغی پنداشتند او را، پس هرآینه آن جماعت حاضر کردگانند.<sup>۱</sup>
۱۲۸. مگر بندگان خالص کرده خدا.
۱۲۹. و گذاشتیم بر الیاس ثنای نیک در پسینیان.
۱۳۰. سلام باد بر الیاس!
۱۳۱. هرآینه ما همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را.
۱۳۲. هرآینه وی بود از بندگان گرویده ما.
۱۳۳. و هرآینه لوط بود از فرستادگان.
۱۳۴. یاد کن چون نجات دادیم او را و اهل خانه او را، همه یکجا.
۱۳۵. مگر پیرزنی که بود از باقی ماندگان.
۱۳۶. باز هلاک ساختیم آن دیگران را.
۱۳۷. و هرآینه شما گذر می‌کنید بر مساکن آن قوم، صبح‌کنان.
۱۳۸. و به وقت شب نیز، آیا در نمی‌یابید؟
۱۳۹. و هرآینه یونس بود از فرستادگان.
۱۴۰. چون گریخت به سوی کشتی پر کرده شده.
۱۴۱. پس قرعه انداخت با اهل کشتی، پس شد از مغلوبان.
۱۴۲. پس فرو برد او را ماهی و او کننده بود کاری را که موجب ملامت باشد.
۱۴۳. پس اگر نه آن است که وی از تسبیح کنندگان می‌بود.
۱۴۴. البته باقی می‌ماند در شکم ماهی تا روزی که مردمان برانگیخته شوند.
۱۴۵. پس برتافتیم او را به زمین بی‌گیاه و او بیمار بود.
۱۴۶. و رویانیدیم بر سر او درختی از قسم کدو.
۱۴۷. و فرستادیم او را به سوی صد هزار یا بیشتر از آن باشند.
۱۴۸. پس ایمان آوردند. پس بهره‌مند ساختیم ایشان را تا مدتی.
۱۴۹. پس استفسار کن از مشرکان: آیا پروردگار ایشان را دختران است و ایشان را پسران؟
۱۵۰. آیا دختر آفریدیم فرشتگان را و ایشان حاضر بودند؟
۱۵۱. آگاه باش! هرآینه ایشان از دروغگویی خود می‌گویند.
۱۵۲. که بزاد خدای تعالی و هرآینه ایشان دروغ‌گویند.
۱۵۳. آیا اختیار کرد دختران را بر پسران.
۱۵۴. چیست شما را چگونه حکم می‌کنید؟
۱۵۵. آیا اندیشه نمی‌نمایید؟
۱۵۶. آیا شما را حجتی واضح است؟
۱۵۷. پس بیارید کتاب خود را، اگر هستید راستگو.
۱۵۸. و مقرر کردند کافران میان خدای تعالی و میان جنیان، خویشی را و هرآینه دانسته‌اند جنیان که ایشان البته حاضر کردگانند.<sup>۲</sup>
۱۵۹. پاکی است خدا را از آنچه بیان می‌کنند.

۱ یعنی در دوزخ.

۲ یعنی برای حساب و عذاب.

۱۶۰. مگر بندگان خالص کرده خدا.<sup>۱</sup>
۱۶۱. پس هر آینه شما ای کافران و آنچه می پرستید.<sup>۲</sup>
۱۶۲. نیستید همه گمراه کننده برای عبادت آن معبود باطل.
۱۶۳. مگر کسی که او در آینده دوزخ است در علم الهی.
۱۶۴. فرشتگان گفتند: و نیست هیچ کس از ما مگر او را جایی است مقرر
۱۶۵. و هر آینه ما صف کشندگانیم.
۱۶۶. و هر آینه ما تسبیح گویندگانیم.
۱۶۷. و هر آینه [کافران عرب] می گفتند:
۱۶۸. اگر بودی پیش ما خبری از پیشینیان.
۱۶۹. البته شدیم بندگان خالص ساخته خدا.
۱۷۰. باز کافر شدند به آن [قرآن]، پس خواهند دانست عاقبت کار را.
۱۷۱. هر آینه سابقاً صادر شد وعده ما برای بندگان فرستاده خویش.
۱۷۲. هر آینه پیغامبران ما، ایشانند نصرت دادگان.
۱۷۳. و هر آینه لشکر ما همونست غالب.
۱۷۴. پس روبگردان از ایشان تا مدتی.
۱۷۵. و بنگر ایشان را پس ایشان نیز خواهند دید.
۱۷۶. آیا این کافران عذاب ما را شتاب می طلبند!؟
۱۷۷. پس چون فرود آید عذاب به میدان ایشان، بد باشد روز آن بیم کردگان.
۱۷۸. و روبگردان از ایشان تا مدتی.
۱۷۹. و بنگر، پس ایشان نیز خواهند دید.
۱۸۰. پاکی است پروردگار تو را، خداوند غلبه از آنچه این جماعت بیان می کنند.
۱۸۱. و سلام بر فرستادگان خدا!
۱۸۲. و سپاس خدا راست، پروردگار عالم‌ها.

### ۳۸. سوره ص

در مکه نازل شده و آن هشتادوهشت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ص، و قسم به قرآن، خداوند پند، [که آنچه به آن دعوت می کنی راست است].
۲. بلکه کافران در سرکشی و مخالفت‌اند.
۳. بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان قرن‌ها را، پس فریاد برآورند و نبود آن وقت خلاص.
۴. و تعجب کردند از آنکه بیامد به ایشان بیم کننده‌ای از قوم ایشان و گفتند این کافران: این شخص جادوگر دروغگویی است.

۱ یعنی بیان مخلصان، موافق واقع است.

۲ یعنی بتان.

۵. آیا گردانید خدایان متعدد را یک خدا؟ هرآینه این چیزی است عجیب.
۶. و برفتند اشراف از ایشان [با یکدیگر گویان] که: بروید و شکیبایی کنید بر عبادت خدایان خود، هرآینه این دین تو فتنه است که اراده کرده شده است.
۷. نشنیدیم این قول را در دین پسین،<sup>۱</sup> نیست این مگر افترا.
۸. آیا فرود آورده شد بر این شخص قرآن از میان ما؟ بلکه این کافران در شک‌اند از پند من، بلکه هنوز نچشیده‌اند عذاب مرا.
۹. آیا نزدیک ایشان است از خزانه‌های رحمت پروردگار تو غالب بخشاینده؟
۱۰. آیا ایشان راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان اینهاست؟ پس باید که بالا روند آویخته به ریسمان‌ها.<sup>۲</sup>
۱۱. لشکری هست اینجا، به هم آمده شکست داده شده از جمله گروه‌ها.<sup>۳</sup>
۱۲. دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون، خداوند میخ‌ها.<sup>۴</sup>
۱۳. و ثمود و قوم لوط و ساکنان «ایکه» [تکذیب کردند] این جماعت‌ها.
۱۴. نیست هیچ کس از ایشان مگر دروغی داشت پیغامبران را، پس به وجود آمد عقوبت من.
۱۵. و انتظار نمی‌برند کفار این عصر مگر یک نعره تند را (یعنی نغمه قیامت) که نباشد آن را هیچ توقف.
۱۶. و گفتند [به طریق استهزا]: ای پروردگار ما! شتاب ده ما را سرنوشت ما از عقوبت پیش از روز حساب.
۱۷. صبر کن بر آنچه می‌گویند و یاد کن بنده ما، داود خداوند قوت را. هرآینه او رجوع کننده بود.<sup>۵</sup>
۱۸. هرآینه رام ساختیم همراه او کوه‌ها را، تسبیح می‌گفتند به وقت شام و صباح.
۱۹. و رام ساختیم مرغان را به هم آورده، هر یکی برای او فرمانبردار بود.
۲۰. و محکم کردیم پادشاهی او را و دادیمش حکمت و سخن واضح.
۲۱. آیا آمده است پیش تو خبر گروه خصومت کننده با یکدیگر، چون از دیوار جسته داخل شدند به مسجد؟
۲۲. چون درآمدند بر داود، پس بترسید از ایشان. گفتند: مترس! ما دو خصومت کننده‌ایم؛ ستم کرده است بعض ما بر بعض؛ پس حکم کن میان ما به راستی و جور مکن و دلالت کن ما را بر راه راست.
۲۳. این برادر من است. به دست اوست نودونه میش و پیش من یک میش است. پس گفت این شخص: به من بسیار این یک میش را و درشتی کرد با من در سخن گفتن.
۲۴. گفت داود: هرآینه ستم کرد بر تو به خواستن میش تو تا بهم آرد به میش‌های خود و هرآینه بسیاری از شریکان ستم می‌کنند بعض ایشان بر بعضی، مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و اندک‌اند ایشان. و شناخت داود که ما آزمودیم او را پس طلب آموزش کرد از پروردگار خود و بیفتاد سجده‌کنان و بازگشت به خدا.
۲۵. پس بیمارزدیم او را آن ذلت او و هرآینه او را نزدیک ما قربت است و نیکو بازگشت است.

۱ یعنی قرآن آخر که ما آن را دریافتیم؛ والله اعلم.

۲ یعنی به ریسمان آویخته هم نمی‌توانند که به آسمان روند، فکیف پادشاهی؛ والله اعلم.

۳ یعنی از جنس گروه‌ها که با انبیا مخالفت کردند.

۴ یعنی بچه‌ها را به میخ تعذیب می‌کرد.

۵ یعنی به سوی خدا.

۲۶. [گفتیم:] ای داود! هرآینه ساختیم تو را پادشاه در زمین، پس حکم کن میان مردمان به راستی و پیروی مکن خواهش نفس را که آن گمراه کند تو را از راه خدا. هرآینه آنان که گمراه می‌شوند از راه خدا، ایشان راست عذاب سخت به سبب آنکه فراموش کردند روز حساب را.
۲۷. و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان اینهاست بیهوده. این گمان کافران است. پس وای کافران را از عقوبت آتش!
۲۸. آیا می‌سازیم آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند مانند فسادکنندگان در زمین؟ آیا می‌سازیم پرهیزگاران را مانند بدکاران؟
۲۹. [این قرآن] کتابی است با برکت که فرود آوردیم او را به سوی تو تا مردمان تأمل کنند در آیات او و تا پند گیرند خداوندان خرد.
۳۰. و عطا کردیم داود را فرزندی سلیمان نام. نیکوبنده بود سلیمان، هرآینه او رجوع کننده بود به خدا.
۳۱. [یاد کن] چون نموده شد او را وقت پگاه، اسبان تیزرو.
۳۲. پس گفت: هرآینه دوست داشتم این اسبان را [از قبیل رغبت به مال اعراض کنان از ذکر پروردگار خود] تا آنکه پنهان شد آفتاب در پرده.<sup>۱</sup>
۳۳. بازگردانید این اسبان را بر من. پس شروع کرد دست رسانیدن به ساق‌ها و گردن‌ها.<sup>۲</sup>
۳۴. و هرآینه آزمودیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او کالبدی، باز رجوع کرد به خدا.<sup>۳</sup>
۳۵. گفت: ای پروردگار من! بیامرز مرا و عطا کن مرا آن پادشاهی که راست نیاید هیچ کس را غیر از من. هرآینه تویی بخشاینده.
۳۶. پس مسخر گردانیدیم برای او باد را، می‌رفت به فرمان او به آهستگی روان شده هر جا که خواسته باشد.
۳۷. و مسخر گردانیدیم دیوان را، هر عمارت بنا کننده را و هر فرو رونده را به دریا.
۳۸. و مسخر گردانیدیم دیوان دیگر را دست و پا به هم بسته در زنجیرها.
۳۹. [گفتیم:] این است بخشش ما؛ پس عطا کن یا نگاهدار به غیر آنکه با تو حساب کرده شود.
۴۰. و هرآینه او را نزدیک ما قربت است و نیکو بازگشت است.
۴۱. و یاد کن بنده ما، ایوب را؛ چون ندا کرد به پروردگار خود که دست رسانیده است مرا شیطان به رنجوری و درد.
۴۲. [گفتیم:] بزین زمین را به پای خود، ناگهان آن چشمه باشد که مهیا برای غسل سرد بود و آشامیدنی باشد.
۴۳. و عطا کردیم او را اهل خانه او و مانند ایشان همراه ایشان بخشایشی از نزدیک خود و پندی خداوندان خرد را.

۱ یعنی نماز عصر فوت شد.

۲ یعنی ذبح کرده ساق آنها را بریده از جهت غیرت بر ذکر خدای تعالی؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: سلیمان، علیه‌السلام، از امرای خود منغص شد و به خاطر آورد که امشب با صد زن صحبت دارم و هر زنی پسری زاید و هر یکی شهسواری باشد، جهادکننده، مرا احتیاج متعلق امرانیتند. فرشته گفت: انشاءالله بگو. سلیمان سهو کرد؛ پس هیچ زن حامله نشد. الا یکی طفل ناقص الخلق [بی‌زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند. سلیمان، علیه‌السلام، متنبه شد و رجوع به رب العزت کرد؛ والله اعلم.

۴۴. و [گفتیم]: بگیر به دست خود دسته شاخ‌ها، پس بزَن به آن<sup>۱</sup> و خلاف سوگند مکن، هرآیین ما او را یافتیم شکیباً. نیک بنده بود ایوب؛ هرآیین او رجوع کننده به خدا بود.<sup>۲</sup>
۴۵. و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، خداوندان دست‌ها و چشم‌ها.<sup>۳</sup>
۴۶. هرآیین ما یک رو ساختیم ایشان را برای خصلتی پاک که یاد کردن آخرت است.
۴۷. و هرآیین ایشان نزدیک ما از برگزیدگان نیکان بودند.
۴۸. و یاد کن اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را و هر یکی از نیکان بودند.
۴۹. این [قرآن] پندی هست و هرآیین پرهیزگاران را نیک بازگشت است.
۵۰. بوستان‌های دایم است، گشاده کرده برای ایشان دروازه‌ها.
۵۱. تکیه‌کنان در آنجا، می‌طلبند آنجا میوه بسیار و شراب را.
۵۲. و نزدیک ایشان باشند زنان فرودآورنده چشم؛ هم عمر با یکدیگر.
۵۳. این است آنچه وعده داده می‌شود شما را برای روز حساب.
۵۴. هرآیین این رزق ما است، نباشد آن را هیچ زوال.
۵۵. این [است جزا] و هرآیین از حدگذشتگان را بد بازگشتی باشد.
۵۶. که دوزخ است، درآیند آنجا پس بد آرامگاه است این.
۵۷. این عذاب آب گرم است و زرداب است، پس باید که بجشید آن را.
۵۸. و غذایی دیگر است مانند این انواع مختلف.
۵۹. این قومی است در آینده به آتش همراه شما. [متبوعان گویند]: زمین گشاده مباد بر ایشان! هرآیین ایشان درآیندگان آتش‌اند.
۶۰. [تابعان] گویند: بلکه شما! زمین گشاده مباد بر شما! رسم قدیم ساختید کفر را برای ما. پس بد قرارگاهی است [دوزخ].
۶۱. گویند: ای پروردگار ما! هر که آیین قدیم ساخته باشد برای ما کفر را، پس زیاده کن در حق او عقوبت دوباره در آتش.
۶۲. و گفتند اهل دوزخ: چیست ما را که نمی‌بینیم مردانی را که می‌شمردیم ایشان را از بدان؟<sup>۴</sup>
۶۳. آیا مسخره می‌گرفتیم ایشان را یا برگشته است از ایشان دیده‌ها؟
۶۴. هرآیین این راست است [امراد از آن] خصومت کردن اهل دوزخ است با یکدیگر.
۶۵. بگو: جز این نیست که من ترساننده‌ام و نیست هیچ معبود، مگر خدای یگانه باقوت.
۶۶. پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان اینها است. غالب آمرزگار.
۶۷. بگو: این خبری بزرگ است.
۶۸. شما از وی رو گردانده‌اید.
۶۹. نیست مرا هیچ دانش به حال این جماعت بلند قدر از فرشتگان، چون با یکدیگر جواب و سؤال می‌کنند.
۷۰. وحی فرستاده نمی‌شود به سوی من، مگر آنکه من ترساننده آشکارم.

۱ یعنی زن خود را.

۲ یعنی ایوب، علیه‌السلام، سوگند خورده بود که زن خود را صد ضربه بزند؛ خدای تعالی بر وی سهل ساخت.

۳ یعنی علم و عمل هر دو به کمال داشتند؛ والله اعلم.

۴ چون تابعان خواهند که بدوزخ درآیند، متبوعان را گفته شود.

۵ یعنی فقراى مسلمین.

۷۱. [و یاد کن] چون گفت پروردگار تو به فرشتگان: هرآینه من آفریننده‌ام آدمی را از گل.
۷۲. پس چون راست کنم او را و بدمم در روی روح خود را، پس درافتید او را سجده‌کنان.
۷۳. پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان، همه یکجا.
۷۴. مگر شیطان؛ سرکشی کرد و شد از کافران.
۷۵. گفت [خدا]: ای شیطان! چه چیز بازداشت تو را از آنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش به دست خود؟ آیا تکبر کردی یا به حقیقت هستی از بلندقدران؟
۷۶. گفت: من بهترم از وی. آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل.
۷۷. گفت: بیرون شو از بهشت، هرآینه تو رانده شده‌ای.
۷۸. و هرآینه بر تو لعنت من باد تا روز جزا.
۷۹. گفت: ای پروردگار من! پس مهلت ده مرا تا آن روز که برانگیخته شوند مردمان.
۸۰. گفت: هرآینه تو از مهلت دادگانی.
۸۱. تا روز آن وقت معین.
۸۲. گفت [شیطان]: پس قسم به عزت تو! که البته گمراه کنم ایشان را، همه یکجا.
۸۳. مگر بندگان خالص کرده تو از ایشان.
۸۴. فرمود: پس سخن راست است این و سخن راست می‌گویم.
۸۵. البته پر کنم دوزخ را از تو و از آنان که پیروی تو کنند از ایشان، همه یکجا.
۸۶. بگو: سؤال نمی‌کنم بر تبلیغ قرآن هیچ مزد را و نیستم از تکلف‌کنندگان.<sup>۱</sup>
۸۷. نیست قرآن مگر پندی عالم‌ها را.
۸۸. و البته خواهید دانست صدق آن را بعد زمانی.

### ۳۹. سوره زمر

در مکه نازل شده و آن هفتادوپنج آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. فرورفستادن این کتاب از جانب خدای غالب باحکمت است.
۲. هرآینه ما فرورفستادیم به سوی تو کتاب را به راستی، پس عبادت کن خدا را خالص کرده برای او پرستش.
۳. آگاه باش! مر خدای راست<sup>۱</sup> پرستش کردن خالص<sup>۲</sup> و آنان که دوستان گرفتند بجز خدا [و گفتند]: عبادت نمی‌کنیم ایشان را مگر برای آنکه نزدیک سازند ما را به خدا در مرتبه قرب، هرآینه خدا حکم می‌کند میان ایشان در آنچه ایشان در آن اختلاف دارند. هرآینه خدا راه نمی‌نماید کسی را که دروغگوی ناسپاس است.

۱ یعنی دعوی وحی نکنم به غیر تحقیق.

۲ یعنی مقبول نزد اوست.

۳ یعنی به غیر شرک.



۴. اگر خواستی خدا که فرزند گیرد، البته برگزیدی از آن جمله که خلق کرده است چیزی را که می‌خواست. پاکی او راست. همونست خدای یگانه باقوت.
۵. آفرید آسمان‌ها و زمین به تدبیر درست. می‌پیچاند شب را بر روز و می‌پیچاند روز را بر شب و رام ساخت آفتاب و ماه را؛ هر یکی می‌رود در زمان معین. آگاه باش! همونست غالب آمرزنده.
۶. آفرید شما را از یک شخص، باز بیافرید از آن شخص زنش را و فروفرستاد برای شما از چهارپایان، هشت قسم.<sup>۱</sup> می‌آفریند شما را در شکم مادران شما یک نوع آفریدن بعد از آفریدن دیگر در تاریکی‌های سه‌گانه؛<sup>۲</sup> این است خدا، پروردگار شما، مر او راست پادشاهی، نیست هیچ معبود بر حق مگر او. پس از کجا گردانیده می‌شوید؟
۷. اگر ناسپاسی کنید، پس هرآینه خدا بی‌نیاز است از شما و نمی‌پسندد در حق بندگان خود ناسپاسی را و اگر سپاسداری کنید، پسند کند برای شما و بر ندارد هیچ بردارنده بار دیگری را. باز به سوی پروردگار شما بازگشت شما است. پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید، هرآینه او داناست به مکنون سینه‌ها.
۸. و چون برسد آدمی را رنجی، دعا کند به جناب پروردگار خود رجوع کرده به سوی او. باز چون عطا کندش نعمتی از نزدیک خود، فراموش سازد آنچه دعا می‌کرد به جهت او پیش از این و مقرر کند برای خدا همسران را تا گمراه کند از راه خدا. بگو: بهره‌مند باش به کفر خود اندک زمانی. هرآینه تو از اهل دوزخی.
۹. آیا آن ناسپاس مشرک بهتر است یا کسی که او عبادت کننده است در ساعت‌هایی از شب، سجده‌کنان و ایستاده شده می‌ترسد از آخرت و امید می‌دارد رحمت پروردگار خود را؟ بگو: آیا برابر می‌شوند آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند؟ جز این نیست که پندپذیر می‌شوند خداوندان خرد.
۱۰. بگو [یا محمد از طرف من]: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! بترسید از پروردگار خود؛ مر آنان را که نیکوکاری می‌کردند در این دنیا، حالت نیک باشد و زمین خدا گشاده است. جز این نیست که تمام داده می‌شود صابران را مزد ایشان بی‌شمار.<sup>۳</sup>
۱۱. بگو: هرآینه فرموده شد مرا که عبادت کنم خدای را خالص ساخته برای او پرستش.
۱۲. و فرموده شد مرا به آنکه باشم نخستین مسلمان.
۱۳. بگو: هرآینه من می‌ترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ.
۱۴. بگو: خدا را عبادت می‌کنم خالص ساخته برای او پرستش خود را.<sup>۴</sup>
۱۵. پس عبادت کنید هر که را خواهید بجز خدا. بگو: هرآینه زیانکاران آنانند که زیان دادند خویشتن را و اهل خود را روز قیامت.<sup>۵</sup> آگاه باش! این مقدمه همان است زیان ظاهر.
۱۶. ایشان را از بالای ایشان سایه‌بان‌ها باشد از آتش و از زیر ایشان نیز مثل سایه‌بان‌ها. [این عذاب] می‌ترساند خدا از آن بندگان خود را. ای بندگان من! بترسید از من.
۱۷. و آنان که احتراز کردند از بت، از آنکه عبادت کنند او را و رجوع کنند به سوی خدا، ایشان راست مؤدبه؛ پس مؤدبه ده آن بندگان مرا.

۱ یعنی نر و ماده از شتر و گاو و گوسفند و بز؛ والله اعلم.

۲ یعنی مشیمه و رحم و بطن؛ والله اعلم.

۳ درین آیت، تعریض است به هجرت حبشه.

۴ یعنی از شرک.

۵ یعنی هلاک کردند خود را و اهل خانه خود را به ضلال و اضلال.

۱۸. که می‌شنوند سخن، پس پیروی می‌نمایند نیکوترین آن را. ایشانند آنان که هدایت کرده است ایشان را خدا و ایشانند خداوندان خرد.
۱۹. پس کسی که ثابت شد بر وی وعده عذاب، آیا تو خلاص توانی کرد آن دوزخی را؟
۲۰. لیکن آنان که ترسیدند از پروردگار خود، ایشان راست محل‌های بلند؛ بالای آن محل‌هایی دیگر عمارت کرده شده، می‌رود زیر آن جوی‌ها. وعده کرده است خدا. خلاف نمی‌کند خدا وعده را.
۲۱. آیا ندیدی که خدا فروفرستاد از آسمان، آبی؛ پس درآورد آن را به چشمه‌سارها در زمین؛ باز برمی‌آرد به سبب آن کشت را گوناگون اقسام و باز خشک می‌شود؛ پس می‌بینی آن را زرد شده، باز می‌کند آن را ریزه ریزه. هرآینه در این مقدمه پندی هست خداوندان خرد را.
۲۲. آیا کسی که گشاده کرده است خدا سینه او را برای دین اسلام پس او بر روشنی باشد از جانب پروردگار خود، مانند سخت دلان است؟ پس وای آنان را که سخت است دل ایشان از یاد کردن خدا؛ ایشانند در گمراهی ظاهر.
۲۳. خدا نازل ساخت بهترین سخن، کتابی که بعضی او مانند دیگر آیات دو تو، موی خیز می‌شود از شنیدن آن پوست آنان که می‌ترسند از پروردگار خود، بعد از آن نرم می‌شود پوست ایشان و دل ایشان نزدیک ذکر خدا. این است هدایت خدا، راه می‌نماید به آن هر که را خواهد و هر که را گمراه کند خدا، پس نیست او را هیچ راه نماینده.
۲۴. آیا کسی که احتراز می‌کند به روی خود از سختی عذاب روز قیامت،<sup>۲</sup> و گفته شود ستمکاران را: بچشید وبال آنچه می‌کردید.
۲۵. به دروغ نسبت کردند آنان که پیش از ایشان بودند، پس بیامد بدیشان عذاب از آنجا که نمی‌دانستند.
۲۶. پس چشاند ایشان را خدا خواری در زندگانی دنیا و هرآینه عقوبت آخرت سخت‌تر است اگر می‌دانستند.
۲۷. و هرآینه بیان کردیم برای مردمان در این قرآن از هر نوع داستان، بود که ایشان پند گیرند.
۲۸. [فرود آوردیم] قرآن عربی بی‌عیب، بود که ایشان پرهیزگاری کنند.
۲۹. بیان کرد خدا داستان بنده‌ای که در وی شریکان مختلف‌اند و بنده‌ای مسلم برای مردی، آیا برابرند در صفت؟ ستایش خدای راست بلکه ایشان نمی‌دانند.<sup>۳</sup>
۳۰. [یا محمد] هرآینه تو خواهی مرد و هرآینه ایشان خواهند مرد.
۳۱. باز البته شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش با یکدیگر خصومت خواهید کرد.
۳۲. پس کیست ستمکارتر از کسی که دروغ بر بست بر خدا و دروغ داشت دین راست را چون بیامد به او؟ آیا نیست در دوزخ جای کافران؟
۳۳. و آن که آورد دین راست را و آن که باور داشت آن را، آن جماعت ایشانند متقیان.
۳۴. ایشان راست آنچه خواهند نزدیک پروردگار ایشان؛ این است جزای نیکوکاران.

۱ یعنی وعده یا وعید و اندرز یا بشارت.

۲ یعنی بجز روی چیزی نیابد که عذاب را به آن نگه دارد و مانند اهل نجات باشد.

۳ یعنی یک بنده که چند کس مالک او باشند، ضائع شود. هم چنین کسی که معبودان بسیار را پرستش می‌کند، ضائع است و بنده‌ای که خالص برای یک کس است، آن یک کس متولی جمیع امور او باشد. همچنین کسی که موحد باشد و مخلص، خدا کارساز اوست؛ والله اعلم.

۳۵. تا زایل کند خدا از ایشان بدترین آنچه کردند و بدهد ایشان را مزد ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند.
۳۶. آیا نیست خدا کارساز، بنده خود را؟ و می ترسانند تو را به آنان که غیر خدایند و هر که را گمراه کند خدا، پس نیست او را هیچ راه نماینده.
۳۷. و هر که را راه نماید خدا، پس نیست او را هیچ گمراه کننده. آیا نیست خدا غالب خداوند انتقام کشیدن؟
۳۸. و اگر بپرسی ایشان را: که آفرید آسمانها و زمین؟ البته بگویند: خدا آفرید. بگو: دیدید آن را که می پرستید بجز خدا، اگر خواهد در حق من خدای تعالی سختی را، آیا این بتان دفع کننده سختی او هستند؟ یا اگر خواهد در حق من بخشایشی، آیا این بتان بازدارنده بخشایش او هستند؟ بگو: بس است مرا خدا؛ بر وی توکل می کنند توکل کنندگان.
۳۹. بگو: ای قوم من! عمل کنید بر وضع خود؛ هر آینه من نیز عمل کننده ام بر وضع خود، پس خواهید دانست.
۴۰. کسی را که بیایدش غذایی که رسوا کندش و کسی را که فرود آید بر وی عذاب دایم.
۴۱. هر آینه ما فرود آوریم بر تو کتاب را برای مردمان به راستی. پس هر که راه یاب شد، پس نفع او راست و هر که گمراه شد، پس جز این نیست که گمراه می شود به ضرر خود و نیستی بر ایشان نگاهبان.
۴۲. خدای تعالی قبض ارواح می کند نزدیک موت آن و آن روح که نمرده است، قبض آن می کند نزدیک خواب آن، پس نگاه می دارد آن را که حکم موت کرده است بر وی و می گذارد آن دیگر را تا وقتی معین. هر آینه در این مقدمه، نشانه هاست برای قومی که تأمل می کنند.
۴۳. آیا شفاعت کنندگان گرفته اند بجز خدا؟ بگو: ایشان را که گرفتید اگر چه نمی توانستند هیچ کاری و نمی دانستند؟
۴۴. بگو: در اختیار خدا است شفاعت، همه یکجا. مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین، باز به سوی او گردانیده خواهید شد.
۴۵. و چون یاد کرده شود نام خدا، تنها، متنفر شود دل آنان که ایمان نمی آرند به آخرت و چون یاد کرده شوند آنان که بجز او هستند، ناگاه ایشان شادمان می شوند.
۴۶. بگو: بار خدایا! ای پیدا کننده آسمانها و زمین! داننده نهان و آشکارا! تو حکم کنی میان بندگان خود در چیزی که ایشان در آن اختلاف می کردند.
۴۷. و اگر باشد آنان را که ستم کردند، آنچه در زمین است، همه یکجا و مانند آن همراه آن، البته عوض خود دهند آن را به سبب سختی عذاب در روز قیامت و ظاهر شود ایشان را از جانب خدا آنچه گمان نمی داشتند.
۴۸. و ظاهر شود ایشان را جزای بد آنچه کرده بودند و درگیرد ایشان را آنچه بدان استهزاء می کردند.
۴۹. پس چون برسد آدمی را سختی، بخواند ما را. باز چون بدهیم او را نعمتی از طرف خود، گوید: جز این نیست که داده شده است این نعمت مرا بنا بر دانشی که در من است؛ بلکه این نعمت آزمایشی است ولیکن اکثر ایشان نمی دانند.
۵۰. هر آینه گفتند این کلمه، آنان که پیش از ایشان بودند؛ پس دفع نکرد از سر ایشان بلا را آنچه می کردند.

۵۱. پس رسید بدیشان عقوبت‌های آنچه کردند و آنان که ستم کردند از این جماعت، خواهد رسید بدیشان عقوبت‌های آنچه کردند و نیستند ایشان عاجز کننده.
۵۲. آیا ندانسته‌اند که خدا گشاده می‌سازد رزق را برای هر که می‌خواهد و تنگ می‌کند برای هر که خواهد؟ هر آینه در این کار نشانه‌ها است قومی را که ایمان می‌آرند.
۵۳. بگو [از طرف من]: ای آن بندگان من! که تجاوز از حد کردید بر خود، ناامید مشوید از رحمت خدا. هر آینه خدا می‌آمزد گناهان را همه یکجا، هر آینه خدا همون است آمرزگار مهربان.
۵۴. و رجوع کنید به سوی پروردگار خویش و منقاد شوید او را پیش از آنکه بیاید به شما عقوبت، باز مدد کرده نشوید.
۵۵. و پیروی کنید نیکوترین آنچه فروفرستاده شد به سوی شما از جانب پروردگار شما، پیش از آنکه بیاید به شما عذاب، ناگهان و شما خبردار نباشید.
۵۶. [رجوع به خدا کنید و اتباع قرآن نمایید] به جهت ترس از آنکه گوید شخصی: وای پشیمانی من! به تقصیر کردن من در حق خدا و هر آینه من بودم از تمسخر کنندگان.
۵۷. یا گوید: اگر خدا هدایت کردی مرا، البته می‌شدم از متقیان.
۵۸. یا گوید وقتی که معاینه کند عذاب را: کاش! مرا رجوع باشد تا باشم از نیکوکاران.
۵۹. [آنگاه خدا فرماید]: آری! آمد پیش تو آیات من، پس دروغ داشتی آن را و تکبر کردی و شدی از کافران.
۶۰. و روز قیامت ببینی آنان را که دروغ بستند بر خدا، روی ایشان سیاه شده است. آیا نیست در دوزخ جایی متکبران؟
۶۱. و نجات دهد خدا متقیان را قرین رستگاری خویش شده؛ نرسد بدیشان سختی و نه اندوهگین شوند.
۶۲. خدا آفریننده هر چیز است و او بر هر چیز خبرگیرنده است.
۶۳. مر او راست کلیدهای آسمان‌ها و زمین<sup>۱</sup> و آنان که کافر شدند به نشانه‌های خدا، این جماعت ایشانند زیانکاران.
۶۴. بگو: آیا می‌فرمایید به من که پرستش کنم غیر خدا را ای نادانان؟! و هر آینه وحی فرستاده شد [یا محمد] به سوی تو و به سوی آنان که پیش از تو بودند که اگر شریک خدا مقرر کنی، البته نابود گردد عمل تو و البته شوی از زیانکاران.
۶۶. بلکه خدا را فقط عبادت کن و بشو از سپاسداران.
۶۷. و نشناختند خدا را حق شناختن او، و زمین همه یکجا در مشت او باشد روز قیامت و آسمان‌ها پیچیده شوند در دست راست او. پاکی او راست و برتر است از آنکه شریک او مقرر می‌کنند.
۶۸. و دمیده شود در صور؛ پس بمیرد هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است، مگر آن که خدا خواسته است. باز دمیده شود در صور بار دیگر، پس ناگهان ایشان ایستادگانند، می‌نگرند.
۶۹. و روشن شود زمین به نور پروردگار خود و نهاده شود نامه اعمال و آورده شود پیغامبران را و گواهان را و حکم کرده شود میان آدمیان به راستی و ایشان ستم کرده نشوند.

۱ یعنی به دنیا.

۲ یعنی مختار و متصرف اوست.

۷۰. تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و خدا دانتر است به آنچه می‌کنند.
۷۱. و روان کرده شود کافران را به سوی دوزخ، گروه گروه؛ تا وقتی که بیایند نزدیک دوزخ، واکرده شود دروازه‌های آن و گویند ایشان را نگاهبانان دوزخ: آیا نیامده بودند به شما پیغامبران از جنس شما، می‌خواندند بر شما آیات پروردگار شما را و می‌ترسانیدند شما را از ملاقات این روز شما؟ گفتند: آری! ولیکن متحقق شد حکم عذاب بر کافران.
۷۲. گفته شود: درآیید به دروازه‌های دوزخ جاودان در آنجا، پس بدجایی متکبران است دوزخ.
۷۳. و روان کرده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خویش به سوی بهشت، گروه گروه؛ تا وقتی که بیایند نزدیک بهشت و واکرده شود دروازه‌های آن و گویند ایشان را نگاهبانان بهشت: سلام بر شما باد! خوشحال شدید، پس درآیید به بهشت جاودان.
۷۴. و گویند: سپاس خدا را که راست کرد با ما وعده خود و عطا کرد ما را زمین. جای می‌گیریم از بهشت هر جا که خواهیم. پس نیک مزد کار کنندگان است به بهشت.
۷۵. و بینی فرشتگان را گرداگرد شده حوالی عرش، تسبیح می‌گویند همراه ستایش پروردگار خویش و حکم کرده شود میان ایشان به راستی<sup>۱</sup> و گفته شود: ستایش خدای راست، پروردگار عالم‌ها.

۴۰. سوره غافر (مؤمن)

در مکه نازل شده و آن هشتادوپنج آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. حم.
۲. فرورستاندن کتاب از جانب خدای غالب داناست.
۳. آمرزنده گناه و پذیرنده توبه، سخت کننده عقوبت، خداوند توانگری. نیست هیچ معبود مگر او. به سوی اوست بازگشت.
۴. مکابره نمی‌کنند در آیت‌های خدا مگر کافران، پس غره نکند تو را آمد و رفت ایشان در شهرها.
۵. دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح و جماعت‌های دیگر بعد از قوم نوح و قصد کرد هر جماعتی به پیغامبر خود تا بگیرند آن را و مکابره کردند به شبهات بیهوده تا ناچیز سازند به آن سخن درست را، پس گرفتیم ایشان را. پس چگونه بود عقوبت من؟
۶. و همچنین ثابت شد حکم پروردگار تو بر کافران که ایشان اهل دوزخند.
۷. آنان که برمی‌دارند عرش را و آنان که گرداگرد عرشند، تسبیح می‌گویند همراه ستایش پروردگار خویش و ایمان می‌آرند به او و آمرزش می‌خواهند برای مؤمنان. می‌گویند:

۱ یعنی در اختصاص ملاء اعلی.

- ای پروردگار ما! فراگرفتی همه چیز را به بخشایش و دانش، پس بیا مرز آنان را که توبه کردند و پیروی راه تو نمودند و نگاه‌دار ایشان را از عذاب دوزخ.
- ۸ ای پروردگار ما! درآر ایشان را به بوستان‌های همیشه ماندن که وعده کرده‌ای به ایشان و درآر نیز هر که شایسته کار باشد از پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان، هرآینه تویی غالب باحکمت.
- ۹ و نگاه دار ایشان را از عقوبت‌ها و هر که را نگاه داری از عقوبت‌ها در آن روز، پس هرآینه رحم کرده‌ای بر وی و این مقدمه نگاه داشتن، همان است مطلب‌یابی بزرگ.
- ۱۰ هرآینه آنان که کافر شدند، آواز داده شود ایشان را که به تحقیق دشمن داشتن خدا شما را، وقتی که خوانده می‌شدید در دنیا به سوی ایمان پس کافر می‌ماندید، زیاده‌تر است از دشمن داشتن شما خود را.
- ۱۱ گویند: ای پروردگار ما! مرده ساختی ما را دوبار و زنده گردانیدی ما را دوبار، پس اعتراف کردیم به گناهان خود، پس آیا به سوی بیرون رفتن راهی هست؟! (یعنی حيله‌ای هست).<sup>۱</sup>
- ۱۲ این عذاب به سبب آن است که چون یاد کرده می‌شد خدا تنها، انکار می‌کردید و اگر شریک او مقرر کرده می‌شد، باور می‌داشتید؛ پس فرمان خدای راست بلندقدر و بزرگوار.
- ۱۳ اوست آن که می‌نماید شما را نشانه‌های خود و فرومی‌فرستد برای شما از آسمان رزق را و پندپذیر نمی‌شود، مگر کسی که رجوع می‌کند به خدا.
- ۱۴ پس یاد کنید خدا را یک جهت ساخته برای او عبادت را اگرچه ناخوش دارند کافران.
- ۱۵ اوست بلند کننده مرتبه‌ها، خداوند عرش، می‌اندازد وحی را از فرمان خود بر هر که خواهد از بندگان خود تا بترساند آن بنده را از روز ملاقات.
- ۱۶ روزی که ایشان بیرون آیند،<sup>۲</sup> پوشیده نباشد بر خدا از ایشان چیزی. خدا فرماید: که راست پادشاهی، امروز؟ باز خود جواب دهد: مرا، خدای یگانه غالب را.
- ۱۷ امروز پادشاه داده شود هر شخصی به حسب آنچه کرده است. هیچ ستم نیست امروز، هرآینه خدا زود حساب کننده است.
- ۱۸ و بترسان ایشان را از روز قیامت؛ آنگاه که دل‌ها نزدیک چنبر گردن باشند پر شده از غم. نیست ستمکاران را هیچ دوستی و نه شفاعت کننده‌ای که سخن او قبول کرده شود.
- ۱۹ می‌داند خیانت چشم‌ها را و آنچه پنهان می‌دارند سینه‌ها.
- ۲۰ و خدا حکم می‌کند به راستی و آنان که می‌پرستند ایشان را بجز خدا، حکم نمی‌کنند به چیزی. هرآینه خدا همونست شنوای بینا.
- ۲۱ آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بنگرند چگونه بود آخر کار آنان که پیش از ایشان بودند. زیاده‌تر از ایشان به قوت و به نشانه‌ها در زمین،<sup>۳</sup> پس گرفتار کرد ایشان را خدا به گناهان ایشان و نبود ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده.
- ۲۲ این عقوبت به سبب آن بود که می‌آمدند به ایشان پیغامبران ایشان به نشانه‌ها، پس ایشان کافر شدند؛ پس گرفتار کرد ایشان را خدا. هرآینه خدا توانای سخت عقوبت است.

۱ یعنی گویند با خدا و فرشتگان.

۲ یعنی از قبور.

۳ یعنی محل‌ها و قلعه‌ها بسیار بنا کردند.

۲۳. و هرآینه فرستادیم موسی را به نشانه‌های خویش و به حجت ظاهر.
۲۴. به سوی فرعون و هامان و قارون، پس گفتند: جادوگری است دروغگوی.
۲۵. پس چون آمد بدیشان به پیغام راست از نزدیک ما، گفتند: بکشید فرزندان آنان که ایمان آوردند همراه او و زنده گذارید دختران ایشان را و نیست حيله‌سازی کافران مگر در تباهی.
۲۶. و گفت فرعون: ای یاران! بگذارید مرا تا بکشم موسی را و باید که دعا کند به جناب پروردگار خویش. هرآینه من می‌ترسم از آنکه بدل کند دین شما را یا پدید آرد در زمین فساد را.
۲۷. و گفت موسی: هرآینه من پناه گرفتم به پروردگار خود و پروردگار شما از هر متکبری که باور نمی‌دارد روز حساب را.
۲۸. و گفت مردی مسلمان از خویشان فرعون که پنهان می‌داشت ایمان خود را: آیا می‌کشید مردی را به سبب آنکه می‌گوید پروردگار من خدا است؟ و هرآینه آورده است پیش شما نشانه‌ها از جانب پروردگار شما و اگر به فرض دروغگویی باشد، پس وبال بر او است دروغگویی او و اگر راستگویی باشد، البته برسد به شما بعض آنچه وعده می‌دهد شما را. هرآینه خدا راه نمی‌نماید کسی را که باشد از حد گذرنده دروغگویی.
۲۹. ای قوم من! شما راست پادشاهی امروز غالب شده در زمین، پس که نصرت دهد ما را از عذاب خدا اگر بیاید به ما؟ گفت فرعون: مصلحت نمی‌دهم شما را مگر آنچه ادراک می‌کنم و دلالت نمی‌کنم شما را مگر به راه راستی.
۳۰. و گفت شخصی که ایمان آورده بود: ای قوم من! هرآینه من می‌ترسم بر شما از مانند روز جماعت‌های پیشین.
۳۱. مانند صورت حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که بعد از ایشان بودند و خدا اراده ستم نمی‌کند بر بندگان.
۳۲. و ای قوم من! هرآینه من می‌ترسم بر شما از روز آواز دادن با یکدیگر.
۳۳. روزی که روی بگردانید پشت داده، نبود شما را از خدا هیچ نگاه دارنده و هر که را گمراه سازد خدا، پس نیست او را هیچ راه نماینده.
۳۴. و هرآینه آمده بود پیش از این به شما یوسف به نشانه‌ها، پس همیشه در شک بودید از آنچه آورده بود پیش شما آن را. تا وقتی که بمرد. گفتید: نخواهد فرستاد خدا بعد از وی پیغامبری را؛ همچنین گمراه می‌کند خدا هر که را که هست او از حد گذرنده شک آورنده.
۳۵. آنان را که مکابره می‌کنند در آیات خدا به غیر حجتی که آمده باشد پیش ایشان؛ سخت نایسند شد این مکابره ایشان نزدیک خدا و نزدیک آنان که ایمان آوردند. همچنین مهر می‌نهد خدا بر هر دل متکبر سرکش.
۳۶. و گفت فرعون: ای هامان! عمارت کن برای من کوشکی تا باشد که برسم به این راه‌ها.
۳۷. راه‌های آسمان‌ها؛ تا درنگرم به سوی پروردگار موسی و هرآینه دروغگویی می‌پندارمش و همچنین آراسته شد در نظر فرعون عمل بد او و بازداشته شد از راه ثواب و نبود حيله‌سازی فرعون مگر در تباهی.
۳۸. و گفت آن که ایمان آورده بود: ای قوم من! پیروی من کنید تا دلالت کنم شما را به راه راستی.

۳۹. ای قوم من! جز این نیست که این زندگانی دنیا اندک بهره است و هرآینه آخرت همون است سرای همیشه بودن.
۴۰. هر که به عمل آرد کار بد، پس جزا داده نخواهد شد، الا مانند آن و هر که به جا آرد کار شایسته، خواه از جنس مرد خواه از جنس زن و او مؤمن بود، پس درآیند آن جماعت به بهشت؛ رزق داده شود ایشان را آنجا به غیر شمار.
۴۱. و ای قوم من! چیست مرا که می خوانم شما را به سوی نجات و شما می خوانید مرا به سوی دوزخ؟!
۴۲. می خوانید مرا به سوی آنکه کافر شوم به خدا و شریک او مقرر کنم چیزی که نیست مرا به حقیقت آن علم و من می خوانم شما را به سوی خدای غالب آمرزگار.
۴۳. بی شبهه چیزی که شما می خوانید مرا به سوی آن، نیست آن چیز را قبول کردن دعا نه در دنیا و نه در آخرت و بی شبهه بازگشت ما به سوی خدا است و بی شبهه از حدگذشتگان، ایشانند اهل دوزخ.
۴۴. پس یاد خواهید کرد آنچه من می گویم به شما و می سپارم مقدمه خود را به خدا، هرآینه خدا بینا است به احوال بندگان.
۴۵. پس نگه داشت او را خدا از سختی های بدسگالی ایشان و فروگرفت به خویشان فرعون، عذاب سخت.
۴۶. درگرفت ایشان را آتش، حاضر کرده می شوند بر آتش پگاه و شام، و روزی که قایم شود قیامت، [گوییم]: خویشان فرعون را: درآید در سخت ترین عذاب.
۴۷. و [یاد کن] چون باهم مکابره می کنند در دوزخ، پس گویند ناتوانان، سرکشان را: هرآینه ما تابع بودیم شما را، پس آیا شما دفع کننده هستید از سرما یک حصه از عقوبت آتش؟
۴۸. گویند سرکشان: هرآینه ما همه در آتسیم، هرآینه خدا مقدمه فیصل کرده است در میان بندگان.
۴۹. و گویند آنان که در آتش اند، نگاهبانان دوزخ را: دعا کنید به جناب پروردگار خویش تا سبک گرداند از ما حصه یک روزه از عذاب.
۵۰. گویند [نگاهبانان]: آیا نمی آمدند به شما پیغامبران شما با معجزه ها؟ گفتند: آری! [نگاهبانان] گویند: پس شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در تباهی.
۵۱. هرآینه ما نصرت دهیم پیغامبران خویش را و آنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و نیز روزی که قایم شوند گواهان<sup>۱</sup>.
۵۲. روزی که سود ندهد ستمکاران را عذر آوردن ایشان و ایشان راست، لعنت و ایشان راست، عقوبت آن سرای.
۵۳. و هرآینه دادیم موسی را هدایت و وارث کتاب ساختیم بنی اسرائیل را.
۵۴. برای راه نمودن و پند دادن خداوندان خرد را.
۵۵. پس صبر کن، هرآینه وعده خدا راست است و آمرزش طلب کن برای گناه خود و تسبیح گوی با ستایش پروردگار خود به شام و پگاه.
۵۶. هرآینه آنان که مکابره می کنند در آیت های خدا به غیر حجتی که آمده باشد به ایشان، نیست در سینه های ایشان مگر اراده غلبه که نیستند ایشان رسنده به آن. پس پناه طلب کن از خدا، هرآینه خدا همون است شنوای بینا.



۵۷. هر آینه آفریدن آسمان‌ها و زمین بزرگتر است از آفریدن آدمیان<sup>۱</sup> ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند.
۵۸. و برابر نیستند نابینا و بینا و برابر نیستند آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند با بدکار. اندکی پندپذیر می‌شوید.
۵۹. هر آینه قیامت آمدنی است، نیست شک در آن ولیکن اکثر مردمان باور نمی‌دارند.
۶۰. و گفت پروردگار شما: دعا کنید به جناب من تا قبول کنم دعای شما را. هر آینه آنان که تکبر می‌کنند از عبادت من، داخل خواهند شد به دوزخ، خوار شده.
۶۱. خدای آن است که آفرید برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و [آفرید] روز را [به وجهی] که در آن دیدن یکدیگر باشد. هر آینه خدا، خداوند فضل است بر مردمان ولیکن اکثر مردمان شکر نمی‌کنند.
۶۲. این است خدا، پروردگار شما، آفریننده هر چیزی. نیست هیچ معبود بجز وی، پس از کجا برگردانیده می‌شوید؟
۶۳. همچنین برگردانیده می‌شوند آنان که به آیات خدا انکار می‌کردند.
۶۴. خدای آن است که ساخت برای شما زمین را قرارگاه و آسمان را سقفی و صورت بست شما را، پس نیکو ساخت صورت‌های شما و روزی داد شما را از پاکیزه‌ها. این است خدا، پروردگار شما، پس بسیار بابرکت است خدا، پروردگار عالم‌ها.
۶۵. اوست زنده، نیست هیچ معبود مگر او، پس عبادت کنید او را یک جهت ساخته برای او عبادت. ستایش خدای راست پروردگار عالم‌ها.
۶۶. بگو: هر آینه منع کرده شده مرا از آنکه عبادت کنم آنان را که شما می‌پرستید بجز خدا، وقتی که آمد به من نشانه‌ها از جانب پروردگار من و فرموده شد مرا که منقاد شوم پروردگار عالم‌ها را.
۶۷. اوست آن که آفرید شما را از خاک، باز از نطفه منی، باز از خون بسته، باز بیرون می‌آرد شما را کودک شده، باز باقی می‌گذارد تا برسید به نهایت قوت خود، باز باقی می‌گذارد تا شوید پیر کلانسال و بعضی از شما کسی هست که قبض روح او کرده شود پیش از این و باقی می‌گذارد تا برسید به مدتی معین و تا بُود که بفهمید.
۶۸. اوست آن که زنده می‌کند و می‌میراند. چون پیدا کند چیزی را، پس جز این نیست که می‌گویدش بشو! پس می‌شود.
۶۹. آیا ندیدی به سوی آنان که مکابره می‌کنند در آیات خدا، از کجا گردانیده می‌شوند؟
۷۰. آنان که دروغ شمردند کتاب را و آنچه فرستادیم به آن پیغامبران خود را، خواهند دانست حقیقت حال خود.
۷۱. وقتی که طوق‌ها در گردن ایشان باشند و زنجیرها نیز کشیده شوند.
۷۲. در آب گرم، باز در آتش برتافته شوند.
۷۳. باز گفته شود ایشان را: کجا است آنچه شریک مقرر می‌کردید؟
۷۴. بجز خدا. گویند: گم شدند از نظر ما، بلکه هرگز نمی‌پرستیدیم پیش از این چیزی را. همچنین گمراه می‌کند خدا کافران را.
۷۵. این عقوبت به سبب آن است که شادمان می‌شدید در زمین ناحق و به سبب آن است که می‌نازیدید.
۷۶. درآید به دروازه‌های دوزخ، جاویدان آنجا، پس بدجای متکبران است دوزخ.

۷۷. پس صبر کن [یا محمد]، هر آینه وعده خدا راست است. پس اگر بنماییم تو را بعض آنچه وعده می‌دهیم ایشان را فبها و اگر قبض روح تو کنیم، پس به سوی ما بازگردانیده شوند کافران.
۷۸. و هر آینه فرستادیم پیغامبران را پیش از تو؛ از ایشان کسی هست که قصه‌اش خوانده‌ایم بر تو و از ایشان کسی هست که قصه‌اش نخوانده‌ایم بر تو و نبود هیچ پیغمبر را که بیارد هیچ نشانه‌ای مگر به فرمان خدا، پس وقتی که آمد فرمان خدا، فیصل کرده شود به راستی و زیانکار شدند آنجا بیهوده‌گویان.
۷۹. خدا آن است که بیافرید برای شما مواشی را تا سوار شوید بر بعض آنها و بعض آنها را می‌خورید.
۸۰. و شما را در چهارپایان منفعت‌ها است و تا برسید سوار شده، بر آنها به مقصدی که در سینه شما مستقر شده است و بر چهارپایان و نیز بر کشتی‌ها برداشته می‌شوید.
۸۱. و خدای می‌نماید شما را نشانه‌های خود، پس کدام یک را از نشانه‌های خدا انکار می‌کنید؟
۸۲. آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بنگرند چگونه بود آخر کار آنان که پیش از ایشان بودند بودند بیشتر از ایشان و زیاده‌تر به قوت و به نشانه‌ها در زمین، پس دفع نکرد از ایشان آنچه می‌کردند.
۸۳. پس وقتی که آمدند پیغامبران ایشان با معجزه‌ها، شادمان شدند به آنچه نزدیک ایشان بود از دانش<sup>۱</sup> و درگرفت ایشان را آنچه بدان استهزا می‌کردند.
۸۴. پس وقتی که دیدند عقوبت ما، گفتند: باور داشتیم خدای را تنها و منکر شدیم به آنچه آن را شریک مقرر می‌کردیم.
۸۵. پس هرگز نفع نمی‌داد ایشان را ایمان ایشان، وقتی که دیدند عقوبت ما. آیین خدا که گذشته است در بندگان او و زیانکار شدند آنجا کافران.

## ۴۱. سوره فصلت

در مکه نازل شده و آن پنجاه و چهار آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. حم.
۲. این فرورفستادن است از جانب خدای بخشاینده مهربان.
۳. این کتابی است واضح، ساخته شد آیات او در حالی که قرآن عربی است، برای قومی که می‌دانند.
۴. در حالی که مژده دهنده و ترساننده است، پس روگردان شدند اکثر مردمان، پس ایشان نمی‌شنوند.

۵. و گفتند: دل‌های ما در پرده‌هاست از آنچه می‌خوانی ما را به سوی آن و در گوش ما گرانی هست و میان ما و میان تو حجابی است پس کار کن هرآینه ما کار کننده‌ایم.<sup>۱</sup>
۶. بگو: جز این نیست که من آدمی‌ام مانند شما، وحی کرده می‌شود به سوی من که پروردگار شما معبود یگانه است، پس راست متوجه شوید به سوی او و طلب آمرزش کنید از او و وای مشرکان را!
۷. آنان که نمی‌دهند زکات و ایشان به آخرت نامعتقداند.
۸. هرآینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، ایشان راست مزد غیرمقطوع.
۹. بگو: آیا شما نامعتقد می‌شوید به کسی که آفرید زمین را در دو روز و مقرر می‌کنید همسران را برای او؟ این است پروردگار عالم‌ها.
۱۰. و پیدا کرد در زمین کوه‌ها بالای آن و برکت نهاد در آن و اندازه کرد اندر آن قوت اهل آن را در تئمه چهار روز، بیان واضح کرده شده برای سؤال کنندگان.
۱۱. باز متوجه شد به سوی آسمان و او دود مانند گفت او را و زمین را نیز: بیاید به خوشی یا ناخوشی.<sup>۲</sup> گفتند: هر دو آمدیم به خوشی.
۱۲. پس ساخت هفت آسمان در دو روز دیگر و وحی فرستاد در هر آسمانی تدبیر آن را و بیاراستیم آسمان دنیا را به چراغ‌ها<sup>۳</sup> و نگاه داشتیم.<sup>۴</sup> این است تدبیر خدای غالب دانا.
۱۳. پس اگر روی گردان شوند، بگو: ترسانیدم شما را از عقوبتی مانند عقوبت عاد و ثمود.
۱۴. وقتی که آمدند بدیشان پیغامبران از پیش روی ایشان و از پس پشت ایشان که عبادت مکنید مگر خدای را، گفتند: اگر خواستی پروردگار ما، فروفرستادی فرشتگان را، پس هرآینه ما به آنچه فرستاده شدید همراه آن، نامعتقدیم.
۱۵. اما قوم عاد، پس تکبر کردند در زمین، ناحق و گفتند: کیست زیاده‌تر از ما به قوت؟ آیا ندیدند که آن خدای که بیافرید ایشان را، او زیاده‌تر است از ایشان به قوت؟! و ایشان به آیات ما انکار می‌کردند.
۱۶. پس فرستادیم بر ایشان بادی تند در روزهای شوم تا بچشانیم ایشان را عذاب رسوایی در زندگانی دنیا و هرآینه عذاب آخرت رسوا کننده‌تر است و ایشان نصرت داده نشوند.
۱۷. و اما ثمود، پس راه نمودیم ایشان را، پس اختیار کردند نابینایی را بر راه‌یابی، پس درگرفت ایشان را عقوبت سخت عذاب خواری به سبب آنچه می‌کردند.
۱۸. و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می‌کردند.
۱۹. و آن روز که برانگیخته شوند دشمنان خدا روان ساخته به سوی آتش، پس ایشان به این صفت باشند.<sup>۵</sup>
۲۰. تا وقتی که بیایند نزدیک دوزخ، گواهی دهد بر ایشان گوش و چشم ایشان و پوست ایشان به آنچه می‌کردند.

۱ یعنی، هر یکی از ما بر طور خود.

۲ یعنی منقاد حکم من شوید؛ والله اعلم.

۳ یعنی ستاره‌ها.

۴ یعنی از شیاطین.

۵ که بعضی را تا به رسیدن بعضی اشاره کرده می‌شود.

۲۱. و گفتند پوستهای خود را: چرا گواهی دادید بر ما؟ گویند: گویا کرد ما را آن خدایی که گویا کرده است هر چیزی را و او بیافرید شما را اول بار و به سوی او بازگردانیده شوید.
۲۲. و در پرده پنهان نمی‌شدید<sup>۱</sup> که گواهی دهد بر شما گوش شما و چشم‌های شما و پوست‌های شما ولیکن پنداشتید که خدا نمی‌داند بسیاری از آنچه می‌کنید.
۲۳. و این گمان شما که به غلط اندیشه کردید در حق پروردگار خویش، هلاک کرد شما را، پس زیانکار گشتید.
۲۴. پس اگر صبر کنید، پس چه امکان؟ آتش خوابگاه ایشان است و اگر عفو طلبند، پس نیستند ایشان عفو کرده شده.
۲۵. و برگماشتیم برای ایشان همنشینان،<sup>۲</sup> پس آراسته کردند آن همنشینان برای ایشان آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است<sup>۳</sup> و ثابت شد بر ایشان است وعده عذاب داخل شده در امتانی که پیش از ایشان گذشته‌اند از جن و آدمیان، هرآینه ایشان زیانکار بودند.
۲۶. و گفتند کافران: مشنوید این قرآن را و سخن بیهوده گویند در اثنا خواندن آن، بود که شما غالب شوید.
۲۷. پس البته بچشانیم کافران را عذاب سخت و البته جزا دهیم ایشان را به حسب بدترین آنچه می‌کردند.
۲۸. این است جزای دشمنان خدا که آتش است؛ ایشان را در آنجا منزل علی‌الدوام باشد. پاداش دادیم برحسب آنچه به آیات ما انکار می‌کردند.
۲۹. و گویند کافران: ای پروردگار ما! بنما ما را آن دو کس<sup>۴</sup> که گمراه ساختند ما را از جنس جن و از جنس انس، تا درآریم آن هر دو را زیر قدم‌های خود تا شوند از فروتر ماندگان.
۳۰. هرآینه آنان که گفتند: پروردگار ما خداست باز قايم ماندند، فرو می‌آیند بر ایشان فرشتگان<sup>۵</sup> که مترسید و اندوه مخورید و خوشحال شوید به بهشتی که وعده داده می‌شدید.
۳۱. ما دوستان شما بودیم در زندگانی دنیا و در آخرت نیز و شما راست در اینجا آنچه بطلبد نفس شما و شما راست آنجا آنچه درخواست کنید.
۳۲. به طریق مهمانی از جانب خدای آمرزگار مهربان.
۳۳. و کیست نیکوکارتر به اعتبار سخن از شخصی که دعوت کرد مردمان را به سوی خدا و کار شایسته کرد و گفت: هرآینه من از مسلمانانم؟
۳۴. و برابر نیست نیکی و بدی، جواب بازده به خصلتی که آن بهتر است. پس ناگاه آن کس که میان تو و میان وی دشمنی است، گویا وی کارسازی خویشاوند شده است.
۳۵. و قرین کرده نمی‌شوند به این خصلت، مگر آنان که صبر کردند و قرین کرده نمی‌شود به این خصلت، مگر صاحب نصیب بزرگ.

۱ یعنی در این دار خوف آنکه.

۲ یعنی از شیاطین؛ والله اعلم.

۳ یعنی وسوسه انداختند که دنیا قابل رغبت است و آخرت قابل رغبت نیست؛ والله اعلم.

۴ یعنی آن دو فریق.

۵ یعنی نزدیک موت.

۳۶. و اگر بازگرداند تو را و سوسه بازگرداننده آمده از جانب شیطان، پس پناه طلب کن به خدا، هر آینه خدا همون است شنوای دانا.
۳۷. و از نشانه‌های اوست شب و روز و آفتاب و ماه. سجده مکنید آفتاب را و نه ماه را و سجده کنید خدای را که آفرید این چیزها را اگر او را فقط عبادت می‌کنید.
۳۸. پس اگر تکبر کنند کافران چه باک، پس آنان که نزدیک پروردگار تواند به پاکی یاد می‌کنند او را شب و روز و ایشان مانده نمی‌شوند.
۳۹. و از نشانه‌های او آن است که می‌بینی زمین را فرسوده، پس وقتی که فرود آوردیم بر سر آن آب را، به جنبش آمد و بلند شد. هر آینه آن که زنده کرده است زمین را، البته زنده کننده مردگان است، هر آینه او بر همه چیز توانا است.
۴۰. هر آینه آنان که کج‌روی می‌کنند در آیات ما، پوشیده نیستند از ما. آیا کسی که انداخته شود در آتش بهتر است یا کسی که بیاید ایمن شده روز قیامت؟ بکنید هر چه خواهید؛ هر آینه خدا به آنچه می‌کنید بینا است.
۴۱. هر آینه آنان که کافر شدند به قرآن، وقتی که آمد بدیشان، پوشیده نیستند از ما و به تحقیق آن کتابی است گرمی‌قدر.
۴۲. راه نمی‌یابد بدو باطل از پیش روی او و نه از پس پشت او. فرستاده شده است از خدای دانای ستوده.
۴۳. [یا محمد] گفته نمی‌شود تو را مگر آنچه گفته شده بود پیغامبران را پیش از تو. هر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است و خداوند عقوبت درد دهنده است.
۴۴. و اگر می‌ساختیم این کتاب را قرآنی به زبان عجم، هر آینه می‌گفتند کافران عرب: چرا واضح کرده نشد آیات او را، آیا [قرآن] عجمی است و [مخاطب] عربی؟ بگو: قرآن مسلمانان را هدایت و شفا است و آنان که ایمان ندارند، در گوش ایشان گرانی است و قرآن بر ایشان کوری است. این جماعت به مثل چنانند که آواز داده می‌شوند از جای دور.
۴۵. و هر آینه دادیم موسی را کتاب، پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبود کلمه‌ای که سابق صادر شده از پروردگار تو، البته فیصل کرده شدی در میان ایشان و هر آینه ایشان در شک قوی‌اند از طرف قرآن.
۴۶. هر که بکند کار نیک، پس نفع او راست و هر که بدکاری کند، پس وبال بر وی است و نیست پروردگار تو ستم کننده بر بندگان.
۴۷. به سوی خدا حواله کرده می‌شود معرفت قیامت و بیرون نمی‌آید اجناس میوه‌ها از غلاف‌های خود و در شکم بار نمی‌گیرد هیچ زنی و نمی‌نهد بار شکم را مگر بدانت خدا، و روزی که خدا آواز دهد ایشان را که کجا باند آنان که شریک من مقرر می‌کردند؟ گویند: خبر دادیم تو را که نیست از ما هیچ کس اثبات کننده [شریکان].
۴۸. و گم شدند از نظر ایشان آنچه می‌پرستیدند پیش از این و دانستند که نیست ایشان را هیچ مخلصی.
۴۹. مانده نمی‌شود آدمی از طلب خیر و اگر برسدش سختی، پس ناامید طمع برنده است.
۵۰. و اگر بچشانیم او را بخشایشی از جانب خود بعد از سختی‌ای که رسیده باشد به وی، گوید که این برای من است و نمی‌پندارم که قیامت قائم شود و اگر به فرض بازگردانیده شود مرا به سوی پروردگار من، هر آینه مرا نزدیک او حالت خوش باشد.

- پس البته خبردار کنیم کافران را به آنچه می‌کردند و البته بچشانیم ایشان را از عقوبت سخت.
۵۱. و چون انعام کنیم بر آدمی، روی بگرداند و دور شود به طرف خود رفته و چون برسدش بلایی، پس خداوند دعای بسیار است.
۵۲. بگو: آیا دیدید که اگر باشد [قرآن] از جانب خدا باز کافر شوید به آن، کیست گمراه‌تر از شخصی که باشد در مخالفت دور از صواب؟
۵۳. خواهیم نمود ایشان را نشانه‌های خود در اطراف عالم و در نفس ایشان نیز تا آنکه واضح شود بر ایشان که این سخن راست است. آیا بس نیست پروردگار تو آنکه او بر هر چیز مطلع است؟
۵۴. آگاه شو! هرآینه ایشان در شبهه‌اند از طرف ملاقات پروردگار خویش. آگاه شو! هرآینه خدا به هر چیز درگیرنده است.

## ۴۲. سوره شوری

در مکه نازل شده و آن پنجاه‌وسه آیت است.

به‌نام خدای بخشاننده مهربان

۱. حم.
۲. عسق.
۳. همچنین وحی می‌فرستد به سوی تو و به سوی آنان که پیش از تو بودند خدای غالب باحکمت.
۴. او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است و اوست بلندمرتبه بزرگ‌قدر.
۵. نزدیک است که آسمان‌ها بشکافند از جانب بالای خود<sup>۱</sup> و فرشتگان تسبیح می‌گویند همراه حمد پروردگار خویش و آمرزش طلب می‌کنند برای آنان که در زمینند. آگاه شو! هرآینه خدا اوست آمرزگار مهربان.
۶. و آنان که دوستان گرفتند بجز خدا، خدا نگهدارنده است بر ایشان و نیستی تو بر ایشان، متعهد.
۷. و همچنین وحی فرستادیم به سوی تو قرآنی عربی تا بترسانی اهل مکه را و آنان را که گرداگرد آن هستند و بترسانی از روز قیامت؛ هیچ شبهه نیست در آن. گروهی در بهشت باشند و گروهی در دوزخ.
۸. و اگر خواستی خدا، گردانیدی ایشان را یک امت ولیکن درمی‌آرد هر که را خواهد به رحمت خود و ستمکاران، نیست ایشان را هیچ کارساز و نه یاری‌دهنده.
۹. آیا دوستان گرفتند بجز خدا؟ پس خدا همان است کارساز و همان زنده می‌کند مردگان را و او بر هر چیز توانا است.
۱۰. و آنچه اختلاف کردید در آن، هرچه باشد، پس فیصل کردن او حواله به خدا است. این است خدا، پروردگار من. بر او توکل کردم و به سوی او رجوع می‌کنم.

۱ یعنی از هیبت الهی؛ والله اعلم.

۱۱. آفریننده آسمان‌ها و زمین است. پیدا کرد برای شما از جنس شما زنان را و پیدا کرد از جنس چهارپایان، اقسام چند؛ پراکنده می‌کند شما را به این تدبیر. نیست مانند او چیزی و اوست شنوای بینا.
۱۲. او راست کلیده‌های آسمان‌ها و زمین. گشاده می‌کند روزی را برای هر که خواهد و تنگ می‌کند برای هر که خواهد، هرآینه او به هر چیز دانا است.
۱۳. مقرر کرد برای شما از آیین، آنچه امر کردیم به اقامه آن نوح را و آنچه وحی فرستادیم به سوی تو و آنچه امر کردیم به اقامه آن ابراهیم و موسی و عیسی را [به این مضمون] که قائم کنید دین را و متفرق مشوید در آن. دشوار آمد بر مشرکان آنچه می‌خوانی ایشان را به آن. خدا برمی‌گزیند به سوی خود هر که را خواهد و راه می‌نماید به سوی خود هر که را رجوع می‌کند.<sup>۱</sup>
۱۴. و پراکنده نشدند امت‌ها مگر بعد از آنکه آمد بدیشان دانش؛ از روی حسد در میان خود و اگر نبودی سخنی که سابقاً صادر شد از پروردگار تو که مهلت داده شوند تا زمانی معین، فیصل کرده می‌شد میان ایشان و هرآینه آنان که داده شد ایشان را کتاب بعد از انبیا، در شبهه قوی‌اند از دین.
۱۵. پس به سوی این دین دعوت کن و قائم باش به حسب آنکه فرموده شد تو را و پیروی مکن خواهش کافران را و بگو: ایمان آوردم به آنچه فرود آورد خدا هر کتاب که هست. و فرموده شد مرا که انصاف کنم میان شما. خدا پروردگار ماست و پروردگار شما است. ما را عمل‌های ماست و شما را عمل‌های شماست. گفتگو نیست میان ما و میان شما. خدا جمع کند میان ما و شما<sup>۲</sup> و به سوی اوست بازگشت.
۱۶. و آنان که گفتگو می‌کنند در دین خدا بعد از آنکه قبول کرده شد فرمان او،<sup>۳</sup> مکابره ایشان باطل است نزدیک پروردگار ایشان و بر ایشان است خشم و ایشان راست عذاب سخت.
۱۷. خدا آن است که فرود آورد کتاب را به راستی و ترازو را نیز و چه چیز مطلع ساخت تو را بر حقیقت امر شاید که آمدن قیامت نزدیک باشد.
۱۸. زود طلب می‌کنند قیامت را آنان که ایمان ندارند به آن و آنان که باور داشته‌اند، ترسانند از آن و می‌دانند که راست است. آگاه شو! هرآینه آنان که مکابره می‌کنند در آمدن قیامت، هرآینه در گمراهی دورند.
۱۹. خدا مهربان است بر بندگان خود، روزی می‌دهد هر که را خواهد و اوست توانای غالب.
۲۰. هر که خواسته باشد کشت آخرت، بیفزاییم برای او در کشت او و هر که خواسته باشد کشت دنیا، بدهیم او را بعض دنیا و نیست او را در آخرت، هیچ نصیب.
۲۱. آیا کافران را شریکان هستند که مقرر کردند برای ایشان از دین آنچه فرموده است آن را خدا؟ اگر نبودی وعده فیصل کردن، البته فیصل کرده می‌شد میان ایشان و هرآینه ستمکاران، ایشان راست عذاب درد دهنده.

۱ یعنی به سوی حق. حاصل آن است که انبیا، علیهم‌السلام، در اصول دین، متفقاند و اختلاف شرائع در فروع است و بس؛ والله اعلم.

۲ یعنی روز قیامت.

۳ یعنی جمعی در اسلام داخل شدند؛ والله اعلم.

۲۲. ببینی ستمکاران را ترسان از جزای آنچه به عمل آورده‌اند و آن البته رسنده است به ایشان و آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند در سبزه‌زار بوستان‌ها باشند، ایشان را باشد آنچه در خواست کنند نزدیک پروردگار خویش. این است فضل بزرگ.
۲۳. این آن ثواب است که مژده می‌دهد خدا آن بندگان خود را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند. بگو: نمی‌طلبم از شما بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی؛ لیکن باید که پیش‌گیرید دوستی در میان خویشاوندان<sup>۱</sup> و هر که بکند نیکی، بیفزاییم برای او در آن نیکی، حسن را. هرآینه خدا آمرزگار قدرشناس است.
۲۴. آیا می‌گویند: پیغامبر افترا کرده است بر خدا دروغ را؟ پس اگر خواهد خدا مهر نهد بر دل تو و نابود می‌سازد خدا بیهوده را و اثبات می‌کند دین درست را به سخن‌های خود؛ هرآینه خدا داناست به آنچه در سینه‌هاست.
۲۵. و اوست آن که قبول می‌کند توبه را از بندگان خود و درمی‌گذرد از جرم‌ها و می‌داند آنچه می‌کنید.
۲۶. و قبول می‌کند دعای آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند و زیاده می‌دهد ایشان را از فضل خود و کافران، ایشان راست عذاب سخت.
۲۷. و اگر فراخ کردی خدا رزق را بر بندگان خود، البته فساد می‌کردند در زمین ولیکن فرود می‌آرد به اندازه آنچه خواهد، هرآینه خدا بر بندگان خود دانای بیناست.
۲۸. و اوست آن که فرود می‌آرد باران را بعد از آنکه ناامید شدند و پراکنده می‌سازد رحمت خود را و اوست کارساز ستوده‌کار.
۲۹. و از نشانه‌های او آفریدن آسمان‌ها و زمین است و آفریدن آنچه پراکنده کرده است در میان این هر دو از جانوران و او بر به هم آوردن ایشان وقتی که خواهد، تواناست.
۳۰. و هرچه برسد به شما از مصیبت‌ها، پس به سبب گناهی است که به عمل آورد دست‌های شما و درمی‌گذرد از بسیاری.
۳۱. و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نیست شما را به جز خدا هیچ کارسازی و نه نصرت دهنده.
۳۲. و از نشانه‌های او کشتی‌ها است در دریا مانند کوه‌ها.
۳۳. اگر خواهد بازدارد باد را، پس ایستاده شود کشتی‌ها بر پشت دریا. هرآینه در این مقدمه نشانه‌ها است هر صبر کننده شکرگزارنده را.
۳۴. یا اگر خواهد هلاک کند اهل کشتی‌ها را به سبب آنچه کردند و درمی‌گذرد از تقصیرات بسیار تا انتقام کشد از ایشان.
۳۵. و تا بداند آنان که خصومت می‌کنند در آیات ما که نیست ایشان را هیچ مخلصی.
۳۶. پس آنچه داده شده شما را از هر جنس که باشد، پس اندک بهره‌ای است از زندگانی دنیا و آنچه نزدیک خدا است، بهتر است و پاینده‌تر است برای آنان که ایمان آورده‌اند و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.
۳۷. و برای آنان که پرهیز می‌کنند از گناهان کبیره و از بی‌حیایی‌ها و چون به خشم می‌آیند ایشان می‌آمرزند.
۳۸. و آنان که قبول کردند فرمان پروردگار خود را و برپا داشتند نماز را و کار ایشان از سر مشورت باشد با یکدیگر و از آنچه روزی دادیم ایشان را خرج می‌کنند.
۳۹. و آنان که چون برسد بدیشان تعدی، ایشان انتقام می‌کشند.<sup>۲</sup>

۱ یعنی با من صلح کن و ایذا نرساند.

۲ مترجم گوید: یعنی اگر بر ضعیفی ظالم تعدی کند، بزرگان قبیله متفق شوند و انتقام کشند؛ والله اعلم.



۴۰. و سزای بدی، بدی است مانند آن. پس هر که درگذرد و قضیه را به اصلاح آرد، پس مزد او بر خدا است، هر آینه خدا دوست نمی‌دارد ظالمان را.
۴۱. و هر آینه کسی که انتقام کشد بعدِ مظلوم شدن خود، پس آن جماعت نیست بر ایشان هیچ راه ملامت.
۴۲. جز این نیست که راه ملامت بر آن جماعت است که ظلم می‌کنند بر مردمان و فساد می‌طلبند در زمین، ناحق؛ آن جماعت، ایشان راست عذاب درد دهند.
۴۳. و هر که صبر کند و بیامزد، هر آینه این صفت<sup>۱</sup> از کارهای مقصود است.
۴۴. و هر که را گمراه کند خدا، پس نیست او را هیچ کارسازی بعد از وی و ببینی که ستمکاران چون معاینه کنند عذاب را، گویند: آیا هست به سوی بازگشتن هیچ راهی؟
۴۵. و ببینی ایشان را پیش آورده شوند نزدیک دوزخ متواضع شده از خواری، می‌نگرند به گوشه چشم و نیم گشاده و گفتند اهل ایمان: هر آینه زیانکاران آنانند که در زیان دادند خویشتن را و خویشاوندان خود را روز قیامت. آگاه شو! هر آینه ستمکاران در عذاب دایم باشند.
۴۶. و نباشند ایشان را کارسازان که نصرت دهند ایشان را بجز خدا و هر که را گمراه کند خدا، نیست او را هیچ راهی.
۴۷. فرمان قبول کنید پروردگار خود را پیش از آنکه بیاید روزی که بازگشت نیست آن را از جانب خدا؛ نیست شما را هیچ پناهی آن روز و نیست برای شما هیچ بازخواست کننده.
۴۸. پس اگر روی بگردانند، پس نفرستاده‌ایم تو را بر ایشان نگهبان. نیست بر تو مگر پیغام رسانیدن و هر آینه ما چون بچشانیم آدمی را از جانب خود رحمتی، شادان شود به آن و اگر برسد به آدمیان مصیبتی به سبب آنچه پیش فرستاده است دست‌های ایشان، پس آدمی ناسپاس دارنده است.
۴۹. خدا راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین. می‌آفریند هر چه خواهد. عطا می‌کند دختران هر که را خواهد و عطا می‌کند پسران هر که را خواهد.
۵۰. یا جمع کند برای ایشان پسران و دختران و می‌سازد هر که را خواهد نازاینده. هر آینه او دانای تواناست.
۵۱. و ممکن نیست هیچ آدمی را که سخن گوید با او خدا، مگر به اشارت یا از پس پرده یا بفرستد فرشته را، پس نازل کند به حکم خدا آنچه خواسته است. هر آینه خدا بلندمرتبه باحکمت است.<sup>۲</sup>
۵۲. و همچنین وحی فرستادیم به سوی تو قرآن را از کلام خود. نمی‌دانستی که چیست کتاب و نمی‌دانستی که چیست ایمان ولیکن ساخته‌ایم وحی را روشنی، راه می‌نماییم به آن هر که را می‌خواهیم از بندگان خویش و هر آینه تو هدایت می‌کنی به سوی راه راست.
۵۳. راه خدا که او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است. آگاه شو! به سوی خدا باز می‌روند کارها.

۱ مترجم گوید: مغفرت در حق خود عزیز است و انتقام رخصت و در حقِ ضعفای قوم، انتقام لازم است؛ مگر آنکه ضعفا درگذرانند؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: اشارت، عبارت از دیدن خواب است و از القای علم در خاطر به طریق الهام و از پس پرده عبارت از آن است که آواز شوند و کسی را نبیند و قسم ثالث آن است که فرشته به صورت آدمی متمثل شود و سخن گوید؛ والله اعلم.

## ۴۳. سوره زخرف

در مکه نازل شده و آن هشتادونه آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. حم.
۲. قسم به کتاب واضح!
۳. که هرآیین ما ساختیم این کتاب را کلام عربی، بُود که شما بفهمید.
۴. و هرآیین این کتاب ثبت است در لوح محفوظ نزدیک ما، هرآیین این کتاب بلندقدر با حکمت است.<sup>۱</sup>
۵. آیا بازداریم از شما پند را اعراض کرده، برای آنکه هستید گروهی از حد رفته؟! و بسیار فرستادیم پیغامبران را در پیشینیان.
۶. و نمی آمد به ایشان هیچ پیغمبری الا به او استهزا می کردند.
۸. پس هلاک کردیم سخت تر از قریش را<sup>۲</sup> به اعتبار دست درازی و مذکور شد داستان نخستینیان.
۹. و اگر سؤال کنی از ایشان که چه کس بیافرید آسمان ها و زمین را؟ البته گویند: بیافرید آنها را خدای غالب دانا.
۱۰. وی آن است که ساخت برای شما زمین را بساطی و ساخت برای شما در زمین راه ها، بود که شما راه یابید.
۱۱. و وی آن است که فرود آورد از آسمان آبی به اندازه، پس زنده کردیم به آن شهر مرده را. همچنین برآورده خواهید شد.<sup>۳</sup>
۱۲. و وی آن است که بیافرید اقسام حیوانات تمام آن و ساخت برای شما کشتی ها و از چهارپایان چیزی را که بر آن سوار شوید.
۱۳. تا راست بنشینید بر پشت مرکوب. باز یاد کنید نعمت پروردگار خود را وقتی که راست نشستید بر آن و بگویید: پاکی خدای را که مسخر ساخت برای ما این مرکوب را و نبودیم بر آن توانا.
۱۴. و هرآیین ما به سوی پروردگار خویش رجوع خواهیم کرد.
۱۵. و مقرر کردند برای خدا از بندگان او اولاد را. هرآیین آدمی ناسپاس ظاهر است.
۱۶. آیا فراگرفت خدا از مخلوقات خود دختران را و برگزیده است شما را بر پسران؟
۱۷. و چون خبر داده شود یکی از ایشان به تولد آنچه مثل ساخته است برای خدا، زُوی او سیاه گردد و او پر از غم باشد.
۱۸. آیا آن را که پرورده می شود در زیور و او در صفت خصومت ظاهر نمی گردد، برای خدا ثابت کرده اند؟

۱ مترجم گوید: قسم خوردن به چیزی برای اثبات همان چیز، یا لازم آن چیز کنایت است به آنکه آن چیز خوددلیل خود است؛ چنانکه گویند: «قسم به لب میگویند تو و زلفِ شبگونِ تو که تو معشوقِ دلربایی!» والله اعلم.

۲ یعنی عاد و ثمود که از قریش قوی تر بودند.

۳ یعنی از قبور.

۴ یعنی به تولد دختری؛ والله اعلم.

۱۹. و دختر مقرر کردند فرشتگان را که بندگان خدايند. آيا حاضر بودند نزديك آفرينش ايشان؟ نوشته خواهد شد اين گواهي ايشان و پرسيده خواهند شد.
۲۰. و گفتند [كافران]: اگر خواستي خدای، پرستش نمی‌کردیم اين فرشتگان را. نيست ايشان را به اين مقدمه دانش. نيستند ايشان مگر دروغگوی.
۲۱. آيا داده‌ايم ايشان را كتابي پيش از قرآن، پس ايشان به آن كتاب چنگ زده‌اند.
۲۲. [نی‌انی!] بلکه گفتند: هرآيينه ما يافتيم پدران خود را بر دينی و هرآيينه ما بر پی ايشان راه يافتگانيم.
۲۳. و همچنين نفرستاديم پيش از تو در هيچ ديهي ترساننده را مگر گفتند منعمان آن ده: هرآيينه ما يافتيم پدران خود را بر دينی و هرآيينه ما بر پی ايشان متابعت کنندگانيم.
۲۴. گفت [پيغامبر]: آيا بر متابعت پدران مقرر می‌نماييد اگرچه آورده‌ام به شما دينی که زياده‌تر راه نماينده است از آنچه بر آن يافتيد پدران خود را؟ گفتند: هرآيينه ما به آنچه فرستاده شد شما را همراه آن، نامعتقديم.
۲۵. پس انتقام کشيديم از ايشان، پس درنگر چگونه بود عاقبت دروغ‌دارندگان.
۲۶. و ياد کن چون گفت ابراهيم پدر خود را و قوم خود را: هرآيينه من بی‌تعلقم از آنچه شما پرستش می‌کنيد.
۲۷. الا آن کسی که بيافريد مرا، پس هرآيينه او هدايت خواهد کرد مرا.
۲۸. و ساخت خدای تعالی کلمه توحيد را سخنی باقی‌مانده در فرزندان او؛ تا بود که کافران رجوع کنند.<sup>۱</sup>
۲۹. بلکه بهره‌مند ساختيم ايشان را و پدران ايشان را تا وقتی که آمد بدیشان دين راست و پيغامبر ظاهر.
۳۰. و آنگاه که آمد بدیشان دين راست، گفتند: اين جادوست و هرآيينه ما بدان نامعتقدانيم.
۳۱. و گفتند: چرا نفرو فرستاده شده اين قرآن بر مردی بزرگ از اهل اين دو ده؟!<sup>۲</sup>
۳۲. آيا ايشان قسمت می‌کنند رحمت پروردگار تو را. ما قسمت کرده‌ايم در ميان ايشان گذران ايشان را در زندگانی دنيا و بلندمرتبه ساختيم بعض ايشان را بر بعض تا سخره گيرد بعض ايشان بعضی را<sup>۳</sup> و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه جمع می‌کنند.
۳۳. و اگر نه احتمال آن می‌بود که می‌شوند مردمان همه يک گروه، البته می‌ساختيم برای کسی که نامعتقد است به خدا، برای خانه‌های ايشان سقف‌ها از نقره و نردبان‌ها نیز که بر آن بالا برآيند.
۳۴. و برای خانه‌های ايشان دروازه‌ها نیز از نقره و تخت‌ها که بر آن تکیه زده بنشينند.
۳۵. و می‌ساختيم تجمل بسيار، و نيست همه اين مگر اندک بهره‌مندی زندگانی دنيا و آخرت نزديك پروردگار تو متقيان راست.
۳۶. و هر که غافل شود از ياد خدا، برگماريم برای او شيطانی، پس آن شيطان او را همنشين بُود.
۳۷. و هرآيينه شياطين بازمی‌دارند آدميان را از راه و آدميان می‌پندارند که ايشان راه يافتگانند.
۳۸. تا آن وقت که آدمی بيايد پيش ما، گويد [با شيطان خود]: ای کاش! در ميان من و در ميان تو مسافت مشرق و مغرب بودی؛ پس بد همنشینی تو.

۱ یعنی انبيا و اوليا در اولاد حضرت ابراهيم، عليه‌السلام، پيدا شدند.

۲ یعنی یکی از متمولان مکه و طائف؛ والله اعلم.

۳ یعنی به چشم حقارت نگرد؛ والله اعلم.

۳۹. و [گوییم]: سود ندهد شما را امروز از بس که ستم کرده‌اید، آنکه شما در عذاب باهم شریک باشید.
۴۰. [یا محمد] آیا تو می‌توانی شنوانید کران را یا راه می‌توانی نمود کوران را و آن کس را که در گمراهی ظاهر است؟
۴۱. پس اگر از این عالم ببریم تو را، پس البته ما از این جماعت انتقام کشندگانیم.
۴۲. یا این است که بنماییم تو را آنچه وعده دادیم به ایشان، پس هرآینه ما بر ایشان تواناییم.
۴۳. پس چنگ زن به آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو، هرآینه تو بر راه راستی.
۴۴. و هرآینه قرآن پند است تو را و قوم تو را و شما سؤال کرده خواهید شد.
۴۵. و پیرس احوال آنان که فرستاده بودیم پیش از تو از پیغامبران خود. آیا ساخته بودیم بجز خدا معبودان دیگر که پرستش کرده شود آنها را؟
۴۶. و هرآینه فرستادیم موسی را با نشانه‌های خود به سوی فرعون و اشراف قوم او، پس گفت: هرآینه من پیغامبر پروردگار عالم‌هایم.
۴۷. پس آن هنگام که آمد بدیشان با نشانه‌های ما، ناگهان از آن نشانه‌ها می‌خندیدند.
۴۸. و نمی‌نمودیم به ایشان هیچ نشانه‌ای مگر وی بزرگتر بود از قرین خود و گرفتار کردیم ایشان را به عقوبت؛ بُوَد که ایشان رجوع کنند.
۴۹. و گفتند: ای جادوگر! دعا کن برای ما به جناب پروردگار خود به آن اسمایی که وحی کرده است نزدیک تو، هرآینه ما راه یافتگانیم.
۵۰. پس آن هنگام که دور کردیم از ایشان عقوبت را، ناگهان ایشان عهد می‌شکنند.
۵۱. و آواز داد فرعون در میان قوم خود، گفت: ای قوم من! آیا نیست به دست من پادشاهی مصر و این جوی‌ها، می‌رود از زیر کوشک من. آیا نمی‌بینید؟
۵۲. نی! بلکه من بهترم از این شخص که وی خوار است و نزدیک نیست که سخن واضح گوید.<sup>۱</sup>
۵۳. پس چرا نفروود آورده شد بر این شخص دستوانه‌ها از زر یا چرا نیامدند همراه او فرشتگان مجتمع شده؟
۵۴. پس بی‌عقل کرد قوم خود را پس قبول کردند فرمان او را، هرآینه ایشان بودند گروه فاسق.
۵۵. پس آن هنگام که به خشم آوردند ما را، انتقام کشیدیم از ایشان پس غرق ساختیم ایشان را، همه یکجا.
۵۶. پس ساختیم ایشان را پیشرو و داستانی پسینیان را.
۵۷. و آنگاه<sup>۲</sup> که داستان زده شد به پسر مریم، ناگاه قوم تو از این داستان به خوش‌وقتی آواز بلند می‌کنند.
۵۸. و گفتند: آیا معبودان ما بهترند یا عیسی؟ آن حرف نزدند با تو مگر به مکابره؛ بلکه ایشان قومی خصومت‌کننده‌اند.

۱ یعنی مسلمان شویم.

۲ یعنی در زبان حضرت موسی، علیه‌السلام، لکنت بود؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: بر این مسأله که هیچ کس غیر خدای تعالی معبود نیست، مشرکان ایراد کردند که ترسایان عیسی را می‌پرستند و اگر وی نیز معبود نبود ما راضی شدیم که اله ما با عیسی باشند و گمان کردند که به حجت غالب آمدند. خدای تعالی کشف شبهه فرمود؛ والله اعلم.

۵۹. نیست عیسی مگر بنده‌ای که انعام کرده‌ایم بر وی و ساختیم او را نشانه‌ای برای بنی‌اسرائیل.
۶۰. و اگر می‌خواستیم، البته کردمی که بدل شما فرشتگان در زمین خلیفه شوند.
۶۱. و هرآینه عیسی نشانه‌ای است قیامت را؛ پس شبهه مکنید در قیامت و [بگو یا محمد] پیروی من کنید، این است راه راست.
۶۲. و بازندارد شما را شیطان، هرآینه او در حق شما دشمن ظاهر است.
۶۳. و آنگاه که آمد عیسی با معجزه‌ها، گفت: آورده‌ام به شما حکمت را و آمده‌ام تا بیان کنم برای شما بعضی آنچه اختلاف می‌کنید در آن. پس بترسید از خدا و فرمان من برید.
۶۴. هرآینه خدا پروردگار من و پروردگار شما است، پس بپرستید او را، این است راه راست.
۶۵. پس اختلاف کردند جماعت‌ها در میان خویش، پس وای آنان را که ستم کردند از عقوبت روز درد دهنده.
۶۶. آیا انتظار نمی‌کنند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان و ایشان خبردار نباشند؟
۶۷. دوستان آن روز بعضی ایشان با بعضی دشمن باشند، مگر پرهیزگاران.
۶۸. گفته شود: ای بندگان من! نیست هیچ ترس بر شما امروز و نه شما اندوهگین شوید.
۶۹. آن بندگان من که ایمان آوردند به آیت‌های ما و مسلمان بودند.
۷۰. گفته شود: درآید به بهشت شما و زنان شما خوشحال ساخته.
۷۱. گردانیده شود بر ایشان کاسه‌های پهن و دراز از زر و کوزه‌ها نیز و در بهشت باشد آنچه خواهش کند نفس و لذت گیرد از دیدن او چشم‌ها و شما اینجا جاویدان باشید.
۷۲. و این، آن بهشت است که عطا کرده شد شما را به سبب آنچه عمل می‌کردید.
۷۳. شما راست اینجا میوه بسیار که از آن می‌خورید.
۷۴. هرآینه گناهکاران در عذاب دوزخ، جاویدانند.
۷۵. سست کرده نشود از ایشان عقوبت و ایشان در آن عذاب ناامید شده خاموش باشند.
۷۶. و ستم نکردیم بر ایشان ولیکن ایشان بودند ستمکاران.
۷۷. و آواز دهند که ای مالک! باید که به مرگ حکم کند بر ما پروردگار تو. مالک گوید: هرآینه شما همیشه باشندگانید.
۷۸. هرآینه آوردیم به شما سخن راست را ولیکن اکثر شما سخن راست را ناخواهانید.
۷۹. آیا عزم مصمم کرده‌اند بر کاری؟ پس هرآینه ما نیز عزم مصمم کنندگانیم.
۸۰. آیا می‌پندارند که ما نمی‌شنویم سخن پنهان ایشان را و سرگوشی ایشان را؟ آری! می‌شنویم و فرستادگان ما نزدیک ایشان می‌نویسند.
۸۱. بگو: اگر به فرض باشد خدا را فرزندی، پس من نخستین عبادت کنندگان باشم.
۸۲. پاک است پروردگار آسمان‌ها و زمین. خداوند عرش از آنچه بیان می‌کنند.
۸۳. پس بگذار ایشان را تا در باطل بحث کنند و بازی پیش گیرند تا آنکه ملاقات کنند به آن روز خود که وعده داده می‌شود ایشان را.
۸۴. و اوست آن که در آسمان فرمانرواست و در زمین فرمانروا و اوست با حکمت دانا.
۸۵. و بسیار بابرکت است آن که او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان هر دو است و نزدیک اوست علم قیامت و به سوی او رجوع کرده شوید.

- ۸۶ و نمی‌توانند آنان که کفار پرستش می‌کنند بجز خدا، شفاعت کردن؛ لیکن کسی که گواهی راست داده باشد و ایشان می‌دانند.<sup>۱</sup>
- ۸۷ و اگر سؤال کنی از ایشان که کدام کس بیافرید ایشان را، البته گویند: خدا آفریده است. پس از کجا برگردانیده می‌شوند؟
- ۸۸ و بسا دعای پیغامبر که: ای پروردگار من! هرآینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی‌آرند.
- ۸۹ فرمودیم: اعراض کن از ایشان و بگو: سلام و وداع! پس خواهند دانست.

## ۴۴. سوره دخان

در مکه نازل شده و آن پنجاه‌ونه آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. حم.
۲. قسم به کتاب واضح!
۳. که هرآینه ما فرود آوردیم این کتاب را در شب مبارک،<sup>۲</sup> هرآینه ما بودیم ترساننده.
۴. در آن شب مبارک فیصل کرده می‌شود هر کار استوار.
۵. فرود آوردیم آن را به وحی کردن از نزدیک خویش، هرآینه ما بودیم فرستنده.<sup>۳</sup>
۶. به سبب بخشایش از نزدیک پروردگار تو، هرآینه اوست شنوای دانا.
۷. پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این هر دو است، اگر یقین کننده‌اید.
۸. نیست هیچ معبود مگر او، زنده می‌کند و می‌میراند. پروردگار شما است و پروردگار پدران پیشین شماست.
۹. بلکه کافران در شبهه‌اند، بازی می‌کنند.
۱۰. پس منتظر باش روزی را که بیارد آسمان، دودی ظاهر.
۱۱. که فروگیرد مردمان را، این عذاب درد دهنده است.
۱۲. گویند: ای پروردگار ما! دور کن از ما عذاب را، هرآینه ما مسلمان می‌شویم.
۱۳. چگونه بُود ایشان را پند گرفتن؟ و به تحقیق آمده بود بدیشان پیغامبر ظاهر.
۱۴. باز روی گردانیدند از او و گفتند: این شخص آموخته شده است، دیوانه است.
۱۵. هرآینه ما دورکننده عذابیم اندکی، هرآینه شما عود کننده‌اید در کفر.
۱۶. روزی که درگرفت کنیم آن درگرفت کردن بزرگ، هرآینه ما انتقام کشنده‌ایم.<sup>۴</sup>

۱ یعنی اهل توحید را شفاعت کنند.

۲ یعنی لیلۃ‌القدر.

۳ یعنی بر پیغامبر فرود آوردیم آن را.

۴ مترجم گوید: این وعده متحقق شد. خدای تعالی در قریش قحط انداخت تا آنکه از شدت جوع یا از کثرت بخارجو چون دودی محسوس می‌شد و ایشان به خدای تعالی رجوع کردند. خدای تعالی قحط را دور فرمود. باز برکفر اصرار کردند. خدای تعالی روز بدر از ایشان انتقام کشید که هفتاد کس را از رؤسای ایشان کشت و هفتاد کس را اسیر ساخت؛ والله اعلم.

۱۷. و هرآینه ما امتحان کردیم پیش از ایشان قوم فرعون را و آمد بدیشان پیغامبر گرامی قدر.
۱۸. به این سخن که تسلیم کنید به من بندگان خدا را، هرآینه من برای شما پیغامبر باامانتم.
۱۹. و سرکشی مکنید بر خدا. هرآینه من بیارم پیش شما حجت ظاهر را.
۲۰. و هرآینه من پناه گرفتم به پروردگار خود و پروردگار شما از آنکه سنگسار کنید مرا.
۲۱. و اگر باور ندارید مرا، پس یکسو شوید از من.
۲۲. پس دعا کرد به جناب پروردگار خود که این جماعت قوم گناهکارانند.
۲۳. پس گفتیم: بپرندگان مرا وقت شب، هرآینه شما را تعاقب کرده شود.
۲۴. و بگذار دریا را آرمیده، هرآینه آن جماعت لشکری هست غرق شده.
۲۵. بسیار گذاشتند از بوستانها و چشمهها.
۲۶. و کشتها و محل گرامی.
۲۷. و گذران با رفاهیت که در آن محفوظ بودند.
۲۸. همچنین شد و عطا کردیم این چیزها گروهی دیگر را.
۲۹. پس نگرست بر قوم فرعون آسمان و زمین و نشدند مهلت داده شده.
۳۰. و هرآینه ما خلاص کردیم بنی اسرائیل را از عذاب خوار کننده.
۳۱. که از جانب فرعون بود؛ هرآینه فرعون بود سرکشی از تعدی کنندگان.
۳۲. و هرآینه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالمها.
۳۳. و دادیم ایشان را از قسم معجزات آنچه در آن امتحان ظاهر بود.
۳۴. هرآینه این جماعت می گویند:
۳۵. که نیست عاقبت کار مگر همین موت نخستین و نیستیم ما برانگیخته شده.
۳۶. پس بیارید پدران ما را اگر هستید راستگو.
۳۷. آیا این جماعت بهتراند یا قوم «تَبَع» و آنان که پیش از ایشان بودند؟ هلاک ساختیم آنها را، هرآینه آنها گناهکاران بودند.
۳۸. و نیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه میان هر دو است بازی کنان.
۳۹. نیافریدیم هر دو را مگر به تدبیر درست ولیکن اکثر ایشان نمی دانند.
۴۰. هرآینه روز قیامت میعاد ایشان است، همه یکجا.
۴۱. روزی که دفع نکند هیچ دوستی از دوست دیگر چیزی و نه ایشان را نصرت داده شود.
۴۲. مگر آن که رحم کرد بر او خدا، هرآینه خدا غالب مهربان است.
۴۳. هرآینه درخت زقوم.
۴۴. طعام گناهکار است.
۴۵. مثل مس گداخته شده بجوشد در شکمها.
۴۶. مانند جوشیدن آب گرم.
۴۷. [گوییم: ای فرشتگان] بگیرید این گناهکار را، پس به سختی بکشیدش به سوی میان دوزخ.
۴۸. باز بریزید بالای سر او از آب گرم که عقوبت است.
۴۹. [گوییم]: بچش، هرآینه تویی به زعم خود بزرگوار گرامی قدر.
۵۰. هرآینه این است آنچه در آن شبهه می کردید.

۱ یعنی بنی اسرائیل را به من حواله کنید و بنده مگیرید.

۵۱. هر آینه متقیان در جایگاه باامن باشند.  
 ۵۲. در بوستان‌ها و چشمه‌ها.  
 ۵۳. بپوشند از حریر نازک و حریر لک روبه‌روی یکدیگر شده.  
 ۵۴. اینچنین باشد حال و کدخدا کنیم ایشان را با حور گشاده چشم.  
 ۵۵. بطلبند آنجا هر میوه را ایمن شده.  
 ۵۶. نچشند آنجا مرگ؛ لیکن چشده بودند مرگ نخستین را و نگاه داشت ایشان را خدای از عذاب دوزخ.  
 ۵۷. به سبب بخشایش از جانب پروردگار تو، این است فیروزی بزرگ.  
 ۵۸. جز این نیست که آسان ساختیم قرآن را به زبان تو تا بود که ایشان پندپذیر شوند.  
 ۵۹. پس منتظر باش، هر آینه ایشان نیز منتظرانند.

## ۴۵. سوره جاثیه

در مکه نازل شده و آن سی‌وهفت آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. حم.
۲. فرو فرستادن این کتاب از جانب خدای غالب باحکمت است.
۳. هر آینه در آسمان‌ها و زمین نشانه‌ها است باوردارانندگان را.
۴. و در آفرینش شما و در آفرینش آنچه پراکنده می‌سازد از جانوران، نشانه‌ها است قومی را که یقین می‌کنند.
۵. و در آمدوشد شب و روز و در آنکه فرود آورد خدا از آسمان روزی را، پس زنده کرد به سبب باران زمین را بعد مرده بودن آن و در گردانیدن باده‌ها نشانه‌ها است قومی را که درمی‌یابند.
۶. این نشانه‌های خدا است، می‌خوانیم آن را بر تو به راستی. پس به کدام سخن بعد پند خدا و آیت‌های او ایمان آرند؟! و ای هر دروغگوی گناهکار را.
۸. می‌شنود آیات خدا را که خوانده می‌شود بر وی، باز لازم می‌گیرد کفر تکبر کرده. گویا نشنیده است آن را، پس مژده ده او را به عذاب درد دهنده.
۹. و چون واقف شد بر چیزی از آیات ما، تمسخر گیرد آن را. آن جماعت ایشان راست عذاب خوارکننده.
۱۰. آن طرف ایشان دوزخ است و دفع نکنند از ایشان آنچه کسب کردند چیزی را و دفع نکنند نیز آنکه دوستان گرفته‌اند بجز خدا و ایشان راست عذاب بزرگ.
۱۱. این قرآن هدایت است و آنان که کافر شدند به آیات پروردگار خویش، ایشان راست عذاب درد دهنده از جنس عقوبت سخت.



۱۲. خدای آن است که مسخر کرد برای شما دریا را تا روان شوند کشتی‌ها در آن به فرمان او و تا طلب معیشت کنید از فضل او و بود که شما شکرگزاری کنید.
۱۳. و مسخر کرد برای شما آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است، همه یکجا پدید آورده از جانب خود. هر آینه در این مقدمه نشانه‌ها است گروهی را که تفکر می‌کنند.
۱۴. بگو مسلمانان را که درگذر کنند از آن جماعت که توقع روزهای خدا ندارند تا سزا دهد خدا گروهی را از ایشان به حسب آنچه می‌کردند.
۱۵. هر که بکند کار شایسته، پس نفع، او راست و هر که بدکاری کند، پس وبال بر او است. باز به سوی پروردگار خویش رجوع کرده خواهید شد.
۱۶. و هر آینه دادیم بنی‌اسرائیل را کتاب و دانشمندی و پیغامبری و روزی دادیم ایشان را از نعمتهای پاکیزه و فضیلت دادیم ایشان را بر عالمها.
۱۷. و دادیم ایشان را نشانه‌های واضح در باب دین، پس اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه آمد بدیشان دانش از روی تعدی با یکدیگر. هر آینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می‌کردند در آن.
۱۸. باز ساختیم تو را بر راه ظاهر از دین، پس پیروی کن آن را و پیروی مکن خواهش آنان که نمی‌دانند.
۱۹. هر آینه ایشان دفع نخواهند کرد از تو چیزی از عقوبت خدا و هر آینه ستمکاران بعضی ایشان کارسازان بعضی اند و خدا کارساز متقیان است.
۲۰. این قرآن، دلیل‌های واضح است مردمان را و هدایت است و بخشایش گروهی را که یقین می‌کنند.
۲۱. آیا پنداشتند آنان که کردند جرم‌ها که بکنیم ایشان را مانند آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، یکسان باشند زندگانی ایشان و مردن ایشان؟ بد حکم ایشان است این حکم.
۲۲. و آفرید خدا آسمان‌ها و زمین را به تدبیر درست و تا عاقبت کار جزا داده شود هر شخصی به حسب آنچه عمل کرده است و بر ایشان ستم کرده نشود.
۲۳. آیا دیدی کسی را که معبود خود گرفته است خواهش نفس خود را و گمراه کرد او را خدا با وجود دانش و مهر، بنهاد بر گوش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پرده؟! پس کیست که راه نماید او را بعد خدا؟ آیا پند نمی‌گیرید؟
۲۴. و گفتند: نیست زندگانی مگر همین زندگانی این جهانی ما، می‌میریم و زنده می‌شویم و هلاک نمی‌کند ما را مگر زمانه! و نیست ایشان را به این مقدمه هیچ دانش. نیستند ایشان مگر گمان‌کننده.
۲۵. و چون خوانده شود بر ایشان آیت‌های ما واضح آمده، نبود شبهه ایشان، مگر آنکه گویند: بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان.
۲۶. بگو: خدا زنده می‌کند شما را، باز می‌میراند شما را، باز جمع کند شما را به روز قیامت؛ هیچ شبهه نیست در آن ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند.
۲۷. و خدای راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و روزی که قیام شود قیامت، آن روز زیانکار شوند تباه‌کاران.
۲۸. و بینی هر گروهی را به زانو درآمده. هر گروهی را خوانده شود به سوی نامه اعمال او. گوییم: امروز جزا داده شود شما را به حسب آنچه می‌کردید.

۲۹. گوییم: این نامه ماست که اظهار حقیقت می‌کند بر شما به راستی، هرآینه ما می‌نوشتیم آنچه شما می‌کردید.
۳۰. پس اما آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس درآمد ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود. این است فیروزی ظاهر.
۳۱. و اما آنان که کافر شدند، [ایشان را گوییم]: آیا خوانده نمی‌شد بر شما آیات من، پس تکبر کردید و قوم گناهکاران بودید؟! و چون گفته می‌شد که وعده خدا راست است و قیامت هیچ شبهه نیست در آن، گفتید: نمی‌دانیم چیست قیامت! تصور نمی‌کنیم آن را مگر به احتمال ضعیف و نیستیم ما یقین کننده.
۳۲. و ظاهر شد ایشان را عقوبت‌ها و آنچه به آن عمل کرده بودند و فرو گرفت ایشان را آنچه به آن استهزا می‌کردند.
۳۳. و گفته شود: امروز فراموش کنیم شما را چنانکه فراموش کردید ملاقات این روز خود را و جای شما دوزخ است و نیست شما را هیچ نصرت دهنده.
۳۴. این عذاب به سبب آن است که شما به تمسخر گرفتید آیات خدا را و فریفته کرد شما را زندگانی دنیا، پس امروز بیرون کرده نشوند از دوزخ و نه از ایشان رضامند ساختن خدا طلب کرده شود.
۳۵. پس خدای راست ستایش، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین، پروردگار عالم‌ها.
۳۶. و او راست بزرگی در آسمان‌ها و زمین و اوست غالب باحکمت.

## ۴۶. سوره احقاف

در مکه نازل شده و آن سی و پنج آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. حم.
۲. فرورستاندن کتاب از جانب خدای غالب باحکمت است.
۳. نیافریدیم آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان هر دو است، مگر به تدبیر درست و به میعاد میعاد می‌عین و آنان که کافر شدند از آنچه ترسانیده شد ایشان را، روی گردانند.
۴. بگو: آیا دیدید آنچه می‌پرستید بجز خدای؟ بنمایید مرا چه چیز آفریده‌اند از زمین یا ایشان راست شرکتی در آسمان‌ها؟ بیارید به من کتابی که آمده باشد پیش از این یا بقیه از علم اگر هستید راستگوی.
۵. و کیست گمراه‌تر از کسی که بخواند بجز خدا چیزی را که قبول نکند خواندنش تا روز قیامت؟ و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل‌اند.
۶. و چون جمع کرده شوند مردمان، باشند این معبودان ایشان را دشمن و باشند عبادت ایشان را منکر.
۷. و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده، گویند این کافران سخن درست را چون بیامد بدیشان: این سحر ظاهر است.

- ۸ بلکه می‌گویند: بر بسته است آن را پیغامبر. بگو: اگر بر بسته‌ام آن را، پس نمی‌توانید شما برای من از خدای چیزی. خدا داناتر است به گفتگوی شما در قرآن. پس است خدا اظهار حق کننده در میان من و در میان شما و اوست آمرزگار مهربان.
- ۹ بگو: نیستم من نو آمده از پیغامبران و نمی‌دانم چه کرده خواهد شد با من و نه به شما (یعنی در دنیا). پیروی نمی‌کنم الا آنچه وحی فرستاده می‌شود به سوی من و نیستم من مگر ترساننده آشکار.
- ۱۰ بگو: آیا دیدید اگر باشد قرآن از نزدیک خدا و منکر شوید به آن و گواهی داده باشد گواهی از بنی‌اسرائیل بر قرآن، پس وی ایمان آورد و سرکشی کردید شما، البته ستمکار باشید. هر آینه خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را.
- ۱۱ و گفتند کافران در حق مسلمانان: اگر این دین بهتر بودی، سبقت نکردندی بر ما به سوی آن و چون راه نیافتند به آن خواهند گفت: این دروغی است قدیم.
- ۱۲ و پیش از قرآن کتاب موسی بود پیشوا و بخشایش؛ و این کتابی است باوردارنده؛ زبان عربی آمده برای آنکه برساند ستمکاران را و برای مژده دادن نیکوکاران را.
- ۱۳ هر آینه آنان که گفتند پروردگار ما خدا است، باز قایم ماندند، پس هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوه خورند.
- ۱۴ این جماعت، اهل بهشت‌اند جاویدان آنجا. پاداش داده شوند به حسب آنچه می‌کردند.
- ۱۵ و امر کردیم آدمی را در حق پدر و مادر او نیکوکاری. در شکم برداشته است او را مادر او به دشواری و زاده است او را به دشواری و لا اقل مدت بار گرفتن او و از شیر بازکردن او سی ماه است و زنده ماند تا وقتی که رسید به کمال قوت خود و رسید به چهل سال، گفت: ای پروردگار من! الهام کن مرا تا شکر گویم در مقابله نعمت تو که انعام کرده‌ای بر من و بر پدر مادر من و کار نیک کنم که خشنود شوی از آن و صلاح پیدا کن برای من در فرزندان من. هر آینه رجوع کردم به سوی تو و هر آینه من از مسلمانانم.
- ۱۶ این جماعت، آنانند که قبول می‌کنیم از ایشان نیکوترین آنچه عمل کردند و درگذریم از جرم‌های ایشان، در اهل بهشت باشند به وفق وعده راستی که وعده داده می‌شدند.
- ۱۷ و آن شخص که گفت به پدر و مادر خود: دل‌تنگ شدم به نسبت شما، آیا وعده می‌دهید مرا که برآورده شوم؟<sup>۱</sup> و هر آینه گذشته‌اند طبقه‌های مردم پیش از من<sup>۲</sup> و آن دو فریاد می‌کنند به جناب خدا، می‌گویند: وای بر تو! مسلمان شو، هر آینه وعده خدا راست است. پس گوید: نیست این وعده مگر افسانه‌های پیشینیان.
- ۱۸ این جماعت، آنانند که ثابت شد بر ایشان وعده عذاب از جمله امت‌ها که گذشته‌اند پیش از ایشان از جنیان و آدمیان؛ هر آینه ایشان بودند زیانکار.
- ۱۹ و هر یکی را مرتبه‌هاست به حسب آنچه عمل کردند و تا به تمام دهد خدا ایشان را جزای اعمال ایشان و ایشان ستم کرده نشوند.
- ۲۰ و روزی که پیش آورده شوند کافران بر آتش [گفته شود]: آیا ضایع کردید نعمتهای خود را در زندگانی دنیائی خویش و بهره‌مند شدید به آن؟ پس امروز جزا داده شود

۱ یعنی از قبر.

۲ یعنی هیچ کس از ایشان باز زنده نشد؛ والله اعلم.

- شما را عذاب خواری به سبب آنکه تکبر می‌کردید در زمین، ناحق و به سبب آنکه بدکاری می‌کردید.<sup>۱</sup>
۲۱. و یاد کن برادران قوم عاد را؛ چون بترسانید قوم خود را به سرزمین احقاف و هرآینه گذشته بودند ترسانندگان پیش روی وی<sup>۱</sup> و پس از وی [به این مضمون] که: عبادت مکنید مگر خدای را، هرآینه من می‌ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ.
۲۲. گفتند: آیا آمده‌ای پیش ما تا بازداری ما را از پرستش معبودان خود؟! پس بیار آنچه وعده می‌دهی ما را اگر هستی از راستگویان.
۲۳. گفت: جز این نیست که علم نزدیک خدا است و می‌رسانم به شما آنچه فرستاده شدم همراه او ولیکن می‌بینم که شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید.
۲۴. پس چون دیدند آن عقوبت را بصورت ابری روی آورده به میدان‌های ایشان، گفتند: این ابری است باراننده بر ما؛ بلکه به حقیقت آن چیزی است که شتاب طلب کردید آن را. بادی است که در وی عقوبت درد دهنده است.
۲۵. برهم زند هر چیزی را به فرمان پروردگار خویش. پس گشتند به این صفت که دیده نمی‌شد بجز خانه‌های ایشان؛ همچنین جزا می‌دهیم گروه گناهکاران را.
۲۶. و هرآینه جای داده بودیم قوم عاد را در آنچه جای داده‌ایم شما را در آن و ساخته بودیم برای قوم عاد گوش و چشم‌ها و دل‌ها؛ پس دفع نکرد از ایشان گوش ایشان و نه چشم‌های ایشان و نه دل‌های ایشان چیزی را از بس که انکار می‌کردند به نشانه‌های خدا و فراگرفت به ایشان آنچه به آن استهزا می‌کردند.
۲۷. و هرآینه هلاک کردیم آنچه حوالی شما است از دیه‌ها و گوناگون پدید آوردیم نشانه‌ها، بُود که ایشان بازگردند.
۲۸. پس چرا نصرت ندادند ایشان را آنان که معبود می‌گرفتند بجز خدا قرب خداجویان؟! بلکه گم شدند از نظر ایشان! و همین است دروغ ایشان و آنچه برمی‌یافتند.
۲۹. و [یاد کن] چون متوجه ساختیم به سوی تو جماعتی را از جن می‌شنیدند قرآن، پس چون حاضر شدند پیش پیغمبر، با یکدیگر گفتند: خاموش باشید. پس چون تمام کرده شد، بازگشتند به سوی قوم خود، بیم‌کنان.<sup>۲</sup>
۳۰. گفتند: ای قوم ما! هرآینه ما شنیدیم کتابی که فرود آورده شد بعد از موسی، باوردارنده آنچه پیش از او بود؛ راه می‌نماید به سوی دین راست و به سوی راه راست.
۳۱. ای قوم ما! قبول کنید سخن دعوت کننده به سوی خدا و ایمان آرید به وی تا بیمارزد خدا برای شما بعض گناهان شما را و پناه دهد شما را از عذاب درد دهنده.
۳۲. و هر که قبول نکند گفته خواننده به خدا، پس نیست عاجز کننده در زمین و نیست او را بجز خدا دوستان. آن جماعت در گمراهی ظاهرند.

۱ مترجم گوید: این تصویر است حال سعید و شقی را؛ پس سعید، حق خدای تعالی و حق ابوین به جا می‌آورد و به انواع نعم محظوظ می‌شود؛ در جمیع امور به حق تعالی رجوع می‌کند و شقی، جمع می‌کند میان کفر و به حقوق والدین و انکار معاد و صورت سعید، منطبق است بر حضرت ابوبکر صدیق و غیر ایشان نیز؛ والله اعلم.

۲ یعنی از هر جانب به این مضمون.

۳ مترجم گوید: چند کس از جن پیش آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، آمدند و آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، در آن حالت نماز فجر می‌گزارد در بطن نخله قرآن استماع کردند. چون بازگشتند قوم خود را اذکار نمودند. اشارت به این قصه است درین آیات.

۳۳. آیا ندیدند خدایی که آفریده است آسمان‌ها و زمین و مانده نشد در آفریدن اینها، توانست بر آنکه زنده کند مردگان را؟ آری! چنین است، هر آینه او بر هر چیز توانا است.
۳۴. و روزی که پیشی آورده شوند کافران بر آتش، [گفته شود]: آیا نیست این وعده درست؟! گفتند: آری! قسم به پروردگار ما! درست است. گفت: پس بچشید عقوبت را به سبب آنکه کافر می‌بودید.
۳۵. پس صبر کن چنانکه صبر کرده بودند خداوندان همت عالی از پیغامبران و شتاب طلب مکن عقوبت را برای ایشان. روزی که ببینند آنچه وعده داده می‌شود ایشان را چنانستی که ایشان نمانده بودند<sup>۱</sup> مگر یک ساعت از روز. این پیغام رسانیدن است، پس هلاک کرده نخواهند شد مگر قوم بدکاران.

### ۴۷. سوره محمد (ص)

در مدینه نازل شده و آن سی‌وهشت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. آنان که کافر شدند و بازداشتند مردمان را از راه خدا، حبط کرد خدا اعمال ایشان را.
۲. و آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و معتقد شدند به آنچه فرآورده شد بر محمد و آن راست است، آمده از جانب پروردگار ایشان، دور ساخت از ایشان جرم‌های ایشان را و به صلاح آورد حال ایشان را.
۳. این به سبب آن است که کافران، پیروی نداشتند و مؤمنان، پیروی دین راست کردند که از جانب پروردگار ایشان است. همچنین بیان می‌کند خدا برای مردمان داستان‌های ایشان را.
۴. پس چون مضاف کنید با کافران پس بزنید گردن‌ها را؛ تا وقتی که خونریزی بسیار کردید در ایشان؛ پس محکم کنید قید را یا به احسان خلاص کردن بعد از این و یا مالی به عوض گرفتن، تا آنکه بنهد جنگ، سلاح خود را.<sup>۲</sup> این است حکم و اگر خواستی خدا، خود انتقام کشیدی از ایشان ولیکن می‌خواهد که امتحان کند بعضی شما را به بعضی و آنان که کشته شدند در راه خدا، پس حبط نخواهد کرد عمل ایشان را.
۵. راه خواهد نمود ایشان را و نیک خواهد کرد حال ایشان را.
۶. و خواهد درآورد ایشان را به بهشتی که شناسا کرده است ایشان را به آن.
۷. ای مسلمانان! اگر نصرت دهید دین خدا را، نصرت دهد خدا شما را و ثابت کند قدم‌های شما را.
۸. و آنان که کافر شدند، پس هلاک باد ایشان را و حبط کرد خدا عمل ایشان را.
۹. این به سبب آن است که ایشان ناپسند کردند چیزی را که فرود آورده است خدا، پس حبط کرد عمل ایشان را.

۱ یعنی در دنیا.

۲ یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند؛ والله اعلم.

۱۰. آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بنگرند چگونه بود انجام آنان که پیش از ایشان بودند؟ برهم زد خدا ایشان را و کافران را می‌شود مانند این عقوبت.
۱۱. این به سبب آن است که خدا کارساز مسلمانان است و به سبب آن است که کافران، هیچ کارساز نیست ایشان را.
۱۲. هرآینه خدا درآورد آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها و آنان که کافر شدند، بهره برمی‌گیرند و می‌خورند؛ چنانکه می‌خورند چهارپایان و آتش جای ایشان است.
۱۳. و بسیار از دیه که قوی‌تر بود از دیه تو که جلا وطن کرد تو را، هلاک ساختیم ایشان را؛ پس نیست هیچ نصرت دهنده برای ایشان.
۱۴. آیا هر که باشد بر طریقه روشن از جانب پروردگار خویش مانند آن کس است که آراسته کرده شد در نظر او بدکاری او را، مانند آنان که پیروی کردند خواهش خود را؟
۱۵. صفت بهشتی که وعده داده شد متقیان را، این است: در آن بهشت جوی‌هایی است از آب که به دیرماندگی متغیر نشده و جوی‌هایی است از شیر که مزه او برنگشته و جوی‌هایی است از می، لذت دهنده آشامندگان را و جوی‌هایی است از شهد صاف کرده شده و ایشان راست آنجا از هر جنس میوه‌ها و ایشان راست آموزش از پروردگار ایشان [یا این جماعت] مانند آن است که همیشه باشند در آتش و نوشانیده شوند آب گرم، پس پاره‌پاره ساخت روده‌های ایشان را.
۱۶. و از مردمان کسی هست که گوش می‌نهد به سوی تو تا وقتی که بیرون روند از نزدیک تو. گویند به آنان که عطا کرده شد ایشان را علم: چه چیز گفت پیغامبر الحال؟ این جماعت آنانند که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و پیروی کردند خواهش نفس خود را.
۱۷. و آنان که راهیاب شدند، زیاده کرد خدا ایشان را هدایت و عطا کرد بدیشان تقوای ایشان را.
۱۸. پس منتظر نیستند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان؟ پس هرآینه آمده است علامات قیامت. پس از کجا باشد برای ایشان پند گرفتن ایشان وقتی که بیاید قیامت به ایشان؟!
۱۹. پس یقین کن که نیست هیچ معبود مگر خدا و طلب آموزش کن برای گناهان خود و در حق مردان مسلمان و زنان مسلمان نیز و خدا می‌داند جای آمدورفت شما و جای ماندن شما.<sup>۱</sup>
۲۰. و می‌گویند مسلمانان: چرا فرورفته نشد سورتی؟ پس چون فرستاده شود سورتی واضح‌المعنی و ذکر کرده شود در آن قتال، ببینی آنان را که در دل ایشان بیماری است؛ می‌نگرند به سوی تو مانند نظر کردن کسی که او را بیهوشی رسیده باشد به سبب حضور موت. پس وای ایشان را!
۲۱. حال ایشان به حسب ظاهر، فرمانبرداری‌ای است و سخن نیکو گفتن؛ پس چون مصمم شود کار، اگر وعده خود راست کردند با خدا، بهتر بودی برای ایشان.

۱ مترجم گوید: از این جا تا آخر سوره در باب تهدید مردم ضعیف‌الایمان نازل شد.

۲ حاصل این آیات ذم آن شخص است که به مجلس علم درآید و به فهم حقیقت آن نرسد. به سبب هجوم هوای نفس بر دل او محتاج استفسار دیگران گردد و تخفیف است به قیامت مثل این شخص را؛ والله اعلم.

۲۲. پس ای ضعیف ایمانان! اگر متولّی امور مردمان شوید، البته نزدیکید از آنکه تباہکاری کنید در زمین و قطع قبیلہ‌داری نمایید.
۲۳. این جماعت، آنانند که لعنت کرد ایشان را خدا؛ پس گر ساخت ایشان را و کور کرد چشم‌های ایشان را.
۲۴. آیا تأمل نمی‌کنند در قرآن یا بر دل‌ها قفل آن دل‌هاست؟! <sup>۱</sup>
۲۵. هرآینه آنان که برگشتند بر جانب پشت خویش، پس از آنکه ظاهر شد ایشان را راه هدایت، شیطان آراسته کرد برای ایشان و مهلت داده است ایشان را.
۲۶. این همه به سبب آن است که ایشان گفتند با آنان که ناپسند کرده‌اند چیزی را که خدا فرستاده است: <sup>۱</sup> فرمانبرداری شما خواهیم کرد در بعض کارها. و خدا می‌داند سخن پنهان گفتن ایشان را.
۲۷. پس چگونه باشد حال، وقتی که قبض روح ایشان کنند فرشتگان، می‌زنند روی‌های ایشان را و پشت‌های ایشان را.
۲۸. این عقوبت به سبب آن است که ایشان پیروی چیزی کردند که به خشم آورد خدا را و ناپسند کردند خشنودی او را، پس ضایع ساخت «الله» اعمال ایشان را.
۲۹. آیا پنداشتند آنان که در دل‌های ایشان بیماری است؟ که ظاهر نخواهد کرد خدا کینه‌های ایشان را؟
۳۰. و اگر می‌خواستیم می‌نمودیم ایشان را به تو، پس می‌شناختی ایشان را به قیافه ایشان <sup>۲</sup> و البته بشناسی ایشان را در اسلوب سخن و خدا می‌داند عمل شما را.
۳۱. و البته امتحان کنیم شما را تا بشناسیم مجاهدان را از شما و صابران را و بیازماییم احوال شما را.
۳۲. هرآینه آنان که کافر شدند و بازداشتند از راه خدا و مخالفت کردند با پیغامبر بعد از آنکه واضح شد ایشان را راه هدایت، هیچ زیان نرسانند خدا را و حبط خواهد کرد خدا عمل‌های ایشان را.
۳۳. ای مسلمانان! فرمان برید خدا را و فرمان برید پیغامبر را و باطل مکنید عمل‌های خود را. <sup>۳</sup>
۳۴. هرآینه آنان که کافر شدند و بازداشتند از راه خدا، باز بمرند و ایشان کافر بودند؛ پس هرگز نخواهد آمرزید خدا ایشان را.
۳۵. پس سستی مکنید و به سوی صلح مخوانید و شما باید غالب و خدا با شما است، ضایع نخواهد ساخت عمل‌های شما را.
۳۶. جز این نیست که زندگانی دنیا بازی است و بیهودگی است و اگر ایمان آرید و پرهیزگاری کنید، بدهد شما را مزد شما و نطبلد از شما مال‌های شما را. <sup>۴</sup>
۳۷. اگر بطلبد از شما مال شما را، پس مبالغه کند در سؤال؛ آنگاه بخل کنید و بر روی کار آرد آن بخل، کینه‌های شما را.
۳۸. آگاه شوید شما ای جماعت که خوانده می‌شود شما را تا خرج کنید در راه خدا. پس از شما کسی هست که بخل می‌کند و هر که بخل می‌کند، جز این نیست که بخل

۱ یعنی منافقان یا یهود.

۲ یعنی ظلمت نفاق بر روی ایشان هویدا می‌شد؛ والله اعلم.

۳ یعنی به ارتداد و به ریا و سمعه.

۴ یعنی جمیع مال را.

می‌کند از خویش<sup>۱</sup> و خدا توانگر است و شما محتاجید و اگر روی‌گردان شوید، بدل آرد گروهی دیگر را غیر شما، باز نباشند آن جماعت مانند شما.

### ۴۸. سوره فتح

در مدینه نازل شده و آن بیست و نُه آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. هر آیینی ما حکم کردیم برای تو به فتح ظاهر.<sup>۲</sup>
۲. عاقبت فتح آن است که بیمارزد تو را خدا، آنچه که سابق گذشت از گناه تو و آنچه پس ماند و تمام کند نعمت خود را بر تو و تا بنماید تو را راه راست.
۳. و تا نصرت دهد تو را خدا به نصرت قوی.
۴. اوست آن که فرود آورده اطمینان را در دل مسلمانان تا زیاده شود ایمان ایشان با ایمان سابق ایشان. و خدای راست لشکر آسمان‌ها و زمین و هست خدا دانای باحکمت.
۵. عاقبت نزول سئینه آن است که در آرد مردان مسلمان را و زنان مسلمان را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا و زایل کند از ایشان جرم‌های ایشان را و هست این مقدمه، نزدیک خدا فیروزی بزرگ.
۶. و تا عذاب کند مردان منافق را و زنان منافق را و مردان شرک آورنده را و زنان شرک آورنده را که گمان‌کننده‌اند بر خدا گمان بد. بر ایشان باد مصیبت بد و به خشم آمد خدا بر ایشان و لعنت کرد ایشان را و آماده ساخت برای ایشان دوزخ را و بدجایی است دوزخ.
۷. و خدای راست لشکر آسمان‌ها و زمین و هست خدا غالب باحکمت.
۸. هر آیینی ما فرستادیم تو را اظهار حق‌کننده و بشارت‌دهنده و ترساننده.
۹. تا ایمان آرید ای مسلمانان به خدا و به رسول او و تا نصرت دهید دین خدا را و به بزرگی اعتقاد کنید او را و به پاکی یاد کنید او را بامداد و پگاه.
۱۰. هر آیینی آنان که بیعت می‌کنند با تو، جز این نیست که بیعت می‌کنند با خدا. دست خدا است بالای دست ایشان، پس هر که عهد بشکند، پس جز این نیست که می‌شکند به

۱ یعنی منفعت انفاق از خود بازمی‌دارد.

۲ مترجم گوید: آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، به خواب دیدند، گویا آن حضرت با اصحاب در مکه داخل شدند و با اطمینان خاطر به حلق و قصر مشغول‌اند؛ پس آن سال به قصد عمره متوجه کعبه شدند و چون به حدیبیه رسیدند، کفار قریش از وصول به کعبه مانع آمدند و بعد تشویش بسیار با کفار صلح کرده بغیر از وصول به کعبه بازگشتند. خدای تعالی آن عمل را از ایشان قبول فرمود، از آن بیعت که در اثنای تشویش به جهت تأکید عزم به‌آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، کرده بودند، راضی شده به ثواب آن عمل، فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید؛ به تخصیص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلا تراخی واقع شده غنایم خیبر را مخصوص به حاضران بیعت گردانید و غیر ایشان را از آن غزوه منع نمود و مضمون رؤیا سال آینده به ظهور رسید. پس در باب وعده فتوح و رد شبهه منافقان به سبب تعویق مضمون رؤیا و بیان حکمت تعویق و تهدید متخلفان از سفر حدیبیه و بیان خشنودی خود به اهل بیعت، این سوره نازل فرمود؛ والله اعلم.



- ضرر نفس خود و هر که تمام کند آنچه بر آن با خدا عهد کرده است، پس خواهد داد او را مزد بزرگ.
۱۱. خواهند گفت با تو پس گذاشتگان از اعراب: <sup>۱</sup> مشغول کرد ما را اموال ما و فرزندان ما، پس طلب آموزش کن برای ما. می‌گویند به زبان خود آنچه نیست در دل ایشان. بگو: که می‌تواند برای شما از خدا چیزی اگر خواهد زبان رسانیدن به شما یا خواهد در حق شما سود دادن؟ بلکه هست خدا به آنچه می‌کنید خبردار.
۱۲. [نی!] بلکه ظن کردید که باز نخواهد گشت پیغامبر و مسلمانان به سوی اهل خانه خویش هرگز و آراسته شد این ظن در دل شما و ظن کردید ظن بد و گشتید قومی هلاک شده.
۱۳. و هر که ایمان نیاورد به خدا و پیغامبر او، پس هرآینه ما آماده کردیم برای کافران آتش را.
۱۴. و خدای راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین. می‌آمزد هر که را خواهد و عذاب می‌کند هر که را خواهد و هست خدا آمرزگار مهربان.
۱۵. خواهند گفت با تو پس گذاشتگان وقتی که روانه شوید به سوی غنیمت‌ها <sup>۲</sup> تا به دست آرید آن را: بگذارید ما را تا از پی شما رویم، می‌خواهند که مخالفت کنند وعده خدا را. بگو: پیروی ما نخواهید کرد. همچنین فرموده است خدا پیش از این، پس خواهند گفت: [نی،] بلکه حسد می‌کنید با ما، بلکه همیشه فهم نمی‌کردند مگر اندکی.
۱۶. بگو [یا محمد] پس گذاشتگان را از اعراب که: شما خوانده خواهید شد به سوی کارزار قومی، خداوند کارزار سخت <sup>۳</sup> که جنگ کنید با ایشان یا آنکه مسلمان شوند. پس اگر فرمانبرداری کنید، بدهد خدا شما را مزد نیک و اگر روی گردان شوید، چنانکه روی گردان شده بودید پیش از این، عقوبت کند شما را به عقوبت درد دهنده.
۱۷. نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی <sup>۴</sup> و هر که فرمان برد خدا و رسول او را، در اردش به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها و هر که روی گردان شود، عقوبت کندش به عقوبت درد دهنده.
۱۸. هرآینه خشنود شد خدا از مسلمانان وقتی که بیعت می‌کردند با تو زیر درخت، پس دانست آنچه در دل ایشان است، پس فرود آورد اطمینان دل بر ایشان و ثواب داد ایشان را فتحی نزدیک.
۱۹. و غنیمت‌های بسیار که به دست آرند آن را <sup>۵</sup> و هست خدا غالب باحکمت.

۱ یعنی آنان که در سفر حدیبیه موافقت نکردند؛ والله اعلم.

۲ یعنی غنیمت‌های خیبر.

۳ یعنی فارس و روم و این معنی در زمان حضرت ابوبکر و حضرت عمر، رضی الله عنهما، متحقق شد؛ والله اعلم.

۴ یعنی در تخلف از مثل این سفر؛ والله اعلم.

۵ یعنی غنایم خیبر و غیره.

۲۰. وعده داده است شما را خدا غنیمت‌های بسیار که به دست آرید آنها را، پس زود عطا کرد این غنیمت<sup>۱</sup> و بازداشت دست مردمان را از شما<sup>۲</sup> و تا باشد این مقدمه، نشانه‌ای مسلمانان را و تا بنماید خدا شما را راه راست.<sup>۳</sup>
۲۱. و وعده داد خدا غنیمت‌های دیگر نیز که هنوز دست نیافته‌اید بر آن، دانسته است خدای آن را و هست خدا بر همه چیز توانا.<sup>۴</sup>
۲۲. و اگر جنگ می‌کردند با شما کافران، البته به سوی شما می‌گردانیدند پشت را، باز نمی‌یافتند کارسازی و نه نصرت دهنده‌ای.
۲۳. [مانند] آیین خدا که گذشته است پیش از این و نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی.
۲۴. و اوست آن که بازداشت دست کافران را از شما و دست شما را از کافران در میان مکه؛ بعد از آنکه فیروزمند ساخت شما را بر ایشان و هست خدا به آنچه می‌کنید بینا.<sup>۵</sup>
۲۵. این کفار قریش، آنانند که کافر شدند و بازداشتند شما را از مسجد حرام و بازداشتند قربانی را موقوف داشته از آنکه برسد به جای خود و اگر نبودی مردان مسلمانان و زنان مسلمانان که نمی‌دانید ایشان را، اگر نبودی خوف آنکه پی کنید سر ایشان را، پس برسد به شما گناهی به غیر دانست.<sup>۶</sup> فتح را مؤخر کرد خدا تا درآرد هر که را بخواهد در رحمت خود. اگر از هم جدا می‌بودند این هر دو فریق البته عقوبت می‌کردیم کافران را عقوبت درد دهنده.
۲۶. آنگاه که مصمم کردند کافران در دل خویش غیرت را از جنس غیرت جاهلیت، پس فرود آورد خدا اطمینان خود را بر پیغامبر خود و بر مسلمانان و ثابت کرد بر ایشان سخن پرهیزگاری و بودند سزاوار به آن و اهل آن و هست خدا به هر چیز دانا.<sup>۷</sup>
۲۷. هر آینه راست نمود خدا پیغامبر خود را خواب، مطابق واقع [به این مضمون] که البته داخل خواهید شد به مسجد حرام اگر خدا خواسته است، ایمن شده تراشیده موی سر خود را و به مقرض گرفته ترسان نشده؛ پس دانست آنچه ندانستید شما، پس میسر کرد پیش از این فتحی نزدیک را.
۲۸. اوست آن که فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دین راست تا غالب کندش بر ادیان همه آن و بس است خدا اظهار کننده حق.
۲۹. محمد پیغامبر خدا است و آنان که همراه اویند سخت‌اند بر کافران، مهربانند در میان خود. می‌بینی ایشان را رکوع کننده و سجده نماینده، می‌طلبند فضل را از خدا و خشنودی را. نشانه صلاح ایشان در روی ایشان است از اثر سجده. آنچه مذکور می‌شود، داستان ایشان است در تورات و داستان ایشان است در انجیل. ایشان مانند

۱ یعنی غنائم خبیر.

۲ یعنی در حدیبیه.

۳ یعنی کفار قریش جمع شدند که آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، را تشویشی رسانند. خدای تعالی دستایشان را از قتال بازداشت و قضیه به صلح انجامید.

۴ یعنی غنائم فارس و روم.

۵ تعریض است به آن قصه که بعد انعقاد صلح، هفتاد تن از اوباش قریش خواستند که بی‌خبر بر صحابه هجوم آرند. صحابه همه را اسیر کرده پیش آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، آوردند؛ آن حضرت عفو فرمود. ظاهر نزدیک بنده، ضعیف است و صحیح آن است که این آیت بشارت است به فتح مکه و آوردن لفظ ماضی از جهت تحقیق وقوع بشارت است؛ والله اعلم.

۶ یعنی تصدیق رؤیا بالفعل متحقق شدی و فتح عاجلا میسر گشتی؛ والله اعلم.

۷ یعنی جماعتی از مسلمانان این صلح را کاره بودند. آخر الامر خدای تعالی اطمینان را به دل ایشان انداخت تا به مرضی آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، رضا دادند؛ والله اعلم.

زراعتی هستند که برآورد گیاه سبزه خود را، پس قوی کرد آن را، پس ستبر شد، پس پایستاد خود بر ساقه‌های خود. به شگفت می‌آرد زراعت کنندگان را، تا که در خشم آرد به سبب دیدن ایشان کافران را. وعده داده است خدا آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از ایشان، آمرزش و مزد بزرگ.

## ۴۹. سوره حجرات

در مدینه نازل شده و آن هجده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان<sup>۱</sup>

۱. ای مسلمانان! پیش دستی مکنید روبه‌روی خدا و رسول او و بترسید از خدا، هرآینه خدا شنوای دانا است.
۲. ای مسلمانان! بلند مکنید آوازهای خود را بالای آواز پیغامبر و بلند نگویند با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی شما با بعضی؛ برای احتراز از آنکه ناپود شود عمل‌های شما و شما خبردار نباشید.
۳. هرآینه آنان که پست می‌کنند آوازهای خود را نزدیک پیغمبر خدا، آن جماعت آنانند که آزموده است خدا دل ایشان را برای ظهور تقوی. ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ.
۴. هرآینه آنان که آواز می‌دهند تو را از پس حجره‌ها، اکثر ایشان فهم نمی‌کنند.
۵. و اگر ایشان صبر کردند تا وقتی که بیرون آیی به سوی ایشان، بهتر بودی ایشان را و خدا آمرزگار مهربان است.<sup>۲</sup>
۶. ای مسلمانان! اگر بیارد پیش شما فاسق خبری را، پس تفحص کنید برای احتراز از آنکه ضرر رسانید قومی را به نادانی، پس پشیمان شوید بر آنچه عمل کردید.
۷. و بدانید که در میان شما رسول خدا است، اگر فرمان برد شما را در بسیاری از کارها به رنج درافتید ولیکن خدا دوست گردانید نزدیک شما ایمان را و آراسته کرد آن را در دل‌های شما و ناخوش گردانید پیش شما کفر را و فسق را و نافرمانی را. این جماعت، ایشانند راه‌یافتگان.
۸. به احسان از نزدیک خدا و به نعمت و خدا دانای باحکمت است.

۱. حاصل مثل آن است که اسلام در اول حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند. رفته رفته غالب و بسیار شدند. عاقبت حال غلبه اسلام آن است که به خشم آرد خدای تعالی کافران را.
۲. مترجم گوید: خدای تعالی این سورت برای تعلیم آداب فرود آورد که از حضرت پیغامبر، صلی‌الله علیه و سلم، در امر و نهی پیشدستی نکنند و به آن حضرت به آواز بلند خطاب نکنند و اگر فاسق چیزی گوید، به غیر تفتیش حال، امضای عزیمت ننمایند. در صورتی که میان ایشان خانه جنگی واقع شود اصلاح آن چگونه کنند و از استهزاء با یکدیگر و لقب بد نهادن و غیبت کردن و ظن بد کردن و به علو نسب بر دیگران فخر کردن، منع کرد و ضعیف‌الایمان را بر ضعیف‌الایمان تنبیه فرمود؛ والله اعلم.
۳. مترجم گوید: این تعریض است به حال قومی از بنی تمیم که به جهت مهمی پیش آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، آمدند و چون در مسجد نیافتند و نمی‌دانستند که در کدام حجره تشریف دارند، نزدیک حجره‌ها به آواز بلند ندا کردن شروع کردند؛ والله اعلم.

۹. و اگر دو گروه از مسلمانان با یکدیگر جنگ کنند، پس صلح کنید میان ایشان. پس اگر تعدی کرد یکی از این دو گروه بر دیگری، پس جنگ بکنید با آن گروه که تعدی می‌کند تا آنکه رجوع کند به سوی حکم خدا؛ پس اگر رجوع کرد؛ صلح کنید میان ایشان به انصاف و داد دهید؛ هرآینه خدا دوست می‌دارد داددهندگان را.
۱۰. جز این نیست که مسلمانان، برادران یکدیگرند؛ پس صلح کنید میان دو برادر خویش و بترسید از خدا تا بر شما رحم کرده شود.
۱۱. ای مسلمانان! تمسخر نکنند گروهی با گروهی؛ احتمال است که آن گروه بهتر باشند از ایشان در نفس‌الامر و نه زنان تمسخر کنند با زنان دیگر؛ احتمال است که آن زنان بهتر باشند از ایشان و عیب مکنید در میان خویش و یکدیگر را به لقب‌های بد مخوانید. بدنامی است فاسقی بعد از ایمان آوردن و هر که توبه نکرد، پس آن جماعت، ایشانند ستمکاران.<sup>۱</sup>
۱۲. ای مسلمانان! احتراز کنید از بسیاری گمان بد؛ هرآینه بعض بدگمانی، گناه است و جاسوسی مکنید و غیبت نکنند بعض شما بعض را. آیا دوست می‌دارد کسی از شما که بخورد گوشت برادر خود که مرده باشد؟ پس متنفر شوید از وی و بترسید از خدا. هرآینه خدا توبه‌پذیرنده مهربان است.
۱۳. ای مردمان! هرآینه آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و ساختیم شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها تا با یکدیگر شناسا شوید. هرآینه گرامی‌ترین شما نزدیک خدا پرهیزگارترین شما است، هرآینه خدا دانای خبردار است.
۱۴. گفتند اعراب: ایمان آوردیم. بگو: ایمان به حقیقت نیاوردید ولیکن بگوئید منقاد شده‌ایم و هنوز در نیامده است ایمان در دل‌های شما و اگر فرمانبرداری خدا و رسول او کنید، کم ندهند شما را از جزای اعمال شما چیزی. هر آینه خدا آمرزگار مهربان است.
۱۵. جز این نیست که مؤمنان به حقیقت، آنانند که ایمان آوردند به خدا و پیغامبر او، باز شبهه نکردند و جهاد نمودند به اموال خود و جان خود در راه خدا. آن جماعت، ایشانند راستگویان.
۱۶. بگو: آیا خبردار می‌کنید خدا را به دین خود و خدا می‌داند آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است؟! و خدا به هر چیز دانا است.
۱۷. منت می‌نهد بر تو به آنکه مسلمان شده‌اند. بگو: منت منهد بر من به اسلام خود، بلکه خدا منت می‌نهد بر شما به آنکه هدایت کرد شما را به ایمان، اگر راستگو هستید.
۱۸. هرآینه خدا می‌داند پنهان آسمان‌ها و زمین و خدا بیناست به آنچه می‌کنید.

۱ یعنی به گناهی که در جاهلیت کرده باشند، بعد از اسلام نشانِ سندنه باید ساخت.

## ۵۰. سوره ق

در مکه نازل شده و آن چهل و پنج آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ق و قسم به قرآن با بزرگی [که تو پیغمبر خدایی]
۲. بلکه تعجب کردند کافران از آنکه آمد بدیشان ترساننده‌ای از قوم ایشان، پس گفتند آن کافران: این چیزی است عجیب.
۳. آیا چون بمیریم و خاک شویم، [حشر کرده شویم] این باز گردانیدن است دور از عقل.
۴. هر آینه دانسته‌ایم آنچه کم می‌کند زمین از ایشان<sup>۱</sup> و نزدیک ما کتابی است نگاه دارنده.<sup>۲</sup>
۵. نی، بلکه دروغ نسبت کردند سخن راست را وقتی که بیامد بدیشان، پس ایشان در کاری شوریده‌اند.
۶. آیا ندیده‌اند به سوی آسمان بالای خود، چگونه بنا کرده‌ایم آن را و آراسته کرده‌ایم آن را و نیست در آن هیچ شکافی؟
۷. و زمین را گسترديم و افکنديم در آن کوه‌ها و رویانيديم در آن از هر نوع خوش‌آينده.
۸. برای راه نمودن و پند دادن، هر بنده رجوع کننده را.
۹. و فرود آوردیم از آسمان آب بابرکت، پس رویانیدیم به سبب آن بوستان‌ها و دانه که درو می‌کنند آن را.
۱۰. و درختان خرما بلند بالا برآمده، آن را میوه است تو بر تو.
۱۱. روزی برای بندگان و زنده ساختیم به آن شهر مرده را؛ همچنین باشد برآمدن از گور.
۱۲. به دروغ نسبت کردند پیش از ایشان قوم نوح و اهل رس و ثمود.
۱۳. و عاد و فرعون و برادران لوط.
۱۴. و اهل ایکه و قوم تبع؛ هر یکی به دروغ نسبت کردند پیغامبران را، پس ثابت شد وعده عذاب من.
۱۵. آیا عاجز شده بودیم در آفرینش نخستین؟ بلکه ایشان در شبهه‌اند از آفرینش نو.
۱۶. و هر آینه آفریدیم آدمی را و می‌دانیم چیزی که به خاطر می‌گذراندش نفس او و ما نزدیک‌تریم به آدمی از رگ جان.
۱۷. آنگاه که یاد می‌گیرند دو یاد گیرنده به پهلوئی راست نشیننده و بر پهلوئی چپ نشیننده.<sup>۳</sup>
۱۸. به زبان نمی‌آرد آدمی سخنی، مگر نزدیک او نگهبانی است مهیا.<sup>۴</sup>
۱۹. و بیامد سختی موت به راستی. این است جزای آنچه از آن کناره می‌کردی.
۲۰. و دمیده شود در صور. این است روز وعده عذاب.
۲۱. و بیامد هر شخصی همراه او روان کننده است و گواهی دهنده.<sup>۵</sup>

۱ یعنی آنچه می‌خورد از جزو ایشان.

۲ یعنی لوح محفوظ.

۳ یعنی کراماً کاتبین؛ والله اعلم.

۴ یعنی اگر کلمه حق باشد، فرشته دست راست می‌نویسد و اگر کلمه باطل باشد، فرشته دست چپ می‌نویسد؛ والله اعلم.

۵ مراد جنس روان‌کننده و گواهی‌دهنده است.

۲۲. گوئیم: هر آينه بودی در بی خبری از این مقدمه، پس برداشتیم از تو پرده تو را، پس چشم تو امروز تیزبین است.
۲۳. و گفت فرشته همنشین او: این است آنکه نزدیک من بود حاضر کرده شده.
۲۴. [گوئیم]: بیفکنید [ای دو فرشته] در دوزخ هر ناسپاس سرکش را.<sup>۱</sup>
۲۵. هر امساک کننده مال را، درگذرنده از حد را، هر شک آورنده را.
۲۶. آن که مقرر کرد با خدا معبودی دیگر، پس بیفکنید این هر یک را در عذاب سخت.
۲۷. گفت همنشین او:<sup>۲</sup> ای پروردگار ما! من گمراه نکردم این شخص را و لیکن وی بود در گمراهی دور.
۲۸. فرمود: خصومت مکنید نزدیک من و حال آنکه پیش از این فرستاده بودم به سوی شما وعده عذاب.
۲۹. تغییر داده نمی شود وعده نزدیک من و نیستم من ستم کننده بر بندگان.
۳۰. روزی که بگوئیم دوزخ را: آیا پر شدی؟ و [دوزخ] گوید: آیا هیچ از این زیاده هست؟<sup>۳</sup>
۳۱. و نزدیک گردانیده شود بهشت برای متقیان نه دورمانده.
۳۲. گوئیم: این است آنچه وعده داده می شد شما را نزدیک کرده شده برای هر رجوع کننده و ادب نگاه دارنده.
۳۳. برای هر کسی که بترسد از خدا نادیده و پیش آمد به دل متوجه شده.
۳۴. گوئیم: داخل شوید در بهشت همراه سلامتی، این است روز همیشه باشیدن.
۳۵. ایشان راست آنچه خواهند در بهشت و نزدیک ما زیاده تر است از آن.
۳۶. و بسیار هلاک کردیم پیش از این امت ها که قوی تر بودند از این جماعت در دست درازی. پس تفحص کردند در شهرها که هیچ گریزگاهی هست؟
۳۷. هر آینه در این مقدمه، پند است کسی را که دلی دارد یا گوش نهد متوجه شده.
۳۸. و هر آینه آفریدیم آسمان ها و زمین و آنچه در هر دو است در شش روز و نرسید به ما هیچ ماندگی.
۳۹. پس صبر کن بر آنچه می گویند و به پاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خویش، پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو شدن.
۴۰. و در بعض اوقات شب به پاکی یاد کن خدا را و عقب نماز نیز.
۴۱. و بشنو [این قصه] روزی که آواز دهد آواز دهنده از جای نزدیک.<sup>۴</sup>
۴۲. روزی که بشنوند نعره تند را به غیر تردد و آن روز برآمدن ایشان است.
۴۳. هر آینه ما زنده می کنیم و می میرانیم و به سوی ما است بازگشت.
۴۴. روزی که بشکافد زمین از سر ایشان، بیرون آیند شتابان؛ این برانگیختن است آسان بر ما.
۴۵. ما می دانیم آنچه می گویند و نیستی تو بر ایشان قهر کننده، پس پندده به قرآن هر که را می ترسد از وعده عذاب من.

۱ مترجم گوید: عادت پادشاهان است که اسیر را پیش ایشان دو کس گرفته می آرد از این جهت دو فرشته را خطاب شود.

۲ یعنی شیاطین از انس و جن؛ والله اعلم.

۳ یعنی هر چند درو اندازند زیاده طلب کند؛ والله اعلم.

۴ این تصویر هست آن را که همه در استماع ندا مساوی باشند؛ والله اعلم.

## ۵۱. سوره ذاریات

در مکه نازل شده و آن شصت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به بادهای پراکنده کننده خاک [و جز آن پراکنده کردنی]
۲. پس قسم به ابرهای بردارنده بار آب.
۳. پس قسم به کشتی‌های روان شونده به سهولت!
۴. پس قسم به فرشتگان تقسیم کننده کار!
۵. هرآیین و عده‌ای که کرده می‌شود به شما، راست است.
۶. و هرآیین جزای اعمال، بودنی است.
۷. قسم به آسمان! خداوند راه‌ها.
۸. هرآیین شما در سخنی باهم اختلاف دارنده هستید.
۹. بازگردانیده می‌شود [از قرآن] هر که در [علم الهی از خیر] مصروف است.
۱۰. لعنت کرده شد دروغگویان را!
۱۱. آنان که ایشان در بی‌خبری‌اند، فراموش کننده‌اند.
۱۲. می‌پرسند: کی خواهد بود روز جزا؟
۱۳. آری! آن روز که ایشان را در آتش عذاب کرده شود.
۱۴. گوئیم: بجشید این عقوبت خود را. این است آنچه آن را شتاب طلب می‌کردید.
۱۵. هرآیین متقیان در بوستان‌ها و چشمه‌ها باشند.
۱۶. به دست آورده آنچه داد ایشان را پروردگار ایشان، هرآیین ایشان بودند پیش از این نیکوکار.
۱۷. بودند [به این صفت که] اندکی از شب خواب کردند.
۱۸. و به وقت سحر ایشان طلب آموزش نمودندی.
۱۹. و در اموال ایشان حصه‌ای مقرر بود برای سؤال کننده و برای تنگدست کم‌سؤال.
۲۰. و در زمین نشانه‌ها است یقین‌کنندگان را.
۲۱. و در ذات شما نشانه‌ها است. آیا نمی‌نگرید؟
۲۲. و در آسمان است رزق شما و آنچه وعده داده می‌شود شما را.<sup>۳</sup>
۲۳. پس قسم به پروردگار آسمان و زمین! هرآیین این خبر راست است؛ مانند آنکه شما سخن می‌گویید.<sup>۴</sup>
۲۴. آیا آمده است پیش تو خبر مهمانان گرامی ابراهیم؟
۲۵. چون درآمدند بر ابراهیم، پس سلام گفتند. جواب سلام داد و به دل گفت: ایشان گروهی هستند ناشناخته.
۲۶. پس متوجه شد به سوی اهل خانه خود، پس آورد کباب گوساله فربه.

۱ یعنی ارزاق و بلادها را.

۲ یعنی صورت‌های مختلف دارند؛ مانند شکل شیر و شکل بره و شکل عقرب؛ والله اعلم.

۳ یعنی پیش از وجود خارجی، در عالم ملکوت، رزق و عقوبت و امثال آن متصور می‌شود؛ والله اعلم.

۴ یعنی چنانکه در گفتن خود یقین دارید که ما البته می‌گوییم، همچنین به این خبر یقین باید آورد؛ والله اعلم.

۲۷. پس نزدیک ساخت آن را به ایشان، گفت: آیا نمی‌خورید؟
۲۸. پس چون نخوردند، در خاطر خود یافت از ایشان ترسی. گفتند: مترس! و بشارت دادندش به فرزندی دانا.
۲۹. پس پیش آمد زن ابراهیم به آوازی و طپانچه زد روی خود را (یعنی به تعجب) و گفت: آیا بزاید پیرزنی نازاینده؟!<sup>۱</sup>
۳۰. فرشتگان گفتند: همچنین فرمود پروردگار تو، هرآینه اوست باحکمت دانا.
۳۱. ابراهیم گفت: پس چیست مقصد شما ای فرستادگان؟!<sup>۲</sup>
۳۲. گفتند: هرآینه ما فرستاده شدیم به سوی گروهی گناهکار.
۳۳. تا بفرستیم بر سر ایشان سنگباری از گل.
۳۴. که نشانمند کرده شده است نزدیک پروردگار تو برای آنان که از حد بیرون شده‌اند.
۳۵. پس برآوردیم هر که را بود در آن دیه از مؤمنان.
۳۶. پس نیافتیم آنجا غیر یک خانه از مسلمانان.<sup>۳</sup>
۳۷. و گذاشتیم در آن دیه نشانه‌ای برای آنان که می‌ترسند از عذاب درد دهنده.<sup>۴</sup>
۳۸. و در قصه موسی نشانه‌ای است، چون فرستادیمش به سوی فرعون به دلیل واضح.
۳۹. پس روگردان شد همراه قوت خود<sup>۵</sup> و گفت: جادوگری یا دیوانه است.
۴۰. پس گرفتیم او را و لشکر او را، پس افکندیم ایشان را در دریا و او کننده بود کاری را که موجب ملامت باشد.
۴۱. و در قصه عاد نشانه‌ای است، چون فرستادیم بر ایشان بادی بی‌منفعت.
۴۲. نگذارد هیچ چیزی را که برسد به وی، مگر سازد آن را مانند استخوان پوسیده.
۴۳. و در قصه ثمود نشانه‌ای است، چون گفته شد ایشان را: بهره‌مند باشید تا مدتی.
۴۴. پس سرکشیدند از فرمان پروردگار خویش، پس درگرفت ایشان را نعره تند و ایشان می‌دیدند.
۴۵. پس نتوانستند برخاستن و نبودند انتقام کشته.
۴۶. و هلاک ساختیم قوم نوح را پیش از این، هرآینه ایشان بودند گروهی بدکار.
۴۷. و آسمان را بنا کردیم به قوت و هرآینه ما توانا ایم.
۴۸. و زمین را گسترانیدیم؛ پس نیکو گستراننده‌ایم.
۴۹. و از هر چیزی آفریدیم دو قسم تا شما پندپذیر شوید.<sup>۶</sup>
۵۰. [پیغامبر گوید]: بگریزید به سوی خدا، هرآینه من برای شما از جانب او ترساننده آشکارم.
۵۱. و مقرر مکنید با خدا معبودی دیگر را، هرآینه من برای شما از جانب او ترساننده آشکارم.
۵۲. همچنین نیامده است نزدیک آنان که پیش از ایشان بودند، هیچ پیغامبری، مگر گفتند : جادوگری است یا دیوانه است.
۵۳. آیا با یکدیگر وصیت کرده آمده‌اند [به انکار]؟ بلکه ایشان گروهی سرکش‌اند.
۵۴. پس روی بازکش از ایشان، پس نیستی تو ملامت کرده شده.
۵۵. و پند ده، هرآینه پند دادن سود می‌دهد مؤمنان را.

۱ یعنی خانه حضرت لوط؛ والله اعلم.

۲ یعنی آثار آن سنگباران موجود است؛ والله اعلم.

۳ یعنی لشکر خود.

۴ یعنی اعلی و ادنی.



۵۶. و نیافریدم جن و انس را مگر برای آنکه بپرستند مرا.
۵۷. نمی‌خواهم از ایشان رزق را و نمی‌خواهم که مرا طعام دهند.
۵۸. هرآینه خدا همون است رزق دهنده، خداوند توانایی زورآور.<sup>۱</sup>
۵۹. پس هرآینه آنان را که ستم کرده‌اند نصیب است (یعنی از عقوبت) مانند نصیب یاران گذشته ایشان. پس باید که شتاب طلب نکنند از من.
۶۰. پس وای کافران را! از آن روز ایشان که وعده داده می‌شوند.

## ۵۲. سوره طور

در مکه نازل شده و آن چهل و نه آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به کوه طور!
۲. و قسم به کتاب نوشته شده!
۳. در کاغذ گشاده.<sup>۲</sup>
۴. و قسم به خانه معمور!<sup>۳</sup>
۵. و قسم به سقف برافراشته شده!<sup>۴</sup>
۶. و قسم به دریای پر کرده شده!
۷. هرآینه عذاب پروردگار تو بودنی است.
۸. نیست او را هیچ دفع کننده.
۹. روزی که جنبش کند آسمان، جنبش کردنی.
۱۰. و روان شود کوه‌ها، روان شدنی.
۱۱. پس وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۱۲. آنان که ایشان به بیهوده گویی بازی می‌کنند.
۱۳. روزی که به سختی روان کرده شوند به سوی آتش دوزخ، روان کردنی.
۱۴. این است آتشی که شما آن را دروغ می‌شمردید.
۱۵. آیا سحر است این یا شما در نمی‌نگرید؟
۱۶. درآید به این آتش. پس صبر کنید یا نکنید، برابر است بر شما؛ جز این نیست که جزا داده خواهید شد به حسب آنچه می‌کردید.
۱۷. هرآینه متقیان در بوستان‌ها و نعمت‌ها باشند.
۱۸. خوشحال شده به سبب آنکه نعمت داد ایشان را پروردگار ایشان و به سبب آنکه نگاه داشت ایشان را پروردگار ایشان از عذاب دوزخ.
۱۹. بخورید و بنوشید گوارا به سبب آنچه می‌کردید.

۱ یعنی آدمیان بنده می‌گیرند تا در مآكل و مشرب معاونت کنند؛ به خلاف خدا؛ والله اعلم.

۲ یعنی تورات یا قرآن.

۳ یعنی آنکه در آسمان است.

۴ یعنی آسمان.

۲۰. تکیه زده بر تخت‌ها برابر یکدیگر گسترده و کدخدا کنیم ایشان را به حوران گشاده چشم.
۲۱. و آنان که ایمان آوردند و بر پی ایشان رفت اولاد ایشان در ایمان، برسانیم بدیشان اولاد ایشان را و نقصان نکنیم ایشان را از جزای ایشان، چیزی؛ هر مردی به آنچه عمل کرد در گرو باشد.
۲۲. و پی‌درپی عطا کنیم ایشان را میوه و گوشت از جنسی که طلب کنند.
۲۳. از دست یکدیگر می‌گیرند آنجا پیاله شراب. نه بیهوده‌گویی باشد در آن و نه بزهکاری.
۲۴. و آمدوشد کنند حوالی ایشان نوجوانی چند از ایشان گویا آن نوجوانان مروارید در پرده پنهانند.
۲۵. و روی آورد بعض ایشان بر بعض از یکدیگر سؤال کنان.
۲۶. گفتند: هرآینه ما پیش از این در میان اهل خانه خود، ترسان بودیم.
۲۷. پس نعمت فراوان داد ما را خدا و نگاه داشت ما را از عذاب باد گرم.
۲۸. هرآینه ما پیش از این عبادت می‌کردیم او را، هرآینه اوست احسان کننده مهربان.
۲۹. [یا محمد] پس پند ده. پس نیستی تو به فضل پروردگار خود کاهن و نه دیوانه.
۳۰. بلکه آیا می‌گویند شاعر است، انتظار می‌کشیم در حق او حوادث زمانه را.
۳۱. بگو: انتظار بکشید؛ هرآینه من با شما از انتظار کشندگانم.
۳۲. آیا می‌فرماید به این عقیده عقل‌های ایشان، یا ایشان گروهی سرکشند؟
۳۳. آیا می‌گویند که بریسته است قرآن را؟ نی! بلکه ایمان نمی‌آرند.
۳۴. پس باید بیارند سخنی مانند این، اگر راستگو هستند.
۳۵. آیا ایشان آفریده شده‌اند به غیر آفریننده یا ایشان خود آفریدگارند؟
۳۶. آیا ایشان آفریده‌اند آسمان‌ها و زمین را؟ بلکه ایشان باور نمی‌کنند.
۳۷. آیا نزدیک ایشان خزانه‌های پروردگار تو است یا ایشانند چیره‌دست؟
۳۸. آیا ایشان را نردبانی هست که بر آن صعود کرده می‌شوند؟ پس باید که بیارد شنونده ایشان، دلیل ظاهر را.
۳۹. آیا خدا را دختران پیدا می‌شوند و شما را پسران؟
۴۰. آیا سؤال می‌کنی از ایشان مزدی بر رسالت، پس ایشان از غرامت گرانبار شده‌اند؟
۴۱. آیا نزدیک ایشان علم غیب است، پس ایشان می‌نویسند؟
۴۲. آیا می‌خواهند بدانندیشی؟ پس کافران ایشانند در ضرر بدانندیشی گرفتار شده.
۴۳. آیا ایشان را معبودی هست بجز خدا؟ پاکی خدای راست از آنکه شریک مقرر می‌کنند.
۴۴. و اگر ببینند یک پاره از آسمان افتاده، گویند: این ابری است برهم نشسته.
۴۵. پس بگذار ایشان را تا آنکه ملاقات کنند به آن روز خود که در آن بیهوش کرده شوند.
۴۶. روزی که دفع نکند از ایشان مکر ایشان چیزی را و نه ایشان نصرت داده شوند.
۴۷. و هرآینه ستمکاران را عذابی است غیر این ولیکن اکثر ایشان نمی‌دانند.
۴۸. و صبر کن به انتظار حکم پروردگار خود، هرآینه تو حضور چشم مایی و به پاکی یاد کن با ستایش پروردگار خود وقتی که به صبح برخیزی.
۴۹. و بعض اوقات شب به پاکی یاد کن خدا را و عقب غایب شدن ستاره‌ها نیز.

۵۳. سوره نجم

در مکه نازل شده و آن شصت و دو آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به ستاره چون فروافتد!
۲. گمراه نشد این یار شما و غلط نکرد راه را.
۳. و سخن نمی گوید از خواهش نفس.
۴. نیست قرآن مگر وحی که به سوی او فرستاده می شود.
۵. آموخته است او را فرشته بسیار با قوت.
۶. صاحب حسن. پس راست استاد آن فرشته.
۷. و او به کناره بلند آسمان بود.
۸. باز نزدیک شد و فرود آمد.
۹. پس رسید به مسافت دو کمان یا نزدیک تر از آن.
۱۰. پس پیغام رسانید به سوی بنده خدا آنچه رسانید.
۱۱. دروغ داخل نکرد دل پیغامبر در آنچه معاینه کرد.
۱۲. آیا شما گفتگو می کنید با پیغامبر در آنچه می بیند؟
۱۳. و هر آینه دیده بود [این فرشته را] یک بار دیگر.
۱۴. نزدیک سدره‌المتهی.
۱۵. نزدیک آن سدره است بهشت آرامگاه.
۱۶. [فرشته را دید] وقتی که می پوشید سدره را آنچه می پوشید.<sup>۱</sup>
۱۷. کجروی نکرد چشم پیغامبر و از مقصد تجاوز ننمود.
۱۸. هر آینه معاینه کرد بعضی نشانه‌های بزرگ پروردگار خود.
۱۹. آیا دیدید لات را و عزری را؟
۲۰. و منات، سومی [بی قدر] را؟
۲۱. آیا شما را فرزند باشد و خدا را دختر؟!
۲۲. این قسمت آنگاه قسمت بی انصاف باشد.
۲۳. نیست این مگر نام‌هایی چند که مقرر کرده‌اید آن را شما و پدران شما و فرود نیاورده است خدا بر ثبوت آن هیچ دلیلی. پیروی نمی کنند مگر وهم فاسد را و چیزی را که خواهش می کند نفس و هر آینه آمده است ایشان را از پروردگار ایشان هدایت.
۲۴. آیا میسر است آدمی را آنچه آرزو می کند؟
۲۵. پس خدای راست آن جهان و این جهان.
۲۶. و بسیار فرشته‌اند در آسمان‌ها که نفع نمی کند شفاعت ایشان چیزی را، مگر بعد از آنکه دستوری دهد خدای و رضامند شود برای هر که خواهد.
۲۷. هر آینه آنان که باور نمی دارند آخرت را، مسمی می کنند فرشتگان را به نام دختران.
۲۸. و نیست ایشان را به ثبوت این مقدمه، هیچ دانش. پیروی نمی کنند مگر وهم را و هر آینه وهم نفع نمی دهد از شناخت حقیقت، چیزی را.

۱ یعنی محمد، صلی الله علیه و سلم.

۲ یعنی وقتی که انوار الهی از هر جانب سدره را احاطه کرد و این در شب معراج بود؛ والله اعلم.

۲۹. پس اعراض کن از کسی که روی گردان شد از یاد کردن ما و طلب نکرد مگر زندگانی این جهانی را.
۳۰. این است نهایت ایشان از روی دانش.<sup>۱</sup> هر آینه پروردگار تو داناست به هر که غلط کرد راه خدا را و اوست دانا به هر که راه یافت.
۳۱. و خدای راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است، عاقبت کار جزا دهد آنان را که بدکاری کردند، به حسب آنچه عمل نمودند و جزا دهد آنان را که نیکوکاری کردند به خصلت نیک.
۳۲. آنان که پرهیزگاری می‌کنند از کبایر گناهان و بی‌حیایی‌ها سوای گناهان صغیره، هر آینه پروردگار تو بسیار آمرزش است. اوست دانا به احوال شما وقتی که پیدا کرد شما را از زمین و وقتی که شما بجه بودید در شکم مادران خویش. پس ستایش مکنید خویشتن را. خدا داناتر است به کسی که پرهیزگاری کرد.
۳۳. آیا دیدی کسی را که روگردان شد؟
۳۴. و داد اندکی از مال و سخت‌دل شد.
۳۵. آیا نزدیک اوست علم غیب؟ پس گویا او هر چیز را به چشم می‌بیند.
۳۶. آیا خبر داده نشد به آنچه در صحیفه‌های موسی و ابراهیم که وفادار بود؟
۳۸. [مضمونش آنکه] بر نخواهد داشت هیچ بردارنده بار گناه دیگری را.
۳۹. و آنکه نرسد آدمی را مگر آنچه عمل کرد.
۴۰. و آنکه سعی آدمی دیده خواهد شد.
۴۱. باز داده خواهد شد به حسب آن سعی، جزای تمام.
۴۲. و آنکه به سوی پروردگار تو است بازگشت.
۴۳. و آنکه او خندانید و گریانید.
۴۴. و آنکه او میراند و او زنده کرد.
۴۵. و آنکه خدا آفرید دو قسم نر و ماده را.
۴۶. از نطفه چون ریخته شود در رحم.
۴۷. و آنکه بر خدا لازم است آن پیدا کردن دیگر.
۴۸. و آنکه او توانگر ساخت و سرمایه داد.
۴۹. و آنکه همونست پروردگار ستاره شعری.
۵۰. و آنکه او هلاک ساخت عاد نخستین را.
۵۱. و هلاک کرد ثمود را. پس هیچ کس را باقی نگذاشت.
۵۲. و هلاک کرد قوم نوح را پیش از این، هر آینه ایشان بودند ستمکارتر و از حد گذشته‌تر.
۵۳. و شهر موفکه را بر زمین افکند.
۵۴. پس پوشانید بر وی آنچه پوشانید.<sup>۲</sup>
۵۵. پس از کدام یک از نعمت‌های پروردگار خود، ای آدمی! شبهه می‌کنی؟
۵۶. این پیغامبر ترساننده‌ای است از جنس ترسانندگان پیشین.
۵۷. نزدیک آمد قیامت.
۵۸. نیست او را سوای خدا، هیچ ظاهر کننده.

۱ یعنی این است نهایت علم ایشان.

۲ یعنی سنگباران کرد.

۵۹. آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟  
 ۶۰. و خنده می‌نمایید و نمی‌گریید!  
 ۶۱. و شما بازی‌کننده هستید.  
 ۶۲. پس سجده کنید خدا را و پرستش نمایید.

## ۵۴. سوره قمر

در مکه نازل شده و آن پنجاه و پنج آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. نزدیک آمد قیامت و بشکافت ماه.<sup>۱</sup>
  ۲. و اگر [کافران] ببینند نشانه‌ای، اعراض کنند و گویند: سحری است قوی.
  ۳. و دروغ شمردند و پیروی خواهش خود کردند و هر چیز در وقت خود قرار گرفته است.
  ۴. و هر آینه آمده است بدیشان از خبرها آنچه در آن پند است.
  ۵. و آمده است دانش تمام. پس فایده نمی‌دهد ترسانیدن‌ها.
  ۶. پس اعراض کن از ایشان آن روز که بخواند خواننده به سوی چیزی ناخوش، نیایش.
  ۷. ظاهر شده باشد بر چشم ایشان، برآیند آن روز از قبور؛ گویا ایشان ملخ پراکنده‌اند.
  ۸. شتاب کنان به سوی آن خواننده. گویند کافران: این روزی است دشوار.
  ۹. دروغ شمردند پیش از ایشان قوم نوح؛ پس دروغ داشتند بنده ما را و گفتند: دیوانه است و با او سخن درشت گفته شد.
  ۱۰. پس دعا کرد به جناب پروردگار خود که من مغلوب شده‌ام، پس انتقام بکش.
  ۱۱. پس بگشادیم درهای آسمان را به آب بسیار ریزنده.
  ۱۲. و روان کردیم از زمین، چشمه‌ها؛ پس جمع شد آب از هر جانب بنابر کاری که مقدر شده بود.<sup>۲</sup>
  ۱۳. و سوار کردیم نوح را بر کشتی خداوند تخته‌ها و میخ‌ها.
  ۱۴. می‌رفت به حضور چشم ما به جهت انتقام برای کسی که باور نداشته بودند او را.<sup>۳</sup>
  ۱۵. و هر آینه گذاشتیم این عقوبت را نشانه‌ای. پس آیا هیچ پندپذیرنده است؟
  ۱۶. پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدن‌های من؟
  ۱۷. و هر آینه آسان کردیم قرآن را تا پند گیرند. پس آیا هیچ پندپذیرنده است؟
  ۱۸. دروغ شمردند قوم عاد. پس چگونه بود عذاب من و ترسانیدن‌های من؟
  ۱۹. هر آینه ما فرستادیم بر ایشان باد تند را در روز شوم به غایت سخت.
  ۲۰. برمی‌کند مردمان را، گویا ایشان تنه‌های درخت خرما از بیخ برکنده‌اند.
  ۲۱. پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدن‌های من؟

۱. اشارت است به آن قصه که کافران از حضرت پیغامبر، صلی‌الله علیه و سلم، معجزه طلب کردند. خدای تعالی ماه را دو قطعه ساخت؛ یکی بر کوه ابوقبیس و دیگر بر کوهی قیقعان؛ والله اعلم.  
 ۲. یعنی هلاک قوم او.  
 ۳. یعنی برای انتقام خصومت‌کنان.

۲۲. و هرآینه آسان کرده قرآن را تا پند گیرند. پس آیا پندپذیرنده‌ای است؟
۲۳. دروغ شمرند قوم ثمود ترسانندگان را.
۲۴. پس گفتند: آیا یک آدمی را از قوم خویش پیروی کنیم؟ هرآینه ما آنگاه در گمراهی و دیوانگی باشیم.
۲۵. آیا نازل کرده شد بر وی وحی از میان ما؟ [نی!] بلکه او دروغگویی خودپسند است.
۲۶. خواهند دانست فردا کیست دروغگوی خودپسند.
۲۷. هرآینه ما خواهیم فرستاد ماده شتر را به جهت آزمایش، ایشان را؛ پس ای صالح! منتظر ایشان باش و صبر پیش گیر.
۲۸. و خبردار کن ایشان را که آب، مقسوم است در میان ایشان؛ به هر یک حصه‌ای از آب حاضر شود.
۲۹. پس آواز دادند یار خود را، پس دست‌درازی کرد و مجروح ساخت.
۳۰. پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدن‌های من؟
۳۱. هرآینه ما فرستادیم بر ایشان یک نعره، پس شدند مانند حظیره<sup>۱</sup> درهم شکسته که حظیره سازنده آن را بنا کرده باشد.
۳۲. و هرآینه آسان ساختیم قرآن را برای آنکه پند گیرند. پس آیا هیچ پندگیرنده هست؟
۳۳. دروغی شمرند قوم لوط، ترسانندگان را.
۳۴. هرآینه ما فرستادیم بر ایشان باد سنگبار؛ مگر اهل خانه لوط که خلاص ساختیم ایشان را وقت سحر.
۳۵. به مهربانی از نزدیک خویش. همچنین جزا می‌دهیم هر که را شکرگزاری کرد.
۳۶. و هرآینه لوط ترسانیده بود ایشان را از عقوبت ما، پس مکابره کردند در آن ترسانیدن‌ها.
۳۷. و هرآینه سخن گفتند تا غفلت دهند لوط را از حفظ مهمانان او؛ پس محو کردیم چشم ایشان را. [پس گفتیم]: بچشید عذاب مرا و ترسانیدن‌های مرا.
۳۸. و هرآینه غارت کرد ایشان را یک پگاه، عقوبتی جای‌گیرنده.
۳۹. [پس گفتیم]: بچشید عذاب مرا و ترسانیدن‌های مرا.
۴۰. و هرآینه آسان ساختیم قرآن را برای آنکه پندگیرند. پس آیا هیچ پندگیرنده است؟
۴۱. و هرآینه آمدند خویشاوندان فرعون را ترسانندگان.
۴۲. دروغی شمرند نشانه‌های ما را، همه آنها. پس در گرفتیم ایشان را مانند درگرفتن غالب قوی.
۴۳. آیا کافران شما [ای قریش] بهترند از این جماعت‌ها یا شما را حکم خلاصی است در کتاب‌های پیشین؟
۴۴. آیا می‌گویند: ما جماعتی انتقام‌کننده‌ایم؟
۴۵. شکست داده خواهد شد این جماعت را و بگردانند ایشان پشت.
۴۶. بلکه قیامت وعده‌گاه ایشان است و قیامت سخت‌تر و تلخ‌تر است.
۴۷. هرآینه گنهکاران در گمراهی و جهالتند.
۴۸. [یاد کن] روزی که کشیده شود ایشان را در دوزخ بر روی ایشان. [گوئیم]: بچشید دست رسانیدن دوزخ را.
۴۹. هرآینه ما هر چیز را پیدا کردیم به اندازه مقرر.

۱ مترجم گوید: حظیره، احاطه است که از شاخ‌های خشک و خار برای گوسفند بنا کنند و آن به مرور زمان پایمال مواشی می‌گردد. خدای تعالی به آن پایمال شده تشبیه داد.

۵۰. و نیست حکم ما مگر یک کلمه؛ مانند گردانیدن چشم.<sup>۱</sup>
۵۱. و هر آینه هلاک ساختیم امثال شما را. پس آیا هیچ پند گیرنده‌ای هست؟
۵۲. و هر چیزی که کرده‌اند، مکتوب است در نامه اعمال.
۵۳. و هر خرد و بزرگ، نوشته شده است.<sup>۲</sup>
۵۴. هر آینه پرهیزگاران در بوستان‌ها و چشمه‌ها باشند.
۵۵. هر آینه متقیان در مجلس راستی باشند نزدیک پادشاه توانا.

## ۵۵. سوره رحمن

در مدینه نازل شده و آن هفتاد و هشت آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان.

۱. خدا.
۲. آموخت قرآن را.
۳. آفرید آدمی را.
۴. آموختش سخن گفتن.
۵. آفتاب و ماه به حساب مقرر می‌روند.
۶. و گیاه و درخت سجده می‌کنند.
۷. و آسمان را برافراشت و فرود آورد ترازو را.
۸. [مقصد به آنکه از حدّ تجاوز مکنید در ترازو.
۹. و راست سنجید به انصاف و نقصان مکنید در ترازو.
۱۰. و زمین را گسترده برای آدمیان.
۱۱. در آن زمین میوه است و درختان خرما است، خداوند غلاف‌ها.
۱۲. و [در آن زمین] دانه خداوند بزرگ است و گل خوشبویی است.<sup>۳</sup>
۱۳. پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟!<sup>۴</sup>
۱۴. آفرید آدمی را از گل خشک مانند سفال شده.
۱۵. و آفرید جن را از شعله آتش.
۱۶. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟!
۱۷. پروردگار دو مشرق است و پروردگار دو مغرب است.<sup>۵</sup>
۱۸. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟!
۱۹. گذاشت دو دریا را تا به هم جمع شوند.
۲۰. میان این هر دو حجابی است که یکی بر دیگری تعدی نمی‌کند.

۱ یعنی در سرعت وجود مراد آسان بودن است.

۲ یعنی در لوح محفوظ.

۳ مترجم گوید: اشاره به آن است که برگ حبوب غازیه، علف دواب ایشان می‌شود؛ پس این علاوه نعمت است.

۴ جن و انس.

۵ یعنی در زمستان، آفتاب مشرق و مغرب دیگر دارد و در تابستان، مشرق و مغرب دیگر.

۲۱. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۲۲. برآید از این دو دریا مروارید و مرجان.  
 ۲۳. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۲۴. خدای راست کشتی‌های روان شونده در دریا مانند کوه‌ها.  
 ۲۵. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۲۶. هر که هست بر زمین، فانی شود.  
 ۲۷. و باقی ماند روی پروردگار تو، خداوند بزرگی و انعام.  
 ۲۸. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۲۹. سؤال می‌کند از خدا هر که در آسمان‌ها و زمین است. هر روزی خدا در حالتی است.<sup>۱</sup>  
 ۳۰. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۳۱. از همه فارغ شده به شما متوجه شدیم ای جن و انس!  
 ۳۲. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۳۳. ای قوم جن و انس! اگر می‌توانید که بیرون روید از کناره‌های آسمان و زمین، پس بیرون روید؛ نخواهید رفت مگر به قوتی.<sup>۲</sup>  
 ۳۴. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۳۵. فرستاده خواهد شد بر شما شعله‌ای از آتش و دود نیز، پس مقابله نتوانید کرد.  
 ۳۶. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۳۷. پس چون بشکافد آسمان، پس شود مثل گل سرخ مانند اذیم سرخ.  
 ۳۸. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۳۹. پس آن روز سؤال کرده نشود از گناه خود هیچ آدمی و نه جنی.  
 ۴۰. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۴۱. شناخته شوند گناهکاران به قیافه خود؛ پس گرفته شود موی پیشانی و پای‌ها نیز.  
 ۴۲. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۴۳. این است آن دوزخ که دروغ شمرده بودند آن را گناهکاران.  
 ۴۴. آمدو شد کنند میان آن آتش و میان آب گرم جوشنده.  
 ۴۵. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۴۶. و کسی را که ترسیده است از ایستادن به حضور پروردگار خویش، دو بوستان باشد.  
 ۴۷. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۴۸. دو بوستان خداوند شاخه‌های بسیار.  
 ۴۹. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۵۰. در آن دو بوستان دو چشمه می‌روند.  
 ۵۱. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۵۲. در آن دو بوستان از هر میوه دو قسم باشد.  
 ۵۳. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟  
 ۵۴. تکیه زده بر فرش‌هایی که آستر آن از حریر لک باشد و میوه آن دو بوستان، نزدیک بود.<sup>۳</sup>  
 ۵۵. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟

۱ یعنی تنعیم یا تعذیب، اسعاد یا اشقاء، احیایا اماتت؛ والله اعلم.

۲ یعنی و آن قوت کجا است؟

۳ یعنی به سهولت توان گرفت.



۵۶. در آن کوشک‌ها حوران باشند فرو اندازنده چشم؛ جماع نکرده است به آنها هیچ آدمی پیش از ایشان و نه هیچ جنی.
۵۷. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۵۸. گویا آن حوران یاقوت و مرجانند.
۵۹. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۶۰. نیست جزای نیکوکاری، مگر انعام بسیار.
۶۱. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۶۲. و بجز این دو بوستان دو بوستان، دیگر باشند.
۶۳. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۶۴. دو بوستان سبز که از غایت سبزی به سیاهی می‌زنند.
۶۵. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۶۶. در آن دو بوستان دو چشمه جوشنده باشند.
۶۷. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۶۸. در آن دو بوستان میوه و درختان خرما و انار باشند.
۶۹. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۷۰. در آن کوشک‌ها زنان برگزیده باجمال باشند.
۷۱. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۷۲. حوران نگاه داشته شده در خیمه‌ها.
۷۳. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۷۴. جماع نکرده است به آنها هیچ آدمی پیش از ایشان و نه هیچ جنی.
۷۵. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۷۶. تکیه زده باشند بر بالش‌های سبز و بساط‌های نیک.
۷۷. پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟
۷۸. با برکت است نام پروردگار تو، خداوند بزرگی و انعام.

## ۵۶. سوره واقعه

در مکه نازل شده و آن نودوشش آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. [یاد کن] آنگاه که متحقق شود قیامت.
۲. نیست وقت بودن آن را هیچ نفس دروغ‌گوینده.<sup>۱</sup>
۳. پست کننده است جماعتی را و بلند کننده است طایفه‌ای را.
۴. آنگاه که جنبانیده شود زمین را جنبانیدن سخت.
۵. و ریزه‌ریزه کرده شود کوه‌ها را ریزه‌ریزه کردن بسیار.
۶. پس شود مانند غبار پراکنده.

۱ یعنی همه مسلمان شوند کفر و افترا آنجا نباشد.

۷. و شوید شما سه قسم.
۸. پس اهل سعادت! چه حال دارند اهل سعادت؟
۹. و اهل شقاوت! چه حال دارند اهل شقاوت؟
۱۰. و پیش‌روندگان! خود ایشانند پیش‌روندگان.
۱۱. آن پیش‌روندگان، ایشانند نزدیک کردگان.
۱۲. در بوستان‌های نعمت باشند.
۱۳. سابقان، جمعی بسیارند از پیشینیان<sup>۱</sup>.
۱۴. و اندکی‌اند از پسینیان<sup>۲</sup>.
۱۵. بر تخت‌های زربافته نشسته باشند.
۱۶. تکیه زده بر آن روبه‌روی یکدیگر شده.
۱۷. آمدوشد می‌کنند بر ایشان نوجوانان جاوید.
۱۸. با آب‌خورها و ابرقی‌ها و پیاله‌ها از شراب جاری.
۱۹. نه درد سر داده شود ایشان را از آن شراب و نه بی‌هوش شوند.
۲۰. و آمدورفت کنند با میوه از هر جنس که اختیار کنند.
۲۱. و با گوشت مرغان از هر جنس که پسند کنند.
۲۲. و ایشان راست حوران گشاده چشم.
۲۳. مانند مروارید پوشیده کرده شده.
۲۴. پاداش دهیم به حسب آنچه می‌کردند.
۲۵. نشوند در بهشت سخن بیهوده و نه حرفی که گناه باشد.
۲۶. لیکن بشنوند این سخن که هر یکی سلام می‌گوید.
۲۷. و اهل سعادت! چه حال دارند اهل سعادت؟
۲۸. در درختان کُنار بی‌خار.
۲۹. و درختان موز تو بر تو ثمره آن.
۳۰. و در سایه دراز.
۳۱. و در آب ریخته شده.
۳۲. و در میوه بسیار.
۳۳. نه پایان رسد و نه از آن منع کرده شود.
۳۴. و فرش‌های برافراشته شده.
۳۵. هرآینه ما آفریدیم حوران را یک نوع آفریدن.
۳۶. پس ساختیم ایشان را دوشیزه.
۳۷. محبوب شونده نزدیک شوهران<sup>۳</sup>، هم عمر با یکدیگر.
۳۸. برای اصحاب یمین.
۳۹. جماعتی بسیارند از پیشینیان.
۴۰. و جماعتی بسیارند از پسینیان.
۴۱. و اهل شقاوت! چه حال دارند اهل شقاوت؟
۴۲. در باد گرم و آب گرم باشند.
۴۳. و در سایه دود سیاه.

۱ یعنی از امم سابقه.

۲ یعنی از امت محمدیه.

۳ یعنی به فتح و دلال.

۴۴. که نه خنک باشد و نه باعزت بود.
۴۵. هر آینه ایشان بودند پیش از این به ناز پرورده.
۴۶. و مداومت می کردند بر گناه بزرگ (یعنی شرک)
۴۷. و می گفتند: آیا چون بمیریم و خاک شویم و استخوانی چند باشیم، آیا ما برانگیخته شویم؟
۴۸. یا پدران نخستین ما برانگیخته شوند؟
۴۹. بگو: هر آینه پیشینان و پسینان.
۵۰. جمع کرده شوند در میعاد روز مقرر.
۵۱. باز هر آینه شما ای گمراهان دروغ شمارندگان!
۵۲. خواهید خورد از درختان زقوم.
۵۳. پس پُر خواهید کرد از آن شکم‌ها را.
۵۴. پس خواهید آشامید بر آن طعام از آب گرم.
۵۵. پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مستسقی.
۵۶. این است مهمانی ایشان، روز جزا.
۵۷. ما آفریدیم شما را، پس چرا باور نمی کنید؟ (یعنی اعاده را).
۵۸. آیا می بینید آنچه می ریزید در رحم زنان؟<sup>۱</sup>
۵۹. آیا شما می آفرینید آن را یا ما آفریننده‌ایم؟<sup>۲</sup>
۶۰. ما معین کرده‌ایم در میان شما مرگ را و نیستیم ما عاجز کرده شده.
۶۱. از آنکه عوض شما آریم قومی مانند شما و بیافرینیم شما را در عالمی که نمی دانید.
۶۲. و هر آینه دانسته‌اید آفرینش نخستین را، پس چرا پند نمی گیرید؟
۶۳. آیا دیدید آنچه می کارید؟
۶۴. آیا شما می رویانید آن را یا ما رویاننده‌ایم؟
۶۵. اگر خواهیم بگردانیم آن زراعت را گیاهی درهم شکسته، پس به تعجب مانید، گویند:
۶۶. هر آینه ما غرامت کشندگانیم.
۶۷. بلکه محروم ماندگانیم.
۶۸. آیا دیدید آن آب را که می آشامید؟
۶۹. آیا شما فرود آورده‌اید آن را از ابر یا ما فرود آرنده‌ایم؟
۷۰. اگر خواهیم شور بگردانیم آن را، پس چرا شکر نمی گویند؟
۷۱. آیا دیدید آن آتش را که از میان شاخ درخت برمی آید؟
۷۲. آیا شما آفریده‌اید درخت آن را یا ما آفریننده‌ایم؟
۷۳. ما ساختیم آن درخت را برای پند و منفعت برای مسافران.
۷۴. پس به پاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را.
۷۵. پس سوگند می خورم به افتادن ستاره‌ها!<sup>۳</sup>
۷۶. و این قسمی است بزرگ، اگر بدانید.
۷۷. هر آینه این کتاب، قرآنی است گرمی قدر.
۷۸. نوشته شده است در کتاب پوشیده.

۱ یعنی منی را.

۲ یعنی تقلیب می کنیم منی را از حالی به حالی تا آدمی پیدا شود؛ والله اعلم.

۳ یعنی شهب؛ والله اعلم.

۷۹. که دست نمی‌رسانند به آن مگر پاک کردگان.<sup>۱</sup>
۸۰. فرستاده شده است از پروردگار عالم‌ها.
۸۱. آیا به این سخن، شما انکار کننده‌اید؟
۸۲. و می‌سازید نصیب خود را آنکه شما به دروغ نسبت می‌کنید.
۸۳. پس آنگاه که رسد روح شخصی به نای گلو.
۸۴. و شما آنگاه می‌بینید.
۸۵. و ما نزدیک‌تریم به او به نسبت شما ولیکن نمی‌نگرید.
۸۶. پس اگر هستید غیرمقهور حکم الهی.
۸۷. چرا بازنگردانید روح را، اگر راست‌گویید؟<sup>۲</sup>
۸۸. پس اما اگر باشد مرده از نزدیک کردگان بارگاه الهی.
۸۹. پس او راست راحت و گل خوشبو و بوستان نعمت.
۹۰. و اما اگر باشد از اهل سعادت.
۹۱. پس سلامت است ای مخاطب! خاطر تو را از اهل سعادت.
۹۲. و اما اگر باشد از دروغ شمارندگان گمراهان.
۹۳. پس او راست مهمانی از آب گرم.
۹۴. و او راست در آوردن به دوزخ.
۹۵. هرآینه این خبر درست بی‌شبهه است.
۹۶. پس به پاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را.

### ۵۷. سوره حدید

در مدینه نازل شده و آن بیست‌ونهم آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. به پاکی یاد کرد خدا را هرچه در آسمان‌ها و زمین است و اوست غالب دانا.
۲. او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین. زنده می‌کند و می‌میراند و او بر هر چیز تواناست.
۳. اوست نخستین همه و اوست آخرین همه و اوست آشکارا و اوست پنهان و او به هر چیز دانا است.
۴. اوست آن که بیافرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز، باز مستقر شد بر عرش. می‌داند آنچه در می‌آید به زمین و آنچه برمی‌آید از آن و آنچه فرود می‌آید از آسمان و آنچه بالا می‌رود اندر آن و او با شما است هر جا که باشید و خدا به آنچه می‌کنید بینا است.
۵. او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و به سوی خدا بازگردانیده می‌شود کارها.
۶. درمی‌آرد شب را در روز و درمی‌آرد روز را در شب. و او داناست به مکنون سینه‌ها.

۱ یعنی در لوح محفوظ.

۲ مترجم گوید: لفظ لولا داخل است بر ترجعونها و اعاده آن برای تأکید است.

۷. ایمان آرید به خدا و رسول او و خرج کنید از جمله آن مال که ساخته است شما را جانشین دیگران در وی؛ پس آنان که ایمان آوردند و خرج کردند از شما، ایشان راست مزد بزرگ.
۸. و چیست شما را که ایمان نیارید به خدا، و رسول او؟ دعوت می‌کند شما را که ایمان آرید به پروردگار خویش و هرآینه عهد گرفته است از شما،<sup>۱</sup> اگر هستید باوردارنده.
۹. اوست آن که فرومی‌فرستد بر بنده خود آیات واضح تا بیرون آرد شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و هرآینه خدا بر شما بخشاینده مهربان است.
۱۰. و چیست شما را که خرج نکنید در راه خدا؟ و خدای راست واپس گذاشته آسمان‌ها و زمین.<sup>۲</sup> برابر نیست از شما آن که خرج کرد پیش از فتح مکه و قتال کرد با آن که اینچنین عمل بعد از این فتح مکه کرده باشد؛ آن جماعت در مرتبه بزرگترند از آنان که خرج کردند بعد از فتح و قتال کردند و هر یک را وعده داده است خدا حالت نیک و خدا به آنچه می‌کنید، خبردار است.
۱۱. کیست آن که قرض دهد خدا را، قرض دادن نیک. پس دو چند ادا کند آن قرض را برای او و او راست مزد بزرگ؟!<sup>۳</sup>
۱۲. یاد کن روزی که ببینی مردان مسلمانان را و زنان مسلمانان را به این صفت که می‌شتابند نور ایشان پیش دست ایشان و به جانب راست ایشان. گفته شود: مژده باد شما را! امروز شما راست بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاوید باشید در آنجا. این است مطلب‌یابی بزرگ.
۱۳. روزی که گویند مردان منافق و زنان منافق با مسلمانان: به نظر شفقت نگرید به سوی ما تا روشنی بگیریم از نور شما. گفته شود: بازگردید پس پشت خویش؛ پس بجوید روشنی را.<sup>۴</sup> پس بنا کرده شود در میان ایشان دیواری که او را دروازه باشد. اندرون آن دیوار در آنجا رحمت است و بیرون آن دیوار به جانب پیش او عذاب است.
۱۴. آواز دهند منافقان، مسلمانان را: آیا ما نبودیم همراه شما؟ گفتند: آری! ولیکن شما در بلا افکندید خویشان را و انتظار کردید<sup>۵</sup> و شک آوردید و فریفته کرد شما را آرزوها تا آنکه برسید فرمان خدا<sup>۶</sup> و فریب داد شما را در فرمانبرداری خدا، شیطان فریبنده.
۱۵. پس امروز گرفته نشود از شما فدیهِ و نه از کافران گرفته شود. جای شما آتش است؛ همان آتش لایق شما است و بد بازگشت است وی.
۱۶. آیا وقت نرسیده است مسلمانان را که نیایش کنند دل ایشان وقت یاد کردن خدا و وقت یاد آوردن آنچه آمده است از وحی الهی و نباشند مانند آنان که داده شده است ایشان را کتاب پیش از این، پس دراز گذشت بر ایشان مدت، پس سخت شد دل ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند.
۱۷. بدانید که خدا زنده می‌کند زمین را بعد از مرده بودن آن، هرآینه بیان کردیم برای شما نشانه‌ها، بود که شما دریابید.
۱۸. هرآینه مردان خیرات دهنده و زنان خیرات دهنده و آنان که قرض داده‌اند خدای را قرض نیک، دوچند داده شود ایشان را و ایشان راست مزد؛ گرامی قدر.

۱ یعنی روز الست بریکم.

۲ یعنی هر کسی که بمیرد، آنچه بگذارد، ملک خدا باشد؛ پس به آن بخل کردن، نهایت شنیع است.

۳ مترجم گوید: یعنی در دنیا روید تحصیل نور کنید، که این جا تحصیل نور نیست؛ والله اعلم.

۴ یعنی هزیمت مسلمانان را.

۵ یعنی اجل.

۱۹. و آنان که ایمان آوردند به خدا و پیغامبران او، آن جماعت ایشانند صدیقان و شهیدان نزدیک پروردگار خویش. ایشان راست، مزد ایشان و نور ایشان و آنان که کافر شدند و دروغ شمرند آیات ما را، آن جماعت اهل دوزخند.
۲۰. بدانید که زندگانی دنیا بازی است و بیهودگی است و آرایش است و خودستایی است در میان خویش و از یکدیگر زیاده‌طلبی است در مال و فرزندان؛ مانند بارانی که به شگفت آورد زراعت کنندگان را رستنی او، باز خشک شود، پس زرد ببینی آن را باز درهم شکسته گردد و در آخرت، عذاب سخت است و نیز آمرزش است از جانب خدا و خشنودی است و نیست زندگانی دنیا مگر بهره‌ای که باعث فریب باشد.
۲۱. سبقت کنید به سوی آمرزش از جانب خدا و به سوی بهشتی که پهنای او مانند پهنای آسمان و زمین باشد. آماده کرده شد برای آنان که ایمان آوردند به خدا و پیغامبران او. این است فضل خدا؛ می‌دهدش به هر که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگ است.
۲۲. نرسید هیچ مصیبتی در زمین و نه در جان شما مگر نوشته شده است در کتابی پیش از آنکه بیافرینیم آن مصیبت را، هرآینه این کار بر خدا آسان است.
۲۳. خبر داده‌ایم تا اندوه نخورید بر آنچه رفت از دست شما و تا شادمان نشوید به آنچه عطا کرد شما را و خدای تعالی دوست ندارد هر تکبر کننده خودستاینده را.
۲۴. [دوست نمی‌دارد] آنان را که بخل می‌کنند و مردمان را به بخل می‌فرمایند و هر که روی گردان شود، هرآینه خدا همون است بی‌نیاز ستوده.
۲۵. هرآینه فرستادیم پیغامبران خود را به نشانه‌های واضح و فرود آوردیم همراه ایشان کتاب و ترازو تا عمل کنند مردمان به انصاف و فرود آوردیم آهن را به سبب آن جنگ سخت است و منفعت‌های دیگر است برای مردمان و تا بدانند خدا کسی را که نصرت دهد خدا را غایبانه و پیغمبران او را، هرآینه خدا توانای غالب است.
۲۶. و هرآینه فرستادیم نوح را و ابراهیم را و نهادیم در اولاد ایشان پیغامبری و کتاب، پس بعضی ایشان راه‌یابنده است و بسیاری از ایشان، بدکارانند.
۲۷. باز فرستادیم از پی ایشان پیغامبران خود را و از پی آوردیم عیسی، پسر مریم، را و دادیمش انجیل و نهادیم در دل تابعان او مهربانی و بخشایش، و گوشه‌نشینی‌ای که خود پیدا کرده بودند آن را، ما فرض نساخته بودیم بر ایشان، لیکن اختراع کردند به طلب خشنودی خدا، پس نگاهداشت آن نکردند حق نگاه داشتن آن. پس عطا کردیم آنان را که ایمان آوردند از ایشان<sup>۱</sup> مزد ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند.
۲۸. ای آنان که ایمان آورده‌اید! [به پیغامبران سابق]، برسید از خدا و ایمان آرید به پیغامبر او<sup>۲</sup> تا بدهد شما را دو حصه از رحمت خود و بدهد شما را نوری که راه روید به آن و تا بیامرزد شما را و خدا آمرزگار مهربان است.
۲۹. [به این مقدمه خبر داد] تا بدانند اهل کتاب که ایشان قادر نیستند بر چیزی از فضل خدا و بدانند که فضل به دست خداست، می‌دهد آن را به هر که خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است.

۱ یعنی به محمد، صلی‌الله علیه و سلم.

۲ یعنی به محمد، صلی‌الله علیه و سلم.

۵۸. سوره مجادله

در مدینه نازل شده و آن بیست و دو آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. هر آینه شنید خدای تعالی سخن آن زن که گفتگو می کرد با تو در باب شوهر خود و شکایت می کرد پیش خدا و خدا می شنید گفتگو کردن شما، هر آینه خدا شنوای بیناست.
۲. آنان که از شماظهار می کنند با زنان خود،<sup>۱</sup> نیستند آن زنان مادران ایشان. نیستند مادران ایشان إلا آنان که زاده اند ایشان را و هر آینهظهار کنندگان می گویند سخن نامعقول و می گویند دروغ. و هر آینه خدا عفو کننده آمرزگار است.
۳. آنان کهظهار می کنند با زنان خود، باز رجوع می کنند در مخالفت آنچه گفتند، پس واجب است آزاد کردن بنده، پیش از آنکه زن و مرد به یکدیگر دست رسانند.<sup>۲</sup> این حکم، پند داده می شود شما را به آن و خدا به آنچه می کنید خبردار است.
۴. پس هر که نیابد بنده را، پس بر وی واجب است روزه دو ماه پی در پی، پیش از آنکه هر دو به یکدیگر دست رسانند، پس هر که نتواند این را، پس طعام دادن شصت فقیر. این حکم برای آن است که متقاد شوید خدا را و پیغامبر او را. و این احکام، حدّهای مقرر کرده خدا است و کافران را عذاب درد دهنده باشد.
۵. هر آینه آنان که مخالفت می کنند با خدا و رسول او، خوار کرده شد ایشان را؛ چنانکه خوار کرده شد آنان را که پیش از ایشان بودند و هر آینه فرود آوردیم آیات واضح و کافران را عذاب خوار کننده است.
۶. روزی که برانگیزد ایشان را خدا همه یکجا، پس خبر دهد ایشان را به آنچه کرده بودند. یاد داشت آن را خدا و ایشان آن را فراموش کردند و خدا بر همه چیز مطلع است.
۷. آیا ندیدی که خدا می داند آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است؟ نمی باشد با یکدیگر راز گفتن سه شخص، مگر خدا چهارم ایشان است و نمی باشد راز گفتن پنج شخص، الا خدا ششم ایشان است و نه کمتر از این، مگر خدا با ایشان است و نه زیاده از این، مگر خدا با ایشان است هر کجا باشند، باز خبر دهد ایشان را روز قیامت به آنچه کرده اند. هر آینه خدا به هر چیز داناست.
۸. آیا ندیدی به سوی آنان که منع کرده شد ایشان را از با یکدیگر راز گفتن<sup>۳</sup> باز عود می کنند در آنچه از آن منع کرده شد ایشان را و با یکدیگر راز می گویند در باب گناه و تعدی و نافرمانبرداری پیغامبر، و چون بیایند پیش تو، دعا کنند تو را به آن کلمه که دعا نکرده است تو را خدا به آن<sup>۴</sup> و می گویند در دل خویش: چرا نه عذاب می کند ما

۱ یعنی تشبیه می دهند زنان خود را به پشت مادر.

۲ یعنی جماع کنند.

۳ یعنی یهود که راز ایشان در ایذای مسلمین بود؛ والله اعلم.

۴ یعنی به جای «السلام علیک»، «السلام علیک» گویند. یعنی مرگ بر تو باد!

- را خدا به سبب آنچه می‌گوییم؟<sup>۱</sup> بس است ایشان را دوزخ، درآیند آنجا. پس بدجایی است دوزخ!
۹. ای مسلمانان، چون با یکدیگر راز گوید، پس باید که راز مگویید در باب گناه و تعدی و نافرمانبرداری پیغامبر و راز گوید در باب نیکوکاری و پرهیزگاری و برترسید از خدا که به سوی او حشر کرده خواهید شد.
۱۰. جز این نیست که راز گفتن بد، از کار شیطان است تا اندوهگین مسلمانان را و نیست هیچ زیان رساننده به ایشان، مگر به اراده خدا و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان.
۱۱. ای مسلمانان! چون گفته شود شما را که گشاده بنشینید در مجلس‌ها، پس گشاده کنید جای را تا گشاده کند خدا برای شما هر مشکلی را و چون گفته شود برخیزید، پس برخیزید تا بلند کند خدا مرتبه‌هایی برای آنان که ایمان آورده‌اند از شما و آنان که عطا کرده شده است ایشان را علم و خدا به آنچه می‌کنید خبردار است.
۱۲. ای مسلمانان! چون خواهید که راز گوید با پیغامبر، پس نخست بدهید پیش از راز گفتن خود، خیرات را. این کار بهتر است شما را و پاکیزه‌تر است. پس اگر نیابید، هرآینه خدا آمرزگار مهربان است.<sup>۲</sup>
۱۳. آیا ترسیدید از آنکه نخست دهید پیش از راز گفتن خود خیرات را؟ پس چون نکردید و درگذرانید خدا از شما، پس باری برپا دارید نماز را و زکات را و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و خدا خبردار است به آنچه می‌کنید.
۱۴. آیا ندیدی به سوی آنان که دوستی کردند با قومی که غضب کرده است خدا بر ایشان؟<sup>۳</sup> نیستند این منافقان از شما و نه از یهود و سوگند می‌خورند بر دروغ و ایشان می‌دانند. آماده ساخته است خدا برای ایشان عذاب سخت، هرآینه بد است آنچه می‌کردند.
۱۵. سیر گرفته‌اند سوگندان خود را، پس بازداشتند مردم را از راه خدا، پس ایشان راست عذاب خوارکننده.
۱۷. دفع نخواهد کرد از ایشان اموال ایشان و نه اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را. این جماعت اهل دوزخ‌اند. ایشان آنجا جاویدان باشند.
۱۸. روزی که برانگیزد ایشان را خدا همه یکجا، پس سوگند خورند به حضور او؛ چنانکه سوگند می‌خورند به حضور شما و می‌پندارند که ایشان بر چیزی هستند. آگاه شو! هرآینه ایشانند دروغگوی.
۱۹. غالب آمده است بر ایشان شیطان، پس فراموش ساخت از خاطر ایشان یاد کردن خدا را. این جماعت، لشکر شیطان است. آگاه شو! هرآینه لشکر شیطان ایشانند زیانکاران.
۲۰. هرآینه آنان که خلاف می‌کنند با خدا و رسول او، این جماعت در جمله خوارترین مردم‌اند.
۲۱. حکم کرد خدا البته غالب شوم من و غالب شوند پیغامبران من، هرآینه خدا توانای غالب است.
۲۲. نخواهی یافت قومی که ایمان دارند به خدا و روز آخر به این صفت که دوستی کنند با کسی که خلاف کرده است با خدا و رسول او و اگرچه آن جماعت باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان. آن مؤمنان که با کافران دوستی ندارند، نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده است ایشان را

۱ یعنی اگر پیغامبر راست است، بایستی که ما را عذاب رسیدی؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: این حکم منسوخ است به آیتی که می‌آید؛ والله اعلم.

۳ یعنی منافقان با یهود دوستی کردند؛ والله اعلم.



به فیض غیبی از جانب خود و درآرد ایشان را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها جاویدان آنجا. خشنود شد خدا از ایشان و خشنود شدند ایشان از خدا؛ ایشانند لشکر خدا. آگاه شو! هرآینه لشکر خدا ایشانند رستگاران.

## ۵۹. سوره حشر

مدینه نازل شده و آن بیست و چهار آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت.
۲. اوست آن که برآورد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه‌های ایشان در اول جمع کردن لشکر. گمان نداشتید شما ای مسلمانان که برآیند و گمان می‌کردند آن کافران که نگاه دارنده ایشان باشند قلعه‌های ایشان از عقوبت خدا، پس بیامد بدیشان عقوبت خدا از آنجا که نمی‌دانستند و افکند در دل ایشان ترس را. خراب می‌کردند خانه‌های خود را به دست خویش و به دست مسلمانان نیز خراب شد. پس عبرت گیرید ای خداوند دیده‌ها!
۳. و اگر نه آن بود که نوشت خدا بر ایشان جلا وطنی، هرآینه عقوبت می‌کرد ایشان را در دنیا<sup>۱</sup> و ایشان راست در آخرت، عذاب آتش.
۴. این عذاب به سبب آن است که ایشان مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا، پس هرآینه خدا سخت کننده عقوبت است.
۵. آنچه بریدید از درخت خرما یا گذاشتید آن را ایستاده بر بیخ خودش، پس به فرمان خدا بود و تا خوار کند بدکاران را.<sup>۲</sup>
۶. و آنچه عاید گردانید خدا بر پیغامبر خود از اموال بنی‌نضیر، پس نتاخته بودید بر آن اسبان را و نه شترها را ولیکن خدا غالب می‌گرداند پیغامبران خود را بر هر که خواهد و خدا بر هر چیز تواناست.
۷. آنچه عاید گردانید خدای تعالی بر پیغامبر خود از اموال ساکنان دیه‌ها، پس خدای راست و پیغامبر را و خویشانان را<sup>۳</sup> و یتیمان را و فقیران را و راهگذری را. بیان فرمودیم تا نباشد آن «فی»، دست گردان میان توانگران از شما. و هرچه بدهد شما را پیغامبر، بگیری آن را و هرچه منع کند شما را از آن، بازایستید و بترسید از خدا. هرآینه خدا سخت کننده عقوبت است.
۸. آن «فی»، فقیران هجرت کننده راست؛ آنان که بیرون کرده شد ایشان را از خانه‌های ایشان و اموال ایشان؛ می‌طلبند نعمت را از پروردگار خویش و خشنودی را و نصرت می‌دهند خدا را و پیغامبر او را. این جماعت ایشانند راست وعده.

۱ به نوعی دیگر؛ والله اعلم.

۲ یعنی قطع درخت میوه‌دار وقت جهاد، جائز است و ترک آن نیز جائز؛ والله اعلم.

۳ یعنی خویشاوندان پیغامبر را.

۹. و نیز آنان راست که جای گرفتند به دارالاسلام<sup>۱</sup> و جای پیدا کردند در ایمان پیش از مهاجران؛ دوست می‌دارند هر که را هجرت کند به سوی ایشان و نمی‌بایند در خاطر خود دغدغه‌ای از طرف آنچه داده شد مهاجران را و دیگران را اختیار می‌کنند بر خویشن و اگرچه باشد ایشان را احتیاج و هر که نگاه داشته شد از حرص نفس خودش، پس آن جماعت، ایشانند رستگاران.
۱۰. و نیز آنان راست که آمدند بعد از مهاجران و انصار، می‌گویند: ای پروردگار ما! بیامرز ما را و برادران ما را که سبقت کردند بر ما به ایمان آوردن و پیدا مکن در دل ما هیچ کینه به نسبت آنان که ایمان آوردند. ای پروردگار ما! هرآینه تو بخشاینده مهربانی.<sup>۲</sup>
۱۱. آیا ندیدی به سوی آنان که منافق شدند، می‌گویند آن برادران خود را که کافراند از اهل کتاب: [به خدا] اگر جلاوطن کرده شود شما را، البته بیرون شویم ما نیز همراه شما و فرمان قبول نکنیم در مقدمه شما هیچ کس را هرگز و اگر قتال کرده شود با شما البته نصرت دهیم شما را، و خدا گواهی می‌دهد که ایشانند دروغگویان.
۱۲. [به خدا] اگر جلاوطن کرده شود اهل کتاب را، جلاوطن نشوند همراه ایشان و اگر جنگ کرده شود با اهل کتاب، نصرت ندهند ایشان را و اگر به فرض، نصرت دهند اهل کتاب را، البته بازگردانند پشت خود را، بعد از آن مدد کرده نشود ایشان را.
۱۳. هرآینه شما [ای مسلمانان!] با رُعب‌ترید در خاطر ایشان از خدا. این به سبب آن است که ایشان قومی هستند که نمی‌فهمند.<sup>۳</sup>
۱۴. جنگ نکنند با شما یکجا شده مگر در دیه‌ها که بر آن حصار ساخته باشند یا از پس دیوارها. جنگ ایشان در میان خویش، سخت‌تر است؛ می‌پنداری ایشان را همه یکجا مجتمع شده و دل‌های ایشان پراکنده است. این به سبب آن است که ایشان قومی هستند که در نمی‌یابند.<sup>۴</sup>
۱۵. [داستان ایشان] مانند داستان آنان است که پیش از ایشان بودند در نزدیکی، چشیدند وبال گناه خود را و ایشان راست عذاب دردناک.<sup>۵</sup>
۱۶. [داستان منافقان با اهل کتاب] مانند داستان شیطان است، چون گفت آدمی را: کافر شو! پس چون کافر شد، گفت: هرآینه من بی‌تعلّم از تو، هرآینه من می‌ترسم از خدای، پروردگار عالم‌ها.
۱۷. پس شد عاقبت کار این شیطان و این آدمی آنکه ایشان در آتش باشند، جاویدان آنجا و این است جزای ستمکاران.
۱۸. ای مسلمانان! بترسید از خدا و باید که تأمل کند هر شخص که چه چیز پیش فرستاده است برای فردا<sup>۶</sup> و بترسید از خدا. هرآینه خدا خبردار است به آنچه می‌کنید.
۱۹. و مباشید مانند آنان که فراموش کردند خدا را، پس خدا فراموش گردانید از خاطر ایشان تدبیر حال ایشان؛ این جماعت، ایشانند بدکاران.
۲۰. برابر نیستند اهل دوزخ و اهل بهشت. اهل بهشت، ایشانند به مطلب رسندگان.

۱ یعنی به مدینه.

۲ مترجم گوید: از این آیت معلوم شد که در فیه هر مسلمان را حق است. پس احوج فالاحوج را باید داد تا آنکه مال فیه کفایت کند؛ والله اعلم.

۳ یعنی از عذاب خدا که مؤجل است، پروا ندارند؛ والله اعلم.

۴ یعنی با یکدیگر خانه جنگی‌ها دارند، مصلحت ایشان یکی نیست؛ والله اعلم.

۵ یعنی چنانکه اهل بدر مغلوب و منهزم شدند، ایشان نیز منهزم گشتند؛ والله اعلم.

۶ یعنی برای روز قیامت.

۲۱. اگر فرود می‌آوردیم این قرآن را بر کوهی، هر آینه می‌دیدى آن را نیایش کرده پاره‌پاره شده از خوف خدا و این داستان‌ها بیان می‌کنیم برای مردمان تا ایشان تأمل کنند.
۲۲. اوست آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او، داننده نهان و آشکارا. اوست بخشاینده مهربان.
۲۳. اوست آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او، پادشاه نهایت پاک، سلامت از همه عیب‌ها، امن دهنده، نگهبان، غالب، خود اختیار، بزرگوار. پاکی خدای راست از شریک مقرر کردن ایشان.
۲۴. اوست خدای آفریدگار نو پدیدآورنده نگارنده. او راست نام‌های نیک. به پاکی یاد می‌کنند او را هر چه در آسمان‌ها و زمین است و اوست غالب باحکمت.

### ۶۰. سوره ممتحنه

در مکه نازل شده و آن سیزده آیت است.

#### به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ای مسلمانان! دوست مگیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را. می‌افکنید به سوی ایشان پیغام به سبب دوستی و هر آینه ایشان کافر شده‌اند به آنچه آمده است به شما از دین راست. جلاوطن می‌کنند پیغامبر را و شما را نیز برای آنکه ایمان آوردید به خدای پروردگار خویش. دوست مگیرید اگر برآمده‌اید از اوطان خود برای جهاد در راه من و به طلب رضامندی من. پنهان می‌فرستید به سوی ایشان پیغام به سبب دوستی و من می‌دانم آنچه پنهان می‌کنید و آنچه آشکارا می‌نمایید و هر که از شما بکند این کار، هر آینه غلط کرد راه هموار را.
۲. اگر کافران بیابند شما را، دشمن باشند در حق شما و بگشایند به سوی شما دست‌های خود را و زبان‌های خود را به ایذا و دوست دارند که کافر شوید.
۳. سود نخواهند داد شما را خویشاوندان شما و نه فرزندان شما به روز قیامت. فیصل خواهد کرد خدا در میان شما و خدا به آنچه می‌کنید بیناست.
۴. هر آینه هست شما را پیروی نیک با ابراهیم و آنان که همراه او بودند، چون گفتند قوم خود را: هر آینه ما بی‌تعلیم از شما و از آنچه می‌پرستید بجز خدا. نامعتقد شدیم به شما و پدید آمد میان ما و میان شما دشمنی و ناخوشی همیشه، تا وقتی که ایمان آرید به خدای تنها. شما را پیروی نیک است با ابراهیم، مگر در قول ابراهیم پدر خود را که البته امرزش طلب خواهم کرد برای تو و نمی‌توانم برای تو از خدا چیزی. گفت ابراهیم: ای پروردگار ما! بر تو توکل کردیم و به سوی تو رجوع نمودیم و به سوی تو است بازگشت.
۵. ای پروردگار ما! مکن ما را زیردست کافران و بیمارز برای ما؛ ای پروردگار ما! هر آینه تویی غالب باحکمت.

۶. هر آینه هست شما را به جماعت مذکوره اقتدای نیک، کسی را از شما که امید دارد ملاقات خدا را و روز آخرت را و هر که روی گردان شود، پس هر آینه خدا بی نیاز ستوده کار است.
۷. نزدیک است خدا از آنکه پیدا کند در میان شما و در میان آنان که دشمنی داشته‌اید با آنها دوستی را<sup>۱</sup> و خدا تواناست و خدا آمرزگار مهربان است.
۸. منع نمی‌کند خدا شما را از مواصلت آنان که جنگ نکرده‌اند با شما در مقدمه دین و بیرون نکرده‌اند شما را از خانه‌های شما. منع نمی‌کند از آن که احسان کنید با ایشان و انصاف کنید در حق ایشان، هر آینه خدا دوست می‌دارد انصاف کنندگان را.
۹. جز این نیست که منع می‌کند شما را خدا از مواصلت آنان که جنگ کرده‌اند با شما در مقدمه دین و بیرون کرده‌اند شما را از خانه‌های شما و معاونت دیگران کرده‌اند در برآوردن شما؛ منع می‌کند از آنکه دوستی دارید با ایشان و هر که دوستی دارد با ایشان، پس آن جماعت ایشانند ستمکاران.
۱۰. ای<sup>۲</sup> مسلمانان! چون بیایند پیش شما زنان مسلمانان هجرت کرده، پس امتحان کنید ایشان را.<sup>۳</sup> خدا داناتر است به ایمان ایشان. پس اگر مسلمان دانید ایشان را، باز نفرستید ایشان را به سوی کافران. نه این زنان حلال‌اند کافران را و نه آن کافران حلال‌اند این زنان را و بدهید به شوهران آنچه خرج کردند<sup>۴</sup> و نیست گناه بر شما که نکاح کنید با ایشان، چون بدهید ایشان را مهر ایشان و نگاه مدارید دست‌آویز زنان نامسلمان را<sup>۵</sup> و طلب کنید آنچه شما خرج کردید و باید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کردند.<sup>۶</sup> این است حکم خدا. فیصل می‌کند میان شما و خدا دانای باحکمت است.
۱۱. و اگر از دست شما برود کسی از زنان شما به سوی کافران، پس عقوبت رسانید کافران را،<sup>۷</sup> پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان، مانند آنچه خرج کردند و برسید از خدایی که شما او را باوردارنده‌اید.<sup>۸</sup>
۱۲. ای پیغمبر! چون بیایند نزدیک تو زنان مسلمانان که بیعت کنند با تو به این شرط که شریک مقرر نکنند با خدا چیزی را و دزدی نکنند و زنا نکنند و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ که بر بسته باشند آن را در میان دستهای خویش و در میان

۱ یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد.

۲ مترجم گوید: در صلح حدیبیه بعض نساء کفار هجرت کرده به مدینه می‌آمدند و بعض نساء مسلمین مرتدگشته به کفار ملحق می‌شدند. خدای تعالی حکم این جماعت بیان فرمود؛ والله اعلم.

۳ یعنی قسم دهید ایشان را که به سبب ناخوشی شوهران خود یا به سبب عشق مردان دیگر نیامده‌اند؛ والله اعلم.

۴ یعنی مهری که شوهران کفار داده بودند، بازگردانید؛ والله اعلم.

۵ یعنی بر نکاح کافره اقامت نباید کرد؛ والله اعلم.

۶ یعنی اگر زنی مرتد شده با مشرکان ملحق شود مهر او باید طلبید و اگر زنی مسلمان شده، هجرت کند، مهر او باید داد؛ والله اعلم.

۷ یعنی غنیمت ستانید از ایشان.

۸ مترجم گوید که: اگر کفار معاهد باشند و زنی مرتد به ایشان ملحق گردد، از ایشان مهر باید طلبید؛ چنانچه در آیت سابقه معلوم شده اگر کفار حریبان باشند، از غنایم اموال ایشان شوهران مرتده را مهر باید داد. بعد فتح مکه‌هاین همه احکام مرتفع شدند. نزدیک این فقیر، نسخ این احکام ثابت نشده است؛ پس اگر مثل حالتی که در صلح حدیبیه بود، باز رودهد تحقیق که بر همین احکام عمل کرده شود؛ والله اعلم.

پای‌های خویش<sup>۱</sup> و نافرمانی نکنند تو را در کار نیک، پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آموزش کن برای ایشان از خدا، هرآینه خدا آمرزگار مهربان است.  
 ۱۳. ای مسلمانان! دوستی ندارید با گروهی که خشم گرفته است خدا بر آنها که ناامید شده‌اند از ثواب آخرت؛ چنانکه ناامید شده‌اند کافران که از اهل گورند.<sup>۲</sup>

## ۶۱. سوره صف

در مدینه نازل شده و آن چهارده آیت است.

بهنام خدای بخشاینده مهربان

۱. به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و اوست غالب باحکمت.
۲. ای مسلمانان! چرا می‌گویید آنچه نمی‌کنید؟
۳. بسیار ناپسندیده شد نزدیک خدا آنکه بگوید چیزی را که نکنید.<sup>۳</sup>
۴. هرآینه خدا دوست می‌دارد آنان را که جنگ می‌کنند در راه خدا صف زده، گویا ایشان عمارتی هستند محکم با یکدیگر چسبیده.
۵. و [یاد کن] چون گفت موسی قوم خود را: ای قوم من! چرا می‌رنجاید مرا و هرآینه می‌دانید که من فرستاده خدایم به سوی شما؟ پس وقتی که کجروی کردند، کج ساخت خدا دل ایشان را و خدا راه نمی‌نماید قوم بدکاران را.
۶. و [یاد کن] چون گفت عیسی، پسر مریم: ای بنی‌اسرائیل! هرآینه من پیغمبر خدایم به سوی شما؛ باوردارنده آنچه پیش دست من است از تورات و بشارت دهنده به پیغامبری که بیاید بعد از من، نام او [احمد] باشد. پس چون آمد احمد پیش ایشان با معجزه‌ها، گفتند: این سحری ظاهرست
۷. و کیست ستمکارتر از کسی که بریست بر خدا دروغی را و او خوانده می‌شود به سوی اسلام؟ و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را.
۸. می‌خواهند [این کافران] که فرونشانند نور خدا را به دهن‌های خویش و خدا تمام کننده نور خود است و اگرچه ناخوش دارند کافران.
۹. اوست آن که فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دین راست تا غالب کندش بر ادیان، همه آن؛ و اگرچه ناخوش دارند مشرکان.
۱۰. ای مسلمانان! آیا دلالت کنم شما را به آن سوداگری که برهاند شما را از عذاب درد دهنده؟
۱۱. ایمان آرید به خدا و رسول او و جهاد کنید در راه خدا به اموال خود و به جان خود. این بهتر است برای شما اگر می‌دانید [اگر این چنین کنید].

۱ یعنی فرزند کسی را به دیگری منسوب نکنند؛ والله اعلم.

۲ یعنی خدای تعالی حکم به عذاب ایشان کرده است، پس هرگز ایمان نیارند و ثواب نیابند؛ چنانچه کافران بعدمردن بر کفر توقع ثواب ندارند؛ والله اعلم.

۳ یعنی با خدا عهد کنید به وفا نرسانید.

۱۲. بیاورد برای شما گناهان شما را و درآورد شما را به بوستانها، می‌رود زیر آن جوی‌ها و به محل‌های پاکیزه در بهشت‌های همیشه ماندن. این است فیروزی بزرگ.
۱۳. و [بدهد نعمتی] دیگر که دوست می‌دارید آن را؛ [آن نعمت] نصرت از جانب خدا است و فتحی قریب‌الحصول است و مؤده بده مسلمانان را.
۱۴. ای مسلمانان! باشید نصرت دهنده خدا چنانکه گفت عیسی، پسر مریم، با یاران خاص خود: کیستند نصرت دهندگان من به سوی خدا متوجه شده؟ گفتند آن یاران خاص: ماییم نصرت دهندگان، خدا<sup>۱</sup> را؛ پس ایمان آوردند جمعی از بنی اسرائیل و کافر ماندند جمعی. پس قوت دادیم مؤمنان را بر دشمنان ایشان، پس شدند غالب.

## ۶۲. سوره جمعه

در مدینه نازل شده و آن یازده آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان
۲. به پاکی یاد می‌کند خدا را هر آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین؛ است خدای پادشاه نهایت پاک غالب باحکمت.
۳. اوست آن که برانگیخت<sup>۲</sup> در ناخواندگان<sup>۲</sup> پیغامبری از قوم ایشان، می‌خواند بر ایشان آیات او را و پاک می‌کند ایشان را و می‌آموزد ایشان را کتاب و دانش و هرآینه ایشان بودند پیش از این در گمراهی ظاهر.
۴. و نیز مبعوث کرد آن پیغامبر را در قومی دیگر از بنی‌آدم که هنوز نپیوسته‌اند با مسلمانان<sup>۳</sup> و اوست غالب باحکمت.
۵. این است فضل خدا، می‌دهدش به هر که خواهد و خدا، خداوند فضل بزرگ است.
۶. داستان آنان که نهاده شده بر ایشان تورات، باز نبرداشتند آن را،<sup>۴</sup> مانند داستان خنزیر است که بردارد کتاب‌ها را. بد است داستان قومی که دروغ می‌شمرند آیات خدا را و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را.
۷. بگو: ای یهود! اگر گمان دارید که شما دوستان خدایید بجز سایر مردمان، پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان.
۸. و آرزو نخواهند کرد آن را هرگز، به سبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان و خدا داناست به ستمکاران.
۹. بگو: هرآینه مرگی که می‌گریزید از آن، البته وی رسنده است به شما؛ باز رجوع کرده خواهید شد به سوی داندانه نهان و آشکار، پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید.
۱۰. ای مسلمانان! چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه، پس سعی کنید به سوی یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروخت را؛ این بهتر است شما را اگر می‌دانید.

۱ پس در ترویج دین عیسی سعی کردند.

۲ یعنی عرب.

۳ فارس یعنی سائر عجم.

۴ یعنی به وفق آن عمل نکردند.

۱۰. پس چون تمام کرده شود نماز را متفرق شوید در زمین و طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار تا شما رستگار شوید.
۱۱. و آن مسلمانان چون ببینند کاروانی را یا بازی [ای] راه، متفرق شده متوجه می شوند به سوی آن و بگذارند تو را ایستاده<sup>۱</sup> بگو: آنچه نزدیک خدا است، بهتر است از بازی و از سوداگری و خدا بهترین روزی دهندگان است.<sup>۲</sup>

### ۶۳. سوره منافقون

در مدینه نازل شده و آن یازده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. چون ببینند پیش تو منافقان، گویند: گواهی می دهیم که تو پیغامبر خدایی. و خدا می داند که تو پیغمبر اوئی و خدا گواهی می دهد که منافقان، دروغ گویند.
۲. سپر گرفته اند قسم های خود راه، پس بازماندند از راه خدا. هر آینه ایشان بد است آنچه می کنند.
۳. این به سبب آن است که ایشان ایمان آوردند، باز کافر شدند، پس مهر کرده شد بر دل ایشان پس ایشان نمی فهمند.
۴. و چون ببینی ایشان راه، متعجب کند تو را ابدان ایشان و اگر بگویند، گوش نهی به سخن ایشان، گویا ایشان چوب هایی اند به دیوار باز نهاده. می پندارند هر آواز تند را هلاکی بر خود! ایشانند دشمنان، پس بترس از ایشان؛ لعنت کرد ایشان را خدا! از کجا گردانیده می شوند.
۵. و چون گفته شود منافقان را: بیاید تا طلب آمرزش کند برای شما پیغامبر خدا، بیچنانند سرهای خود را و ببینی ایشان را که روی می گردانند تکبرکنان.
۶. یکسان است در حق آن جماعت که آمرزش طلب کنی برای ایشان یا آمرزش نطلبی برای ایشان. نخواهد آمرزید خدا ایشان را. هر آینه خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را.
۷. ایشانند آنان که می گویند یاران خود را: خرج مکنید بر جماعتی که نزد رسول خدایند<sup>۳</sup> تا پراکنده شوند و خدای راست خزانه های آسمان ها و زمین ولیکن منافقان نمی دانند.
۸. می گویند: اگر باز رسیم به مدینه، البته برآرد بزرگتر، خوارتر را از مدینه<sup>۴</sup> و خدای راست بزرگی و پیغامبر او را و مسلمانان را ولیکن منافقان نمی دانند.

۱ یعنی در خطبه.

۲ مترجم گوید: این آیت عتاب است بر اصحاب و اشارت است به آن قصه که کاروانی از شام آمد. در اثنای خطبه ایشان را دیده متفرق شدند و در خدمت آن حضرت، صلی الله علیه و سلم، نماندند، مگر دوازده شخص که حضرت ابوبکر (رض) و عمر (رض) از آن جمله بودند؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق انگیز بر زبان آورد؛ آن را شخصی از انصار به عرض آن حضرت، صلی الله علیه و سلم، رسانید. منافقان به مجلس شریف آمده قسم خوردند که مرتکب آن کلمات نشده اند. این سوره در حکایت آن اقوال و تهدید و تکذیب ایشان نازل شد.

۴ یعنی بر فقرای مهاجرین.

۵ یعنی توانگران اهل نفاق، فقرای مسلمین را.

۹. ای مسلمانان! مشغول نگرداند شما را اموال شما و نه فرزندان شما از یاد کردن خدا و هر که بکند این کار، پس آن جماعت، ایشانند زیانکاران.
۱۰. و خرج بکنید از آنچه عطا کرده‌ایم شما را، پیش از آنکه بیاید به یکی از شما مرگ، پس بگویند: ای پروردگار من! کاش موقوف می‌گذاشتی مرا تا مدتی اندک تا صدقه دادمی و شدمی از صالحان!
۱۱. و هرگز مهلت نمی‌دهد خدا هیچ کس را چون بیاید اجل او و خدا خبردار است به آنچه می‌کنید.

## ۶۴. سوره تغابن

در مدینه نازل شده و آن هیجده آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. به پاکی یاد می‌کند خدا را آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است. او راست پادشاهی و او راست ستایش و او بر همه چیز تواناست.
۲. اوست آن که آفرید شما را. پس بعضی از شما کافر است و بعضی از شما مؤمن و خدا به آنچه می‌کنید بینا است.
۳. آفرید آسمان‌ها و زمین به تدبیر درست و صورت بست شما را، پس نیک ساخت صورت‌های شما و به سوی اوست بازگشت.
۴. می‌داند آنچه در آسمان‌ها و زمین است و می‌داند آنچه پنهان می‌دارید و آنچه آشکارا می‌کنید و خدا داناست به مکنون سینه‌ها.
۵. آیا نیامده است به شما خبر آنان که کافر بودند پیش از این؟ پس چشیدند و بال کار خود را و ایشان راست عذابی درد دهنده.
۶. این عذاب به سبب آن است که می‌آمدند پیش ایشان پیغامبران ایشان با معجزه‌ها. پس گفتند: آیا آدمیان راه نمایند ما را؟ پس کافر شدند و رو گردانیدند و بی‌نیاز است خدا. و خدا توانگر ستوده است.
۷. پنداشتند کافران که برانگیخته نخواهند شد. بگو: آری! قسم به پروردگار من! البته برانگیخته شوید، باز خبر داده شود شما را به آنچه می‌کردید و این بر خدا آسان است.
۸. پس ایمان آرید به خدا و رسول او و به نوری که فروفرستاده‌ایم<sup>۱</sup> و خدا به آنچه می‌کنید خبردار است.
۹. خبر داده شود شما را وقتی که به هم برآرد شما را در روز قیامت: آن روز، روز ظهور غبن بعضی به نسبت بعضی باشد و هر که ایمان آرد به خدا و بکند کار شایسته، دور کند از او جرم‌های او را و درآردش به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه؛ این است فیروزی بزرگ.
۱۰. و آنان که کافر شدند و به دروغ نسبت کردند آیات ما را، آن جماعت اهل دوزخ‌اند، جاویدان آنجا و بدجایی است دوزخ.

۱ یعنی قرآن.



۱۱. نمی‌رسد هیچ مصیبت، مگر به حکم خدا و هر که رجوع کند به خدا، راه نماید دل او را و خدا به هر چیز داناست.
۱۲. و فرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید رسول او را. پس اگر روگردان شوید، پس جز این نیست که بر پیغامبر ما رسانیدن آشکار است.
۱۳. خدا، هیچ معبود نیست مگر او و بر خدا باید که توکل کنید مؤمنان.
۱۴. ای مسلمانان! هر آینه بعض ازواج شما و بعض اولاد شما دشمنانند در حق شما؛ پس بترسید از ایشان<sup>۱</sup> و اگر درگذر کنید و روی بگردانید و بیامرزید، پس هر آینه خدا آمرزگار مهربان است.
۱۵. جز این نیست که اموال شما و اولاد شما امتحان است، و خدا نزدیک اوست مزد بزرگ.
۱۶. پس بترسید از خدا آن قدر که توانید و سخن شنوید و فرمانبرداری کنید و خرج کنید؛ بهتر باشد برای جان شما و هر که نگاه داشته شد از بخل نفس خود، پس آن جماعت، ایشانند رستگاران.
۱۷. اگر قرض دهید خدا را قرض نیکو، دو چندان دهدش شما را و بیامزد شما را و خدا قدرشناس بردبار است.
۱۸. داننده پنهان و آشکارا، غالب باحکمت.

## ۶۵. سوره طلاق

در مدینه نازل شده و آن دوازده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ای پیغامبر! بگو امت خود را: چون اراده کنید طلاق دادن زنان، پس طلاق دهید ایشان را در اول عدت ایشان<sup>۲</sup> و شمار کنید عدت را و بترسید از خدا، پروردگار خویش. بیرون مکنید ایشان را از خانه‌های ایشان و باید که ایشان بیرون نروند، مگر آنکه به عمل آرند کار بی حیایی آشکارا و این حدهای مقرر کرده خداست و هر که تجاوز کند از حدهای خدا، پس هر آینه ستم کرد بر جان خویش. هیچ کس نمی‌داند، شاید که خدا پیدا کند بعد از طلاق، کاری را.<sup>۳</sup>
۲. پس چون نزدیک رسند [مطلقات] به میعاد خود، پس نگاه دارید ایشان را به وجه پسندیده یا جدا شوید از ایشان به وجه پسندیده و گواه گیرید دو کس صاحب تقوی را از قوم خود و راست ادا کنید شهادت را برای خدا؛ این حکم، پند داده می‌شود به آن هر که مؤمن باشد به خدا و به روز آخر و هر که بترسد از خدا پدید آرد برای او مخلصی.

۱ یعنی آنکه بر بخل حمل کنند.

۲ یعنی در طهری که مساس نکرده باشید.

۳ یعنی موافقت پدید آید و مراجعت کند؛ والله اعلم.

۳. و روزی دهدش از آنجا که گمان ندارد و هر که توکل کند بر خدا، پس خدا بس است او را. هر آینه خدا رسنده است به مراد خود. هر آینه ساخته است خدا هر چیز را اندازه.
۴. و آنان که ناامید شدند از حیض از جمله زنان شما،<sup>۱</sup> اگر به شبهه افتاده‌اید، پس عدت ایشان سه ماه است و آنان که به سن حیض نرسیده‌اند نیز، عدت ایشان سه ماه است و خداوندان حمل، عدت ایشان آن است که بنهند حمل خود را و هر که بترسد از خدا، پدید آرد برای او در کار او آسانی را.
۵. این حکم خدا است که فرود آورد آن را به سوی شما و هر که بترسد از خدا، دور کند از وی جرم‌های او را و زیاده دهد او را مزد.
۶. ساکن کنید زنان مطلقه را جایی که شما می‌مانید قدر طاقت خود و ایذا مرسانید ایشان را تا تنگ گیرید بر ایشان، و اگر باشند خداوند حمل، پس خرج کنید بر ایشان تا آنکه بنهند حمل خود را. پس اگر شیر دهند به فرمان شما، پس بدهید ایشان را مزد ایشان و با یکدیگر کارفرمایی کنید در میان خویش به وجه پسندیده؛ پس اگر مضایقه کردید، شیر خواهد داد به فرموده او زنی دیگر.
۷. باید که خرج کند صاحب وسعت از وسعت خود و آن که تنگ کرده شد بر وی رزق او را، پس باید که خرج کند از آنچه عطا کرده است او را خدا. تکلیف نمی‌کند خدا هیچ کس را مگر به حسب آنچه داده است او را. پدید خواهد آورد خدا بعد از تنگدستی آسایش را.
۸. و بسا دیه که تجاوز کرد از فرمان پروردگار خویش و از فرمان پیغامبران او، پس حساب کردیم با او حسابی سخت و عقوبت کردیم او را عقوبتی دشوار.
۹. پس چشید سزای عمل خود و شد سرانجام کار او زیانکاری.
۱۰. مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان عذاب سخت. پس بترسید از خدای، ای خداوندان خرد! ای مسلمانان! هر آینه فرود آورده است خدا سوی شما کتابی.
۱۱. [فرستاده است] پیغامبری، می‌خواند به شما آیات خدا را واضح آمده تا برآرد آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از تاریکی‌ها به سوی روشنی و هر که ایمان آرد به خدا و بکند کار شایسته، درآردش به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه. هر آینه به وجه نیک ساخته است خدا برای او رزق را.
۱۲. خدا آن است که آفرید هفت آسمان و آفرید زمین مانند آن. فرود می‌آید تدبیر کار در میان آسمان‌ها و زمین، بیان کردیم تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا است و نیز بدانید که خدا به گرد آمده است هر چیز را به اعتبار علم.

## ۶۶. سوره تحریم

در مدینه نازل شده و آن دوازده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ای پیغامبر! چرا حرام می‌کنی چیزی را که حلال ساخته است خدا برای تو؟ می‌طلبی خشنودی زنان خود و خدا آمرزگار مهربان است.
۲. هر آینه مشروع ساخته خدا برای شما گشادن سوگندهای شما را<sup>۱</sup> و خدا کارساز شما است و اوست دانای باحکمت.
۳. و یاد کن چون پنهان گفت پیغامبر با بعضی ازواج خود سخنی را، پس چون افشا کرد آن سخن را و مطلع ساخت خدای تعالی پیغامبر را بر افشای آن سخن، شناسا کرد پیغامبر به بعضی آن سخن و اعراض کرد از ذکر بعضی. پس وقتی که خبردار کرد آن را با افشای راز آن زن، گفت: که خبر داد تو را به افشای این راز؟ پیغامبر فرمود که: خبر داد مرا خدای دانای خبردار.
۴. [ای دو زن پیغامبر!] اگر رجوع کنید به سوی خدا، خوش باشد. هر آینه کج شده است دل شما و اگر باهم متفق شوید به رنجانیدن پیغامبر، پس هر آینه خدا کارساز اوست و جبریل و مردمان شایسته از مسلمانان و نیز فرشتگان بعد از این مددکارند.
۵. اگر طلاق دهد پیغامبر، شما را، نزدیک است که پروردگار او عوض دهد برای او زنان دیگر بهتر از شما؛ گردن نهادگان باوردارندگان دعا کنندگان توبه نمایندگان عبادت به جا آرندگان روزه دارندگان شوهر دیدگان و شوهر نادیدگان.
۶. ای مسلمانان! نگاه دارید خویشتان را و اهل خانه خود را از آتشی که آتش انگیز آن مردمان باشند و سنگ‌ها نیز؛ بر آن آتش موکل اند فرشتگان درشت خوی سخت رو؛ نافرمانی نمی‌کنند خدا را در آنچه فرموده است خدا ایشان را و می‌کنند هر چه حکم می‌شود ایشان را.
۷. [آن روز گوئیم:] ای کافران! عذر پیش میارید امروز. جز این نیست که جزا داده می‌شود شما را به حسب آنچه می‌کردید.
۸. ای مسلمانان! رجوع کنید به سوی خدا، رجوع خالص. امید است از پروردگار شما که زایل کند از شما جرم‌های شما را و در آورد شما را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، روزی که رسوا نکند خدای تعالی پیغامبر را و نه آنان را که ایمان آورده‌اند همراه او. نور ایشان می‌رود میان دو دست ایشان و به جانب راست ایشان. می‌گویند: ای پروردگار ما! تمام ده برای ما نور ما را و بیمارز ما را، هر آینه تو بر هر چیز توانایی.

۱ مترجم گوید که: آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، ماریه قبطیه را سریه خود ساخته و ازواج آن حضرت، غیرت‌کردند. آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، برای خاطر داشت ایشان ماریه را بر خود حرام گردانید و آن حضرت تیسری از اسرار خود با بعضی ازواج اظهار فرموده و در کتمان آن مبالغه کرد؛ آن زوجه به دیگری اظهار نمود. آنحضرت، صلی‌الله علیه و سلم، به طریق وحی بر افشای آن سر مطلع شدند و به نوعی از رمز آن قصه در میان‌هاند و عتاب فرمودند. خدای تعالی در باب پند ازواج طاهرات و تهدید ایشان نازل ساخت؛ والله اعلم.

۲ یعنی به ادای کفاره.

۳ یعنی حفصه و عائشه، رضی‌الله‌عنهما؛ والله اعلم.

۹. ای پیغمبر! جهاد کن با کافران و با منافقان نیز و درشت شو بر ایشان و جای ایشان دوزخ است و وی بدجایی است.
۱۰. پدید آورد خدا داستانی را برای آنان که کافر شدند، زن نوح را و زن لوط را؛ بودند زیر نکاح دو بنده شایسته از بندگان ما؛ پس خیانت کردند به آن دو بنده، پس دفع نکردند ایشان از آن دو زن چیزی را از عذاب خدا و گفته شد: درآید در دوزخ با درآیندگان!
۱۱. و پدید آورد خدا داستانی را برای آنان که ایمان آوردند، زن فرعون را چون گفت: ای پروردگار من! بنا کن برای من نزدیک خود خانه‌ای در بهشت و خلاص کن مرا از فرعون و کار او و خلاصی ده مرا از قوم ستمکاران.
۱۲. و مریم، دختر عمران، را که نگاه داشت فرج خود را، پس دمیدیم در فرج او روح خود را، و باور داشت سخنان پروردگار خود را و کتاب‌های او را و بود از فرمانبردارندگان.<sup>۱</sup>

## ۶۷. سوره ملک

در مکه نازل شده و آن سی آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. بسیار بابرکت است آن خدا که به دست اوست پادشاهی و او بر همه چیز تواناست.
۲. آن خدا که آفرید موت و حیات را تا بیازماید شما را که کدام یک از شما نیکوتر است در عمل و اوست غالب آمرزگار.
۳. آن خدا که آفرید هفت آسمان را تو بر تو. نبینی [ای بیننده] در آفرینش خدا هیچ بی ضابطگی. پس بازگردان چشم را، آیا می بینی هیچ شکستگی؟
۴. پس بازگردان چشم را دوباره تا بازآید به جانب تو چشم خوار شده مانده گشته.
۵. و هرآینه زینت دادیم آسمان نزدیک را به چراغ‌ها و ساختیم آن چراغ‌ها را آلات رجم شیاطین و آماده کرده‌ایم برای شیاطین، عذاب دوزخ.
۶. و برای آنان که کافر شدند به پروردگار خود عذاب دوزخ است و آن بدجایی است.
۷. وقتی که افکنده شود ایشان را به دوزخ، بشنوند آن را آوازی مانند آواز خر و آن دوزخ جوش می زند.
۸. نزدیک است که پاره پاره شود از خشم. هرگاه افکنده شود به دوزخ گروهی را، سؤال کنند از آن گروه نگاهبان دوزخ: آیا نیامده بود نزدیک شما هیچ پیغامبر ترساننده؟
۹. بگویند: آری! آمده بود به ما ترساننده‌ای. پس دروغ داشتیم و گفتیم: نفرود آورده است خدا هیچ چیزی را. نیستید شما مگر در گمراهی بزرگ.
۱۰. و گویند: اگر ما می شنیدیم یا می فهمیدیم، نمی شدیم داخل در زمره اهل دوزخ.
۱۱. پس اقرار کردند به گناه خویش، پس لعنت باد اهل دوزخ را!

۱ یعنی روح حضرت عیسی در رحم مریم آمد و فرج، کنایت است از رحم.

۱۲. هرآيينه آنان که می‌ترسند از پروردگار خویش غايبانه، ايشان راست آمرزش و مزد بزرگ.
۱۳. و پنهان کنيد سخن خود را يا آشکارا گوئيد آن را، هرآيينه خدا داناست به آنچه در سينه‌ها باشد.
۱۴. آيا نداند کسی که آفريد و اوست باريک‌بين خبردار؟!
۱۵. اوست آن که رام ساخت برای شما زمين را تا راه رويد در نواحی آن و بخوريد از رزق خدا و به سوی اوست برانگيختن.
۱۶. آيا ايمن شده‌ايد از کسی که در آسمان است از آنکه فرو برد شما را به زمين، پس ناگهان زمين جنبش کند؟
۱۷. آيا ايمن شده‌ايد از کسی که در آسمان است از آنکه بفرستد بر شما باد سنگبار؟ پس خواهيد دانست چگونه است ترسانيدن من.
۱۸. و هرآيينه دروغ داشتند آنان که پيش از ايشان بودند، پس چگونه بود عقوبت من؟
۱۹. آيا ندیده‌اند به سوی مرغان بالاي خود گشاينده بازوی و گاه‌گاه فراهم می‌آرند؟! نگاه نمی‌دارد ايشان را مگر خدا، هرآيينه او به هر چيز بيناست.
۲۰. آيا کيست آن که وی لشکر است برای شما، نصرت می‌دهد شما را بجز خدا؟ نيستند کافران مگر در فريب.
۲۱. آيا کيست آن که روزی دهد شما را اگر بازگيرد خدا روزی خود را؟ بلکه محکم پيوسته‌اند در سرکشی و رميدگی.
۲۲. آيا کسی که برود نگويسار افتاده بر روی خود، راه یافته‌تر است يا کسی که می‌رود راست ايستاده بر راه راست؟<sup>۱</sup>
۲۳. بگو: اوست آن که بيافريد شما را و پديد آورد برای شما شنوایی و چشم‌ها و دل‌ها. اندکی شکر می‌کنيد.
۲۴. بگو: اوست آن که پراکنده ساخت شما را در زمين و به سوی او برانگيخته خواهيد شد.
۲۵. و می‌گويند کافران: کی باشد اين وعده اگر راستگوئيد؟!
۲۶. بگو: جز اين نيست که علم نزديک خداست و جز اين نيست که من بيم‌کننده آشکارم.
۲۷. و آنگاه که ببينند آن وعده را نزديک شده، ناخوش کرده شود<sup>۲</sup> روی آنان که کافر شدند و گفته شود: اين است آنچه او را می‌طلبيديد.
۲۸. بگو: آيا ديديد اگر هلاک کند مرا خدا و آنان را که همراه منند يا رحمت کند بر ما، به هر تقدير که خلاصی دهد کافران را از عذاب درد دهنده؟
۲۹. بگو: اوست بخشاينده، به وی ايمان آورديم و بر وی توکل نموديم، پس خواهيد دانست که کيست در گمراهی ظاهر.
۳۰. بگو: آيا ديديد اگر شود آب شما فرورفته، پس که بيارد به شما آب روان را؟

۱ مترجم گوید: اين مثل است کافر و مؤمن را؛ والله اعلم.

۲ يعنی سنت خدا آن است که مردم بد اصل غالباً متصّف به اين صفاتِ رذيله باشند.

۶۸. سوره قلم

در مکه نازل شده و آن پنجاه و دو آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. ن و قسم به قلم! [اعلی] و به آنچه می نویسند فرشتگان!
  ۲. نیستی تو به فضل پروردگار تو دیوانه.
  ۳. و هرآینه تو راست مزد بی نهایت.
  ۴. و هرآینه تو بر خوی بزرگی.
  ۵. پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید.
  ۶. که به کدام یک از شما دیوانگی است.
  ۷. هرآینه پروردگار تو داناتر است به کسی که غلط کرد راه او را و او نیز داناتر است به راه یافتگان.
  ۸. پس فرمان مبر دروغ دارندگان را.
  ۹. آرزو کردند که ملایمت کنی تا ایشان نیز ملایمت کنند.
  ۱۰. و فرمان قبول مکن هر بسیار سوگند خورنده محقر را.
  ۱۱. هر عیب کننده را، هر رونده به سخن چینی را.
  ۱۲. هر بخل کننده و به مال از حد گذشته گنه کار را.
  ۱۳. هر سخت روی را بعد از این همه، ملحق را نه از اصل ایشان را.<sup>۱</sup>
  ۱۴. به سبب آنکه هست صاحب مال و فرزندان.
  ۱۵. [تکذیب کرد] چون خوانده شود بر وی آیات ما، گوید: افسانه پیشینیان است.
  ۱۶. داغ خواهیم نهاد او را بر بینی.<sup>۲</sup>
  ۱۷. هرآینه ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزموده بودیم خداوندان بوستان را؛ چون قسم خوردند که البته درو کنند بوستان را صباح کنان.
  ۱۸. و ان شاء الله نمی گفتند.
  ۱۹. پس به گرد آمد بر آن بوستان بلایی از پروردگار تو<sup>۳</sup> و ایشان خفته بودند.
  ۲۰. پس شد مانند زراعت بریده شده.
  ۲۱. پس با یکدیگر آواز دادند صباح کنان.
  ۲۲. که پگاه روید به کشت خود اگر درو کننده اید.
  ۲۳. پس رفتند با یکدیگر سخن پنهان گویان.
  ۲۴. باید که داخل نشود در بوستان امروز بر شما هیچ فقیری.
  ۲۵. و پگاه رسیدند بر نیت بخل، توانا به زعم خود.
  ۲۶. پس آنگاه که دیدند آن بوستان را، گفتند: هرآینه ما غلط کننده راهیم.<sup>۴</sup>
  ۲۷. نه! بلکه ما محروم کردگانیم.

۱ کنایت است از رسوا کردن.

۲ یعنی سیاه کرده شود.

۳ یعنی آتش درگرفت.

۴ یعنی این بوستان دیگر است، بوستان ما نیست.

۲۸. گفت بهترین ایشان : آیا نگفته بودم شما را که چرا تسبیح نمی گوید؟<sup>۱</sup>
۲۹. گفتند: به پاکی یاد می کنیم پروردگار خود را، هرآینه ما ستمکار بودیم.
۳۰. پس روی آوردند بعضی ایشان بر بعضی با یکدیگر ملامت کنان.
۳۱. گفتند: ای وای ما را، هرآینه بودیم از حد گذشته.
۳۲. امید است از پروردگار ما که عوض دهد ما را بوستانی بهتر از این، هرآینه ما به سوی پروردگار خویش توقع دارندگانیم.
۳۳. همچنین است عذاب و هرآینه عذاب آخرت بزرگتر است؛ کاش می دانستند!
۳۴. هرآینه متقیان را نزدیک پروردگار ایشان بوستان های نعمت باشد.
۳۵. آیا گردانیم مسلمانان را مانند گناهکاران؟
۳۶. چیست شما را، چگونه مقرر می کنید؟
۳۷. آیا نزدیک شما کتابی هست که در وی تلاوت می کنید [این مضمون] که:
۳۸. هرآینه شما را باشد در معاد آنچه اختیار می کنید.
۳۹. آیا شما را عهدهای محکم است بر ذمه ما که حکم آن تا به قیامت باقی باشد [به این مضمون] که هرآینه شما راست آنچه مقرر کنید.
۴۰. پپرس از مشرکان: کدام یک از ایشان به این مقدمه، متعهد است.
۴۱. آیا این مشرکان را شریکان هستند؟ پس باید که بیازند شریکان خود را اگر راستگویند.
۴۲. روزی که جامه برداشته شود از ساق و خوانده شود ایشان را به سوی سجده، پس نتوانند.
۴۳. نیایش<sup>۲</sup> ظاهر باشد بر چشم های ایشان، فروگیرد ایشان را خواری و هرآینه خوانده می شد ایشان را به سجده، حال آنکه ایشان بی علت بودند.
۴۴. پس بگذار مرا با کسی که دروغ می شمرد این سخن را. پایه پایه خواهیم کشید این جماعت را از آن راه که نمی دانند.
۴۵. و مهلت خواهیم داد ایشان را، هرآینه حيله من محکم است.
۴۶. آیا می طلبی از این جماعت مزدی؟ پس ایشان از تاوان گرانبارند
۴۷. آیا نزدیک این جماعت علم غیب است، پس ایشان می نویسند؟
۴۸. پس صبر کن به انتظار حکم پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی،<sup>۳</sup> چون دعا کرد و او پر از غم شده بود.
۴۹. اگر نه آن است که دریافت او را رحمتی از جانب پروردگار او، البته برتافته می شد به زمین بی گیاه و او بدحال بودی.<sup>۴</sup>
۵۰. پس برگزیدش پروردگار او، پس ساخت او را از جمله صالحان.

۱ یعنی رجوع به خدا کنید.

۲ در صحیحین است و لفظ حدیث از بخاری است که ابوسعید خدری، رضی الله عنه، روایت می کند از رسول الله، صلی الله علیه و سلم، که شنید او را که می فرمودند که روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ما ساق خود را پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان از مرد و زن و سجده نتواند کسی که در دنیا به جهت ریا و سمعه سجده می کرد. پس کوشش می کند که سجده کند، ولی به آن قادر نمی شود؛ زیرا که پشت او یک طبق مثل تخته راست می شود.

۳ یعنی یونس، علیه السلام.

۴ لیکن رحمت در رسید و بدحال نشد.

۵۱. و هرآینه نزدیک‌اند کافران که بلغزانند تو را به چشمهای تیز خود، چون شنیدند قرآن را و می‌گویند: هرآینه این پیغامبر دیوانه است.  
 ۵۲. و به حقیقت نیست این قرآن مگر پندی، عالم‌ها را.

## ۶۹. سوره حاقّه

در مکه نازل شده و آن پنجاه‌ودو آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قیامت.
۲. چیست آن قیامت؟
۳. و چه چیز خبردار کرد تو را که چیست آن قیامت؟
۴. دروغ شمرد قبیله ثمود و عاد قیامت را.
۵. اما ثمود، پس هلاک کرده شد ایشان را به نعره تند.
۶. و اما عاد، پس هلاک کرده شد ایشان را به باد سخت از حد در گذشته.
۷. خدای برگماشت آن باد بر عاد، هفت شب و هشت روز نهایت نحس. پس می‌دیدى [ای بیننده] آن قوم را بر زمین افتاده گویا ایشان تنه‌های درختان خرمای از کهنگی برهم شده‌اند.
۸. پس آیا می‌بینی ایشان را هیچ بقیه؟
۹. و به عمل آورد فرعون و آنان که پیش از وی بودند و اهل مؤتفکات نیز گناه را.
۱۰. پس نافرمانبرداری کردند فرستاده پروردگار خود را، پس درگرفت خدا آن جماعت را درگرفتن عظیم.
۱۱. و هرآینه تا وقتی که از حد گذشت آب، سوار کردیم شما را بر کشتی روان.
۱۲. تا بکنیم این مقدمه را برای شما پندی و یاد دارد آن را گوش یاد دارنده.
۱۳. پس چون دمیده شود در صور یک بار دمیدن.
۱۴. و برداشته شود زمین و کوه‌ها را پس کوفته شود ایشان را یک‌بار کوفتن.
۱۵. پس آن روز متحقق شود قیامت.
۱۶. و بشکافد آسمان، پس آن روز سست شده باشد.
۱۷. و فرشتگان بر کناره‌های آسمان باشند و بردارند تخت پروردگار تو را بالای خویش آن روز هشت کس.
۱۸. آن روز پیش آورده شود شما را، پنهان نماند از حال شما هیچ سړی.
۱۹. اما آن که داده شدش نامه اعمال او به دست راست او، پس گوید: بگیرید! بخوانید نامه اعمال مرا!
۲۰. هرآینه من معتقد بودم که من به هم خواهم رسید به حساب خود.
۲۱. پس آن شخص در زندگانی پسنديده باشد.

۱ و این کنایه است از شدت عداوت ایشان.

۲ مترجم گوید: ظاهر نزدیک بنده آن است که معنی آیت است عقوبت ثابت؛ چیست آن عقوبت ثابت و هر چیز مطلع ساخت تو را که چیست آن عقوبت ثابت، بعد از آن چند عقوبت گذشته را بیان فرمود.



۲۲. در بهشتی بلند.
۲۳. که میوه آن قریب‌الحصول است.
۲۴. گفته شود: بخورید و بیاشامید، خوردن و آشامیدن گوارا؛ به سبب آنچه پیش فرستاده بودید در روزهای گذشته.
۲۵. و اما آن که داده شدش نامه اعمال او به دست چپ او، پس گوید که: ای کاش داده نمی‌شد مرا نامه اعمال من!
۲۶. و ای کاش نمی‌دانستم که چیست حساب من!
۲۷. ای کاش مرگ آخر کننده کار بودی!
۲۸. هیچ نفع نکرد از من مال من.
۲۹. زایل شد از من پادشاهی من.
۳۰. گفته شود: ای فرشتگان! بگیری‌دش پس طوق به گردن کنیدش
۳۱. باز در دوزخ داخل کنیدش.
۳۲. باز در زنجیری که مساحت آن هفتاد گز باشد درآریدش.
۳۳. هرآینه این شخص، ایمان نمی‌داشت به خدای بزرگ.
۳۴. و رغبت نمی‌داد مردمان را بر طعام دادن فقیر.
۳۵. پس نیست این شخص را امروز اینجا خویشاوندی.
۳۶. و نیست این شخص را هیچ طعامی، مگر از زرد آب.
۳۷. که نخورند آن را مگر گناهکاران.
۳۸. پس قسم می‌خورم به آنچه می‌بینید!
۳۹. و به آنچه نمی‌بینید!
۴۰. هرآینه قرآن گفتار فرشته بزرگوار است.
۴۱. و نیست آن گفتار شاعر. اندکی ایمان می‌آرید.
۴۲. و نیست گفتار کاهن. اندکی پند می‌پذیرید.
۴۳. فرود آورده شده است از جانب پروردگار عالم‌ها.
۴۴. و اگر می‌بست پیغامبر بر ما بعض سخن‌ها را.
۴۵. هرآینه می‌گرفتیم از او دست راست او را.
۴۶. باز می‌بریدیم رگ دل او را.<sup>۱</sup>
۴۷. پس نیست از شما هیچ کس از او بازدارنده.<sup>۲</sup>
۴۸. و هرآینه قرآن، پند است پرهیزگاران را.
۴۹. و هرآینه می‌دانیم که بعض شما دروغ دارنده‌اید.
۵۰. و هرآینه قرآن، حسرت است بر کافران.
۵۱. و هرآینه قرآن، راست درست است.
۵۲. پس به پاکی یاد کن پروردگار بزرگوار خود را.

۱ مترجم گوید: عادت سیاف آن است که دست راست اسیر را به دست چپ خود بگیرد و شمشیر به گردن او حواله‌کند؛ لهذا به این اسلوب گفته شد.

۲ یعنی عقوبت ما را.

۷۰. سوره معارج

در مکه نازل شده و آن چهل و چهار آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. طلب کرد طلب کننده عقوبتی.
  ۲. بر کافران فرود آینده. نیست او را هیچ بازدارنده.<sup>۱</sup>
  ۳. فرود آینده از جانب خدا، خداوند مرتبه‌ها.
  ۴. [که بر آن صعود کرده شود،] بالا می‌روند فرشتگان و روح نیز<sup>۲</sup> به سوی خدا، عقوبت فرود آینده بر کافران در روزی که هست مقدار آن پنجاه هزار سال.
  ۵. پس صبر کن، صبر نیک.
  ۶. هر آینه کافران دور می‌بینند آن روز را.
  ۷. و ما نزدیک می‌بینیمش.
  ۸. روزی که شود آسمان مانند مس گداخته.
  ۹. و شود کوه‌ها مانند پشم رنگین.
  ۱۰. و نپرسد هیچ خویشاوند، خویشاوند دیگر را.
  ۱۱. نموده شود ایشان را قرباتیان ایشان. آرزو کند گناهکار که عوض دهد از عذاب آن روز، فرزندان خود را.
  ۱۲. و زن خود را و برادر خود را.
  ۱۳. و نیز قبیله خود را که جای می‌دهد او را.
  ۱۴. و نیز هر که در زمین است، همه یکجا. پس برهاند این عوض دادن، خودش را.
  ۱۵. نی‌انی! هر آینه دوزخ آتشی است شعله زنده.
  ۱۶. پوست سر را برکشنده.
  ۱۷. می‌خواند هر که را اعراض کرد و روی گردان شد.
  ۱۸. و جمع مال نمود، پس در آوردند نگاه داشت.
  ۱۹. هر آینه آدمی آفریده شده است ناشکیننده.
  ۲۰. چون برسدش مصیبت، اضطراب کننده.
  ۲۱. و چون برسدش رفاهیت، بخل نماینده.
  ۲۲. مگر نماز گزاران.
  ۲۳. آنان که ایشان بر نماز خویش، همیشه باشندگانند.
  ۲۴. و آنان که در اموال ایشان حصه‌ای هست مقرر.
  ۲۵. برای سائل و بی‌مایه کم سؤال.
  ۲۶. و آنان که باور می‌دارند روز جزا را.
  ۲۷. و آنان که ایشان از عذاب پروردگار خود، ترسندگانند.
  ۲۸. هر آینه عذاب پروردگار ایشان چنان است که از آن ایمن نتوان شد.
  ۲۹. و آنان که ایشان اندام نهانی خود را نگاهدارندگانند.

۱ یعنی گفتند: «متی هذا الوعد ان کتم صادقین».

۲ یعنی جبرئیل، علیه‌السلام.

۳۰. مگر بر زنان خود یا کنیزکانی که مالک آنها شده است دستِ ایشان؛ پس هرآینه این فریق ملامت کرده شده نیستند.
۳۱. پس هر که طلب کند سوای این، پس آن جماعت، ایشانند از حد گذشتگان.
۳۲. و آنان که ایشان امانت‌های خود را و عهد‌های خود را رعایت کنندگانند.
۳۳. و آنان که ایشان بر گواهی‌های خود، متعهد شوندگانند.
۳۴. و آنان که ایشان بر نماز خود محافظت کنندگانند.
۳۵. این جماعت در بوستان‌ها باشند، گرامی کردگانند.
۳۶. پس چیست کافران را به سوی تو شتابانند؟
۳۷. از جانب راست و از جانب چپ گروه‌گروه شده.
۳۸. آیا طمع می‌کند هر شخصی از ایشان که درآورده شود به بوستان نعمت؟
۳۹. نی‌بی! هرآینه ما آفریده‌ایم ایشان را از آنچه می‌دانند.<sup>۱</sup>
۴۰. پس قسم می‌خورم به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها که هرآینه ما تواناییم!
۴۱. بر آنکه عوض آریم بهتر از ایشان و نیستیم ما عاجز.
۴۲. پس بگذار، [یا محمد]، ایشان را که به بیهودگی درآیند و بازی کنند تا آنکه برخورند به آن روز خود که وعده داده می‌شد ایشان را.
۴۳. روزی که برآیند از قبور، شتابان؛ گویا ایشان به سوی نشانه می‌دوند.
۴۴. نیایش ظاهر شده باشد بر دیده‌های ایشان، درگیرد ایشان را خواری. این است آن روز که وعده داده می‌شد ایشان را.

## ۷۱. سوره نوح

در مکه نازل شده و آن بیست‌وهشت آیت است.

به‌نام خدای بخشاینده مهربان

۱. هرآینه ما فرستادیم نوح را به سوی قوم او که بت‌رسان قوم خود را، پیش از آنکه بیاید بدیشان عقوبتی درد دهنده.
۲. گفت: ای قوم من! هرآینه من برای شما ترساننده ظاهرم.
۳. [به این مضمون] که عبادت کنید خدا را و بت‌رسید از او و فرمان من برید.
۴. تا بیمارزد برای شما گناهان شما را و موقوف دارد شما را تا وقتی مقرر؛ هرآینه وقت مقرر کرده خدا چون بیاید، هرگز موقوف داشته نشود آن را اگر می‌دانید.
۵. گفت: ای پروردگار من! هرآینه من خواندم قوم خود را شب و روز.
۶. پس زیاده نکرد در حق ایشان خواندن من، مگر گریختن را.
۷. و هرآینه من هرگاه که دعوت کردم ایشان را تا بیمارزی برای ایشان، درآوردند انگشتان خود را در گوش‌های خویش و به خود درپیچیدند جامه‌های خویش را و مداومت کردند بر کفر و سرکشی نمودند، سرکشی تمام.
۸. باز هرآینه من دعوت کردم ایشان را به آواز بلند.

۱ یعنی از منی.

۹. باز هر آینه من آشکار گفتم به ایشان و پنهان گفتم ایشان را نیز پنهان گفتمی.
۱۰. پس گفتم: طلب آموزش کنید از پروردگار خود، هر آینه اوست آمرزنده.
۱۱. تا بفرستد بر شما باران را ریزنده.
۱۲. و پی در پی دهد شما را اموال و فرزندان و بدهد شما را بوستان‌ها و پدید آرد برای شما جوی‌ها.
۱۳. چیست شما را که اعتقاد نمی‌کنید برای خدا بزرگی را؟
۱۴. و حال آنکه آفریده است شما را به طورهای مختلف.
۱۵. آیا نمی‌بینید چگونه آفرید خدا هفت آسمان را تو بر تو؟
۱۶. و ساخت ماه را در میان اینها فروزنده و ساخت آفتاب را چراغ درخشنده؟
۱۷. و خدا رویانید شما را از زمین، نوعی از رویانیدن.
۱۸. پس باز درآرد شما را به زمین و بیرون آرد شما را نیز از طوری بیرون آوردن.
۱۹. و خدا ساخت برای شما زمین را فراشی.
۲۰. تا بروید در آن زمین به راه‌های گشاده.
۲۱. گفت نوح: ای پروردگار من! هر آینه این جماعت نافرمانی من کردند و پیروی نمودند به کسی که زیاده نکرده است در حق وی مال وی و فرزند وی، مگر زیان را.<sup>۱</sup>
۲۲. و بدسگالی کردند ریسان، بدسگالی عظیم.
۲۳. و گفتند: هرگز ترک مکنید معبودان خود را و هرگز ترک مکنید و سواع و یغوث و یعوق و نسر را.<sup>۲</sup>
۲۴. و هر آینه گمراه کردند بسیاری را و زیاده مده خدایا ستمکاران را، مگر گمراهی!
۲۵. به سبب گناهان خود غرق کرده شد ایشان را پس درآورده شد ایشان را به آتش؛ لیک نیافتند برای خویش بجز خدا هیچ نصرت دهند.
۲۶. و گفت نوح: ای پروردگار من! مگذار بر زمین از کافران هیچ ساکن شونده.
۲۷. هر آینه تو اگر بگذاری ایشان را، گمراه سازند بندگان تو را و نزایند مگر بدکار ناسپاسدار را.
۲۸. ای پروردگار من! بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و هر که را درآید به خانه من ایمان آورده و جمیع مؤمنین و مؤمنات را و زیاده مده ستمکاران را، مگر هلاکی!

## ۷۲. سوره جن

در مکه نازل شده و آن بیست‌وهشت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. <sup>۲</sup> بگو: وحی فرستاده شد به سوی من که گوش نهادند جماعتی از جن، پس گفتند: هر آینه ما شنیدیم قرآنی عجیب.

۱ یعنی به رؤسای کفار.

۲ و این پنج بت بودند.

۳ مترجم گوید: روزی که آن حضرت، صلی الله علیه و سلم، نماز صبح بیرون مکه می‌خواندند، جماعتی از جن آنها استماع کردند و ایمان آوردند. خدای تعالی از ایمان ایشان و گفتگوی ایشان با قوم خود درین

۲. که دلالت می‌کند به سوی راه راست، پس ایمان آوردیم به آن و شریک مقرر نخواهیم کرد با پروردگار خویش هیچ یک را.
۳. [و بیان کردند آن جنیان که] بلند است بزرگی پروردگار ما، فرا نگرفته است زنی و نه فرزندی.
۴. و آنکه افترا می‌کرد جاهل ما بر خدا دروغ.
۵. و آنکه ما پنداشتیم که هرگز نگویند بنی آدم و جنیان بر خدا سخن دروغ را.
۶. و آنکه مردان بنی آدم پناه می‌گرفتند به مردان جن، پس زیاده کردند در حق آن جنیان سرکشی را.<sup>۱</sup>
۷. و آنکه آدمیان گمان کردند، چنانکه شما گمان کرده بودید که هرگز نفرستد خدا هیچ کس را.<sup>۲</sup>
۸. و آنکه ما دست رسانیدیم به آسمان، پس یافتیم که آسمان پر کرده شده به پاسبانان محکم و به ستاره‌های فرود آینده.
۹. و آنکه ما می‌نشستیم پیش از این به جاها برای شنیدن،<sup>۳</sup> پس هر که گوش نهد الحال بیاید برای خود ستاره‌ای مهیا ساخته.
۱۰. و آنکه ما نمی‌دانیم آیا بلایی اراده کرده شد در حق آنان که در زمینند یا اراده کرده است در حق ایشان پروردگار ایشان خیر را؟
۱۱. و آنکه از ما جمعی شایسته کارانند و جمعی از ماسوای اینند. هستیم فرق‌های [مختلف.
۱۲. و آنکه ما دانستیم که هرگز عاجز نتوانیم کرد خدا را در زمین و عاجز نتوانیم کرد او را از جهت گریختن.
۱۳. و آنکه ما چون شنیدیم هدایت را، ایمان آوردیم به آن. پس هر که ایمان آرد به پروردگار خویش، پس نترسد از هیچ نقصانی و نه از هیچ ستمی.
۱۴. و آنکه جمعی از ما مسلمانند و جمعی از ما گناهکارانند؛ پس هر که مسلمان شد، پس آن جماعت قصد کردند راه راست را.
۱۵. و اما گناهکاران، پس باشند هیزم برای دوزخ.
۱۶. [و نیز بگو: یا محمد، که وحی فرستاده شده به سوی من که بنی آدم] اگر راست می‌ایستادند بر راه راست، البته می‌نوشتانیدیم ایشان را آب بسیار.
۱۷. تا امتحان کنیم ایشان را به آن<sup>۴</sup> و هر که اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود، درآردش به عذابی سخت.
۱۸. و آنکه مسجدها مخصوص برای خداست؛ پس عبادت مکنید با خدا هیچ یک را.
۱۹. و آنکه چون ایستاد بنده خدا<sup>۵</sup> که عبادت کند خدا را، نزدیک بودند جنیان که بر آن بنده یکی بر دیگری چسبیده شوند.<sup>۶</sup>

سوره خیر داد تا قوله و ان لو استقاموا؛ والله اعلم.

۱ اشارت است به آنکه در جاهلیت چون به جایی فرود می‌آمدند، می‌گفتند: «اعوذ بسید هذا الوادی من سفهاء قومه.»

۲ یعنی پیغامبر نفرستد.

۳ یعنی برای شنیدن کلام ملائکه.

۴ یعنی ارزانی می‌شد و قحط نمی‌آمد.

۵ یعنی محمد، صلی الله علیه و سلم.

۶ یعنی از حرص بر استماع قرآن.

۲۰. بگو: جز این نیست که عبادت می‌کنم پروردگار خود را و شریک مقرر نمی‌کنم به او هیچ یک را.
۲۱. بگو: هر آینه من نمی‌توانم در حق شما ضرر رسانیدن و نه لازم کردن، طریق راستی.
۲۲. بگو: هر آینه پناه ندهد مرا از عقوبت خدا هیچ یک و هرگز نیابم بجز وی پناهی.
۲۳. لیکن بجا آریم خبر رسانیدن از جانب خدا و تبلیغ پیغام‌های او و هر که نافرمانبرداری کند خدا را و پیغامبر او را، پس هر آینه او راست آتش دوزخ، جاویدان در آنجا همیشه.
۲۴. در غفلت خود باشند تا وقتی که ببینند آنچه وعده داده می‌شود ایشان را، پس خواهند دانست کیست ناتوانتر به اعتبار نصرت دهنده و کمتر از روی شمار.
۲۵. بگو: نمی‌دانم آیا نزدیک است آنچه وعده داده می‌شود شما را یا مقرر کند برای او پروردگار من میعاد.
۲۶. داننده پنهان است، پس مطلع نمی‌سازد بر علم غیب خود هیچ یک را.
۲۷. مگر کسی که پسند کرد او را، مراد از پیغامبر است، پس هر آینه خدا روان می‌کند پیش دست وی و پس پشت وی، فرشتگان نگاهبان را.
۲۸. تا بدانند [خدا] که به تحقیق رسانیده‌اند پیغام‌های پروردگار خود را و خدا از هر جهت به گرد آمده است بر آنچه نزدیک ایشان است و فرا گرفته است هر چیزی را از روی شمار.

### ۷۳. سوره مزمل

در مکه نازل شده و آن بیست آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. ای مرد جامه بر خود پیچیده!
۲. قیام لیل کن مگر اندکی.
۳. قیام نیم‌شب کن یا اندکی از نیم‌شب، کم‌نما.
۴. بر نیم‌شب بیغزای و ترتیل کن قرآن را به واضح خواندن.
۵. هر آینه ما خواهیم نازل کرد بر تو فرمانی دشوار.
۶. هر آینه قیام شب زیاده‌تر است در موافقت زبان با دل و درست‌تر در تلفظ الفاظ.
۷. هر آینه تو را در روز شغلی است بسیار.

۱ یعنی تا تبلیغ در خارج متحقق گردد؛ زیرا که آن علم است؛ والله اعلم.

۲ مترجم گوید: در ابتدای اسلام، خدای تعالی قیام لیل بر آن حضرت، صلی الله علیه و سلم، و بر مسلمانان مؤکد گردانید و چون این معنی برایشان نهایت دشوار آمد، بعد یک سال رخصت نازل فرمود. «ان ربک یعلم» الی آخر السوره تا هر که خواهد قیام کند و هر که خواهد نکند و هر قدر که خواهد بخواند؛ والله اعلم.

۳ یعنی به سبب هیبت وحی.

۴ یعنی اگر شب‌ها نکنی گناه نباشد؛ والله اعلم.

۵ یعنی دعوت کفار به اسلام.

- ۸ و یاد کن نام پروردگار خود را و از همه جهت گسسته شو، متوجه شده به سوی او، نوعی گسسته شدن.
- ۹ پروردگار مشرق و مغرب است، نیست هیچ معبود مگر او، پس کارساز گیر او را.
- ۱۰ و صبر کن بر آنچه می‌گویند و ترک کن ایشان را ترک کردن نیکو.
- ۱۱ و بگذار مرا بادروغ شمارندگان، خداوندان رفاهیت و مهلت ده ایشان را اندکی.
- ۱۲ هرآینه هست نزدیک ما قیده‌های گران و آتش افروخته.
- ۱۳ و طعام گلوگیر و عذاب درد دهنده.
- ۱۴ روزی که بجنبند زمین و کوه‌ها و شوند کوه‌ها مانند تل‌ریگ از هم پاشیده شده.
- ۱۵ هرآینه ما فرستادیم به سوی شما پیغامبری گواهی دهنده بر شما؛ چنانکه فرستاده بودیم به سوی فرعون پیغامبری را.
- ۱۶ پس نافرمان‌داری کرد فرعون آن پیغامبر را، پس در گرفتیم او را در گرفتن سخت.
- ۱۷ پس اگر کافرمانید، چگونه در پناه شوید از روزی که اطفال را پیر گرداند؟!<sup>۱</sup>
- ۱۸ آسمان شکافته باشد در آن روز. هست وعده خدا البته کردنی.
- ۱۹ هرآینه این پند است، پس هر که خواهد، بگیرد راه به سوی پروردگار خویش.
- ۲۰ هرآینه پروردگار تو می‌داند که تو برمی‌خیزی نزدیک به دو ثلث شب و نیم شب و ثلث شب و نیز برمی‌خیزند جماعتی از آنان که همراه تواند و خدا اندازه می‌کند شب و روز را. دانست خدا که شما احاطه نمی‌توانید کرد قیام لیل را،<sup>۱</sup> پس به رحمت بازگشت بر شما، پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن. دانست خدا که خواهند بود بعضی از شما بیماران و دیگران که سفر می‌کنند در زمین، طلب روزی می‌نمایند از فضل خدا و دیگران که کارزار می‌کنند در راه خدا، پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و وام دهید خدا را وام دادن نیک<sup>۲</sup> و آنچه پیش می‌فرستید برای خویشتن از عمل نیک، آن را بهتر خواهید یافت نزدیک خدا و بزرگتر به اعتبار مزد و طلب آموزش کنید از خدا؛ هرآینه خدا آمرزگار مهربان است.<sup>۳</sup>

## ۷۴. سوره مدثر

در مکه نازل شده و آن پنجاه‌وشش آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان.

- ۱ ای مرد جامه بر خود پیچیده!<sup>۱</sup>
- ۲ برخیز، پس بترسان!
- ۳ و پروردگار خود را به بزرگی یاد کن.
- ۴ و جامه‌های خود را پاک ساز.

۱ یعنی مواظبت نمی‌توانید کرد.

۲ یعنی صرف مال کنید در جهاد به توقع ثواب آخرت؛ والله اعلم.

۳ مترجم گوید: این آیت بعد یک سال نازل شد و آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، در همین سوره لاحق کردند؛ به جهت مناسبت و لهنذا با سائر سوره در اسلوب نمی‌ماند؛ والله اعلم.

۴ یعنی از هیبت وحی.

۵. و پلیدی را دور کن.
۶. و نباید که چیزی بدهی زیاده طلب کنان.<sup>۱</sup>
۷. و برای حکم پروردگار خویش شکیبایی ورز.
۸. پس وقتی که دمیده شود در صور، دشوار شود حال.
۹. پس آن وقت و آن روز وقت دشوار باشد.
۱۰. بر کافران نه وقت آسان.
۱۱. بگذار مرا با کسی که آفریدم تنها.
۱۲. و دادم او را مال فراوان.
۱۳. و فرزندان حاضر شونده به مجالس.
۱۴. و وسعت دادم او را وسعت دادنی.
۱۵. باز طمع می کند که زیاده دهم.
۱۶. نی انی! هر آینه او هست به آیات ما ستیزنده.
۱۷. تکلیف خواهم داد او را به مشقتی.
۱۸. هر آینه وی تأمل کرد و اندازه مقرر نمود.
۱۹. پس لعنت باد او را! چگونه اندازه کرد؟
۲۰. باز دگر لعنت باد بر او! چگونه اندازه کرد؟
۲۱. باز درنگریست.
۲۲. باز روی ترش کرد و پیشانی درهم کشید.
۲۳. باز پشت گردانید و تکبر کرد.<sup>۲</sup>
۲۴. پس گفت: نیست این قرآن، مگر جادویی که از ساحران نقل کرده می شود.
۲۵. نیست این قرآن، مگر کلام آدمی.
۲۶. خواهم درآورد او را به دوزخ.
۲۷. و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست دوزخ؟
۲۸. باقی نمی گذارد و ترک نمی کند.
۲۹. سوزنده است آدمیان را.
۳۰. بر دوزخ موکل اند نوزده کس.<sup>۳</sup>
۳۱. و نساختیم موکلان دوزخ، مگر فرشتگان را و نساخته ایم شمار ایشان را، مگر بلا در حق کافران؛ تا یقین کنند اهل کتاب و تا زیاده شوند مسلمانان در ایمان خود و تا شک نکنند اهل کتاب و مسلمانان و تا بگویند آنان که در دل ایشان بیماری ای است و کافران: چه چیز را اراده کرده است خدا به این داستان؟ همچنین گمراه می کند خدا هر که را خواهد و راه می نماید هر که را خواهد و نمی داند لشکر پروردگار تو را مگر او، تبارک و تعالی و نیست این، مگر پندی برای بنی آدم.
۳۲. نی انی! قسم به ماه!
۳۳. و قسم به شب چون پشت برگرداند!
۳۴. و قسم به صبح چون روشن شود!

۱ یعنی هدیه بردن به رئیسی تاوی زیاده از قیمت هدیه رعایت کند، از اخلاق رذیله است.  
 ۲ مترجم گوید: این تصویر است حال کافر را که خدای تعالی او را نعمت ها داده باشد و او مصرّ باشد بر «كُفْرٌ وَعَبَسَ وَ بَسَّرَ ثُمَّ ابْرَؤُسْتَكْبَرُ» تصویر حال تأمل و تردد است؛ والله اعلم.  
 ۳ مترجم گوید: این آیت اشارت است به شبهه کفار در عدد تسعة عشر. آن حضرت، صلی الله علیه و سلم آن را در همین سوره لاحق فرمودند به جهت مناسبت و لهذا با سائر سوره نمی ماند در اسلوب؛ والله اعلم.



۳۵. هر آینه دوزخ یکی از چیزهای بزرگ است.  
 ۳۶. ترساننده بنی آدم را.  
 ۳۷. ترساننده است برای هر که خواهد از شما که پیشتر آید یا باز پس ماند.  
 ۳۸. هر شخصی به آنچه کرد در گرو است.  
 ۳۹. مگر اهل سعادت.  
 ۴۰. در بوستان‌ها باشند، سؤال کنند.  
 ۴۱. از گناهکاران.  
 ۴۲. چه چیز در آورد شما را در دوزخ؟  
 ۴۳. گویند: نبودیم از نماز گزارندگان.  
 ۴۴. و طعام نمی دادیم فقیر را.  
 ۴۵. و به انکار درمی آمدیم با درآیندگان.  
 ۴۶. و دروغ می شمردیم روز جزا را.  
 ۴۷. تا وقتی که آمد به ما موت.  
 ۴۸. پس سود ندهد ایشان را شفاعت کنندگان.  
 ۴۹. پس چیست ایشان را از پند روی گردان شده؟  
 ۵۰. گویا ایشان خران رم کرده‌اند.  
 ۵۱. که گریخته باشند از شیری.  
 ۵۲. بلکه می خواهد هر شخصی از ایشان که داده شود نامه‌های گشاده.<sup>۱</sup>  
 ۵۳. نی! نی! بلکه نمی ترسند از آخرت.  
 ۵۴. نی! نی! هر آینه قرآن، پند است.  
 ۵۵. پس هر که خواهد، بخواند آن را.  
 ۵۶. و یاد نمی کنند بندگان، مگر وقتی که خواسته باشد خدا؛ اوست سزاوار آنکه از وی بترسند و اوست سزاوار آنکه بیامزد.

## ۷۵. سوره قیامت

در مکه نازل شده و آن چهل آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم می خورم به روز قیامت!
۲. و قسم می خورم به نفس ملامت کننده!<sup>۱</sup>
۳. آیا می پندارد آدمی که جمع نکنیم استخوان‌های او را؟
۴. آری! می کنیم، توانا شده بر آنکه هموار کنیم سر انگشت‌های او را.
۵. بلکه می خواهد آدمی که معصیت کند در زمانی که پیش روی وی است.<sup>۲</sup>

۱ یعنی می گویند باید که کتاب بر هر یک نازل شود.

۲ که آدمی البته مبعوث خواهد شد.

۳ یعنی آمدنی است.

۶. می‌پرسد که کی خواهد بود روز قیامت؟
۷. پس وقتی که خیره شود چشم.
۸. و تیره گردد ماه.
۹. و یکجا جمع کرده شود آفتاب و ماه.
۱۰. بگویند آدمی آن روز که کجاست گریزگاه؟
۱۱. نی‌انی! نیست هیچ پناه.
۱۲. به سوی پروردگار تو است امروز قرارگاه.
۱۳. خیر داده شود آدمی را آن روز به حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود و پس گذاشته.<sup>۱</sup>
۱۴. بلکه هست آدمی برای الزام خود حجتی.
۱۵. اگرچه در میان آرد عذرهای خود را.
۱۶. مجنبان [یا محمد]، به تکرار قرآن زبان خود را تا زود به دست آری یاد کردن آن را.
۱۷. هرآینه وعده است بر ما در سینه تو جمع کردن قرآن و آسان کردن، خواندن آن را.
۱۸. پس چون بخواند فرشته ما آن را، دل خویش را در پی خواندن او کن.
۱۹. باز هرآینه وعده است بر ما واضح کردن آن.<sup>۲</sup>
۲۰. نی‌انی! بلکه [ای کافران] دوست می‌دارید دنیا را.
۲۱. و ترک می‌نمایید آخرت را.
۲۲. یک پاره روی‌های آن روز تازه باشند.
۲۳. به سوی پروردگار خود نظر کننده باشند.
۲۴. و یک پاره روی‌های آن روز پیشانی درهم کشیده باشند.
۲۵. توقع کنند که در میان آورده باشد به ایشان مصیبتی.
۲۶. نی‌انی! وقتی که برسد روح به چنبر گردن.
۲۷. و گفته شود: کیست افسون کننده؟!<sup>۳</sup>
۲۸. و یقین دانست محتضر که این وقت جدا شدن روح است.
۲۹. و بیچید یک ساق محتضر به ساق دیگر.<sup>۳</sup>
۳۰. به سوی پروردگار تو است آن روز، روان کردن.
۳۱. پس نه باور داشت آدمی و نه نماز گزارد.
۳۲. ولیکن دروغ شمرد و روی گردان گشت.
۳۳. باز برفت به سوی اهل خانه خود خرامان شده.
۳۴. وای بر تو! پس وای بر تو!
۳۵. باز دیگر می‌گوییم: وای بر تو! پس وای بر تو!
۳۶. آیا می‌پندارد آدمی که مهمل گذاشته شود؟
۳۷. آیا نبود نطفه‌ای از منی که ریخته می‌شد در رحم؟
۳۸. باز بود خون بسته، پس بیافرید خدا، پس درست اندام کرد.
۳۹. پس ساخت از آن منی دو قسم را؛ مرد را و زن را.

۱ مثل صدقه جاریه و علم باقی.

۲ مترجم گوید: ظاهر نزدیک بنده آن است که معنای آیت چنین باشد: هرآینه وعده لازم است بر ما جمع کردن قرآن در مصاحف و حفظ و قرائت آن عصراً بعد عصر و ایضاً به تفسیر معانی آن خدای تعالی بر دست شیخین، رضی‌الله‌عنه‌ما، جمع آن کرده در هر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند، به تجوید بخوانند و در هر زمانی مفسران را توفیق داد که در تفسیر آن سعی نمایند؛ والله اعلم.

۳ یعنی در پای حرکت نماند.

## ۷۶. سوره انسان

در مکه نازل شده و آن سی و یک آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. هر آینه آمده است بر آدمی مدتی از زمان که نبود چیزی ذکر کرده شده.
۲. هر آینه ما آفریدیم آدمی را از یک پاره منی درهم آمیخته از چند چیز، پس ساختیمش شنوای بینا.<sup>۱</sup>
۳. هر آینه ما دلالت کردیم آدمی را بر راه خود شکر گوینده یا ناسپاس دارنده.
۴. هر آینه ما آماده ساخته‌ایم برای کافران زنجیرها و طوق‌ها و آتش افروخته.
۵. هر آینه نیکوکاران می‌نوشند از پیاله شراب که آمیزش وی آب چشمه کافور باشد.<sup>۲</sup>
۶. چشمه‌ای که می‌آشامند از آن بندگان مقرب خدا، روان کنند آن را روان کردنی.<sup>۳</sup>
۷. وفا می‌کنند به نذر و می‌ترسند از روزی که مشقت آن فاش باشد.
۸. و می‌دهند طعام با وجود احتیاج به آن، فقیر را و یتیم را و زندانی را.
۹. می‌گویند: جز این نیست که طعام می‌دهیم شما را برای ذات خدا، نمی‌طلبیم از شما مزدی و نه شکری.
۱۰. هر آینه ما می‌ترسیم از پروردگار خود روز ترش روی نهایت سخت.
۱۱. پس نگاه داشت ایشان را خدا از سختی آن روز و رسانید ایشان را تازگی و خوشحالی.
۱۲. و جزا داد ایشان را به مقابله صبر ایشان بوستان و جامه ابریشمی.
۱۳. تکیه زده باشند آنجا بر تخت‌ها. نبینند آنجا گرمی آفتاب را و نه سرمای تند را.
۱۴. و نزدیک شده باشد بر ایشان سایه‌های آن بوستان و سهل‌الحصول کرده شود میوه‌های آن، سهل کردنی.
۱۵. و آمدوشد کرده شود بر ایشان به آوندهایی از نقره و با جام‌هایی که باشند آبگینه‌ها.
۱۶. [مراد می‌دارم] آبگینه‌ها از نقره، اندازه کرده باشند ساقیان آن را اندازه کردنی.
۱۷. و نوشانیده شود ایشان را در آنجا جام‌شرابی که هست آمیزش آن، آب چشمه زنجبیل.
۱۸. که چشمه‌ای است در بهشت که نام آن نهاده می‌شود سلسبیل.
۱۹. و آمدوشد کنند بر ایشان نوجوانان جاویدان. چون بینی ایشان را، پنداری که ایشان مرواریدند از رشته افشاننده شده.
۲۰. و چون نگاه کنی آنجا، ببینی نعمت فراوان و پادشاهی بزرگ.
۲۱. بالای ایشان باشد جامه‌های سبز از دیبای نازک و نیز بالای ایشان باشند دیبای لک و زیور پوشانیده شود ایشان را دستاونه‌ها از نقره و بنوشاند ایشان را پروردگار ایشان، شراب نهایت پاک.

۱ یعنی منی مرد و منی زن و خون حیض از حالی به حالی می‌گردانیدیمش.

۲ مراد می‌دارم از کافور چشمه.

۳ یعنی جدولی از آن هر جا که خواهند ببرند؛ والله اعلم.

۲۲. هر آینه این نعمت هست شما را جزای اعمال و هست سعی شما قبول کرده شده.
۲۳. هر آینه ما فرود آوردیم بر تو قرآن را، فرود آوردنی.
۲۴. پس شکیبایی کن بر حکم پروردگار خود و فرمان مبر از زمرة بنی آدم، گناهکاری را یا ناسپاس داری را.
۲۵. و یاد کن نام پروردگار خود صبح و शाम.
۲۶. و بعض ساعات شب نماز گزار برای او و به پاکی یاد کن او را وقت دراز شب.
۲۷. هر آینه این کافران رغبت می کنند به دنیا و ترک می کنند پس پشت خود روز گران را.
۲۸. ما آفریدیم ایشان را و محکم کردیم رگ ایشان را و چون خواهیم، عوض آریم قومی مانند ایشان به طریق بدل کردن.
۲۹. هر آینه این پند است، پس هر که خواهد، بگیرد به سوی پروردگار خود راه را.
۳۰. و نمی خواهید مگر وقتی که خواهد خدا، هر آینه خدا هست دانای با حکمت.
۳۱. داخل می کند هر که را خواهد در رحمت خود و برای ستمکاران آماده کرده است عقوبتی درد دهنده.

## ۷۷. سوره مرسلات

در مکه نازل شده و آن پنجاه آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به بادهای فرستاده شده به وجه نیک!
۲. پس قسم به بادهای تند وزنده به طریق شدت!
۳. پس قسم به بادهای منتشر کننده ابر به پراکندن!
۴. پس قسم به بادهای از هم جدا کننده ابر به پاره پاره نمودن!
۵. پس قسم به جماعت فرشتگان فرود آورنده وحی!
۶. برای دفع عذر و برای ترسانیدن.
۷. هر آینه آنچه وعده داده می شود شما را، البته بودن است.
۸. پس وقتی که ستاره ها بی نور کرده شوند.
۹. و وقتی که آسمان شکافته شود.
۱۰. و وقتی که کوه ها پاره پاره نموده آید.
۱۱. و وقتی که پیغامبران را به میعاد معین جمع کرده شود.
۱۲. برای کدام روز پیغامبران را موقوف داشته شد؟
۱۳. برای روز فیصل کردن.
۱۴. و چه چیز خبر داد تو را که چیست روز فیصل کردن؟
۱۵. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۱۶. آیا هلاک نکرده ایم نخستینان را؟

۱ متحقق گردد آنچه متحقق شدنی است.

۱۷. بعد از آن در پی ایشان آریم پسینان را.
۱۸. همچنین می‌کنیم با گناهکاران.
۱۹. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۲۰. آیا نیافریده‌ایم شما را از آب محقر؟
۲۱. پس نهادیم آن آب را در جای مضبوط.
۲۲. تا اندازه معین.
۲۳. پس اندازه کردیم، پس نیکو اندازه کننده‌گانیم ما.
۲۴. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۲۵. آیا نساخته‌ایم زمین را جمع کننده آدمیان؟
۲۶. جمع کند زندگان را و مردگان را.
۲۷. و آفریدیم در زمین کوه‌های بلند و نوشانیدیم شما را آب شیرین.
۲۸. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۲۹. [گفته شود]: بروید به سوی چیزی که آن را دروغ می‌شمردید.
۳۰. [گفته شود]: بروید به سوی سایه صاحب سه شعبه.
۳۱. نه سایه سرد باشد و نه کفایت کند از گرمی آتش.
۳۲. هرآینه آن آتش می‌افکند شررها مانند کوشک.
۳۳. گویا آن شررها شتران زرد است.
۳۴. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۳۵. این روز، روزی است که سخن نگویند.
۳۶. و نه دستوری داده شود ایشان را تا عذر تقریر نمایند.
۳۷. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۳۸. این روز، روز فیصل کردن است. جمع کردیم شما را با پیشینان.
۳۹. پس اگر شما را حيله هست، بدسگالی کنید در حق من.
۴۰. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۴۱. هرآینه متقیان در زیر سایه‌ها باشند و در چشمه‌ها.
۴۲. و در میوه‌ها از جنسی که رغبت کنند.
۴۳. [بگوییم]: بخورید و بنوشید، خوردن و نوشیدن گوارا به سبب آنچه می‌کردید.
۴۴. هرآینه همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را.
۴۵. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۴۶. ای دروغ شمارندگان! بخورید و بهره‌مند باشید اندکی، هرآینه شما گناهکارید.
۴۷. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۴۸. و چون گفته شود ایشان را: نماز گزارید، نماز نمی‌گزارند.
۴۹. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۵۰. پس به کدام سخن بعد از قرآن ایمان خواهند آورد؟

در مکه نازل شده و آن چهل آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. از چه چیز کافران با یکدیگر سؤال می‌کنند؟
  ۲. [آری سؤال می‌کنند]. از خبری بزرگ.
  ۳. که ایشان در آن اختلاف دارند.<sup>۱</sup>
  ۴. نی‌انی! خواهند دانست.
  ۵. باز می‌گوییم: نی‌انی! خواهند دانست.
  ۶. آیا نساخته‌ایم زمین را فرشی؟
  ۷. و نساخته‌ایم کوه‌ها را میخ‌ها؟
  ۸. و آفریدیم شما را نر و ماده.
  ۹. و ساختیم خواب، شما را راحتی.
  ۱۰. و ساختیم شب را پرده.
  ۱۱. و ساختیم روز را وقت طلب معیشت.
  ۱۲. و بنا کردیم بالای شما هفت آسمان محکم.
  ۱۳. و آفریدیم چراغی درخشنده.<sup>۲</sup>
  ۱۴. و فرود آوردیم از ابرها آب ریزان.
  ۱۵. تا برآریم به سبب آن آب، دانه و گیاه را.
  ۱۶. و بوستان‌های درهم پیچیده را.
  ۱۷. هرآینه روز فیصل کردن هست، وقت معین.
  ۱۸. روزی که دمیده شود در صور، پس بیایید گروه گروه شده.
  ۱۹. و شکافته شود آسمان، پس باشد دروازه دروازه.
  ۲۰. و روان کرده آید کوه‌ها را، پس باشند مانند سراب.
  ۲۱. هرآینه دوزخ است انتظار کننده.
  ۲۲. سرکشان را هست مرجع ایشان را.
  ۲۳. درآیند به دوزخ، اقامت کنندگان در آنجا مدتهای دراز.
  ۲۴. نچشند آنجا خنکی را و نه هیچ آشامیدنی را.
  ۲۵. مگر آب گرم را و زرد آب را.
  ۲۶. جزا داده شدند، جزای موافق.
  ۲۷. هرآینه ایشان توقع نمی‌داشتند حساب را.
  ۲۸. و تکذیب می‌کردند آیات ما را به دروغ داشتن.
  ۲۹. و هر چیزی را ضبط کردیم به طریق نوشتن.
  ۳۰. پس بچشید، پس زیاده نخواهیم داد شما را مگر عقوبت.
  ۳۱. هرآینه متقیان را مطلب‌یابی باشد.
  ۳۲. بوستان‌ها باشد و درختان انگور باشد.

۱ مراد بعث و قیامت است.

۲ یعنی خورشید.

۳۳. و زنان دوشیزه هم عمر با یکدیگر باشند.
۳۴. و پیاله به شراب پر کرده باشد.
۳۵. نشنوند آنجا سخن بیهوده را و نه دروغ شمردن را.
۳۶. جزا داده شد، عطا نموده شد، حساب کرده شد از جانب پروردگار تو.
۳۷. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه مابین اینهاست، خدای بخشاینده، نتواند از هیبت وی سخن گفتن.
۳۸. روزی که بایستد فرشته روح نام و سایر فرشتگان نیز صفزده، سخن نگویند حاضران محشر، مگر کسی که دستوری داده باشد او را خدا و گفته باشد سخن درست.<sup>۱</sup>
۳۹. این روز متحقق است، پس هر که خواهد بگیرد به سوی پروردگار خود مرجع.
۴۰. هر آینه ما ترسانیدیم شما را از عذاب نزدیک آینده؛ روزی که ببیند آدمی آنچه پیش فرستاده بود دو دست وی و بگوید کافر: ای کاش من خاک بودمی!

## ۷۹. سوره نازعات

در مکه نازل شده و آن چهل و شش آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به جماعات فرشتگان که نزع می کنند به وجه سختی!<sup>۱</sup>
۲. و قسم به جماعات فرشتگان که بیرون می آرند بیرون آوردنی!<sup>۲</sup>
۳. و قسم به فرشتگان که شنا می کنند، شنا کردنی!<sup>۳</sup>
۴. پس قسم به فرشتگان که سبقت می کنند، سبقت کردنی!<sup>۴</sup>
۵. پس قسم به جماعات فرشتگان که تدبیر می کنند هر کاری را! آنچه گفته می شود بودنی است.
۶. روزی که بجنید جنبنده.
۷. از پس وی درآید از پس درآینده.<sup>۵</sup>
۸. دلها آن روز ترسان باشند.
۹. بر دیده های آن جماعت خواری هویدا باشد.
۱۰. می گویند [کافران]: آیا بازگردانیده شویم به حالت نخستین؟
۱۱. آیا چون شویم استخوان های پوسیده باز زنده شویم؟
۱۲. گفتند: آن رجوع آنگاه رجوع زیان دهنده باشد.
۱۳. پس جز این نیست که آن واقعه یک آواز تند است.
۱۴. پس ناگهان ایشان بر روی زمین آمده باشند.

۱ یعنی سخن حق.

۲ یعنی یک عده ارواح را به سختی.

۳ یعنی یک عده دیگر را به طریق سهولت.

۴ یعنی در هوا شنا کردنی.

۵ یعنی از یکدیگر سبقت کردنی.

۶ یعنی نفخه اولی و پس نفخه ثانیه به وجود آید.

۱۵. آیا آمده است پیش تو خبر موسی؟
۱۶. چون آواز دادش پروردگار او به وادی پاک طوی نام.
۱۷. که برو به سوی فرعون، هر آینه وی از حد گذشته است.
۱۸. پس بگو: هیچ میل است تو را به آنکه پاکیزه شوی؟
۱۹. و راه بنمایم تو را به سوی پروردگار تو، پس بترسی؟
۲۰. پس بنمود به فرعون آن معجزه بزرگ را.
۲۱. پس دروغ داشت و نافرمانی کرد.
۲۲. پس از آن مجلس بازگشت تدبیرکنان.
۲۳. پس جمع کرد قوم خود را، پس آواز داد.
۲۴. پس گفت: من پروردگار بزرگوار شمایم!
۲۵. پس گرفتار کرد او را خدا به عذاب آخرت و دنیا.
۲۶. هر آینه در این خبر، پندی هست برای هر که بترسد.
۲۷. آیا شما محکمترید در آفرینش یا آسمان؟ خدا بنا کرد آن آسمان را.
۲۸. بلند ساخت ارتفاع او را، پس درست ساخت آن را.
۲۹. و تاریک کرد شب او را و به ظهور آورد روشنی روز او را.
۳۰. و زمین را بعد از آفریدن آسمان، هموار کرد.<sup>۱</sup>
۳۱. بیرون آورد از زمین آب او را و چراگاه او را.
۳۲. و کوه‌ها را استوار نمود.
۳۳. از برای منفعت شما و چهارپایان شما.
۳۴. پس وقتی که بیاید قیامت.
۳۵. روزی که یاد کند آدمی آنچه عمل کرده بود.
۳۶. و ظاهر کرده شود دوزخ برای هر که دیدنش خواهد. [ثواب یا عقاب متحقق گردد].
۳۷. اما کسی که از حد در گذشته باشد.
۳۸. و برگزیده باشد زندگانی این جهانی را.
۳۹. پس هر آینه دوزخ، همان است جای او.
۴۰. و اما کسی که ترسیده باشد از ایستادن به حضور پروردگار خویش و بازداشته باشد نفس را از شهوت.
۴۱. پس هر آینه بهشت همان است جای او.
۴۲. می‌پرسند تو را از قیامت، کی باشد متحقق آن؟
۴۳. در چه منزلتی تو از علم آن؟
۴۴. به سوی پروردگار تو است منتهی علم آن.
۴۵. جز این نیست که تو ترساننده‌ای کسی را که بترسد از وی.
۴۶. روزی که ببینند آن را، چنانستی که ایشان درنگ نکرده بودند به دنیا، مگر به یک وقت شام یا یک وقت صبحی که پیش از آن بود.

۱ یعنی عصا و يد بيضا.

۲ مترجم گوید: معنای هموار کردن، همین است که می‌فرماید.



۸۰. سوره عبس

در مکه نازل شده و آن چهل و دو آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. رو ترش کرد و اعراض نمود!
۲. به سبب آنکه بیامد پیش او نابینا.<sup>۱</sup>
۳. و چه چیز خبردار کرد تو را، شاید وی پاک می‌شد.
۴. یا پند می‌شنیدی، پس نفع می‌دادش آن پند شنیدن.
۵. اما کسی که توانگر است.
۶. پس تو به سوی او اقبال می‌کنی.
۷. و زیان نیست بر تو در آنکه پاک نشود.
۸. و اما کسی که بیامد پیش تو شتابان.
۹. از خدای خود ترسان.
۱۰. پس تو از وی غفلت می‌کنی.
۱۱. نی‌انی! هر آینه این آیات قرآن، پند است.
۱۲. پس هر که خواهد یاد کند قرآن را.
۱۳. هر آینه قرآن ثبت است در نامه‌های گرامی.
۱۴. بلندقدر پاک کرده شده.
۱۵. به دست‌های نویسندگان.
۱۶. بزرگ منش نیکوکردار.<sup>۲</sup>
۱۷. لعنت کرده شده آدمی را! چه ناسپاسدار است!
۱۸. خدا از چه چیز آفریدش.
۱۹. از نطفه منی آفریدش، پس اندازه معین کردش.
۲۰. باز راه برآمد، آسان نمودش.
۲۱. باز بمیراندش، پس در گور کردش.
۲۲. باز وقتی که خواست، زنده ساختش.
۲۳. نی‌انی! به عمل نیاورد آنچه فرمودش.
۲۴. پس باید که در نگرد آدمی به سوی طعام خود.
۲۵. به سوی آنکه ما ریختیم آب را ریختنی.
۲۶. باز شکافتیم زمین را شکافتنی.
۲۷. پس رویانیدیم در آن دانه را.
۲۸. و انگور و سبزی‌ها را.
۲۹. و زیتون را و درخت خرما را.
۳۰. و باغ‌ها را که درختان بسیار دارد.

۱ نابینائی از فقرای صحابه به مجلس آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، درآمد و به سؤال‌های مکرر تشویش دادو آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، در آن حالت به دعوت اشراف عرب مشغول بودند؛ پس آن را مکروه داشتندو اعراض نمودند. خدای تعالی بر خلق عظیم دلالت فرمود.

۲ یعنی فرشتگان از لوح نقل می‌کنند.

۳۱. و میوه را و علف دواب را.  
 ۳۲. برای منفعت شما و چهارپایان شما.  
 ۳۳. پس وقتی که بیاید آواز سخت.  
 ۳۴. روزی که بگریزد مرد از برادر خود.  
 ۳۵. و از مادر خود و از پدر خود.  
 ۳۶. و از زن خود و از فرزندان خود.  
 ۳۷. هر مردی را از ایشان آن روز شغلی است که کفایت می‌کندش.  
 ۳۸. یک پاره روها آن روز روشن باشند.  
 ۳۹. خندان و شادمان باشند.  
 ۴۰. و یک پاره روها آن روز بر آن غبار باشد.  
 ۴۱. غالب آید بر وی تاریکی.  
 ۴۲. این جماعت، ایشانند کافرانِ بدکاران.

## ۸۱. سوره تکویر

در مکه نازل شده و آن بیست و نه آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. وقتی که آفتاب پیچیده شود
  ۲. و وقتی که ستاره‌ها تیره شوند
  ۳. و وقتی که کوه‌ها روان کرده شوند
  ۴. و وقتی که ماده شتران باردار را معطل گذاشته شود
  ۵. و وقتی که جانوران وحشی را جمع کرده شود
  ۶. و وقتی که دریاها را مثل آتش افروخته شود
  ۷. و وقتی که ارواح را با اجساد جمع کرده شود
  ۸. و وقتی که دختری را که زنده در گور کرده بودند، پرسیده شود
  ۹. به کدام گناه کشته شد؟
  ۱۰. و وقتی که نامه‌های اعمال را گشاده شود
  ۱۱. و وقتی که آسمان را پوست برکنده شود<sup>۱</sup>
  ۱۲. و وقتی که دوزخ را برافروخته شود
  ۱۳. و وقتی که بهشت را نزدیک ساخته شود
  ۱۴. بداند هر شخصی آنچه حاضر ساخته است
  ۱۵. پس قسم می‌خورم به ستاره‌های بازگردنده!
  ۱۶. سیر نماینده غایب شوند<sup>۲</sup>.

۱ یعنی سرخ شود مانند برّه که پوست او مسخ کرده باشند.

۲ مترجم گوید: زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد پنج ستاره متحیره‌اند، چون سیر کرده به مقامی رسند از آن بازمی‌گردند و به مقامی که طی کرده بودند، اقبال نمایند. چون وقت قرآن آید، غائب شوند؛ والله اعلم.

۱۷. و قسم به شب چون بازگردد!
۱۸. و قسم به صبح چون بدمد!
۱۹. هر آینه قرآن گفتار فرشته‌ای است گرامی قدر.
۲۰. صاحب توانایی باوقار نزدیک خداوند عرش.
۲۱. فرمانبرداری کرده شده در ملکوت آسمان متصف به امانت.
۲۲. و نیست این یار شما دیوانه.
۲۳. و هر آینه یار شما دیده بود آن فرشته را به کرانه ظاهر آسمان.
۲۴. و نیست یار شما بر علم پنهان بخل کننده.
۲۵. و نیست قرآن گفتار شیطان رانده شده.
۲۶. پس کجا می‌روید؟
۲۷. نیست قرآن مگر پند، عالم‌ها را.
۲۸. برای هر که از زمره شما بخواهد که راست کردار شود.
۲۹. و نمی‌خواهید مگر وقتی که بخواهد خدا پروردگار عالم‌ها.

## ۸۲. سوره انفطار

در مکه نازل شده و آن نوزده آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. وقتی که آسمان شکافته شود.
  ۲. و وقتی که ستارگان از هم بریزد.
  ۳. و وقتی که دریاها روان کرده شود به نهایت شدت.
  ۴. و وقتی که گورها شکافته شود.
  ۵. بدانند هر نفسی آنچه پیش فرستاده بود و آنچه از پس فروگذاشته بود.
  ۶. ای آدمی! چه چیز فریفت تو را به پروردگار بزرگوار تو؟
  ۷. آن خدایی که بیافرید تو را، پس درست اندام کرد تو را، پس معتدل قامت کرد تو را.
  ۸. در صورتی که خواست ترکیب داد تو را.
  ۹. نی‌انی! بلکه دروغ می‌شمرد جزای اعمال را.
  ۱۰. و هر آینه بر شما گماشته شده‌اند نگاهبانان را.
  ۱۱. گرامی قدر نویسنده‌گان.
  ۱۲. می‌دانند آنچه می‌کنید.
  ۱۳. هر آینه نیکوکاران در نعمت باشند.
  ۱۴. و هر آینه گناهکاران در دوزخ باشند.
  ۱۵. درآیند به دوزخ، روز جزای اعمال.
  ۱۶. و نباشند از آنجا غایب شده.
  ۱۷. و چه چیز مطلع ساخت تو را ای آدمی که چیست روز جزا؟!
  ۱۸. باز می‌گوییم چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست روز جزا؟!

۱۹. روزی است که نتواند هیچ کس برای هیچ کس هیچ فایده رسانیدن و فرمان آن روز، خدای را باشد.

### ۸۳. سوره مطففین

در مکه نازل شده و آن سی و شش آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. وای حقوق مردم کاهندگان را!
۲. آنان که چون برای خود پیمایند، از مردمان به سختی تمام گیرند.
۳. و چون خواهند که پیموده بدهند ایشان را یا سنجیده بدهند ایشان را، زیان رسانند.
۴. آیا نمی‌دانند آن جماعت که ایشان برانگیخته خواهند شد؟
۵. در روز بزرگ.
۶. روزی که ایستاده شوند مردمان پیش پروردگار عالم‌ها.
۷. حقاً هر آینه نامه اعمال گناهکاران داخل شود در سجین.
۸. و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست سجین؟
۹. کتابی است نوشته شده.
۱۰. وای آن روز دروغ شمارندگان را!
۱۱. آنان که به دروغ نسبت می‌کنند روز جزا را.
۱۲. و دروغ نمی‌شمرد آن را، مگر هر ستمکار گنهکار.
۱۳. چون خوانده شود بر وی آیات ما گوید: افسانه‌های پیشینیان است.
۱۴. نی‌انی! بلکه زنگ بسته است بر دل ایشان آنچه می‌کردند.
۱۵. نی‌انی! هر آینه ایشان از دیدار پروردگار خویش، آن روز محجوب باشند.
۱۶. باز هر آینه ایشان در آیندگان دوزخ باشند.
۱۷. باز گفته شود ایشان را: این است آنچه شما آن را دروغ می‌شمردید.
۱۸. حقاً هر آینه نامه اعمال نیکوکاران داخل شود در علیین.
۱۹. و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست علین.
۲۰. کتابی است نوشته شده.
۲۱. که حاضر شوند نزدیک آن نزدیک کردگان خدا.
۲۲. هر آینه نیکوکاران در نعمت باشند.
۲۳. بر تخت‌ها نشسته نظر می‌کنند به هر جانب.
۲۴. بشناسی در روی ایشان تازگی نعمت.
۲۵. نوشانیده شود ایشان را از شراب خالص سر به مهر.
۲۶. به جای موم، مهر او مشک باشد و به همین شراب پاک باید که رغبت کنند رغبت‌کنندگان.
۲۷. و آمیختنی آن از آب تسنیم باشد.
۲۸. [مراد می‌دارم] چشمه‌ای که می‌نوشند از آن نزدیک کردگان خدا.
۲۹. هر آینه گناهکاران با مسلمانان می‌خندیدند.

- ۳۰ و چون می گذشتند به مسلمانان، با یکدیگر چشم می زدند حقارت کرده.  
 ۳۱ و چون می گشتند به اهل خانه خود، بازمی گشتند شادمان شده.  
 ۳۲ و چون می دیدند مسلمانان را، می گفتند: هر آینه ایشان گمراهانند.  
 ۳۳ و نگاهبانان فرستاده نشده بودند بر سر مسلمانان.  
 ۳۴ پس امروز مسلمانان با کافران می خندند.  
 ۳۵ بر تخت ها نشسته، نظر می کنند به هر جانب.  
 ۳۶ آیا جزا داده شد کافران را به حسب آنچه می کردند؟

### ۸۴ سوره انشقاق

در مکه نازل شده و آن بیست و پنج آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. وقتی که آسمان بشکافت.
۲. و گوش کند فرمان پروردگار خود را و آسمان، سزاوار گوش کردن است.
۳. و وقتی که زمین را کشیده شود.
۴. و برتابد آنچه در آن باشد و خالی شود.<sup>۱</sup>
۵. و گوش کند فرمان پروردگار خود را و زمین، سزاوار گوش کردن است.
۶. ای آدمی! هر آینه تو کارکننده ای تا ملاقات پروردگار خود به کوشش تمام، پس ملاقات خواهی کرد با پروردگار خود.
۷. اما هر که داده شد او را نامه اعمال او به دست راستش.
۸. پس با او حساب کرده شود حساب آسان.
۹. و بازگردد به سوی اهل خانه خود شادان شده.
۱۰. و اما هر که داده شد او را نامه اعمال او از پس پشتش.
۱۱. پس یاد خواهد کرد هلاک را.
۱۲. و خواهد درآمد به دوزخ.
۱۳. هر آینه او بود به دنیا در اهل خانه خود شادمان.
۱۴. هر آینه گمان کرده بود که رجوع نکند به سوی خدای تعالی.
۱۵. آری! رجوع کردن به تحقیق است. هر آینه پروردگار او بود به احوال او بینا.
۱۶. پس سوگند می خورم به سرخی کناره آسمان اوّل شب!
۱۷. و قسم می خورم به شب و آنچه شب آن را جمع کرده است!
۱۸. و قسم می خورم به ماه چون تمام شود!
۱۹. خواهید رسید به حالی بعد حالی.<sup>۲</sup>
۲۰. پس چیست این کافران را که ایمان نمی آرند؟
۲۱. و چون خوانده می شود بر ایشان قرآن، سجده نمی کنند؟

۱ یعنی اموات را برتابد؛ والله اعلم.

۲ یعنی هول موت، بعد از آن سوّال منکر و نکیر، بعد از آن حشر و حساب و مرور بر صراط، بعد از آن دوزخ یا بهشت؛ والله اعلم.

۲۲. بلکه این کافران دروغ می‌شمرندند.  
 ۲۳. و خدا داناتر است به آنچه در دل خود نگاه می‌دارند.  
 ۲۴. پس خیر کن ایشان را به عذاب درد دهنده.  
 ۲۵. لیکن آنان که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند، ایشان راست مزد بی‌نهایت.

## ۸۵ سوره بروج

در مکه نازل شده و آن بیست و دو آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. قسم به آسمان! خداوند برج‌ها.<sup>۱</sup>
  ۲. و قسم به روزی که وعده کرده می‌شود!<sup>۲</sup>
  ۳. و قسم به روزی که در هفته<sup>۳</sup> حاضر می‌شود!
  ۴. هلاک کرده شدند اهل خندق‌ها.
  ۵. از قسم آتش، خداوند هیزم بسیار.
  ۶. وقتی که برکناره آن خندق نشسته بودند.
  ۷. و ایشان به آنچه می‌کردند با مسلمانان، حاضر بودند.
  ۸. و عیب نکردند از ایشان مگر این خصلت را که ایمان آرند به خدای غالب ستوده‌کار.
  ۹. آن که او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و خدا بر همه چیز مطلع است.<sup>۴</sup>
  ۱۰. هرآینه آنان که عقوبت کردند مردان مسلمانان و زنان مسلمانان را، باز توبه نمودند، پس ایشان راست عذاب دوزخ و ایشان راست، عذاب سوختن.
  ۱۱. هرآینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، ایشان راست بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها. این است فیروزی بزرگ.
  ۱۲. هرآینه دست درازی پروردگار تو سخت است.
  ۱۳. هرآینه او آفرینش نو می‌کند و آفرینش دوباره می‌کند.
  ۱۴. و اوست آمرزگار دوستدار.
  ۱۵. او خداوند عرش گرامی قدر است.
  ۱۶. بسیار کننده است هر چیزی را که خواهد.
  ۱۷. آیا آمده است به تو خبر لشکرها؟
  ۱۸. که فرعون و ثمود باشند.
  ۱۹. بلکه کافران دروغ شمرده‌اند.

۱ یعنی برج دوازده‌گانه.

۲ یعنی روز قیامت.

۳ یعنی روز جمعه و قسم به روزی که حاجیان به آن روز حاضر می‌شوند، یعنی روز عرفه، هرآینه مجازات متحقق است.

۴ مترجم گوید: پادشاه جبّاری رعیت خود را تکلیف کفر کرد و چون کافر نشدند، خندق‌ها را به آتش پر کرد و ایشان را به آتش افکند. خدای تعالی آن آتش را بر پادشاه و هم‌نشینان او مسلط ساخت تا از خندق پریده همه را پاک بسوخت؛ والله اعلم.

۲۰. و خدا از گرداگرد ایشان گیرنده است.

۲۱. بلکه آن قرآن گرامی قدر است.

۲۲. نوشته شده در لوح محفوظ.

## ۸۶ سوره طارق

در مکه نازل شده و آن هفده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به آسمان و قسم به چیزی که وقت شب پدید می‌آید!
۲. و چه چیز مطلع ساخت تو را که چه چیز به وقت شب پدید آینده است؟
۳. که آن ستاره درخشنده است.
۴. نیست هیچ شخص، مگر بر وی فرشته نگهبانی کننده است.
۵. پس باید که ببیند آدمی از چه چیز آفریده شده است.
۶. از آب جهنده.
۷. که برمی‌آید از میان پشت مرد و استخوان سینه زن.
۸. هرآینه خدا بر دیگر بار آفریدن آدمی توانا است.
۹. روزی که امتحان کرده شود ضمیرهای مردمان را.
۱۰. پس نباشد آدمی را طاقتی و نباشد یاری دهنده‌ای.
۱۱. قسم به آسمان! خداوند باران.
۱۲. و قسم به زمین! صاحب شکافتن.<sup>۱</sup>
۱۳. هرآینه قرآن سخن واضح است.
۱۴. و نیست قرآن، سخن بیهوده.
۱۵. هرآینه کافران بداندیشی می‌کنند یک طور بداندیشی کردنی.
۱۶. و من نیز بداندیشی می‌کنم یک طور بداندیشی.<sup>۲</sup>
۱۷. پس مهلت ده کافران را و فروگذار ایشان را اندکی.

## ۸۷ سوره اعلی

در مکه نازل شده و آن نوزده آیت است

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. به پاکی یاد کن پروردگار بزرگوار خود را.

۱ یعنی تا دانه بیرون آید.

۲ و این وعده روز بدر متحقق شد.

۲. آن که بیافرید، پس درست اندام کرد.
۳. و آن که اندازه کرد، پس راه نمود.<sup>۱</sup>
۴. و آن که برآورد گیاه تازه را.
۵. باز ساخت آن را خشک شده سیاه گشته.
۶. قرآن تعلیم خواهیم کرد تو را، پس فراموش نخواهی کرد.
۷. مگر آنچه خدا خواسته است، هرآینه خدا می‌داند آشکارا و پنهان را.<sup>۲</sup>
۸. و توفیق خواهیم داد تو را به معرفت شریعت آسان.
۹. پس پند ده اگر سود کند پند دادن.
۱۰. پند خواهد گرفت هر که می‌ترسد.
۱۱. و یکسو خواهد شد از آن پند، بدبخت‌ترین مردم.
۱۲. آن که خواهد درآید به آتش بزرگ.
۱۳. باز نمیرد آنجا و نه زنده باشد.
۱۴. هرآینه رستگار گشت هر که پاک شد.
۱۵. و یاد کرد نام پروردگار خود را، پس نماز گزارد.
۱۶. بلکه اختیار می‌کنید زندگانی این جهانی را.
۱۷. و آخرت بهتر است و پاینده‌تر است.
۱۸. هرآینه این مقدمه مذکور بود در صحیفه‌های نخستین.
۱۹. صحیفه‌های ابراهیم و موسی.

### ۸۸ سوره غاشیه

در مکه نازل شده و آن بیست و شش آیت است.



به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. آیا آمده است به تو خبر قیامت؟
۲. یک پاره روی‌ها آن روز خوار باشند.
۳. کارکننده محنت کشنده باشند.
۴. درآیند به آتش افروخته شده.
۵. آب نوشانیده شوند از چشمه‌ای نهایت گرم.
۶. نباشد ایشان را هیچ طعامی مگر از ضریع.<sup>۳</sup>
۷. که فربه نکند و رفع گرسنگی ننماید.
۸. یک پاره روی‌ها آن روز تازه باشد.
۹. به سعی خود رضامند شده باشند.

۱ یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده به حسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمود تا همان صورت بر روی کارآمد، پس این تصرف را به هدایت تعبیر فرمود؛ والله اعلم.  
 ۲ مترجم گوید: فراموش گرداندن این آیت از خاطر مبارک آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، نوعی از نسخ است؛ والله اعلم.  
 ۳ ضریع نام گیاه خاردار است.



۱۰. در بهشت عالی.
۱۱. نشنوی آنجا هیچ سخن بیهوده.
۱۲. در آنجا چشمه‌ای جاری باشد.
۱۳. در آنجا تخت‌های بلند باشد.
۱۴. و کوزه‌های نهاده شده.
۱۵. و وساده‌های برابر یکدیگر گذاشته.
۱۶. و بساط‌های نفیس پراکنده کرده.
۱۷. آیا نمی‌نگرند به سوی شتران، چگونه آفریده شدند؟! و به سوی آسمان، چگونه برداشته شد؟! و به سوی کوه‌ها، چگونه برافراشته شد؟! و به سوی زمین، چگونه پهن کرده شد؟! پس پنده ده؛ جز این نیست که تو پند دهنده‌ای.
۲۲. نیستی بر ایشان گماشته شده.
۲۳. لیکن هرکه روی بگرداند و کافر شود.
۲۴. پس عذاب کندش خدا به عقوبت بزرگ.
۲۵. هرآیین به سوی ماست رجوع ایشان.
۲۶. باز هرآیین به ماست حساب ایشان.

## ۸۹ سوره فجر

در مکه نازل شده و آن سی آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به صبح!
۲. و به شب‌های دهگانه!
۳. و قسم به جفت و طاق!<sup>۱</sup>
۴. و قسم به شب چون روان شود!
۵. آیا در این مقدمه سوگندی معتبر است صاحب خرد را؟<sup>۲</sup>
۶. آیا ندیدی که چگونه معامله کرد پروردگار تو با قوم عاد.
۷. [که عاد] ارم باشد خداوند قدهای بلند.
۸. که آفریده نشد مانند آن در شهرها.
۹. و چگونه معامله کرد با قوم ثمود که تراشیده بودند سنگ‌های بزرگ را در وادی قری.
۱۰. و چگونه معامله کرد با فرعون صاحب میخ‌ها.<sup>۳</sup>
۱۱. همه این جماعت‌ها، آنان که سرکشی کردند در شهرها.

۱ یعنی عشره ذوالحجه.

۲ یعنی بعض نماز جفت است و بعض طاق.

۳ که خدا جزا دهنده بندگان است بر اعمال ایشان.

۴ یعنی به چهار میخ بسته عقوبت می‌کرد.

۱۲. پس بسیار به عمل آوردند در آنجا فساد را.
۱۳. پس بریخت بر سر ایشان پروردگار تو یک دفعه عذاب.
۱۴. هرآینه پروردگار تو به کمینگاه است.
۱۵. اما آدمی، پس چون امتحان کندش پروردگار او، پس گرامی کندش و نعمت دهدش، پس گوید: پروردگار من گرامی ساخت مرا.
۱۶. و اما چون امتحان کندش، پس تنگ سازد بر وی رزق وی را، گوید: پروردگار من حقارت کرد مرا.
۱۷. نی‌انی! بلکه گرامی نمی‌دارید یتیم را.
۱۸. و یکدیگر را رغبت نمی‌دهید بر طعام دادن فقیر.
۱۹. و می‌خورید مال میراث را خوردن بسیار.<sup>۱</sup>
۲۰. و دوست می‌دارید مال را دوست داشتن بسیار.<sup>۲</sup>
۲۱. نی‌انی! چون پست کرده شود بلندی زمین را، پست کردن بعد پست کردن.<sup>۳</sup>
۲۲. و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف شده.
۲۳. و آورده شود آن روز دوزخ را، آن روز یاد کند آدمی و کجا باشد او را نفع آن یاد کردن.
۲۴. گوید: ای کاش من فرستادمی عمل نیک برای زندگانی جاودانی خویش!
۲۵. پس آن روز عقوبت نکند مانند عقوبت خدا هیچ کس.
۲۶. و به زنجیر نبنند مانند بستن او هیچ کس.<sup>۴</sup>
۲۷. [گفته شود روح مؤمن را وقت مرگ]: ای نفس آرام گیرنده!
۲۸. بازگرد به سوی پروردگار خویش، تو خشنوده شده‌ای و از تو نیز خشنود گشته.
۲۹. پس درآ به زمره بندگان خاص من.
۳۰. و درآ به بهشت من.

## ۹۰. سوره بلد

در مکه نازل شده و آن بیست آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان.

۱. قسم می‌خورم به این شهر! (یعنی مکه مبارکه).
  ۲. و تو حلال خواهی شد به این شهر.<sup>۵</sup>
  ۳. و قسم می‌خورم به زاینده و به هرچه زاده است!<sup>۶</sup>
- 
- ۱ یعنی زنان و یتیمان را حق ایشان نمی‌دهید و حق ایشان را به مال خود جمع می‌کنید.
  - ۲ یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم و اطعام مسکین است آن را می‌باید کرد و شما به این صفت هستید که یتیمان را حق ایشان نمی‌دهید و حق ایشان را به مال خود جمع می‌کنید.
  - ۳ یعنی جبال و اتلال را با سائر ارض برابر کرده شود.
  - ۴ به وجهی واقع شود که هیچ کس غیر او بر آن قادر نیست؛ والله اعلم.
  - ۵ یعنی ترا قتال در مکه حلال خواهد شد.
  - ۶ یعنی آدم و جمیع ذریت او.

۴. هرآینه آفریدیم آدمی را در مشقت.
۵. آیا گمان می‌کند آدمی که قادر نشود بر وی هیچ‌کس؟<sup>۱</sup>
۶. می‌گوید: خرج کردم بر تو مال تو.
۷. آیا می‌پندارد که ندیده است او را هیچ‌کس؟
۸. آیا نیافریده‌ایم برای او دو چشم را؟
۹. و زبان را و دو لب را؟
۱۰. و دلالت کردیم او را بر دو راه.<sup>۲</sup>
۱۱. پس در نیامد به گذرگاه سخت.<sup>۳</sup>
۱۲. و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست گذرگاه سخت؟
۱۳. خلاص کردن برده.
۱۴. یا طعام دادن به روز گرسنگی.
۱۵. یتیم صاحب قرابت را.
۱۶. یا فقیر صاحب خاکساری را.
۱۷. بعد از آن باشد از آنان که ایمان آوردند و به یکدیگر وصیت کردند به شکیبایی و به یکدیگر وصیت کردند به شفقت بر [خلق‌الله]
۱۸. این جماعت، ایشانند اهل نیک‌بختی.
۱۹. و آنان که کافر شدند به آیات ما، ایشانند اهل بدبختی.
۲۰. بر ایشان آتش گماشته شود از هر جهت گرد آورده شده.

## ۹۱. سوره شمس

در مکه نازل شده و آن پانزده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به آفتاب و روشنی او!
۲. و قسم به ماه چون از پی آفتاب درآید!
۳. و قسم به روز چون نمایان کند آفتاب را!
۴. و قسم به شب چون بپوشاند آفتاب را!
۵. و قسم به آسمان و به ذاتی که ساخت او را!
۶. و قسم به زمین و به ذاتی که هموار کرد او را!
۷. و قسم به نفس آدمی و درست اندام نمودن خدا او را!
۸. پس قسم به انداختن خدا در دلش شناخت گناه او را و تقوای او را!
۹. هرآینه رستگار شد هرکه پاک ساخت نفس را.

- ۱ یعنی عادت آدمی است که به قوت خود فخر کند و نبیند که چه قدر ناتوانی‌ها می‌کشد و نیز به بذل مال فخر کند و نمی‌داند که خدا او را می‌بیند که به غایت حقیر و بخیل است.
- ۲ یعنی خیر و شر.
- ۳ یعنی به حقیقت قوت آن است که این اعمال به جا آرد.
- ۴ یعنی به شب چهاردهم.

۱۰. و هر آینه زیانکار شد هر که به اسفل السافلین برد آن را.
۱۱. دروغ شمرند قوم ثمود به سبب سرکشی خود.
۱۲. وقتی که برخاست بدبخت‌ترین آن قوم.
۱۳. پس گفت ایشان را پیغمبر خدا: بگذارید ماده شتری را که خدا آفریده است و متعرض مشوید آب خورد او را.
۱۴. پس دروغ شمرند پیغامبر را، پس بکشتند ناقه را، پس عقوبت فرود آورد بر ایشان پروردگار ایشان به سبب معصیت ایشان. پس هموار کرد خدا عقوبت را بر سر ایشان.
۱۵. و خدا نمی‌ترسد از پاداش آن عقوبت.

## ۹۲. سوره لیل

در مکه نازل شده و آن بیست و یک آیت است

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان
۲. قسم به شب چون بپوشاند!
۳. و قسم به روز چون ظاهر شود!
۴. و قسم به ذاتی که آفریده نر و ماده را!
۵. که هر آینه سعی شما مختلف است.
۶. پس اما هر که عطا کرد و پرهیزگاری نمود.
۷. و باور داشت ملت نیک را.
۸. پس توفیق دهیم او را برای رسیدن به سرای آسایش.
۹. و اما هر که بخل کرد و خود را بی‌نیاز شمرد.
۱۰. و به دروغ نسبت کرد ملت نیک را.
۱۱. پس توفیق دهیم او را برای رسیدن به سرای دشواری.
۱۲. و هیچ دفع نکند از وی مال او وقتی که نگونسار افتد.
۱۳. هر آینه بر ما لازم است راه نمودن او.
۱۴. و هر آینه از آن ماست آن جهان و این جهان.
۱۵. پس ترسانیدم شما را از آتشی که شعله می‌زند.
۱۶. درنیاید به آن آتش، مگر بدبخت‌ترین مردم.
۱۷. آن که دروغ شمرد و روی گردان شد.
۱۸. و یکسو داشته خواهد شد از آن آتش پرهیزگارترین مردم.
۱۹. آن که می‌دهد مال خود را تا پاک نفس گردد.
۲۰. و نیست هیچ کس را نزد او هیچ نعمتی که جزا داده شود.
۲۱. لیکن می‌دهد به طلب رضای پروردگار بزرگواری خود.
۲۲. و هر آینه خشنود خواهد شد.

### ۹۳. سوره ضحی

در مکه نازل شده و آن یازده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به وقت چاشت!
۲. و قسم به شب چون بپوشد.
۳. فرو نگذاشت تو را پروردگار تو و دشمن نداشت.
۴. و هرآینه آخرت بهتر خواهد بود تو را از دنیا.
۵. و البته نعمت خواهد داد تو را پروردگار تو، پس خشنود خواهی شد.
۶. آیا یتیم نیافت تو را، پس جای داد؟
۷. و یافت تو را راه گم کرده،<sup>۱</sup> پس راه نمود.
۸. و یافت تو را تنگدست، پس توانگر ساخت.
۹. اما یتیم را، پس ستم مکن.
۱۰. و اما سائل را، پس بانگ مزن.
۱۱. و اما به نعمت پروردگار خود پس خیر ده.

### ۹۴. سوره انشراح

در مکه نازل شده و آن هشت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. آیا گشاده نکرده‌ایم برای تو سینه تو را؟
۲. و دور کردیم از تو بار تو را؟
۳. آن بار که گران کرده بود پشت تو را؟
۴. و بلند ساختیم برای تو ثنای تو را.
۵. [زیراکه] هرآینه متصل دشواری، آسانی است.
۶. البته متصل دشواری، آسانی است.
۷. پس وقتی که از کارویار فارغ شوی، در عبادت خدا محنت کش.
۸. و به سوی پروردگار خود تضرع نما.

۱ مترجم گوید: که چند روز وحی نیامده بود. کفار گفتند: «وَدَّعَاهُ رَبُّهُ وَ قَلَاهُ» خدای تعالی برای تسلی این سوره فر فرستاد.

۲ یعنی شریعت نمی‌دانستی تو؛ والله اعلم.

## ۹۵. سوره تین

در مکه نازل شده و آن هشت آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قسم به انجیر و زیتون!
۲. و قسم به طور سینا!
۳. و قسم به این شهر باامن! (یعنی مکه).
۴. هر آینه آفریدیم آدمی را در نیکوترین صورتی.
۵. پس گردانیدیم آن را فروتر از همه فروماندگان.<sup>۱</sup>
۶. مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس ایشان راست اجر غیر نهایت.
۷. پس ای آدمی! چه چیز حمل می کند تو را بعد این همه پند بر دروغ شمردن در باب جزای اعمال؟<sup>۲</sup>
۸. آیا نیست خدا حکم کننده ترین حاکمان؟

## ۹۶. سوره علق

در مکه نازل شده و آن نوزده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. بخوان به برکت نام پروردگار خود که آفریدگار است.
۲. آفریدی آدمی را از خونپاره های بسته.
۳. بخوان و پروردگار تو بزرگوarter است.
۴. آن که علم آموخت به دستیاری قلم.
۵. آموخت آدمی را آنچه نمی دانست.<sup>۳</sup>
۶. حقا هر آینه آدمی از حد می گذرد.
۷. وقتی که می بیند خود را توانگر شده.
۸. هر آینه به سوی پروردگار تو است رجوع.
۹. آیا دیدی شخصی که منع می کند؟
۱۰. بنده را چون نماز گزارد.
۱۱. آیا دیدی که چه می شد اگر بر راه راست بودی؟
۱۲. یا به پرهیزگاری فرمودی.

۱ یعنی وقتی که کافر شد، فطرت سلیمه را ضائع ساخت.

۲ و شاید که معنی آیت چنین باشد: پس چه چیز باعث تکذیب تو می شود یا محمد در مقدمه جزای اعمال بعد این همه پند.

۳ مترجم گوید: «افرا باسم ربک» تا «الم یعلم» اول چیزی است که بر آن حضرت، صلی الله علیه و سلم، نازل شد و معنای اقراء تهیی است برای وحی قرآن و تلاوت آن.

۱۳. آیا دیدی که چه می‌شد اگر دروغ شمرد و روی گردان گشت؟
۱۴. آیا ندانستی این روی گرداننده که خدا می‌بیند؟<sup>۱</sup>
۱۵. نی‌انی! اگر باز نخواهد ایستاد، خواهیم کشید او را به موی پیشانی.
۱۶. به آن موی پیشانی دروغ زن خطاکار.
۱۷. پس باید که فریاد کند اهل مجلس خود را.
۱۸. ما نیز خواهیم طلبید پیاده‌ها را.<sup>۲</sup>
۱۹. نی‌انی! فرمان او قبول مکن و نمازگزار و قرب خدا طلب نما.

## ۹۷. سوره قدر

در مکه نازل شده و آن پنج آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان
- هر آینه ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر.<sup>۳</sup>
۲. و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست شب قدر؟
۳. شب قدر بهتر است از هزار ماه.
۴. فرود می‌آیند فرشتگان و روح در آن شب به فرمان پروردگار خویش برای سرانجام کردن هر کار.
۵. آن شب تا وقت طلوع فجر، محض سلامتی است.

## ۹۸. سوره بینه

در مدینه نازل شده و آن هشت آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان
- نبودند کافران<sup>۴</sup> از اهل کتاب و مشرکان جداشونده (یعنی از آیین خود) تا وقتی که بیاید به ایشان حجت ظاهر.<sup>۵</sup>
۲. که پیغمبر است از جانب خدا، می‌خواند صحیفه‌های پاک (یعنی سوره قرآن).
۳. در آن صحیفه‌ها احکامی است راست و درست.
- ۱ یعنی باید دانست که عاقبت اهتدا و هدایت، بهشت است و عاقبت ضلال و اضلال، دوزخ است؛ پس این مدعا را به نوعی از بلاغت ادا کرده شده.
- ۲ یعنی فرشتگان سخت عقوبتکننده را.
- ۳ یعنی یک دفعه از لوح محفوظ به آسمان دنیا.
- ۴ یعنی حال ایشان، مقتضی ارسال رسول و انزال کتاب بود؛ ازین جهت رسول فرستادیم و قرآن فرود آوردیم.
- ۵ یعنی ایشان را تکلیف نکردیم به ترک ادیان خویش، مگر بعد اقامت حجت ظاهر.

۴. و متفرّق نشدند اهل کتاب،<sup>۱</sup> مگر بعد از آنکه آمد به ایشان حجّت ظاهر.
۵. و فرموده نشد ایشان را، مگر آنکه عبادت کنند خدای را خالص ساخته برای او پرستش را، متدین به دین ابراهیم شده و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را و این است احکام ملت درست.
۶. هرآینه آنان که کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان، در آتش دوزخ باشند، جاویدان آنجا، ایشانند بدترین خلق.
۷. هرآینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، ایشانند بهترین خلق.
۸. جزای ایشان نزدیک پروردگار ایشان بوستان‌های همیشه باشیدن است، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، خشنود شد خدا از ایشان و خشنود شدند ایشان از خدا. این وعده کسی راست که بترسد از پروردگار خود.

### ۹۹. سوره زلزال

در مدینه نازل شده و آن هشت آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. وقتی که جنبانیده شود زمین را به آن جنبش خودش.
۲. و بیرون آورد زمین بارهای خویش.<sup>۱</sup>
۳. و گوید انسان: چه حالت است زمین را؟
۴. آن روز، تقریر کند زمین قصه‌های خود را.
۵. به سبب آنکه پروردگار تو حکم فرستاده است به سوی زمین.
۶. آن روز بازگردند مردمان بر احوال مختلف<sup>۲</sup> تا نموده شود به ایشان جزای اعمال ایشان.
۷. پس هرکه کرده باشد هم سنگ یک ذره عمل نیک، ببیند آن را.
۸. و هرکه کرده باشد هم سنگ یک ذره عمل بد، ببیند آن را.

### ۱۰۰. سوره عادیات

در مکه نازل شده است و آن یازده آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. قسم به اسبان تیزدونده به وجهی که از دم پر شوند!
۲. پس قسم به اسبان آتش برآرنده به آنکه به نعل خود سنگ را بزنند!

۱ یعنی بعض مقبول شدند و بعض مردود.

۲ یعنی گنج‌ها را.

۳ یعنی از جای حساب.



۳. پس به اسبان غارت کننده چون در وقت صبح درآیند.
۴. پس برانگیزند به آن وقت غبار را.<sup>۱</sup>
۵. پس درآیند به آن وقت در میان جماعتی.<sup>۲</sup>
۶. هرآینه آدمی به نسبت پروردگار خود ناشکرگزار است.
۷. و هرآینه آدمی بر ناسپاسی خود مطلع است.
۸. و هرآینه آدمی در دوست داشتن مال، مبالغه کننده است.
۹. آیا نمی داند که چون برانگیخته شود هرآنچه در گورها باشد.
۱۰. و ظاهر ساخته شود هرآنچه در سینه‌ها باشد.
۱۱. هرآینه پروردگار ایشان به احوال ایشان آن روز خبردار است.

### ۱۰۱. سوره قارعه

در مکه نازل شده و آن یازده آیت است.

به نام خدای بخشاینده مهربان

۱. قیامت!
۲. چیست آن قیامت؟
۳. و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست آن قیامت؟
۴. [قیامت متحقق شود] روزی که باشند مردمان مانند پروانه‌های پراکنده ساخته.
۵. و باشند کوه‌ها مانند پشم رنگین مخلوج نموده.
۶. پس اما هرکه گران باشد پله‌های حسنات او.
۷. پس آن شخص درگذران پسندیده است.
۸. و اما هرکه سبک شد پله‌های حسنات او.
۹. پس جای ماندن آن شخص، هاویه باشد.
۱۰. و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست هاویه؟
۱۱. آتشی است جوشنده.

۱ یعنی به سبب دویدن.

۲ یعنی از اعدا. مترجم گوید: این قَسَم اشارت است به آنکه جهاد مشروع خواهد شد و رضای الهی به اسپان غازیان متعلق خواهد شد؛ والله اعلم.

### ۱۰۲. سوره تکاثر

در مکه نازل شده است و آن هشت آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. غافل کرد شما را از یکدیگر، بسیار طلبی مال.
  ۲. تا وقتی که رسیدید به گورستان‌ها.<sup>۱</sup>
  ۳. نی‌انی! خواهید دانست.
  ۴. باز می‌گویم: نی‌انی! خواهید دانست.
  ۵. نی‌انی! اگر بدانید حقیقت کار را به علم یقین [غافل نمی‌شدید]
  ۶. البته خواهید دید دوزخ را.
  ۷. باز البته خواهید دید دوزخ را دیدن ظاهر بی‌شبهه.
  ۸. باز البته سؤال کرده خواهید شد آن روز از نعمت.<sup>۲</sup>

### ۱۰۳. سوره عصر

در مکه نازل شده و آن سه آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. قسم به زمان!
  ۲. هرآینه آدمی در زیان است.
  ۳. مگر آنان که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند و یکدیگر را وصیت کردند به دین درست و یکدیگر را وصیت کردند به شکیبایی.

### ۱۰۴. سوره همزه

در مکه نازل شده و آن نه آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. وای هر عیب‌کننده غیبت‌گوینده را!
  ۲. آن که فراهم آورد مال را و نگاه داشت آن را.
  ۳. می‌پندارد که مال او زندگی جاوید دهدش!

۱ یعنی مدفون شدید.

۲ یعنی در مقابله آن شکر کردید یا کفران ورزیدید.

۴. نی‌انی! البته انداخته خواهد شد به حطمه.
۵. و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست حطمه؟!
۶. آتش خدا، فروخته شده!
۷. که غالب شود بر دل‌ها.
۸. هرآینه آن آتش بر ایشان گماشته شده است.
۹. در ستون‌های دراز درآورده شده است.

### ۱۰۵. سوره فیل

در مکه نازل شده و آن پنج آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. آیا ندیدی چگونه معامله کرد پروردگار تو با اهل فیل؟
۲. آیا نساخت بداندیشی ایشان را در بی‌فایدگی؟
۳. و فرستاد بر ایشان جانوران فوج فوج.
۴. می‌انداختند به سوی ایشان سنگریزه‌ها از سنگ گل.
۵. پس ساخت ایشان را مانند آخر و باقی مانده بعد از خوردن دواب.

### ۱۰۶. سوره قریش

در مکه نازل شده و آن چهار آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. برای شکر الفت دادن قریش.
۲. [یعنی] الفت دادن ایشان به سفر زمستان و تابستان.
۳. باید که عبادت کنند پروردگار این خانه را.
۴. آن که طعام داد ایشان را از بهر آنکه گرسنه بودند و امن داد ایشان را از بهر آنکه ترسان بودند.

۱ مترجم گوید: ابرهه، پادشاه یمن، عزم هدم کعبه کرد و فیلان بسیار و لشکر بی‌شمار به هم آورد؛ چون نزدیک کعبه رسید، خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تا هلاک کند.

### ۱۰۷. سوره ماعون

در مکه نازل شده و آن هفت آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان.
۲. آیا دیدی آن شخص را که دروغ می‌شمرد جزای اعمال را؟
۳. پس آن شخص مردی است که به اهانت می‌راند یتیم را.
۴. و رغبت نمی‌دهد بر طعام دادن فقیر.
۵. پس وای آن نمازگزاران را!
۶. آنان که ایشان از نماز خود غفلت می‌ورزند.
۷. آنان که ایشان ریا می‌کنند.
۸. و عاریت نمی‌دهند ماعون را.<sup>۱</sup>

### ۱۰۸. سوره کوثر

در مکه نازل شده و آن سه آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان
۲. [یا محمد] هرآینه ما عطا کردیم تو را کوثر.<sup>۲</sup>
۳. پس نمازگزار برای پروردگار خود و شتر را نحر کن.
۴. هرآینه دشمن تو، همان است دم بریده.

### ۱۰۹. سوره کافرون

در مکه نازل شده و آن شش آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان
۲. بگو: ای کافران!
۳. پرستش نمی‌کنم آنچه شما می‌پرستید.
۴. و نه شما پرستش می‌کنید آنچه می‌پرستم.
۵. و نه من پرستش خواهم کرد آنچه شما می‌پرستید.
۶. یعنی سوزن و دیگ و پیاله و دلو، مانند آن. مترجم گوید: نصف این سوره تصویر حال کافر است و نصف، تصویر حال منافق؛ والله اعلم.
۷. کوثر نام حوضی است که در آخرت خواهد بود. امت آن حضرت، صلی‌الله علیه و سلم، از آن خواهند آشامید.

۵. و نه شما پرستش خواهید کرد آنچه من می پرستم.  
۶. شما را دین شماست و مرا دین من است!

### ۱۱۰. سوره نصر

در مدینه نازل شده و آن سه آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. وقتی که بیاید نصرت خدا و به ظهور آید فتح.
  ۲. و ببینی مردمان را داخل می شوند در دین خدا فوج فوج.
  ۳. پس به پاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خود و امرزش طلب کن از وی، هر آینه خدا هست به رحمت رجوع کننده.<sup>۱</sup>

### ۱۱۱. سوره مسد

در مکه نازل شده و آن پنج آیت است.

- به نام خدای بخشاینده مهربان
۱. هلاک باد دو دست آبی لهب و هلاک باد ابولهب!<sup>۱</sup>
  ۲. هیچ دفع نکرد از سر ابولهب مال او و آنچه پیدا کرده بود.
  ۳. خواهد درآمد به آتش صاحب شعله.
  ۴. و زن او نیز [درآید، مراد می دارم] بردارنده هیزم را.<sup>۲</sup>
  ۵. در گردن او رسنی از لیف خرما.<sup>۳</sup>

۱ یعنی این همه علامت قرب اجل توست یا محمد، پس در استعداد آخرت مقید شو.  
۲ آن حضرت اقارب خود را از آتش دوزخ تخویف فرمود: ابی لهب سنگ به طرف آن حضرت انداخت که آیا برای این کار ما را جمع کرده بودی؟ این سوره نازل شد.  
۳ دو دست کنایه از ذات اوست.  
۴ یعنی سخن چینی کننده.  
۵ یعنی به خفه کردن تعدیب کرده شود.

### ۱۱۲. سوره اخلاص

در مکه نازل شده و آن چهار آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان بگو: خدا یگانه است.
۲. خدا بی نیاز است.
۳. نه زاد و نه زاده شده.
۴. و نیست هیچ کس او را همسر.

### ۱۱۳. سوره فلق

در مدینه نازل شده و آن پنج آیت است.

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان بگو: پناه می گیرم به پروردگار صبح.
۲. از شرّ هرچه آفریده است.
۳. و از شرّ شبّ تاریک، چون تاریکی او منتشر شود.
۴. و از شرّ زنان سحرکننده در گره‌ها دم زنده.
۵. و از شرّ هر حاسد چون حسد کند.

### ۱۱۴. سوره ناس

در مدینه نازل شده و آن شش آیت است

۱. به نام خدای بخشاینده مهربان بگو: پناه می گیرم به پروردگار مردمان.
  ۲. پادشاه مردمان.
  ۳. معبود مردمان.
  ۴. از شرّ وسوسه اندازنده چون ذکر گفته شد.
  ۵. [باز پس رونده] آنکه وسوسه می افکند در سینه‌های مردمان.
  ۶. از جنس جن باشد یا از جنس مردمان.
- صدق الله العظيم



## فهرست سوره های قرآن کریم به ترتیب

شماره سوره	اسم سوره	عدد آیه ها	صفحه	شماره سوره اسم سوره	عدد آیه ها	صفحه
۱	سوره حمد	۷	۴	سوره مجادله	۵۸	۳۲۷
۲	سوره بقره	۲۸۶	۴	سوره حشر	۵۹	۳۲۹
۳	سوره آل عمران	۲۰۰	۳۱	سوره ممتحنه	۶۰	۳۳۱
۴	سوره نساء	۱۷۶	۴۶	سوره صف	۶۱	۳۳۳
۵	سوره مائده	۱۲۰	۶۴	سوره جمعه	۶۲	۳۳۴
۶	سوره انعام	۱۶۵	۷۷	سوره منافقون	۶۳	۳۳۵
۷	سوره اعراف	۲۰۶	۹۱	سوره تغابن	۶۴	۳۳۶
۸	سوره انفال	۷۵	۱۰۶	سوره طلاق	۶۵	۳۳۷
۹	سوره توبه	۱۲۹	۱۱۳	سوره تحریم	۶۶	۳۳۹
۱۰	سوره یونس	۱۰۹	۱۲۴	سوره ملک	۶۷	۳۴۰
۱۱	سوره هود	۱۲۳	۱۳۱	سوره قلم	۶۸	۳۴۲
۱۲	سوره یوسف	۱۱۱	۱۳۹	سوره حاقه	۶۹	۳۴۴
۱۳	سوره زمر	۴۳	۱۴۷	سوره معارج	۷۰	۳۴۶
۱۴	سوره ابراهیم	۵۲	۱۵۱	سوره نوح	۷۱	۳۴۷
۱۵	سوره حجر	۹۹	۱۵۴	سوره جن	۷۲	۳۴۸
۱۶	سوره نحل	۱۲۸	۱۵۸	سوره مزمل	۷۳	۳۵۰
۱۷	سوره اسراء	۱۱۱	۱۶۶	سوره مدثر	۷۴	۳۵۱
۱۸	سوره کهف	۱۱۰	۱۷۳	سوره قیامت	۷۵	۳۵۳
۱۹	سوره مریم	۹۸	۱۸۰	سوره انسان	۷۶	۳۵۵
۲۰	سوره طه	۱۳۵	۱۸۴	سوره مرسلات	۷۷	۳۵۶
۲۱	سوره انبیاء	۱۱۲	۱۹۱	سوره نبأ	۷۸	۳۵۸
۲۲	سوره حج	۷۸	۱۹۷	سوره نازعات	۷۹	۳۵۹
۲۳	سوره مؤمنون	۱۱۸	۲۰۲	سوره عبس	۸۰	۳۶۱
۲۴	سوره نور	۶۴	۲۰۷	سوره تکوین	۸۱	۳۶۲
۲۵	سوره فرقان	۷۷	۲۱۳	سوره انفطار	۸۲	۳۶۳
۲۶	سوره شعراء	۲۲۷	۲۱۷	سوره مطففین	۸۳	۳۶۴
۲۷	سوره نمل	۹۳	۲۲۴	سوره انشقاق	۸۴	۳۶۵
۲۸	سوره قصص	۸۸	۲۲۹	سوره بروج	۸۵	۳۶۶
۲۹	سوره عنکبوت	۶۹	۲۳۵	سوره طارق	۸۶	۳۶۷
۳۰	سوره روم	۶۰	۲۳۹	سوره اعلی	۸۷	۳۶۷
۳۱	سوره لقمان	۳۴	۲۴۲	سوره غاشیه	۸۸	۳۶۸
۳۲	سوره سجده	۳۰	۲۴۵	سوره فجر	۸۹	۳۶۹
۳۳	سوره احزاب	۷۳	۲۴۶	سوره بلد	۹۰	۳۷۰
۳۴	سوره سبأ	۵۴	۲۵۲	سوره شمس	۹۱	۳۷۱
۳۵	سوره فاطر	۴۵	۲۵۶	سوره لیل	۹۲	۳۷۲
۳۶	سوره یس	۸۳	۲۵۹	سوره ضحی	۹۳	۳۷۳
۳۷	سوره صافات	۱۸۲	۲۶۳	سوره انشراح	۹۴	۳۷۳
۳۸	سوره ص	۸۸	۲۶۸	سوره تین	۹۵	۳۷۴
۳۹	سوره زمر	۷۵	۲۷۲	سوره علق	۹۶	۳۷۴
۴۰	سوره غافر	۸۵	۲۷۷	سوره قدر	۹۷	۳۷۵
۴۱	سوره فصلت	۵۴	۲۸۲	سوره بینه	۹۸	۳۷۵
۴۲	سوره شوری	۵۳	۲۸۶	سوره زلزال	۹۹	۳۷۶
۴۳	سوره زخرف	۸۹	۲۹۰	سوره عادیات	۱۰۰	۳۷۶
۴۴	سوره دخان	۵۹	۲۹۴	سوره قارعه	۱۰۱	۳۷۷
۴۵	سوره جنائیه	۳۷	۲۹۶	سوره تکاثر	۱۰۲	۳۷۸
۴۶	سوره احقاف	۳۵	۲۹۸	سوره عصر	۱۰۳	۳۷۸
۴۷	سوره محمد(ص)	۳۸	۳۰۱	سوره همزه	۱۰۴	۳۷۸
۴۸	سوره فتح	۲۹	۳۰۴	سوره قیل	۱۰۵	۳۷۹
۴۹	سوره حجرات	۱۸	۳۰۷	سوره قریش	۱۰۶	۳۷۹
۵۰	سوره ق	۴۵	۳۰۹	سوره ماعون	۱۰۷	۳۸۰
۵۱	سوره ذاریات	۶۰	۳۱۱	سوره کوثر	۱۰۸	۳۸۰
۵۲	سوره طور	۴۹	۳۱۳	سوره کافرون	۱۰۹	۳۸۰
۵۳	سوره نجم	۶۲	۳۱۵	سوره نصر	۱۱۰	۳۸۱
۵۴	سوره قمر	۵۵	۳۱۷	سوره مسد	۱۱۱	۳۸۱
۵۵	سوره رحمن	۷۸	۳۱۹	سوره اخلاص	۱۱۲	۳۸۲
۵۶	سوره واقعه	۹۶	۳۲۱	سوره فلق	۱۱۳	۳۸۲
۵۷	سوره حدید	۲۹	۳۲۴	سوره ناس	۱۱۴	۳۸۲



ریاست سازمان امور دینی ترکیه، تنها نهاد رسمی است که در ترکیه مسئولیت انجام کلیه خدمات دینی را بر عهده دارد.



جمهوری ترکیه، کشوری است که در سال ۱۹۲۳ به عنوان ادامه‌ی یک تمدن باستانی تاسیس شد. کشور ترکیه که نقطه تقاطع تمدن‌ها است اکثریت جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند.